



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصنيف السيدة

سحر حجاب

بترجمہ و دعا و زیارت

دشت خط

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه مهدیه / الصحیفه المهدیه (عجل الله فرجه)

نویسنده:

مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر چاپی:

الماس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	صحیفه مهدیه
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	فهرست مطالب
۲۷	مقدمه (۱)
۳۲	نکته مهم
۳۴	ضرورت دعا از نظر عقل و نقل
۳۹	آداب دعا
۵۲	اهمیت مداومت بر دعا
۵۳	نقش یقین در مستجاب شدن دعا
۵۷	یقین و آثار شگفت انگیز آن
۵۹	دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه
۶۳	مظلوم ترین فرد عالم
۶۶	نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی ختباط
۶۸	تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی
۷۰	دعای امام عصر ارواحنا فداه
۷۵	تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۷۷	مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه
۷۷	اشاره
۷۹	۱ - فضیلت مسجد کوفه
۸۰	۲ - فضیلت مسجد سهله
۸۲	۳ - مسجد مقدس جمکران
۸۲	مسجد مقدس جمکران
۸۷	توجه به وظایف دوران غیبت

- ۹۰ اعتیاد به عصر غیبت ...
- ۹۲ روش فکری خود را تغییر دهید!
- ۹۵ به سوی امیر عالم هستی - - - - -
- ۹۹ توجّه به حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه لازم است - - - - -
- ۱۰۴ انتظار - - - - -
- ۱۱۰ انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! - - - - -
- ۱۱۱ معرفت یا راه انتظار - - - - -
- ۱۱۴ احساس حضور ، یا نشانی از معرفت - - - - -
- ۱۱۹ معنای حضور چیست ؟ - - - - -
- ۱۲۱ عظمت امام عصر ارواحنا فداه - - - - -
- ۱۴۴ بخش اول: نمازها - - - - -
- ۱۴۴ اشاره - - - - -
- ۱۴۴ ۱ نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۴۴ ۲ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۴۶ ۳ نماز مسجد مقدّس جمکران - - - - -
- ۱۴۶ ۴ نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعماتیّه (۵) - - - - -
- ۱۴۸ ۵ نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت ها - - - - -
- ۱۴۹ ۶ نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۵۰ ۷ نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهمّ - - - - -
- ۱۵۷ ۸ نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۶۱ ۹ نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۶۲ ۱۰ اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنج شنبه - - - - -
- ۱۶۴ ۱۱ نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب های پنج شنبه و جمعه - - - - -
- ۱۶۵ ۱۲ نماز استغاثه به نحو دیگر - - - - -
- ۱۶۵ ۱۳ نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه - - - - -
- ۱۶۸ ۱۴ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -

- ۱۵ نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ۱۶۹
- ۱۶ نماز شب نیمه ماه شعبان ۱۷۱
- ۱۷ نماز دیگر در شب نیمه شعبان ۱۷۱
- دعا برای ظهور...در قنوت نمازها ۱۷۸
- ۱ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در قنوت نمازها ۱۷۸
- ۲ قنوت حضرت امام سجاد علیه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان ۱۷۹
- ۳ قنوت حضرت امام باقر علیه السلام قنوت حضرت امام باقر علیه السلام ۱۸۲
- ۴ قنوت حضرت امام رضا علیه السلام ۱۸۵
- ۵ قنوت حضرت امام جواد علیه السلام ۱۸۸
- ۶ دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت ۱۹۰
- ۷ قنوت حضرت امام هادی علیه السلام ۱۹۴
- ۸ دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت ۱۹۶
- ۹ دعای قنوت حضرت بقیه الله عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۲۱۹
- ۱۰ دعای دوّم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در قنوت ۲۲۱
- ۱۱ دعای سوّم آن حضرت در قنوت ۲۲۷
- ۱۲ دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۲۲۷
- بخش سوم: ادعیه بعد از نمازها ۲۲۸
- ۱ دعا برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب ۲۲۸
- ۲ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه پس از نمازهای واجب ۲۲۸
- ۳ دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود ۲۳۰
- ۴ دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ۲۳۱
- ۵ دعای بعد از نماز صبح ۲۳۴
- ۶ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در تعقیب نماز صبح ۲۳۶
- ۷ دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ۲۳۶
- ۸ دعای دیگری برای حضرت بقیه الله عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه بعد از نماز صبح ۲۳۶
- ۹ - ۱۱ دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ۲۳۶

- ۱۲ دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ۲۴۱
- ۱۳ دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ۲۴۱
- ۱۴ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه پس از نماز عصر ۲۴۵
- ۱۵ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب ۲۴۸
- ۱۶ دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ۲۵۰
- بخش چهارم: دعاهای ایام هفته ۲۵۱
- ۱ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه ۲۵۱
- ۲ صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ۲۵۲
- ۳ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه ۲۵۲
- اشاره ۲۵۲
- حکایت دعای علوی مصری ۲۵۲
- ۴ دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود ۲۵۵
- اشاره ۲۵۵
- روز جمعه ؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است ۳۰۱
- فضیلت دعای ندبه ۳۰۲
- ۵ دعای ندبه ۳۰۵
- ۶ دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج ۳۲۸
- ۷ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه در روز جمعه ۳۲۸
- ۸ دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه ۳۲۸
- ۹ صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود ۳۲۸
- ۱۰ دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه در روز جمعه ، عید فطر و عید قربان ۳۲۸
- اشاره ۳۲۸
- حکایت صلوات ضرب اصفهانی ۳۳۱
- ۱۱ صلوات ضرب اصفهانی صلوات ضرب اصفهانی ۳۳۷
- ۱۲ صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۳۴۵
- بخش پنجم: دعاهای هر ماه ۳۴۷

- ۳۴۷ ادعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا
- ۳۵۹ ادعای دیگری در روز عاشورا
- ۳۶۰ ادعای ایام ماه رجب ...
- ۳۶۴ ادعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است
- ۳۶۶ ادعای سوم در ایام ماه رجب دعای سوم در ایام ماه رجب
- ۳۷۰ ادعای روز سوم ماه شعبان
- ۳۷۰ دعای روز سوم ماه شعبان
- ۳۷۳ فضیلت شب نیمه شعبان
- ۳۷۵ ادعای شب نیمه شعبان
- ۳۷۵ اشاره
- ۳۷۷ فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل در آن شب
- ۳۷۹ ادعای افتتاح
- ۳۹۲ ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
- ۳۹۳ ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان
- ۳۹۵ ادعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان
- ۴۰۵ ادعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان
- ۴۰۷ ادعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان
- ۴۰۹ ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۴۱۰ ادعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۴۱۲ ادعای سوم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۴۱۲ اشاره
- ۴۱۳ از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز عید فطر
- ۴۱۵ ادعای روز عید غدیر کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم
- ۴۲۳ تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه
- ۴۲۵ بخش ششم: دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست
- ۴۲۵ ادعای عهد

- ۴۲۵ اشاره
- ۴۳۰ معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه -
- ۴۳۲ ۲دعای عهد دیگر
- ۴۳۷ ۳دعای زمان غیبت
- ۴۴۵ ۴دعای زمان غیبت به روایتی دیگر
- ۴۵۷ ۵دعای معرفت در زمان غیبت
- ۴۷۰ ۶دعای دیگر در زمان غیبت
- ۴۷۱ ۷دعای دیگری نیز در زمان غیبت
- ۴۷۲ ۸دعای غریق در زمان غیبت
- ۴۷۳ ۹دعایی مناسب با زمان غیبت
- ۴۷۴ ۱۰دعای نجات از فتنه های آخر الزمان
- ۴۷۶ ۱۱دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان
- ۴۷۸ ۱۲دعا برای حفظ شدن از شر دجال دعا برای حفظ شدن از شر دجال
- ۴۸۳ ۱۳دعای فرج) إلهی عظم البلاء (
- ۴۸۵ ۱۴دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
- ۴۸۶ ۱۵دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سجده شکر
- ۴۸۸ ۱۶دعای هنگام عطسه
- ۴۸۸ ۱۷دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دعای سفر در ساعت مخصوص
- ۴۹۰ ۱۸دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز
- ۴۹۳ ۱۹دعای دیگر در ساعت مخصوصه آن حضرت ارواحنا فداه
- ۴۹۸ ۲۰صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه
- ۵۰۰ ۲۱دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها
- ۵۰۱ ۲۲دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه
- ۵۰۲ ۲۳دعای سهم اللیل ، از امام زمان ارواحنا فداه
- ۵۰۵ ۲۴دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- ۵۰۷ ۲۵دعای «یا نور التور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

- ۵۰۷ ----- ۲۶ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات
- ۵۰۸ ----- ۲۷ دعای مهم دیگر از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت ها
- ۵۱۰ ----- ۲۸ دعای امام عصر عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای شفاء از بیماری ها
- ۵۱۱ ----- ۲۹ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی ها و حفظ شدن از دزدان
- ۵۱۲ ----- ۳۰ دعای دیگری از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای رهایی از سختی ها و مشکلات
- ۵۱۵ ----- ۳۱ حرز امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه
- ۵۱۶ ----- ۳۲ دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه
- ۵۱۸ ----- ۳۳ دعا برای فرج در روز ظهور
- ۵۱۹ ----- ۳۴ دعای حضرت بقیه اللّٰهِ ارواحنا فداه در اوّل ظهور
- ۵۲۰ ----- ۳۵ دعای شیعه هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه
- ۵۲۱ ----- ۳۶ دعای آن حضرت عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه هنگام عبور از وادی السلام
- ۵۲۳ ----- ۳۷ ثواب خواندن سوره «کَهِف»
- ۵۲۳ ----- ۳۸ ثواب خواندن سوره مبارکه «کَهِف»
- ۵۲۴ ----- ۳۹ از خواصّ سوره «یس»
- ۵۲۵ ----- ۴۰ فضیلت سوره های «مَسْتَبَحَات»
- ۵۲۶ ----- ۴۱ خواندن سوره «القارعه» سبب ایمنی از فتنه دَجَال است
- ۵۲۹ ----- بخش هفتم: توشل به حضرت بقیه اللّٰهِ علیه السلام
- ۵۲۹ ----- اشاره
- ۵۳۰ ----- جریان دعای توشل خواجه نصیر رحمه الله
- ۵۳۰ ----- جریان دعای توشل ...
- ۵۳۵ ----- ۱) ... دعای توشل خواجه نصیر رحمه الله دعای توشل معروف به دعای توشل خواجه نصیر رحمه الله
- ۵۵۳ ----- ۲ دعای توشل به حضرت بقیه اللّٰهِ عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه
- ۵۵۴ ----- ۳ توشل به حضرت بقیه اللّٰهِ ارواحنا فداه در مشکلات
- ۵۵۷ ----- ۴ توشل دیگر به حضرت بقیه اللّٰهِ عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز)
- ۵۵۸ ----- ۵ توشل دیگر ... (یا محمد یا علی (توشل دیگر به حضرت بقیه اللّٰهِ عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه
- ۵۶۱ ----- ۶ توشل دیگر به حضرت بقیه اللّٰهِ ارواحنا فداه (یا صاحب الزّمان)

- ۷توشل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ۵۶۱
- ۸توشل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه) يا حجه القائم ۵۶۱
- ۹توشل برای رفع بیماری ۵۶۱
- بخش هشتم:عریضه ها ۵۶۲
- اشاره ۵۶۲
- جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه ۵۶۳
- جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه ۵۶۶
- جریان دیگر در مورد نوشتن ۵۶۶
- ۱کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه ۵۷۰
- ۲عریضه ای به خداوندکه در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود ۵۷۸
- ۳عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۵۸۶
- بخش نهم:استخاره ها ۵۹۰
- اشاره ۵۹۰
- دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد ۵۹۲
- اشاره ۵۹۲
- ۱دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است ۵۹۲
- دعای استخاره ۵۹۲
- نکته حایز اهمیت ! ۵۹۴
- ۲دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن ۵۹۵
- ۳استخاره با رقعہ ه از حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است ۵۹۶
- انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است ۵۹۸
- ۴استخاره اول ۵۹۸
- ۵استخاره دوم ۵۹۹
- ۶استخاره سوم ۶۰۰
- ۷استخاره چهارم ۶۰۱
- ۸استخاره پنجم ۶۰۲

- بخش دهم: دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند ۶۰۴
- ۱ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی ها به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۶۰۴
- اشاره ۶۰۴
- حکایت حرز یمانی ۶۲۸
- ۲ حرز یمانی ۶۳۳
- ۳ دعای حریقکه صبحگاهان خوانده می شود (۸) ۶۴۸
- ۴ دعای الحاح از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۶۷۰
- ۵ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۶۷۱
- ۶ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۶۷۳
- ۷ دعای سجده امام سجّاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۶۷۴
- اشاره ۶۷۴
- حکایت دعای عبرات ۶۷۶
- ۸ دعای عبرات (۲۱) ۶۷۹
- بخش یازدهم: زیارت نواب امام زمان علیه السلام ۶۹۶
- اشاره ۶۹۶
- ۱ زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه ۶۹۷
- ۲ زیارت نایب اول ۶۹۹
- ۳ نماز برای وسعت رزق که جناب محمّد بن عثمان قدس سره نقل شده است ۷۰۴
- ۴ دعای مهمّ ۷۰۵
- ۵ دعای سمات که نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ۷۱۳
- ۶ دعای روز عید فطر که از جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ۷۲۸
- ۷ زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما ۷۳۸
- ۸ دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به دعای کمیل (۱۷) ۷۳۹
- خاتمه کتاب یا ملحقّات ۷۵۷
- بعضی از عباداتی که مورد توجه ۷۵۷
- نماز شب ۷۶۵

۷۶۸ زیارت عاشورا
۷۷۸ دعای بعد از زیارت عاشورا(دعای علقمه) (۴)
۷۸۸ ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه کبیره
۷۹۰ زیارت جامعه کبیره
۸۱۰ زیارت امین الله و فضیلت آن
۸۱۵ زیارت وارث
۸۲۲ منابع ومصادر کتاب
۸۲۳ درباره مرکز

سرشناسه: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

عنوان قراردادی: الصحیفه المهدیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه مهدیه: ترجمه الصحیفه المهدیه/تالیف مرتضی مجتهدی؛ مترجم موسسه اسلامی ترجمه؛ مصحح ترجمه محمد ظریف، محمدحسین رحیمیان.

وضعیت ویراست: [ویراست ۴].

مشخصات نشر: قم: الماس، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۵۲ص.

شابک: : ۹۷۸۹۶۴۷۷۵۳۱۴۲ ۶۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. --- دعاها

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. --- زیارتنامه ها

موضوع: زیارتنامه ها

موضوع: دعاها

شناسه افزوده: مجتهدی، مرتضی، ۱۳۳۳ -، گردآورنده

شناسه افزوده: ظریف، محمد، ۱۳۳۵ -، مصحح

شناسه افزوده: رحیمیان، محمدحسین، ۱۳۴۵ -، مصحح

شناسه افزوده: موسسه اسلامی ترجمه

رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۳ م ۳ ص ۱۴۰۳ ۸۸۳۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۵۶۶۰۰

فهرست مطالب

مقدمه

نکته مهم ۲۳

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل ۲۵

آداب دعا ۲۸

اهمیت مداومت بر دعا ۴۲

نقش یقین در مستجاب شدن دعا ۴۳

یقین و آثار شگفت انگیز آن ۴۵

دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه لازم و ضروری است ۴۷

مظلوم ترین فرد عالم ۵۱

نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط ۵۳

تجربه مهمّ مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ۵۴

دعای امام عصر ارواحنا فداه برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند ۵۶

تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه ۶۰

مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۶۲

۱ - فضیلت مسجد کوفه و اینکه آنجا جایگاه نماز حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور است ۶۳

۲ - فضیلت مسجد سهله که مقام حضرت صاحب الزمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه در آنجاست ۶۴

۳ - مسجد مقدّس جمکران ۶۶

توجه به وظایف دوران

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه! ۷۳

روش فکری خود را تغییر دهید! ۷۵

به سوی امیر عالم هستی ۷۶

توجه به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه لازم است ۸۰

انتظار ۸۵

انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! ۹۰

معرفت یا راه انتظار ۹۱

احساس حضور، یا نشانی از معرفت ۹۳

معنای حضور چیست؟ ۹۷

عظمت امام عصر ارواحنا فداه در کلمات اهل بیت علیهم السلام ۹۸

بخش اول

نماز ها

۱- نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵

۲- نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵

۳- نماز مسجد مقدس جمکران ۱۱۷

۴- نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعمانیه ۱۱۸

۵- نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت ها ۱۱۹

۶- نماز توجه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه ۱۲۰

۷- نماز و دعای قرح برای رفع مشکلات مهم ۱۲۱

۸- نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۲۷

۹- نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۳۰

۱۰- اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنج شنبه ۱۳۱

۱۱- نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب های پنج شنبه و جمعه ۱۳۲

۱۲- نماز استغاثه به نحو دیگر ۱۳۳

۱۳- نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه ۱۳۳

۱۴- نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۳۶

۱۵- نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ۱۳۶

۱۶- نماز شب نیمه ماه شعبان ۱۳۸

۱۷- نماز دیگر در شب نیمه شعبان ۱۳۹

بخش دوم

دعاهای قنوت

زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در قنوت نمازها ۱۴۵

۲- قنوت حضرت امام سجّاد علیه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان ۱۴۶

۳- قنوت حضرت امام باقر علیه السلام ۱۴۸

۴- قنوت حضرت امام رضا علیه السلام ۱۵۰

۵- قنوت حضرت امام جواد علیه السلام ۱۵۲

۶- دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت ۱۵۳

۷- قنوت حضرت امام هادی علیه السلام ۱۵۶

۸- دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت ۱۵۸

۹- دعای قنوت حضرت بقیّه اللّٰه عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۱۷۱

۱۰- دعای دوّم حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه در قنوت ۱۷۳

۱۱- دعای سوّم آن حضرت در قنوت ۱۷۷

۱۲- دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۱۷۷

بخش سوّم

ادعیه بعد از نمازها

۱- دعا برای ظهور حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب ۱۸۱

۲- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه پس از نمازهای واجب ۱۸۱

۳- دعا برای تشرف خدمت حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود ۱۸۳

۴- دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ۱۸۴

۵- دعای بعد از نماز صبح ۱۸۶

۶- دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در تعقیب نماز صبح ۱۸۷

۷- دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ۱۸۸

۸- دعای دیگری برای حضرت بقیّه اللّٰه عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه بعد از نماز صبح ۱۸۸

۹- ۱۱- دعاهایی که حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ۱۸۹

۱۲- دعا برای ظهور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ۱۹۲

۱۳ - دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ۱۹۳

۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه پس از نماز عصر ۱۹۶

۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب ۱۹۸

۱۶ - دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ۲۰۰

بخش چهارم

دعاهای ایام هفته

۱ - دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه در روزهای پنجشنبه ۲۰۳

۲ - صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ۲۰۳

۳ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه ۲۰۴

حکایت دعای علوی مصری ۲۰۵

۴ - دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود ۲۰۷

روز جمعه ؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است ۲۳۸

فضیلت دعای ندبه ۲۳۹

۵ - دعای ندبه ۲۴۱

۶ - دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج ۲۵۶

۷ - دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه در روز جمعه ۲۵۶

۸ - دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه ۲۵۷

۹ - صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود ۲۵۷

۱۰ - دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه در روز جمعه ، عید فطر و عید قربان ۲۵۸

حکایت صلوات ضراب اصفهانی ۲۵۹

۱۱ - صلوات ضراب اصفهانی ۲۶۴

۱۲ - صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیه

۱۳ - فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل در هر شب جمعه ۲۷۰

بخش پنجم

دعاهای هر ماه

۱ - دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء در ظهر روز عاشورا ۲۷۳

۲ - دعای دیگری در روز عاشورا ۲۸۱

۳ - دعای ایام ماه رجب که از ناحیه مقدّسه امام زمان ارواحنا فداء صادر شده است ۲۸۲

۴ - دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدّسه رسیده است ۲۸۵

۵ - دعای سوّم در ایام ماه رجب ۲۸۶

۶ - دعای روز سوّم ماه شعبان ۲۹۰

فضیلت شب نیمه شعبان ۲۹۲

۷ - دعای شب نیمه شعبان ۲۹۳

فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل در آن شب ۲۹۵

۸ - دعای افتتاح ۲۹۶

۹ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان ۳۰۵

۱۰ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۳۰۶

۱۱ - دعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۳۰۸

۱۲ - دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه مبارک رمضان ۳۱۴

۱۳ - دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان ۳۱۶

۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۳۱۷

۱۵ - دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۳۱۸

۱۶ - دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۳۲۰

از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل اللّٰه تعالی فرجه در روز عید فطر ۳۲۱

۱۷ - دعای روز عید غدیر کسی که آن را

بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد ۳۲۳

۱۸ - تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه ۳۲۸

بخش ششم

دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

۱ - دعای عهد ۳۳۱

معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه ۳۳۵

۲ - دعای عهد دیگر ۳۳۷

۳ - دعای زمان غیبت ۳۴۰

۴ - دعای زمان غیبت به روایتی دیگر ۳۴۶

۵ - دعای معرفت در زمان غیبت ۳۵۴

۶ - دعای دیگر در زمان غیبت ۳۶۳

۷ - دعای دیگری نیز در زمان غیبت ۳۶۴

۸ - دعای غریق در زمان غیبت ۳۶۵

۹ - دعایی مناسب با زمان غیبت ۳۶۶

۱۰ - دعای نجات از فتنه های آخر الزمان ۳۶۶

۱۱ - دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان ۳۶۸

۱۲ - دعا برای حفظ شدن از شر دجال ۳۷۰

۱۳ - دعای فرج (إلهی عظم البلاء) ۳۷۴

۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ۳۷۵

۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سجده شکر ۳۷۶

۱۶ - دعای هنگام عطسه ۳۷۷

۱۷ - دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۳۷۸

۱۸ - دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز ۳۸۰

۱۹ - دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۳۸۲

۲۰ - صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۶

۲۱ - دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها ۳۸۷

۲۲ - دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه ۳۸۹

- دعای سهم اللیل ، از امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۹
- ۲۴ - دعای دیگر از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۳۹۲
- ۲۵ - دعای «یا نور التّور» از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۳۹۳
- ۲۶ - دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات ۳۹۴
- ۲۷ - دعای مهم دیگر از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت ها ۳۹۵
- ۲۸ - دعای امام عصر عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای شفاء از بیماری ها ۳۹۷
- ۲۹ - دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی ها و حفظشدن از دزدان ۳۹۸
- ۳۰ - دعای دیگری از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای رهایی از سختی ها و مشکلات ۳۹۹
- ۳۱ - حرز امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۴۰۱
- ۳۲ - دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۴۰۲
- ۳۳ - دعا برای فرج در روز ظهور ۴۰۳
- ۳۴ - دعای حضرت بقیه اللّٰه ارواحنا فداه در اوّل ظهور ۴۰۵
- ۳۵ - دعای شیعه هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه ۴۰۶
- ۳۶ - دعای آن حضرت عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه هنگام عبور از وادی السلام ۴۰۷
- ۳۷ - صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی فَاطِمَةَ وَاَبْنِیْهَا ...) ۴۰۸
- ۳۸ - ثواب خواندن سوره مبارکه «کَهِف» ۴۰۹
- ۳۹ - از خواصّ سوره «یس» ۴۱۰
- ۴۰ - فضیلت سوره های «مَسَبِحَات» ۴۱۰
- ۴۱ - خواندن سوره «القارعه» سبب ایمنی از فتنه دَجَال است ۴۱۲
- بخش هفتم
- توسّل به حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه
- جریان دعای توسّل خواجه نصیر رحمه الله ۴۱۶
- ۱ - دعای توسّل معروف به دعای توسّل خواجه نصیر رحمه الله ۴۲۰
- ۲ - دعای توسّل به حضرت بقیّه اللّٰه

۳- توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مشکلات ۴۳۵

۴- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز) ۴۳۸

۵- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا محمد یا علی ...) ۴۳۸

۶- توسل دیگر به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزمان) ۴۴۱

۷- توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ۴۴۲

۸- توسل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه (یا حجه القائم) ۴۴۲

۹- توسل برای رفع بیماری ۴۴۳

بخش هشتم

عریضه ها

جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه ۴۴۸

جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه ۴۵۰

۱- کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه ۴۵۳

۲- عریضه ای به خداوند که در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود ۴۵۹

۳- عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۴۶۴

بخش نهم

استخاره ها

دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد ۴۷۱

۱- دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است ۴۷۲

نکته حایز اهمیت! ۴۷۴

۲- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن ۴۷۴

۳- استخاره با رقعہ که از حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است ۴۷۶

انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است ۴۷۷

۴- استخاره اول ۴۷۷

۵- استخاره دوم ۴۷۸

استخاره سؤم ۴۷۹

۷- استخاره چهارم ۴۷۹

۸- استخاره پنجم ۴۸۰

بخش دهم

دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند

۱- دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی ها به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۴۸۳

حکایت حرز یمانی ۴۹۹

۲- حرز یمانی ۵۰۳

۳- دعای حریق که صبحگاهان خوانده می شود ۵۱۴

۴- دعای الحاح از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۲۹

۵- دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۰

۶- دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۲

۷- دعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۳

حکایت دعای عبرات ۵۳۵

۸- دعای عبرات ۵۳۷

بخش یازدهم

زیارت ها

استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان ۵۵۱

زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۵۲

آداب زیارت ۵۵۳

۱- زیارت آل یس ۵۶۰

۲- زیارت ندبه ۵۶۶

۳- زیارت امام زمان ارواحنا فداه در روز جمعه ۵۷۵

۴- زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه که در مشکلات و موارد ترسناک خوانده می شود ۵۷۷

۵- زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه که از حضرت بقیه الله عجل الله فرجه روایت شده است ۵۷۸

۶- زیارت ناحیه مقدسه ۵۸۰

۷- زیارت رجیبه که در حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود ۶۰۴

۸- زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام

۹- اذن ورود به حرم های ائمه علیهم السلام و سرداب مقدّس ۶۰۷

۱۰- زیارت حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه در سرداب مقدّس ۶۱۰

۱۱- زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۶۲۴

۱۲- زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۶۲۴

۱۳- زیارت چهارم در سرداب مقدّس ۶۲۴

۱۴- زیارت پنجم حضرت بقیّه الله عجل الله تعالی فرجه ۶۳۱

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۶۳۴

۱۵- زیارت ششم حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه ۶۳۵

۱۶- چگونگی سلام کردن بر امام زمان ارواحنا فداه ۶۳۹

۱۷- سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه به شیوه ای دیگر ۶۴۰

۱۸- زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام ۶۴۰

۱۹- زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام ۶۴۳

۲۰- زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام ۶۴۷

بخش دوازدهم

زیارات توّاب امام عصر ارواحنا فداه

و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده اند

۱- زیارت توّاب امام زمان ارواحنا فداه ۶۵۱

۲- زیارت نایب اوّل جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه ۶۵۳

۳- نماز برای وسعت رزق که از جناب محمّد بن عثمان قدس سره نقل شده است ۶۵۷

۴- دعای مهمّ که جناب محمّد بن عثمان قدس سره آن را بسیار عظیم و باارزش دانسته است ۶۵۸

۵- دعای سمات که از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ۶۶۴

۶- دعای روز عید فطر که از جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ۶۷۴

۷- زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدّس سرهما ۶۸۲

۸- دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به

دعای کمیل ۶۸۳

خاتمه کتاب یا ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجه

حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشند

نماز شب ۷۰۳

زیارت عاشورا ۷۰۶

دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) ۷۱۲

ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه کبیره ۷۱۹

زیارت جامعه کبیره ۷۲۱

زیارت امین الله و فضیلت آن ۷۳۴

زیارت وارث ۷۳۸

منابع و مصادر کتاب ۷۴۵

مقدمه (۱)

حمد و سپاس خدایی را که ما را آفرید، و پیامبر خود را که خاتم انبیاء است به سوی ما فرستاد و ولایت اولیایش، ائمه هدی علیهم السلام را برای ما آشکار گردانید برای کامل کردن دین (۲) و روی آوردن به عمل ها (۳) و ما را به سوی مکارم اخلاق (۴) و بدست آوردن پاداش کردارها (۵) هدایت نمود تا در بهشت (۶) وارد شویم و در بوستان های ابدی بهشت (۷) جاوید بمانیم و به جایگاه بلندمرتبه و رفیع (۸) در بهشتی که خانه آسایش است (۹) برسیم تا فرشتگان را مشاهده کنیم که خطاب به ما بگویند: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (۱۰)؛ «سلامی که گفتاری از پروردگار مهربان است».

و درود و سلام بر آخرین پیامبران و فرستادگان خدا، ابی القاسم محمّد، که درود خدا بر او و بر خاندان پاکش باد، همان بزرگوارانی که برای بیان وظایف بشریت (۱۱) با بهترین و پاکیزه ترین کلمات (۱۲) و ارشاد بندگان به سوی دریاهای نور (۱۳)، آمدند. آن هم در پرتو چراغی (۱۴) که مانند ستاره ای درخشان از درخت پربرکت زیتون افروخته باشد (۱۵)، و روشن گر راه های عارفان (۱۶) است، عارفانی که اراده رسیدن به شهر علم و حکمت را داشته، و از درب رستگاری (۱۷) وارد آن شهر گشته اند.

و سلام

و درود مخصوص ، بر آخرین این خاندان نور و رحمت ، قائم ایشان ، صاحب دعوت نبوی ، و نیرو و توان حیدری ، و پاکدامنی فاطمی ، و بردباری حسنی ، و شجاعت حسینی ، و عبادت سجّادی ، و سنّت های نیکو و برجای ماندنی باقری ، و آثار و نشانه های جعفری ، و دانش های کاظمی ، و برهان های رضوی ، و سخاوت تقوی ، و پاکی نقوی ، و شکوه عسکری ، و غیبت الهی ، قیام کننده به حقّ و کسی که مردم را به سوی راستی مطلق فرا می خواند ، کلمه الهی و امان الهی و برهان خداوند ، پیروز به امر او و دافع از حریم او ، امام پنهان و آشکار ، برطرف کننده غصّه ها و سختی ها ، صاحب کرم و بخشش ها ، امام به حقّ ابی القاسم محمّد بن الحسن صاحب عصر و زمان ، جانشین خداوند و امام انسان ها و جتّیان ، کسی که ستاره درخشان(۱۸) در شب بسیار تاریک است ، و هم اوست که ایمنی دهنده از خطرهای سفرها و زمان ها(۱۹) است . او که سیر حفظ کننده(۲۰) در سختی ها و گرفتاری هاست .

این کتاب ، اثر ناچیزی است از بنده ضعیف و فانی ، به عنوان هدیه به شما ای سرور مهربان و بزرگوار ؛ اگر مورد قبول قرارش دهی متنی است عظیم از سوی پروردگار مَنان ؛ که به وجود مبارک شما و بخشش بی پایان شما ای صاحب زمان بر من مَنّت نهاد و این کتاب با قبول شما ، برای من باقیات صالحات(۲۱) و توشه روز جزا(۲۲) برای روزی که «ثروت و فرزندان ،

نفعی نمی بخشد» (۲۳) قرار می گیرد ، و نیز وسیله رستگاریِ سئوال کننده (۲۴) و چراغ شب زنده دار (۲۵) خواهد شد ، برای هر کسی که آن را بخواند و کلید رستگاری (۲۶) را برای گشودن درهای رحمت الهی (۲۷) طلب کند .

امیدوارم به واسطه قبول نیکوی شما - ای صاحب بخشش و بزرگواری - این کتاب آگاهی دهنده دوست (۲۸) در راه کشف کلیدهای عالم غیب (۲۹) گردد ، برای کسی که آن را با تأمل و درنگ می خواند و ان شاء الله به واسطه آن در گروه اولیاء مقربت درخواهد آمد ، همان هایی که دارای ساز و برگ های نیرومند (۳۰) هستند ، که خداوند آنان را برای یاری شما آماده کرده تا شما را یاری و کمک کنند .

پس ای عزیز ؛ «مَسْنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (۳۱) ؛ «ما و خاندان مان گرفتار شده ایم ، و سرمایه ناچیزی آورده ایم ؛ پس ، پیمانمان ما را بر کن و به ما صدقه بده ؛ همانا خداوند صدقه دهندگان را پاداش می دهد» .

این کتاب مجموعه ای است از نمازها و دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه به دست ما رسیده و یا در مورد حضرت بقیه الله حجه بن الحسن العسكري صاحب ولایت کامل و فرمانروایی مطلق در عالم وجود - که برترین درود و سلام بر او و اجداد گرامی اش باشد - نقل شده است .

مؤلف ، در گردآوری دعاها و زیارات و ... که در کتب معتبر (۳۲) آمده و به دستش رسیده سعی داشته است و ادعا ندارد که این کتاب مجموعه کاملی از همه دعاها و ...

باشد. زیرا عصر غیبت و دوری ما از حضرت حجّت ارواحنا فداه باعث شده بسیاری از دعاهای صادر شده از ناحیه مقدّسه از دسترس ما دور بماند همانند بسیاری از نمازها و زیارات و اذکار؛ چون با کمال تأسّف در عصر غیبت به خاطر دوری و نیز غفلت ما از ساحت شریف امام ارواحنا فداه، بسیاری از آنچه که از ناحیه مقدّسه صادر شده است را نمی یابیم.

چه بسا برخی از این مطالب به دوستان بزرگوارشان رسیده که بنا به دلایلی از ما پنهان کرده اند و در جایی ثبت نکرده اند. برای اثبات این ادعا ماجرابی را که برای عالم ربّانی مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری رضوان الله تعالی علیه اتّفاق افتاده است نقل می کنیم؛ ایشان چنین فرمودند:

دوستی داشتم که با حضرت حجّت صلوات الله علیه در ارتباط بود و گاهی پیش من می آمد و تا اول انقلاب در ایران، پیوسته باهم ارتباط داشتیم؛ ولی پس از انقلاب، پیش من نیامد و او را زیارت نکردم. به هر حال زمانی برای من مشکلی پیش آمده بود و در همان ایام با او در میان گذاشتم و حلّ آن را از او درخواست کردم. آن مشکل این بود که بعضی از طلبه ها و نیز افراد دیگر به من مراجعه می کردند و کمک می خواستند، و من بعضی از آن ها را نمی شناختم و به همین دلیل شک می کردم که باید به آنان کمک کنم، یا نه؟

چون اگر به کسی که او را نمی شناسم کمک کنم ممکن است مستحقّ نباشد و در صورت کمک

نکردن ، این احتمال وجود دارد که او محتاج و مستحقّ واقعی باشد .

وقتی این مشکل را با ایشان - که با امام زمان صلوات الله علیه در ارتباط بودند - در میان گذاشتم ، به من گفتند : من إن شاء الله جواب را از امام ارواحنا فداه برایتان می آورم .

وی از پیش من رفت و بعد از چند روز برگشت و دعایی از طرف حضرت حجّت ارواحنا فداه به من عطا کرد و گفت : اگر کسی از تو چیزی خواست و تو او را نمی شناختی اول این دعا را بخوان و بعد به او چیزی بده . همانا حضرت حجّت ارواحنا فداه فرمودند :

وقتی که این دعا را بخواند امکان ندارد مراجعه کننده بتواند این مال را در جایی که رضای ما نباشد مصرف کند .

و آن دعا مختصر بود و من مکرر شاهد بودم که آن مرحوم هنگامی که شخص ناشناسی به ایشان مراجعه می کرد آن را می خواندند .

غرض از نقل این قضیه مهمّ - که پذیرش آن برای بعضی مشکل است - این بود که بدانید همه آنچه که از ناحیه مقدّسه صادر شده به دست ما نرسیده است و بسیاری از دعاها و زیارات و نمازها در قلب پاک دوستان آن حضرت مانده و برای مردم ظاهر نکرده اند تا وارد خاک شده اند .

محدّث نوری رحمه الله می فرماید : گروهی از علمای مورد اعتماد به من خبر دادند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را در حال بیداری دیده اند و معجزات متعدّدی را از آن حضرت مشاهده کرده اند و آن حضرت بسیاری از اخبار غیبی را به ایشان خبر داده است

و ایشان را به دعاهای مستجاب دعا نمودند؛ و آن ها را از خطرهای هلاکت بار نجات داده اند که کلمات را یارای توصیف و تفصیل آن ها نیست. (۳۳)

و آنچه را که ما در این کتاب گرد آورده ایم در کتاب های معتبر آمده است و این تألیف از الطاف خداوند مهربان در حق من است. آنچه از زیبایی و خوبی که در این کتاب می بینید از تأییدات حضرت بقیه الله صلوات الله علیه می باشد و آنچه کمبود و اشتباه در این کتاب مشاهده کنید از ناحیه مؤلف می باشد.

از خداوند تعالی امید دارم که راستی و اخلاص عطا کند و این کتاب را نیز وسیله تذکر و راهی برای نزدیک شدن به خدا و ولی او حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء قرار دهد.

این کتاب (۳۴) علاوه بر مقدمه و خاتمه، دارای دوازده «باب» است، همان گونه که:

إِنَّ الشَّهْرَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا، وَأَنَّ الْأَثْمَةَ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا، وَأَنَّ النَّبِيَّ اثْنِي عَشَرَ نَبِيًّا. (۳۵)

همانا تعداد ماه ها نزد خداوند، دوازده ماه است و امامان نیز دوازده نفر هستند و به درستی که نقیبان نیز دوازده نفرند.

و بدانید که:

نکته مهم

« إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا » (۳۶). « فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ » (۳۷).

همانا این یک وسیله یادآوری است؛ پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. هر چه از آن می توانید بخوانید؛ و نماز را بپا

دارید و زکات بپردازید و برای خدا قرض و وام نیکو بدهید و (بدانید) هر خیر و خوبی که برای خویشتن پیش بفرستید ، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی بزرگ تر خواهید یافت ؛ و از خداوند طلب آمرزش کنید ؛ همانا خداوند آمرزنده مهربان است .

نکته مهم :

امامان ما علیهم الصلاه والسلام در فضای سیاسی خاصی قرار داشتند که حکومت ملعون و غاصب «حبتی» (۳۸) آن را تأسیس کرده بود تا حکومت عدل علوی ، پا نگیرد .

لذا به دلیل وجود طاغوت های اموی و عباسی ، فرصتی برای بیان اسرار الهی توسط امامان علیهم السلام نبود . از این رو حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام - اولین شخصی که حَقَّش غصب شد ؛ فرمانروای فرمانروایان راستین - فرمودند :

كان لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم سرّ لا يعلمه إلا قليل ... ولولا طغاه هذه الأمة لبثت هذا السرّ . (۳۹)

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم سرّی بود که جز اندکی ، آن را نمی دانستند ... و اگر طاغوت های این امت نبودند این سرّ را فاش و منتشر می کردم .

بدین ترتیب درمی یابیم که این اسرار را برای مردم بیان نکردند و جز برای تعداد کمی از بزرگان و برترین اولیائشان فاش نساختند ، و از آنجایی که مردم توان پذیرش و نگه داری اسرار و حقایق معنوی را نداشتند ، برای ایشان فاش کردن اسرار و حقایق ممکن نبود ؛ زیرا مردم در دولت حبتی قرار داشتند که آن هم تا ظهور حکومت الهی حضرت قائم ارواحنا فداه ادامه می یابد .

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه « وَاللَّيْلِ إِذَا يَشْرُ » (۴۰) می فرماید

هی دولت حبت، فهی تسری إلی قیام القائم علیه السلام. (۴۱)

مراد از «شب» ، دولت حبت است که تا قیام قائم (صلوات الله علیه) ادامه می یابد .

به این جهت ، امامان علیهم السلام بسیاری از آن حقایق را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده اند که باید آن حقایق معنوی را در میان دعاها جستجو کنید . البته اهل بیت علیهم السلام که اسرار و حقایق را در دعاها و زیارت ها به دلیل جوّ سیاسی در آن عصر گنجانده اند ، منحصر به بیان آن ها نکردند ؛ بلکه مسایل مهم اعتقادی و معارف عالیه ای را در دعاها و مناجات ها و زیارت ها بیان نموده اند و این حقیقت با مراجعه به آن ها ، آشکار می گردد . اهل بیت علیهم السلام به بیان بسیاری از مسایلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد نیز پرداخته اند و به جامعه بشری بهترین درس های زندگی را داده اند .

در «صحیفه کامله سجّادیه» که امام عصر ارواحنا فداه درستی آن را تأیید کرده اند ، دقت کنید تا مشاهده نمایید که امام زین العابدین علیه السلام چه حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات ، بیان فرموده است . همچنین در دعاهای دیگر از آن حضرت و امامان دیگر علیهم السلام این حقیقت ، ظاهر و آشکار است .

اکنون به یک درس از درسهای زندگی که در ادعیه به ما آموخته اند ، اشاره می کنیم :

در مناجات انجیلیّه امام سجّاد علیه السلام از خداوند می خواهیم :

أَسْأَلُكَ مِنَ الْهَمِّ أَعْلَاهَا . (۴۲)

پروردگارا ؛ از همت ها برترین آن را از تو درخواست می کنم .

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل

این سخن ، هشداری از امام سجّاد علیه السلام است

برای هر کسی که دعا می‌کند و خدا را می‌خواند. یعنی دعاکننده، هر کس که می‌خواهد باشد - گرچه خود را جداً حقیر و پست می‌شمارد - بایستی از خداوند بخواهد که به او برترین همت‌ها را عنایت کند تا در سایه آن، تحوّل در زندگی خود، ایجاد نماید تا وجود او در جامعه، دارای تأثیر اساسی و مهمی باشد و این حقیقتی است که با تابش نور امام علیه السلام در قلب انسان تحقق پیدا می‌کند.

آنچه از اهل بیت علیهم السلام از دعاها به ما رسیده است طور سینیای ولایت هستند. هر کس می‌خواهد به وادی ایمن برود، و بر فراز طور سینیای هدایت بالا رود، باید کفش هایش را بیرون آورده، لباس هایش را پاک نماید و آداب دعا و مناجات را بیاموزد تا آثار عنایت و اجابت را مشاهده نماید.

آنچه بیان شد، از قرآن و روایات به دست ما رسیده است. آن‌ها را بپذیرید و فرصت را غنیمت دانسته و از رحمت الهی ناامید نباشید، که « إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ » (۴۳)؛ «همانا جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

و بر این امر یقین داشته باشید تا آن نور را ببینید و آن سز را بشناسید؛ چرا که ائمه طاهرين عليهم السلام مردم را با دعاها و مناجات خود، به آن اسرار و حقایق هدایت و راهنمایی می‌کنند.

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل

قبل از بحث درباره آداب دعا، درباره ضرورت دعا از نظر عقل و نقل سخن می‌گوییم:

الف)

«دلیل عقلی: دور کردن زیان از خویش - در صورت امکان و توان - واجب است؛ از سویی رسیدن زیان در این دنیا به هر انسانی حتمی است. زیرا هر انسانی مسایلی دارد که عقلش را مشغول ساخته و فکرش را مشغول می‌کند و به او ضرر می‌رساند. این مسایل یا از درونش پیدا می‌شود، مثل عارضه‌ای که جسم او را دچار بیماری کند یا از خارج است همچون آزار ستمگران، و چیزهای ناپسندی که از ناحیه همسایه و یا شریک می‌رسد.

و اگر اکنون به این ضررها مبتلا نباشد عقل احتمال رویداد آنها را در آینده می‌دهد. چگونه این حقیقت را انکار نماییم و حال آن که آدمی در منزلگاه حادثه هاست و این منزلگاه هیچگاه به یک حال نیست و سختی‌های آن از او جدا نمی‌گردد.

بنابراین، ضررهای دنیا یا بر انسان وارد شده‌اند و یا وارد خواهند شد. و در صورت توان و امکان هر دو را باید از بین برد. با دعا چنین توانی حاصل می‌گردد. دعا هم که در توان است، پس در هر حال باید انسان به دعا روی آورد.

حضرت امیرالمؤمنین و سید الوصیین علیه السلام نیز بدین معنا خبر داده و فرموده‌اند:

ما من أحد ابتلی وإن عظمت بلواه بأحق بالدعاء من المعافی الذی لا یأمن من البلاء. (۴۴)

کسی که به بلایی مبتلا باشد گرچه بلایش عظیم باشد، سزاوارتر به دعا کردن نیست از شخصی که در عافیت است؛ که او هم از بلا و گرفتاری در امان نمی‌باشد.

ب (دلیل روایی: از نظر

روایات آشکار است که همه به دعا محتاج اند ، خواه به بلا مبتلا شده باشند و خواه نشده باشند . فایده دعا یا برطرف کردن بلائی است که وارد شده و یا دور کردن بدی ای است که به آدمی رسیده است ، یا به دست آوردن منفعت و فایده ای است که دلخواه می باشد ، یا پایدار کردن و نگهداری نمودن و جلوگیری از زایل شدن و از بین رفتن خیری است که موجود می باشد .

زیرا ائمه علیهم السلام دعا را به عنوان «سلاح» توصیف نموده اند و سلاح وسیله ای است که سودبخش و برطرف کننده زیان است . همچنین ، دعا را «تُرس» نامیده اند و تُرس سپری است که با آن از ناپسندی ها جلوگیری به عمل می آید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود :

أَلَا أَدْلِكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَانِكُمْ وَيُدْرِي أَرْزَاقَكُمْ ؟ قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ . (۴۵)

می خواهید شما را به سلاحی راهنمایی کنم تا او شما را از دشمنان تان نجات دهد و روزی هایتان را بسیار نماید ؟ گفتند : بلی ای رسول خدا .

فرمود : پروردگارتان را در هر روز و شب بخوانید ؛ زیرا که دعا، اسلحه مؤمن است .

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

الدُّعَاءُ تَرَسُ الْمُؤْمِنِ ، وَمَتَى تَكَثَّرَ قَرَعَ الْبَابَ يَفْتَحُ لَكَ . (۴۶)

دعا سپر مؤمن است ، و وقتی دری را زیاد کوبیدی ، سرانجام برایت باز شود .

امام صادق علیه السلام فرمود :

الدُّعَاءُ أَنْفَذَ مِنَ السَّنَانِ الْحَدِيدِ . (۴۷)

دعا نافذتر از سرنیزه آهنین است .

امام کاظم علیه السلام فرمود :

إِنَّ الدُّعَاءَ يَرِدُ مَا قَدَّرَ وَمَا لَمْ

يقدر ، قال : قلت : وما قد قدر فقد عرفته ، فما لم يقدر ؟ قال : حتى لا يكون . (۴۸)

همانا دعا باز می گرداند آنچه را تقدیر شده و آنچه را که تقدیر نشده است .

راوی می گوید : پرسیدم : «آنچه تقدیر شده است» را می دانم ، اما «آنچه تقدیر نشده است» چگونه است ؟

فرمود : دعا می کند تا در آینده بلا مقدر نشود .

امام کاظم علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید :

عليكم بالدعاء ، فإن الدعاء والطلب إلى الله تعالى يردّ البلاء ، وقد قدر وقضى فلم يبق إلّا إمضاءه فإذا دعى الله وسئل صرفه صرفه . (۴۹)

شما را سفارش می کنم به دعا کردن ؛ همانا دعا و طلب از خداوند تعالی ، بلا را دور می کند در حالی که تقدیر شده و قضای الهی بر طبق آن صورت پذیرفته ؛ ولی فقط اجرای آن باقی مانده است و اگر خداوند خوانده شود و از او بازگرداندن بلا سؤال شود ، خداوند آن را برمی گرداند .

و زراره رحمه الله از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود :

ألا أدلّكم على شيء لم يستثن فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ؟ قلت : بلى .

قال : الدعاء يردّ القضاء وقد أبرم إبراماً ، وضّم أصابعه . (۵۰)

آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در آن هیچ استثنایی نکرده است ؟ زراره گفت : آری .

آن حضرت - انگشتان مبارک شان را در هم کردند و - فرمودند : دعا قضا (تقدیر الهی) را باز می گرداند اگرچه استوار و حتمی شده باشد .

و از امام سید

العابدین علیه السلام روایت شده است که فرمود :

إِنَّ الدَّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لِيَتَوَافِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، إِنَّ الدَّعَاءَ لِيرِدَ الْبَلَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا . (۵۱)

همانا دعا و گرفتاری تا روز قیامت همراهند . دعا بلا را - حتی اگر حتمی شده باشد - دور می گرداند .

آن حضرت در جای دیگر می فرماید :

الدَّعَاءُ يَرِدُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزَلْ .

دعا ، بلائی نازل شده و نیز بلائی را که هنوز نازل نشده است باز می گرداند . (۵۲)

آداب دعا

حال که اهمیت دعا کردن و آثار شگفت آور آن با این گفتار روشن گردید و نیز این مطلب فهمیده شد که اگر دعاکننده آداب دعا را مراعات کند به حاجت خود می رسد ، به بیان آداب دعا می پردازیم :

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام» نقل کرده است :

«آداب دعا را رعایت کنید و بنگرید چه کسی را می خوانید ؟ و چگونه و برای چه دعا می کنید ؟ و در مورد آنچه سؤال و درخواست می کنید تفکر و تأمل کنید که چه چیزی درخواست می کنید ، چه مقدار و برای چه آن را می طلبید ؟

به راستی که دعا طلب اجابت تمام خواسته های شما برای حضرت حق ، و خالص شدن روح و روان در مشاهده پروردگار است . همانا دعا ، برداشتن همه اختیارات از خود و تسلیم همه امور باطنی و ظاهری به خدای قادر متعال است . حال اگر شرط دعا را بجا نیاوردید نباید منتظر اجابت آن باشید ؛ همانا خداوند پنهان و آشکار را می داند پس شاید خدا را به چیزی می خوانید که خداوند از درون شما خلاف آن را می داند .

بدانید که اگر خدا ما

را به دعا امر نمی کرد و ما خدا را با اخلاص می خواندیم ، خداوند با اجابت خود به ما تفضّل می کرد ، پس حالا که به دعا امر نموده و ضامن شده اجابت را برای کسی که با شرایط آن خدا را بخواند ، چگونه خواهد بود ؟» (۵۳)

سپس می گوید : «آداب دعا عبارتند از :

اول : شروع کردن با نام خداوند .

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود :

لا یردّ دعاء أوّله «بسم الله الرحمن الرحیم» . (۵۴)

دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شود ، رد نمی شود .

دوم : دعا با حمد و ستایش خداوند باشد .

مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است :

کلّ دعاء لا یكون قبله تحمید فهو أبتّر . (۵۵)

هر دعایی که قبل از آن حمد و سپاس خداوند نباشد ، ناقص است و نتیجه ندارد .

در نامه امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است :

اول ستایش و بعد درخواست کردن و طلب نمودن از خداوند. بنابراین، هنگامی که خدای عزّوجلّ را خواندی او را حمد و ثنا بگو و ستایش کن و تمجید نما.

راوی می گوید : گفتم : چگونه او را تمجید کنم ؟

فرمود : می گویی :

یا مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ، یا مَنْ يُحَوِّلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى ، یا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ .

ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک تری؛ ای کسی که میان انسان و قلبش حایل می شوی؛ ای کسی که در چشم انداز بلندی هستی ؛ ای کسی که هیچ چیزی مانند تو نیست . (۵۶)

سوم : صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام .

پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله وسلم می فرماید :

صلواتکم علیٰ إجابہ لدعائکم ، وزکاه لأعمالکم . (۵۷)

صلوات فرستادن شما بر من ، هم باعث اجابت دعاهاى تان است و هم سبب پاکی اعمال تان می گردد .

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمود :

لايزال الدعاء محجوباً حتى يصلى على محمد وآل محمد . (۵۸)

دعا پیوسته در حجاب است تا اینکه بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده شود .

و نیز فرموده اند :

من كانت له إلى الله عزوجل حاجة فليبدأ بالصلاة على محمد وآله ، ثم يسأله حاجته ، ثم يختم بالصلاة على محمد وآل محمد ، فإن الله أكرم من أن يقبل الطرفين ويدع الوسط ، إذا كانت الصلاة على محمد وآل محمد لا تحجب عنه . (۵۹)

هر کسی که حاجتی از خداوند بخواهد ، باید با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام آغاز کند ، سپس حاجتش را بخواهد و آن را با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام به پایان برساند ؛ زیرا خداوند بزرگوارتر از آنست که ابتدا و انتهای دعا را قبول کند ؛ ولی وسط آن را رها کند و قبول ننماید ، زمانی که بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده شود از او محجوب نمی شود .

چهارم : طلب شفاعت کردن است . مولای ما امام کاظم علیه السلام فرمود :

زمانی که حاجتی از خدا داشتی بگو :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ ، وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ ، فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا... .

خدایا ؛ من از تو درخواست می کنم به حق

محمد و علی، زیرا که آن دو بزرگوار در پیشگاه تو شأن و منزلتی و قدر و ارزشی دارند. پس به آن شأن و مقامی که نزد تو دارند بر ایشان صلوات بفرست و این خواسته را برای من انجام بده.

به درستی هنگامی که روز قیامت فرا رسد هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبر مرسل و هیچ مؤمن آزموده شده ای باقی نمی ماند مگر اینکه در آن روز محتاج به شفاعت این دو بزرگوار باشند. (۶۰)

و برای این که حاجت ها برآورده شود و به خواسته خود برسیم، به ناچار باید به پیشگاه خداوند عزّ و جلّ وسیله ای را تقدیم کنیم. به تحقیق که خداوند ما را به این امر دستور داده و فرموده است: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (۶۱)؛ «به سوی او وسیله ای بجویید»، و هیچ وسیله ای مقرب تر و ارزشمندتر از محمد و آل محمد صلی الله علیهم و سلم نیست و آن، شفاعت است.

در زیارت جامعه کبیره آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، أَلْتَبِعُهُمُ الْآثَرِ لَجَعَلْتَهُمْ شَفْعَانِي... .

خدایا! هر آینه اگر من شفیعیانی مقرب تر و آبرومندتر از محمد و اهل بیت نیکو کردار و بزرگوارش که پیشوایان خیرخواهند نزد تو پیدا می کردم آنها را شفیع خود قرار می دادم....

از سویی نصّ صریح روایات دلالت می کند که «وسيله»، همان ائمه عليهم السلام هستند و این منافاتی ندارد با این که ما «وسيله» را به نردبان و یا غیر آن تفسیر کنیم. (چون منظور از نردبان در اینجا وسیله ترقی و پیشرفت است.)

در روایتی از رسول خدا صلی

الله عليه وآله وسلم آمده است :

هم العروه الوثقى والوسيله إلى الله. (۶۲)

آنان - یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - دست آویز محکم و قابل اطمینان و وسیله هستند به سوی پروردگار .

سپس این آیه را قرائت فرمودند :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ » (۶۳) .

ای ایمان آورندگان ؛ تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله ای جستجو کنید .

شاید دو صفت ایمان و تقوا شرط لازم برای به دست آوردن وسیله به سوی خداوند متعال باشد ، همان طور که وسیله بدون این دو سودی ندارد .

بنابراین ، هنگامی که این دو صفت جمع شدند ، وسیله سود می بخشد ؛ چون ولایت وجود نخواهد داشت مگر با ایمان و تقوا .

پنجم : اعتراف به گناهان است .

در روایتی که از مولای ما امام صادق علیه السلام نقل شده ، می فرماید :

إنما هي المدحه ، ثم الإقرار بالذنب ثم المسألة ؛ واللّه ما خرج عبد من ذنب إلا بالإقرار. (۶۴)

به درستی که دعا عبارت است از ثنای خدا و بعد اقرار به گناه و بعد از آن سؤال و درخواست . به خدا قسم هیچ بنده ای از گناه خارج نمی شود مگر با اقرار به گناهش (نزد خدای متعال) .

ششم : این که دعا از روی غفلت و بیهودگی نباشد ، بلکه با روی آوردن دل و توجه باشد . همان طور که امام صادق علیه السلام فرمودند :

إنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دَعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبِ سَاهٍ ، فَإِذَا دَعَا فَأَقْبَلَ بِقَلْبِكَ ، ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْإِجَابَةَ. (۶۵)

خداوند دعای شخص غافل را اجابت نمی کند . بنابراین ، زمانی که دعا کردی ،

با توجه و حضور قلب دعا کن ، سپس به اجابت آن یقین داشته باش .

چون غافل ، در حقیقت دعا کننده نیست و دعا واقع نمی شود مگر با توجه قلب به سوی کسی که خوانده می شود .

هفتم : پاک بودن غذا و نوشیدنی و لباس .

چون دعای صالح از عمل صالح و درست است ، و چگونه صلاح و درستی با حرام و ناپاکی جمع خواهد شد ؟ این سخن خداوند تبارک و تعالی : « يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً » (۶۶) ؛ «ای فرستادگان الهی؛ از پاکیزه ها بخورید و عمل صالح و شایسته انجام دهید» ، دلالت می کند بر ارتباط تنگاتنگ بین عمل صالح و خوراک حلال و پاک .

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

من أحب أن يستجاب دعاؤه فليطيب مطعمه ومكسبه . (۶۷)

کسی که دوست دارد دعایش اجابت شود باید خوراک و کسب و کارش حلال باشد .

در حدیث دیگری آمده است :

طهر ماكلک ، ولا تدخل فی بطنک الحرام . (۶۸)

طعام و خوراکت را پاک کن ، و در شکم خود حرام را داخل نکن .

در حدیث دیگری آمده است :

أطب کسبک تستجاب دعوتک ؛ فإن الرجل يرفع اللقمة إلى فيه حراماً فما تستجاب له أربعين يوماً . (۶۹)

کسب و کار و درآمد خود را پاک کن تا دعایت اجابت شود ؛ همانا شخصی که لقمه حرامی را در دهانش می برد تا چهل روز دعایش به اجابت نمی رسد .

در حدیث قدسی آمده است :

فمنک الدعاء وعلی الإجابة، فلا تحجب عنی دعوه إلا دعوه آکل الحرام . (۷۰)

از تو دعا کردن و از من اجابت آن ؛ هیچ دعایی از من محجوب

نمی شود مگر دعای کسی که حرام می خورد .

مولای ما امام صادق علیه السلام می فرماید :

من سرّه أن يستجاب دعاؤه فليطيب كسبه . (۷۱)

کسی که دوست دارد دعایش به اجابت رسد ، باید کسب و کار و درآمد خود را پاک کند .

در روایت دیگری می فرماید :

إذا أراد أحدكم أن يستجاب له فليطيب كسبه ، وليخرج من مظالم الناس ، وإنّ الله لا يرفع دعاء عبد وفي بطنه حرام ، أو عنده مظلّمه لأحد من خلقه . (۷۲)

زمانی که یکی از شما بخواهد دعایش اجابت شود باید کسب و کارش را پاک کند و حقّ مردم در گردنش نباشد ؛ چون خداوند دعای بنده ای را که در شکمش غذای حرام باشد ، و حقّ احدی از مردم برگردن او باشد ، بالا نمی برد .

هشتم : پرداخت حقّ مردم که برگردن دعا کننده باشد .

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمودند :

إنّ الله عزّوجلّ يقول : وعزّتی و جلالی لأجيب دعوة مظلوم دعانی فی مظلّمه ظلّمها ، ولأحد عنده مثل تلك المظلّمه . (۷۳)

به راستی خداوند متعال می فرماید : به عزّت و جلالم سوگند ، دعای مظلومی را که به او ظلم شده و مرا در مورد آن می خواند در حالی که خودش همان ظلم را در حق دیگری کرده است ، هرگز اجابت نمی کنم .

و مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند :

إنّ الله أوحى إلى عيسى بن مریم : قل للملأ من بنی اسرائیل : ... إنّی غیر مستجیب لأحد منکم دعوه ولأحد من خلقی قبله مظلّمه . (۷۴)

خداوند به عیسی بن مریم وحی فرستاد : به همه بنی اسرائیل بگو : ... من دعای یکی از شما

را در حالی که برای یکی از بندگانم در گردن او حقی باشد، اجابت نمی‌کنم.

نهم: ترک گناهی که مانع از برآوردن حاجت می‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَأَلَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَائُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ، أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ، فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلِكِ: لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَأَحْرَمَهُ إِنِّي أَهَأُ، فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجِبَ الْحَرَمَانَ مِنِّي. (۷۵)

همانا بنده ای حاجتی را از خدا طلب می‌کند و امکان دارد حاجتش زود برآورده شود یا به تأخیر بیفتد؛ در این هنگام، بنده گناهی انجام می‌دهد که خداوند تبارک و تعالی به ملک دستور می‌دهد: حاجتش را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان چون او خود را در معرض غضب من قرار داده و موجب محرومیت از من شده است.

دهم: خوش گمان بودن به اجابت دعا.

مقصود از آن، طلب یقین است به این که خداوند خلف وعده نمی‌کند؛ زیرا در کلام خود به دعا امر کرده و مستجاب شدن آن را تضمین نموده است: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۷۶)؛ «مرا بخوانید، تا اجابت کنم شما را»، و خداوند خلف وعده نمی‌کند؛ همان گونه که در قرآن به آن تصریح کرده است:

«وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۷۷).

این وعده خداوند است؛ خداوند خلاف وعده اش رفتار نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

خداوند چگونه خلف وعده کند در حالی که بی‌نیاز، توانا، بسیار رحم‌کننده، مهربان و بزرگوار است؟ در حدیث آمده است:

فَإِذَا

دعوت فأقبل بقلبك ثم استيقن الإجابة (٧٩). (٧٨)

زمانی که دعا می کنی، با تمام وجود خدا را بخوان، سپس یقین به اجابت داشته باش .

یازدهم : اصرار و پافشاری در دعا .

عَلَمَهُ مَجْلِسِي رَحِمَهُ اللهُ اِنْ مَوْرِدَ رَا اَزْ اَدَابِ دَعَا شَمْرَدَه وَ فَرْمُودَه اَسْت : دَر وَحِي قَدِيمِ چَتْنِ اَمْدَه اَسْت :

لَا تَمَلَّ مِنَ الدَّعَاءِ ، فَإِنِّي لَا أَمَلُ مِنَ الْإِجَابَةِ . (٨٠)

از دعا کردن خسته نشو ؛ زیرا من از اجابت خسته نمی شوم .

عبدالعزیز طویل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است :

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللهُ فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلِ . (٨١)

همانا بنده وقتی دعا می کند ، خداوند پیوسته در برآوردن حاجتش می باشد مادامی که شتابزدگی نکند .

همچنین از آن حضرت روایت شده است :

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فِقَامَ لِحَاجَتِهِ ، يَقُولُ اللهُ تَعَالَى : اسْتَعْجَلْ عَبْدِي أَتْرَاهُ يَظُنُّ أَنَّ حَوَائِجَهُ بِيَدِ غَيْرِي . (٨٢)

بنده وقتی عجله داشته باشد و برآوردن حاجتش را به سرعت بخواهد ، خداوند می فرماید : بنده ام شتاب کرد ، آیا گمان می کند حاجتهایش به دست غیر من است ؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ اللِّحْوَحَ . (٨٣)

همانا خداوند ، درخواست کننده ای را که اصرار کند ، دوست دارد .

ولید بن عقبه هجری می گوید : از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود :

وَاللَّهُ ، لَا يَلْحَقُ عَبْدٌ مَوْمِنٌ عَلَى اللَّهِ فِي حَاجَةٍ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ . (٨٤)

به خدا سوگند ؛ بنده مؤمن در حاجتی اصرار نمی کند مگر این که خدا آن را برآورده می کند .

ابو الصباح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است :

إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ

، وَأَحَبُّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطَلَّبَ مَا عِنْدَهُ . (۸۵)

به راستی که خداوند اصرار بعضی از مردم را به بعضی دیگر در مورد خواسته هایشان ناپسند می داند ، ولی این را در مورد خودش دوست دارد ؛ همانا خداوند دوست دارد که آنچه نزد او است درخواست و طلب شود .

از احمد بن محمد بن ابو نصر روایت شده که گوید :

به ابا الحسن علیه السلام گفتم : فدایت شوم ، من از فلان سال تاکنون حاجتی را از خداوند خواستم و در حال حاضر به دلیل تأخیر در برآورده شدن آن ، بر قلب من چیزهایی خطور می کند (دچار شک و وسوسه شده ام) .

حضرت در جواب فرمودند :

يا أحمد ؛ إِيَّاكَ وَالشَّيْطَانَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْكَ سَبِيلٌ ، حَتَّى يَقْتَطِكَ ، إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيُؤَخَّرُ عَنْهُ تَعْجِيلَ إِجَابَتِهِ حَتَّى لَصُوتَهُ وَاسْتِمَاعَ نَحِيْبِهِ .

ثم قال : وَاللَّهِ مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرَ لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا ، وَأَيُّ شَيْءٍ فِي الدُّنْيَا . (۸۶)

ای احمد ؛ بپرهیز از این که شیطان به تو راه یابد و تو را ناامید کند ، همانا امام باقر علیه السلام می فرمود :

مؤمن از خداوند حاجتی را می طلبد ولی خداوند اجابت آن را به تأخیر می اندازد به این دلیل که صدای بنده اش را دوست دارد و می خواهد ناله او را بشنود .

سپس فرمود : به خدا قسم ، خداوند آنچه را که مؤمنان در این دنیا می طلبند به تأخیر نمی اندازد مگر این که این تأخیر برای ایشان بهتر است از آنچه برای ایشان

تعجیل فرموده است ، مگر دنیا چه ارزشی دارد ؟!

از امام صادق علیه السلام روایت شده است :

إِنَّ الْعَبْدَ الْوَالِيَّ لِلَّهِ يَدْعُو اللَّهَ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ ، يُقَالُ لِلْمَلِكِ الْمَوْكَلُ بِهِ : إِقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَلَا تَعْجَلْهَا ، فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَصَوْتَهُ .

وَأَنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لِلَّهِ لِيَدْعُو اللَّهَ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ ، يُقَالُ لِلْمَلِكِ الْمَوْكَلُ بِهِ : إِقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَعَجِّلْهَا ، فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَصَوْتَهُ .

قال : فيقول الناس : ما أعطى هذا إلاً لكرامته ، وما منع هذا إلاً لهوانه . (٨٧)

همانا بنده ای که دوست خداست در امری خدا را می خواند و به درگاه او ناله و زاری می کند ، پس به فرشته ای که مأمور اوست گفته می شود : حاجت بنده ام را برآورده کن ولی شتاب نکن ؛ چون دوست دارم ندا و صدای او را بشنوم .

و بنده ای که دشمن خداست خداوند را در امری می خواند و ناله می کند ، پس به فرشته ای که مأمور آن است گفته می شود : حاجتش را برآورده کن و تعجیل نما ، چون من کراهت دارم صدا و ناله او را بشنوم .

حضرت فرمود : ولی مردم چنین گویند که حاجت دسته دوم داده نشده مگر به این دلیل که کرامتی نزد خداوند دارند و حاجت دسته اول به تأخیر نیفتاده مگر به خاطر پستی آنها در درگاه خداوند .

از آن امام علیه السلام روایت شده است :

لا يزال المؤمن بخير و رضاء و رحمه من الله ما لم يستعجل فيقتط فيترك الدعاء ، قلت له : كيف يستعجل ؟

قال : يقول : قد دعوت منذ كذا وكذا ، ولا أرى الإجابة . (٨٨)

مؤمن مادامی که شتابزدگی نکند

پیوسته در خوبی، راحتی و رحمت الهی است تا آن که عجله می کند و ناامید می شود و دعا را ترک می کند.

به امام علیه السلام گفتم: چگونه عجله می کند؟

فرمود: می گوید: از فلان وقت، مدتی طولانی است که خدا را می خوانم ولی اجابت آن را نمی بینم.

و نیز آن حضرت فرمودند:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ عَزَّوَجَلَّ: أَخْرُوا إِيَّابَتَهُ، شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَدَعَاةً. فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ: عِبْدِي دَعَوْتَنِي وَأَخْرَتَ إِجَابَتَكَ وَثَوَابَكَ كَذَا وَكَذَا، وَدَعَوْتَنِي فِي كَذَا وَكَذَا فَأَخْرَتَ إِجَابَتَكَ وَثَوَابَكَ كَذَا.

قال: فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ دَعْوُهُ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حَسَنِ الثَّوَابِ. (۸۹)

همانا مؤمن خدا را در مورد حاجتش می خواند، ولی خداوند عزوجل (به ملائکه) می فرماید: اجابتش را به تأخیر بیندازید به خاطر شوق و علاقه در شنیدن صدا و دعایش. تا آن که روز قیامت فرا می رسد؛ خداوند می فرماید: بنده من؛ مرا خواندی ولی اجابت دعایت را به تأخیر انداختم و حالا در مقابل آن، ثواب تو نیز چنین و چنان است. در فلان مورد نیز دعا کردی ولی من پاسخت را به تأخیر انداختم؛ حالا ثواب تو چنان است.

حضرت فرمود: در آن هنگام که جزا و پاداش نیکوی الهی را مشاهده کرد، مؤمن آرزو می کند ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا مستجاب نمی شد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا طَلَبَ مِنَ اللَّهِ حَاجَةً فَأَلْحَقَ فِي الدَّعَاءِ،

أُستجيب له أو لم يستجب له ، وتلا هذه الآية :

« وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَنْ لَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا » (٩١). (٩٠)

خداوند رحمت کند بنده ای را که از خداوند حاجتی را بخواهد و در دعا اصرار کند ؛ چه دعایش اجابت شود و یا نشود . و این آیه را تلاوت فرمودند : « او پروردگارم را می خوانم ؛ بدان امید که به خاطر خواندن خدای خود ، شقی نباشم » .

در تورات آمده است :

یا موسی ؛ من آجتی لم ینسنی ، ومن رجا معروفی ألتخ فی مسألتی .

یا موسی ؛ ائی لست بغافل عن خلقتی ولكن أحب أن تسمع ملائکتی ضجیح الدعاء من عبادی ، وتری حفظتی تقرّب بنی آدم إلیّ بما أنا مقویهم علیه ومسئبه لهم .

یا موسی ؛ قل لینی اسرائیل : لاتبظرنکم النعمه فیعاجلکم السلب ، ولاتغفلوا عن الشکر فیقارعکم الذلّ ، وألتخوا فی الدعاء تشملکم الرحمه بالإجابہ ، وتهنئکم العافیہ . (٩٢)

ای موسی ؛ آن که مرا دوست دارد فراموشم نمی کند . و کسی که امید خیر از من دارد در درخواست کردن از من اصرار می ورزد .

ای موسی ؛ من از آفریدگان خودم غافل نیستم ، اما دوست دارم فرشتگانم ضجه و فریاد دعای بندگانم را بشنوند و نگهبانان من ببینند که انسان ها و فرزندان آدم چگونه با این ناله ها که خودم آنان را به آن نیرو بخشیدم و سبب دعای آنان شدم ، به من نزدیک می شوند .

ای موسی ؛ به بنی اسرائیل بگو : نعمت شما را دچار گردنکشی و غرور نکند ؛ زیرا در این صورت به سرعت از شما گرفته می شود . از شکر غافل نشوید تا

ذلت شما را درهم نکوبد . در دعا اصرار کنید تا رحمت الهی به سبب اجابت دعا شامل حالتان شود و عافیت گوارای شما گردد .

امام باقر علیه السلام فرمود :

لا یلح عبد مؤمن علی الله فی حاجته إلا قضاها له . (۹۳)

بنده من در حاجتش بر خداوند اصرار نمی کند مگر این که آن را برای او برآورده می کند .

از منصور صیقل روایت شده است :

قلت لأبی عبدالله علیه السلام : ربما دعا الرجل فاستجیب له ثم أصر ذلك إلی حین ؟ قال : فقال : نعم ، قلت : ولیم ذلك لیزداد من الدعاء ؟ قال : نعم . (۹۴)

به امام صادق علیه السلام عرض کردم : ممکن است کسی دعا کند و دعایش مستجاب گردد سپس تا مدتی به تأخیر بیفتد ؟

حضرت فرمود : بلی .

عرض کردم : چرا چنین می شود ؟ آیا برای این است که بیشتر دعا کند ؟

حضرت فرمود : بلی .

آن چه نقل کردیم امور مهم در آداب دعا بود و اکنون بعضی از امور را با تأکید بیشتر بیان می کنیم :

اهمیت مداومت بر دعا

مداومت بر دعا و اصرار ورزیدن در ادامه آن دارای نقش بسیار مهمی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می باشد . و این نکته بسیار مهمی است که همه کسانی که با دعا سر و کار دارند ، باید به آن توجه داشته باشند ؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت ، و یا گفتن یک ذکر ، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند .

به عنوان مثال : در بسیاری از امراض جسمانی

اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامه مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری ها را با خواندن یک بار دعا نمی توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است.

بنابراین، همان گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می دهیم تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد، در مواردی که نیاز به دعا می باشد نیز باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود.

نقش یقین در مستجاب شدن دعا

البته ممکن است افرادی با خواندن یک دعا، یا ذکر یک اسم از اسماء الله، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری نادر الوجود و کمیاب اند و عموم افراد نباید توقع داشته باشند که مانند آنان با خواندن یک بار دعا، نتیجه ای که آن ها می گیرند، بگیرند.

این یکی از جهاتی است که در روایات درباره الحاح و اصرار در دعا تأکید شده است.

نقش یقین در مستجاب شدن دعا

دو چیز در

اجابت دعا، دارای تأثیر فراوان و اساسی است :

۱- رفع موانع قلبی و حجاب های ظلمانی و زدودن تیرگی های درونی از قلب .

۲- ایجاد مقتضی و به وجود آوردن صفا و نورانیت باطنی .

انسان برای آنکه تیر دعایش به هدف بخورد، به این دو چیز احتیاج دارد و باید این دو را ایجاد نماید تا نوبت به اضطرار نرسد .

بنابراین : ۱- هم باید پرده های تیرگی را از قلب کنار بزند . ۲- و هم انوار الهی را جایگزین آن نماید . و یقین ، این کار را انجام می دهد . هم ظلمت ها ، تاریکی ها و شک را از قلب می زداید و هم صفا و نورانیت را در قلب انسان ایجاد می نماید .

همه کسانی که در معارف و اعتقادات صحیح به یقین رسیده اند ، دارای قلبی با صفا و نورانی بوده و هستند ؛ زیرا لازمه وجودی یقین ، روشنایی و نور در قلب است ، و نوری مانند نور یقین وجود ندارد .

حضرت امام باقر علیه السلام می فرماید :

لا نور کنور الیقین . (۹۵)

هیچ نوری مانند نور یقین نیست .

بدیهی است وقتی یقین در قلب آدمی جای گرفت و قلب نورانی گردید ، تیرگی ها و تاریکی ها از میان می روند ؛ زیرا نور و ظلمت در یک جا جمع نمی شوند .

پس با به دست آوردن یقین می توان هم تیرگی ها را که مانع اجابت دعا می باشند ، برطرف نمود و هم صفا و نورانیت را که مقتضی اجابت دعا است ، فراهم نمود .

اکنون برای آن که از نقش یقین در اجابت دعا بیشتر آگاه شوید ، به جریان مهمی که در

جلد اول کتاب «اسرار موفقیت» نقل کرده ایم، توجه کنید:

مرحوم آیه الله العظمی خوئی در رابطه با اثرات «بسم الله الرحمن الرحيم» - در صورتی که با یقین گفته شود - جریان بسیار جالبی را از شیخ احمد، خادم استاد الفقهاء مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نقل کرده اند که وی گفته است:

مرحوم میرزا، خادم دیگری داشتند به نام شیخ محمد که پس از فوت مرحوم میرزا، از همشینی با مردم کناره گرفت.

روزی شخصی نزد شیخ محمد رفت، دید هنگام غروب آفتاب چراغ خود را از آب پر نمود و روشن کرد؛ آن شخص بسیار تعجب کرد و علت آن را از او پرسید.

شیخ محمد در جواب گفت: پس از فوت مرحوم میرزا از غم و اندوه جدایی از آن بزرگوار، معاشرت با مردم را قطع نمودم و خانه نشین گردیدم و دلم بسیار گرفته و حزن و اندوه شدید وجودم را فرا گرفته بود.

در ساعت های آخر یکی از روزها، جوانی به صورت یکی از طلاب عرب بر من وارد شد و با من انس گرفت و تا غروب نزد من ماند. از بیانات او به قدری لذت بردم که تمام غم و اندوه از دلم برطرف شد. او چند روزی نزد آمد تا من به او مأنوس شدم.

در یکی از روزها که با من صحبت می کرد، به خاطر آمد که امشب چراغم نفت ندارد. چون در آن وقت رسم چنین بود که مغازه ها را هنگام غروب می بستند و شب همه مغازه ها بسته بود.

یقین و آثار شگفت انگیز آن

از این جهت

در فکر بودم که اگر برای خرید نفت از منزل خارج شوم، از فیض سخنان ایشان محروم می شوم، و اگر نفت خریداری نکنم، شب را باید در تاریکی بسر برم.

چون مرا متحیر یافت، متوجه من شده و فرمود: تو را چه شده است که به سخنان من خوب گوش نمی دهی؟

گفتم: متوجه گفتار شما هستم.

فرمود: هرگز، درست به آنچه می گویم دل نمی دهی!

گفتم: حقیقت این است که امشب چراغم نفت ندارد.

فرمود: بسیار جای تعجب است که این همه ما برایت حدیث خواندیم و از فضیلت «بسم الله الرحمن الرحيم» سخن گفتیم و تو این قدر بهره مند نشدی که از خرید نفت بی نیاز شوی؟!

گفتم: یادم نیست حدیثی در این باره فرموده باشید!

فرمود: فراموش کرده ای که گفتم از خواص و فواید «بسم الله الرحمن الرحيم» این است که چون آن را به قصدی بگویی، آن مقصود حاصل می شود؟ تو چراغ خود را از آب پر کن، و به این قصد که آب دارای خاصیت نفت باشد، بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم».

من قبول کردم، برخاستم چراغ خود را از آب پر نمودم و در آن هنگام به همان نیت گفتم: «بسم الله الرحمن الرحيم»، چون آن را روشن کردم، افروخته شد و شعله کشید. از آن زمان هر گاه چراغ خالی می شود، آن را از آب پر می کنم و «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویم و روشن می کنم.

مرحوم آیه الله خوئی پس از نقل این جریان فرمودند: تعجب این

است که پس از نشر این قضیه و پخش شدن آن بین مردم، آنچه شیخ محمد عمل می کرد از اثر نیفتاد.

همان گونه که ملاحظه کردید، گفتن یک مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» از روی یقین، دارای اثر شگفت و خارق العاده بوده است.

آنان که دارای اسم اعظم اند - و خیلی تعداد آن ها کم است - نیز، از همان اسم هایی که میان همه مردم متداول است استفاده می کنند؛ ولی آنچه که عمل آنان را از دیگران ممتاز می سازد، یقین آنان است؛ زیرا یقین آنان در تأثیر نامی که تلفظ می کنند، نقش اساسی دارد.

یقین و آثار شگفت انگیز آن

چون یقین یکی از مسایل اساسی و دارای آثار بسیار مهمی می باشد، بحث درباره آن را ادامه داده و در این ارتباط مقدمه کوتاهی را بیان می کنیم:

بسیاری از کسانی که در راه سیر و سلوک و پیمودن راه معنویت تلاش می کنند، در جستجوی آنند که موانع راه خود را بشناسند و بدانند چه عواملی در آنان وجود دارد که آنان را متوقف ساخته و مانع از ترقی و پیشرفت معنوی ایشان می شود، بلکه گاهی حالت تنزل و عقب گرد روحی پیش می آورد.

آن عوامل که سبب توقف و تنزل می شوند چه چیزهایی هستند؟ و چگونه می توان آن ها را شناسایی نمود؟ و از همه مهم تر چگونه می توان آن ها را برطرف نموده و نابود ساخت؟!؟

اینها سئوالات مهمی است که برای بسیاری از کسانی که در جستجوی امور معنوی می باشند پیش می آید و نمی دانند چگونه باید مشکل خود را حل کنند؟ و چگونه به پاسخ سئوالات خود دست

یابند ؟

به دنبال این سئوالات ، سؤال اساسی تر دیگری به وجود می آید - که با به دست آوردن پاسخ آن ، مشکلات قبلی آسان می شود - و آن این است که آیا برای سیر و سلوک و گام نهادن در عالم معنی و پیمودن راه معنویت ، شناخت موانع لازم است ؟

آیا حتماً باید عواملی را که مانع پیشرفت انسان و سبب رکود و توقّف و گاه تنزل انسان می باشند ، شناسایی نموده ، سپس برای برطرف ساختن آن ها تلاش نمود ؟ یا راهی وجود دارد که با پیمودن آن ، همه موانع خود بخود ریشه کن می شود گرچه آن ها را شناسایی نکرده باشد ؟ آیا پادزهری وجود دارد که اثر همه زهرها را - از هر نوعی که باشند - ناپود سازد ؟

اگر چنین چیزی وجود داشته باشد که چاره همه دردها بوده و اثر هر گونه زهر را از بین ببرد حتماً باید در راه تحصیل و بدست آوردن آن تلاش نمود و بعد از آن نیازی به شناختن نوع زهری که انسان را گرفتار ساخته ، نمی باشد .

دعا برای ظهور امام عصر...

بعضی از بزرگان معتقدند راه هایی وجود دارد که با شناختن آن ها می توان راه صد ساله را یک شبه پیمود ؛ و عواملی وجود دارد که با آن می توان موانع را از سر راه برداشت - گرچه آن ها را شناسایی نکرده باشد - و به سر منزل مقصود رسید .

مرحوم محدّث نوری ، «یقین» را یکی از آن عوامل می داند و معتقد است تأثیر یقین آن چنان زیاد است که می تواند بدون شناخته شدن جزئیات موانع ، آثار آن ها را ریشه کن نموده و وسیله پیشرفت

را در انسان ایجاد کند .

ایشان می فرماید : کسی که می خواهد قلب خود را از صفات زشت پاک نماید و به خصلت های پسندیده زینت بخشد، بدون آن که خود را در شناخت جزئیات بیماری های قلبی و علاج آن و شناخت اضرار و نتایج آن به زحمت افکند ، باید برای تحصیل نور یقین اقدام نماید .

یقینی که وقتی در قلب جای گیرد به طور خودکار آن را از همه آلودگی ها و پلیدی ها پاک نماید و نور همه صفات پسندیده را به آن بتاباند . بدون یقین ، برطرف ساختن مرض قلبی سودی ندارد و تحصیل خصلت پسندیده ممکن نیست . به همین جهت است که می بینیم در اخبار فراوان همه خصلت های پسندیده را از ثمرات یقین قرار داده اند . (۹۶)

مرحوم محدث نوری بعد از این کلامش فرموده است : دست کشیدن به خار مگیلان آسان تر از رسیدن به یقین است ؛ ولی کسی که دارای آن شود آن چنان قلبش نورانی می شود که موانع را از بین می برد و یا حداقل آن را بی اثر می سازد .

ما در اینجا به این مقدار اکتفا می کنیم ؛ کسانی که خواهان مطالب بیشتری درباره یقین و راه های به دست آوردن آن می باشند به کتاب «اسرار موفقیت ج ۱» بخش «یقین» مراجعه نمایند .

دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه

لازم و ضروری است

پس از بیان آداب دعا می گوئیم : لازم ترین دعا در زمان غیبت ، دعا برای ظهور مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است ، زیرا او صاحب ما ، و صاحب عصر و زمان ؛ بلکه صاحب امر و سرپرست تمام جهان ها است .

آخر چگونه نسبت به آن حضرت - که پیشوا و امام

ماست - غفلت و بی توجهی کنیم؟! در حالی که این غفلت، در حقیقت بی توجهی به یکی از اصول و پایه های دین است. بدین سان، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشتن، خانواده و برادران صورت گیرد.

جناب سید بن طاووس رحمه الله در «جمال الأسبوع» می فرماید: پیش تر بیان شد که بزرگان و رهبران دینی ما، توجه و اهمیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه در هر شب و روز داشته اند و این در زمان های گذشته مرسوم بوده است.

از این مطلب بر می آید که دعا برای آن بزرگوار، از مسایل و شیوه های مورد اهتمام مسلمانان و مؤمنان بوده است، چنان که در تعقیب نماز ظهر روایت کردیم که امام صادق علیه السلام، بیشتر و بهتر از آنچه در مورد خویش دعا کنند، در مورد حضرت مهدی ارواحنا فداه دعا نموده اند.

و نیز، در بخش اعمال شب و روز در تعقیباتی که برای نماز عصر بیان کردیم، بخش زیبایی را آوردیم که امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی صلوات الله علیه به گونه ای شیوا و بهتر از دعا برای خویش، دعا فرموده اند.

اگر کسی بخواهد دلیلی برای این کار بیاورد در صورتی که جایگاه امام صادق و امام کاظم علیهما السلام را در اسلام و مسلمین بدانند؛ همین کار آن دو بزرگوار، دلیلی بسیار خوب برایش خواهد بود.

(۹۷)

نیز سید بن طاووس رحمه الله پس از بیان ثواب دعا کردن برای برادران دینی، می گوید: در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این

قدر ارزش و ثواب داشته باشد؛ پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت تو است، و اعتقاد داری که اگر او نبود خداوند نیز تو را نمی آفرید؛ بسیار بالاتر و به مراتب باارزش تر است.

همان امامی که اگر نبود، هیچ یک از مکلفان در زمان خودش و زمان تو، به وجود نمی آمدند؛ آن بزرگوار که سبب وجود تمام حالاتی که در تو و در غیر توست، و تمام خیرات و بهره هایی است که شماها به آن می رسید.

زَنهار، زَنهار؛ از این که خودت یا یکی از مخلوقات را در دوستی و دعا کردن، بر آن عزیز، مقدم و پیش بداری؛ قلب و زبانت را هنگام دعا برای آن سرور ارجمند و والا مقام، با یکدیگر هماهنگ کن.

مبادا خیال کنی این سفارشات که می کنم، به دلیل احتیاج آن حضرت به دعای توست، هرگز؛ اگر چنین باوری داشته باشی بدان که در اعتقاد و دوستی خود، بیمار می باشی. پر واضح است، این گفتار من و سفارشات که کردم، تنها به این خاطر است که بتوانم قدری از حق بزرگ او را که بر عهده توست، به تو بشناسانم و برایت روشن کنم که چه نیکی های شایانی بر تو ارزانی داشته است.

از سویی اگر تو پیش از خودت و عزیزان و نزدیکانت، برای آن عزیز، دعا کنی، بهتر می توانی درهای اجابت الهی را فراوری خویش بازگردانی؛ زیرا درهای اجابت و پذیرش دعا را خودت - ای بنده خدا؛ - بسته ای و این کار را با جنایت هایت

انجام داده ای!

لذا هنگامی که دعا کردی برای آن مولای عزیز نزد مالک مردگان و زندگان ، امید است که به زودی و به سرعت درهای اجابت آستان الهی برای خاطر آن بزرگوار باز گردد، و پس از وارد شدن به سرای اجابت و پاسخ گویی خداوند، بتوانی برای خودت و دیگران، در زمره فزون بخشی او دعا کنی .

بدین سان ، رحمت و بزرگواری و توجه خداوند نیز به تو تعلق می گیرد ، به این جهت که در دعا ، به ریسمان و دستاویز خداوند ، آویخته و دعا کرده ای .

ممکن است بگویند: فلان شخص و فلان شخصی را می شناسم که جزو اساتید دینی تو هستند و این کار را نیز انجام نمی دهند، ولی من به خوبی آگاهم که این افراد در بی توجهی و غفلت نسبت به مولای ما ارواحنا فداه به سر می برند! و نسبت به او کوتاهی نموده اند .

در پاسخ این اشکال به شما عرض می کنم : کاری را که گفتم شما انجام بده ؛ زیرا ، این حقیقتی آشکار و روشن است، هر کسی مولای ما را واگذارد و به او بی توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی رسواگر به سر می برد!

سید بن طاووس رحمه الله در ادامه می گوید : فکر می کنی نظر امامان علیهم السلام در این مورد چیست ؟ آیا ایشان همانند تو نسبت به اهمیت دعا برای آن حضرت ، بی توجهی نموده و آن را سبک می شمارند؟! بنابراین ، از زیاد دعا نمودن در نمازهای واجب برای آن حضرت صلوات الله علیه و برای کسی که دعا برای او جایز است خودداری نکن .

روایتی صحیح با سند خودم

از محمد بن علی بن محبوب (مرجع و استاد علمای قم در زمان خودش) نقل می‌کنم که او در کتابش به نام «المصنّف» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرتش فرمود:

كَلَّمَا كَلَّمْتُ اللَّهَ تَعَالَى فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَلَيْسَ بِكَلَامٍ .

آنچه با خدا گفتگو کنی در نماز واجب، کلام باطل کننده نماز به حساب نمی‌آید.

(سید رحمه الله می‌افزاید: (در چنین شرایطی، دیگر هیچ بهانه‌ای برای ترک دعا برای آن حضرت نداری. (۹۸)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: بر اساس آیات قرآن و نیز احادیث، دعا از جمله بزرگ‌ترین عبادت‌هاست.

از طرفی شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ‌ترین و ارزشمندترین دعا‌های انسان، دعا برای کسی است که خداوند حقّ او را و دعا کردن برای او را بر تمام انسان‌ها واجب فرموده است، و نعمت‌های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می‌شود.

نیز، شکی نیست که معنای مشغول شدن به خداوند، مشغول شدن به عبادت الهی است، پس دعا کردن برای امام عصر ارواحنا فداه به طور همیشگی، موجب توفیق الهی در بندگی و عبادت او خواهد شد و خدا او را از دوستان خود قرار خواهد داد.

مظلوم‌ترین فرد عالم

نتیجه سخن آن که: مواظبت کردن بر دعا برای امام عصر، حضرت حجّت ارواحنا فداه و درخواست کردن از خداوند تعجیل فرج و ظهور آن حضرت را، و برطرف کردن غم و اندوهش را و خشنود نمودن آن امام بزرگوار، موجب دست‌یابی به دوستی خداوند و توفیق در عبادات الهی خواهد بود.

(و این مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد).

پس لازم است تمام مؤمنان نسبت به این مسأله مهم همیشه و در همه جا توجه خاصی مبذول داشته و اهتمام ورزند.

از جریاناتی که درستی گفتار ما را تأیید می کند، آن است که برادر عزیز ایمانی ام، فاضل وارسته - که مؤید به تأییدات ربّانی است - جناب میرزا محمّد باقر اصفهانی که خدا سایه اش را مستدام بدارد و او را به آرزوهایش در این ایام برساند می گوید:

در خواب، یا در حالتی بین خواب و بیداری، در یکی از همین شب ها دیدم که امام بزرگوارمان، آن مولای همه آفریدگان و حجت الهی بر همه موجودات، حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلاه والسلام سخنانی (به این مضمون) فرمودند:

بر منبرها به مردم بگوئید و دستور بدهید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میت واجب کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دادند، تکلیف از دیگران برداشته شود؛ بلکه، همانند نمازهای واجب روزانه، بر هر یک از مکلفان واجب است که انجام دهند... (۹۹)

با توجه به مطالب یاد شده، لزوم دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء روشن شد.

مظلوم ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولای مان امام زمان ارواحنا فداء را ذکر کردیم می گوئیم: متأسفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحنا فداء و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می شود. و اگر بدانیم

که تاکنون چقدر از آن حضرت غافل بوده ایم ، متوجه می شویم که آن حضرت مظلوم ترین فرد عالم هستند .

اکنون جریاناتی را درباره مظلومیت آن بزرگوار ذکر می کنیم :

۱ - حجه الإسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل شرفی نقل نمودند :

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم . چون دعای زائرین در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام مستجاب است ، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن نماید .

ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد ، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم ؛ ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم ، پس به او سلام کردم و از ایشان سؤال کردم : آقا ؛ شما کیستید ؟

فرمودند : من مظلوم ترین فرد عالم هستم .

من مقصود آن حضرت را متوجه نشدم و با خود گفتم : شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده اند خود را مظلوم ترین فرد عالم می دانند ، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست .

اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده ، و او مظلوم ترین فرد عالم و امام زمان من بود ، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم .

۲ - حجه الإسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد موسوی - که از شیفتگان حضرت امام عصر عجل الله تعالی له الفرج می باشند -

از حجّه الإسلام والمسلمین عالم ربّانی مرحوم آقای حاج شیخ محمّد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف ، یا شهود خدمت حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می بیند از حال آن بزرگوار سؤال می کند ، حضرت می فرماید :

دلّم خون است ، دلّم خون است .

۳ - حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند :

نصیحتی از مرحوم ...

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است ، تا می توانید درباره آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید ؛ آنچه درباره شخصیت این معصوم بگویید درباره همه معصومین (علیهم السلام) گفته اید ؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت و ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان ، دوران مهدی ما است سزاوار است درباره او بیشتر گفتگو شود .

و در خاتمه فرمودند :

باز تأکید می کنم درباره مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید ، مهدی ما مظلوم است ، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره اش نوشت و گفت . (۱۰۰)

نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط

اکنون که از مظلومیت آن حضرت آگاه شدیم باید توجه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیدن به حالات و مقامات نباشد ؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم .

اینک به این جریان مهمّ توجه کنید : مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه بودند ، نقل می کردند : در زمانی که برای تبلیغ ، از مشهد مقدّس به شهرستان ها می رفتم در یکی

از مسافرت ها چند روزی قبل از ایام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط - که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می نمودند - مشرف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم ، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد .

آن بزرگوار طریقه ختم آیه شریفه « وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ » را به ما آموختند(۱۰۱) و فرمودند : اول صدقه بدهید و چهل روز ، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید .

نکته مهمی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط فرمودند این بود که : مقصودتان از انجام این ختم تقرب به حضرت رضا علیه السلام باشد و حاجت های مادی را در نظر نگیرید .

مرحوم آقای شرفی فرمودند : من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم ، ولی دوست من موفق شد و آن را به پایان رساند . پس از آن که به مشهد مقدس برگشت ، وقتی ایشان به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مشرف گردید ، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد . کم کم این حالت در ایشان تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید .

هدف ما از نقل این جریان ، نکته مهمی است که در دعاها و توسلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها ، دعاها و توسلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آن ها

، تقرب به خداوند باشد تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام نیز نزدیک شود ، یعنی اعمالش را به نیت عبودیت و بندگی خدا انجام دهد ، نه برای رسیدن به حالات و مقامات .

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن ، گره از کار افراد می گشود ، از شخصی که او را صاحب بصیرت می دانست ، سوال کرده بود : به نظر شما من چه موقعیت و منزلتی نزد خدا دارم ؟

ایشان پس از تأمل در جواب گفته بودند : شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده ای .

پس دعا کننده نباید هیچ گونه سوء استفاده ای از دعاهایش بنماید ، بلکه آن ها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد ، نه این که به وسیله آن ها دخالت در کارهای خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید .

تجربه مهمّ مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

تجربه مهمّ مرحوم ...

اکنون جریان مهمّی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیت مسأله انتظار است نقل می کنیم :

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت های شرعی اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمّل شده بودند .

ایشان هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدّت عمر خود از کودکی انجام داده بودند ، یادداشت کرده و به خاطر متضمّن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهمّ ، صلاح نمی دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند . و به این جهت آن

را مخفی نگه داشته و پنهان می نمودند .

مرحوم والد معظّم در ارتباط با آن نوشته ها می فرمودند : مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته ها را به مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی دادند . (۱۰۲)

مقصود از نقل این جریان ، نکته مهمی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و باید درس مهمی برای همه کسانی که در راه معنویات و سیر و سلوک شرعی گام برمی دارند ، باشد .

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که :

ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن و تقرّب به مولایم امام زمان عجل الله تعالی له الفرج انجام می دادم .

ببینید یک شخصیت مهم که نام ایشان زبان زد خاص و عام بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسّف می نماید و آرزو می کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال ، تقرّب به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده بود .

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهمّ روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار کم نظیر در میان افراد و چهره های شناخته شده ، بهره مند بوده است ؛ با این همه ، آرزو می کند که کاش سعی و تلاش خود را در راه تقرّب به امیر عالم هستی به کار می برد ، و بدست آوردن قدرت تصرف در افراد و بازگرداندن صحت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی داد .

بزرگ ترین درس برای

انسان ها این است که در هر مسیری که می پیمایند از تجربه های مردان بزرگ در آن راه ، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال های سال به دست آورده اند بهره مند شوند و به آخرین تجربه ها و نتیجه هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن رسیده اند ، کاملاً توجه نموده و به آن عمل نمایند .

به این نکته توجه کنید :

استفاده از تجربه های مهم مردان بزرگ ، ارزش حیات و نتیجه زندگی را صدها برابر افزایش می دهد . پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشته خود متذکر شده اند ، عمل نمایید و دعاها ، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می دهید برای تقرب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه تقرب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم ارزش را ترک کنید . این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می گیرید.

دعای امام عصر ارواحنا فداه

برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند

دعای امام عصر ارواحنا فداه ...

نویسنده «مکیال المکارم» می گوید : از جمله اثرات دعا برای مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه آن است که دعای آن بزرگوار شامل حال کسی می شود که برای آن حضرت دعا کند .

دلیل این مطلب آن است که علاوه بر این که ایشان بیش از هر کس نسبت به سپاسگزاری از کسی که به وی نیکی و احسان کند ، اهتمام دارند؛ در دعای حجاب خود که در کتاب «مهج الدعوات» آمده

است؛ پس از دعا برای تعجیل فرج فرموده است :

... وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِضَرْهٍ دِينَكَ مُؤَيَّدِينَ ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ ، وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنصُورِينَ ...

... هر کسی را که برای پیروزی آیین تو از من پیروی می نماید تأیید فرما ، و در راه خودت از مجاهدین و جهاد کنندگان قرار بده و بر کسانی که سوء قصدی نسبت به من و ایشان کرده اند ، یاری فرما . . .

بدون شک ، دعا برای آن حضرت و تعجیل در فرج با کفایتش، نوعی پیروی و یاری کردن آن بزرگوار است؛ زیرا یکی از نمونه های یاری دین و ایمان و یاری امام زمان ارواحنا فداه ، یاری کردن زبانی است ، و دعا برای آن حضرت از اقسام یاری کردن زبانی به حساب می آید ؛ و این چیزی نیست که بر کسی پنهان باشد .

همچنین بیان علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش ، گفتار ما را تأیید می کند . ایشان در تفسیر آیه شریفه « وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ فَاَحْسِنُوا فَكُلُوا بِأَحْسَنِّ مَنَآئِمِهَا أَوْ رُدُّوهَا » (۱۰۳) ؛ « اگر به شما ادای احترام شد، شما نیز بهتر از آن یا به همان شکل ادای احترام را پاسخ دهید» ، فرموده است : منظور از تحیت ، سلام و موارد دیگری از کارهای نیک است .

زیرا که دعا از برترین نوع احسان و نیکی است . بنابراین ، هنگامی که بنده مؤمن برای مولایش امام عصر ارواحنا فداه دعا کند و این کار را خالصانه انجام دهد ؛ مولای بزرگوارش نیز در پاداش او دعایی خالص برای او خواهد کرد . بدیهی است، دعای امام زمان ارواحنا فداه برای

شخص ، کلید تمام خیرات و خوبی ها ، و نابود کننده همه بدی ها است .

گواهی و تأیید این گفتار ، سخن مرحوم قطب راوندی در کتاب «خرائج» است ، وی می گوید :

گروهی از اهل اصفهان - که از جمله ایشان ابوالعباس احمد بن نصر؛ و ابو جعفر محمد بن علویه هستند - برآیم بازگو کردند که مردی به نام عبدالرحمان در اصفهان بود و از شیعیان به حساب می آمد . از او پرسیده شد که به چه دلیل تو از بین تمام مردم روزگار خود ، امام هادی علیه السلام را انتخاب کرده و او را امام و پیشوای خود قرار دادی؟!!

وی گفته است : چیزی را مشاهده کردم که برآیم واجب شده است تا او را امام خود بدانم . من مردی فقیر و بی چیز بودم ، ولی زبانی گویا داشتم و پر جرأت بودم . در یکی از سال ها مردم اصفهان مرا از شهر بیرون کردند ؛ من نیز به همراه عدّه ای که برای شکایت و دادخواهی به دیار متوکل عباسی (حاکم وقت) می رفتند ، به راه افتادم ؛ تا آن که به قصر حکومتی او رسیدیم . در این هنگام ، دستور احضار امام هادی علیه السلام را صادر کرد .

از بعضی از حاضران پرسیدم : این مردی که دستور احضارش را داده اند، کیست؟

گفتند : او یکی از فرزندان علی علیه السلام است که شیعیان او را امام و پیشوای خود می دانند . و من حتم دارم که متوکل او را برای کشتن احضار کرده است .

من گفتم: از این جا نمی روم تا ببینم او چگونه مردی است !

پس از مدّتی

آن حضرت را در حالی که سوار بر اسب بود مشاهده کردم ، مردم در سمت راست و چپ آن حضرت صف کشیده بودند و به سویش می نگریستند . با دیدن او ، محبت و دوستیش در قلبم قرار گرفت ، و برای او در درون خود مشغول دعا شدم تا خداوند او را از شر متوکل (لعین) در امان بدارد .

آن بزرگوار نگاهش را به یال اسب دوخته بود و از بین مردم حرکت می کرد ، و به راست و چپ خود نیز نگاه نمی کرد . من نیز در درون پیوسته برای او دعا می کردم . هنگامی که خواست از کنار من عبور کند ، رو به من کرد و فرمود :

استجاب الله دعاك ، وطول عمرک وكثر مالک وولدک .

خداوند ، دعایت را اجابت فرماید ؛ عمرت را طولانی ، و دارایی و فرزندان را بسیار گرداند .

آن گاه، من از شکوه و هیبت او بر خود لرزیدم و بین دوستانم افتادم؛ پرسیدند: چه اتفاقی برایت افتاده است؟

گفتم: خوبم (ولی هیچ چیزی در مورد آن جریان به هیچ کس نگفتم) . پس از این جریان به اصفهان بازگشتیم ، و به واسطه دعای آن بزرگوار، خداوند نیز راه های درآمد را به رویم گشود، به گونه ای که در حال حاضر هزار هزار درهم ارزش خانه و اموال درون خانه ام می باشد ، و بیرون از منزل نیز بسیار ثروت و دارایی دارم . ده فرزند نیز نصیب شده، و بیش از هفتاد سال از عمرم می گذرد .

من ، این مرد بزرگوار را به عنوان پیشوای خود برگزیدم و او را امام می دانم ؛ چرا که او

چیزی را که در خاطر من گذشت متوجه شد، و برایم دعا کرد و خداوند نیز دعایش را در حَقَم مستجاب فرمود.

عرض می‌کنم: ای خردمند؛ با دَقَّت اندیشه کن و ببین چگونه مولای ما امام هادی علیه السلام، پاداش دعا و احسان این مرد اصفهانی را داد، و آن گونه برایش دعا فرمود؛ با این که وقتی آن شخص برای امام علیه السلام دعا کرد، هنوز جزو پیروان امام علیه السلام نبود. آیا با وجود این جریان، می‌توانی گمان کنی در مورد امام عصر و مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه، با این که تو از شیعیان او هستی، که اگر دعایش کنی، او در مقابل برای تو دعای خیر نمی‌کند؟!

نه؛ به خدایی که جنّ و بشر را آفرید، چنین نیست؛ بلکه، آن حضرت - اگر چه مؤمنان نسبت به این جهت بی‌توجهی می‌کنند - برای مؤمنان و شیعیانش دعا می‌کند؛ زیرا تمام احسان‌ها و نیکی‌ها از ناحیه آن حضرت است.

از جمله اموری که تأکید بر مدّعی ما می‌نماید این است که یکی از برادران شایسته و بزرگوارم به من گفت که در عالم رؤیا حضرت مهدی صلوات الله علیه را ملاقات کرده، و آن حضرت به او فرموده اند:

إِنِّي أَدْعُو لِكُلِّ مُؤْمِنٍ يَدْعُو لِي بَعْدَ ذِكْرِ مَصَائِبِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَجَالِسِ الْعَزَاءِ .

من حتماً برای هر مؤمنی که در مجلس عزا، بعد از یاد مصیبت‌های سید الشهداء علیه السلام برایم دعا کند، دعا می‌کنم.

از خداوند درخواست توفیق دعا برای آن حضرت را داریم

تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

تشکیل مجالس دعا ...

همان طور که می توان به تنهایی دعا کرد ، می توان به طور گروهی به دعا پرداخت . بدین شکل که مجالسی تشکیل شود و در آن ها از امام عصر ارواحنا فداه یاد شود؛ چرا که با این کار ، افزون بر این که برای امام علیه السلام دعا شده است، کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امر (امامت) امامان علیهم السلام ؛ بیان و بازگو کردن حدیث هایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است؛ و... صورت می گیرد .

نویسنده کتاب «مکیال المکارم» می گوید: یکی از تکلیف ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه ، آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان علیه السلام یاد شود ، و خوبی ها، فضیلت ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد ، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد ؛ چرا که این کارها، رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگ داشتن و بالا بردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی داشتن مراسم و شعائر الهی ، و یاری نسبت به ولی پروردگار است .

افزون بر مطالبی که بیان شد و نیز ارزش های دیگری که در مورد برپایی این مجالس می توان برشمرد؛ فرمایش امام صادق علیه السلام - که در کتاب «وسائل الشیعه» و غیر آن نقل شده است - نیز بر این مطلب دلالت دارد :

تراوروا ، فإن فی زیارتکم إحياءاً لقلوبکم و ذکرراً لأحاديثنا ، وأحاديثنا تعطف بعضکم

علی بعض، فإن أخذتم بها رشدتم ونجوتم ، وإن تركتموها ضللتم وهلكتم فخذوا بها وأنا بنجانكم زعيم .(۱۰۵)

به دیدار یکدیگر بروید؛ زیرا این دید و باز دیده‌ها موجب زنده شدن دل های شما ، و بازگو کردن و یادآوری حدیث های ماست . حدیث ها و سخنان ما ، باعث همبستگی و مهربانی بیش تر بین برخی از شما با برخی دیگر خواهد شد . اگر سخنان ما را پذیرفتید و به کار گرفتید، هدایت می شوید و نجات می یابید؛ و اگر سخن ما را رها کردید، گمراه می گردید و هلاک می شوید ؛ بنابراین، شما احادیث و سخنان ما را بپذیرید و به کار بندید ، من نیز ضامن و عهده دار نجات شما می باشم .

دلالت روایت بر مطلب ما به این گونه است که : دلیل دستور دادن آن حضرت به دید و باز دید شیعیان این است که انگیزه و وسیله ای برای زنده شدن امر (امامت) ایشان و بازگویی احادیث شان است ؛ پس ، نتیجه می گیریم که بدون شک ، تشکیل این گونه مجالس که در آن یاد فضایل او ، و اموری که مربوط به آن حضرت است ؛ دارای برتری و استحباب است و ائمه علیهم السلام به این کار ، علاقه مند هستند .

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در حدیث «أربع مائه» ، مطالبی فرموده اند که مربوط به موضوع بحث ماست :

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا ، وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا ، وَيَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا ، وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنَانَا ، وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا ، أَوْلَيْكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا ، الْخَيْرُ .(۱۰۶)

همانا، خدای تبارک و تعالی ، با آگاهی و روشن بینی که نسبت به زمین (و موجوداتش)

داشت، ما را برگزید؛ و شیعیان و پیروانی نیز برای ما انتخاب کرد، تا ما را یاری کنند، و به جهت شادی ما شادمان، و برای ناراحتی و اندوه ما اندوهگین باشند، و ثروت و جان خویش را در راه ما بذل و بخشش نمایند. اینان از ما هستند، و به سوی ما می آیند ...

هشدار و آگاهی: می توان گفت: در برخی از زمان ها، واجب است چنین مجالسی تشکیل شود، همانند وقتی که مردم در حال کشیده شدن به انحراف و گمراهی باشند، و بتوان با تشکیل این گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف بازداشت و به شاهره هدایت ارشاد و راهنمایی نمود.

و جوب این امر با توجه به دلیل های امر به معروف و نهی از منکر؛ و نیز، راهنمایی گم شدگان، و نیز بازداشتن اهل بدعت و گمراهی به دست می آید. البتّه، در همه حالات تنها خدای متعال است که انسان را حفظ می کند و از گناه باز می دارد. (۱۰۷)

مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه

اشاره

جهت اطلاع بیش تر خوانندگان محترم، به بررسی برخی از مکان هایی می پردازیم که ویژه آن حضرت هستند.

مرحوم محدّث نوری می فرماید: پوشیده نیست که برخی از مکان های ویژه امام عصر صلوات الله علیه که مشهور به مقام امام زمان علیه السلام می باشند؛ مکان هایی هستند مانند: وادی السلام (نجف اشرف)، مسجد سهله، مسجد حلّه، مسجد جمکران در خارج شهر مقدّس قم، و ...

به نظر می رسد برخی از کسانی که آن امام علیه السلام را دیده اند، در این مکان ها به زیارتش

شرفیاب شده اند؛ یا این که در این جاها، معجزه ای از آن حضرت نمودار شده است؛ بدین جهت، جزو مکان های شرافتمند و بابرکت به حساب می آیند، و جایی هستند که می توان با آن حضرت مأنوس شد، و فرشتگان الهی در آنجا از آسمان فرود می آیند، شیطان ها رفت و آمدشان کم است و این ها خود از وسایل و اسبابی است که موجب اجابت زودتر دعا، و پذیرش سریع تر عبادت می شود.

فضیلت مسجد کوفه ...

در برخی از روایات آمده است: خدای عزّ و جلّ دوست می دارد در مکان هایی همانند این مکان ها و مسجدها و حرم های امامان علیهم السلام، و قبرهای فرزندان امامان علیهم السلام، و قبر بندگان صالح و نیکوکار، که در شهرهای مختلف پراکنده اند پرستش شود.

این، از لطف های پنهانی خداوند است نسبت به بندگان که دچار گمراهی، یا اضطراب و ناچاری، بیماری، بدهکاری، ستمدیدی، ترس و وحشت، نیاز و احتیاج، و از این قبیل امور باشند؛ بندگان که دچار اندوه و مشکلات شده اند و قلب شان به هم ریخته و دارای ظاهری آشفته و حواسی از کار افتاده هستند. این افراد، می توانند به جاهای مزبور پناهنده شوند، و گریه و زاری نموده و به وسیله کسی که صاحب آن مقام است، به خداوند متوسّل شوند و درخواست علاج دردها و شفای بیماری ها، و برطرف شدن شرّ مردمان شرور، و دیگر گرفتاری ها را بنمایند.

در بسیاری از موارد، خواسته این افراد پاسخ داده می شود: بیماری که در حال مرضی به آن جا رفته است

، شفا گرفته و برمی گردد؛ ستم دیده ای که رفته است، برمی گردد در حالی که حقیقتش را گرفته است؛ کسی که با نگرانی و اضطراب به آن اماکن شرفیاب شده است، برمی گردد در حالی که دلش آرام و خیالش راحت شده است.

البته، طبیعی است هر کس ادب و احترام بیش تری به جا آورد، بهره و خیر بیش تری نیز به دست می آورد.

و احتمال دارد تمام این مکان های شریف، جزو خانه های خدا باشند که دستور داده شده است که آن خانه ها رفیع و بلندمرتبه گردد و نام خدا در آن ها برده شود، و هر کس در آن خانه ها صبح گاهان و شام گاهان به تسبیح و ثناگویی خداوند پردازد، ستوده شده است. و این مقام، گنجایش ندارد که بیش از این به شرح و توضیح مطلب پردازیم. (۱۰۸)

۱ - فضیلت مسجد کوفه

و این که آنجا مصلائی حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور است

مسجد کوفه، یکی از مسجدهای چهارگانه است که دستور کوچ کردن به سوی آن ها و اقامت و بزرگ داشت شان داده شده است.

آن چهار مسجد: مسجد الحرام (مکه)، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم (در مدینه)، مسجد الأقصی (در بیت المقدس)، و مسجد کوفه هستند.

مسجد کوفه یکی از همان چهار مکانی است که مسافر، در آن جا اختیار دارد که نمازهای چهار رکعتی خود را به صورت کامل یا به صورت شکسته بخواند. و آن ها عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه.

این مسجد جایگاه نماز پیامبران و

جانشینان ایشان بوده است؛ و به زودی محلّ برگزاری نماز امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود.

در روایتی آمده است: هزار نفر از پیامبران، و هزار نفر از اوصیاء پیامبران؛ در این مسجد، نماز به جای آورده اند. (۱۰۹)

اعمال مسجد کوفه بسیار زیاد است؛ سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر»، به بیان آن ها پرداخته است؛ و چون ممکن است موجب طولانی شدن این گفتار شود، از بازگویی آن خودداری کردیم.

۲- فضیلت مسجد سهله

که مقام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در آنجاست

فضیلت مسجد سهله ...

بعد از مسجد اعظم کوفه، مسجدی از نظر فضل و مرتبه بافضیلت تر از مسجد سهله در آن مکان نیست؛ زیرا آنجا خانه ادريس و ابراهيم عليهما السلام است؛ خضر پیامبر علیه السلام نیز در آنجا وارد شد و سکونت گزید.

روایت شده است: آنجا جایگاه صالحان و پیامبران و رسولان است و روایات بسیاری در فضیلت این مسجد وارد شده است.

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمود:

أتراني أنظر إلى صاحب الأمر داخلاً إلى مسجد السهلة بأهله و عياله و متّخذة منزلاً له، وإنّ الله تعالى لم يرسل نبياً قطّ إلّا و صلّى فيه، و كلّ من أقام فيه فكأنّما أقام في خيمة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، و ما من مؤمن ولا مؤمنة إلّا و قلبه يحنّ إليه ، و فيه حجر عليه صور جميع الأنبياء صلوات الله عليهم .

و ما من أحد يصلّي فيه و يدعو بتيه خالصه إلّا أعطاه الله حاجته ، و ما من أحد يطلب فيه الأمان إلّا آمنه الله من كلّ ما يخاف

، وما من يوم أو ليلة إلا وتنزل الملائكة لزيارته وعبادة الله فيه ، وما لم أذكره لك من فضيلة هذا المسجد أكثر مما ذكرته .

آیا باور می کنی که من صاحب الأمر (صلوات الله علیه) را می نگرم در حالی که با اهل و عیالش به مسجد سهله داخل می شود و در آن مأوا می گزیند ؟ خداوند بلندمرتبه هیچ پیامبری را نفرستاد مگر این که در آنجا نماز گزارد . هر که در آنجا اقامت کند ، مثل این است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم اقامت نموده است ؛ هیچ زن و مرد مؤمنی نیست مگر این که قلبش بدان مشتاق و مایل است و در آن مسجد سنگی است که صورت های همه پیامبران در آن ، نقش بسته است .

کسی نیست که در آن مکان نماز گزارد و خداوند را با نبیتی خالص بخواند مگر این که خدا حاجتش را عطا کند . هر کس که در آنجا از خدا امان بخواهد ، خدا از آنچه که می ترسد او را ایمنی بخشد . شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت آنجا فرود نیایند و در آنجا عبادت پروردگار نمایند . آنچه از فضیلت این مسجد برای تو نگفتم ، بیش از آن است که برایت گفتم .

نیز از همان امام علیه السلام روایت شده است :

من صلی رکعتین فی مسجد السهله ، زاد الله فی عمره عامین .

هر کس دو رکعت نماز در مسجد سهله بجا آورد ، خداوند دو سال بر عمرش بیفزاید .

در روایتی دیگر وارد شده است :

أن منه يكون النفيخ في الصور ، ويحشر من

حوله سبعون ألفاً يدخلون الجنة بغير حساب .

نسخ در صور از آنجاست ؛ و از اطراف آن مسجد هفتاد هزار نفر محشور شده و بدون حساب وارد بهشت می شوند .

ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند معتبر از حضرمی از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرمی می گوید : به امام علیه السلام گفتم : کدام بقعه بعد از حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، برتر است ؟ فرمود :

الكوفة يا أبا بكر ؛ هي الزكية الطاهرة ، فيها قبور النبيين المرسلين وغير المرسلين والأوصياء الصادقين ، وفيها مسجد سهيل الذي لم يبعث الله نبياً إلّا وقد صلى فيه .

ومنها يظهر عدل الله ، وفيها يكون قائمه والقوام من بعده ، وهي منازل النبيين والأوصياء والصالحين .

ای ابوبکر ؛ کوفه ؛ آنجا پاکیزه و طاهر است . در آنجا قبور پیامبران مرسل و غیر مرسل و جانشینان راستین است و در آن ، مسجد سهله است که خداوند پیامبری را برنمیگذاشته است که در آن مکان نماز نخوانده باشد .

از آنجا عدل الهی ظاهر می شود و قائم خدا و قائمان بعد از او در آنجا آیند و آن ، منزلگاه پیامبران ، اوصیاء و صالحان است . (۱۱۰)

۳- مسجد مقدّس جمکران

مسجد مقدّس جمکران

بنای این مسجد در جمکران قم ، بنا به دستور خاصّ حضرت مهدی صلوات الله علیه در بیداری صورت گرفته است .

آن گونه که شیخ نیک رفتار و عقیف ، جناب حسن بن مثله جمکرانی می گوید : در شب سه شنبه ۱۷ رمضان سال (۳۹۳) هجری قمری در منزل خوابیده بودم ؛ همین که نصف شب شد گروهی بر

درب منزلم آمده ، بیدارم نمودند و گفتند : برخیز و (حضرت) صاحب الزمان صلوات الله علیه را پاسخ گو که تو را فرا می خواند .

بلند شدم و خود را آماده ساختم . گفتم : بگذارید تا پیراهنم را بپوشم ؛ ناگهان ندایی از طرف درب آمد که آن پیراهن تو نیست . پس ، رهایش کردم و شلوارم را برداشتم . ندا آمد که این از آن تو نیست و شلوار خود را بگیر . آن را انداختم شلوار خود را برداشته و پوشیدم . برخاستم تا کلید درب را بجویم، ندا آمد که درب باز است.

هنگامی که به سوی درب آمدم ، گروهی از بزرگان را دیدم ، بر آنها سلام کردم . پاسخم دادند و به من خوش آمد گفتند و مرا به مکانی بردند که جایگاه فعلی مسجد است ؛ چون نیک نگاه کردم ، تختی دیدم که فرش هایی نیکو بر آن گسترده اند و پستی های زیبایی نهاده اند و جوانی در حدود سی ساله تکیه بر آن کرده بود .

پیرمردی در حضورش بود و کتابی در دست داشت که برای او می خواند و در اطراف او بیش از شصت مرد بودند که در آن مکان نماز می گزارند . بعضی لباس سفید بر تن کرده بودند و بعضی لباس سبز . آن پیرمرد ، خضر پیامبر بود ؛ مرا نشانند ، و آن گاه امام علیه السلام مرا به اسم صدا زده و فرمود :

نزد حسن بن مسلم برو ، و به او بگو : تو ، سال هاست که این زمین را (غاصبانه) آباد کرده و در آن زراعت می کنی ، و ما آن

را خراب می کنیم ، پنج سال است که در آن کشت و زرع کرده ای ؛ امسال هم همان گونه مشغول هستی ؛ ولی دیگر اجازه نداری به این زمین باز گردی و باید منافعی را که از کشت و زرع این زمین برده ای ، بپردازی تا در آنجا مسجد بنا گردد .

و نیز به او بگو : این زمین محترم و باارزشی است که خداوند آن را از میان دیگر مکان ها برگزیده است و بر آن ها برتری و شرافت داده است ؛ و تو آن را بر زمین های خودت افزوده ای ؛ در سزای این عمل ، خداوند دو فرزند جوانت را به مرگ گرفتار نمود ، ولی تو از این غفلت ، آگاه نشدی . اگر این دستوری را که دادم اجرا نکنی ، عذاب الهی از جایی که نمی فهمی به سراغت خواهد آمد .

جناب حسن بن مثله می گوید : گفتم : مولای من ؛ باید نشانه و علامتی داشته باشم ؛ زیرا مردم آنچه را که بدون نشانه و دلیل باشد نمی پذیرند و گفتار مرا تصدیق نخواهند کرد .

حضرت فرمود :

ما در آنجا این کار را خواهیم کرد ، تو برو و پیغام ما را برسان ؛ و نزد سید ابی الحسن (۱۱۱) نیز برو و به او بگو بیاید و محدوده زمین را معین نموده ، منافع سال های گذشته را از حسن بن مسلم بگیرد و به مردم بدهد ، تا مسجد را بنا نمایند . آنچه از هزینه ساخت مسجد ، کم می آید از غله زمینی که در رهق اردهال داریم ، کامل کند و مسجد را تمام نماید ؛ ما نصف رهق را برای

این مسجد وقف نمودیم تا هر سال غله آن را گرفته و برای عمارت مسجد صرف نماید .

به مردم بگو: بدین مکان رغبت نمایند و با اشتیاق به آن روی آورند و آن را عزیز و گرامی بدانند و در آنجا چهار رکعت نماز به جای آورند. (۱۱۲)

جناب حسن بن مثله می گوید: با خود گفتم: گویا این همان مکان است که تو آن را مسجد امام صاحب الزمان ارواحنا فداه می دانی در حالی که به جوانی که بر پشتی ها تکیه داده بود اشاره می کردی ، پس آن جوان به من اشاره فرمود که بروم. (۱۱۳)

مسجد شریف جمکران از مکان های بسیار مهم معنوی در صحنه گیتی است و کسانی که به آن مکان مقدس شرفیاب می شوند ، باید کاملاً آداب آن را رعایت نموده و از اهمیت و موقعیت معنوی آن ، آگاه باشند ؛ تا با تشرف به آن مکان پرفیض ، روح و جان خود را سرشار از معنویت نموده و وجود خویش را باصفا و نورانی سازند .

اینک بعضی از نکاتی را که دانستن آن برای افرادی که به آن مکان معنوی شرفیاب می شوند مفید است ، بیان می کنیم :

۱ - حضرت امام عصر ارواحنا فداه در بیداری توسط جناب حسن بن مثله جمکرانی به امامزاده عظیم الشأن سید ابوالحسن الرضا فرمان دادند آن مسجد مقدس را بنیان گذارد . و جریان آن در تمام منابع و مدارک به عنوان بیداری نقل شده است نه خواب .

۲ - صدها سال قبل از فرمان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به بنا کردن آن مکان مقدس ، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از

وقوع آن خبر داده اند و در روایتی که صاحب کتاب «انوار المشعشعین : ۱/۴۵۴» ذکر نموده است امیر دائره هستی و ولئی عوالم امکان حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام به تفصیل آن را در پیشگویی خود بیان نموده اند .

در آن روایت شریف در بیان عظمت مسجد مقدّس جمکران سزای را بیان کرده اند که همه تاب تحمّل و پذیرش آن را ندارند .

۳ - مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه بزرگترین پایگاه قدرت آن حضرت پس از کوفه است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آن روایت فرموده اند :

در عصر ظهور ، پرچم لشکریان امام عصر (ارواحنا فداه) بر فراز کوه سفید - که همان کوه خضر در نزدیکی مسجد است - به اهتزاز درمی آید .

۴ - نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نه تنها مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه عظمت و موقعیت خاصی دارد و مرکز قدرت و محلّ تحولات روحی و معنوی است که در زمان غیبت آن حضرت نیز این چنین است .

این نکته را از فرمایش امام زمان ارواحنا فداه استفاده می کنیم که فرموده اند : «هر کس این نماز را در این مکان بخواند گویا که در داخل خانه خدا آن را انجام داده» . و خانه خدا نه تنها مرکز مغناطیس زمین است و از نظر روحی و جسمی در انسان تأثیر می گذارد ، که در برابر بیت المعمور و مکان های معنوی آسمانی و فضائی است .

بنابراین انسان با بودن در خانه خدا و اقامه نماز در آن ، راه ارتباط

برایش باز می شود و خود را در اختیار جاذبه های روحی و جسمی زمین و آسمان قرار می دهد و در معرض تشعشعات امواج نامرئی قرار می گیرد که در جسم و جان انسان تحویلی سازنده به وجود می آورد و مکان اصلی مسجد مقدّس جمکران نیز دارای همین اثر ارزنده است .

و دلالت می کند بر این مطلب کلام امام عصر ارواحنا فداه که فرموده است : «نماز خواندن در آن مکان همچون نماز خواندن در داخل خانه خدا می باشد» .

همانا برای مکان اصلی مسجد جمکران اسراری ناشناخته نهفته است که مردم آن را نمی دانند . و همان گونه که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند :

ما من علمٍ إلّا وأنا أفتحه ، وما من سرٍّ إلّا والقائم یختمه . (۱۱۴)

هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را می گشایم و هیچ سری نیست مگر آن که قائم آن را بیان می کند و به پنهان بودنش خاتمه می دهد .

بناء مسجد مقدّس جمکران و عظمت و راز آن را نیز اول حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داده اند و بیان همه اسرار آن در عصر ظهور حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه صورت خواهد گرفت إن شاء الله .

ما یباد آن زمان پرشکوه را در خاطره ها تجدید می کنیم و از خدای مهربان می خواهیم هر چه زودتر آن ظهور نورانی را برساند تا اسرار عالم وجود را فاش ساخته و دانش بیکران و عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند .

توجه به وظایف دوران غیبت

۵- افرادی که به آن مکان مقدّس مشرف می شوند باید بدانند در جایی بسیار باعظمت گام برمی دارند که مورد توجه امام عصر ارواحنا فداه می باشد و آنان در منظر و محضر

نورانی آن بزرگوار هستند به گونه ای که گویی در منزل آن حضرت وارد شده اند و در خدمت آن بزرگوار حاضر گشته اند .

بنابراین باید شرایط حضور را در این مکان بیش از اماکن دیگر رعایت کنند و بدانند که علم و آگاهی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه کاملاً بر آنان احاطه دارد و نه تنها از اعمال و رفتار و گفتار آنان ، بلکه از افکار و اندیشه ها و نیت های ایشان ، و بلکه از افکار و خطورات نهفته در ضمیر ناخودآگاه و نفس آنان نیز باخبرند .

به این جهت باید مواظب رفتار و گفتار و افکار خود باشند ؛ زیرا آنان در مسجد مقدس جمکران میهمان آن حضرت هستند ، پس باید شرایط ادب و حضور را از قبل از تشرّف بیشتر رعایت کنند .

۶- یکی از شرایط ادب برای کسی که در آن مکان مقدس تشرّف پیدا می کند ، این است که هدف خود را از تشرّف به آن مسجد مقدس مشخص نموده و بهترین ، مهم ترین و عالی ترین هدف را برای خود برگزیند و خود را پای بند مقاصد کوچک و مسائل مادی و نفسانی خود نسازد ، و بداند بزرگ ترین مسأله در این عصر و زمان ، تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه می باشد .

زیرا در عصر ظهور آن حضرت ، مشکلات مادی و معنوی همه انسان ها برطرف می شود و دیگر غم به خانه ای راه نخواهد یافت . پس چه بهتر که در آن مکان مقدس برای نجات همه انسان ها از گرفتاری ها و مشکلات دعا کند . و هدف اصلی خود را از تشرّف به مسجد مقدس جمکران ، استغاثه و دعا

برای امام عصر ارواحنا فداه و تعجیل فرج و ظهور آن بزرگوار قرار دهد .

توجه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را - با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیه الله ارواحنا فداه - درباره آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه ، تألیف نموده ایم ؛ ولی سزاوار است در مقدمه آن ، بعضی از وظیفه ها و برنامه های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم ؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم ؛ زیرا بنا بر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده ، لازم است که هر صبح و شام متوقع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم .

متأسفانه در این زمینه تاکنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی اطلاعند ، و کتاب های ارزنده ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظیفه های زمان تاریک غیبت می باشد . و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه غیبت با حال تباه خود آشنا می شدند ، عصر غیبت این گونه طولانی نمی شد .

به هر حال همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسائل بوده اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده اند ، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند .

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی ها در این منظومه و همه منظومه ها و کهکشان هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم ؟

آیا

سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشد ؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان نمائی به نام قلب با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی خبر باشند ؟

آیا در چه زمانی قلب ها به حیات اصلی خویش بازمی گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می شوند ؟

آیا در چه دورانی انسان ها به عظمت قلب خویش و آن آئینه ای که با آن می توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می شوند ؟

آیا در کدامین زمان تحرّکی در عقل و خرد و اندیشه انسان ها پدید می آید و جامعه بشریت با گسترش دانش به مقامات عالی و والای علمی راه پیدا می کند ؟

آیا در کدامین روزگار انسان ها بر اثر آشنا شدن با نور خدا، تیرگی ها و تاریکی ها، زورگویی ها و تزویرها را کنار نهاده و به حکومت عادلانه الهی که جهانی خواهد بود می رسند ؟ آیا چه زمانی ...
و آیا چه زمانی ...

اعتیاد به عصر غیبت ...

آیا این ها همه، جز در حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه میسر است ؟ پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی کنیم ؟ و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی نماییم ؟ چرا از وضع جهان در آینده (۱۱۵) آگاهی نداریم ؟ و چرا به وظیفه های دوران غیبت عمل نمی نماییم !؟

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه !

پاسخ همه این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن خو گرفته ایم ! به حدی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده ایم ! و اعتیاد یک قدرت

بسیار قوی برای کشاندن انسان ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی ها و یا بدی هاست !

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او ، آدمی را به سوی آن می کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته است ! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن ها جذب شوند و از بدی ها و زشتی ها کناره گیرند .

به این جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دَوم انسان برشمرده و فرموده اند :

العاده طبع ثانٍ. (۱۱۶)

عادت طبیعت دَوم است .

این کلام کوتاه حقایق مهمی را دربردارد . بنابراین فرمایش همان گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد به راه می افتد ، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می کند .

انسان باید از این قدرت بزرگ ، در راه صحیح و هدف های ارزنده استفاده کند ، و از آلوده ساختن خویش به عادت های زشت و ناپسند خودداری نماید .

متأسفانه جامعه بشری بر اثر نداشتن رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت های اخلاقی و صفات برجسته انسانی سوق داده و هدایت نماید ، به عادت های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است .

اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند و آسان تر می توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است ، بکشانند .

یکی از عادت های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود گرفتار نموده و

در بند اسارت خویش کشیده است ، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه ای که هرگز درباره آینده ای حیاتبخش و نجات دهنده فکر و اندیشه ای نکنند .

با آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام با بیان مسأله «انتظار» و تشویق انسان ها به سوی آن ، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسئله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده روشن فرا خوانده اند .

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته اند این مسأله مهم حیاتی را برای مردم بیان کنند ، در این وظیفه کوتاهی ورزیده اند . به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده اند و درباره رسیدن به آینده درخشان ، تلاش نکرده اند ؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداه هنوز ادامه یافته است !

هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداه می باشد ، گرفتار است ؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل های گذشته به ارث برده است ! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود به سر می برد و حرکتی در جهت ترقی و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است ! در حالی که اگر کسی بتواند عادت های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می یابد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند :

بغلبه العادات الوصول إلى أشرف المقامات . (۱۱۷)

رسیدن به ارزنده ترین مقامات ، با غلبه بر عادات به دست می آید .

روش فکری خود را تغییر دهید!

جامعه

ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه عادت دیرینه غفلت از وجود تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از اعماق دل و جان خواهان فرا رسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

روش فکری خود را تغییر دهید!

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افرادی که برای شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگ تر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداه بی تفاوت بوده اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده اید و در اندیشه ظهور حیاتبخش آن حضرت نبوده اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرا رسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده اید، و نمی دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه ای سنگین بر عهده مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده قوی و با یک تصمیم جدی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در مسیر انتظار حضرت بقیه الله ارواحنا فداه گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت

نسبت به دوستداران مقام ولایت، سبب می شود که غفلت های گذشته آن ها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت.

مگر حضرت یوسف علی نبینا و آله وعلیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، نفرمود:

« لَا تُتْرَبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ » (۱۱۸)

امروز سرزندی بر شما نیست، خداوند شما را می آمرزد و او رحم کننده ترین رحم کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، آفریده نشده است که وابسته به مادیات و مسائل بی ارزش دیگر گردد، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنایی با مسائل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان او به سوی مسائل الهی کشیده شود.

آیا سزاوار است انسانی که می تواند همچون سید بحرالعلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد، روح خود را غرق در اندیشه های مادی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت زا نماید؟!

آیا سزاوار است انسانی که می تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید، پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفاسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند؟!

چرا نباید همه انسان ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجه داشته باشند؟

اگر

همه انسان ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آن گروهی خاص است ، چرا ما و شما از آنان نباشیم ؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی ؟ ره ز که پرسى ؟ چه کنی ؟ چون باشی ؟

به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و درباره تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید ، سرانجام راه به جایی می برد و روزنه ای به سویش گشوده می شود ؛ بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران غیبت - همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اول مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افکندند ، و دستان آن بزرگوار را بستند - دستان آن حضرت را بسته است ؛ دست برندارید . و با تلاش در راه ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و فراهم کردن مقدمات آن، تازی از ریسمان غیبت را پاره کنید .

اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره مند شود و شکی به خود راه ندهد ، منظور نظر حضرتش قرار می گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می نماید ؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد ، مگر آنکه سرانجام به همه مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می یابد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند :

من طلب شیئاً ناله أو بعضه . (۱۱۹)

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا

مقداری از آن می رسد .

شما با قاطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نرسیده ؛ ولی با این وجود آن حضرت قطب دایره امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقه آن بزرگوار سراسر جهان را فرا گرفته است . در زیارت آن حضرت می خوانیم :

السلام علیک یا قطب العالم (۱۲۰)

سلام بر شما ای قطب عالم هستی .

همه موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدس به زندگی ادامه می دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می باشند . نه تنها ذرات مادی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند ؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه السلام دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است . و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است .

در زیارت امام زمان ارواحنا فداه می خوانیم :

السلام علیک یا امام المسیح (۱۲۱)

سلام بر شما ای پیشوای مسیح .

این ولایت و رهبری ، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست ؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می باشد .

همه نجباء ، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیت خویش را خالص نموده اند ، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند ،

راه و یا روزنه ای به سوی مقام نورانیت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده اند ، و امام عصر ارواحنا فداه تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته اند برطرف می نماید . در روایت می خوانیم :

وما بثلاثین من وحشه . (۱۲۲)

با وجود سی نفر) از یاوران خالص (احساس تنهایی برای آن حضرت نیست .

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی کنند و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزنه ای به روشنایی نمی یابد ؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می شتابند و در پرتو بهره مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحنا فداه روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه شماری می کنند ، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب های استوار خود را استوارتر می کنند .

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد بااخلاص را بشنویم ، پیام شان به ما این گونه است : « فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوى » (۱۲۳) .

کفش خود را در آورید و ببینید چگونه پای خود را آورده اید که تاکنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان باز مانده اید !

متأسفانه عده ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی گردانند و ریگ از کفش خود خارج نمی کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می اندازند و آنان را می آزارند . این گونه افراد با نیش زبان

، بیشتر به قلب دوستان واقعی می زنند؛ زیرا بر اثر القائنات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداه باز مانند . گویی که نمی دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداه و مخالفت با دوستان واقعی آن حضرت ، دشمنی با شخص آن بزرگوار است. مگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» فرموده اند:

أصدقاؤك ثلاثة وأعداؤك ثلاثة، فأصدقاؤك: صديقك، و صديق صديقك، وعدو عدوك، وأعداؤك: عدوك، وعدو صديقك، و صديق عدوك. (۱۲۴)

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می باشند .

اما دوستان عبارتند از: ۱- دوست خودت، ۲- دوست دوستت، ۳- دشمن دشمنت .

و دشمنان عبارتند از: ۱- دشمن خودت، ۲- دشمن دوستت، ۳- دوست دشمنت .

بنابراین آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداه ، مخالفت با آن بزرگوار نیست!؟

بگذریم که این سخنان خوشایند همگان نیست! زیرا که اکنون ریگ و ریگزار فراوان است و بیابان های تفتیده ریگ های داغ فراوان دارد! و خشکسالی و قحطی چهره کربه خود را به همه نشان داده است و فکر باران افراد را به خود مشغول ساخته و عده ای در پی انجام نماز استسقاء رفته اند .

اما صدها سال از غیبت آن آب گوارای حیات می گذرد و مردم دست شان از آن چشمه زلال حیات مادی و معنوی کوتاه است ولی برای رسیدن به آن کوشش نمی کنند و به فکر باران می باشند در حالیکه باران به برکت وجود آن حضرت می بارد .

آیا در زیارت جامعه نمی خوانیم :

وبکم ينزل الغيث .

به وسیله شما باران سودمند می بارد

ولی ما چنین بوده و چنین هستیم ، اصل را فراموش کرده و به جستجوی فرع می پردازیم . همان گونه که مسبب الأسباب را از یاد می بریم و به دنبال اسباب می رویم .

توجه به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه لازم است

توجه به حضرت بقیه الله علیه السلام ...

باید بدانیم که توجه به حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه ، توجه به خداوند کریم است ؛ همانگونه که توجه به بقیه ائمه طاهرين عليهم السلام توجه به خداوند می باشد .

پس زیارت و توسل به ائمه اطهار عليهم السلام ، مایه توجه به خداوند تبارک و تعالی است . به این جهت کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ بنماید به ائمه اطهار عليهم السلام روی می آورد . در زیارت جامعه می خوانیم :

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ .

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می آورد .

انسان با توجه به ائمه اطهار عليهم السلام نه تنها عوامل موفقیت و پیشرفت را به سوی خود جلب می کند بلکه موانعی را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند نیز برطرف می نماید ؛ زیرا به وسیله توجه به امام زمان ارواحنا فداه و همچنین بقیه ائمه اطهار عليهم السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می شود و تاریکی ها از باطن او برطرف می گردد .

حضرت باقر العلوم علیه السلام در شرح کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند : «أنا باب الله» ، می فرمایند :

یعنی مَنْ تَوَجَّهَ بِي إِلَى اللَّهِ غُفِرَ لَهُ . (۱۲۵)

یعنی کسی که به وسیله من توجه به خداوند نماید آمرزیده می شود .

بنابراین با توجه به باب الله ، خداوند گناهان او را آمرزیده و موانع پیشرفت روحی او را برطرف

می کند .

گرچه همه چهارده معصوم علیهم السلام به دلیل دارا بودن «مقام نورانیت» محیط بر هر عصر و زمانی هستند و انسان ها در هر عصر و زمان باید توجه به همه آن بزرگواران بنمایند ولی بر اساس مقامات تزئیه زمانی ، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیه ائمه علیهم السلام توجه داشته باشد .

اینک به روایت عبدالله بن قدامه ترمذی از حضرت ابا الحسن علیه السلام توجه نمایند که فرمودند :

من شكّ فی أربعه فقد كفر بجمع ما أنزل الله عزّوجلّ ؛ أحدها معرفه الإمام فی كلّ زمان وأوان بشخصه ونعته . (۱۲۶)

کسی که درباره چهار چیز شكّ کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده کافر شده است ؛ یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد .

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد ، ولی به او توجه نداشته باشد ؟!

بنابراین ، توجه نداشتن به امام عصر ارواحنا فداء و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار ، اگر چه انسان به امامان دیگر توجه داشته باشد صحیح نیست .

پس وظیفه ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیه الله ارواحنا فداء که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجه خاص داشته باشیم .

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملا قاسم رشتی دعایی تعلیم نمودند و فرمودند : آن را

به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد آن را بخواند که تأثیر آن مجرب است ، و دعا چنین است :

یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی .

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود ، می گوید : اندکی تأمل کردم و به فکر فرو رفتم . فرمودند : این عبارت را غلط می دانی ؟ عرض کردم : آری ؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن ها باید جمع باشد .

فرمودند : اشتباه می کنی ، زیرا در این زمان نظم دهنده جهان حضرت بقیه الله علیه السلام است ، ما در این دعا حضرات محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می خوانیم و از آن حضرت به تنهایی استمداد می کنیم . (۱۲۷)

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم : همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء علیهما السلام و ... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی ورزیدند ، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات عالی راه یافته اند ، یاد و توجه به مولای خود حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را فراموش نمی نمایند .

در دعای شریف ندبه می خوانیم :

أین وجه الله الذی إلیه یتوجه الأولیاء .

کجاست آن آئینه تمام نمای الهی که اولیاء خدا

به سوی او توجه می نمایند ؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجه دارند ، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره مند می شوند ، در زیارت آل یس می خوانیم :

السَّلامُ عَلَیکَ حَینَ تَقْرَأُ وَتَبَیِّنُ .

سلام بر شما در آن هنگام که (قرآن را) تلاوت می کنید و (اسرار آن را) بیان می فرمائید .

بنابراین ، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی می کند به امام زمان خویش توجه خاصی داشته باشد . اکنون به این روایت که از امام رضا علیه السلام نقل شده است توجه کنید :

عن مولانا الرضا عن آبائه علیهم السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فی قول الله تبارک و تعالی : « یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ » (۱۲۸) قال :

یدعی کُلَّ قومِ بامامِ زمانهم ، و کتاب الله و سنَّه نبیهم . (۱۲۹)

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره فرمایش خداوند : «روزی که همه انسانها را با امامشان فرا می خوانیم» فرمودند : هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنّت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خوانده می شود .

و معنی روایت این است که : هر انسانی در روز قیامت درباره این سه مسأله حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می گیرد که آیا وظیفه اش را نسبت به امام زمان خود و همچنین کتاب خدا و سنّت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم انجام داده است یا نه

پس در روز قیامت از مسأله امامت سؤال می شود و بررسی می کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه ؟

یکی از راه های مهم توجه به امام عصر ارواحنا فداه خواندن نمازها ، دعاها و زیاراتی است که از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر گردیده است .

سفارش جناب محمد بن عثمان ، دومین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه به احمد ابن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود ، این است :

توجه إلیه بالزیاره . (۱۳۰)

به سوی آن حضرت به وسیله این زیارت توجه نما . (۱۳۱)

از این کلام می توان استفاده نمود که به وسیله زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است ، انسان می تواند به سوی آن بزرگوار توجه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدس نماید .

مسأله توجه داشتن به مقام و شخصیت امام عصر ارواحنا فداه و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت ، بلکه در زمان حضور ائمه اطهار علیهم السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم السلام عظمت مقام و شخصیت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را بیان کرده اند و از غیبت و فراق آن سرور عالم اظهار تأسف نموده اند .

در واقع اهل بیت علیهم السلام نه تنها با بیانات خود مردم را موظف نموده اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند ؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه

از دل پر درد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته اند؛ ولی متأسفانه شیعیان این مسأله حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده اند.

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهم که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل انگاری کردند؛ و با غفلت و بی توجهی جامعه شیعه در گذشته و حال از این مسئله مهم و حیاتی، جهان همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه بی بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور و زر و ترویج بر جهان و جهانیان حکومت می کند و ادامه حکومت لعنت شده حبتی میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است.

انتظار

جامعه ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و آنچنان چشم به اسباب دوخته که مسبب الأسباب را فراموش کرده است، درست است که دنیا سرای اسباب می باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حد باشد که سبب آفرین را فراموش کنیم. جامعه ما، هم به خداوند که مسبب الأسباب است کم توجه می باشد و هم از ولی و جانشین او غفلت می ورزد.

یکی از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام

عصر ارواحنا فداه شده است ، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است ، متأسفانه کسانی که وظیفه داشته اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند ، موفق به انجام این وظیفه مهم شرعی نشدند .

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند ، به امام زمان خویش ارواحنا فداه عرض می کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رئوف طلب عفو و بخشش می نمایم :

« يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرُوا لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ » . (۱۳۲)

ای پدر ما ، برای گناهان ما استغفار نما ؛ به راستی که ما خطاکار بودیم .

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشته ما ، آینده را جبران نموده و به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدس آن حضرت متوجه سازیم .

انتظار

ترک عادت های اجتماعی و رها شدن از قید و بند غفلت از آثار ارزشمندی که ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به همراه دارد ، انسان را به برترین و بافضیلت ترین مقامات می رساند و در پرتو انتظار ظهور امام عصر صلوات الله علیه نه تنها از قید و بند غفلت از آن حضرت رها می شود بلکه غیبت برای او به منزله مشاهده می شود .

اکنون به این روایت بسیار جالب توجه کنید : حضرت امام سجاد علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمودند :

تمت الغیبه بولی الله التانی عشر من أوصیاء رسول الله صلی الله

عليه وآله وسلم والأئمة بعده.

يا أبا خالد؛ إنَّ أهل زمان غيبته، القائلين بإمامته، المنتظرين لظهوره أفضل أهل كلِّ زمان، لأنَّ الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبه عندهم بمنزله المشاهده وجعلهم في ذلك الزمان بمنزله المجاهدين بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بالسيف، اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدعاه إلى دين الله سرّاً وجهراً.

وقال عليه السلام: انتظار الفرج من أعظم الفرج. (۱۳۳)

غيبت نسبت به دوازدهمین نفر از اوصیاء رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و امامان بعد از او امتداد پیدا می کند و طولانی می شود.

ای ابا خالد؛ به راستی که اهل زمان غیبت او که به امامت ایشان معتقدند و منتظر ظهور او می باشند برترین اهل هر زمان هستند. زیرا که خداوند - که یارش بزرگ باد - آن چنان به آنان عقل و فهم و معرفت عنایت نموده است، که مسئله غیبت برای آنان به منزله مشاهده گردیده و خداوند آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با شمشیر جنگیده اند، آنان حقیقتاً صاحبان اخلاص، و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار می باشند.

و حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: انتظار فرج از بزرگ ترین نوع فرج است.

امام سجاد علیه السلام در این روایت کسانی را که در زمان غیبت امام زمان ارواحنا فداه زندگی می کنند ولی مسئله غیبت نتوانسته آنان را در قید و بند غفلت اسیر کند و در انتظار ظهور آن بزرگوار

به سر می برند، برترین مردمان هر زمان معزفی فرموده اند، زیرا آنان توانسته اند با عقل و فهم و معرفتی که خداوند به آنان داده است نه تنها گرفتار عادت اجتماعی غفلت از امام زمان ارواحنا فداه نباشند، بلکه توانسته اند آن چنان در حالات روحی خود تحوّل ایجاد کنند که مسأله غیبت برای آنان همچون مشاهده شود.

بنا به فرمایش امام سجاد علیه السلام این گونه افراد شیعیان راستین اهل بیت و پیروان واقعی خاندان وحی علیهم السلام می باشند.

ما اگر خواهان رسیدن به مقامات شیعیان راستین و واقعی هستیم باید مسیری را بپیماییم که آنان پیموده اند و در راهی گام برداریم که آنان در آن راه گام برداشته اند، و همچون آنان اعتیاد به غفلت را از خود زدوده، و خود را با توجه و انتظار ظهور زینت بخشیم؛ زیرا انتظار پدیدآورنده فکر و اندیشه، نیرو بخش و عمل آفرین است، و بر این اساس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند:

أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج. (۱۳۴)

بافضیلت ترین جهاد امت من، انتظار فرج است.

انتظار زمینه ای مهم برای برقراری و تسلط حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه می باشد و علت سفارشات فراوان خاندان وحی پیرامون این موضوع، اهمیت آن است.

و حضرت امام صادق علیه السلام یکی از شرایط پذیرفته شدن عبادت بندگان را انتظار حکومت حضرت قائم ارواحنا فداه برشمرده اند، و پس از بیان این موضوع فرموده اند:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةَ يَجِيئُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ

القائم بعده كان له من الأجر مثل أجر من أدرکه ، فجَدُوا وانتظروا هنيئاً لكم أيتها العصابة المرحومه .(۱۳۵)

برای ما دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را می آورد . سپس فرمودند : کسی که دوست دارد از اصحاب حضرت قائم ارواحنا فداه باشد ، باید منتظر ظهور باشد و به ورع و اخلاق نیکو رفتار کند در حالی که در صراط انتظار گام برمی دارد ؛ پس در این حالت اگر مرگ او فرا رسد و حضرت قائم بعد از او قیام کنند ، پاداش او همانند کسی است که آن بزرگوار را درک می نماید . پس کوشش کنید و منتظر باشید . گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت خداوند هستید .

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری در پیرامون وظیفه مردم در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه می فرمایند :

وانتظر الفرج صباحاً ومساءً .(۱۳۶)

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش .

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دارا بودن حالت انتظار را از صفات دوستداران و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می دانند و محبین خاندان وحی را به دارا بودن صفت انتظار در هر صبح و شام توصیف می نمایند . آن حضرت می فرمایند :

إِنَّ محبينا ينتظر الرّوح والفرج كل يوم وليلة .(۱۳۷)

به راستی که دوستان ما در هر روز و شب در انتظار فرا رسیدن روز آسایش و راحتی و فرج می باشند .

یکی از یاران حضرت امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه سؤال کرد :

کیف تصنع شیعتک ؟

در زمان غیبت ، شیعیان شما چه کاری

انجام دهند ؟

قال عليه السلام : عليكم بالدعاء وانتظار الفرج . (۱۳۸)

امام هادی علیه السلام فرمودند : بر شما باد به دعا و نیایش و انتظار فرج .

بنابراین ، همان گونه که در روایت وارد شده است ، انتظار ظهور مصلح جهان ، از شرایط پذیرفته شدن اعمال مردم و از وظائف پیروان و شیفتگان خاندان رسالت است .

پس شخصی که خود را صالح می پندارد ، باید منتظر ظهور مصلح باشد ، همان گونه که «خلقى که در انتظار ظهور مصلح بسر می برد ، باید خود صالح باشد» .

اینک با نقل کلامی گهربار از حضرت جواد الائمه علیه السلام در پیرامون وجوب انتظار حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه بر ارزش کلام می افزائیم .

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می فرماید :

دخلت على سيدى محمد بن عليّ عليهما السلام وأنا اريد أن أسأله عن القائم ، أهو المهديّ أو غيره ؟ فبدانى ، فقال عليه السلام :

يا أبا القاسم ؛ إنّ القائم منّا هو المهديّ الذى يجب أن ينتظر فى غيبته ويطاع فى ظهوره وهو الثالث من ولدى ، والذى بعث محمداً بالنبوة وخصّنا بالإمامه أنّه لو لم يبق من الدنيا إلّا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتّى يخرج فيملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً وإنّ الله تبارك وتعالى يصلح أمره فى ليلة كما أصلح أمر كلمه موسى عليه السلام ليقتبس لأهله ناراً فرجع وهو رسول نبيّ .

ثمّ قال عليه السلام : أفضل أعمال شيعتنا إنتظار الفرج . (۱۳۹)

من به محضر مولایم حضرت جواد علیه السلام وارد شدم و تصمیم داشتم از آن بزرگوار درباره قائم آل محمّد علیهم السلام سؤال کنم که آیا او همان مهدی

است یا دیگری؟ قبل از آن که چیزی بگویم، آن حضرت فرمود:

ای ابوالقاسم؛ قائم ما آل محمد، همان مهدی است که واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهورش اطاعتش نمود.

او سؤمین نفر از نسل من است. سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به نبوت مبعوث نمود و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می کند تا آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد.

خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند، همان گونه که کار کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را اصلاح نمود؛ او برای به دست آوردن آتش برای خانواده اش رفت، و در حالی برگشت که دارای مقام نبوت و رسالت بود.

آن گاه حضرت جواد علیه السلام فرمودند: بافضیلت ترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است.

به امید آن روز که ندای دلربایش در فضا طنین افکن شود و دل های دردناک و آزرده را شفا بخشد و بزرگ مردان الهی که خدا در توصیف شان فرموده است: «أَئِنَّمَا تَكُونُوا بَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» (۱۴۰) به سوی آن بزرگوار بشتابند و ...

انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشه آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می طلبد.

ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات

برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می شوند.

با این بیان روشن می شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجه به مسأله انتظار و فرا رسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

معرفت یا راه انتظار

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می رسد که انسان در آرزو و اندیشه پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویش نیندیشد. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که: میان انتظارِ ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فداه می باشد که علاوه بر اعتقاد

، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و بر اساس انتظار و امید ، عمل نماید .

تمام روایاتی که مسأله انتظار در آن ها ستوده شده است ، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فداه دلالت می کنند ؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد و انسان مأیوس از درک زمان ظهور باشد ، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان ها می آموزند ، عمل کرده است ؟!

بنابراین ، علاوه بر اعتقاد به مسأله ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار - به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می آموزند - هر انسانی وظیفه دارد در اندیشه ظهور بوده و امیدوار به درک آن ، و معتقد به امکان فرا رسیدن آن در زمان خود باشد ، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد .

معرفت یا راه انتظار

یکی از اموری که درس انتظار را به ما می آموزد و لازم است به آن توجه داشته باشیم ، مسأله معرفت و شناخت خداوند و جانشینان او و عظمت مقام آنان می باشد .

کسی که واقعاً در راه معرفت پروردگار و شناخت صحیح ائمه اطهار علیهم السلام گام بردارد و با لطف و عنایت آن بزرگواران ، قلبش با انوار تابناک معارف الهیه خاندان وحی روشن شود، به این وسیله و از این طریق ، با وظیفه های دیگر خود آشنا می گردد و متوجه می شود که غفلت از امام عصر ارواحنا فداه زشت و ناپسند است .

این نورانیت بر اثر درخشیدن نور امام

علیه السلام است؛ زیرا امام علیه السلام در هر زمانی قلب دوستان واقعی خود را نورانی و روشن می سازد.

اکنون به این روایت جالب توجه کنید:

عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل « قَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا » (۱۴۱).

فقال: يا أبا خالد، النور واللّه الأئمة من آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم إلى يوم القيامة، وهم واللّه نور الله الذي أنزل، وهم واللّه نور الله في السماوات وفي الأرض.

واللّه يا أبا خالد، لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، وهم واللّه ينورون قلوب المؤمنين، ويحجب اللّه عز وجل نورهم عن يشاء فتظلم قلوبهم.

واللّه يا أبا خالد، لا يحبنا عبد ويتولانا حتى يُظهِر الله قلبه، ولا يُظهِر الله قلب عبد حتى يُسلم لنا، ويكون سلماً لنا، فإذا كان سلماً لنا سلمه الله من شديد الحساب، وآمنه من فزع يوم القيامة الأكبر. (۱۴۲)

ابو خالد کابلی می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه که می فرماید: «پس ایمان بیاورید به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم» پرسیدم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد؛ به خدا سوگند، منظور از نور همان امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت می باشد.

به خدا سوگند؛ آنان همان نور خداوند هستند که فرو فرستاده است.

به خدا سوگند؛ آنان نور خدا در آسمان ها و زمین می باشند.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ نور امام در قلب های مؤمنین تابناک تر از خورشید فروزان در روز است

به خدا سوگند؛ آنان قلب های مؤمنین را روشن می سازند، و خداوند نور آنان را از هر کس که بخواهد پنهان می نماید، پس قلب های شان تاریک می شود.

احساس حضور یا نشانی از...

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ هیچ بنده ای به ما محبت نمی ورزد و ولایت ما را نمی پذیرد مگر بعد از آنکه خداوند دل او را پاک نماید، و دل هیچ بنده ای را خداوند پاک نمی گرداند تا این که منقاد و تسلیم ما شود و سر سازش با ما داشته باشد. پس هنگامی که با ما سازش داشت، خداوند او را از سختی های حساب (در روز قیامت) سالم نگه می دارد، و او را از ترس و وحشت روز بزرگ قیامت ایمن می گرداند.

آیا ممکن است کسی قلبش به نور امام زمان ارواحنا فداه نورانی و روشن شده باشد ولی از آن حضرت غافل باشد؟

احساس حضور، یا نشانی از معرفت

وظیفه مردم در عصر غیبت به طور کلی به دو دسته تقسیم می شود:

۱- آنچه اختصاص به دوران غیبت دارد.

۲- آنچه تنها به دوران غیبت اختصاص ندارد بلکه انجام آن در زمان غیبت و عصر ظهور و حضور امام علیه السلام لازم است.

یکی از وظایف و برنامه هایی که مربوط به قسم دوم است و تأثیر مهمی در چگونگی زندگی انسان دارد و اگر رعایت شود تحوّل عظیم در زندگی او ایجاد نموده و حیاتی پربار برای انسان به ارمغان می آورد اعتقاد به مسأله حضور و عمل کردن بر طبق آن است.

یعنی اگر انسان معتقد باشد همه در محضر خداوند کریم و جانشینان او می باشند و او در زمان حضور

یا غیبت و یا ظهور آن بزرگواران در محضر آنان می باشد - و زمان و مکان برای ما محدودیت می آورد نه برای مقامات نورانیه آنان -؛ نمی تواند حضور آنان را مقید و محدود به زمان و یا مکان خاصی بنماید .

زیرا زمان و مکان از قیود ماده است و مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را در حدیث نورانیت تشریح فرموده اند ، فوق ماده است و بلکه محیط بر آنست ، بنابراین زمان و مکان نسبت به مقام نورانیت آنان ، محدودیت و تقید ایجاد نمی نماید .

برای توضیح مطلب می توانید به حدیث «نورانیت» که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را برای جناب سلمان و ابوذر بیان فرموده اند رجوع کنید . و ما به خاطر طولانی بودنش از نقل آن در اینجا خودداری می کنیم و روایت مهم دیگری را که حضرت امام باقر علیه السلام بیان فرموده اند و به خاطر مختصر بودنش با این بحث مناسب است ، نقل می کنیم :

ابوبصیر که از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام است می گوید :

دخلت المسجد مع أبي جعفر عليه السلام والناس يدخلون ويخرجون .

فقال لي : سل الناس هل يرونني ؟

فكل من لقيه قلت له : رأيت أبا جعفر عليه السلام فيقول : لا وهو واقف حتى دخل أبوهارون المكفوف ، قال : سل هذا ؟ فقلت : هل رأيت أبا جعفر ؟ فقال : أليس هو بقائم ؟ قال : وما علمك ؟ قال : وكيف لا أعلم وهو نور ساطع .

قال : وسمعته يقول لرجل من أهل الإفريقيه : ما حال راشد ؟ قال : خلفته حياً صالحاً يقرأك السلام .

قال : رحمه الله ، قال

مات؟ قال: نعم، قال: متى؟ قال: بعد خروجك بيومين. قال: واللّه ما مرض ولا كان به علّه، قال: وإنما يموت من يموت من مرض أو علّه. قلت: من الرجل؟ قال: رجل لنا موالٍ ولنا محبّ.

ثم قال: أترون أنّه ليس لنا معكم أعينٌ ناظره، أو اسماع سامعه، لبئس ما رأيتم، واللّه لا يخفى علينا شئٌ من أعمالكم فاحضرونا جميعاً وعوّدوا أنفسكم الخير، وكونوا من أهله تعرفوا فإني بهذا أمر ولدي وشيعتي. (۱۴۳)

با امام باقر عليه السلام وارد مسجد شدم، و مردم در حال رفت و آمد بودند. امام عليه السلام به من فرمودند: از مردم بپرس آیا مرا می بینند؟ من با هر کس ملاقات کردم از او سؤال کردم که آیا امام باقر عليه السلام را دیدی؟ می گفت: نه؛ در حالی که امام عليه السلام ایستاده بود، تا فردی نایباً به نام ابوهارون وارد شد.

امام عليه السلام فرمودند: از این مرد سؤال کن. به او گفتم: آیا امام باقر عليه السلام را دیدی؟

ابوهارون در جواب گفت: مگر ایشان اینجا نایستاده اند؟

ابوبصیر گفت: از او سؤال کردم تو از کجا دانستی که امام عليه السلام ایستاده است؟

ابوهارون گفت: چگونه به آن علم و آگاهی پیدا نکنم و حال آن که امام عليه السلام نوری است آشکار و نمایان.

ابو بصیر می گوید: و شنیدم که امام باقر عليه السلام به مردی از اهل آفریقا می فرمود: حال راشد چگونه است

او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام می‌رساند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند او را رحمت کند. مرد آفریقایی گفت: او مُرد؟!؟

امام علیه السلام فرمودند: آری. او پرسید: در چه زمانی؟

امام علیه السلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مُرد.

آفریقایی گفت: به خدا قسم راشد نه مریض بود و نه هیچ گونه دردی داشت!

امام علیه السلام به او فرمودند: مگر هر کس که می‌میرد به خاطر مرض یا درد می‌میرد؟

ابوبصیر گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟

امام علیه السلام فرمودند: دوست ما و پیرو ما خاندان است.

آن گاه امام علیه السلام فرمودند: آیا می‌پندارید برای ما با شما، چشمانی نظاره‌گر و گوش‌هایی شنوا وجود ندارد؟ چه پندار نادرستی؛ به خدا قسم بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان نیست. پس همه ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس‌های خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا به آن شناخته شوید.

من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می‌کنم.

این روایت مطالب مهمی را دربردارد که برای درک معانی آن، لازم است دقت کامل نمود.

نکته مهمی که از این روایت استفاده می‌کنیم، اعتقاد به حضور خاندان وحی علیهم السلام می‌باشد، و درک این واقعیت امکان‌پذیر است به شرطی که شرایطی را که امام باقر علیه السلام برای درک

آن بیان فرموده اند رعایت شود .

نکته بسیار مهمی که آن حضرت در پایان فرمایش خود فرموده اند این است که آن بزرگوار شیعیان و فرزندان خود را به آن سفارش و امر فرموده اند . و این دلیل بر آن است که باید همه برای شناخت و دریافت واقعیتی را که بیان فرموده اند ، سعی و کوشش کنند .

بنابراین روایت ، هر یک از آن بزرگواران عین الله هستند که اعمال و رفتار ما را می بینند و اُذُنُ الله هستند که تمام گفتار ما را می شنوند . آن گاه امام علیه السلام کسانی را که این حقایق را نپذیرفته اند مورد خطاب و نکوهش قرار داده و می فرمایند واقعاً بد اعتقادی دارید به خدا سوگند هیچ چیزی از اعمال شما از ما پوشیده نیست .

حضرت امام باقر علیه السلام پس از بیان این نکات به نتیجه گیری از فرمایشات خود می پردازند و به چند نکته تصریح می فرمایند :

۱ - همه ما را نزد خود حاضر بدانید .

این کلام اشاره به مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام است که آن بزرگواران به مقام نورانیت، محیط بر زمان می باشند ، و فرقی میان هیچ یک از آنان نیست و شیعه در هر زمانی که باشد ، باید خود را نزد همه آن بزرگواران بداند ، و همانگونه که انسان باید خود را در حضور خداوند ببیند باید احساس کند که در محضر اهل بیت علیهم السلام نیز می باشد .

بدیهی است کسی که این حقیقت را بفهمد و آن را عملی سازد تحوّل بزرگی در رفتار و کردار او ایجاد می شود .

۲ - نفس های خود را به کارهای نیک عادت دهید و

از اهل خیر باشید .

بنابراین فرمایش نه تنها انسان باید به کارهای زشت و ناپسند عادت نکند بلکه باید به اعمال شایسته و رفتار خوب ، نفس خود را عادت دهد . یعنی آنچنان باید در تهذیب نفس و خودسازی کوشا باشد که نفس او نه تنها از انجام کارهای پسندیده متنفر و منزجر نباشد ، بلکه به آن ها خو گرفته و عادت داشته باشد .

نکته قابل توجه در این روایت اینست که عادت کردن به کارهای پسندیده و ارزنده در صورتی ارزش دارد که ذات انسان به آن ها عادت کرده باشد یعنی در ذات او اثر گذاشته باشد ، لذا عادت کردن به کارهای نیکو و پسندیده در صورتی که در ذات شخص اثری نگذاشته باشد اهمیت چندانی نخواهد داشت ؛ زیرا ممکن است انسان بر اثر جو جامعه و محیط زندگی به انجام بعضی از کارهای خوب و پسندیده عادت کرده باشد ولی در ذات او رسوخ نکرده باشند ، در نتیجه سختی با آنچه انجام می دهد نیافته و اهل آن به حساب نیاید . و این نکته دقیقی است که کاملاً باید به آن توجه شود .

برای توضیح مطلب می گوئیم : عادت کردن به کارهای پسندیده به دو صورت ممکن است واقع شود :

معنای حضور چیست ؟

۱ - صورت اول : از راه مخالفت با نفس و مطیع ساختن نفس برای انجام کارهای خوب . اگر منشأ اعتیاد انسان به کارهای نیک این گونه باشد ، ذات و سرشت آدمی به رفتار و گفتار خوب خو گرفته و عادت می نماید . این گونه عادت کردن ، دارای نقش اساسی و اثر حیاتی در پیشرفت

و تکامل انسان است .

۲- صورت دوم : این است که انسان به کارهای خوب انس گرفته و به رفتار پسندیده عادت کند نه از راه مخالفت با نفس و خودسازی و آماده ساختن ذات برای انجام این گونه اعمال ؛ بلکه بر اثر محیط زیست و اجتماعی که در آن زندگی می کند ، به بعضی از کارهای خوب انس گرفته و عادت کرده باشد .

مثلاً چون در خانواده ای بوده است که مقتید به نماز اول وقت یا نماز جماعت بوده اند ، او هم به آن عادت کرده است . در این صورت اگر محیط زندگی او تغییر کند چون ذاتاً به آن کار عادت نکرده است ، با مرور زمان رفتار او عوض می شود و از برنامه قبلی خود دست برمی دارد .

این گونه عادت کردن ها که تأثیری در ذات او نگذاشته اند بلکه بر اثر رنگ گرفتن از محیط می باشد ، اهمیتی ندارد و با تغییر محیط از دست می رود .

به این جهت حضرت باقر العلوم علیه السلام می فرمایند : علاوه بر آن که نفس های خود را به کارهای خیر عادت می دهید ، اهل آن نیز باشید ؛ نه آن که فقط رنگ افراد خوب را به خود بگیریید ؛ زیرا رنگ گرفتن از نیکان بدون آن که در ذات و سرشت انسان رسوخ نموده باشد تأثیری در رفتار او ندارد و تحوّل در او به وجود نمی آورد و نقشی در درک حقایق نخواهد داشت و هنگامی که در ذات انسان رسوخ کرد و استقرار یافت ، این حقایق عظیم و باارزش را درک می کند .

معنای حضور چیست ؟

نکته دیگری که ممکن است مورد

بحث قرار گیرد این است که حضور به چه معنا است ، آیا مقصود از حضور ، حضور علمی است یا حضور عینی ؟

مرحوم علامه مجلسی در بیان روایت فرموده است : اگر «فاحضرونا» از باب افعال باشد معنای روایت چنین است : یعنی بدانید که همه ما نزد شما حاضر هستیم به وسیله علمی که داریم . مقصود مرحوم علامه مجلسی حضور علمی است . (۱۴۴)

در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام درباره حضرت خضر می فرمایند :

إنه ليحضر حيث ما ذكر ، فمن ذكره منكم فليسلم عليه . (۱۴۵)

او هر زمان که یاد شود حاضر می شود ، پس هر کس از شماها او را یاد کرد باید بر او سلام کند .

مرحوم آیه الله مستنبط در این باره می نویسد : مقام حضرت خضر علیه السلام که تابع و رعیت امام زمان ارواحنا فداه می باشد در این حدّ است ، پس مقام و عظمت حضرت بقیه الله صلوات الله علیه که امام و پیشوای او است تا چه حدّ و پایه است؟! (۱۴۶)

از این روایت ، حضور شخصی - در بعضی از زمان ها - استفاده می شود نه حضور علمی .

مسأله حضور از مسائل مهم در معارف اهل بیت علیهم السلام می باشد و نیاز به تفصیل بیشتر دارد . به این جهت این گفتار را با کلامی دلنشین از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پایان می دهیم :

أحضروا آذان قلوبكم تفهموا! (۱۴۷)

(اگر خواهان درک حقایق هستید) گوش دل را باز کنید ، تا آن را دریابید .

عظمت امام عصر ارواحنا فداه

در کلمات اهل بیت علیهم السلام

عظمت امام عصر ارواحنا فداه ...

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداه وسیله ای بسیار مؤثر برای

وارد شدن در صراط انتظار می باشد . در توضیح کلام می گویم :

روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداه به ما رسیده است ، آنچنان مهیج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت زده می سازد ! چگونه می شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می گذارد ، جامعه ما نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل نبسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت» (۱۴۸) برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟

آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده اند؟ آیا مهتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می دهند خدمتی نموده اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی ترین مسأله حیاتی دین است ، کوشش کرده اند؟ آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه ، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده اند؟

حقیقت این است که همه اقشار مردم در این غفلت زدگی، کم و بیش سهیم هستند، (اگر چه افرادی بوده اند و هستند از عالمان و غیر عالمان ، که همچون شقایق داغ بر دل داشته و روزگاری با غم و حسرت می گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می پردازند .) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می آزارد .

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه یاد نموده اند

و چگونه کوشش کرده اند تا مردم را به سوی آن حضرت متوجه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته اند :

۱ - پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

پدرم و مادرم فدای او باد ، او هم نام من و شبیه من است .

این کلام را پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از شرح دوران غم انگیز و تأسف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده اند .

اینک به فرمایش آن حضرت توجه کنید :

... سیکون بعدی فتنه صماء صیلیم یسقط فیها کلّ ولیجه و بطانه ، وذلک عند فقدان شیعتک الخامس من السایع من ولدک ، یحزن لفقداه أهل الأرض والسماء ، فکم مؤمن ومؤمنه متأسف متلهف حیران عند فقده .

ثم أطرق ملئاً ثم رفع رأسه وقال :

بأبی وأمی سمیی وشبیهی وشبیه موسی بن عمران علیه جلابیب النور یتوقّد من شعاع القدس . (۱۴۹)

بعد از من فتنه ای ایجاد می شود بسیار سخت و دشوار و از پا درآورنده ، که در آن هر شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط می کند و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند ، برای فقدان او اهل آسمان و زمین غمگین می شوند ، پس چه بسیارند مردان و زنان باایمانی که در هنگام غیبت او ، متأسف و حسرت زده و حیرانند .

سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر بلند نموده و فرمودند :

پدر و مادرم فدای او باد ، هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است

، بر او پیراهن هایی از نور است که از شعاع قدس برافروخته است .

۲ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند :

جانم فدای او باد ...

این کلام را مرحوم علامه مجلسی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده و فرموده است در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت می باشد ، از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند :

فَتَمَّ يَقُومُ الْقَائِمَ الْحَقَّ مِنْكُمْ

وَبِالْحَقِّ يَا تُبَيْكُمُ وَبِالْحَقِّ يَعْمَلُ

سَمِعَ نَبِيَّ اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ

فَلَاتَخَذَلُوهُ يَا بَنِي وَعَجَلُوا (۱۵۰)

پس در آن هنگام (بعد از حکومت های ناشایسته) از شما کسی که حق را به پا می دارد قیام می کند ، و حق را برای شما می آورد و به آن عمل می کند .

هم نام رسول خداوند است جانم فدای او باد ، پس ای فرزندان من مدد رسانی به او را ترک نکنید و برای یاریش شتاب کنید .

۳ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام :

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد . (۱۵۱)

اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان اوصاف جسمانی امام عصر ارواحنا فداه با بیان جمله ای که آوردیم اشتیاق عظیم قلبی خویش را اظهار نموده اند .

این روایت را جناب جابر جعفی که از نقباء و از اصحاب سرّ امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده نقل نموده است .

در این روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به بیان صفات نیکوی جسمانی امام عصر ارواحنا فداه اکتفا کرده اند و از تشریح خصلت های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده اند ؛ زیرا با کسی سخن می گفته اند که او علت اصلی همه تباهی ها و فسادها در عالم خلقت است .

اکنون به این روایت توجه کنید : جناب

جابر جعفی می گوید : از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود :

سایر عمر بن الخطاب امیرالمؤمنین علیه السلام فقال: أخیرنی عن المهدی ما اسمه؟

فقال : أما اسمه فإنَّ حبیبی عهد إلی أن لا احدث باسمه حتی یبعثه الله ، قال : فأخبرنی عن صفته .

قال : هو شابُّ مربع حسن الوجه حسن الشعر ، یسبل شعره علی منکبیه ، و نور وجهه یعلو سواد لحتیه ورأسه ، بأبی ابن خیره الإمام . (۱۵۲)

عمر بن خطاب در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام راه می رفت به آن بزرگوار عرض کرد : مرا از نام مهدی خبر ده .

حضرت فرمودند : اما درباره اسم او ، حبیب من از من پیمان گرفته است که از نام او سخن نگویم ، تا آن زمان که خداوند او را برانگیزد .

عرض کرد : از اوصاف و شمایل او به من خبر ده .

حضرت فرمودند : او جوانی است چهار شانه ، نیکو روی و زیبا موی که مویش بر شانه اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد .

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد .

۴ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد .

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیگر بار تکرار نموده اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است .

آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیه الله ارواحنا فدا می باشد ، و فرموده اند : جام تلخ زهر را به کام همه ستمگران جهان فرو خواهد ریخت .

اکنون

در دنباله مطلب به کلام آن بزرگوار که دل غمزدگان را شاد می کند توجه کنید:

بأبي ابن خيره الإمام - يعني القائم من ولده عليه السلام - يسومهم حسفاً ، ويسقيهم بكأس مصبره ، ولا يعطيهم إلا السيف هرجاً . (۱۵۳)

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد - یعنی حضرت قائم که از فرزندان آن حضرت است - خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ (پر است به آنان (ستمگران) می خوراند و به آنان چیزی حواله نمی کند مگر شمشیر خون ریز را .

آری در آن روز است که حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان به پایان می رسد و جام تلخ زهر را همه آن ها سر خواهند کشید!

۵ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه های خود ایراد فرموده اند :

فانظروا أهل بيت نبيكم فإن لبدوا فالبدوا و إن استنصروكم فانصروهم ، ليخرجنَّ الله برجل من أهل البيت ، بأبي ابن خيره الإمام لا يعطيهم إلا السيف هرجاً هرجاً موضوعاً على عاتقه ثمانيه . (۱۵۴)

به اهل بیت پیامبران بنگرید ؛ اگر آرام گرفتند شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند آنان را یاری کنید ، خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را (برای نابودی ستمگران) خارج می سازد .

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد ، به آنان نمی دهد مگر شمشیر را چه آشویی ؛ چه آشویی ؛ هشت ماه شمشیر را بر شانه خود می نهد .

در این خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

اصلاح جهان و پاکسازی دنیا را از وجود پلیدان لعنت شده نوید می دهند ، که مدت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنه گیتی ادامه می یابد و آن گاه صلح و صفا در سراسر جهان حاکم می شود .

۶- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

آه ، چقدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان فتنه ها و آشوب های آینده و یاد از خصلت های امام عصر ارواحنا فداه بیان نمودند :

هاه - وأوماً بیده إلی صدره - شوقاً إلی رؤیته . (۱۵۵)

آه - و اشاره به سینه مبارک خود نمودند - چقدر مشتاقم او را ببینم !

زیرا آن بزرگوار با احاطه علمی که بر همه چیز داشتند ، می دانستند فتنه هایی که سقیفه نشینان در سقیفه بدر آن را افشانند ، همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسر گیتی را تا زمان های دور ، سیاه خواهد نمود و سیه روزی و بدبختی را نصیب همه مردمان جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می یابد تا آن روز که منتقم آل محمد حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با سیصد و سیزده تن از شخصیت های خودساخته ، که امر ولایت در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از کنار خانه خدا قیام نمایند ، و انتقام همه مظلومین جهان را از همه ستمگران بگیرند .

اگر در روز تاریک سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار وجود مقدس اول مظلوم عالم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می بودند ، دشمنان نمی توانستند خانه وحی را به آتش کشیده و ریمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهره ماه

را کبود کنند . حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه های خود می فرمایند :

فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مَعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ ، وَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَذَى ، وَشَرِبْتُ عَلَى الشَّجِي ، وَصَبِرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ ، وَعَلَى أَمْرِ مَنْ طَعَمَ الْعَلْقَمَ .

چون مخالفین ، خلافت را که حقّ من بود غصب کردند ، (در کار خویش (اندیشه کردم ؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود یآوری ندارم ، راضی نشدم که آنها کشته شوند ، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود بر هم نهادم ؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود ، جام تلخ را آشامیدم ؛ و خشم خود فرو خوردم و بر چیزهای تلخ تر از طعم علقم) که گیاهی است بسیار تلخ (شکیبایی نمودم . (۱۵۶)

آری مظلوم ترین فرد جهان هستی پس از بیان همه ستم هائی که بر او روا شده ، آنگاه که از فتنه های آینده یاد می کند و نام پایان دهنده همه ظلم ها و ستم هارا به زبان جاری می سازد می فرماید :

آه ، چقدر مشتاقم او را ببینم!

۷- امام باقر علیه السلام می فرماید :

اگر در آن زمان باشم جان خود را برای صاحب این امر نگه می دارم .

این کلام از کسی صادر شده است که شکافنده همه علوم و دانش ها در سراسر هستی و آگاه از همه اسرار خلقت می باشد ، آن کسی که آینده و آیندگان ، گذشته و گذشتگان ، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می باشند .

آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می آورد ، و

یکی از قیام هائی را که قبل از ظهور امام عصر ارواحنا فداه واقع می شود بیان می کنند ، می فرمایند :

... أما إني لو أدركت ذلك لاستيقيت نفسي لصاحب هذا الأمر. (۱۵۷)

آنگاه باشید اگر من آن زمان را درک نمایم جان خود را برای صاحب این امر حفظ می کنم .

مرحوم آیه الله شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته است : مقصود حضرت از آن زمان ، وقتی است که گروهی از «شیلا» برای گرفتن حق قیام می کنند .

۸- امام باقر علیه السلام :

پدر و مادرم فدای او باد ، او همنام من و دارای کُنیه من است .

پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد .

این روایت را ابو حمزه ثمالی - که از بزرگان اصحاب آن حضرت است - نقل نموده ؛ او می گوید : روزی در محضر امام باقر علیه السلام بودم ، آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخص شدند به من فرمودند :

یا أبا حمزه ، من المحطوم الذي حتمه الله قيام قائمنا ، فمن شك فيما أقول لقي الله وهو به كافر ، ثم قال :

بأبي وأمي المسمي باسمي والمكني بكنيتي ، السابع من ولدي ، بأبي من يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً .

یا ابا حمزه ، من أدركه فيسلم له ما سلم لمحمد وعلي فقد وجبت له الجنة ، ومن لم يسلم فقد حزم الله عليه الجنة وأواه النار وبئس مئوى الظالمين . (۱۵۸)

ای ابا حمزه ؛ از چیزهایی که خداوند آن ها را حتمی قرار داده است قیام قائم

ما است و کسی که در آنچه می گویم شک کند ، خداوند را ملاقات می کند در حالی که به او کافر است .

پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و کتیه اش کتیه من است و هفتمین فرد از نسل من است .

پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد می نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد .

ای ابا حمزه ؛ هر کس در زمان او باشد و تسلیم او گردد همان گونه که تسلیم محمد و علی بوده ، بهشت بر او واجب است ، و کسی که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می کند و جایگاه او آتش می باشد و بد منزلی است جایگاه ستم کاران .

۹- امام صادق علیه السلام :

اگر او را درک کنم ، تا زنده باشم به او خدمت می کنم .

این کلام را امام صادق علیه السلام هنگامی فرمودند که درباره حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از آن بزرگوار سؤال شد :

هل ولد القائم ؟

قال : لا ، ولو أدرکته لخدمته أيام حیاتی . (۱۵۹)

آیا (حضرت) قائم متولد شده است ؟

حضرت فرمودند : نه ، و اگر من او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می کنم .

۱۰- امام صادق علیه السلام :

برای نور آل محمد (علیهم السلام) دعا نمودم .

عباد بن محمد مدائنی می گوید : امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر دست ها را بلند نموده و دعا کردند . گفتیم : جانم به فدایتان ؛ برای خودتان دعا نمودید ؟

فرمودند :

دعوت لنور

آل محمد عليهم السلام وسائقهم والمنتقم بأمر الله من أعدائهم. (١٦٠)

برای نور آل محمد عليهم السلام و پیش رو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می گیرد ، دعا نمودم .

البته خاندان وحی همه آنها نور هستند و معرفت آنان به نورانیت معرفه الله است ، ولی بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام در این روایت آن حضرت ، نور الأنوار می باشند .

۱۱ - امام موسی کاظم علیه السلام :

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا ، سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی گذارد .

پدرم فدایش باد که به امر خداوند قیام می کند .

یحیی بن فضل نوفلی می گوید : حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بعد از نماز عصر دست ها را به دعا بلند نموده و دعائی را قرائت کردند . به آن حضرت عرض کردم : برای چه کسی دعا نمودید :

قال : ذلك المهدي من آل محمد عليهم السلام ، قال : بأبي المنيدح البطن ، المقرون الحاجبين ، أحمش الساقين ، بعيد مابين المنكبين ، أسمر اللون ، يعتاده مع سمرته صفرة من سهر الليل ، بأبي من ليله يرعى النجوم ساجداً و راکعاً ، بأبي من لا يأخذه في الله لومة لائم ، مصباح الدجى ، بأبي القائم بأمر الله. (١٦١)

حضرت فرمودند : برای مهدی آل محمد عليهم السلام .

آن گاه فرمودند : پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و ابروانی پیوسته و ساق های باریک دارد ، و چهار شانه و قوی هیکل و گندم گون است ، و بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش زرد است .

پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع

، بسر می برد و به ستارگان می نگرد و آن ها را زیر نظر دارد .

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی گذارد ، او چراغ هدایت در تاریکی های شدید است .

پدرم فدای او که به امر خدا قیام می کند .

۱۲ - حضرت امام رضا علیه السلام :

پدرم و مادرم فدایش باد ، او همانم جدّم صلی الله علیه وآله وسلم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است .

این کلام را حضرت امام رضا علیه السلام پس از ذکر فتنه های بسیار سختی که از اوّل زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه واقع شد ، بیان نموده اند .

این فتنه ها آن چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می نماید ؛ گرچه آنان مدّعی دین و دینداری هستند .

و بر اثر گمراهی آنان ، آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداه را فرا می گیرد که اهل آسمان و زمین بر او می گریند و هر انسان آزاده و دل آگاه برای آن حضرت به گریه می نشیند .

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه السلام توجه کنید :

لأبد من فتنه صماء صلیم یسقط فیها کلّ بطنه و ولیجه وذلک عند فقدان الشیعه الثالث من ولدی ، بیکی علیه أهل السماء وأهل الأرض وکلّ حرّی وحرّان وکلّ حزین ولفهان .

ثم قال علیه السلام : بأبی وأمی سمی جدی صلی الله علیه وآله وسلم و شبیهی و شبیه موسی بن عمران علیه السلام ، علیه جیوب النور ، یتوقّد من شعاع ضیاء القدس . (۱۶۲)

ناگزیر فتنه ای بسیار سخت و از پا درآورنده واقع می شود که در آن هر فرد

راز دار و مورد اعتمادی سقوط می کند و این در زمانی است که شیعیان سؤمین نفر از فرزندان مرا از دست می دهند ، بر او اهل آسمان و زمین می گیرند و هر مرد و زنی که تشنه دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده ای بر او می گیرند .

سپس فرمودند : پدر و مادرم فدای او باد ، او همانم جدّم صلی الله علیه وآله وسلم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است ، بر او پیراهن های نور می باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می گیرد .

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل نمودیم .

«از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند هنگام ذکر لفظ «قائم» ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند : اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ . آن گاه از خصوصیات حکومت آن حضرت صحبت فرمودند .

مرحوم محدّث نوری در کتاب «نجم الثاقب» فرموده است : قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداه مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت ، سیره و روش همه شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همه بلاد است بلکه اهل سنت نیز به آن عمل می کنند.» (۱۶۳)

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» می نویسد : روایت شده که وقتی دعیل قصیده خود را برای امام رضا علیه السلام خواند و از حضرت حجّت الله تعالی فرجه یاد نمود :

فلولا الذی أرجوه فی الیوم أو غدٍ

تقطع نفسی إثرهم

- ۱۶) کتاب «منهاج العارفين» ، تأليف : عالم بزرگوار محمد حسن سمنانی رحمه الله .
- ۱۷) کتاب «باب السعاده» ، تأليف : عالم شهير فيض كاشانی رحمه الله .
- ۱۸) کتاب «نجم الثاقب» ، تأليف : محدث نوری رحمه الله .
- ۱۹) کتاب «الأمان من أخطار الأسفار والأزمان» ، تأليف : عالم بزرگوار سيد بن طاووس رحمه الله .
- ۲۰) کتاب «الجته الواقيه» ، منسوب به عالم عاليقدر مير داماد رحمه الله و همچنين عالم بزرگوار كفعمی رحمه الله .
- ۲۱) کتاب «الباقیات الصالحات» ، تأليف : محدث قمی رحمه الله .
- ۲۲) کتاب «زاد المعاد» ، تأليف : علامه مجلسی رحمه الله .
- ۲۳) لا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ؛ سورة شعراء ، آیه ۸۸ .
- ۲۴) کتاب «فلاح السائل» ، تأليف : عالم بزرگوار سيد بن طاووس رحمه الله .
- ۲۵) کتاب «مصباح المتهجد» ، تأليف : عالم بزرگوار شيخ طوسی رحمه الله .
- ۲۶) کتاب «مفتاح الفلاح» ، تأليف : عالم نامی شيخ بهائی رحمه الله .
- ۲۷) کتاب «فتح الأبواب» ، تأليف : عالم بزرگوار سيد بن طاووس رحمه الله .
- ۲۸) کتاب «تبصره الولی» ، تأليف : علامه سيد هاشم بحرانی رحمه الله .
- ۲۹) کتاب «مفتاح الغیب» ، تأليف : علامه مجلسی رحمه الله .
- ۳۰) کتاب «العدد القویه» ، تأليف : عالم جلیل القدر رضی الدین حلی رحمه الله .
- ۳۱) سورة يوسف ، آیه ۸۸ .
- ۳۲) بنا بر قاعده «تسامح در ادله سنن» و همچنين «اخبار من بلغ» دقت بسیار در اسناد ادعیه و زیارات وارده لازم نیست . ولی نباید قاعده «تسامح در ادله سنن» و «اخبار من بلغ» را دستاویز قرار داده و هر گونه دعا و زیارت را

اگر چه جعلی باشد برای دیگران نقل نمائیم و یا خود به خواندن آنها سرگرم شویم؛ بلکه باید از این گونه دعاها و زیارت ها دوری بجوئیم؛ زیرا علاوه بر مضمون های اشتباهی که در بسیاری از این قبیل ادعیه و زیارات وجود دارد، آن قدر دعاها و زیارات وارده از خاندان بیت وحی علیهم السلام در دسترس ما وجود دارد که نیازی به رجوع و نقل و یا خواندن دعاها و زیارت هائی که مدرکی ندارند، نداریم.

با توجه به این حقیقت، ما آن قسمت از دعاها و زیارت هائی را که در منابع معتبر وجود ندارد نقل نمی کنیم، و نمازها، دعاها و زیارات هائی را در این کتاب می آوریم که در منابع و مصادر قدیم و کتاب های معتبر وجود دارند و به جز موارد اندکی متعزض اختلاف نسخه ها نمی شویم تا خواننده سر در گم نشده و متحیر نگردد. کسانی که می خواهند از اختلاف نسخه ها آگاه شوند به کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه» مراجعه نمایند.

۳۳) دار السلام: ۱۳۷/۲.

۳۴) کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه» با اضافاتی که پس از چاپ اول به آن افزودیم دارای بیش از چهار صد و پنجاه نماز، دعا، زیارت، استخاره... است، از آنجا که باب چهارم، پنجم، یازدهم و دوازدهم آن - یعنی دعاهایی که امام عصر (ارواحنا فداه) برای افراد یا علیه دیگران نموده اند و همچنین دعاهایی که هنگام ولادت قرائت نموده اند و دعاهایی که در ضمن دعاهای دیگر و همچنین زیارات درباره آن بزرگوار وارد شده است - دارای جنبه تخصصی می باشد و برای اهل تحقیق مفید

است و از نظر قرائت برای عموم فایده نداشت حذف نموده و با تغییراتی در ترتیب و تیوب آن ، کتاب «الصحیفه المهدیه یا المختار من الصحیفه المبارکه المهدیه» تدوین گردید تا این شاء الله مورد استفاده عموم قرار گیرد .

و این کتاب - صحیفه مهدیه - ترجمه آن است که اکنون در اختیار شما قرار دارد .

(۳۵) بحار الأنوار : ۳۹۹/۳۶ .

(۳۶) سوره مزمل ، آیه ۱۹ .

(۳۷) سوره مزمل ، آیه ۲۰ .

(۳۸) حبتی ، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الهی است ؛ رجوع کنید به بحار الأنوار : ۳۳۶/۳۵ .

(۳۹) بحار الأنوار : ۳۰۶/۹۵ .

(۴۰) سوره فجر ، آیه ۴ .

(۴۱) بحار الأنوار : ۷۸/۲۴ .

(۴۲) بحار الأنوار : ۱۵۵/۹۴ .

(۴۳) سوره یوسف ، آیه ۸۷ .

(۴۴) بحار الأنوار : ۳۸۰/۹۳ .

(۴۵) الکافی : ۴۶۸/۲ .

(۴۶) الکافی : ۴۶۸/۲ .

(۴۷) و ۳ . الکافی : ۴۶۹/۲ .

(۴۸)

(۴۹) الکافی : ۴۷۰/۲ .

(۵۰) الکافی : ۴۷۰/۲ .

(۵۱) الکافی : ۴۶۹/۲ .

(۵۲) عدّه الداعی : ۱۱ .

(۵۳) بحار الأنوار : ۳۲۲/۹۳ .

(۵۴) بحار الأنوار : ۳۱۳/۹۳ .

(۵۵) الکافی : ۵۰۳/۲ .

(۵۶) بحار الأنوار : ۳۱۵/۹۳ .

(۵۷) بحار الأنوار : ۵۴/۹۴ .

(۵۸) بحار الأنوار : ۳۱۲/۹۳ و ۳۱۶ .

(۵۹) بحار الأنوار : ۳۱۶/۹۳ .

(۶۰) بحار الأنوار : ۲۲/۹۴ .

(۶۱) سوره مائده ، آیه ۳۵ .

(۶۲) تفسیر صافی : ۴۴۱/۱ .

(۶۳) سوره مائده ، آیه ۳۵ .

٦٤) بحار الأنوار : ٣١٨/٩٣ .

٦٥) بحار الأنوار : ٣٢٣/٩٣ .

٦٦) سورة مؤمنون ، آيه ٥١ .

٦٧) بحار الأنوار : ٣٧٢/٩٣ .

٦٨) بحار الأنوار : ٣٧٣/٩٣ .

٦٩) بحار الأنوار : ٣٥٨/٩٣ .

٧٠) و ٣ . بحار الأنوار : ٣٧٣/٩٣ .

(٧١)

(٧٢)

- بحار الأنوار : ۳۲۱/۹۳ .
- (۷۳) بحار الأنوار : ۳۲۰/۹۳ .
- (۷۴) بحار الأنوار : ۳۷۳/۹۳ .
- (۷۵) بحار الأنوار : ۳۲۸/۷۳ .
- (۷۶) سورة غافر ، آیه ۶۰ .
- (۷۷) سورة روم ، آیه ۶ .
- (۷۸) بحار الأنوار : ۳۲۳/۹۳ .
- (۷۹) المختار من كلمات الإمام المهدي : ۲۳۸/۱ .
- (۸۰) بحار الأنوار : ۳۷۳/۹۳ .
- (۸۱) الكافي : ۴۷۴/۲ .
- (۸۲) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۴/۹۳ .
- (۸۳)
- (۸۴) و ۴ . الكافي : ۴۷۵/۲ .
- (۸۵)
- (۸۶) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۴/۹۳ .
- (۸۷)
- (۸۸) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۴/۹۳ .
- (۸۹)
- (۹۰) سورة مريم ، آیه ۴۸ .
- (۹۱) و ۳ . بحار الأنوار : ۳۷۵/۹۳ .
- (۹۲)
- (۹۳) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۵/۹۳ .
- (۹۴)
- (۹۵) بحار الأنوار : ۱۶۵/۷۸ .
- (۹۶) دار السلام : ۱۵۰/۳ .
- (۹۷) جمال الأسبوع : ۳۰۷ .
- (۹۸) فلاح السائل : ۴۴ .
- (۹۹) مكيال المكارم : ۴۳۸/۱ .
- (۱۰۰) بوستان ولايت : ۱۸/۲ .
- (۱۰۱) دستور این ختم از رسول خدا صلی الله عليه وآله وسلم نقل شده و مرحوم آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است .
- (۱۰۲) مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظّم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه ای داشتند .
- (۱۰۳) سورة نساء ، آیه ۸۶ .

۱۰۴) مکیال المکارم : ۳۳۳/۱ .

۱۰۵) وسائل الشیعه : ۵۶۷/۱۱ .

۱۰۶) الخصال : ۶۳۵/۲ .

۱۰۷) مکیال المکارم : ۱۶۹/۲ .

۱۰۸) نجم الثاقب : ۴۷۳ .

۱۰۹) مفتاح الجنّات : ۴۱۰/۱ .

۱۱۰) مفتاح الجنّات : ۴۲۶/۱ .

۱۱۱) بدان ، جریان مسجد جمکران که در عالم بیداری برای حسن بن مثله واقع شده ، نشانگر شأن و بزرگواری و

مقام والاى جناب سيد ابوالحسن الرضا است ، زيرا در عصر او سادات زيادى از فرزندان ائمه طاهرين عليهم السلام در قم ساكن بودند، لذا برگزيده شدن ايشان از طرف امام زمان صلوات الله عليه بيانگر مقام والا و اهميت موقعيت آن بزرگوار است .

بارگاه آن بزرگوار در شهر مقدس قم ، خيابان آذر مى باشد ، مكاني كه مورد توجه مردم بوده و دوستان اهل بيت عليهم السلام به زيارت آن مشرف مى شوند ، سزاوار است كساني كه به مسجد جمكران مشرف مى شوند در صورت امكان آن بزرگوار را در مزار شريف ايشان زيارت كنند ، و بر مجاورين و همسايگان آن بارگاه شريف لازم است كه به آن مكان مقدس احترام گذاشته و در زيارت آن اهتمام ورزند .

(۱۱۲) دستور نماز مسجد مقدس جمكران در ص ۱۱۷ اين كتاب بيان خواهيم كرد .

(۱۱۳) بحار الأنوار : ۲۳۰/۵۳ ، نجم الثاقب : ۳۸۳ . تاريخى كه در اين جريان ذكر شده صحيح نيست ؛ زيرا آن را مرحوم شيخ صدوق نقل کرده و وفات ايشان قبل از تاريخ مذکور است .

(۱۱۴) بحار الأنوار : ۲۶۹/۷۷ .

(۱۱۵) رجوع كنيد به اثر ديگر مؤلف : «دولت كريمه امام زمان ارواحنا فداه» .

(۱۱۶) شرح غرر الحكم : ۱۸۵/۱ .

(۱۱۷) شرح غرر الحكم : ۲۲۹/۳ .

(۱۱۸) سوره يوسف ، آيه ۹۲ .

(۱۱۹) شرح غرر الحكم : ۳۰۵/۵ .

(۱۲۰) همين كتاب : ۵۷۷ .

(۱۲۱) همين كتاب : ۵۷۷ .

(۱۲۲) بحار الأنوار : ۱۵۳/۵۲ .

(۱۲۳) سوره طه ، آيه ۱۲ .

(۱۲۴) نهج البلاغه : كلمات قصار : ۲۹۵ .

(۱۲۵) بحار الأنوار : ۳۴۹/۳۹ .

(۱۲۶) بحار الأنوار : ۱۳۵/۷۲ .

(۱۲۷) دار السلام مرحوم عراقى

۳۱۷. تمام این جریان را در ص ۴۳۸ این کتاب نقل می کنیم .

۱۲۸) سوره اسراء ، آیه ۷۱ .

۱۲۹) بحار الأنوار : ۳ . ۱۰/۸ . بحار الأنوار : ۱۷۴/۵۳ .

(۱۳۰)

۱۳۱) مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخش «زیارت ها» می آوریم .

۱۳۲) سوره یوسف ، آیه ۹۷ .

۱۳۳) بحار الأنوار : ۱۲۲/۵۲ .

۱۳۴) بحار الأنوار : ۱۴۳/۷۷ .

۱۳۵) بحار الأنوار : ۱۴۰/۵۲ .

۱۳۶) بحار الأنوار : ۱۳۳/۵۲ .

۱۳۷) بحار الأنوار : ۱۲۱/۲۷ و ج ۳۸/۶۸ .

۱۳۸) مهج الدعوات به نقل بحار الأنوار : ۳۳۶/۹۵ .

۱۳۹) بحار الأنوار : ۱۵۶/۵۱ .

۱۴۰) سوره بقره ، آیه ۱۴۸ ؛ «هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد» .

۱۴۱) سوره تغابن ، آیه ۸ .

۱۴۲) الکافی : ۱۹۴/۱ .

۱۴۳) بحار الأنوار : ۲۴۳/۴۶ .

۱۴۴) بحار الأنوار : ۲۴۴/۴۶ .

۱۴۵) کمال الدین : ۳۹۰/۲ .

۱۴۶) القطره : ۵۳۶/۲ .

۱۴۷) بحار الأنوار : ۲۱۲/۳۴ .

۱۴۸) بحار الأنوار : ۹۱/۵۱ .

۱۴۹) کفایه الأثر : ۱۵۸ ، بحار الأنوار : ۳۳۷/۳۶ و ۱۰۹/۵۱ .

۱۵۰) بحار الأنوار : ۱۳۱/۵۱ .

۱۵۱) حضرت نرجس خاتون علیها السلام شاهزاده بزرگ روم ، برای پیوستن به خاندان وحی علیهم السلام ، لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانه مادر شدن برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را نصیب خود ساخت . به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت ، از ایشان به عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است .

۱۵۲) بحار الأنوار : ۳۶/۵۱ .

۱۵۳) الغیبه مرحوم نعمانی : ۲۲۹ .

۱۵۴) بحار الأنوار : ۱۲۱/۵۱ .

۱۵۵) بحار الأنوار : ۱۱۵/۵۱ .

۱۵۶) نهج البلاغه فیض الإسلام : خطبه ۲۶

(۱۵۷) الغیبه مرحوم نعمانی : ۲۷۳ .

(۱۵۸) بحار الأنوار : ۲۴/۲۴۱ و ۱۳۹/۵۱ و ۳۹۴/۳۶ .

(۱۵۹) الغیبه مرحوم نعمانی : ۲۷۳ ، بحار الأنوار : ۱۴۸/۵۱ . صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده و به دلیل سند آن اشتباه است و علت اشتباهش این است که کتبه «ابو عبدالله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیهما السلام، به امام حسین علیه السلام نسبت داده است. رجوع کنید به کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه».

(۱۶۰) فلاح السائل : ۱۷۰ .

(۱۶۱) بحار الأنوار : ۸۱/۸۶ .

(۱۶۲) الغیبه نعمانی : ۱۸۰ ، کمال الدین : ۳۷۰ ، بحار الأنوار : ۱۵۲/۵۱ ، إلیام الناصب : ۲۲۱/۱ .

(۱۶۳) إلیام الناصب : ۲۷۱/۱ .

(۱۶۴) الغدیر : ۳۶۱/۲ . شبیه این روایت را علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار : ۱۵۴/۵۱» نقل نموده است .

(۱۶۵) إلیام الناصب : ۲۷۱/۱ .

بخش اول: نمازها

انباره

در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداه روایت شده ، یا برای آن حضرت نقل گردیده ، می آوریم :

۱ نماز امام عجل الله تعالی فرجه

قطب راوندی رحمه الله می نویسد : نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است ؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» را باید خواند و چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید ، آن را صد مرتبه باید گفت ، و بعد از نماز صد مرتبه بر محمد و آل محمد عليهم السلام صلوات فرستاده ، و از خدا حاجتش را بخواهد . (۱)

این نماز به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و خواندن سوره بعد از «حمد» شرط نشده و خواندن دعای مخصوصی بعد از نماز وارد نشده است .

۲ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید : نماز حضرت حجت ارواحنا فداه دو رکعت است ؛ در هر رکعت سوره «حمد» را تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می خوانی ، و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می کنی ، و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن سوره «اخلاص» را یک مرتبه می خوانی و پس از نماز این دعا را می خوانی :

نماز مسجد مقدس جمکران

اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ ، وَبَرِحَ الْخِفَاءُ ، وَأَنْكَشَفَ الْعُطَاءُ ، وَصَاقَتِ خَدَاوِنْدَا ؛ بِلَا وَ مِصِيْبَتِ بَزْرِكِ شَد ، وَ پِنَهَائِي بِرَطْرَفِ گِشْت (آنچه پنهان بود آشکار شد) ، و پرده کنار زده شد ، الْأَرْضُ بِمَا وَسَّعَتِ السَّمَاءُ ، وَإِيَّاكَ يَا رَبُّ الْمُسْتَنْكِي ، وَعَلَيْكَ وَ زَمِينِ (بر ما) تَنَكَّ آمَدَ بَا وَجُودِ وَسَعَتِ آسْمَانِ ، وَ شَكَابَتِ مَا تَنَهَا بِه سُوِي تُوَسْت ، وَ اعْتِمَادِ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرُّخَاءِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ تَكِيهَ مَا دَرِ هِرِ سَخْتِي وَ سِسْتِي بِر تُوَسْت

خداوندا؛ درود بفرست بر محمّد و آل محمّد، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ . وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ ، وَأُظْهِرْ كِسَانِي كَمَا مَا را به اطاعت شان امر کردی . خداوندا؛ فرج آل محمّد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما، إِغْرَاةُ ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ ، یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا و عَزّت و بزرگی او را ظاهر کن ؛ ای محمّد ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای محمّد ؛ مرا کفایت کنید کافِیَايَ ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ ، یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ أَنْصِرَانِي فَإِنَّكُمَا که شما کفایت کنندگان من هستید . ای محمّد ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای محمّد ؛ مرا یاری کنید ، که شما ناصِرَانِي ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ ، یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ إِخْفَاطَانِي فَإِنَّكُمَا یاری کنندگان من هستید . ای محمّد ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای محمّد ؛ مرا حفاظت کنید که شما حَافِظَايَ ، یا مَوْلَايَ یا صَاحِبِ الزَّمَانِ ، یا مَوْلَايَ یا صَاحِبِ الزَّمَانِ ، یا مَوْلَايَ یا صَاحِبِ الزَّمَانِ ، یا صَاحِبِ الزَّمَانِ ؛ ای مولاي من ؛ ای صاحب الزمان ؛ ای مولاي من ؛ ای صاحب الزمان ؛ به فریاد رس ، به فریاد رس ، به فریاد رس ، أَذْرِكُنِي أَدْرِكُنِي ، أَلَأَمَانَ الْأَمَانَ . (۲)

مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب ، امانم ده امانم ده امانم ده .

۱ . جمال الأسبوع : ۱۸۱ ، بحار الأنوار : ۱۹۱/۹۱ .

این نماز نیز به زمان و

مکان معینی اختصاص ندارد، اما خواندن سوره «اخلاص» بعد از قرائت سوره «حمد» و خواندن دعایی که نقل شد، بعد از نماز شرط شده است.

۳ نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله رحمه الله می گوید: مولای مان امام زمان صلوات الله علیه به من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیابند)، و آن را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دو رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «اخلاص»، و در هر رکوع و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دو رکعت برای امام زمان صلوات الله علیه به گونه ای که ذکر می شود انجام دهد: سوره «حمد» را شروع کند، به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که رسید آن را صد مرتبه تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همین گونه بخواند.

و چون نماز را به پایان برد، تهلیل (۳) گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد.

سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فمن صلاها فكأنما صلى في البيت العتيق.

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است. (۴)

۴ نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعمانیه (۵)

محدث نوری رحمه الله می گوید: فاضل جلیل القدر میرزا عبدالله اصفهانی (مشهور به افندی) در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء» در شرح حال شیخ ابن ابی جواد نعمانی می گوید:

ایشان از کسانی است که

در زمان غیبت کبری، امام زمان صلوات الله علیه را دیده است و از آن حضرت حدیث نقل کرده است. من در جای دیگر نقلی از خط شیخ زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حایری (شاگرد شهید) نیز دیده ام که ابن ابی جواد نعمانی مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و از آن حضرت سؤال کرده است: مولای من؛ آیا شما مقامی در نعمانیه و مقامی در حله دارید؛ چه وقت در آن دو مکان حضور دارید؟

حضرت فرمودند:

شب و روز سه شنبه در نعمانیه هستم، و شب و روز جمعه در حله؛ اما اهل حله، ادب را در مقام من بجای نمی آورند؛ و کسی نیست که با ادب داخل مقام من شود و با رعایت ادب بر من و ائمه سلام کند، و بر من و ایشان، دوازده مرتبه صلوات بفرستد؛ سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند و با خداوند مناجات کند؛ مگر این که خدا آنچه می خواهد به او عنایت کند که یکی از آن ها مغفرت و بخشش پروردگار برای اوست.

نماز منسوب به امام زمان علیه السلام ...

گفتم: مولای من؛ آن مناجات را به من بیاموز.

حضرت فرمودند: بگو:

اَللّٰهُمَّ قَدْ اَخَذَ التَّادِيْبُ مِنِّي ، حَتَّى مَسَّنِيَ الضَّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ بِارَالِهَا؛ مجازات و مکافات اعمالم به سراغم آمد، تا این که به سختی و بدحالی گرفتار آمدم و تو مهربان ترین الرَّاحِمِيْنَ ، وَاِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنْ الدُّنُوْبِ اَسْتَجِيْبُ بِهٖ اَضْعَافَ مِهْرَبَانِي . و هر چند گناहانی که مرتکب

شدم مرا سزاوار چندین و چندین برابر این مجازات هایی که اضعاف ما اذبتنی به وانت حلیم ذو انا، تغفو عن کثیر حتی

با آن ها مرا ادب فرمودی کرده است، ولی تو بردبار و مدارا کننده ای، از گناهان زیاد چشم پوشی می کنی تا یشیق عفوک ورحمتک عذابک .

بخشش و رحمت تو بر عذابت پیشی گرفته باشد .

حضرت این دعا را سه مرتبه برایم تکرار فرمود تا یاد گرفتم. (۶)

۵ نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت ها

خاتون آبادی رحمه الله این نماز را در «جئات الخلود» به امام زمان ارواحنا فداه نسبت داده است : شب قبل از خواب ، ظرف تمیزی را که پر از آب پاکیزه است در کنار سر خود بگذارید و با پارچه تمیزی آن را بپوشانید و چون برای نماز شب برخاستید سه جرعه از آن آب بنوشید و با باقی مانده آن وضو بسازید . رو به قبله بایستید اذان و اقامه بگویید و دو رکعت نماز با هر سوره ای که خواستید بخوانید .

بعد از خواندن سوره به رکوع رفته و بیست و پنج مرتبه بگویید : «یا غیاث المُنْتَغِیِّین» ای فریاد رس داد خواهان(. سپس سر از رکوع برداشته همین ذکر را بیست و پنج مرتبه بگویید و همین کار را در سجده اول و بعد از سجده اول ، و در سجده دوم و بعد از سجده دوم تکرار کنید .

سپس برای رکعت دوم برخاسته و همین کار را در رکعت دوم نیز انجام دهید ، که در این هنگام سیصد مرتبه این ذکر را گفته اید . سپس تشهد خوانده و سلام نماز را می گوید ، بعد سر را به سوی آسمان بلند کنید

و سی مرتبه بگویند: «مَنْ الْعَبْدُ الدَّلِيلُ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ»؛ (از سوی بنده ای خوار به سوی مولایی بزرگوار)، و حاجت خود را بگویند که به اذن خدای متعال زود اجابت می شود. (۷)

نگارنده گوید: محدث قمی رحمه الله این نماز را تحت عنوان «نماز استغاثه» در کتاب «الباقیات الصالحات» نقل کرده، ولی آن را به امام زمان ارواحنا فداه نسبت نداده است.

نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

نماز و دعای فرج برای رفع ...

احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه ام را برای دیدن مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه عرض کردم.

به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟ گفتم: آری.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای ابا عبدالله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی شود (۸)، چرا که این اراده خداست و تسلیم در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجّه کن.

اثر کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او نسخه برداری کرده اند آن توجّه به صاحب الزمان ارواحنا فداه است با خواندن زیارت بعد از دوازده رکعت نماز که به صورت دو رکعتی انجام می دهی و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در تمام این رکعت ها می خوانی، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می گویی سخن خداوند عزّ وجلّ را:

«سَلَامٌ عَلَيَّ اِل

یاسین» ، ذلک هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ، سلام بر آل یاسین ، این همان فضل آشکار است از جانب خداوند ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ ، قَدْ وَخَدَا صَاحِبَ فَضْلِ بَزْرُكَ
است ، پیشوای او کسی است که او را به راه مستقیم خداوند هدایت کند ؛ اَتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ ... (۹)

به تحقیق خداوند به شما جانشینی اش را داده است ای آل یاسین .

نماز و دعای فَرَج برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه علیها السلام» می گوید : ابو حسین کاتب گفت : کاری را از ابی منصور صالحان به عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد کرد که لازم شد مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می کرد .

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه ای که باد و باران می وزید به قبرستان قریش رفتم . آنجا برای دعا در حجره ای نشستم و از ابن جعفر قیم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم ، و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش بیمناکم . ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی توانست بیاید .

من دعا و زیارت و نماز می خواندم تا این که در این بین صدای پایی از کنار قبر مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به گوشم رسید ، در

این هنگام مردی را دیدم که زیارت می خواند . در زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم علیهم السلام و هر یک از ائمه علیهم السلام درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد . از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم : شاید فراموش کرد یا نمی داند یا مذهب این مرد این گونه است .

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولای مان ابی جعفر امام جواد علیه السلام و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد . در حالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی شناختم . و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس های سفیدی بر تن داشت و عمامه ای که دارای تحت الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت .

به من گفت : ای ابا الحسین پسر ابی العلاء ؛ چرا دعای فرج نمی خوانی ؟

گفتم : چگونه است ای سرور من ؟ فرمود :

دو رکعت نماز می خوانی و می گویی :

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجُرِيحِ أَي كَسَى كَهِ زِيْبَائِي رَا أَشْكَارَ كَرْد وَ زَشْتِي رَا پُوشَانِيْد ، أَي آن كِه بِه گناه مؤاخذه نكرده وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ ، يَا مُبْتَدِيَّ وَ پَرْدِه رَا ندرد ، أَي آن كِه احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او بزرگوارانه است ، أَي آغازگر النعم قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، يَا نِعْمَتَ هَا قَبْلَ از اسْتِحْقَاقِ آن ،

ای صاحب گذشت نیکو، و آمرزش فراگیر، ای بایطِ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، یا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، ویا غایبَه كُلِّ آن که دستان رحمتش باز است، ای نهایت هر نجوا و رازگویی، و ای پایان هر شکوی، ویا عَوْنُ كُلِّ مُشْتَعِينٍ، یا مُبْتَدَأُ النَّعْمِ قَبْلَ اشْتِخَاقِهَا، شتکوه و شکایت، ای یار هر یاری طلب، ای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آن، «یا رَبَّاهُ» ده مرتبه، «یا سَيِّدَاهُ» ده مرتبه، «یا مَوْلَاهُ» ده مرتبه، «یا ای پروردگام؛ ای آفا و سرورم؛ ای مولایم، ای غایبانه» ده مرتبه، «یا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ» ده مرتبه. اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ نَهَايَتِ مَقْصُودِمْ؛ ای نهایت اشتیاقم؛ از تو می خواهم به حَقِّ الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إلهما این نام ها و به حَقِّ مُحَمَّدٍ و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که كَسَفْتُمْ كَوْزِي، وَنَفَسْتُمْ هَمِي، وَفَرَجْتُمْ عَنِّي، وَأَصْرَلَخْتَ حَالِي. بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندوهم را بزدايي، و گشایش در کارم دهی، و حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می خواهی دعا کن، و حاجت را بطلب؛ سپس گونه راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می گویی:

یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ، یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنْكُما كافياني، ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما مرا کفایت کننده اید وَأَنْصُرَانِي فَاِنْكُما ناصراني.

و یاریم کنید که شما

مرا یاری کننده اید .

سپس گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می گوئی : «أَدْرِكُنِي» (مرا دریاب) و آن را بسیار تکرار کن . و سپس به اندازه یک نَفَس می گوئی : «الْعُوْتُ [الْعُوْتُ]» (به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس) ؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می کند إِنْ شَاءَ اللَّهُ .

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد . بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش بپرسم . دیدم درها بسته و قفل هستند ، تعجب کردم و با خود گفتم : شاید او از ابتدای شب این جا بوده و من نمی دانستم . ابن جعفر قیم را صدا زدم . ابن جعفر از اطاقی که روغن چراغ های حرم در آنجا بود آمد .

از او درباره این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم . گفت : همان طور که می بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده ام . دوباره جریان را از او جویا شدم ، گفت : آن مرد مولای مان امام زمان صلوات الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده ام .

با شنیدن این حرف ، تأسف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم . نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در آن مخفی شده بودم روانه شوم . آفتاب هنوز بالا نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان نامه ای از وزیر و نامه ای به خطّ

خودش سراغ مرا از دوستانم می گرفتند و به دنبال من می گشتند . با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم ، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم .

رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداه شکایت مرا نمودی؟

گفتم : من تنها دعا و درخواست کردم . گفت : وای بر تو ، دیشب (شب جمعه) مولایم امام زمان صلوات الله علیه را در خواب دیدم که مرا به نیکی کردن درباره تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم .

پس گفتم : لا إله إلا الله ؛ شهادت می دهم که ائمه علیهم السلام بر حق اند و حقّ به آنان ختم می شود ؛ من دیشب آقاایم را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند . و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم .

ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد . و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداه آنچه فکر آن را هم نمی کردم ، از سوی امیر درباره من انجام شد . (۱۰)

علامه شیخ علی اکبر نهایندی رحمه الله در «العبقری الحسان» می گوید : من این دعا را چندین بار تجربه کرده ام و در استجابت و رسیدن به مقصود مؤثر دیدم . سپس سخن آیه الله عراقی در «دارالسلام» را نقل کرده است که آن به این شرح است :

آثار عجیبی از این دعا دیده ام و اولین اثر آن را در شهر تهران در سال ۱۲۶۶ مشاهده کردم . من در

منزل ملک التجار، مهمان حاج میرزا باقر امام جمعه بودم. ایشان از وطنش تبعید شده بود و از طرف حاکم اجازه نداشت به تبریز برگردد. من هر چند مهمان او بودم و تهیه خوردنی و آشامیدنی بر من لازم نبود اما به خاطر مخارج دیگر، چون غریب بودم و با اهل آنجا مأنوس نبودم قرض برایم امکان نداشت، و لذا به شدت در تنگدستی بودم.

یک روز با امام جمعه در صحن خانه نشستیم بودیم. من بلند شدم و به اتاق بالا برای استراحت و نماز رفتم. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر کتابی را در اتاق دیدم. آن را برداشتم و دیدم ترجمه جلد سیزدهم «بحار الأنوار» است که در احوالات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده است.

چون کتاب را باز کردم این دعا را در باب معجزات حضرت دیدم. با خود گفتم: آن را امتحان می کنم. پس بلند شدم، نماز خواندم و دعا کردم و سجده انجام دادم. سپس پیش شیخ رفتم و در کنارش نشستم که در این هنگام مردی با کاغذی در دست وارد شد و آن را به امام جمعه داد و پارچه سفیدی را در پیش او گذاشت.

امام جمعه بعد از خواندن نامه، آن را به همراه پارچه به من داد و گفت: این مال توست.

وقتی پارچه را باز کردم دیدم تاجر علی اصغر تبریزی بیست تومان در پارچه گذاشته و در نامه نوشته که به من برسانند. به زمان نوشتن نامه که نگاه کردم دیدم درست همان زمانی

است که از دعا فارغ شدم . تعجب کردم و در حالی که خدا را تسبیح می گفتم تبسمی کردم ، امام جمعه علت را از من پرسید و من داستان را برایش گفتم .

امام جمعه گفت : سبحان الله ؛ من هم این کار را به خاطر برطرف شدن مشکلم انجام می دهم .

به او گفتم : بلند شو و شتاب کن .

به اتاق رفت و پس از خواندن نماز ظهر و عصرش همان کارهایی را که من انجام داده بودم بجا آورد و زمانی نگذشت که حاکمی که او را به تهران احضار کرده بود برکنار شد و شاه از او معذرت خواهی کرد و او را با احترام به تبریز برگردانید و از آن پس ، این کار ذخیره ای برایم در گرفتاری ها بود و آثار عجیبی از آن مشاهده کردم .

سالی نیز در نجف ، بیماری وبا زیاد شده بود و بسیاری بر اثر آن جان خود را از دست دادند و مردم مضطرب و پریشان خاطر گشته بودند . چون این گونه دیدم از شهر بیرون رفته و این کار را انجام دادم و از خدا خواستم وبا را برطرف کند . سپس وارد شهر شدم و به کسی نگفتم چه کاری انجام داده ام . ولی به نزدیکانم خبر برطرف شدن وبا را دادم .

به من گفتند : از کجا می گویی؟ گفتم : مستند خود را در این گفتار به شما نمی گویم .

گفتند: فلانی و فلانی دیشب به وبا مبتلا شدند . گفتم : این طور نیست به طور حتم ، قبل از دیشب مبتلا شده بودند . و بعد از تحقیق درستی گفتارم ثابت

شد .

چندین بار دوستانم گرفتار سختی ها شدند و من این کار را به آنان یاد دادم و به سرعت مشکلاتشان رفع شد .

روزی در خانه یکی از دوستان بودم ، از گرفتاری و سختی حال او اطلاع پیدا کردم و این کار را به او یاد دادم و به خانه ام بازگشتم . بعد از زمان کوتاهی صدای کوبیدن درب را شنیدم و همان مرد به خانه من آمد و گفت : از برکت دعای فرج ، مشکلم رفع شد و مالی بدست آوردم ؛ چه مقدار نیاز داری تا به تو بدهم ؟

گفتم : من به برکت این دعا هیچ گونه احتیاجی ندارم ولی برایم ماجرایت را بگو .

گفت: جریان این بود که بعد از رفتن تو از خانه ام به حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شده و این کار را انجام دادم وقتی از حرم شریف بیرون آمدم مردی را ملاقات کردم و او به اندازه نیازم به من بخشید .

نماز استغاثه به امام زمان علیه السلام

خلاصه این که من اثر این کار را خیلی زود دیدم . اما فقط به کسی که در تنگنا و نیاز شدید باشد این دعا را یاد می دهم و خودم انجام نمی دهم مگر این که در چنین حالی باشم ؛ چون نامگذاری این دعا به دعای فرج توسط امام زمان صلوات الله علیه این مطلب را می رساند که در زمان شدت گرفتاری و در تنگنا اثر می کند . (۱۱)

۸ نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید علیخان رحمه الله در «الکلم الطیب» می گوید : این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه است ، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور ،

آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو :

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ سَلَامٌ كَامِلٌ وَتَمَامٌ وَشَامِلٌ وَعَامٌّ خَدَاوَنَدٌ، وَدُرُودَهَايْ هَمِيْشِكِي وَبَرَكَاتِ الْفَائِمَةِ التَّامَّةِ، عَلَي حُجَّهِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ پابنده و كامل خدا، بر حجت خدا و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او علی خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسَيْلَالِهِ النَّبِيِّ، وَبَيْتِهِ الْعَتَرَةِ وَالصَّفْوَةِ، بر آفریدگان او و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی مانده عترت و برگزیدگان، صاحب الزمان، وَمُظَهِّرِ الْإِيمَانِ، وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ حَضْرَتِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، و آشکار کننده ایمان، و آموزنده و تعلیم گر احکام قرآن، و پاک کننده اَرْضِ، وَنَاشِئِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّوْلِ وَالْعُرْضِ، وَالْحُجَّجِ الْقَائِمِ زَمِينِ، و نشر دهنده عدل در طول و عرض (جهان)، و حجت قائم المَهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُتَنْظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، مهدی، امام منتظر پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَيْمَةِ وَصِيِّ كِه فرزند اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان الهداه المعصومین. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُشْتَضِعِّينَ، هدایت گر معصوم است. سلام بر تو ای عَزَّتْ بَخْشِ مُؤْمَانِي كِه آن ها را ضعیف شمرده و به ناتوانی واداشته اند، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ. السَّلَامُ سَلَامٌ بَر تَوَاي خَوَار كَنَدِه كَافِرَانِ مُتَكَبِّرِ سَتَمَكْر؛ سلام عَلَيْكَ يَا مَوْلَايْ يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي زَنْبُولِ بَر تَوَاي مَوْلَايْ مِنْ اِي صَاحِبِ

الزمان ؛ سلام بر تو ای فرزند رسول الله ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ امیرِ الْمُؤْمِنِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ خدا ؛ سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان ؛ سلام بر تو ای فرزند فاطمه الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ الْأَئِمَّةِ فَاطِمَةَ زهرا بانوی زنان جهانیان ؛ سلام بر تو ای فرزند امامان الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِینَ وَالْإِمَامِ عَلَی الْمَخْلُقِ أَجْمَعِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ که حجت های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای تمام خلایق ؛ سلام بر تو یا مَوْلَایَ سَیِّدِ الْمَخْلِصِ لَبَّكَ فِي الْوِلَايَةِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ ای مولای من ؛ سلام کسی که در ولایت برای تو اخلاص دارد (تنها ولایت و محبت تو را دارد) . شهادت می دهم که همانا تو پیشوای الْمُهَيِّدِی قَوْلًا وَفِعْلًا ، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلُّهُ الْأَرْضُ قَبِيضًا وَعَدَدًا ، هدایت شده و هدایتگری از جهت گفتار و کردار ؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر خواهی کرد بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا ، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَكَ ، وَسَيَّرَ لَكَ مَخْرَجَكَ ، بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشد ؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند ، و خروجت را آسان و قَرِيبَ زَمَانِكَ ، وَكَثُرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ ، و زمان ظهورت را نزدیک نماید ، و باران و یاوران تو را زیاد گرداند ، و به آنچه به تو وعده داده است وفا فُهِوْ أَصْدَقُ الْقَائِلِینَ «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي كُنْ ، که او راستگوترین سخنگویان است (آنجا که می فرماید :) «می خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده اند الْأَرْضِ

وَنَجْعَلُهُمْ أُيْمَةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱۲). یا مَوْلایِ یا مَنّت گذاشته و ایشان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم». ای مولای من ای صاحبِ الزَّمانِ ، یا بَیْنَ رَسولِ اللَّهِ ، حاجتی کَذا و کَذا ، و به جای «کذا صاحب الزمان ، ای فرزند رسول خدا ؛ حاجتم چنین و چنان است ؛

و کذا» حاجت خود را ذکر نماید ، فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا ، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن ، که من ۱ . سوره قصص ، آیه ۵ .

إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ، لِعَلَّمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً ، وَمَقَامًا بِهِ شَمَا بَرای رفع حاجتم روی آورده ام ؛ چون می دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام مَحْمُودًا ، فَبِحَقِّ مَنْ اِخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ ، وَأَرْتَضَاكُمْ لِبِسْرِهِ ، وَبِالشَّأْنِ سَتُودَهُ است ؛ پس به حق آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای اسرار خود برگزید ، و به آن شأنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ ، سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي ، و مقامی که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما و اوست از خدا بخواهید که خواسته هایم را برآورده ساخته و اِجَابَهُ دَعْوَتِي ، وَكَشَفَ كُرْبَتِي .

و دعایم را مستجاب گرداند ، و اندوهم را برطرف سازد .

و هر چه دوست داری دعا کن و بخواه که ان شاء الله برآورده می شود . (۱۳)

علّامه شیخ محمود عراقی در کتاب «دار السلام» - که در آن جریان کسانی ذکر شده است که به ملاقات و عرض سلام خدمت امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب

شده اند - می فرماید: این عمل را خودم تجربه کرده و آثار عجیبی از آن مشاهده کرده ام، بعضی از علما از یاد دادن آن به ناهلان خودداری می کردند و از کارهایی بود که در گرفتاری های بزرگ آن را تجربه کرده بودند. (۱۴)

ایشان در «دار السلام» می فرماید: به نظر می رسد سوره «فتح» و «نصر» برای بعد از سوره «حمد» تعیین شده و فاضل معاصر آن را معین فرموده است؛ و بعید نیست که انجام این عمل در نیمه شب معین شده باشد؛ چون راوی در آن وقت مأمور به انجام شده بود و اطلاقی در کلام نیست تا غیر آن وقت را هم شامل شود، لذا قدر متیقن و آن وقت حتمی و یقینی همان نیمه شب است.

فاضل معاصر از قول کفعمی رحمه الله قبل از نماز و زیارت علاوه بر تعیین این دو سوره، غسل را نیز افزوده است، هر چند در کتاب «مصباح الزائر» سوره معین نشده است.

بنابراین، آنچه از فرمایشات این بزرگواران ظاهر می شود این است که تعیین سوره ها و تعیین وقت گرچه اقوی نیست ولی به احتیاط نزدیک تر می باشد و انجام دادن غسل شرط نشده گرچه آن هم مطابق با احتیاط است. ۳.

۹ نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید جلیل القدر علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: ابو محمد صیمری گفته است: ابو عبدالله احمد بن عبدالله بجلی با سندی که آن را به ائمه علیهم السلام رسانده، گفته است:

... اگر کسی بتواند علاوه بر نمازهای پنجگانه و نوافل، نماز دیگری بخواند (هر چند هر روز دو رکعت باشد) و آن را به

یکی از ائمه علیهم السلام هدیه کند . شروع این نماز در رکعت اول مانند شروع نماز واجب با هفت ، یا سه و یا یک تکبیر است و بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت سه بار بگوید : «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ» ؛ (درود خداوند بر محمد و آل پاک و پاکیزه او باد) ، و چون تشهد خواند و سلام داد (بعد از نمازی که به امام زمان ارواحنا فداه هدیه می کند) بگوید :

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ بَارِخِداوندا ؛ تو سلامی (ماه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست ؛ ای صاحب بزرگی و احترام ؛ درود فرست علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ ، وَأُيَلِّغُهُمْ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا كَانَ وَبِأَكْبَرِ الْغَنِّ وَبِأَكْبَرِ الْغَنِّ وَبِأَكْبَرِ الْغَنِّ وَبِأَكْبَرِ الْغَنِّ ، وَبِهِتَرِينَ سِلَامٍ وَتَحِيَّتٍ مِنْي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّتُهُ مِنْ بِيْهَ إِشَانِ بَرَسَانِ . خدایا ؛ همانا این دو رکعت هدیه ای است مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَوَلِيِّكَ سَبْطِ نَبِيِّكَ فِيْ أَزْمِنِ بَرَا بِنْدَةَ أَتِ وَفَرْزَنْدِ بِنْدَةَ أَتِ وَوَلِيِّ تَوْ وَفَرْزَنْدِ وَوَلِيِّ تَوْ ، نُوهُ بِيَامْبِرِ وَفَرَسْتَادَةُ أَتِ دَرِ أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، يَا وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ . (۱۵)

اهداء نماز به امام زمان عليه السلام ...

مؤمنان ، ای سرپرست مؤمنان .

۱ . جمال الأسبوع : ۲۹ .

•اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنجشنبه

شیخ طوسی رحمه

الله در کتاب «مصباح کبیر» خود می گوید: روایت شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیها السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنج شنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فداه هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ ، وَمِنْكَ السَّلَامُ ، وَإِلَيْكَ يَعُوذُ السَّلَامُ ، حَيَّنَا بَارِ خَدَاوَنَدَا ؛ تُو سَلَامِي (مايه سلامت و آرامش و ايمنی هستی) و سلام از جانب توست ، و به سوی تو باز می گردد . رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ .
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّتُهُ مِنِّي اِلَى پروردگارا ؛ سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن . خداوندا ؛ این چند رکعت نماز ، هدیه ای است از من به اَلْحُسَيْنِ بْنِ اَلْحَسَنِ (۱۶) ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ،
وَبَلِّغْهُ اِيَّاهَا، حَجَّتْ بِنِ الْحَسَنِ، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و این

هدیه را به او برسان و اَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ ، وَفِي رَسُوْلِكَ صِلُوْا تُنْكُ و به من فزون تر از آرزو و اُمیدی که در مورد تو و رسولت - که رحمت و درود تو ۱ . نام امامی را که نماز را به او هدیه می کنی بگو .

عَلَيْهِ وَ اِلَهٍ [وَفِيهِ] . و هر چه دوست داری طلب کن و دعا کن . (۱۷)

بر او و آل او باد - [او در مورد حجتت] دارم ، عطا فرما .

انماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب های پنج شنبه و جمعه

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است : عالم جلیل القدر سید حسین همدانی نجفی رحمه الله به من فرمود :

هر کس حاجتی دارد ، شب پنج شنبه و جمعه در زیر آسمان با سر و پای برهنه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و ۵۹۵ مرتبه بگوید : « يا حَيُّهُ الْقَائِمُ » .

سپس به سجده رفته و در سجده هفتاد مرتبه بگوید : « يا صَاحِبَ الزَّمانِ اَعْثِنِي » ؛ (یا صاحب الزمان به فریادم برس) ، و آن گاه حاجتش را بخواهد .

این نماز در مورد حاجت های مهم تجربه شده و اگر در هفته اول حاجتش برآورده نشد هفته بعد آن را بخواند و اگر باز هم برآورده نشد در هفته سوم نماز را بخواند که به طور حتم حاجتش برآورده خواهد شد .

سید محمد علی جواهری حایری به من فرمودند : برای حاجتی این نماز را خواندم و در همان شب در عالم خواب حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و حاجت خود را به ایشان عرضه کردم و خداوند به برکت آن حضرت ، حاجتم را برآورده

ساخت .

نماز امام زمان علیه السلام در شب جمعه

و نیز فرموده اند که : من خود این نماز را تجربه کرده ام . (۱۸)

۱۲ نماز استغاثه به نحو دیگر

همین نماز را صدر الإسلام همدانی رحمه الله در کتاب ارزشمندش «تکالیف الأنام فی غیبه الامام» با کیفیت دیگری آورده است:

ایشان از سید مورد اعتماد ، استاد و عالم ربّانی ، حکیم صمدانی ، فقیه و مجتهد کامل سید محمّد هندی نجفی رحمه الله و او از عالم بزرگوار سید حسن قزوینی ، و او از سید حسین شوشتری - امام جماعت - با سند خود از سید علیخان - شارح صحیفه سجّادیه - نقل کرده اند :

در شب پنجشنبه یا شب جمعه دو رکعت نماز در زیر آسمان و بر بالای بام با سر برهنه می خوانی و بعد از نماز با سر برهنه «یا حُجَّه الْقَائِمُ» به تعداد عدد اُبعْدش یعنی ۵۹۵ مرتبه می گویی که تجربه شده است .

و بدان که عددش «۱۰» ی (۱ +) (۸ +) ح (۳ +) ج (۴۰۰ +) ه (۱ +) (۳۰ +) ل (۱۰۰ +) ق (۱ +) (۱ +) ئ (۴۰ +) م «است که مجموع آن ۵۹۵ می شود . ایشان فرموده اند: این عمل را (از غیر اهلش) مخفی بدار، چون از اسرار است و من آن را چند بار تجربه کرده ام . (۱۹)

۱۳ نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید : در کتاب «کنوز النجاج» نوشته ابو علی فضل بن حسن طبرسی رضی الله عنه آمده است : احمد بن دربی از خزامه و او از ابی عبدالله حسین بن محمّد بزوفری روایت کرده است که از ناحیه مقدّسه وارد شده است :

هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند . در رکعت اول سوره حمد را

بخواند تا برسد به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند . سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام ، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید .

رکعت دوّم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعایی را که ذکر می شود بخواند ، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد برآورده می کند ؛ مگر آن که قطع صله رحم را خواسته باشد .

و دعا (چنین است) :

اللَّهُمَّ إِنَّ أَطْعَمَكَ فَأَلْمَحَمَدَهُ لَكَ ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجْجَةُ لَكَ ، خداوندا ؛ اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم حجت و دلیل تو بر من تمام است ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ ، سُيُجَانٌ مَنْ أَنْعَمَ وَشَدَّكَرٌ ، سُيُجَانٌ مَنْ آسَأَشِيسَ وَ رَاحَتِي وَ حَلَّ مَشْكَلَاتِ اِز نَاحِيَةِ تَوَسْت ، پاك و منزّه است کسی که نعمت داد و شکر گزارد ، پاك و منزّه است کسی که قدر و غفر . اللَّهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي قَدْرَتِ دَاشْت وَ بَخْشِيد . خداوندا ؛ اگر معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَ لَدَا ، وَ لَمْ مَحْبُوبِ تَرِينِ جِيزَهَا نَزْدُ تُو كِه اِيْمَانِ بِه تَوَسْت ، تُو رَا اِطَاعَتِ كَرْدِه اِم ؛ فَرْزَنْدِي بَرَايِ تُو نَكْرَفْتَم ؛ وَ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا ، مَنَّا مِنْكَ بِه عَلَيَّ لَا مَنَّا مِنِّي بِه عَلَيْكَ ، وَقَدْ شَرِيكِي بَرَايْتِ نَخَوَانْدَم ؛ وَ اِيْن هَا مَتِّي

از تو بر من است نه منی باشد از من بر تو؛ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ خَدَائِ مِنْ؛ تو را نافرمانی کردم نه از روی گردنکشی و نه برای خارج شدن از عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلْنِي مَرْتَبَةَ بِنْدَگِي تُو، وَنَهَ بَرَاءِي انْكَارِ رُبُوبِيَّتِ تُو؛ بَلَكَهَ از هَوَايِ نَفْسَمِ بِيروِي كَرْدَمِ وَ الشَّيْطَانُ، فَلَبَّكَ الْحَجَّهَ عَلَيَّ وَالْبَيَانَ، فَإِنْ تُعِدُّبْنِي فَبِعَدُّوبِي غَيْرِ شَيْطَانٍ مَرَا دِجَارِ لَغْزَشِ سَاخْتِ؛ پَسِ حَجَّتِ وَ بِيَانِ تُو بَرِ مِنْ تَمَامِ اسْتِ، پَسِ اِگَرِ عَذَابِمِ كُنِي بِهَ خَاطِرِ گَنَاهَانِمِ مِي بَاشَدِ وَ تُو ظَالِمِ، وَ إِنْ تُعْفِزْ لِي وَتَزَحْمَنِي، فَإِنَّكَ جَوَادُّ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ يَا سَتَمَكِرُ نَيْسَتِي وَ اِگَرِ مَرَا بِيَا مَرِزِي وَ تَرَحِمِ نَمَايِي هَمَانَا تُو بَخْشَنَدَهَ بَزَرْگَوَارِي، اِي بَزَرْگَوَارِ اِي كَرِيمُ، اَيْنِ كَلِمَهَ رَا بِهَ قَدَرِ يَكِ نَفْسِ تَكَرَّارِ كَنَدُ، سَبَسِ بَكُوَيْدِ: يَا اِيْمَانًا مِنْ كُلِّ بَزَرْگَوَارِ، اِي اَنِ كَهَ از هَرِ چيزِي اِيْمَنِ شَيْءٌ، وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَقْنِيكَ مِنْ كُلِّ هَسْتِي، وَ هَمَهَ از تُو تَرَسَانِ وَ بِيْمَنَا كَنَدُ؛ از تُو مِي خَوَاهَمِ بِهَ اِمْتِيَّتِ وَ اِمَانِ تُو از هَرِ شَيْءٍ، وَ خَوْفٌ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصِيَلَنِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اِلِ چيزِ وَ تَرَسِ هَرِ چيزِ از تُو، كَهَ بَرِ مَحْتَرِدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِي مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي، وَسَائِرِ مَا وَ بِهَ مِنْ دَرِ مَوْرِدِ خَوْدَمِ وَ خَاوَانَدَهَ وَ فَرَزَنْدَانِمِ وَ دِيگَرِ نَعْمَتِ هَايِي كَهَ بِهَ مِنْ دَاَدَهَ اِي اَنْعَمْتَ بِهَ عَلَيَّ، حَتَّى لَا

أَخَافُ أَحَدًا، وَلَا أُخِذَرُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ، وَأَسْأَلُكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَشِيئَتِنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِي هَمَانَا تُو بَر هَر كَارِي قَادِر وَتَوَانِي. وَخَدَاوَنَد، مَا رَا بَس اسْت وَ اُو خُوب وَ كِيلِي اسْت. اِي كَفَايْت كَنَنَدِه اِبْرَاهِيمَ نُفْرُوْدَ، يَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ اَز شَرِّ نَمْرُوْدَ، وَ اِي كَفَايْت كَنَنَدِه مُوسَى اَز شَرِّ فِرْعَوْنَ، اَز تُو مِي خُوَاهَم كِه بِر مُحَمَّدٍ وَ اِل مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُكْفِيَنِي شَرِّ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ.

محمد و آل محمد درود بفرستی و مرا از شرّ «فلانی فرزند فلانی» کفایت کنی .

پس به خواست خدا، دعا کننده از شرّ کسی که از او می ترسد در امان خواهد بود . آن گاه سجده کرده و حاجتش را می طلبد و به سوی خدا تضرّع و ناله می کند .

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص نیت دعا کند مگر این که برای او درهای آسمان برای اجابت باز شده و در همان وقت و همان شب هر که باشد دعایش اجابت می شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم است . (۲۰)

۱۴ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

نمازی که ذکر شد در کتاب «نجم الثاقب» از کتاب سید فضل الله راوندی به عنوان نماز مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نقل شده و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام ذکر شده است . دعای دیگری بعد از نماز گفته نشده

و زمان خاصی برای آن معین نشده است. (۲۱)

۱۵ نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

ابوالعباس احمد بن علی بن نوح رحمه الله می گوید: ابو احمد محسن بن عبدالحکم سجری به من فرمود و من از اصل کتابش نوشتم که در کتاب ابی نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هشتم نوشته شده که این نماز از ابوالقاسم حسین بن روح قدس سره نقل شده است:

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب، دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره «حمد» را با هر سوره ای که توانست می خواند و بعد از هر دو رکعت سلام می دهد و این دعا را می خواند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، سَتَائِشِ خِدَائِي رَا كِه فَزَنْدِي نَكْرَفْتِه وَ شَرِيكِي دَر مَلِكْ وَ سَلْطَنَتِ نَدَارِد، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَثِيرُهُ تَكْبِيرًا، يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي، وَ بَرَايِشِ سَرِپَرَسْتِ وَ يَاوَرِي اَز جِهْتِ خَوَارِي وَ ذَلَّتْ نَمِي بَاشَد، وَ اَوْرَا بَه عِظْمَتِ وَ بَزْرُگِي يَاد كُن. اِي سَازِ وَ بَرِگِ مَن دَر مَدَّتِ زَنْدِگِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شَيْدَتِي، وَيَا وَايِي فِي نِعْمَتِي، يَا غِيَاثِي فِي وَايِ هَمْدَمِ مَن دَر سَخْتِي وَ گَرَفْتَارِيم، وَ اِي سَرِپَرَسْتِ مَن دَر نِعْمَتِ، اِي فَرِيَادِرْسِ مَن دَر هَر ۱. مَكْيَالِ الْمَكَارِمِ: ۴۱۱/۲.

رَغْبَتِي، يَا مُجِيبِي فِي حَاجَتِي، يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، يَا كَالِئِي نِيَازِم، اِي اِجَابَتِ گَرِ مَن دَر دَرخَوَاسْتِ مَن، اِي حَافِظِ مَن دَر غِيَابِ مَن، اِي نَكْهَدَارِ مَن فِي وَخْدَتِي، يَا اُنْسِي فِي وَخْشَتِي. اَنْتَ

السَّائِرُ عَوْرَتِي ، فَلَكَ در تنهایی من ، ای مونس من در وحشت من . تنها تو پوشاننده زشتی های من هستی ؛ پس الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي ، فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ الْمُتَقَسُّ سَتَائِشِ تو از لغزش هایم در می گذاری ؛ پس حمد ، تنها سزاوار توست ، و تنها تو برطرف کننده صِرْعَتِي ، فَلَكَ الْحَمْدُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَشْتَرُ زَمِينِ افْتَادَنِي هَسْتِي . پس حمد تنها سزاوار توست ، بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد درود بفرست و عَوْرَتِي ، وَآمِنُ رَوْعَتِي ، وَأَقْلَبِي عَثْرَتِي ، وَاصْرِفْ عَنِّي جُزْمِي ، عِيُوبَ مَرَا بِيُوشَانِ ، وَ مَرَا از ترس ایمنی بخش ، و از لغزشم در گذر ، و از جرمم چشم پوشی کن ، وَتَجَاوَزْ عَنِّي سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدِّ الصَّدَقِ الَّذِي وَازِ گناهانم در گذر و در میان اهل بهشت که وعده صدق به كانوا يُوعَدُونَ .

آنان دادند) مرا داخل گردان(.

وقتی از نماز فارغ شدی و دعا را تمام کردی ، هر کدام از سوره های «حمد» ، « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ، « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » ، « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » ، « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » ، « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ » و «آیه الکرسی» را هفت مرتبه می خوانی ، سپس هفت مرتبه می گویی :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر و منزّه است و جنبشی و نیرویی نیست مگر به سبب خدا . و هفت بار نیز می گویی :

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا. خدا، خدا پروردگار من است، به او چیزی را شریک نسازم.

و بعد در مورد هر چه دوست داری دعا می کنی. (۲۲)

۱۶ نماز شب نیمه ماه شعبان

ابو یحییٰ صنعانی و سی نفر از افراد مورد اعتماد، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده اند که آن دو بزرگوار فرمودند:

هر گاه شب نیمه شعبان شد چهار رکعت نماز، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» صد مرتبه می خوانی، و چون نماز تمام شد، می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُشْتَجِرٌ. اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ خِدَاوَنَدَا؛ مِنْ فَقِيرٍ وَ مُحْتَاكِمٍ وَ مِنْ عَذَابِكَ تَرَسَانٌ وَ بِه تُو پناهنده ام . خداوندا؛ نامم را (با نام دیگری) عوض مکن، اشیعی، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُجْهِدْ بِلَاغِي، وَلَا تُشْمِتْ بِي وَ بَدَنِي را دگرگون مساز، و بلایم را سخت مگردان، و دشمنانم را سرزنش کننده من قرار مده . اَعِيدْ آتِي، اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَ اَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، از کيفرت به بخشش پناه می برم، و از عذابت به رحمت پناه می برم وَ اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ، أَنْتَ وَ از خشم تو به خشنودیت پناه می برم و از تو به خودت پناه می برم، ستایش تو والاست؛ تو، كَمَا أَنْثَيْتَ عَلَي نَفْسِيكَ وَ وَفَّقَ مَا يَقُولُ الْفَالِقُونَ. (۲۳)

آن چنانی که خودت خود را ستوده ای و برتر از گفتار گویندگانی.

نماز دیگر در شب نیمه شعبان

۱۷ نماز دیگر در شب نیمه شعبان

ابو یحییٰ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، حضرت فرمودند:

شب نیمه شعبان بعد از شب قدر، برترین و بافضیلت ترین شب ها است. در این شب خدا فضل و رحمتش را

شامل حال بندگانش می گرداند و ایشان را به بزرگواری خود می بخشد . در این شب سعی کنید به خدا تقرب جوید .

زیرا شبی است که خداوند بر خود لازم کرده و قسم یاد نموده که هیچ درخواست کننده ای را رد نکند مگر این که درخواست معصیت و حرامی بکند . و شبی است که خدا در عوض شب قدر که برای پیغمبرمان صلی الله علیه و آله وسلم قرار داد ، آن را برای ما اهل بیت قرار داده است .

پس در دعا و ستایش خدا تلاش کنید ؛ زیرا هر کس در این شب صد مرتبه خدا را تسبیح نموده یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را ستایش نموده یعنی «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را به بزرگی یاد کرده یعنی «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید ، خداوند گناهان گذشته اش را می بخشد و از حاجات دنیا و آخرت آنچه را بخواهد ، و آنچه نیازمند آن باشد - هر چند آن را نخواهد - خداوند به خاطر بزرگواری و رحمتش بر بندگان ، آن ها را برآورده می سازد .

ابو یحیی می گوید : به سرورم امام صادق علیه السلام عرض کردم : بهترین دعا در این شب چیست ؟ حضرت فرمودند :

هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی دو رکعت نماز بخوان . در رکعت اول بعد از سوره حمد ، یک مرتبه سوره «جحد» یعنی «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد ، یک مرتبه سوره «توحید» را بخوان . وقتی سلام دادی سی و سه مرتبه : «سُبْحَانَ اللَّهِ» ، و سی و سه مرتبه

: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، و سی و چهار مرتبه : «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو ، و سپس این دعا را بخوان :

يا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهَيَّمَاتِ ، وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي أَيِّ كَسِيٍّ كَانَتْ بِنَاهُغَاهُ بِنْدِ الْبَدَائِدِ ، وَتَحْتِهَا فِي سَوِيٍّ أَوْ اسْتِ ، وَ مَخْلُوقَاتِ دَرِ بِلَا وَ مَصِيبَاتِ بِهٖ أَوْ بِنَاهُ مِي بَرِنْد ؛ الْمَلِيَمَاتِ ، يَا عَالَمِ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ أَيُّ دَانَايِ هَرِ چِهْ أَشْكَارِ وَ پَنَهَانِ اسْتِ ، أَيِ كَسِيٍّ كِهْ خَطُورِ فِكْرِ وَ اَنْدِشِهٖ هَا وَ رَفْتِ وَ آمَدِ خَوَاطِرِ الْأَوْهَامِ وَ تَصَرُّفِ الْخَطَرَاتِ ، يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ ، خِيَالَاتِ وَ خَاطِرَاتِ بَرِ اَوْ پَنَهَانِ نِيسْتِ ؛ أَيِ پَرُودِ گَارِ خَلَائِقِ وَ آفَرِيدِ گَانِ ؛ يَا مَنْ فِي يَدَيْهِ مَلَكُوتُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَيِ كَسِيٍّ كِهْ مَلَكُوتِ زَمِينِ هَا وَ آسْمَانِ هَا بِهٖ دَسْتِ قَدْرَتِ اَوْسْتِ ؛ تُوْ أَنْ خَدَايِي هَسْتِي كِهْ جَزِ تُوْ خَدَايِي أَنْتَ ، أَمْتُ إِلَيْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، فَبِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، اِجْعَلْنِي فِي نِيسْتِ ؛ مِنْ بِهٖ وَسِيلِهٖ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تُوْ رَا قَصْدِ مِي كِنَمِ وَ بِهٖ تُوْ رُوِي مِي آوَرَمِ ، پَسِ بِهٖ خَاطِرِ اَيْنِ كِهْ اِعْتِقَادِ دَارَمِ جَزِ تُوْ خَدَايِي نِيسْتِ ، هَذِهِ اللَّيْلَةَ مِمَّنْ نَظَرَتْ إِلَيْهِ فَرَجَمَتْهُ ، وَسَمِعَتْ دُعَاءَهُ فَأَجَبَتْهُ ، دَرِ اَيْنِ شَبِّ مَرَا اَزِ كَسَانِي قَرَارِ بَدِهٖ كِهْ نَظَرِ لَطْفِ بِهٖ اَوْ كَرْدِهٖ پَسِ بِهٖ حَالِشِ تَرْحَمِ فَرْمُودِهٖ أَيِ وَ دَعَايِشِ رَا شَنِيدِهٖ پَسِ اَنْ رَا اِجَابَتْ وَ عَلِمَتْ اِسْتِقَالَتَهُ فَأَقْلَبْتَهُ ، وَتَجَاوَزَتْ عَنْ سَالِبِ خَطِيئَتِي ، وَعَظِيمِ كَرْدِهٖ أَيِ ، وَ دَرِخَوَاسَتِ گَزْدَشْتِ اَوْ رَا دَانَسْتِهٖ پَسِ اَزِ اَوْ دَرِگَزْدَشْتِي ، وَ اَزِ خَطَايِ گَزْدَشْتِهٖ وَ گَنَاهَانِ بَزْرُگِ اَوْ

گذشت کردی . جریزیه ، فَصِدِ اشْتِجِرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي ، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سِرِّهِمْ مِنْ أَزْ غَنَاهُمْ بِه تُو پناه آورده ام و برای پوشاندن زشتی هایم به تو پناهنده گشتم . عُبُوبِي . اللَّهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ ، وَاخْطُطْ خَطَايَايَ اِي خُدا ؛ تُو به فَضْل و كَرَمَت بر من بخشش و احسان فرما و با بردباری و عَفْوَت گناهانم بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ ، وَتَعَمَّدَنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ ، رَا بَرِيْز و مرا در اين شب با كَرَامَت و بزرگواری فراوانت غرق احسانت نما . وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِبَطَاعَتِكَ ، وَاخْتَرْتَهُمْ و مرا در اين شب از دوستانت قرار بده كه آن ها را براي فرمان برداری از خودت برگزیدی ، لِعِبَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصِيَّتَكَ وَصِدْقَتَكَ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَعْنُ و برای عبادت انتخاب فرمودی و از خالصان و خالصان خود قرار دادی . خداوندا ؛ مرا از آنان قرار بده كه سَعَدَ جَدُّهُ ، وَتَوَفَّرَ مِنْ الْخَيْرَاتِ حُطُّهُ ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سِيلِمَ قَلْبَهُمْ مِنْ كُوشَشِ خُودِ بَه سَعَادَتِ رَسِيدَتِ و از خیرات و خوبی ها بهره كامل بردند ؛ و از آنان كه در زندگي سالم ماندند پس منتعم گردیدند وَفَارَ فَعِيمَ ، وَكُفِي سِرِّ مَا أَشْلَفْتُ ، وَاعْتَمَنِي مِنَ الْإِزْدِيَادِ فِي و پیروز گشتند پس غنیمت یافتند ؛ و مرا از شر کارهای گذشته ام کفایت فرما و از این كه در آینده بر نافرمانی تو بیفزایم حَفِظَ مَعْصِيَّتِكَ ، وَحَبَّبَ إِلَيَّ طَاعَتَكَ وَما يُفَرِّقُنِي مِنْكَ وَيُزِيلُنِي عَنْكَ . فرما، و فرمان برداری از خودت را و آن چه را باعث نزدیک شدن به حضرت توست و به من نزد تو منزلت می دهد محبوب من

گردان. سَيِّدِي إِلَيْكَ يَلْبِجُ الْهَارِبُ ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ ، وَعَلَىٰ آقَايِ مِنْ ؛ گریختگان به سوی تو پناهنده می شوند و جویندگان به درگاه تو التماس می کنند ، و کَرِيمِكَ يُعْوَلُ الْمُسْتَقِيلُ النَّائِبُ ، أَدْبَتْ بِإِلْتِكْرِكَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ آتَانِ كَه طَلَبِ غَدَشْتِ مِي كَنَنْد و توبه كار شدند اعتمادشان بر كرم توست ؛ تو بندگان را با رفتار بزرگوانه ات در حالي كه بزرگوارترين الأَكْرَمِينَ ، وَأَمَرْتِ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتِ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ . اللَّهُمَّ كَرِيمَانَ هَسْتِي ، أَدَبِ كَرْدِي ؛ و به بندگان دستور بخشش دادی در حالي كه خودت بخشنده و مهربانی . فَلَا تُخْرِئْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرِيمِكَ ، وَلَا تُؤْبِشْنِي مِنْ سَابِغِ نَعِيمِكَ ، اِي خدا؛ مرا از اميدي كه به بزرگواری ات دارم محروم مكن ، و از نعمت فراگير و فراوانت نااميد مگردان ، وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ خَزَائِلِ قَسَمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ ، و از قسمت های بزرگت برای فرمان بردارانت در این شب مرا هم ناکام مساز ، وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ سِتْرَارِ بَرِيَّتِكَ . رَبِّ ، إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ وَمَا مِنْ أَفْرِيدِ كَانِ شُرُورٍ وَبَدِ رِفْتَارِ فِي حَفِظِ خُودِ بَدَارٍ . بَارِپُورِدِ كَارَا ؛ اگر من قابل آنچه درخواست کردم نیستم ، ذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكِرْمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ ، وَجَدُّ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ لِي كِنِ تُوَاهِلِ بزرگواری و بخشش و آمرزشی ؛ بر من به آنچه سزاوار مقام توست کرامت فرما أَهْلُهُ لَا بِمَا أَشْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ ، وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ ، نِه آنچه شایسته من است؛ چون به تو خوش گمان بوده و امیدم به سوی توست ، وَعَلَيْتَ نَفْسِي بِكَرْمِكَ ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ . و جانم به کرامت بسته است؟

چون عقیده دارم که تو مهربان ترین مهربانان و بزرگوارترین بزرگواران هستی . **اللَّهُمَّ وَأَخْضِرْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قَبِيحِكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ بَارِهَا ؛** مرا از راه بزرگواری ات به قسمت های بزرگ خویش مخصوص گردان ، من از کيفرت به بخشش تو پناه می برم . **عُقُوبَتِكَ ، وَأَعْفِزْ لِي الدُّنْبَ الَّذِي يَخْبِسُ عَلَيَّ الخُلُقَ ، وَيُضَيِّقُ آن دسته از گناهان مرا ببخش که خوی و سرشت را بر من محبوس و روزی را عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ ، وَأَتَعَمَّ بِجَزِيلِ عَطَايَتِكَ ،** بر من تنگ می سازد ، تا به خشنودی نیکوی تو پردازم و با بخشش بزرگت بهره مند شوم **وَأَسْرِعْ بِسَائِغِ نِعْمَاتِكَ ، فَقَدْ لُبَدْتُ بِخَيْرِكَ ، وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ ،** و به نعمت های فراوانت نیک بخت کردم ؛ زیرا ، من به حریم قدس تو پناه آورده و خود را در معرض بزرگواری ات درآورده ام؛ **وَأَسْتَعِذُّ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ ، فَجِدْ بِنَا و از کيفر و مجازات به بخشش و از خشمت به بردباری ات پناه جسته ام ؛ پس مرا آن چه خواستم عطا فرما سَأَلْتُكَ ، وَأَنْلِ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ ، أَسْأَلُكَ لَا يَشِيءُ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ .** و به آن چه از تو التماس نموده ام برسان ، من از تو چیزی را می خواهم که از تو بزرگ تر نیست .

سپس به سجده می روی و بیست مرتبه : **« يَا رَبُّ »** ، هفت مرتبه : **« يَا اللَّهُ »** ، هفت مرتبه : **« لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ »** ، و ده مرتبه : **« مَا شَاءَ اللَّهُ »** ، و ده مرتبه : **« لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ »** گفته و بر پیامبر و آل پیامبر علیهم السلام صلوات می فرستی و از خدا

حاجت را می طلبي .

به خدا سوگند ؛ اگر به تعداد قطرات باران از خدا حاجت بطلبي ، از بزرگواری و فضلش تو را به حاجات می رساند . (۲۴)

مؤلف می گوید : چهار رکعت نماز وارد شده که در ظهر روز عاشورا خوانده می شود و بعد از نماز ، دعایی قرائت می شود که به مناسبت دعاهای هر ماه آن را در بخش ادعیه ماه ها ص ۲۷۱ بیان می کنیم . و نیز در بخش یازدهم ، نمازی را برای وسعت رزق ، از جناب محمد بن عثمان قدس سره نقل می کنیم .

.....(Anotates).....

(۱) دعوات راوندی : ۸۹ .

(۲)

(۳) لا إله إلا الله يا «لا إله إلا الله وَخَدَهُ وَخَدَهُ» .

(۴) جَنَّهُ الْمَأْوَى : ۲۳۱ .

(۵) نعمانیة : شهری بین واسط و بغداد در کشور عراق است .

(۶) جَنَّهُ الْمَأْوَى : ۲۷۰ .

(۷) جَنَّتِ الْخُلُود : ۴۱ .

(۸) گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری رحمه الله داشته اند و اجابت شده است .

زهری می گوید : خیلی می خواستم امام زمان ارواحنا فداه را ببینم ، حتی در این راه مال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحنا فداه را به من نشان بدهد .

گفت : این کار ممکن نیست ؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت : فردا صبح بیا . صبح فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبویی همراه او بود و در آستینش

چیزی داشت که او را به شکل تجار نشان می داد.

چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم ، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان بروم ، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سؤالاتی پرسیدم که هر چه پرسیدم جواب داد ، سپس خواست داخل خانه ای شود که به آن اعتنایی نمی شد .

شیخ عمری گفت : اگر می خواهی از او سؤال کنی بپرس که بعد از این او را نخواهی دید . (الإحتجاج : ۲۹۷/۲) .

(۹) بحار الأنوار : ۱۷۴/۵۳ . و زیارت را به طور کامل - إن شاء الله - در باب زیارات ذکر خواهیم کرد .

(۱۰) تبصره الولی : ۱۹۲ ، بحار الأنوار : ۳۴۹/۹۱ ، دلائل الإمامه : ۵۵۱ .

(۱۱) العبقری الحسان : ۱۲۹/۱ المسک الأذفر و دار السلام عراقی : ۱۹۲ با اندکی تصرف در عبارات .

(۱۲)

(۱۳) مفاتیح الجنان : ۲۴۳ ، به نقل از الکلم الطیب : ۸۳ .

(۱۴) التحفه الرضویه : ۳ . ۱۳۴ . دار السلام عراقی : ۱۹۷ .

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷) جمال الأسبوع : ۳۴ ، دعوات راوندی : ۱۰۸ ، مصباح المتهجد : ۳۲۲ .

(۱۸) التحفه الرضویه : ۱۳۵ .

(۱۹) تکالیف الأنام فی غیبه الإمام : ۲۵۱ .

(۲۰) مهج الدعوات : ۳۵۱ ، المصباح : ۵۲۲ با اندکی تفاوت .

(۲۱)

(۲۲) إقبال الأعمال : ۱۸۱ .

(۲۳) مصباح المتهجد : ۸۳۰ .

(۲۴) مصباح المتهجد : ۸۳۱ .

بخش دوم: دعاهای قنوت

دعا برای ظهور...در قنوت نمازها

ادعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در قنوت نمازها

شهید اول قدس سره در کتاب «ذکری» می گوید : ابن ابی عقیل ، این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَّصْتَ الْإِبْصَارَ، وَثَقَلْتَ الْأَقْدَامَ، وَرَفَعْتَ الْأَيْدِيَ، بَارِهَا؛ جِشَمَ هَا، بَه تُو دُوخْتَه شُدَه اسْت، گَام هَا بَه سُوِي تُو بَرْدَاشْتَه شُدَه، دَسْت هَا بَه سُوِي تُو بَالَا آمَدَه، وَمَدَدْتَ الْأَعْنَاقَ، وَأَنْتَ دُعَيْتَ بِاللُّسْنِ، وَإِلَيْكَ سَبَّحُوهُمْ وَنَجَّوهُمْ كَرْدَن هَا بَه سُوِي تُو كَشِيْدَه شُدَه اسْت. تُوِي كِه بَا زَبَان هَا، فِرَاخُوَانْدَه مِي شُوِي؛ وَ كَارَهَاي بِنَهَانِي وَ رَازَهَاي (مَرْدَم) فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ بَه طَرَف تُوَسْت؛ پَرُوْرْد گَارَا؛ بَيْن مَا وَ قَوْم مَا بَه حَق حَكْم كَن، كِه تُو بَهْتَرِيْن الْفَاتِحِيْن. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَقَلَّةَ عِبَادِنَا، وَكَثْرَةَ حَكْم كُنْدَه وَ قَضَاوَت كُنْدَه هَسْتِي. بَارِهَا؛ اَز عَدَم حَضُوْر پِيَامْبِرْمَا، كَمِي نَفْرَات مَان، فِرَاوَانِي عَدُوْنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَوُقُوْعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرُجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ دَشْمَنَانِمَا، پَشْتِيْبَانِي دَشْمَنَانِمَا اَز يَكْدِيْگَر عَلِيَه مَا وَ وَجُوْد فَتْنَه هَاي فِرَاوَان بَرَاي مَا؛ بَه تُو شَكَايَت مِي كُنِيْم. بَارِهَا؛ بَا عَدَالْتِي كِه آشْكَارَش مِي كَنِي، وَ بِيْعْدِلُ تَظْهَرُهُ، وَ إِمَام حَقَّ تَعْرَفُهُ، إِلَه الْحَقِّ امِيْن رَبِّ الْعَالَمِيْن. اِمَام وَ پِيَشُوَاي رَاَسْتِيْنِي كِه بَه هَمْگَا مَعْرُفِي مِي كَنِي، اِيْن گِرْفَتَارِي هَا رَا بَرطَرَف كَن وَ گَشَايَشِي فَرْمَا؛ اِي مَعْبُوْد بَه حَقِّ، اِجَابَت كَن؛ اِي پَرُوْرْد گَار جِهَانِيَان. وِي مِي اَفزَايِد: رُوَايَتِي بَه مَن رَسِيْدَه اسْت كِه اِمَام صَادَق عَلِيَه السَّلَام هَمُوَارَه بَه شِيْعِيَان خُوْد دَسْتُوْر مِي فَرْمُوْدَنْد پَس اَز كَلِمَات فَرَج، دَر قَنُوْت اِيْن دَعَا رَا بَخُوَانْد. (۱)

۴ قنوت حضرت امام سجاد عليه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان

قنوت حضرت امام سجاد عليه السلام

اِيْن قَنُوْت رَا سُوْمِيْن نَايِب اِمَام زَمَان اَرُوَاخْنَا فِدَاه، جَنَاب حَسِيْن بِن رُوْح نُوْبُخْتِي، اَز نَايِب دُوْم يَعْني جَنَاب مُحَمَّد بِن عَثْمَان رِضْوَانُ اللّٰهُ

أَللَّهُمَّ إِنَّ جِبِلَّ الْبَشَرِيَّةِ ، وَطَبَاعَ الْإِنْسَانِيَّةِ ، وَمَا جَزَتْ عَلَيْهِ بَارِ خَدَايَا ؛ بِه رَاسْتِي كِه سِرْشْتِ بَشَرِي ، وَ طَبِيعَتِ آدَمِي ، وَ آن چه از تَزَكِيَّاتِ النَّفْسِيَّةِ ، وَانْعَقَدَتْ بِه عُقُودُ النَّسَبِيَّةِ [النَّسَبِيَّةِ ، خ] ، تَرَكِيَّاتِ رَوَانِي بِرِ
آن عارض گشته ، و امور وراثتی که آغاز خلقت بر آن بسته شده ؛ تَعَجُّزُ عَنْ حُمَلِ وَاِرْدَابِ الْأَقْصِيَّةِ إِلَّا مَا وَفَّقَتْ لَهُ أَهْلٌ نَمِي تَوَانِدِ احكام قضا و قدرت را تحمل کنند ؛ مگر در مواردی الْإِطْفَاءِ ، وَاعْتَنَتْ
عَلَيْهِ ذَوِي الْإِحْتِيَاءِ . اللَّهُمَّ إِنَّ الْقُلُوبَ فِي بَرِّغَزِيدِ كَانِ رَا مَوْفِقِ سَاخْتِه وَ نَخْبِگَانِ رَا بِرِ آن يَارِي نَمُودِي . بَارِ الْهَا ؛ بِه خُوبِي آگَاهِمِ كِه قَلْبِ هَا دَرِ قَبْضَتِكْ ، وَالْمَمِيَّةِ لَكَ فِي مَلَكِيَّتِكْ ، وَقَدْ تَعَلَّمَ أَيُّ رَبِّ مَا
الرَّغْبَةُ اخْتِيَارِ تَوَسْتِ وَ تَصْمِيمِ گيري در دائره فرمان روابي ات براي تو مي باشد. و خودت خوب مي داني - اي پروردگار من - که آنچه را که مشتاق إِلَيْكَ فِي كَشْفِهِ واقعه لَأَوْقَانِهَا بِمَدْرَتِكَ ، واقفه
بِحَدِّكَ مِنْ بَرَطْرِفِ شَدْنَشِ هَسْتَم ، در زمان مَقَرَّرِ وَ بَا قَدْرَتِ وَ تَوَانِ خُودَتِ بِه وَقُوعِ مِي پيُونْدَد ، وَ هَمَانِ جَايِي كِه ١ . بحار الأنوار : ٢٠٧/٨٥ .

إِرَادَتِكَ ، وَإِنِّي لَمَّا عَلِمْتُ أَنَّ لِمَكَ دَارَ جَزَاءٍ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ مُتَوَبِّهٌ خَوَاسْتِ وَ ارَادَه تُو تَعْيِينِ كَرْدِه ، مَتَوَقَّفِ گَشْتِه وَ مَن بِه خُوبِي مِي دَانَمِ كِه تُو سَرَايِي بِرَايِ پَادَاشِ خُوبِي هَا وَ عَفُوبِهِ ، وَأَنَّ لَكَ يَوْمًا تَأْخُذُ فِيهِ
بِالْحَقِّ ، وَأَنَّ أَنَاتَكَ أَشْبَهُ وَ كَيْفَرِ بَدِي هَا دَارِي ؛ وَ رُوزِي رَا بِرِ پَا مِي كِنِي كِه دَرِ آن ، بِه حَقِّ مَوْاخِذَه مِي كِنِي . وَ اَيْنِ كِه مَهَلْتِ دَادَن تُو ، شَبِيه تَرِينِ

الْأَشْيَاءِ بِكَرَمِكَ، وَأَلْيَقُهَا بِمَا وَصَيْفْتُ بِهِ نَفْسَكَ فِي عَطْفِكَ، ЧИЗِهَا بِه كِرَامَتِ وَ بزرگواریت، و شایسته ترین آن ها به چیزی است که خود را به آن توصیف فرموده ای و آن لطف و مهربانی و تَرَاءُفِكَ، وَأَنْتَ بِالْمَوْصَادِ لِكُلِّ ظَالِمٍ فِي وَحِيمِ عِقْبَاهُ وَشَوْءٍ تُو اسْت؛ و تو در کمینگاه هستی برای هر ستمگری که او را به پایان و سرنوشتی بسیار ناهنجار و جایگاهی بد دچار کنی. مَثْوَاهُ. اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ قَدْ أَوْسَعْتَ خَلْقَكَ رَحْمَةً وَجِلْمًا، وَقَدْ بَدَّلْتَ بَارِهَا؛ تو، رحمت و بردباریت را برای همه مخلوقات فراگیر نمودی؛ با این که أَحْكَامُكَ، وَعُزَيْرُتٌ سَيْنُنُ بَيْتِكَ، وَتَمَرُّدُ الظَّالِمُونَ عَلَى خُلصَايِكَ، دستورات تو عوض شده، و سنت های پیامبرت تغییر داده شده، و ستمکاران، نسبت به سفارشات در مورد برگزیدگان وَاسْتَبَاحُوا خَرِيمَكَ، وَرَكِبُوا مَرَاكِبَ الْإِسْتِثْرَارِ عَلَى الْجَزْأَةِ خَالِصَتِ، سرپیچی کرده اند، و حریم تو را شکستند، و به طور دائم و پیوسته بر تو با مرکب جرأت و پررویی تاختند. عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَبَادِرْهُمْ بِقَوَاصِفِ سَخَطِكَ، وَعَوَاصِفِ تَنكِيلَاتِكَ، خدایا؛ هرچه سریع تر آن ها را با صداهای سخت خشم، و طوفان های عقوبت و تنبیه شدیدت، وَاجْتِنَاثِ غَضَبِكَ، وَطَهْرِ الْبِلَادِ مِنْهُمْ، وَاعْفُ عَنْهَا انَارَهُمْ، و غضب ریشه کن کننده ات گرفتار کن، و سرزمین ها را از آن ها پاکسازی کن، و آثار بجای مانده ایشان را از آن محو کن، وَاحْطُطْ مِنْ قَاعَاتِهَا وَمَطَانِهَا مَنَارَهُمْ، وَاصْطَلِمَهُمْ بِنَوَارِكَ حَتَّى وَفِرُّوا مِنْ دُشْتِهَا وَرَاهَا، نشانه های ایشان را، و آن ها را به هلاکت و نابودی ریشه کن ساز تا لا يُبْقِي مِنْهُمْ

دِعَامَةً لِنَاجِمٍ ، وَلَا عِلْمًا لِأُمَّ ، وَلَا مَنَاصِبًا لِقَاصِدٍ ، بَاقِيَ نَمَانِدِ نَكِيهِ گَاهِي از آنان برای جستجوکننده و پرچمی برای روی آورنده و گریزی برای قصد کننده وَلَا رَأِيدًا لِمُرْتَادٍ . اَللّٰهُمَّ اِنْحِرْ اِنَارَهُمْ ، وَاطْمِسْ عَلٰى اَهْوَالِهِمْ وَبِشْرُوْ وَرَاهِنَمَآئِيْ بَرَا اَنَهَائِيْ كِه از دنبال می آیند . بار الها! نشانه های شان را محو و نابود ساز ، و دارایی ها و دیارِهم ، وَامْحَقْ اَعْقَابَهُمْ ، وَافْكُكْ اَصْلَابَهُمْ ، وَعَجِّلْ اِلٰى وَسْرَزْمِيْنَ شَان رَا ناپدید گردان ، و نسل شان را هلاک گردان ، و کمر مردان شان را سست و گسسته ساز ، وَعِزِّدْ اِيْكَ السَّرِيْمِيْدَ اِنْقِلَابَهُمْ ، وَاقْمِ لِّلْحَقِّ مَنَاصِبَهُ ، وَاقْدَحْ لِّلرَّشَادِ بَازِ گِشْتِ اِيْشَان رَا بِه سْرَعْتِ بِه طْرَفِ عَذَابِ هِمِيْشْگِي اْت بْگَرْدَان . مَنَصِبِ هَاي حَقِّ رَا بْرِيَا كُن ، وَشَعْلَه هَاي هِدَايْتِ وَكَمَالِ رَا زَنَادَه ، وَأُزِّدْ لِّلنَّارِ مَثِيْرَه ، وَأَيِّدْ بِالْعَوْنِ مُرْتَادَه ، وَوَفِّرْ مِّنَ النَّصْرِ فِرْوْزَانِ سَازِ وَبَرَايِ اِنْتِقَامِ وَخَوْنِخَوَاهِي مَنْتَقِمِ رَا بْرَانْگِيْز ، وَكَمَكِ جَوِيَانِ رَا بَارِي بْرَسَان ، وَبِرُوْزِي هَاي دَرِ پِي رَا زَادَه ، حَتَّى يَعْوَدَ الْحَقُّ بِجِدَّتِيْه ، وَتُنَبِّزَ مَعَالِمَ مَقَاصِدِيْه ، وَيَسْبُلُكُه تَوْشَه اَش سَازِ؛ تَا حَقِّ دُوْبَارَه بِه تَازِگِي وَشَادَابِي اَش بَازِ گَرْدَد ، وَنَشَانَه هَا وَچَرَاغِ هَاي اَهْدَافِش رُوْشَن گَرْدَد ، وَ اَهْلُهٗ بِالْاَمْنِه حَقِّ سُلُوْكِه ، اِنْكُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ . (۲)

حق جویان با آرامش و به طوری که شایسته است راه حق را ببینند؛ به راستی که تو بر هر کاری توانایی.

۳ قنوت حضرت امام باقر علیه السلام قنوت حضرت امام باقر علیه السلام

این قنوت را مرحوم سید بن طاووس در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند :

يَا مَنْ يَغْلُمُ هَوَاجِسَ الشَّرَائِرِ ، وَمَكَامِنَ

الضَّمَاثِرِ، وَحَقَائِقِ اِي كَسِي كِه نَسَبِت بِه خَطُورَات نِهَان، وَ اَن چِه در اندرون و باطن ها مخفی شده است، وَ حَقِيقَت وَ وَاقَعِيَتِ الْخَوَاطِرِ، يَا مَنْ هُوَ لِكُلِّ غَيْبٍ حَاجِزٌ، وَ لِكُلِّ مَنِيْبِي ذَاكِرٌ، وَ عَلٰى اَن چِه در خَاطِر اِفْرَاد اَسْت؛ اَگَاه هَسْتِي. اِي كَسِي كِه بَرَاي هَر پَنهَانِي، حَضُور دَارِي؛ هَر فَرَامُوش شُدِه اِي رَا بِه يَاد دَارِي؛ بَر هَر كُلِّ شَيْءٍ قَادِرٌ، وَ اِلٰى الْكُلِّ نَاطِرٌ، بَعْدَ الْمَهْلِ، وَ قَرَبَ الْاَجَلِ، چِيْزِي تَوَانَايِي وَ بَر هَمِه نِظَارَت وَ سِرپرَسْتِي مِي كَنِي؛ زَمَان پِيْشِي جُوبِي در خَيْر وَ نِيكِي دُور گِشْت، وَ مَرگَ نَزْدِيك گَرْدِيْد، وَ ضَعْفَ الْعَمَلِ، وَ اَرَابَ الْاَمَلِ، وَ اَن الْمُنْتَقِلُ. وَ اَنْتَ يَا اَللهُ وَ عَمَلِ هَا ضَعِيْف وَ نَا تَوَان شُدِه اِنْد، وَ اَرزُوهَا بِه نَا مِيْدِي كَشِيْدِه شُدِه اِنْد، وَ زَمَان اِنْتِقَال بِه جِهَان دِيْگَر فَرَا رَسِيْد. تُو، اِي ۱. مَهجِ الدَّعَوَات: ۶۹، الْبَلَدِ الْاَمِيْن: ۶۵۰ بَا اِنْد كِي تَفَاوُت .

الْبَاطِنِ كَمَا اَنْتَ الْاَوَّلُ، مُبِيْدٌ مَا اَنْشَأْتَ، وَ مُصَيِّرُهُمْ اِلٰى الْاٰلِي، خَلْدَا؛ هَمَان گُوْنِه كِه اَعَاژ هَسْتِي، پَايَان نِيْز تُو هَسْتِي؛ هَر چِه رَا كِه اِبْجَاد كَرْدِه اِي خُودَت نِيْز نَابُود مِي سَاْزِي، وَ بِه فَرَسُودِه شُدِن وَ مُقَلَّدُهُمْ اَعْمَالَهُمْ، وَ مُحَمَّلُهَا طُهُورَهُمْ اِلٰى وَقْتِ نُسُورِهِمْ مِنْ يَوْسِيْدِن مِي كَشَانِي، وَ اَعْمَالِ وَ رِفْتَارِشَان رَا هَم چُون قَلَادِه اِي بَر گَرْدِن شَان مِي اَوْبِيْزِي، وَ بَر پِشْتِ شَان بَار مِي كَنِي؛ تَا اَن گَاه كِه بَعَثَه قُبُورِهِمْ عِنْدَ نَفْخَةِ الصُّوْرِ، وَ اِنْشِقَاقِ السَّمَاءِ بِالتُّورِ، بَا دَمِيْدِن در صُورِ اسْرَافِيْلِ اَز قَبْرَهَا بَر اِنْكِيْخْتِه وَ پَرَا كِنْدِه شُوند؛ هَمَان زَمَان كِه اَسْمَان، بِه سَبَبِ نُورِ رُوشَنِي شَكَا فْتِه مِي شُود، وَ الْخُرُوجِ بِالْمُنْشَرِّ اِلٰى سَاحَةِ الْمَخْشَرِ،

لَا تَزِدُّ إِلَيْهِمْ أَبْصَارُهُمْ و پس از اعلام گردهم آیی از قبر به میدان محشر می آیند؛ چشمان شان به سوی شان نمی گردد، وَأَفْتَدَتْهُمْ هَوَاءٌ . مُتْرَاطِمِينَ فِي غَمِّهِ مِمَّا أُسِيلَفُوا ، وَمُطَالِبِينَ بِمَا و دل های شان هواس. پیوسته در اندوه و غم رفتارهای ناشایست گذشته خود غرق اند، و به خاطر تباهی های گذشته شان مورد اِخْتَنَبُوا ، وَمُحَاسِبِينَ هُنَاكَ عَلَى مَا اذْكَبُوا ، اَلصَّحَافُ فِي بازخواست قرار می گیرند، و در این جاست که بر آنچه مرتکب شده اند مورد حساب قرار می گیرند . نامه عمل ها به الْأَعْنَاقِ مَنشُورَةٌ ، وَالْأَوْزَارُ عَلَى الظُّهُورِ مَأْزُورَةٌ ، لَا اِنْكَكَارَ كَرْدن ها آویخته شده ، و بارهای سنگین بر پشت هر کس نهاده شده ، و هیچ جدایی وَلَا مَنَاصَ وَلَا مَحِيصَ عَنِ الْقِصَاصِ قَدْ أَفْحَمَتْهُمْ الْحُجَّةُ ، و رهایی و گریزی از قصاص وجود ندارد . حجت و دلیل روشن الهی ، همه آن ها را ساکت و لال کرده است وَخَلُّوا فِي حَيْرَةِ الْمَحْجَةِ وَهَمْسِ الصُّبْحِ ، مَعْدُولٌ بِهِمْ عَنِ وَضْعِهِ كَنَانِ گرفتار حیرت و سردرگمی در برابر دلیل های خداوند شده اند . آن ها را از الْمَحْجَةِ إِلَّا مَنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى ، فَتَجَا مِنْ هَوْلِ راه برگردانند ؛ مگر کسی که از پیش تر (دنیای) مورد لطف و نیکی خداوند قرار گرفته باشد؛ چنین شخصی، از هراس و ترس الْمَشْهَدِ وَعَظِيمِ الْمُؤْرِدِ ، وَلَمْ يَكُنْ يَمَعْنُ فِي الدُّنْيَا تَمَرَّدَ ، وَلَا چنین محلی که بسیار مهم و جایگاه حضور است ، نجات می یابد . او در دنیا از کسانی نبود که سرپیچی کرده اند و عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَنَّدَ ، وَلَهُمْ اسْتَبَعَدَ ، وَعَنْهُمْ بِحُفُوفِهِمْ تَفَرَّدَ . بر اولیای الهی عناد ورزیدند ، و

از آنان دوری کردند ، و حقّ شان را مخصوص خودشان دانستند . اللَّهُمَّ فَإِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتِ الْحَنَاجِرَ ، وَالنُّفُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّرَاقِي ، بار الها! واقعیت آن است که قلب ها به حنجره ها رسیده است؛ روان ها به گلوگاه بالا آمده ؛ وَالْأَعْمَارَ قَدْ نَفِدَتْ بِالْإِنْتِظَارِ ، لا عَنْ نَقْصِ اشْتِیَابِصَارٍ ، وَلَا عَنِ وُجُوهٍ ، با انتظار رو به پایان است ؛ این نه از روی نقض کردن و برهم زدن بینش است ، و نه به خاطر آنهام مقدار ، وَلَیْکِنْ لِمَا تُعَانِي مِنْ رُكُوبِ مَعَاصِيكَ ، وَالْخِلَافِ فِي دَرَجَاتِ تَقْدِيرِ ؛ بلکه ، به خاطر گناه های فراوان ، مخالفت با عَلَیْکَ فِي أَوَامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ ، وَالتَّلَعُّبِ بِأَوْلِيَايَکَ وَمُظَاهَرَةِ دَسْتُورَاتِ وَنَوَاهِي تُو ، به بازی گرفتن اولیایت ، و پشتیبانی کردن از اَعْدَائِکَ . اللَّهُمَّ فَفَرِّبْ مَا قَدْ قَرُبَ ، وَأَوْرِدْ مَا قَدْ دَنَى ، وَحَقِّقْ دُشْمَانَاتِ مِی باشد . خدایا ؛ گرچه فرج و ظهور نزدیک است ، ولی نزدیک ترش ساز ؛ و اگرچه به نزدیکی ما رسیده است ، ولی آن را طُنُونُ الْمُؤَقِنِينَ ، وَبَلِّغِ الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِیْلَهُمْ ، مِنْ إِقَامَةِ حَقِّکَ ، برسان؛ و گمان اهل یقین را محقق ساز؛ مؤمنان را به آرزوی شان که برپایی حق تو ، وَنَصْرِ دِیْنِکَ ، وَإِظْهَارِ حُجَّتِکَ ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنْ أَعْدَائِکَ . (۳)

و یاری دین تو ، و آشکار شدن حجت تو و انتقام گرفتن از دشمنان توست برسان .

۴ قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

این قنوت و سه قنوت بعد را نیز آن دو بزرگوار از امام رضا علیه السلام نقل کرده اند :

الْفَرَعُ الْفَرَعُ إِلَیْکَ يَا ذَا الْمِحَاضَرَةِ ، وَالرُّغْبَةُ الرُّغْبَةُ إِلَیْکَ يَا مَنْ پناه ، پناه ، به

سوی توسست ای خدایی که همه را در حضور دارد؛ اشتیاق، اشتیاق، به سوی توسست ای خدایی که تنها به المفاخره، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هَوَاجِسِ النَّفْسِ، وُمُرَاصِدٌ به او می توان افتخار کرد؛ خدایا؛ تو به خطورات روان ها شاهی؛ و مراقب ۱. مهج الدعوات: ۷۲، البلد الامین: ۶۵۱.

حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطَالَعِ مَسْرَاتِ السَّرَائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكَلُّفٍ وَلَا وَدَرِ كَمِينِ حَرَكَاتِ هَيْبَةِ قَلْبِ آدَمَ) به این سو و آن سو (هستی؛ و بدون هیچ زحمتی و مشقتی از پنهان کاری های درون ها، تَعَسُفٍ، وَقَدْ تَرَى اللَّهُمَّ مَا لَيْسَ عَنْكَ بِمَنْطُوي، وَلَكِنَّ جِلْمَكَ اَطْلَاعِ دَارِي. خدایا؛ به خوبی آن چه را که از تو پيچیده نشده است می بینی؛ لیکن حلم و بردباری تو آمَنَ أَهْلُهُ عَلَيْهِ جُزْئَهُ وَتَمَرُّدًا وَعُتُوًّا وَعِنَادًا، وَمَا يُعَايِنُهُ أَوْلِيَاءُؤُكَ ايمنی بخشیده به افرادی که چنین بد کرداری هایی دارند، و باعث شده بیشتر جرأت و سرپیچی و لج بازی و دشمنی با تو کنند؛ و می بینی من تَغْفِيهِ اِنَارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعَالِيهِ، وَتَزْيِيدِ الْفَوَاحِشِ، رنج هایی را که اولیای تو می کشند به خاطر نابودی آثار حق و ناپدید گشتن نشانه های آن، و افزایش یافتن فحشا و کارهای زشت، وَاشْتِمْرَارِ أَهْلِهَا عَلَيْهَا، وَظُهُورِ الْبَاطِلِ وَعُمُومِ التَّعَاشُمِ، و ادامه دادن بدکاران بر زشتی های خود، و آشکار شدن باطل و نادرستی، و ظلم و ستم همگانی، وَالتَّرَاضِي بِذَلِكَ فِي الْمُعَامِلَاتِ وَالْمُتَصَرِّفَاتِ مُذْ جَرَتْ بِهِ وَرَاضِي شَدْنَ طَرَفِينَ بِه ظلم و ستم در معاملات و کارها که عادات به آن جاری

گشته است العادات، وصارَ كالمفروضات والمشيئونات. اللَّهُمَّ قِادِرُنَا مِنْكَ و همانند واجبات و مستحبات شده است. خداوندا؛ به سرعت، ما را دربابِ بِالْعَوْنِ الَّذِي مَنْ أَعْتَنَهُ بِهِ فَازَ، وَمَنْ أَيْدَتْهُ لَمْ يَخَفْ لَفَزَ لَمَّا زِ، به امدادی که هر کس را با آن مدد رسانی رستگار شود، و هر کس را موفق گردانی دیگر از عیب جویی هیچ کس نمی ترسد، وَخَذِ الظَّالِمِ أَخْذًا عَنيفًا، وَلَا تَكُنْ لَهُ رَاجِمًا وَلَا بِهِ زُؤُوفًا. اللَّهُمَّ ستمگر را به شدت گرفتار کن، و هیچ رحم و مهربانی نیز در حَقِّش روا مدار. خدایا؛ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ بَادِرُهُمْ. اللَّهُمَّ عَاجِلُهُمْ. اللَّهُمَّ لَا تُمَهِّلُهُمْ. اللَّهُمَّ خدایا؛ خدایا؛ شتاب کن. خدایا؛ (در مورد آن ها) عجله کن؛ خدایا؛ مهلت شان مده. خدایا؛ آن ها غَاوِرُهُمْ بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسُخْرَةً وَبَيَاتًا وَهُمْ تَائِمُونَ، وَضَحَىٰ رَا بامدادان و در وسط روز و در سحرها و شب هنگام که در خواب هستند و هنگام روز که سرگرم اند و مشغولند گرفتارشان کن؛ وَهُمْ يَلْعَبُونَ، وَمَكْرًا وَهُمْ يَمْكُرُونَ، وَفَجَاءَهُمْ وَهُمْ اِمْتُونَ. اللَّهُمَّ و فریبشان بده، و وقتی حيله می کنند، بر آن ها مکر کن؛ و هنگامی که خود را در آرامش می بینند، ناگهان گرفتارشان ساز. خدایا؛ يَدِّدُهُمْ، وَيَدِّدُ أَغْوَانَهُمْ، وَأَفْلَلُ أَغْضَادَهُمْ، وَأَهْرَمَ جُنُودَهُمْ، خودشان و کمک کارشان را پراکنده و درمانده ساز، و هم دستانشان را شکست بده، و سپاهیان شان را فراری بده، وَأَفْلَلُ حُدُومَهُمْ، وَاجْتَنَّتْ سَنَامَهُمْ، وَأَضْعَفَ عَزَائِمَهُمْ. اللَّهُمَّ و تیزی شمشیرهاشان را بشکن، و سران

آن‌ها را ریشه کن ساز، و اراده‌های قوی آن‌ها را ناتوان ساز. خدایا؛ لطف کن و امتحاناً اُکثافَهُمْ، و مَلَکْنَا اُکثافَهُمْ، وَبَدَّلْهُمْ بِالنَّعَمِ النَّقَمَ، وَبَدَّلْنَا آتَانَ رَا اسیر ما گردان، و سرزمین‌هایشان را به تصرف ما درآور؛ و نعمت‌هایشان را به بدبختی‌ها تبدیل کن؛ و به جای ترس مِنْ مُحَادَظَتِهِمْ وَبَغْيِهِمُ السَّلَامَةَ، وَاعِزَّنَاهُمْ اَكْمَلَ الْمَعْنَمِ. اَللّٰهُمَّ مَا از آن‌ها و ستم‌شان، سلامت و راحتی را جایگزین فرما؛ و کامل‌ترین بهره‌ها و غنیمت‌های جنگی را از آنان به ما برسان. خدایا؛ لا تَزِدْ عَنْهُمْ بِاَسْنِكَ الَّذِي إِذَا حَلَّ بِقَوْمٍ فِسَاءٌ صَبَّاحَ الْمُنْدَرِينَ. (۴) سختی و عذابت را از آنان بر مگیر؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، بدبختی بدروزگار می‌شوند.

۵ قنوت حضرت امام جواد علیه السلام

دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت

اَللّٰهُمَّ مَنَّا بِحَيْثُكَ مُتَابِعُهُ، وَاَيَادِيكَ مُتَوَالِيَهُ، وَنَعْمَكَ سَابِعُهُ، خدایا؛ بخشش‌های خاص تو، پی‌درپی است، خوبی‌هایت یکی پس از دیگری می‌رسد؛ نعمت‌هایت فراگیر و فراوان است؛ وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ، وَحَمْدُنَا تَسِيرٌ، وَاَنْتَ بِاللَّعْطِيفِ عَلٰی مَنْ اعْتَرَفَ سِياسِکَ اَرٰی مَا نَارِسا و اندک، و ستایش ما نسبت به تو بسیار ناچیز است؛ و تو، سزاواری که اگر کسی اعتراف (به بدی‌هایش) کرد، جَدِیْرٌ. اَللّٰهُمَّ وَقَدْ غَضَّ اَهْلُ الْحَقِّ بِالزَّيْقِ، وَاَزْتِيْرِكَ اَهْلُ الصِّدْقِ بِهٖ اَوْ مَهْرِبَانِي كُنِي. خدایا؛ به راستی که اهل حق آب دهان از گلوی‌شان (به خاطر شدت ناراحتی) پایین نمی‌رود؛ و راستگویان، فِي الْمَضِيْقِ، وَاَنْتَ اَللّٰهُمَّ بِعِبَادِكَ وَذَوِي الرُّغْبَةِ اِلَيْكَ شَفِيْقٌ، به شدت گرفتارند و در تنگنا قرار دارند؛ و تو - خداوندا - نسبت به بندگان و

مشتاقانت مهربان و دلسوزی؛ و به حقیقت نسبت به وِیَاجَابِهِ دُعَائِهِمْ وَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ بِاسْمِكَ دَانَ بِدَعْوَتِكَ شَانَ وَشَتَابِ كَرْدَنِ دَرِ كَشَائِشِ كَارِشَانَ شَائِسْتَه وَ سَزَاوَارِي .
خدایا؛ بر ۱ . مهج الدعوات : ۷۹ ، البلد الأمين : ۶۵۴ .

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذِي لَا يَخْدُلَانِ بَعِيدَهُ ، مُحْتَمِدٍ وَ آلِ مُحْتَمِدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ؛ وَ كَمَكِ وَ اَمَدَادِ سَرِيعِي اَز نَاحِيَه خُودَتِ بَه مَا بَرَسَانَ كِه دِيْكَرِ بَعْدِ اَز اَن خُوَارِي وَ بِيْجَارِ كِي نَبَاشَدِ؛
وَالتَّصْبِرِ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادُّهُ ، وَ اَيُّحُ لَنَا مِنْ لُدُنِكَ مُتَاحًا فَيَاحًا وَ اَن كُونه پِيروزِ كِرْدَانِ كِه هِيْجِ بَاطِلِي نَتَوَانَدِ اَن رَا دَجَارِ مَشْكَلِ سَازَدِ؛ وَ چنان رَاحَتِي اَز نَاحِيَه وَا لا وَ كَسْتَرَدِه خُودِ بَرَسَانَ كِه يَأْمُنُ فِيهِ وَ لِيْكَ ،
وَ يَخِيْبُ فِيهِ عَدُوْكَ ، وَ يُقَامُ فِيهِ مَعَالِيْكَ ، وَلِيْ وَ دُوسْتِ دَرِ اَن اِيْمَنِ بَاشَدِ ، وَلِي دَشْمَنْتِ نَاكَمِ شُودِ؛ اَن اَرِ وَ نَشَانِه هَا يِ تو بَرِپَا كِرْدَدِ ، وَ يَنْظَهُرُ فِيهِ اَوَامِرُكَ ، وَ تَنْكُفُ فِيهِ عَوَادِي عِدَائِيكَ . اللَّهُمَّ بَادِرْنَا وَ
دَسْتُورَاتِ اَشْكَارِ شُودِ ، وَ بَهْرَه هَا يِي كِه وَعْدَه دَادِي فَرَاهِمِ وَ آمَادَه كِرْدَدِ . خدایا ؛ شَتَابِ كَنِ مِنْكَ بِدَارِ الرَّحْمَةِ ، وَبَادِرْ اَعْدَائِكَ مِنْ بَابِيكَ بِدَارِ النَّقْمَةِ . اللَّهُمَّ نَسِبْتَ بَه مَا شَتَابِ رَحْمَتِ ، وَ شَتَابِ كَنِ
نَسِبْتَ بَه دَشْمَنْتِ اَز رُويِ خَشْمِ وَ غَضَبِ ، شَتَابِ اِنْتِقَامِ وَ مَجَازَاتِ . بارِهَا؛ اَعْنَا وَ اَعْنِنَا ، وَ اَرْفَعْ نَفْسَتَكَ عَنَّا ، وَ اَجَلْهَا بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ . (۵) بَه مَا كَمَكِ كَنِ وَ بَه فَرِيَادِمَانَ بَرَسِ؛ وَ كِرْفَتَارِي وَ كِيْفَرِ وَ خَشْمَتِ
رَا اَز مَا بَرْدَارِ ، وَ اَن

را نصیب گروه های ستمگر کن .

۶۵۶ دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَوْءُوْلُ بِالْاَوْثِيَّةِ مَعْدُوْدِهِ، وَالْاٰخِرُ بِالْاٰخِرِيَّةِ مَجْدُوْدِهِ، بَارِهَا ؛ تَوَاوَلْ هَسْتِي ، وَلى اَوَّلِيَّتْ تُو شَمَارَشْ شَدَه عَدَدِي نِيَسْت ؛ وَ پَايَانِ هَسْتِي ، وَلى اَنْتَهَا وَ مَحْدُوْدِيَّتْ نَدَارِي ؛ اَنْشَأْتَنَا لِاِعْلِيَّ اَفْتِسَارًا، وَ اَخْتَرْتَنَا لِحَاجَةِ اِقْتِدَارًا، وَ اَبْدَعْتَنَا بِهِ وَجُوْدِ اَوْرَدِي مَا رَا نَه بِهِ خَاطِرِ عِلْتِي اَز رُوِي اَكْرَاهِ وَ اِجْبَارِ ، وَ اَفْرِيْدِي مَا رَا نَه بِهِ خَاطِرِ حَاجَتِي وَ نِيَازِي اَز رُوِي اِقْتِدَارِ وَ تَوَانْمَنْدِي بِحِكْمَتِيَّتْ اِخْتِيَارًا ، وَ بَلَوْتَنَا بِاَمْرِيْكِ وَ نَهْيِيْكِ اِخْتِيَارًا ، وَ اَيَّدْتَنَا وَ پَدِيْدِ اَوْرَدِي مَا رَا بِهِ حَكْمَتِ اَز رُوِي اِخْتِيَارِ ، وَ بَا فَرْمَانِ وَ نَهْيِ خُوْدِ ؛ مَا رَا اَزْمَايشْ كَرْدِي ؛ وَ بَا وَسَايِلِي كِه دَر اِخْتِيَارْمَانِ قَرَارِ دَادِي ، بِالْاَلَاِبِ ، وَ مَنَحْنَتْنَا بِالْاَدْوَاتِ ، وَ كَلَّمْتْنَا الطَّاقَةَ ، وَ جَسَّمْتْنَا زَمِيْنَه مَوْفَقِيَّتْ مَانِ رَا فَرَاهِمِ نَمُوْدِي ، وَ اَدْوَاتِ مَخْتَلَفِ بِهِ مَا بَخْشِيْدِي ؛ تَا حَدِي كِه تَوَانِ دَارِيْمِ بَرِ مَا تَكْلِيْفِ فَرْمُوْدِي ، وَ فَرْمَانِ بَرْدَارِيَّتْ ۱ . مَهْجِ الدَّعَوَاتِ : ۸۰ ، الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ : ۶۵۶ .

الطَّاعَةَ ، فَأَمْرَتٌ تَخْيِرًا ، وَ نَهْيَتٌ تَخْذِيرًا ، وَ حَوَّلْتُ كَثِيرًا ، رَا بِهِ مَا تَكْلِيْفِ كَرْدِي ؛ دَسْتُوْرِ دَادِي وَلى مَا رَا دَرِ اِطَاعَتِ مَخْتَارِ كَرْدِي ، وَ بَا زِدَاشْتِي وَ مَا رَا بَرِ حَذَرِ دَاشْتِي ؛ نَعْمَتِ هَايِ بَسِيَاْرِي دَادِي ، وَلى وَ سَأَلْتُ يَسِيْرًا ، فَعَصِيْ أَمْرِيْكِ فَحَلَمْتُ ، وَ جُهَلْتُ قَدْرِيْكِ فَتَكْرَمْتُ . دَرِخَوَاسْتِ (عِبَادَتِ) كَمِي نَمُوْدِي ؛ دَسْتُوْرِ ، نَا فَرْمَانِي شَدِ وَلى بَرْدَبَارِي كَرْدِي ؛ اِرْزَشْ وَ مَنَزَلَتِ دَانَسْتَه نَشَدِ ، وَلى رِفْتَارِ بَزْرِ گَوَارَانَه فَأَنْتَ رَبُّ الْعِزَّةِ وَ الْبَهَاءِ ، وَ الْعِظْمَةِ وَ الْكِبْرِيَاءِ ، وَ الْإِحْسَانِ دَرِ پِيَشِ گِرْفَتِي (وَ مَجَازَاتِ رَا بِهِ تَأْخِيْرِ اِنْدَاخْتِي). بَدِيْنِ سَانِ ، تُو پَرُوْرْدِ گَارِ صَاْحِبِ عَزَّتِ وَ فَرِّ وَ شَكُوْهِ وَ عِظْمَتِ

و کبریاپی ، و احسان و النعماء ، و الممن و الالاء ، و المبرح و العطاء ، و الایجاز و الوفاء ، و نعمت و لطف و عنایت و بخشش و عطا هستی ، و عده ات را تحقق می بخشی و وفا می کنی . و لا تحیط القلوب لک
بکنه ، و لا تدرك الاوهام لک صفه ، قلب ها به کنه و حقیقت تو احاطه نمی یابند ؛ و هم ها و خیال ها نمی توانند صفات تو را دریابند ؛ و لا یشبهک شیء من خلقک ، و لا یمثل بک شیء من صیغتك ،
هیچ یک از آفریدگانت شبیه تو نیستند ؛ هیچ یک از ساخته های تو را نمی توان به تو مثال زد ؛ تبارکت أن تحس أو تمس أو تدركك الحواس الخمس ، و أنى بالاتر از آن هستی که حس شوی ، یا
لمس شوی ، یا با حواس پنج گانه دریافت شوی . کجا می تواند یدرک مخلوق خالق ، و تعالیّت یا الهی عما یقول الظالمون آفریده ، آفریننده خود را درک کند؟! خدایا ؛ تو از آن چه ستم کاران می
گویند ، علواً کبیراً . اللهم أدل بأولیایک من أعدائک الظالمین الباغین برتر و بزرگ تر هستی . بار الها ؛ دوستانت را بر دشمنان ستم کار ، متجاوز ، التاکثین القاصین المارقین ، اللذین أضلوا عبادک ،
و حروفوا پیمان شکن و نابکار و از دین بیرون روندگانت غلبه و چیرگی و استیلا ببخش ؛ دشمنانی که بندگان را گمراه ، قرآن را تحریف ، کتابک ، و بدلوا أخکانک ، و جحدوا حنکک ، و جلسوا مجالس
دستورات دینیت را عوض کرده ، و حق تو را انکار کردند ؛ و جایگاه مخصوص اولیای تو را اشغال کردند ، اولیایک ، جزأه منهم علیک ، و ظلماً منهم لأهل بیت نبیک

، و این کار را از روی بی باکی و جرأت بر تو انجام دادند و از روی ستم کردن بر اهل بیت پیامبرت عَلَيْهِمُ سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ ، فَصَلُّوا وَأَصَلُّوا - که درود و سلام و رحمت و برکات بر ایشان نثار باد - انجام دادند . و با این کارشان گمراهی خود را ثابت کرده ، خَلَقَكَ ، وَهَتَكُوا حِجَابَ شَرِّكَ عَنْ عِبَادِكَ . وَأَتَّخَذُوا اللَّهُمَّ مردم را نیز گمراه نمودند ، و پرده پوشش تو را از بندگانت دریدند . خدایا ؛ این دشمنان پست ، مَالِكَ دَوْلًا ، وَعِبَادَكَ حَوْلًا ، وَتَرَكُوا اللَّهُمَّ عَالِمَ أَرْضِكَ فِي دَارِيهِ هَيْبَةَ هَيْبَةٍ ، وَأَتَّخَذُوا اللَّهُمَّ مردم را نیز گمراه نمودند ، و پرده پوشش تو را از بندگانت را غلام و کنیز خودشان کردند . خدایا ؛ عالم و دانشمند روی زمینت بَكَمَاءَ عَمِيَاءَ ظَلَمَاءَ مُدْلِهَمَّةً ، فَأَغْيَبْتَهُمْ مَفْتُوخَةً ، وَقَلْبُهُمْ عَمِيَّةً ، رَاها کردند ؛ در حال کوری و کوری و در فضایی که تاریک و فاسد بود . بدین سان ، شرایطی پیش آمد که چشمان شان باز بود و می دید ، وَلَمْ تُبَيِّنْ لَهُمُ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّتِهِ ، لَقَدْ حَذَرْتَ اللَّهُمَّ عَذَابِكَ ، وَلِي قَلْبِ هَيْبَةَ هَيْبَةٍ ، حَجَّتِي بِرَأْسِهَا بَقِي نَمَانًا ، وَ أَنْ هَا رَا از عذابت ترسانیدی ، وَبَيَّنَّتْ نَكَالَكَ ، وَوَعَدْتَ الْمُطِيعِينَ إِحْسَانًا ، وَقَدَّمْتَ إِلَيْهِمْ وَتَهْدِيدًا شَدِيدًا رَا بَيَانًا نَمَانًا ؛ به فرمان بردارانت ، وعده نیکی و احسان دادی ، و پیش تر برای ایشانت بَقِي نَمَانًا ، وَ أَنْ هَا رَا از عذابت ترسانیدی ؛ تا در نهایت ، گروهی ایمان آوردند . بارالها ؛ آن گروهی را که ایمان آوردند

بر دشمن وَعَدُوْ أَوْلِيَّائِكَ ، فَأَصْبِحُوا ظَاهِرِينَ ، وَإِلَى الْحَقِّ دَاعِينَ ، خودت و دشمن اولیا و دوستانت تأیید و یاری کن ، تا چیره و پیروز گردند ، و به حق و حقیقت فرا خوانند ، وَلِلْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْقَائِمِ بِالْمِسْطِ تَابِعِينَ ، وَتَجِدِدِ اللَّهُمَّ عَلِيَّ وَدُنْبَالَهُ رُوْ بِيْشَوَى مَوْرِدِ اِنْتِظَارِيْ بَاشَنْدِ كِه بَرَى بَرَقَرَارِيْ عَدْلِ وَ دَادِ قِيَامِ مِي كَنْد . خدایا ؛ آتش جهنم و عذاب خود را اَعْدَادِيْكَ وَاَعْدَادِيْهِمْ نَارَكَ وَ عَذَابِكَ ، الَّذِي لَا تُدْفَعُهُ عَنِ الْقَوْمِ - كِه اَز گروه ستمگران ، برطرف نخواهی کرد - را بر دشمنان و دشمنان اولیایت پیوسته تازه کن . الظَّالِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَقُوَّ ضَعْفَ خدَايَا؛ درود پیوسته ات را بر محمد و آل محمّد بفرست ؛ و ناتوانی کسانی را که دوستی و محبت خالصانه با تو دارند ، تبدیل به الْمُخْلِصِينَ لِمَكَ بِالْمَحْجَةِ ، الْمُشَاطِعِينَ لَنَا بِالْمُوَالَاهِ ، الْمُتَّبِعِينَ لَنَا قُوْتِ مَنْدِي وَ نِيْرُو كِن ؛ همان دوستانی که با موالات و دوستی فرمان بردارانه شان، از ما پیروی می کنند، و بِالْتَّصْدِيقِ وَالْعَمَلِ ، الْمُوَاظِرِينَ لَنَا بِالْمُوَاسَاةِ فِينَا ، الْمُجِيبِينَ بِاِ تَصْدِيقِ زَبَانِي وَ عَمَلِي وَ قَلْبِي دُنْبَالَهُ رُو مَا هَسْتَنْد ، و با مواسات و رفتار دوستانه با یکدیگر به خاطر ما ، به ما کمک می رسانند ، ذِكْرُنَا عِنْدَ اجْتِمَاعِهِمْ ، وَشَدْدِ اللّٰهُمَّ رُكْنَهُمْ ، وَشَدْدِ اللّٰهُمَّ لَهُمْ ، وَهَر گَاه گَرْدِ هَمْ مِي آيَنْدِ عَاشِقِ يَادِ مَا هَسْتَنْد . خدایا ؛ پایه و اساس ایشان را محکم و قوی فرما و استوار گردان برای ایشان دِيْنَهُمُ الَّذِي اَرْتَضَيْتَهُ لَهُمْ ، وَاتِّمِمَّ عَلَيْهِمْ يِعْمَتَكَ ، وَخَلَّصَهُمْ دِيْنِشَانِ رَا كِه بَرَى اَنْ هَا پَسَنْدِيْدِه اِي ، و

نعمت را بر آن ها کامل گردان ، و آن ها را خالص گردان و اشْتَحِلْهُمْ ، وَشَدَّ اللَّهُمَّ قَفْرَهُمْ ، وَالْمُمِ اللَّهُمَّ شَعَتْ فَاقْتِهِمْ . و برگزین ، و نیازشان را برطرف کن ، و گرفتاری و بیچارگی و پریشانی فقرشان را جبران فرما . وَاعْفِرِ اللَّهُمَّ ذُنُوبَهُمْ وَخَطَايَاهُمْ ، وَلَا تَزِعْ قُلُوبَهُمْ تَعْيِدَ إِذْ هَرَدَتْهُمْ ، و گناهان و اشتباهات شان را ببخش ، و پس از هدایت شان دل های شان را منحرف مساز ، وَلَا تُخَلِّهِمْ أُمَّ رَبِّ بِمَعَصِيَتِهِمْ ، وَاحْفَظْ لَهُمْ مَا مَنَحْتَهُمْ بِهِ مِنْ وَبِهِ سَبَبُ نَافِرَانِيَةِ - ای پروردگار ؛ - تنها و رهایشان مساز ، الطَّهَارَةُ بِوَلَايَةِ أُوْلِيَاءِكَ ، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِكَ ، إِنَّكَ سَمِيعٌ وَبَاطِنٌ وَاسْطَةُ وَوَلَايَةِ وَدُوسْتِي مَا (اهل بیت) و دشمنی و بیزاری از دشمنان ما نصیب شان ساختی برای ایشان مُجِيبٌ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ . (۶) نگه دار؛ به راستی که تو شنوا و اجابت کننده هستی ؛ و خداوند ، بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش درود پیوسته نثار کند .

۷ قنوت حضرت امام هادی علیه السلام

قنوت حضرت امام هادی علیه السلام

اللَّهُمَّ مَنَاجِلُ كَرَامَاتِكَ بِجَزِيلِ عَطِيَّاتِكَ مُتَرَعَّةٌ ، وَأَبْوَابُ مَنَاجَاتِكَ بَارِهَا ؛ چشمه های کرامت و بزرگواری تو ، با بخشش های شایانت پرآب است ؛ درهای مناجات و رازگویی تو ، لَمَنْ أَمَّنَكَ مُشْرَعَةً ، وَعَطُوفٌ لِحَظَاتِكَ لَمَنْ صَرَخَ إِلَيْكَ غَيْرُ بَرٍّ ؛ نگاه های مهربانه ات پیوسته به کسانی که در نهایت خواری و فروتنی به ۱ . مهج الدعوات : ۸۰ ، البلد الأمين : ۶۵۶ .

مُنْقَطِعَةٌ ، وَقَدْ أَلْجَمَ الْجِدَارُ ، وَاشْتَدَّ الْأَضْطِرَارُ ، وَعَجَزَ عَنِ الدَّرَاكَةِ رُؤْيُ

آورده اند می رسد؛ این در حالی است که ترس و هراس به نهایت و اضطراب و سردرگمی و بیچارگی شدید گشته ، **الْإِضْطِرَابِ أَهْلَ الْإِنْتِظَارِ . وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِالْمُرْصِدِ مِنَ الْمَكَارِ ،** و منتظران نیز از صبر بیش تر ناتوان شده اند . **خدايا ؛ تو در کمینگاه حيله گران هستی ، وَغَيْرُ مُهْمِلٍ مَعَ الْإِمْهَالِ ، وَاللَّابِتْذِ بِكَ امِنْ ، وَالرَّائِغِبِ إِلَيْكَ** و با وجود مهلت هایی که می دهی ولی کار را رها نکرده ای؛ تنها، هر کس به تو تکیه کند در آرامش و امنیت است، و هر کس مشتاق غایبم، **وَالْقَاصِدِ اللَّهُمَّ لِيَايِكَ سَالِمٌ . اللَّهُمَّ فَعَاجِلٌ مَنْ قَدِ امْتَرَّ فِي** تو باشد بهره مند است، و تنها هر کس - **خدايا - آهنگ** دربار تو کرده، سالم می ماند. **بار الها؛** مجازاتت را زودتر به کسانی برسان که طغیانیه ، **وَاشْتَمَرَ عَلَى جِهَالَتِهِ لِعُقَابِهِ فِي كُفْرَانِهِ ، وَأَطْمَعُهُ حِلْمَكَ** سرکشی را به نهایت رسانیده، و ادامه داده است به خاطر نادانی اش نسبت به سرانجام کارش در کفر ورزیدن و ناسپاسی اش ، و بردباری عنه فی نَبَلِ إِرَادَتِهِ ، **فَهُوَ يَتَسَرَّعُ إِلَى أَوْلِيَاءَيْكَ بِمَكَارِهِهِ ،** تو، موجب طمع او نسبت به پیگیری مقاصدش شده است و بدین جهت به سرعت نسبت به دوستان و اولیای تو **وَيُؤَاوِسُهُمْ بِبَاطِحِ مِرَاصِدِهِ ، وَيَقْصُدُهُمْ فِي مَطَانِهِمْ بِأَذْيَتِهِ .** بدی می کند ، و دام های زشت خود را پیوسته در راه شان قرار می دهد ، و به قصد اذیت ایشان به موضع و محل آنان می رود . **اللَّهُمَّ اكْشِفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَإِبْعَثْهُ جَهْرَةً عَلَى الظَّالِمِينَ .** خداوند! عذاب و کیفر خود را از مؤمنان برطرف کن و به صورت آشکار آن را بر ستمگران

برانگیز، اللَّهُمَّ اكْفِ الْعِذَابَ عَنِ الْمُنْتَجِرِينَ، وَاصْرِبْهُ عَلَى الْمُعْتَرِينَ. بار الها؛ عذابت را از کسانی که به تو پناه آورده اند باز دار، و بر سر تغییردهندگان بریز. اللَّهُمَّ بَادِرْ عُصِيْبَةَ الْحَقِّ بِالْعَوْنِ، وَبَادِرْ أَغْوَانَ الظُّلْمِ بِالْقَضْمِ. خدایا؛ کمک سریعت را به جمعیت حق و حقیقت برسان، و شکست و نابودیت را به سرعت نصیب کمک رسانان ستم و ظلم کن. اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ، وَامْنَحْنَا النَّصْرَ، وَأَعِدْنَا مِنْ سُوءِ الْبِدَارِ خدایا؛ با سپاسگزاری ما را خوشبخت گردان، و پیروزی را نصیب ما کن، و از بدی های شتابان، وَالْعَاقِبَةِ وَالْخَيْرِ. (۷)

و بدی عاقبت، و فریفته شدن در امان دار.

۱. مهج الدعوات: ۸۲، البلد الأمين: ۶۵۷.

۸ دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت

دعای امام عسکری علیه السلام در قنوت

امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را می خواندند؛ هنگامی که مردم قم از موسی بن بغی به آن حضرت شکایت کردند، دستور فرمود این دعا را در قنوت بخوانند: (۸)

۱. در کتاب «مکیال المکارم» می نویسد: این دعای قنوت، از مولای ما، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است، و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «المصباح» و نیز «مختصر المصباح» خود در باب دعاهای قنوت نماز یاد آور شده است. سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» در باب دعاهای قنوت امامان علیهم السلام ذکر کرده است، لیکن - بر اساس برخی روایات - به نظر می رسد که این دعا به وقت خاصی تعلق ندارد؛ گرچه بهتر است در اوقات

ویژه و مخصوص و دارای فضیلت بیش تر ، خوانده شود .

از روایت سید بن طاووس رحمه الله و دیگر روایات برمی آید که این دعا دارای اثری ویژه و کامل برای راندن ستمگر، و گرفتن حق ستمدیدگان از ستمگران است؛ به همین جهت، می توان از این مطلب استفاده کرد که یکی از فایده های این دعا اگر برای درخواست فرج و ظهور و یاری امام زمان علیه السلام خوانده شود آن است که ستمگر و بدی و سلطه او دفع گردد .

سید بن طاووس رحمه الله در مورد این دعا می فرماید : امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را خوانده و به مردم قم - که از موسی بن بغی شکایت کرده بودند - نیز دستور خواندن این دعا را داد . (پایان سخن سید بن طاووس رحمه الله) .

نویسنده کتاب «منح البرکات» - که شرحی است بر کتاب «مهج الدعوات» - از کتاب «اعلام الوری فی تسمیه القری» نوشته ابو سعید اسماعیل بن علی سمعانی حنفی (نقل می کند که : موسی بن بغی بن کلب بن شمر بن مروان بن عمرو بن غطه ؛ از یاران متوکل عباسی لعنه الله و از کارگزاران او بود که بر قم فرمان روایی می کرد. این خبیث ناپاک، همان کسی است که متوکل ملعون ، دستور ویران کردن قبر مولای مان حضرت امام حسین علیه الصلاه والسلام و تبدیل آن جا به یک مزرعه را ؛ به او داد .

وی، ستمگری خون ریز و حرمت شکن، و حاکم قم بود و بیش از ده سال بر مردم این شهر حکم رانی می نمود . مردم قم به شدت از او می ترسیدند ،

چون به شدت نسبت به پیشوایان بزرگوار علیهم السلام عناد می ورزید و در میان مردم قم ایجاد فساد می نمود و آن ها را با قتل و کشتار تهدید نموده و بر این امر مصمم بود . تا آن که از او به امام حسن عسکری علیه السلام شکایت کردند، و آن حضرت دستور دادند که مردم قم ، «نماز مظلوم» را بخوانند، و موسی بن بغی (حاکم وقت قم) را نفرین کنند و برای نفرین به او این دعا را بخوانند . پس از این که مردم قم این کار را انجام دادند، خداوند حتی به اندازه یک چشم برهم زدن به آن حاکم ستمگر مهلت نداد ، و به سختی و مقتدرانه او را نابود کرد .

نویسنده کتاب مزبور می گوید : این گفتار نگارنده کتاب «منح البرکات» را نقل به معنا کردم؛ چون، آن کتاب به زبان فارسی است ، وی چگونگی خواندن «نماز مظلوم» را بیان نکرده است؛ لیکن، در بخش نمازها به بیان «نماز مظلوم» که در کتاب «مکارم الأخلاق» یافتیم ، می پردازیم . (مکیال المکارم : ۲/۸۵) . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَاتِهِ ، وَاسْتِذْعَاءَ لِمَزِيدِهِ ، وَاسْتِخْلَاصًا لَهُ سِپَاسٍ وَ سِتَائِشِ سِزَاوَارِ خِدَاوَنْدِ اسْتِ ، اَزْ جِهَتِ شُكْرِ گِزَارِي نِعْمَتِ هَائِشِ ، وَ دِرْخَوَاسْتِ فِزَوْنِي آن ، وَ طَلَبِ رِهَائِي وَبِهِ دُونَ غَيْرِهِ ، وَ عِيَادًا بِهِ مِنْ كُفْرَانِهِ وَالْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِهِ بِهِ سَبَبِ آنْ نِهْ غَيْرِ آنْ ، وَ پِنَاهِ بَرْدِنِ بِهِ سَبَبِ آنْ اَزْ نَاسِپَاسِي اُو وَ انكَارِ عَظْمَتِ وَ كِبْرِيَاءَتِهِ ، حَمْدًا مَنْ يَغْلَمُ أَنَّ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَاتِهِ فَمِنْ عِنْدِ رَبِّي ، وَ كِبْرِيَاءَتِي اِشْ . سِتَائِشِ كَرْدِنِ كَسِي كِهْ مِي دَانَدِ هِرْ نِعْمَتِي

دارد از پروردگارش است ، وَمَا مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَتِهِ فَبِشُوءِ جَنَائِهِ زِيدَهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ بِدَيْخَتِي وَمَجَازَاتِي كَمَا بِهِ أَوْ رَسِيدَهُ اسْتِ مِنْ جَنَائِتِي وَبِدَكَارِي هَيَّاءِ خُودِشِ اسْتِ . وَخُدَاوَنَدِ ، بِرِ مَحْمَدِ - عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ ، وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ ، وَذَرِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى كَمَا بِنْدَهُ وَفَرَسْتَادَهُ اَوْسْتِ ، وَبِرِ كَزِيدِهِ اَلْهَى اَزْ بَيْنِ مَخْلُوقَاتِ اَوْ مِي بَاشَدِ ، وَوَسِيلَهُ مُؤْمِنَانِ بَرَايِ رَسِيدِنِ بِرِ رَحْمَتِ رَحْمَتِيهِ ، وَ اِلَى الطَّاهِرِينَ وُلاؤِ اَمْرِهِ . اَللَّهُمَّ اِنَّكَ نَدَبْتَ اِلَى خُدَاوَنَدِ مِي بَاشَدِ - وَ نِيْزِ بَرِ آلِ اَنِّ حَضْرَتِ ، خَانْدَانِ پَاكِي كَمَا اَمْرِ وَ فَرْمَانِ اَلْهَى رَا عَهْدَهُ دَارِنْدِ دَرُودِ پِيُوسْتَه فَرَسْتَدِ . بَارِ اَلْهَا ؛ بِرِ رَاسْتِي فُضْلِيْكَ ، وَ اَمْرَتِ بِدُعَايِكَ ، وَ صَدِّجْنَتِ اَلْاِجَابَةِ لِعِبَادِكَ ، وَ لَمْ تَحْبِبْ كَمَا تُو ، تَشْوِيْقِ بِرِ فَضْلِ وَ اِحْسَانَتِ كَرْدِي ، وَ دَسْتُوْرِ دَادِي تُو رَا بَخُوَانَنَدِ ، وَ پَاسَخِ مَثْبِتِ خُودِ رَا بَرَايِ بِنْدِگَانِي كَمَا دَعَا كُنَنَدِ تَضْمِيْنِ مَنْ فَرَّخَ اِلَيْكَ بِرِغْنِيْتِهِ ، وَ قَصَدَ اِلَيْكَ بِحَاجَتِهِ ، وَ لَمْ تَرْجِعْ يَدُ نَمُوْدِي ؛ اَكْرَ كَسِي بَا اَشْتِيَاْقِ خُودِ بِرِ تُو پَنَاهِ اَوْرَدِ وَ بَرَايِ بَرَاوْرَدَه شَدِنِ حَاجَتِ خُوِيْشِ بِرِ دَرِگَاهِ تُو رُوِي اَوْرَدِ اَوْ رَا نَااَمِيْدِ نَمِي كُنِي ؛ ط نُوِيْسَنَدَه «مِكْيَالِ الْمَكَارِمِ» دَرِ بَخْشِي دِيْگَرِ اَزْ كِتَابِ خُودِ مِي كُوِيْدِ : نَمَاْزِ مَظْلُوْمِ بَدِيْنِ صُوْرَتِ اسْتِ كَمَا دُوْرُكْعَتِ نَمَاْزِ - بَا هَرِ سُوْرَهِ اِي كَمَا خُوَاسْتِي - مِي خُوَانِي ، وَ هَرِ قَدْرِ تُوَانَسْتِي بِرِ مَحْمَدِ وَ آلِ مَحْمَدِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صَلَوَاتِ مِي فَرَسْتِي ؛ سَبَسِ مِي كُوِيْبِي :

اَللَّهُمَّ اِنَّ لَكَ يَوْمًا تَنْتَقِمُ فِيْهِ لِمَظْلُوْمٍ مِنَ الظَّالِمِ ، لِكِنَّ هَلْعِي وَجَزَعِي لَا يَبْلُغَانِ بِي الصَّبْرَ عَلٰى اَنَاتِكَ بَارِاَلْهَا ؛ تُو ، رُوْزِي رَا دَارِي كَمَا دَرِ

آن روز برای ستمدیده از ستمگر انتقام می گیری؛ لیکن، بی صبری و زودرنجی من نمی گذارد بتوانم نسبت به مهلت دادن و بردباری تو (با ستمگران) صبر و جلیبک ، وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ فُلَانًا ظَلَمَنِي ، وَاَعْتَدِي عَلَيَّ بِقَوَّتِهِ عَلَيَّ ضَعْفِي ، فَاسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْعَرْشِ ، كنم و تاب بیاورم. خدايا؛ به خوبی می دانی که فلان شخص بر من ستم روا داشته است؛ و با قدرت و توانی که دارد و با توجه به ناتوانی من در برابر او، نسبت به حقوق من تجاوز کرده است وَقَاسِمِ الْأَرْزَاقِ ، وَقَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ ، وَنَاصِرِ الْمَظْلُومِينَ ، أَنْ تُرِيَهُ قُدْرَتَكَ ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا رَبَّ پس ای خدای صاحب عزت؛ ای تقسیم کننده روزی ها؛ ای کوبنده زورگویان؛ ای یاور و پیروز کننده ستمدیدگان؛ از تو درخواست می کنم توان و قدرتت را به او بنمایانی و نشان دهی. ای پروردگار الْعَرْشِ ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ .

عزت مند؛ تو را سوگند می دهم که این کار را همین حالا و در همین ساعت، در همین ساعت، انجام دهی .

(مکیال المکارم : ۸۶/۲)

طالیه صرغراً مِنْ عَطَانِكَ ، وَلَا خَائِبَهُ مِنْ نَحْلِ هِبَاتِكَ ، وَأَيُّ رَاحِلٍ دَسْتِي رَا كَهْ بَه دَرخوآست بَه سویت آآمده آست ، خالی از بخشش و عطای خود بر نمی گردانی ، و از هدیه های خوبت محروم رَحَلٍ إِلَيْكَ فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيباً ، أَوْ وَاوَدَّ وَقَدْ عَلِيكَ فَاقْتَطَعْتَهُ نَمِي گردانی ، تا به حال ، کدام کوچ کننده ای به سوی تو کوچ کرده آست و تو را نزدیک نیافته آست؟ یا کدام واردشونده ای بر تو وارد عَوَاقِبِ الرَّزْدِ دُونَكَ ، بَلْ أَيُّ مُحْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ يُمِهِهِ فَيُضْ شده ، او را رد کرده و پذیرایی ننموده ای؟ بلکه کدام کسی آست

که فضل تو را کاوش کند و از سرچشمه جود و جودتک، وَأَيُّ مُشْتَبِهٍ لِمَزِيدِكَ أَكْدَى دُونَ اسْتِمَاخِهِ سِجَالِ بَخْشِشِ تُو سِيرَابِ نِگَرْدَد؟ و کدام کسی است که در جستجوی فزونی از جانب تو باشد، و از عطای فراوان عَطِيَّتِكَ . اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ قَصِيْدَتُ اِلَيْكَ بِرَغْبَتِي ، وَفَرَعَتْ بِاَبِّ فَضْلِكَ تُو بَهْرَه مَنَد نِگَرْدَد؟ بار الها؛ و من با شوق و علاقه ای وصف ناپذیر، به قصد حضرت تو آمدم؛ و با دست خواهش خود، در گاه فضل و يَدُ مَسْأَلَتِي ، وَنَاجَاكَ بِخُشُوْعِ الْاِسْتِيْكَآئِهِ قَلْبِي ، وَوَجَدْتُكَ خَيْرَ فِرْوَن بَخْشِ تُو رَا كَوَيْدِم ؛ و قلبم در نهایت بیچارگی و خاشعانه به مناجات و رازگویی با تو پرداخته است؛ و تو را بهترین شَفِيْعِ لِي اِلَيْكَ ، وَقَدْ عَلِمْتُ مَا يَخْدُتُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ اَنْ يَخْطُرَ وَاَسْطَه خُود بَرَاي شَفَاعَتِ بَه سُوِي تُو يَافْتَم؛ و به خوبی می دانی خواسته های نو و تازه ام را، پیش از آن که از اندیشه من بگذرد، بِفِكْرِي ، اَوْ يَقَعُ فِي خَلْدِي ، فَصَلِّ اللّٰهُمَّ دُعَايِي اِيَّاكَ بِاِجَابَتِي ، يَا دَر رُوَان مَن بِيْفْتَد . پس ، - خداوندا - دعایم را به اجابت برسان ، وَاشْفَعْ مَسْأَلَتِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي . اَللّٰهُمَّ وَقَدْ سَمَلْنَا زَيْغَ الْفِتَنِ ، وَدَرخُوسْتَم رَا بَه دَسْت يَابِي بَه خُوسْتَم بَرَأُورْدَه سَاز . بار الها؛ فتنه های گمراه کننده ، ما را در بر گرفته است؛ وَاشْتَوَلَتْ عَلَيْنَا غَشْوَةُ الْحَيْرِه ، وَقَارَعَنَا الدُّلُّ وَالصَّغَارُ ، وَحَكَمَ وَفَرُو رَفْتَن دَر حِيْرَتِ وَسَرْدَرگَمِي بَر مَا چِيْرَه شَدَه اسْت؛ و خواری و کوچکی، ما را درهم کوبیده است؛ و کسانی که عَلَيْنَا غَيْرُ الْمُأْمُوْنِيْنَ فِي دِيْنِكَ ، وَابْتَرَأُ مُوْرَنَا

مَعَادُنُ الْأَمِينِ مِمَّنْ آمَنَ فِي دِينٍ تَوَسَّلُوا بِكَ ، وَتَسْبِيحُ فِي إِتْلَافِ عِبَادِكَ وَإِفْسَادِ بِلَادِكَ . اللَّهُمَّ
تعطیل کننده دستورات تو ، و تلاش گر در جهت تلف کردن و نغله کردن بندگان تو ، و خراب کردن و به فساد کشیدن شهرهای تو هستند . خدایا ؛ وَقَدْ عَادَ فُئِينَا ذَوْلَهُ بَعْدَ الْقَسِيمِ ، وَإِمَارَتْنَا غَلَبَهُ بَعْدَ
الْمَشُورَةِ ، پس از این که غنیمت ما را - بعد از تقسیم میان خود - مایه چیرگی و استیلای خویش قرار دادند؛ و پس از آن که فرمانروایی را وَعَدْنَا مِيرَانًا بَعْدَ الْإِخْتِيَارِ لِلأَمَّةِ ، فَاشْتَرَيْتِ الْمَلَاحِي وَالْمَعَارِفُ بِهِ
ما دادی ، آن را بر اساس شوری به کسی دیگر دادند؛ و پس از آن که برگزیده الهی بودیم به عنوان ارث آن ها شدیم . بدین سان، بِسَهْمِ الْيَتِيمِ وَالْأَرْمَلِ ، وَحَكْمِ فِي أَنْبَارِ الْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ الذَّمِّ ، وسایل لهو
و لعب و خوشگذرانی با بهره و نصیب یتیمان و بیوه زنان از بیت المال خریداری شد ، و اهل ذمه، حاکم و فرمانروای مؤمنان راستین وَوَلِي الْقِيَامِ بِأُمُورِهِمْ فَاسِقٌ كُلِّ قَبِيلَةٍ ، فَلَا ذَائِدَ يَدُوذُهُمْ عَنْ شِدْنِهِ ؛ و
فاسقان هر قبیله ای، سرپرست امور آن ها شدند ، دیگر در این شرایط نه کسی بود تا ایشان را از هَلَكَةٍ ، وَلَا رَاعٍ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الرَّحْمَةِ ، وَلَا ذُو شَفَقَةٍ يُسْبِغُ نَابُودِشِدْنِ و هلاکت نجات بخشد؛ و نه
سرپرستی که مراعات کند و با دیده رحمت به سوی ایشان بنگرد؛ و نه کسی پیدا شد تا الْكَبِدَ الْحَزِي مِنَ مَشْعَبِهِ ،

فَهُمْ أُولُوا ضَرْعٍ بِدَارٍ مَضِيغَةٍ، وَأَسِيرَاءُ دَلش بسوزد و جگر سوزان آن ها را از گرسنگی نجات بخشد و سیر کند؛ بدین سان، آنان در سرایی تباه شده با خواری بسر می بردند؛ و اسیرانی مَشْكَنَةٍ، وَخُلَفَاءُ كَابِهِ وَذِلَّةٍ. اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَشِيْتَحَصَدَ زُرْعُ الْبَاطِلِ، بِيَجَارِهِ، وَجَانشِينَانِي غَمِّ و اندوه و خوار شده گشتند. بار الها؛ در واقع، زمان برداشت کشتزار باطل و نادرستی فرا رسید، وَبَلَغَ نِهَائَتَهُ، وَاشِيْتَحَكَمَ عَمُودَهُ، وَاشِيْتَجَمَعَ طَرِيدُهُ، وَخَذِرْفَ و به نهایت رسید و پایه و ستونش محکم شد و رانده شدگان نشان گردآوری شدند، و نسل شان زیاد شد، وَلِيدُهُ، وَبَسَقَ فَرْعُهُ، وَضُرِبَ بِجِرَائِهِ. اَللّٰهُمَّ فَأَتِيحُ لَهُ مِنَ الْحَقِّ وَ شَاخٍ و برگ دواندند، و پایه های حکومت شان استوار و مستقر گردیدند. بار الها؛ دست توانایی از حق را یداً حاصِدهً تَصَدُّعُ قَائِمَهُ، وَتَهْتَشُمُ سُوقَهُ، وَتَجِبُ سَنَامَهُ، برای برکندن ریشه و اساس باطل آماده ساز؛ تا بازارش را کساد، و علو و برتری آن را از بین ببرد، وَتَجِدُ مَرَاغِمَهُ، لِيَشِيْتَحْفِي الْبَاطِلُ بِقُوِيحِ صُورَتِهِ، وَيُظَهِّرَ الْحَقَّ وَ دماغ شان را به خاک بمالد؛ تا در نتیجه، باطل مجبور شود چهره زشتش را پنهان کند، و حق و حقیقت نیز بخشن حُلِّيَتِهِ. اَللّٰهُمَّ وَلَا تَدْعُ لِلْجَوْرِ دَعَاةً اِلَّا قَصِيْتُمَهَا، وَلَا چهره زیبا و نیکوی خود را آشکار گرداند. خدایا؛ تمام ارکان و پایه های باطل را درهم بشکن؛ تمام حُجَّتَهُ اِلَّا هَتَكْتَهَا، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً اِلَّا فَوَّقْتَهَا، وَلَا سَرِيَةً تَقُلُ سِرِّهَا، و اجتماع کلمه

و اتحادش را پراکنده ، و لشکر سنگینش را اِلَّا حَفُّفْتُهَا ، وَلَا قَائِمَةً عَلُوًّا اِلَّا حَطَطْتُهَا ، وَلَا رَافِعَةً عَلِمَ اِلَّا بِي اِرْزَش (و خلع سلاح) فرما ، تمام پایه های بلند و برتری اش را به زیر کشیده ، و تمام علم ها و پرچم های برافراشته اش را نَكَشَيْتَهَا ، وَلَا خَضْرَاءَ اِلَّا اَبْرَتْهَا . اَللّٰهُمَّ فَكِّرْهُ شَمْسُهُ ، وَحُطِّ سِرْنُگُون ، و تمام سبزه زارهایش را خشک کن . خدایا ؛ خورشید باطل را تاریک و خاموش گردان ، و روشنی اش را از بین ببر ، نُورَهُ ، واطمینس ذِكْرَهُ ، وَاِزْمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ ، وَفُضِّ حَيُّوْسَهُ ، و یادش را محو و ناپدید گردان ؛ به واسطه حق و حقیقت ، سرش را بیفکن ؛ و سپاهیانش را پراکنده ساز؛ وَاِزْعَبْ قُلُوْبَ اَهْلِهِ . اَللّٰهُمَّ وَلَا تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّةً اِلَّا اَفْنَيْتَ ، وَلَا و دل های آن ها را پر از رعب و وحشت کن . خدایا ؛ از باطل هیچ باقی مانده ای مگذار، و همه را نابود ساز؛ بُنِيَهُ اِلَّا سَوَيْتَ ، وَلَا خَلَقَهُ اِلَّا قَصَيْمَتَ ، وَلَا سِيْلَاحًا اِلَّا اَكَلَّتْ ، تمام ساختمان هایش را با خاک یکسان کن ؛ تمام حلقه های محاصره آن ها را بشکن ؛ تمام سلاح های آن را بی اثر کن ؛ وَلَا حَدًا اِلَّا قَلَّلْتَ ، وَلَا كِرَاعًا اِلَّا اَجْتَحَتَ ، وَلَا حَامِلَةً عَلِمَ اِلَّا لَبِهَ هَي اَنْ هَا را بشکن ؛ تمام چارپایان شان را نابود و بیچاره کن ؛ و تمام پرچم داران شان را بر نَكَشَتْ . اَللّٰهُمَّ وَاَرِنَا اَنْصَارَهُ عِبَادِيْدَ بَعْدَ اَللّٰفِهِ ، وَشَتَّى بَعْدَ زَمِيْنِ بَزْنِ . خدایا؛ به ما بنمایان که یاران باطل، پس از آن که از یکدیگر جدا نمی شدند به بردگی رفته اند؛

و پس از آن که با یکدیگر اجتماع الکلبه، و مُقْبَعِي الرُّؤُوسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى اللَّامَةِ، وحدت داشتند و هم پیمان شده بودند، پراکنده گشته اند؛ و بعد از غلبه و چیرگی بر امت، سرافکنده و خوار شده اند. وَأَشِيرُوا لَنَا عَنْ نَهَارِ الْعِدْلِ، وَأَرِنَاهُ سِرِّمَدًا لَا ظَلَمَةَ فِيهِ، وَتَوَرَّأْ خدایا؛ (روز عدل و دادگری را برای ما آشکار کن، و آن را به ما بنمایان در حالی که پاینده است و هیچ تاریکی در آن نیست، و لا شُؤْبَ مَعَهُ، وَاهْطَلْ عَلَيْنَا نَابِئَتَهُ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ، وَأَدِلْ رُوشَنی اش بدون هیچ شائبه ای است، و از باران همیشگی آن بر ما نازل، و برکتش را به ما برسان، و هر کسی که مِمَّنْ نَاوَاهُ، وَأَنْصُرُهُ عَلَى مَنْ عَادَاهُ. أَللَّهُمَّ وَأُظْهِرِ الْحَقَّ، قصد بدی راجع به او دارد مغلوبش گردان، و او را بر تمام دشمنانش بیروز گردان. بار الها؛ حق را آشکار کن، وَأُصْبِحْ بِهِ فِي غَسَقِي الظُّلْمِ وَبُهُمِ الْخَيْرِ. أَللَّهُمَّ وَأَخِي بِهِ وَصَبِحَ وَپایان تاریکی ها و سرگردانی ها را برسان. خدایا؛ به وسیله او قلب های مرده را الْقُلُوبِ الْمَيِّتَةِ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَالْأَرَءَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ، زنده گردان، و گرایش های پراکنده را گرد هم آور، و نظرات متفاوت را یکی کن، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَأَشْبِعْ بِهِ وَحدود تعطیل شده را برپا دار، و دستورات دینی واگذاشته شده را دوباره به جریان بینداز، و الْخِمَاصَ السَّاجِبَةَ، وَأَرْخِ بِهِ الْأَبْدَانَ اللَّائِغَةَ الْمُتَعَبِّبَةَ، كَمَا

گرسنگان را سیر گردان و بدن های رنجیده و سختی کشیده را آسوده و راحت گردان ؛ همان گونه که اَلْهَيْجَتَا بِذِكْرِهِ ، وَأَخْطَرَتْ بِإِلْنَا دُعَاءَ كَلِّهِ ، وَوَفَّقْنَا لِلدُّعَاءِ زَبَانَ مَا رَا بِهِ يَادُ أَوْ گویا کردی، و بر قلب ما گذراندی که تو را به خاطر او بخوانیم و دعایش کنیم، و موفق مان گرداندی تا مردم إِلَيْهِ ، وَحْيَا شِهْ أَهْلَ الْعَفْلِهِ عَنَّهُ ، وَأَشِيكَتْ فِي قُلُوبِنَا مَحَبَّتَهُ ، رَا بِهِ سَوَى أَوْ فِرَا بِخَوَانِيمِ ، وَغَافِلَانِ رَا أَزْ أَوْ دُورِ كُنِيمِ ؛ مَحَبَّتِ وَ دُوسْتِي نَسَبْتِ بِهِ أَوْ رَا دَرِ دَلِ مَا جَايِ دَادِي ، وَالطَّمَعِ فِيهِ ، وَحُسْنِ الظَّنِّ بِحِكِّ ، لِإِقَامِهِ مَرَايَجِهِ . اَللَّهُمَّ فَأْتِ لَنَا وَ گرایش یافتن و میل کردن به او را، و خوش گمانی به خودت نسبت به برپا شدن دولت او را، در دل مان گذاشتی . بار الها؛ مِنْهُ عَلَيَّ أَحْسَنَ يَقِينٍ ، يَا مُحَقِّقَ الظُّنُونِ الْحَسْبِيِّهِ ، وَيَا مُصَدِّقَ بَهْتَرِينَ يَقِينِ نَسَبْتِ بِهِ أَوْ رَا بِهِ مَا بَدَه ؛ اَيِ تَحَقَّقَ بَخْشِ خُوشِ گمانی ها؛ اَيِ رَاسْتِ آوَرَنْدَه اَلْأَمَالِ الْمُطِيبَةِ . اَللَّهُمَّ وَأَكْذِبْ بِهِ الْمَتَّالِينَ عَلَيْكَ فِيهِ ، وَأَخْلِفْ آرزوهای درونی ؛ بار الها ؛ به وسیله او کسانی را که در مورد او علیه تو حکم می کنند ، تَكْذِيبِ كُنْ ؛ وَ بِهِ ظُنُونِ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَالْأَيْسِينَ مِنْهُ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا بِهِ وَسَطَهُ أَوْ گمان های کسانی را که از رحمت تو ناامید و از او مأیوس اند ، نادرست گردان . خدایا ؛ سَيِّبَاً مِنْ أَشْبَابِهِ ، وَعَلِمَاً مِنْ أَغْلَامِهِ ، وَمَعْقَلًا مِنْ مَعَاقِلِهِ ، مَا رَا وَسِيلَهُ اَيِ اَزْ وَسَائِلِ أَوْ وَ پَرَجَمِي اَزْ پَرَجَمِ هَايِ أَوْ وَ

، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَى غَيْرِ الْمُشِيخِيحِينَ ، نگذارند به پاسخ گویی آشکار تو دست یابیم . این در حالی است که تو به کسانی که استحقاق ندارند مهربانی و فضل و بخشش و الْمُتَبَدِّئُ بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ السَّابِلِينَ ، فَأَتَيْتْنَا مِنْ أَمْرِنَا عَلَى مِثْلِ كُنْ؛ و نسبت به کسانی که درخواست نیز نمی کنند ، خودت شروع به احسان و نیکی می کنی . بدین سان ، کار ما را بر حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَآمِنَانِكَ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ ، حسب کرامت و بزرگواری، سخاوت، فضل و مَنّت نهادنت، درست کن . همانا، تو هر کاری بخواهی انجام می دهی؛ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ ، وَمِنْ جَمِيعِ دُنُوبِنَا تَائِبُونَ . و به هر چه اراده کنی ، حکم می کنی . ما به سوی تو اشتیاق داریم ، و از تمام گناهان مان توبه می کنیم . اَللَّهُمَّ وَالِدَ الدَّاعِي إِلَيْكَ ، وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ ، اَلْفَقِيرُ إِلَى بَارِئِهَا ؛ همان کسی را که تنها به سوی تو فرامی خواند، و از بین بندگانت برای برقراری عدل و داد دست به قیام می زند، و خود را زَحْمَتِكَ ، اَلْمُحْتَاجُ إِلَى مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ ، إِذْ اِبْتَدَأْتَهُ بِعِمَّتِكَ ، نیازمند رحمت می داند ، و احتیاج به کمک تو برای فرمان برداریت دارد ؛ همان کسی که ابتداءً نعمتت را به او مرحمت کردی ، وَأَلْبَسْتَهُ أَثْوَابَ كَرَامَتِكَ ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ ، وَجَبَّتْ وَ لَبَسَتْ هِيَ كَرَامَتِهَا ؛ و پوشانیدی ، و دوست داشتن فرمان برداریت را بر دلش افکندی، و از روی محبتت و طَاطَةُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ ، وَوَفَّقْتَهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضُ فِيهِ جَائِغَاهُ رَا دِرْ قَلْبِهَا مُحْكَمٌ گردانیدی ،

و موفق کردی بعضی از دستوراتت را که اهل زمانه من افریک، و جعلته مفرعاً لمظلوم عبادک، و ناصراً مردم زمانه از انجامش خودداری کرده اند، انجام دهد؛ و او را گریزگاه و پناه گاهی برای بندگان ستمدیده ات، یاور لمن لایجد ناصراً غیرک، و مؤجداً لما عطل من احکام کتابک، کسانی که جز تو یاوری نیافته اند، تازه کننده احکام تعطیل شده و فراموش شده قرآنت، و مُشیداً لما رُد من اُغلام دینک، و شین نبيک علیه و اله و محکم کننده آن دسته از نشانه های دینت که رد شده است، و محکم کننده و برپاکننده سنت ها و روش های کنار زده شده سبیلک و صلواتک و رحمتک و بركاتک. فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي پیامبرت - که درود و سلام و رحمت و برکت های تو بر او و آل او باد - قرار دادی. خدایا؛ (بدین جهت ها) حصانه من بئس المعتدين، و أشرق به القلوب المختلفه من او را در پناه گاهی قرار ده تا از شر متجاوزان در امان باشد؛ و دل هایی را که از بغاه الدین، و بلغ به أفضل ما بلغت به القائمين بقسطک من ستم ستمگران دچار اختلاف گشته به سبب او روشن گردان؛ و او را به برترین چیزهایی برسان، که قیام کنندگان برای عدالت - در اتباع النبین. اللَّهُمَّ وَأَذِلُّ بِهِ مَنْ لَمْ تُشِهِمْ لَهُ فِي الرَّجْوِ إِلَى بَيْنِ پیروان پیامبرانت - بدان ها دست یافته اند. خدایا؛ کسانی که سهمی برای بازگشت به محبت خودت برای ایشان قرار نداده ای مَحَبَّتِكَ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَدَاوَةَ، وَارْمِ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ مَنْ أَرَادَ رَا به دست آن حضرت، خوار و ذلیل گردان؛

و نیز، کسانی را که بنای دشمنی با او دارند، خوار کن . و بیفکن سنگ عذاب ناپودکننده ات را التَّالِيَةِ عَلَى دِينِكَ بِإِذْلَالِهِ ، وَتَشْتِيَةِ أَمْرِهِ ، وَأَغْضَبِ لِمَنْ لَا بِهِ طَرَفَ تَمَامِ كَسَانِي كَهَ قَصْدِ دَارِنْدِ بَا شُورَانْدِنِ
مردم علیه دین تو ، او را به خواری و بیچارگی بکشانند و آموزش را پراکنده کنند . (خدایا؛ غضب تیره له و لا طائله ، و عادی الأقرین والأبعدين فيك منّا منك نما برای شخصی که طلب کننده خونی برای
او نباشد و قوت توانگری برای او نباشد و دشمنی می کند با نزدیکان و دوران در راه تو. این کارها را به علیه ، لا منّا منه عليك . اللهم فكما نصبت نفسه غرضاً فيك عنوان متنی از تو بر او می دانیم، نه این
که او بر تو متنی داشته باشد . بار الها؛ همان گونه که جان خویش را به خاطر تو در تیر رس للآبعدين، و جاد بئذلي متهجته لك في الذب عن حریم المؤمنین، مخالفان قرار داد ، و سعی نیکو نموده است به
بذل خون خود از برای دفاع نمودن از حریم مؤمنان ؛ وَرَدَّ شَرَّ بُعَاةِ الْمُؤْتَدِينَ الْمُرْبِيبِينَ حَتَّى أَخْفَى مَا كَانَ جُهَازَ بِهِ مِنْ وَدَرْدَ شَرِّ وَرَأَى الْعُلَمَاءَ وَرَأَى ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ وَجِزَاهِي رَا أَشْكَارَ كَرَدَ كَه دَانِشْمَنْدَانِ دِیْنِ بِيْمَانِ دَادَه بُوْدَنْدِ آن چِزَهَا رَا مِثَاقَهُمْ عَلٰی أَنْ یُبَيِّنُوهُ
گناهای که آشکار شده بود پنهان کرد المعاصی ، وَأَبْدَا مَا كَانَ بِيَدِهِ الْعُلَمَاءَ وَرَأَى ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ وَجِزَاهِي رَا أَشْكَارَ كَرَدَ كَه دَانِشْمَنْدَانِ دِیْنِ بِيْمَانِ دَادَه بُوْدَنْدِ آن چِزَهَا رَا مِثَاقَهُمْ عَلٰی أَنْ یُبَيِّنُوهُ
لِلنَّاسِ وَلَا یَكْتُمُوهُ ، وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ بِرَا مَرْدَمِ تَبیینِ وَرُوشَنِ كَنْدِ وَ كَتْمَانِ نَكْتَنْدِ؛ وَلیِ آنِ اَمُورِ

را به فراموشی سپرده بودند؛ و مردم را تنها بِالطَّاعِيهِ ، وَأَلَّا يَجْعَلَ لَكَ شَرِيكًا مِنْ خَلْقِكَ يَعْلَمُ أَمْرُهُ عَلَيَّ بِهِ فَرْمَانِ بَرَدَارِي از تو فرا خواند ، و اینکه کسی از مخلوقات را برای تو شریک قرار ندهد و دستورش را اَمْرِكَ ، مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فَيْكَ مِنْ مَرَارَاتِ الْعَيْظِ الْجَارِحَةِ برتر از دستور تو قرار ندهد . افزون بر آن چه گفته شد ، تلخی سختی ها و رنج های خشمی را که بِخَوَاسٍ [بِمَوَاسِي خ] الْقُلُوبِ ، وَمَا يَغْتَوِرُهُ مِنَ الْعُمُومِ ، وَيَفْزَعُ قَلْبَ رَا مَجْرُوحِ مِي كِنْد ، در راه تو جرعه جرعه می نوشد ؛ غم هایی را که پیوسته به او می رسد ، تَحْمَلُ مِي كِنْد ؛ عَلَيْهِ مِنْ اَخْدَاتِ الْحُطُوبِ ، وَيَشْرَقُ بِهِ مِنَ الْعَصِيصِ اَلَّتِي اَمُورِ دَرْدَنَاكِي كِه تَاَزِه بِه اُو مِي رَسَد كِه هِر لِحْظِه تَاَزِه تَر مِي شُود ؛ غَضِه هَايِي كِه دَر لَا تَنْتَبِلُهَا الْخُلُوقُ وَلَا تَخُونُ عَلَيْهَا الصُّلُوعُ عِنْدَ نَظَرِهِ اِلَى اَمْرِ كَلُوبِي مَانَدِه و از حلقوم فرو نمی رود، و پهلوی انسان توان تحملش را ندارد؛ تَحْمَلُ مِي كِنْد . اَيْن هَا دَر هِنْكَامِي اَسْت كِه بِه دَسْتُورِي مِنْ اَمْرِكَ ، وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ اِلَى مَحْيَتِكَ . فَاشْدُدْ اَز دَسْتُورَات و كَارَهَاي تُو مِي نَكْرَد ، و لي دَسْتَش كُوتَاَه اَسْت و نَمِي تُوَانَد اَن دَسْتُور دِگَر كُون شُدِه رَا تَغْيِير دِهَد و اَن كُونِه كِه تُو دُوسْت دَارِي قَرَارَش اَللّٰهُمَّ اَزْرُهُ بِنَصْرِكَ ، وَأَطِلْ بَاعَهُ فِيمَا قَصِيرَ عَنْهُ مِنْ اِطْرَادِ دِهَد . خُدَايَا؛ بَا يَارِيْت پَشْتَش رَا مَحْكَم كَرْدَان ، و تُوَانَاي اَش بَدِه دَر مُورِد اَنجِه تُوَانَسْتِه اَنجَام دِهَد اَز دُور كَرْدن الرَّاغِبِيْنَ فِي جِمَاكَ ، وَرَدَّهُ فِي قُوَّتِهِ بِسَطَّةٍ مِنْ تَأْيِيدِكَ ، خُوشْكَذْرَان هَا دَر رَاه حَرَام و مَعْصِيَت تُو

؛ و نیروی او را از جهت باز شدن دستش با تأیید خودت افزایش بده ؛ وَلَا تُؤْجِسْنَا مِنْ أَنْبِيِهِ ، وَلَا تَخْتَرِمَهُ دُونَ أَمَلِهِ مِنَ الصَّلَاحِ مَا رَا مِنْ أَنْسِ كَرَفْتِن بَا او مَكْرِبِرَان) به وحشت مینداز(؛ آرزویش را - که درستی و اصلاح الفاشی فی أَهْلِ مِلَّتِهِ ، وَالْعَدْلُ الظَّاهِرُ فِي أُمَّتِهِ . اللَّهُمَّ وَسَّرِّفْ فِرَاكِرِ أُمُورِ مَرْدَمِش وَ عَدَالَتِ آشْكَارِ دَرِ بَیْنِ شَانِ اسْت - بر باد مده و ناامیدش مساز . خدایا ؛ هنگامِ بَمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَدَى مَوْقِفِ الْحِسَابِ مَقَامَهُ ، حساب و کتاب بندگانت ، جایگاه او را به خاطر آنچه استقبال کرد از برپا داشتن فرمات ، شرافت مند گردان ؛ وَسَرِّبْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤُوسِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلِيَّ پیامبرت حضرت محمّد را - که درود تو بر او و آل او باد - با دیدن آن بزرگوار و کسانی که دعوتش را پذیرفته و از او پیروی دَعْوَتِهِ ، وَأَنْزِلْ لَهُ عَلَيَّ مَا وَأَيْتُهُ فَأَيَّمَا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ ثَوَابَهُ ، کردند؛ شادمان گردان . و به خاطر این که به دستور تو قیام کرده و دستورات را اجرا می کند، ثوابش را بر آنچه وعده کرده ای افزون وَاِئِنْ قُرْبَ دُنُوهُ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ ، وَارْحَمْ اشْرِيكَاتِنَا مِنْ بَعْدِهِ ، و شایسته گردان؛ در زمان زندگانش نیز او را به مقام قرب خود نزدیک بگردان، و به بیچارگی و بدبختی ما پس از او رحم کن؛ وَاشْرِيخْدَآءَنَا لِمَنْ كُنَّا نَقْمَعُهُ بِهِ إِذَا فَقَدْتَنَا وَجْهَهُ ، وَبَسَطْتَ أَيْدِيَ (خدایا؛ به ما رحم کن آن گاه که پس از گم کردن روی مبارک او، مجبور به فروتنی

در برابر کسانی شویم که با او نابودشان من کُنَّا نَبِطُّ أُيُدِنَا عَلَيْهِ لِنُرَدَّهُ عَنْ مَعْصِيَتِهِ ، وَافْتِرَاقَنَا بَعِيدٌ مِي كَرْدِيم؛ و کسانی که ما برایشان مسلط شده بودیم تا آنها را از نافرمانی آن حضرت باز داریم، بر ما مسلط شوند؛ الْمَالْفِهِ وَالْإِجْتِمَاعِ تَخْتِ ظِلُّ كَنْفِهِ ، وَتَلَهَّفُنَا عِنْدَ الْفَوْتِ عَلِي مَا رَحِم كِن بر ما که پس از هماهنگی و دوستی و گرد آمدن در زیر سایه حمایت او، دوباره پراکنده شویم؛ رحم کن حسرت خوردن أَفْعَدْتَنَا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ ، وَطَلَبْنَا مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ مَا لَا سَبِيلَ لَنَا مَا رَا - هنگام از دست دادن - بر آنچه ما را بازداشتی از یاری او و طلب برپائی حق آنچه برای ما راهی اِلی رَجَعْتِهِ . وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشْفَقُ عَلَيْهِ مِنْهُ ، وَرُدُّهُ بِسُورِي بَارِكْتَ أَنْ نَيْسَتْ . خدایا ؛ او را در امان بدار از چیزهایی که برایش می ترسیم؛ عَنْهُ مِنْ سِيَهَامِ الْمَكَائِدِ مَا يُوجِّهُهُ أَهْلُ السُّنَنِ اِلیهِ وَ اِلی وَ از او دور گردان تیرهای نیرنگی را که کینه توزان و بدخواهانش پرتاب می کنند به سوی او شَرَّ كَاتِبِي فِي أَمْرِهِ ، وَمُعَاوِنِيهِ عَلِي طَاعَةِ رَبِّي ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ) و همراهان و کمک رسانان او در راه فرمان برداری از پروردگارش(؛ همان مددکارانی که آنان را سِلَاحَهُ وَجِصِيئَهُ وَمَفْرَعَهُ وَأَنْسَهُ ، الَّذِينَ سَلُوا عَنِ الْأَهْلِ اسلحه ، دژ ، پناهگاه و مونس آن حضرت قرار داده ای ؛ همان عزیزان و یاورانی که از خانواده و فرزندان شان دست کشیده ، وَالْأَوْلَادِ ، وَجَفَّوْا الْوَطْنَ ، وَعَطَّلُوا الْوَيْتِزَ مِنَ الْمِهَادِ ، وَرَفَضُوا وَطْنَ رَا تَرَكَ كَرْدَنَد ، و از بستر و خواب

آرام گذشتند ، و تجارتیہم ، وَأَصْرُوا بِمَعَارِبِيَّتِهِمْ ، وَقَفُّدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ عَجْبَةٍ تِجَارَتِهَا وَبِازْرَگَانِي خُود رَا رَهَا كَرْدَنَد ، وَبِه كَسْب وَكَار خُوِيش ضَرَر وَزِيَان وَارَد كَرْدَنَد ؛ وَبِدُون پَنَهَان شَدَن عَنْ مِضِرِّيِّهِمْ ، وَخَالَلُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاَصَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ ، وَقَلُّوا مِنْ شَهْرِيَّانِ فِي مَجَالِسِ وَمَحَافِلِ عَمُومِي وَمَهْم شَان پِيدَايشَان نَشَد ؛ وَبَا اِفْرَاد دُورْدَسْتِي كِه نَسَبِي نِدَاشْتَنَد ، بِه خَاَطِر كَمَك وَبَارِي الْقَرِيبِ مِمَّنْ صِيَدَ عَنْ وَجْهِيَّتِهِمْ ، فَاتَّخَفُوا بَعْدَ التَّدَايُرِ وَالْتِقَاعِ أَنَّهُمَا فِي كَارَشَان ، رَابَطَه دُوسْتِي بِرَقْرَار كَرْدَنَد ؛ وَزَدِيكَانِي رَا كِه سَد رَاه شَان مِي شَدَنَد ، كِنَار كَذَاشْتَنَد ؛ وَپَس از آن هَمِه اِخْتِلَافِ وَدَشْمَنِي وَفِي دَهْرِهِمْ ، وَقَطَعُوا الْأَشْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا . قَطْعِ رَابَطَه دَر رُوز گَارَشَان ، گِرُوهِي تَشْكِيل دَادَنَد ؛ وَهَمِه وَسِيلَه هَايِي رَا كِه آن هَا رَا بِه خَار وَخَاشَاك زُود گِذَر دُنْيَا مِي رَسَانِيد از بِيخ وَفَاجِعَلُهُمْ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ جَزْرِكَ وَظِلِّ كَفَيْكَ ، وَرَدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ بِنَ بَرَكَنَد . بَارِهَا ؛ بَدِينِ تَرْتِيبِ ، اِيشَان رَا دَر اِمَان نَكِهْدَارِيَتِ ، وَسَايَه حَمَايَتِ خُودَتِ قَرَار بَدَه ؛ قَصْدَ اِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَأَجْزَلَ لَهُمْ عَلَى دَعْوَتِهِمْ مِنْ وَبَدِي وَشَرِّ هَر يَكِ از بِنْد گَانَتِ رَا كِه قَصْدِ دَشْمَنِي بَا اَنَان رَا دَارَد ، از اِيشَان بَر گِرْدَان ؛ وَبِه خَاَطِر دَعْوَتِشَان بِه سُوِي تُو ، كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ ، وَأَمِدَّهُمْ بِتَأْيِيدِكَ وَنُصْرِكَ ، وَأَرْزُقِي بِحَقِّهِمْ سِرْبَرَسْتِي وَ اِمْدَاد خُوِيش رَا بَرايِ اَن هَا زِيَاد كُن ؛ وَبَا تُوْفِيقِ وَبَارِي وَبِيروزيَتِ ، حَمَايَتِ شَان كُن ؛ وَبِه وَسِيلَه حَقِّ وَحَقِيقَتِ اَن هَا بَا طَلِّ مَنْ اَرَادَ اِطْفَاءَ نُورِكَ .

اللَّهُمَّ وَأَمَّا بِهِمْ كُلُّ أُفٍّ مِنْ بَاطِلٍ رَا مِنْ كِسَانِي كَه قَصْدِ خَامُوشِ كَرْدَنِ نُورِ تُو رَا دَارِنْدِ ، نَابُودِ كَرْدَانِ . بَارِهَا ؛ بِه وَسِيلَه ايشان ، تَمَامِ افقِ هَايِ هَسْتِي ، الْاَفَاقِ ، وَقَطْرٍ مِنْ الْاَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَزْحَمَةً وَفَضْلًا ، وَتَمَامِ كُوشَه هَا وَاَقْطَارِ جِهَانِ رَا ، بِرِازِ دَادِ وَعَدْلِ وَرَحْمِ وَمَهْرِبَانِي وَاحْسَانِ كَرْدَانِ ، وَاشْكُرُهُمْ عَلَي حَسَبِ كَرَمِيكَ وَجُودِكَ وَمَا مَنَنْتَ بِه عَلَي وَبِه ايشان (ياران آن حضرت) پاداش بده بر حسب كرامت و سخاوت مندی و مَنّت هابیی كه نسبت به بندگان الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَادَّخَرْتَ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا يَرْفَعُ عِدَالَتِ مَنَدَتِ دَارِي ، وَ ثَوَابِ هَابِيِي كه براي شان ذخيره كرده ای ، وَ درجه ايشان را به آن بالا می بَرِي ، لَهُمْ بِه الدَّرَجَاتِ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ . (۹) به راستی كه تو هر چه را بخواهی انجام می دهی، و آنچه را اراده كنی، حكَم می فرمایی .

در كتاب «البلد الأمين» این عبارات نیز وجود دارد :

وَصَيَلِيَّ اللّٰهُ عَلَي خَيْرِيَه مِنْ خَلْقِه مُحَمَّدٍ وَ اِلِه الْاَطْهَارِ . اَللّٰهُمَّ وَ خَدَاوِنْدِ ، دَرُودِ پِيُوسْتَه اش را بر برگزیده مخلوقاتش یعنی حضرت محمّد و خاندانِ پاكش نثار كند . بارِهَا ؛ اِنِّي اَجِدُ هَذِهِ النُّدْبَةَ اِثْمَحَتْ دَلَالَتُهَا ، وَدَرَسَتْ اَعْلَامُهَا ، وَعَفَّتْ اَيْنِ كُوشَه فِكْرِ مِي كَنَمِ كه اَيْنِ نَدَبَه وَ زَارِي دَلالَتش مَحُو شده ، وَ نَشَانَه هَايِ اَشْكَارَش كَهْنَه شده، وَ تَنهَا اِلَّا ذِكْرُهَا ، وَتِلَاوَةُ الْحَجَّه بِهَا . اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَجِدُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَادَشِ وَ قِرَائَتِ كَرْدَنِ اسْتِدْلَالِ بِه اَن مَانَدَه . خَدَايَا ؛ مَن ، بَيْنِ خُودِمِ وَ تُو ، مُسْتَبْتِهَاتِ تَقَطُّعْنِي

دُونِكَ ، وَمُطِئَاتٍ تَقْعُدُ بِى عَنْ إِجَابَتِكَ ، اشتباهاتی می بینم که مرا از تو جدا می سازند ؛ و موانعی که مرا از اجابت تو باز می دارند ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّى عَبْدُكَ وَلَا يُرَحِلُ إِلَيْكَ إِلَّا بِرِزْقٍ وَأَنَّكَ لَا تَخْجُبُ وَبِهِ خَيْرٌ لِّى دَانِمٌ مِّنْ بِنْدَةٍ هَسْتُمْ ، و نیز معلوم است که تنها با زاد و توشه می توان به سوی تو کوچ کرد ؛ تو ، عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ يُخْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ زَادَاز مَخْلُوقَاتٍ فَاصِلَةٌ نَدَارَى ، و این کارهای بندگان است که ایشان را از تو محجوب و محروم می سازد . خدایا ؛ به خوبی می دانم که توشه الرِّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةِ يَخْتَارُكَ بِهَا ، وَبَصِيرَةٌ بِهَا إِلَى مَا يُؤَدَّى كَوَجَّ كُنْدَةً بِه سَوَى تُو ، هَمَانِ ارَادَةٍ وَتَصْمِيمِ قَطْعِي اسْتِ كَه تُو رَا بِه آن بر می گزیند - تا به سویت بیاید - ۱ . مهج الدعوات : ۸۵ ، البلد الأمين : ۶۶۰ ، و مصباح المتعجل : ۱۵۶ با اندکی تفاوت .

إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ وَقَدْ نَادَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي فَاسْتَبَقْنِي نِعْمَتَكَ وَبَدِينِ وَسِيلَةٍ لِّى رَسِيدَةٍ بِه سَوَى تُو حَرَكَةٍ مِى كُنْد . بَارِهَا ؛ قَلْبِ مِّنْ ، بَا تَصْمِيمِ قَطْعِي خُودِ تُو رَا نَدَا مِى دَهْد ؛ پَسْ ، نَعْمَتِ رَا بِفَهْمِ حُجْبَتِكَ لِسَانِي وَمَا تَسْتَرُّ لِي مِنْ إِرَادَتِكَ . اللَّهُمَّ فَلَا بَرَاءَةَ لِي بِه سَبَبِ فَهْمِي دِنِ حُجَّتِ پَايدَارِ كُنْ ، وَ هَرِ چِه مَمْكِنِ اسْتِ بَا ارَادَةِ خُودِ بَرَاءِمِ فَرَاهِمِ كُنْ . بَارِهَا ؛ اُخْتَرَلَنْ عَنكَ وَأَنَا اُمُّكَ ، وَلَا اُخْتَلَجَنَّ عَنكَ وَأَنَا اُتَحَرَّاكَ . اللَّهُمَّ مِّنْ تُو رَا قَصْدِ كَرْدَمِ ؛ پَسْ ، مَرَا از خُودِ جَدَا مَسَاز ؛

و من در جستجوی تو هستم، پس مگذار از تو بریده شوم. خدایا؛ وَاُیِّدْنَا بِمَا نَسْتَخْرِجُ بِهِ فَاقَهُ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا، وَتَنَعُّشْنَا مِنْ طُورِي مَا رَا مَوْفِقَ گِردان که فقر و نیاز دنیوی را از قلب مان بیرون کنیم؛ و ما را بلند کن از مصارعِ هوانها، وَتَهْدِيْمَ بِهِ عَنَّا مَا شِئِدَ مِنْ بُيَانِهَا، وَتَشْقِيْنَا مَحَلَّ هَاي سَقُوْطِ بَسْتِ وَ بِي اَرْزَشِ دَنِيَايِي؛ و پایه های محکم علاقه به دنیا در درون ما را ویران ساز؛ وَبِكَأْسِ السَّلْوَةِ عَنْهَا حَتَّى تُخَلِّصَنَا لِعِبَادَتِكَ، وَتُوَرِّثَنَا مِيرَاثَ بِي مَا جَامِي از جدایی و رهایی از آن بنوشان تا برای بندگی ات ما را خالص گردانی. و میراث جاودانه اَوْلِيَايِكَ الَّذِيْنَ صَرَبْتَ لَهُمْ الْمَنَازِلَ اِلَى قَصْدِكَ، وَ اَنْشَتَ دُوسْتَانِ خُودِ رَا نَصِيْبَ مَا نِ كُنْ، هِمَانِ دُوسْتَانِي كِي جَايْگَاهِ هَايِي بَرَايِ رَسِيْدِنِ بِي خُودِ رَا بَرَايِ شَانِ دَرَسْتِ كَرْدِي، وَخَشْتَهُمْ حَتَّى وَصَلُوا اِلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اِنْ كَانَ هُوِي مِنْ هُوِي وَ وَحْشَتِ شَانِ رَا تَبْدِيْلِ بِي اَنْسِ وَ اَرَامِشِ نِمُودِي تَا دَر نِهَايْتِ بِي وَصَالِ تُو رَسِيْدِنِد. خدایا؛ اِگَر از خواهش ها یا الدُّنْيَا اَوْ فِتْنَه مِنْ فِتْنِهَا عَلَيَّ بَقُلُوْبِنَا حَتَّى قَطَعْنَا عَنْكَ اَوْ حَجَبْنَا فِتْنَه هَا وَ فَرِيْبِنْدِگِي هَايِ دَنِيَايِي، بَا زِ هِم چِيْزِي بِي دَلِ مَا نِ چَسِيْبِيْدِه بُوْدِ تَا مَا رَا زِ تُو جِدَا سَا زِدِ يَا اَزِ عَنِّ رَضُوَايِكَ، وَ قَعَدَ بِنَا عَنِّ اِجَابَتِكَ، فَاقْطَعْ اَللّٰهُمَّ كُلَّ حَبْلٍ مِنْ رِضْوَانِ وَ خَشْنُودِي اِتِ مَحْرُومِ سَا Zِدِ، وَ اَزِ دَسْتِ يَا بِي بِي اِجَابَتِ تُو بَا زِمَانِ دَارِد؛ (خدایا؛) هِر رِشْتِه عِلَاقَه دَنِيَايِي رَا كِي بَخُوَاهِدِ جِبَالِهَا جَدَّبْنَا عَنِّ طَاعَتِكَ، وَ اَغْرَضَ بَقُلُوْبِنَا عَنِّ اَدَاءِ فَرَا بَصِيْكَ، مَا رَا اَزِ فَرْمَانِ بَرْدَارِي

تو برگردد و جذب دنیا کند، یا قلب های ما را از انجام واجبات تو باز داشته و روگردان کند؛ از بیخ و بن برکن . وَاشْرَقْنَا عَنْ ذَلِكَ سَلْمًا وَصَبْرًا يُورِدُنَا عَلَى عَفْوِكَ ، وَيُقِدُّنَا دَعَايَ قَنُوتِ حَضْرَتِ بَقِيَّةِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام

و جام رهایی و استقامت در برابر آن را به ما بنوشان که ما را به عفو و بخشش تو برساند ، و ما را وا دارد علی مَرْضَاتِكَ ، إِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ . اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنَا قَائِمِينَ عَلَى تَابِ رِضْوَانِ وَخَشْنُوْدِيْتِ دَسْتِ يَابِيْمِمْ ؛ بَه رَاسْتِي كِه اَخْتِيَارِ اِيْن كَارِهَا دَر دَسْتِ بَا كِفَايْتِ تُوَسْتِ . بَارِ اِلِهَا ؛ مَا رَا چِنَان كُن كِه اَنْقَبِيْتَنَا بِاَحْكَامِيْكَ حَتَّى تُشَقِطَ عَلَانَا مَوْوَنَ الْمَعَاصِي ، وَاقْمَعِ خُوْد رَا وَا دَارِ بَه اِنْجَامِ دَسْتُوْرَاتِ وَ اِحْكَامَاتِ كُنِيْمِ تَا رِنَجِ وَ سَنَگِيْنِي گَنَاهَانِ رَا نِيْز اَز مَا بِيْنْدَا زِد ؛ وَ اَلْأَهْوَاءَ اَنْ تَكُوْنَ مُسَاوِرَةً ، وَهَبْ لَنَا وَطْءَ اِنَارِ مُحَمَّدٍ وَ اِلِه هُوَسِ هَايِ مَانِ رَا اَز اِيْن كِه هَمُوَارِه بَه مَا حَمَلِه وَرِ بَاشَنْد ، سَرْكُوْب كُن ؛ وَ پِيْمُوْدِنِ رَاهِ وَ رُوْشِ حَضْرَتِ مَحْمُوْدِ وَ اَلِ اَوْ رَا صِلُوْا نَكَ عَلَيِّهِ وَ عَلَيِّهِمْ ، وَ اللّٰهُوَقَ بِهَمَّ حَتَّى يَرْفَعَ الدِّيْنُ - كِه دَرُوْدَتِ بَرِ اَوْ وَايْشَانِ بَاد - وَ مَلْحَقِ شَدْنِ بَه اَنْ بَزَرْگُوَارَانِ رَا بَرِ مَا اِرْزَانِيْ بَدَار ، تَا دَر نِهَايْتِ ، دِيْنِ ، اَعْلَامُهُ اِيْتِعَاةَ الْيَوْمِ الَّذِي عِنْدَكَ . اَللّٰهُمَّ فَتَنِّ عَلَيْنَا وَطْءَ اِنَارِ پَرچَمِ هَايِشِ رَا بَرِ اِفْرَا زِد ؛ بَه اَمِيْدِ رُوْزِي كِه نَزْدِ تُو بَاشَدْ . بَارِ اِلِهَا ؛ اِيْنِ مَنَّتِ رَا بَرِ مَا بَگْذَارِ كِه اَنَارِ وَ اَنچِه بَجَايِ مَانْدِه اَز سَلْمَانَا ، وَاجْعَلْنَا خَيْرَ فَرْطِ لَبِنِ اَنْتُمْ بِنَا ، فَانْكَ عَلِي ذَلِيْكَ

قدیر گذشتگان) و پیشوایان(مان را بپیمایم؛ و ما را بهترین پیشگامان برای کسانی قرار ده که می خواهند دنباله رومان باشند. به راستی که تو هم توان وذلک علیک یسیر، وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ، وَصَلَّى
اللَّهُ عَلَیْ اَیْنِ کَارِ رَا دَارِی، وَ هَم اِنجَام اَن بَرَاِیْت اَسَانَ اَسْت؛ وَ تُو، مَهْرَبَانَ تَرِین مَهْرَبَانَ هَسْتِ؛ وَ خَدَاوَنْد، دَرُود مُحَمَّدِ سَیِّدِنَا وَ اِلِهِ الْاَبْرَارِ وَ سَلَّمَ . (۱۰)

و سلام پیوسته اش را بر محمد - سرور ما - و خاندان نیک رفتارش، نثار کند.

۹۹ دعای قنوت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

این قنوت را سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل نموده اند :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَكْرِمِ اَوْلِيَاكَ بِاِنجَاذِ بَارِ اِلٰهِنَا ؛ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْت ؛ وَ اَوْلِيَا وَ دُوسْتَانَتْ رَا بَا عَمَلِ بِه وَعَدِه اِت ۱ . الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ : ۶۶۳ .

وَ عِدَّتِكَ ، وَ بَلَّغُهُمْ دَرَكًا مَا يَأْمُرُوْنَهُ مِنْ نَصِيْرِكَ ، وَ اَكْفُفْ عَنْهُمْ گِرَامِي بَدَار ، وَ اَنَانَ رَا بِه دَسْتِ يَابِي اَنجِه اَرزُو دَارَنْد از يَارِي تُو بَرَسَانَ ، وَ بَا ز بَدَارِ اَز اِيْشَانَ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ ، وَ تَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ
عَلَى رُكُوبِ سَخْنِي وَ شَكْنَجِه وَ عَذَابِ كَسِي رَا كِه بِنَايِ مَخَالَفَتِ بَا تُو رَا دَارِد ، وَ اَز مَنَعِ تُو نَسَبْتِ بِه اِرْتِكَابِ گِنَاهِ وَ مَخَالَفَتِ سَرِیجِي نَمُودِه مُخَالَفَتِكَ ، وَ اِسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ عَلٰی فُلِّ حُدِّكَ ، وَ قَصَدَ لِكَيْدِكَ وَ
بِه كَمَكِ وَ عَطَايِ تُو يَارِي جَسْتِه بَرِ شَكْسْتَنِ حَرَمْتِ ؛ وَ بِه وَسِيْلِه خُوبِي هَا وَ نَعْمَتِ هَابِي كِه اَز تُو سَت ، قَصْدِ فَرِيْبِ دَادَنِ بَأْيِدِكَ ، وَ وَسِيْعَتِه حِلْمًا لِتَأْخُذَه عَلٰی جَهْرٍ ، وَ تَسْتَأْصِلَه عَلٰی تُو رَا دَارِد

. البتة تو نسبت به این مخالف خود بردباری کرده ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و - با وجود قدرتی که یافته - عَزَّ . فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ « حَتَّى إِذَا أَحَدَتْ الْأَرْضُ او را به سختی مستأصل و بیچاره کنی . خداوندا؛ تو در قرآن فرموده ای و گفته تو حقیقت دارد: «تا آن که زمین زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَطُرُ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا آرَاسْتَه و دارای زر و برق شد، و اهلش گمان کردند که قدرت و توانایی بر آن را دارند؛ - در این حال - دستور ما، لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ شبانه یا به هنگام روز در رسید، و آن ها را درو شده ساختیم؛ به گونه ای که گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه نُفَضِّلُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ «(۱۱) ، وَقُلْتَ « فَلَمَّا اسْفُوتَا انْتَقَمْنَا نِشَانَه ها را برای کسانی که اهل تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می کنیم. و نیز فرموده ای: «وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند، مِنْهُمْ «(۱۲) ، وَإِنَّ الْعَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ ، وَإِنَّا لَعَصِيْبِكُ غَاضِبُونَ ، از ایشان انتقام گرفتیم. (. خدایا؛ (واقعتاً آن است که ما به آخر خط رسیده ایم و تحمل نداریم، ما با خشم تو به خشم می آیم، وَإِنَّا عَلَى نُصِيْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأِقُونَ ، و برای یاری حق و حقیقت به هم پیوسته ایم ، و مشتاق رسیدن دستورت هستیم ، وَإِلَّا نَجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ ، وَلِحُلُولِ وَعْدِكَ بِأَعْدَانِكَ مُتَوَقِّعُونَ . و انتظار محقق شدن وعده ات را می کشیم ، و انجام تهدیدهایت علیه

دشمنانت را متوقع هستيم . اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ ، وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ ، وَسَهِّلْ حُرُوجَهُ ، وَوَسِّطْ دَعَايَ دَوْمِ حَضْرَتِ ... در قنوت

بار لها ؛ اجازه این کار را صادر کن ، و راه های آن را بگشا ، و قیام او را آسان گردان ، و ۱ . سوره یونس ، آیه ۲ . ۲۴ . سوره زخرف ، آیه ۵۵ .

مَسَالِكُهُ ، وَأَشْرِعْ شَرَايِعَهُ ، وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ ، وَبَادِرْ بِأَسْرِكَ مَحَلَّ يَمُودِنَشْ رَا آمَادَه وَهَمَوَارِ سَاز ، وَ رَاهِ هَايِ او رَا آشْكَارِ سَاز ، وَ سِبَاهِيَانِ وَ يَارَانَشْ رَا نَبِرُومَنْدِ وَ قَوِيِ گِردان ، وَ سَتَمِ كَارَانِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ، وَابْسُطْ سَرِيْفَ نَقَمَتِكَ عَلَيِ أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ ، رَا بَه سِرْعَتِ گِرفْتارِ شَكْنَجَه وَ عَذَابَتِ كُن ، وَ شَمَشِيرِ انتقامتِ رَا بَرِ دَشْمَنْانَتِ كِه آگَاهانَه مَخالْفَتِ وَ سَرِپِچِي مِي كَنْنَدِ مَسْلَطِ سَاز ، وَ خُذْ بِالْأَثَارِ ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَّارٌ . (۱۳)

و انتقام را بگیر ، که تو بخشنده چاره جویی هستی .

• ادعای دَوْمِ حَضْرَتِ بَقِيَّهِ اللَّهِ ارواحنا فداه در قنوت

این قنوت را سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الأمين» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده اند :

[قَلْبِ] اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ) بگو: (خدایا؛ مالک و اختیاردار جهانی ؛ فرمان فرمایی را به هر کسی که خواهی می دهی؛ و از هر که خواهی می گیری؛ و مَنْ تَشَاءُ ، وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ ، إِنَّكَ هَرِ كَسِي رَا كِه بَخَوَاهِي عَزِيزِ مِي گِردانی؛ و هر که را بَخَوَاهِي خَوَارِ مِي کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو عَلَيِ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يَا مَاجِدٌ .

یا جوادُ ، یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکرامِ ، بر هر چیز توانایی . ای شکوه مند ؛ ای سخاوت مند ؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری ، یا بَطَّاشُ یا ذَا الْبُطْشِ الشَّدیدِ ، یا فَعَالاً لِمَا یُریدُ ، یا ذَا الْقُوَّةِ ای بسیار سخت گیر؛ ای صاحب سخت گیری شدید ، ای انجام دهنده هر چه می خواهد ؛ ای صاحب نیروی اَلْمَتینِ ، یا زَوْوَفُ یا رَحیمِ ، یا لَطیفُ یا حَیُّ حَیْنٌ لا حَیَّ . قوی و محکم ؛ ای رؤوف ؛ ای مهربان؛ ای لطف کننده ؛ ای زنده ، در زمانی که هیچ زنده ای نبود ؛ ۱ . مهج الدعوات : ۹۰ ، البلد الامین : ۶۶۴ .

أَسْأَلُكَ بِإِشِیْجِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتِثْنَيْتَ مِنْهُ مَنْ يَسْتَعِينُكَ بِعِزَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَسْأَلُكَ فِي دَانِشِ بِنَهانِ خُودِ ، مَخْفِيهِ كَرَمِ اِي وَ هِيْجِ كَسِ اَزِ اَفْرِيْدِ كَانَتِ بَدانِ اِگاهي نِدارد ؛ و اَزِ تُو دَرخِواسِ تِ مِي كَنِمِ بِاِشِیْجِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تُشَاءُ ، وَبِهِ بِهِ واسِطِه اَنْ اسْمِ تِ كِه اَفْرِيْدِ كَانَتِ رَا بِاَنْ دَر رَحْمِ مَادِرانِ ، هِر كُونِه بِخِواهِ صِورِ تِ مِي بِخِشِي ؛ تَشَوَّقُ اِلَيْهِمْ اَزْ رَأْفَتِهِمْ فِي اَطْباقِ الظُّلُماتِ ، مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَ رُوزِي اِيشانِ رَا دَر طَبِقِه هِاي تاريكِ ، اَزِ بِيْنَ رِگِ هِاي وَ الْعِظامِ ، وَأَسْأَلُكَ بِاِشِیْجِكَ الَّذِي اَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ اَوْلِيائِكَ ، اسْتِخِوانِ هِاي بِه اِيشانِ مِي رِسانِي ؛ و اَزِ تُو دَرخِواسِ تِ مِي كَنِمِ بِه واسِطِه اَنْ اسْمِ تِ كِه با اَنْ بِيْنَ دِلِ هِاي دُوسِتانِ بِيوندِ وَ اَلْفَتْ بِرِقارِ وَ اَلْفَتْ بِيْنَ النَّاسِ

وَالنَّارِ ، لا هَذَا يُذِيبُ هَذَا ، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ كَرْدِي ؛ و برف و آتش را باهم گرد آوردی ، به گونه ای که نه آتش برف را آب کند ، و نه برف آتش را خاموش نماید ؛ هَذَا . وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ ، وَأَسْأَلُكَ وَازِئِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ بَه وَاسِطَه آن اسْمَتِ كِه با آن ، بَه آب ها طعم بخشیدی ، وَازِئِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ بِاسْمِكَ الَّذِي أُجْرِيَتْ بِهِ الْمَاءُ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ بَه آن اسْمَتِ كِه با آن آب را در بین لایه های زمین در ریشه های گیاه جاری ساختی ، الثَّرَى ، وَسَرِقَمْتُ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ ، وَازِئِ مِیَانِ سَنَگِ هَا ی سَخْتِ ، آب را بَه سَوِی رِیشَه دَرِخْتانِ رِوانِ نَمُودِی ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَأَلْوَانَهَا . وَأَسْأَلُكَ وَازِئِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ بَه آن اسْمَتِ كِه بَه وَسِیْلَه آن طعم و رنگِ هَا ی مِخْتَلَفِ را بَه مِیوه هَا دادِی ؛ وَازِئِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِئُ وَتُعِيدُ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْقَزْدِ الْوَاحِدِ ، با آن نامی كِه با آن ، آغازِ مِی كَنِی وَبازِ مِی گَرْدانی ؛ وَازِئِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ با آن اسْمِ یكْتایِ یگانه ات ، الْمَتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ ، الْمَتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اسْمِی كِه بَه یكْتایِ اِشارَه دارد ، وَابرایِ بی نیازی ، یگانه است ؛ وَازِئِ تُو مِی خِواهمِ بَه وَاسِطَه نامی كِه الَّذِي فَجَّرَتْ بِهِ الْمَاءُ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ ، وَسُقَّتُهُ مِنْ حَيْثُ با آن ، آب را با نیرو و فشار از تکه سنگ های سفت و محکم بیرون آوردی ، وَازِئِ هَرِ جایی

که خواستی روان ساختی؛ شِئْتُ . وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ ، وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ وَاز تو می خواهم به واسطه اسمی که با آن، آفریدگانت را آفریدی و هر گونه که خواستی و هر گونه شِئْتُ وَكَيْفَ شَأْوُوا ، يَا مَنْ لَا يُعَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي ، أَدْعُوكَ بِمَا كَرِهْتَ أَنْ تَدْعُوَ بِهِ رُوحَ نَادَاكَ ، وَأَهْلُكَتَ قَوْمَهُ ، هَمَانِ دَعَائِي كَيْفَ نَدَاكَ دَادِ خَوَانِدْ ، پَسْ أُو رَا بِا هَمْرَاهَاتِش نَجَاتِ بَخْشِيدِي ، وَ قَوْمِ (سَمَكْر) شِ رَا نَابُودِ كَرْدِي ؛ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ تُو رَا مِي خَوَانِمِ بَا هَمَانِ دَعَائِي كَيْفَ اِبْرَاهِيمَ - دُوسْتِ - هَنْگَامِي كَيْفَ تُو رَا نَدَا دَادِ دَعَا كَرْدِ ، پَسْ أُو رَا نَجَاتِ دَادِي ، وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى وَ آتَشِ رَا بَرَايشِ سَرْدِ وَ سَلَامَتِ كَرْدَانِيدِي ، وَ تُو رَا مِي خَوَانِمِ بَا هَمَانِ دَعَائِي كَيْفَ مُوسَى كَلِيمِكَ حِينَ نَادَاكَ فَقُلْتُ لَهُ الْيَحْيَى فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ ، - هَمِ سَخْتِ - هَنْگَامِي كَيْفَ تُو رَا نَدَا دَادِ ، بَا آنِ دَعَا تُو رَا خَوَانِدْ ، پَسْ دَرِيَا رَا بَرَايشِ شَكَا فْتِي وَ اُو رَا بِا بَنِي اِسْرَائِيلِ نَجَاتِ دَادِي ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ . وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى وَ فِرْعَوْنَ وَ سِبَاهَشِ رَا دَرِ آبِ غَرَقِ فَرْمُودِي . وَ تُو رَا مِي خَوَانِمِ بَا دَعَائِي كَيْفَ عِيسَى رُوحِكَ حِينَ نَادَاكَ فَجَنَيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ ، وَأَدْعُوكَ - رُوحِ تُو - هَنْگَامِي

که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، و در نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا بردی؛ و تو را بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می خوانم با همان دعایی که حضرت محمد همان دوست، برگزیده و پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - با آن دعا تو را خواند، فَأَشْرَفَتْكَ لَهُ، وَمِنْ الْأَخْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ. پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروه های متشکل نجاتش بخشیدی، و بر دشمنانت یاری اش نمودی؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبَتْ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَاز تو می خواهم با آن نامت که هر گاه با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می دهی. ای کسی که آفرینش و دستور وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، یا مَنْ أَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ و حکم فرمایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛ ای کسی که تعداد همه چیز را می داند؛ عَدَدًا، یا مَنْ لَانْعِيْرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَنْشَابُهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، ای کسی که روزها و شب ها در او دگرگونی ایجاد نمی کند؛ و صداهای مختلف او را به اشتباه نمی اندازد؛ وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاتُ، وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحْحَاحُ الْمُلْحِحِينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ و لغت ها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری اصرار کنندگان او را به ستوه نمی آورد؛ از تو درخواست می کنم تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ نِعْمَةٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بر حضرت محمد

و آل محمّد که برگزیدگان از آفریدگان هستند درود بفرستی . پس بر آنان بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ ، وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ، الَّذِينَ بِهِ بَرْتَرِينَ درود بفرست . و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی های تو را بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى ، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوَاتِقَ بِالطَّاعَةِ ، وَصَلِّ عَلَى بِهِ دَرَسْتِي و به طور کامل به بندگانت رسانده و پیمان های محکم برای فرمان برداری با تو، بستند ؛ درود بفرست، و بر عبادك الصّٰلِحِيْنَ . يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، تمام بندگان شایسته و نیکو کارت درود فرست. ای کسی که خلاف وعده اش رفتار نمی کند؛ وعده ای را که به من دادی، وفا کن؛ وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبْرَهُمْ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى أَغْدَائِكَ وَأَغْدَاءِ وَتَمَامِ يَارَانِمِ رَا بَرَايِمِ گِرد آور ، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن ، و مرا بر دشمنان خودت و دشمنان رسولك، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي ، فَإِنِّي عَبْدُكَ ، إِنَّنِي بِرَبِّكَ ، إِنَّنِي بِرَبِّكَ ، إِنَّنِي بِرَبِّكَ - حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم - پیروز فرما ؛ و دعایم را بی بهره مگردان ؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو، و فرزند امتك ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ، سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا دَعَا در قنوت نماز جمعه ...

کنیز تو هستم ، در پیشگاه تو اسیرم . سرور و آقای من ؛ تویی که چنین مقام و منزلتی را بر من مَنَنْتَ نِهَادِهِ ای الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ ، أَشَأَلُكَ أَنْ وَرَا بِهِ وَسِيلَهُ أَنْ از بسیاری از آفریدگان برتری داده ای ، از تو درخواست می کنم که تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اَللّٰهُمَّ وَاِيْكَ الْحُجَّةُ عَلٰى وَحِجَّتِ بِنِ الْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ اِمَامَانِ وَبِشَوَابِيَانِ مِنْ بَاشِنْدَا . خِدَاوَنِدَا

شود و زندگیش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گردد .

آن دعا چنین است :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّ زُيْلَكَ الصَّادِقَ خَدَاوَنَدَا ؛ بِرِمْحِيهِ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودَ بِنَفْسِي . خدای من ؛ همانا رسول راستگو الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِيهِ وَتَأْيِيدَ شِدَّةِ - که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است : که همانا تو فرموده ای : در مورد هیچ کدام شیءِ أَنَا فَاعِلُهُ كَثُرْتُ دِي فِي قَبْضِ رُوحِ عِبْدِي الْمُؤْمِنِ ، يَكْرَهُهُ مِنْ كَارِهَائِي كَمَا أَنْجَمْتُ مِثْلَ قَبْضِ رُوحِ بِنْدَةٍ مُؤْمِنَةٍ دَجَارَ تَرَدِيدِ نَشْدَةِهَا ؛ زَيْرًا أَوْ الْمَوْتِ وَأَنَا أَكْرَهُهُ مَسَاءً تَهُ . اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، مَرَّكَ رَا خَوْشَ نَفْسِي دَارِدُ وَ مِنْ نَارَاحَتِي أَوْ رَا نَفْسِي بَسْنَدَم . خَدَاوَنَدَا ؛ بِسَ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودَ بِنَفْسِي وَ عَجَّلْ لِي لِيُكَفِّرَ عَنِّي ، وَ النَّصْرَ وَ الْعَافِيَةَ ، وَ لَا تُشَوِّنِي فِي نَفْسِي ، وَ فَرَجَ وَ كَشَائِشَ كَارِ وَ لَيْتٍ وَ بِيْرُوزِي وَ عَافِيَتِي رَا تَعَجَّلْ فَرْمَا وَ مَوْجِبَاتِ نَارَاحَتِي مَرَا دَرِ مَوْرِدِ خَوْدَمِ وَ لَا فِي فُلَانٍ .

و فلانی فراهم مساز .

فرمود : و هر که را که می خواهی به جای «فلانی» نام ببر . (۲)

دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند ، همانا او حضرت حجت علیه السلام را در بیداری یا خواب می بیند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ تَلِّغْ مَوْلَانَا

صاحب الزمان، اَيْنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا كَانَ، مِنْ خَدَاوِنْدَا؛ به مولای مان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد در مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَيَهْلِكُهَا وَجَبَلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيْ، شرق و غرب زمین، بیابان و کوه آن؛ درود و تحیتی از طرف من وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّجِيَّةَ وَالسَّلَامَ عَمِدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزَنَةَ وَالِدِينِمْ و از سوی فرزندانم و برادرانم به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی عرشِ اللَّهِ، وَمَا أَخْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ عِلْمُهُ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ عَرْشَ الْهَيْ وَآنچه کتابش در بردارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خدایاندا؛ همانا من لَهْ فِي صَبِيحِهِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي، عَهْدًا در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او عهد وَعَقْدًا وَبَيْعَهُ لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ. اَللَّهُمَّ وَپیمان و بیعتی را که از او بر گردنم است تجدید می کنم و هرگز از این بیعت دگرگون نمی شوم و کنار هم نمی زنم. خدایاندا؛ اَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَارِهِ الدَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَلِئِينَ لِأَوَامِرِهِ مرا از بارانش و جان نثارانی که از او دفاع می کنند قرار بده، و از آنان که دستورات و نواهیهِ فِي أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اَللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ وَ نَهی هایش را در دوران حکومتش فرمان می برند و نیز از شهادت جویمان در رکابش قرار بده. خدایاندا؛ اِگر بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا بَيْنَ مَنْ وَ او مرگ فاصله انداخت؛ - مرگی که برای بندگان حتمی و قطعی قرار داده ای - فَأَخْرِجْنِي مِنْ قُبْرِي

مُؤْتَرّاً كَفَنِي، شَاهِراً سَيِّفِي، مُجَرِّداً قَنَاتِي، پس مرا از قیرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته ، شمشیرم کشیده، نیزه ام آماده و بیرون کشیده شده مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي . اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ وَ دَعْوَتِ دَعْوَتِ كُنَّندِه را در شهر باشم یا صحرا ، لَبِيكُ گویم . خداوندا؛ به من طلعت الرِّشِيْدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ ، وَاكْخُلْ بَصْرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي اِلَيْهِ ، راه گشا و چهره ستوده شده را نشان بده ، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ . اَللّٰهُمَّ اشْدُدْ اَزْرَهُ ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ ، و فرجش را تعجیل فرما ، و خروجش را آسان گردان . خداوندا؛ پشتش را محکم ، و کمرش را قوی و نیرومند گردان وَطَوَّلْ عُمرَهُ ، وَاغْمِرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلاَدَكَ ، وَاخِي بِهٖ عِبَادَكَ ، فَإِنَّكَ و عمرش را طولانی کن و - خداوندا - به وسیله او، سرزمین هایت را آباد گردان و به واسطه او بندگانت را زنده گردان ؛ زیرا تَوَقَّلْتُ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ» گفتی در حالی که سخن تو حق است : «فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با اَيْدِي النَّاسِ» (۳) ، فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَاِبْنَ بَنِي نَبِيِّكَ ، دست خود انجام دادند . پس خداوندا ؛ ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را الْمَسِيْمِي بِاشْمِ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ ، حَتَّى لَا يَظْفَرُ - که همانم است با رسولت که دروهای تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن تا بر

چیزی بَدَسِئٍ ۚ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مِرْفَهُ ، وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقُهُ . از باطل دست نباید مگر آن که آن را پاره کند ، و خدا به کلماتش ، حق را ثابت کند و آن را محقق سازد . اَللّٰهُمَّ اَكْثِفْ هَذِهِ الْعَمَةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ ، إِنَّهُمْ يَزُوْنُهُ خِدَاوَنَدَا ؛ این گرفتاری و اندوه را از این امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را بعیداً ، و تَرَاهُ قَرِيْباً ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . (۴)

دور می بینند و ما نزدیک می بینیم؛ و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد .

۱ . سوره روم ، آیه ۲ . ۴۱ . بحار الأنوار : ۶۱/۸۶ .

دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» می نویسد : این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان امام زمان ارواحنا فداه با آن زیارت می شود :

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُؤَلَّيْ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ خِدَاوَنَدَا ؛ برسان به مولایم صاحب الزمان - که درودهای خدا بر او باد - از سوی تمام الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا مُرْدَانٍ وَزَنَانٍ مُؤْمِنٍ فِي شَرْقٍ وَغَرْبٍ زَمِيْنٍ وَدَرْخِشْكِ وَبَحْرِهَا ، وَسَرْجَلِهَا وَجَبَلِهَا ، حَيْثُمْ وَمَيْتِهِمْ ، وَعَنْ الْاَيْدِيِّ وَوُلْدِي ، وَدَرِيَا وَبِيَابَانٍ وَكُوْهِ ، زَنْدَةٍ وَمَرْدَةٍ اَنْ هَا ، وَازِ سُوِيْ پَدْرِ وَ مَادِرِ وَ فِرْزَنْدَانِمِ وَعَنْتِيْ مِنْ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ ، زَنْتَهُ عَرْشِ اللَّهِ ، وَمِدَادِ كَلِمَاتِهِ ، وَخُودِمِ دَرُودِ وَتَحِيَّتِيْ هِمِ سَنَكِ عَرْشِ الهِي ، وَكَسْتَرْدِكِيْ كَلِمَاتِ اوْ وَمُنْتَهِيْ رِضَاً ، وَعَدَدَ مَا اَخْصَاهُ كِتَابُهُ

، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ وَ نَهَابَتْ رِضَايَتِي، وَ أَنْ مَقْدَارَ كِتَابِي كَرْدِ آوْرَدَه وَ عِلْمِي بِه أَنْ أَحَاطَه دَارِد . بَارِهَا ؛ إِيَّيْ أُجِئِدُّ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ ، وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ، عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً دَرِ امْرُوزِ وَ دَرِ هَرِ رُوزِ ، عَهْدِ (زَبَانِي) وَ بِيْمَانِ قَلْبِي) وَ بِيْعَتِ (عَمَلِي) كِه نَسَبَتْ بِه أَوْ [لَهُ] فِي رَقَبَتِي . اللَّهُمَّ كَمَا سَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ ، وَ فَضَّلْتَنِي بِرِغْرَدْنَمِ اسْتِ تَجْدِيدِ مِي كِنَم . خُداوَنَدَا ؛ هِمَانِ كُونَه كِه مَرَا بِه اَيْنِ شِرَافَتِ سِرَافِرَازِ كَرْدِي، دَعَا ... دَرِ تَعْقِيبِ نَمَازِ صَبِيحِ

بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ ، وَ حَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَ بِه اَيْنِ فَضِيلَتِ بَرْتَرِي دَادِي ، وَ بِه اَيْنِ نَعْمَتِ مَخْصُوصِ كِرْدَانْدِي ، بِسِ بَرِ مَوْلَايِمِ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْبَاعِهِ ، وَ آقَايِمِ صَاحِبِ الزَّمَانِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ مَرَا اَزِ يَاورانِ وَ پيروانِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُشْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، طَائِعًا وَ مَدَافِعَانِشِ قَرَارِ بَدَه ، وَ مَرَا اَزِ شَهَادَتِ طَلَبَانِ دَرِ بِيَشْكَاهِ وَ رِكَابِ هِمَايُونِي أَوْ قَرَارِ بَدَه كِه بَا تَمَامِ شُوقِ آرزویِ شَهَادَتِ مِي كِنَنْدِ عَزِيْرُ مُكْرَمِ ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ ، فَقُلْتُ «صَيْمًا نَهْ بَا اِجْبَارِ؛ دَرِ صَفِي كِه اَهْلِ أَنْ رَا دَرِ قَرَأْتِ وَ صَفِ كَرْدَه اِي وَ كَفْتِي: «صَفِ بَسْتَه اِنْدِ، كَأَنَّكُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ» (۵) عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ إِلَهِي كُوبِي اَيْنَانِ بِنِيَانِي آهْنِيْنِ هَسْتَنْدِ» دَرِ فَرْمَانِ بَرْدَارِي تُو وَ رَسُولَتِ وَ آلِ أَوْ عَلَيْنِهِمُ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (۶) - كِه بَرِ اَيْشَانِ دَرُودِ بَادِ - خُداوَنَدَا ؛ اَيْنِ بِيْعَتِي اسْتِ بَرَايِ أَوْ

در گردنم تا روز قیامت .

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح

شیخ بهایی رحمه الله در تعقیب نماز صبح می گوید: در حالی که محاسن خود را در دست راست گرفته ای و کف دست چپ را رو به آسمان بالا برده باشی ، هفت مرتبه می گویی :

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ آيَ پروردگار محمد و آل محمد ؛ بر محمد و آل محمد درود فرست ، و در فَرَجِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . (۷)

فرج محمد و آل محمد شتاب فرما .

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح

در «منهاج العارفين» آمده است: مستحب است نماز گزار بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ . (۸)

خداوندا ؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرجشان تعجیل فرما .

دعای دیگری برای حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح روایت می کند: پیش از آن که کلامی بر زبان بیاورد صد مرتبه بگوید :

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزِّي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ . (۹)

و مرا از آتش رها و آزاد کن .

۱۱

۹- ادعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

دعاهایی که حضرت بقیه الله علیه السلام ...

محدث نوری رحمه الله در «دار السلام» می گوید :

عالم عامل ملّا فتحعلی سلطان آبادی رحمه الله به من گفت که : فاضل مقدّس پرهیزگار ملّا محمد صادق عراقی رحمه الله در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر سو به او رو آورده بود .

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می باشد و قبه ای بر بالای آن است .

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود . به او گفته شد : در این خیمه ، پناهگاه محکم و استوار ، فریادرس گرفتار بیچاره ، حجت قائم ، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند . شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتارش را در آن یافته بود .

وقتی به حضور حضرت رسید ، از پریشانی و فشار زمان

و سختی حال خانواده اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود .

حضرت او را به سیدی از فرزنداناش حواله کرد و به خیمه اش اشاره کرد . شیخ از حضور حضرت مرتخص شده و به آن خیمه رفت . در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد ، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب سید محمد سلطان آبادی را دید که بر سجاده اش نشسته و در حال نیایش است .

بعد از سلام ، آنچه حجت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت .

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود . سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیلی که ذکر نمی کرد از سید کناره می گرفت و نمی خواست او را ببیند .

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد سید را دید که بر روی سجاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می گوید و استغفار می کند .

به سید سلام کرد و او جواب داد در حالی که خنده ای بر لب داشت ، گویا قضیه را می داند و از اسرار پنهانی آگاه است . شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت .

شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد . همیشه استاد ما دام

ظله آن سید را با احترام تعریف می نمود، در حالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید رحمه الله در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱- بعد از نماز صبح در حالی که دستش را بر روی سینه گذاشته، هفتاد مرتبه «یا فِتَّاحُ» بگوید.

کفعمی رحمه الله نیز در کتاب «مصباح» می گوید: هر کس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲- آنچه کلینی در کتاب «کافی» آن را روایت کرده است که:

یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به او فرمودند:

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟

مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟

مرد گفت: البتّه، ای رسول خدا.

حضرت فرمودند: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي هِيَ جَنَّتُهَا وَتَوَانِيئُهَا لَا تَمُوتُ، وَالْحَقِيدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ إِصْحَابَهُ وَلَا [وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ هَرَكَةً نَمِي مِيرِد، وَحَمْدٌ وَسَنَائِشُ مَخْصُوصٌ خَدَائِيٍّ أَسْتَعِينُ بِهِ] هَمْسَرُ [وَأَبْنَاءُ نَدَارِد، لَهُ شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ،

وَكَبِيرًا. و در فرمانروایی شریکی برایش نیست ، و برای او از روی خواری و ذلت ولی و سرپرستی نیست ؛ و به بزرگی از او یاد کن .

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بازگشت و گفت : ای رسول خدا ؛ خداوند بیماری و فقر را از من برطرف کرد .

۳ - آنچه این فهد حلی در کتاب «عده الداعی» از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده است :

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند ، هیچ حاجتی از خدای تعالی نخواهد مگر آن که به آسانی برآورده شود و خداوند کارهای مهم او را کفایت نماید :

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ، بِه نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد ، و کارم را به خدا واگذار می کنم ؛ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ، فَوْقَهُ اللَّهُ سِنِينَ مَا مَكَرُوا ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُمَا خدا نسبت به بندگان بیناست . پس خدا او را از بدی های آنچه مکر و حيله کرده اند محفوظ داشت ؛ هیچ خدایی جز تو اَنْتَ ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنْ غَمِّهِ ؛ پاک و منزهی تو ، همانا من از گروه ستمگران بودم ؛ پس دعای او را اجابت کردیم و او را مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ، وَحَشْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، از غم و اندوه رهانیدیم و این گونه مؤمنان را نیز نجات می بخشیم و خدا ما را کفایت می کند

و او خوب و کیلی است . فَأَتَقَلَّبُوا بِنِعْمِهِ مِنَ اللَّهِ ، وَفَضَّلَ لَمْ يَمَسِّهِمْ سُوءٌ ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَسُوءُ بِإِحْسَانٍ فِي حَالِهِ كَمَا هِيَ بَدِيَّةٌ بِأَنَانٍ رَاهِ نَرَسِيدٍ دَكْرُكَوْنٍ شَدْنِدٍ . أَنِجْهَ خَدَا بَخَوَاهِدِ حَوَّلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ ، مَا شَاءَ اللَّهُ هَمَانُ شُودُ وَ هِيَجْ جَنْبِشِ وَ تَوَانَايِي نِيَسْتِ مَكْرٌ بِي سَبَبِ خَدَا ؛ هِرْ چِهْ خَدَا بَخَوَاهِدِ هَمَانُ شُودُ نِهْ أَنِجْهَ مَرْدَمِ بَخَوَاهِنْدِ ؛ هِرْ چِهْ خَدَا وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ . حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمُزْبُوبِينَ ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ بَخَوَاهِدِ هَمَانُ شُودُ ؛ هِرْ چِنْدِ مَرْدَمِ خُوشِ نِدَا شْتِهْ بَاشِنْدِ . پَرُورِشِ دِهِنْدِهْ ، مَرَا اَزِ پَرُورِشِ يَافْتِگَانِ كَفَايَتِ مِي كِنْدِ ؛ مِنَ الْمُخْلُوقِينَ ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ آفَرِينِنْدِهْ ، مَرَا اَزِ آفَرِيدِگَانِ كَفَايَتِ مِي كِنْدِ ؛ رُوزِي دِهِنْدِهْ مَرَا اَزِ رُوزِي خُورَانِ كَفَايَتِ مِي كِنْدِ ؛ خَدَايِي كِهْ پَرُورِدِگَارِ الْعَالَمِينَ ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي ، جِهَانِيَانِ اسْتِ مَرَا كَفَايَتِ مِي كِنْدِ . كَفَايَتِ مِي كِنْدِ مَرَا آن كَسِي كِهْ بَرَايِمِ كَافِي اسْتِ ؛ كَفَايَتِ مِي كِنْدِ مَرَا آن كِهْ هَمِيَشِهْ كَفَايَتِ مِي كِنْدِ ؛ حَسْبِي مَنْ كَانَ مُدًّا كُنْتُ [لَمْ يَزَلْ] حَسْبِي ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا كَفَايَتِ مِي كِنْدِ مَرَا آنكِهْ اَزِ اِبْتِدَايِي كِهْ بُوْدَمِ بِيُوسْتِهْ مَرَا كَفَايَتِ مِي كِنْدِ ؛ خَدَايِي مَرَا كَفَايَتِ مِي كِنْدِ كِهْ جِزِ او خَدَايِي هُوَ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

نِيَسْتِ ؛ تَنَهَا بَرِ او تَوَكَّلِ كِرْدَمِ وَ او پَرُورِدِگَارِ عَرَشِ بَزْرِگِ اسْتِ .

مُواظِبْتِ دَرِ مَدَاوَمْتِ اِيْنِ اوْرَادِ شَايِسْتِهْ اسْتِ ، زِيْرَا كِهْ فِهْمِ وَ دَرَايْتِ وَ

خبر، این اذکار و دعاها را تصدیق کرده است. (۱۰)

۱۲) ادعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر، در روز جمعه و دیگر روزها بگوید :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ خدایاندا ؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل بفرما ، دعا... پس از نماز ظهر در هر روز

نمی میرد تا این که حضرت قائم مهدی (صلوات الله علیه) را درک کند. (۱۱)

۱۳) ادعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است : از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است . امامی که رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آن ها وعده داده که آن حضرت در آخرالزمان ظهور می کند .

محمّد بن رهبان دیبلی روایت کرده است : ابو علی محمّد بن حسن بن محمّد بن جمهور قمی گفت : پدرم از پدرش محمّد بن جمهور و او از احمد بن حسین سگری و او از عیاد بن محمّد مدائنی نقل کرد که : در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود ، آن حضرت دست ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می گفت :

یا سامِعُ كُلِّ صَوْتٍ ، یا جامعُ كُلِّ قَوْتٍ (یا باری کُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ اَی شنونده هر صدا ؛ ای گردآورنده) هر نابود ؛ ای آفریننده هر جان و روان بعد از المَوْتِ ، یا باعِثُ ، یا وارِثُ ، یا سَيِّدَ السَّادَةِ ، یا اِلَهَ الْاَلِهَةِ

امانت دارت در میان خلق تو و چشم تو در میان بندگان تو، و حجت تو بر خلقک، عَلَيَّهِ صَلَواتُكَ وَبَرَکاتُكَ وَعِیدُهُ . اللَّهُمَّ اَيَّدُهُ بِبَصِيرَتِكَ ، آفریدگان تو است - که درودها و برکات تو بر او باد - وعده ات را انجام بده . خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید کن ، وَأَنْصُرْ عِبْدَكَ ، وَقُوْ أَوْلِيَاءَهُ وَصَبِّرْهُمْ ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ وَبَنده ات را یاری نما ، و اصحابش را قوت بخش و آنان را شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از نزد خودت سلطناً نصیراً ، وَعَجِّلْ فَوْجَهُ ، وَأَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ قَدْرَتِ يَارِي كُنْدَهُ اى را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن ، و او را بر دشمنان و دشمنان رَشُولِكَ ، یا أَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ .

رسولت مکت و قدرت ببخش ، ای مهربان ترین مهربانان .

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست که برای خویش دعا نمودید؟ حضرت فرمود:

برای نور آل محمد علیهم السلام و پیش رو و جلودار و انتقام گیرنده از دشمنان آل محمد به امر خدا ، دعا کردم .

گفتم : فدایت شوم ؛ کی خروج می کند ؟

حضرت فرمود : هر گاه آن که آفرینش و امور عالم در دست اوست ، بخواهد .

گفتم : آیا برای خروج او علامتی هست ؟

حضرت فرمود : آری ؛ نشانه های مختلفی هست . گفتم : مانند چه چیزی ؟

حضرت فرمود : خروج علامت و پرچمی از شرق و پرچمی از غرب و فتنه ای که بر اهل «زوراء» سایه می افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن، و به تاراج رفتن پرده بیت الحرام(۱۲) ، و خداوند

هر چه بخواهد، انجام می دهد. (۱۳)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: از این دعا چند چیز استفاده می شود:

اول: مستحب است دعا کردن در حق حضرت حجت صلوات الله علیه و درخواست تعجیل فرج آن حضرت بعد از نماز ظهر.

دوم: مستحب است بالا بردن دست ها هنگام دعا برای حضرت حجت ارواحنا فداء.

سوم: مستحب است شفیع گرفتن ائمه و درخواست کردن به حق ایشان، قبل از طلب حاجت.

چهارم: مستحب است حمد و ستایش خدای عز و جل در ابتدای دعا.

پنجم: مستحب است مقدم داشتن صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بر طلب حاجت.

ششم: پاک کردن روان از گناهان به وسیله استغفار و مثل آن؛ تا روان پاک و برای اجابت آماده شود. شاهد این مطلب، طلب مغفرت و رهایی از آتش است که امام علیه السلام درخواست نموده است.

هفتم: منظور از ولی مطلق که بدون اضافه و قید باشد در گفتار ائمه علیهم السلام و دعای ایشان همان مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداء است.

هشتم: مستحب است دعا کردن در حق اصحاب و یاوران حضرت.

نهم: امام صلوات الله علیه در هر حالی شاهد بر اعمال بندگان است، آن ها و رفتارشان را می نگرد که جمله «چشم تو در میان بندگان» به آن اشارت و دلالت دارد.

دهم: یکی از القاب حضرت حجت ارواحنا فداء نور آل محمّد علیهم السلام است؛ در روایات نیز شاهد بر آن وجود دارد؛ محقق نوری رحمه الله بعضی از آن ها را در کتابش بنام «نجم الثاقب» ذکر کرده است.

یازدهم:

آن حضرت ارواحنا فداه بعد از امیر مؤمنان علی علیه السلام ، امام حسن و امام حسین علیهما السلام افضل و برتر از دیگر ائمه علیهم السلام می باشد و روایات دیگری نیز آن را تأیید می کند .

دوازدهم : خداوند عزّ اسمه حضرت را ذخیره فرموده و آمدنش را به تأخیر انداخته است برای انتقام گرفتن از دشمنان خودش و دشمنان رسولش ؛ و روایات در این باره متواتر است .

سیزدهم : زمان ظهورش از امور پنهانی است که مصلحت الهی چنین اقتضا کرده است ؛ در این مورد هم روایات متواتر است .

چهاردهم : نشانه های گفته شده در روایت از علایم حتمی و قطعی نیست ؛ به خاطر این جمله که در آخر کلام فرموده است : «او خداوند هر چه بخواهد ، انجام می دهد» . (۱۴)

۱۴ ادعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از نماز عصر

دعا ... پس از نماز عصر

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «فلاح السائل» می نویسد : از اذکار مهمّ بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در دعا نمودن برای مولای مان حضرت مهدی صلوات الله علیه است .

چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت : در بغداد بر ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود - وارد شدم . دیدم دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می گوید :

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ، وَأَنْتَ تُوْحَدِي هَسْتِي كَمَا مَعْبُودِي جِزْ تُوْ نِسْتِ ، أَوَّلُ وَآخِرُ وَظَاهِرُ وَبَاطِنُ تُوْبِي ؛ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَتُنْقَاصُهَا ،

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا خَدَائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت ؛ فَرْوَنِي وَ كَاسْتِي چيزها در اختيار توست ؛ تُو خدائِي إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بَعِيرَ مَعُونِهِ مِنْ غَيْرِكَ ، وَلَا حَاجَةَ هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت ؛ آفَرِينِش را بدون كَمَكِ دِيگَران و بدون نياز به آنان آفَرِيدِي ؛ ۱ . مَكِيال المكارم : ۱۱/۲ .

إِلَيْهِمْ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْجُودُ . أَنْتَ تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت ، مَشِيَّتْ از توست و آغاز كَرْدَن بَسْتَكِي به تُو دارد . تُو اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، تَمَحُّو ما هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت، بَعْدَ از هر بَعْدِي بُوْدَه اِي وَ تُو آفَرِيدِگَار قَبْلِ هَسْتِي ؛ تُو خدائِي أَنْتَ ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، تَمَحُّو ما هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت، بَعْدَ از هر بَعْدِي هَسْتِي وَ آفَرِيدِگَار بَعْدِ تُو بِي، تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت، هر چَه را تَشَاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، غَايَه بَخَوَاهِي مَحُو يا اثبات مِي كَنِي وَ اُمُّ الْكِتَابِ نَزْدِ توست ، تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت ، نَهائِتْ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَغْرُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَ وَارِثُ هر چيزِي ؛ تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَزْ تُو نِيَسْت ، هِيچ چيز كوچك وَلَا الْجَلِيلُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّعَاثُ ، وَ بزرگ از نظرت

پنهان نمی ماند؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی ماند ولا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ . كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ ، لَا يَشْعُرُكَ و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی اندازد . هر روز تو در شَأْن و کاری هستی که هیچ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى ، دَيَانُ الدِّينِ ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، شَأْنِي تُوْرَا از شَأْنِ دِيْكَرٍ بَازِ نَمِي دَارِد . دانای غیب و پنهانی ها ، پاداش دهنده کار ، تدبیرگر امور ، بَاعِثٌ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِرَانْغِيْزَانْدِه اِفْرَادِي كِه دَر قَبْرِهَائِنْد ، زنده کننده استخوان ها در حالی که پودر و خاکستر شده اند تو هستی؛ از تو الْمَكْتُوبُونَ الْمُخْزُونِ ، الْحَيُّ الْقَيُّومِ ، الَّذِي لَا يَخِيْبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ ، می خواهم به اسم پنهان ذخیره شده ات ، که زنده و پاینده است ، که هر کس تو را به آن نام بخواند نا امید نمی شود؛ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ كِه بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفْرَسْتِي وَ فَرَجِ وَ كَشَائِشِ دَر كَارِ اِنْتِقَامِ كِيْرِنْدِه اِتْ اَزْ اَعْدَائِكَ ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده ای به جای آوری؛ ای صاحب جلال و کرامت ؛

یحیی بن فضل می گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا کردید ؟ حضرت فرمود :

برای مهدی آل محمد علیهم السلام .

آنگاه فرمودند : پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر ، ابروهای به هم پیوسته است ؛ ساق باریک ؛ شانه های پهن و رنگ گندمگون دارد که به خاطر

شب زنده داری کمی مایل به رنگ زرد است .

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می رساند ؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسد ؛ چراغ فروزنده در تاریکی ها است؛ پدرم فدای قیام کننده به امر خدا باد .

گفتم : چه وقت خروج می کند ؟ حضرت فرمود :

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمده اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه های کوفه سوزانده شد ، هنگامی که این نشانه ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد . (۱۵)

۱۵ اداها برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب

... بعد از دو رکعت اول نماز شب

شیخ طوسی اعلی الله مقامه می گوید : مستحب است در تعقیب این دو رکعت نماز ، این دعا خوانده شود :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ وَ لَمْ یَسْأَلْ بِمِثْلِكَ ، اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلِهِ السَّآئِلِیْنَ خَدَاوَنَدَا ؛ هَمَانَا مِنْ اَنْ تُوْمِیْ خَوَاهِم ، دَرْ حَالِیْ كِهْ كَسِیْ مَانَنْدَ تُو نِیْسَتْ كِهْ سْوَآلْ شُوْد . تُو مَحَلِّ خَوَاسْتِهْ دَرْخَوَاسْتِ كَنْنَدِگَانِیْ وَ مُنْتَهٰی رَعْبِیْهِ الرَّاغِبِیْنَ ، اَدْعُوْكَ وَ لَمْ یَدْعُ بِمِثْلِكَ ، وَ اَرْغَبُ اِلَیْكَ وَ نِهَآیْتِ شَوْقِ مَشْتَقَانِیْ ؛ تُو رَا صَدَا مِیْ زَنْمِ دَرْ حَالِیْ كِهْ مِثْلُ تُو كَسِیْ نِیْسَتْ كِهْ خَوَآنَدِهْ شُوْد ، وَ بِهْ سُوْیِ تُو مَشْتَقَمِ وَ لَمْ یُرْغَبْ اِلَیْ مِثْلِكَ ، اَنْتَ مُجِیْبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَّرِّیْنَ وَ اَرْحَمُ دَرْ حَالِیْ كِهْ كَسِیْ چُوْنِ تُو نِیْسَتْ كِهْ بِهْ اُو مِیْلِ شُوْد ؛ تُو اَجَابْتَ كِرْ دَعَایِ بِيْجَارِگَانِیْ وَ مَهْرَبَانَ تَرِیْنَ ۱ . فَلَاحِ السَّآئِلِ : ۱۹۹ ، وَ دَرْ الْمَصْبَاحِ : ۵۱ وَ الْبَلَدِ الْاَمِیْنِ : ۳۵ بَا تَفَاوُتِیْ .

الرَّاحِمِیْنَ

. أَشَأْلكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجِحِهَا وَأَعْظِمِهَا ، يَا اللَّهُ مَهْرَبَانَانِي . از تو می خواهم به برترین خواسته ها و کامیاب ترین و بزرگ ترین خواسته ها . ای خدا؛ یا رَحْمَانُ یا رَحِيمٌ وَبِأَسْمَائِكَ الْخُسْنَى ، وَأَمْنَالِكَ الْعُلْيَا ، وَنِعْمِكَ ای بخشنده؛ ای مهربان ؛ و به نام های نیکویت و مثل های بلندمرتبه ات و نعمت هایت الَّتِي لَا تُخْصَى . وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ ، وَأَقْرَبِهَا كَهَبِ شِمَارِش نیايد، و به گرامی ترین نام هایت، و محبوب ترین آن ها نزد تو و نزدیک ترین آن ها از مَنِّكَ وَسَيَلِّهِ ، وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنَزَلَهُ ، وَأَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَاباً ، نظر وسیله بودن به سوی تو، و باشرافت ترین آن ها نزد تو از نظر قدر و منزلت، و فراوان ترین آن ها از نظر پاداش، وَأَشْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَهُ ، وَبِأَشْرَفِ مَكُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ وَسَرِيعِ تَرِينِ آن ها در امور از نظر اجابت، و به نام پنهان بزرگ تر، عزیزتر، بزرگوارتر، الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ ، الَّذِي تُجِبُهُ وَتَهْوَاهُ ، وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ ، عَظِيمِ تَرٍ وَگرامی ترت که آن را دوست می داری و می خواهی و به واسطه آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود فَاشْتَبِهَتْ لَهُ دُعَاةَهُ ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَأَلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ . می شوی و دعایش را اجابت می کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی . وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ وَبِهِ هَرِ اسْمِي كِه بَرای توست در تورات، انجیل ، زبور و قرآن الْعَظِيمِ ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَهُ عَزِيْبِكَ وَمَلَأَ كُنْفَكَ ، وَأَنْبِيَاءُؤُوكَ عَظِيمِ ؛ وَبِهِ هَرِ اسْمِي كِه حَامِلَانِ عَرِشِ وَفَرِشْتِگانِ وَبِامْبِرَانِ وَرُسُلِكَ ، وَأَهْلُ

طَاعَتِكَ مِنْ خُلُقِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَسْتَادِ الْكَانِتِ وَمَخْلُوقَاتِ فَرْمَانِ بَرْدَارَتِ تُو رَا بِهٖ اَنْ اَسْمِ مِي خَوَانَد؛ كِه بِر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَإِنِّي وَلِيُّكَ ، وَتُعَجِّلَ خِزْيَ أُغْدِ آيَةِ .
محمد درود فرستی و در فرج و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی . در این جا هر چه دوست داری دعا کن . (۱۶)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است : در کتاب «جمال الصالحین» اضافه ای برای ۱ . مصباح المتهجد : ۱۳۹ .

این دعا یافتم که چنین است : وَتَجْعَلْنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ ، وَتَرْزُقْنَا وَ مَا رَا از اصحاب و یارانش قرار بدهی و به به زجاءنا ، وَتَشْتَجِبَ بِهِ دُعَاءَنَا . (۱۷)

واسطه او امید ما را برآورده و ارزانی داری ، و دعای ما را اجابت کنی .

مرحوم کفعمی گوید : مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود . (۱۸)

۱۶ دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب

بعد از رکعت چهارم نماز شب ، دو سجده شکر می گذاری و در آن دو سجده صد مرتبه می گویی : «ما شاء الله ، ما شاء الله» ؛ سپس این دعا را می خوانی :

يَا رَبِّ ، أَنْتَ اللَّهُ ، مَا شِئْتُمْ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَيُّ بَرُورِدْ كَارِ مِنْ ؛ تُو خَدَاوَنْدِي ، هِرْ جِهْ از امور بخواهی انجام می شود ؛ پس بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ لِي فِيْمَا تَشَاءُ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ إِلِ مُحَمَّدٍ ، وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَ بَرَايِمِ دَرِ اَنْجِهْ مِي خَوَاهِي اِيْنَ رَا قَرَارِ بَدِهْ كِهْ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدِ

را تعجیل فرمایی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَعَٰلِیْهِمْ ، وَتَجْعَلَ فَرَجَی وَفَرَجَ اِخْوَانِی مَقْرُونًا - که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد - و گشایش کار مرا و گشایش کار برادرانم را همراه با بِفَرَجِهِمْ ، وَتَفْعَلَ بَی کَذَا وَكَذَا . و برای هر چه دوست داری دعا کن . (۱۹)

فرج آل محمد قرار دهی و برای من (چنین و چنان) کنی .

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه خوانده می شود و نیز دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه خوانده می شود نقل می کنیم .

۱ . مکیال المکارم : ۲ . ۱۴/۲ . المصباح : ۷۵ .

۳ . مصباح المتہجد : ۱۴۵ .

.....(Anotates).....

(۱)

(۲) مکارم الأخلاق : ۳۵/۲ ، و در مصباح المتہجد : ۵۸ و الصحیفہ الصادقیہ : ۱۷۸ با اندکی تفاوت .

(۳)

(۴)

(۵) سوره صف ، آیه ۴ .

(۶) زاد المعاد : ۴۸۷ ، مصباح الزائر : ۴۵۴ .

بعضی از بزرگان این دعا را در بخش زیارت ها ذکر کرده اند ؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با امام زمان صلوات اللہ علیہ است .

(۷) مفتاح الفلاح : ۲۰۶ ، مصباح المتہجد : ۵۳) با کمی تفاوت .

(۸) منهاج العارفين : ۱۰۸ .

(۹) مکیال المکارم : ۱۳/۲ .

(۱۰) دار السلام : ۲۶۶/۲ .

(۱۱) مصباح المتہجد : ۳۶۸ ، بحار الأنوار : ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹ ، و در «الصحیفہ الصادقیہ : ۱۶۹» نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگویند .

(۱۲) بحار الأنوار : ۶۲/۸۶ ، فلاح السائل : ۱۷۰ ، المصباح : ۴۸ ، البلد الأمين : ۲۷ .

(۱۳) مکیال المکارم : ۱۱/۲ .

(۱۴)

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸)

(۱۹)

بخش چهارم: دعاهای ایام هفته

ادعا برای ظهور امام زمان عجل اللہ تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه

ستید

بن طاووس رحمه الله می نویسد: از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۱)

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

۲ صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله می نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به این گونه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ خَدَاوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

و اگر آن را صد مرتبه بگوید فضیلت بسیاری دارد. (۲)

کفعمی رحمه الله نیز می گوید: مستحب است که انسان در روز پنجشنبه هزار مرتبه سوره «قدر» را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و آل او صلوات بفرستد؛ بعد دعایی که ذکر کردیم بخواند. (۳)

۳ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه

اشاره

شیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را نقل می کند می فرماید:

صد مرتبه یا هر اندازه که می توانی این گونه بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم صلوات می فرستی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ خَدَاوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. (۴)

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

حکایت دعای علوی مصری

حکایت دعای علوی مصری

سید جلیل القدر رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می گوید:

دعای علوی مصری را در کتابی قدیمی - که نویسنده اش خود را حسین بن علی بن هند معرفی کرده و گفته آن را در شوال سال سیصد و نود و شش نوشته ام - یافتیم، نویسنده سند دعایش را این گونه بیان کرده است:

دعایی است که مولای مان امام منتظر صلوات الله علیه به مردی از شیعیان خود که گرفتار ظلم و ستم بود در خواب آموخته است و خداوند برای او گشایشی ایجاد کرد و دشمنش را کشت ...

سید اجل فرموده است: دعای معروف به دعای علوی مصری برای هر کار سخت و بزرگ خوانده می شود.

سید بن طاووس رحمه الله به دو طریق این دعا را نقل می کند و می فرماید: ابوالحسن علی بن حماد بصری گفت: ابوعبدالله حسین بن محمد علوی به من خبر داد که: محمد بن علی علوی حسینی مصری برایم گفت: غم و اندوه شدید و پیش آمد ناگواری از طرف یکی از

ملوک دیارم به من رسید به طوری که تمام فکرم را به خود مشغول کرده بود و بسیار هراسناک بودم و هرگز امیدی برای رهائی خویش نداشتم .

به زیارتگاه سرورانم و پدرانم علیهم السلام در عراق رفتم ، و پناهنده به ایشان و قبورشان گشتم ، و از بلای بزرگ کسی که از او می ترسیدم به آن جا پناه آوردم و پانزده روز در حالی که شب و روز دعا و گریه و ناله می کردم در آن جا اقامت کردم که قائم زمان و ولی رحمان علیه وعلی آبائه افضل التحیه والتیلام در بین خواب و بیداری نزد آمده و خود را به من نشان داد و فرمود : ای فرزندم ؛ آیا از فلانی می ترسی ؟

گفتم : آری ، به من چنین و چنان قصدی نموده است و من به سروران و موالیانم علیهم السلام روی آورده و به ایشان شکایت می کنم تا مرا از شر او خلاص کنند .

حضرت فرمود : چرا خدا را که پروردگار تو و پروردگار پدرانت می باشد با دعاهایی که اجدادم پیامبران صلوات الله علیهم هنگام شدت و گرفتاری می خواندند و رفع گرفتاری از آن ها می شد نمی خوانی و دعا نمی کنی ؟

گفتم : آن ها چگونه دعا می کردند تا من هم دعا کنم ؟

حضرت فرمودند : چون شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نمازت را بخوان و چون از سجده شکر فارغ شدی در حالی که بر سر دو زانویت نشسته ای ، این دعا را با تضرع و ناله بخوان .

محمد بن علی گفت : آن حضرت ، پنج شب پیاپی نزد من آمد و این دعا را برایم

تکرار کرد تا آن که حفظ کردم و آمدنش را در شب جمعه قطع کرد؛ پس برخاستم و غسل کردم و لباسم را عوض کرده و خود را خوشبو نمودم و آن چه از نماز شب بر من لازم بود بجا آوردم و بر زانوهایم نشسته و خدا را با این دعا خواندم .

شب شنبه نیز به صورت شب های گذشته آن حضرت نزد من آمد و به من فرمود: ای محمد؛ دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد، و چون از دعا فارغ شدی خداوند عزّ و جلّ او را هلاک کرد .

محمد بن علی گفت: چون صبح شد هیچ اندوهی نداشتم مگر غم وداع سرور انم علیهم السلام و بازگشتن به سوی منزلی که از آن گریخته بودم . وقتی مقداری از راه را طی کردم فرستاده فرزندانم را دیدم و نامه های آنان به دستم رسید که نوشته بودند: مردی که از او گریختی در مجلسی که برقرار کرده بود گروهی را جمع کرد و بعد از آن که همه خوردند و نوشیدند و پراکنده شدند، او با غلامان خود آن جا خوابیدند .

صبح که شد هیچ حسّ و حرکتی از او شنیده نشد؛ پرده از صورتش کنار زدند و دیدند که از پشت سر ذبح شده است و خونش روان است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاده است و نمی دانند چه کسی آن کار را کرده است؟ فرزندانم از من خواسته بودند هرچه سریع تر به خانه برگردم .

دعای علوی مصری ...

وقتی به خانه رسیدم درباره زمان این حادثه پرسیدم و دانستم درست هنگام

دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود

اشاره

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تَجِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ، پروردگارا؛ چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو درخواست کرد و به او عطا نکردی؟ وَمَنْ ذَا الَّذِي نَجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ. وَرَبِّ وَ چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را ناامید ساختی یا به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من؛ هذا فِرْعَوْنُ دُؤَابِ الْأَوْتَادِ، مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَإِذْعَانِهِ این فرعون، صاحب قوت هاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی اش و ادعای الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ، وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يُثَوِّبُ، وَلَا يُزَجِّعُ وَلَا يُثَوِّبُ، ربوبیت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی کند و باز نمی گردد و نمی آید وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يُخْشَعُ، إِشْتِجَابَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا و ایمان نمی آورد و خشوع نمی کند، دعایش را اجابت کردی و خواسته اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری مِنْكَ وَجُوداً، وَقَلَّ مَقْدَارُ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عَظَمَةِ عِنْدِكَ، و بخششی که داشتی و کم مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او؛ أَخَذْنَا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَتَأَكِيدُ لَهَا حِينَ فَجَزَ وَكَفَرَ، وَاشْتِطَالَ تَا حِجَّتِ رَا بَرَاو تَمَامِ سَاخْتِه وَتَاكِيدِ كَرْدِه بَاشِي وَفْتِي كِه تَبَاهِي وَفَسَادِ كَرْدِ وَكُفْرِ وَرَزِيدِ وَ عَلِي قَوْمِه وَنَجَّزِ، وَبُكْفَرِه عَلَيْهِمُ افْتَحَرَ، وَبُظْلِمِه لِنَفْسِه تَكْبَرِ، بِر قَوْمِش زورگویی کرد و سرکشی نمود

و به کفر خود برای شان فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود ، تکبر ورزید و بجلیمک عنهُ اَشْتَكِبِر ، فَكُنْتُبَ وَحَكَمَ عَلٰی نَفْسِهِ جُزَاةً مِنْهُ ، اَنْ و به سبب بردباری تو درباره اش سرپیچی و گردنکشی نمود ، پس مقرر کرد و بر خود با جرأت حکم کرد که همانا جزآءِ مِثْلِهِ اَنْ يُغْرَقَ فِی الْبَحْرِ ، فَجَزَيْتُهُ بِمَا حَكَمَ بِهٖ عَلٰی نَفْسِهِ. کيفر مثل او) در کفر و تکبر(این است که در دریا غرق شود ؛ پس او را کيفر دادی به آنچه خود بر خودش حکم کرد . إلهی وَأَنَا عَزِيدُكَ، إِبْنُ عَزِيدِكَ وَإِبْنُ أَمِيكَ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ، خدای من؛ و من بنده تو هستم ؛ فرزند بنده و فرزند کنیز تو ؛ به بندگی تو اعتراف می کنم ؛ مُؤَيِّدٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقِي، لَا إِلَهَ إِلَّا لِي غَيْرُكَ، وَلَا رَبَّ إِلَّا سِوَاكَ، اقرار دارم به این که تو خدای آفریننده من هستی؛ هیچ معبودی برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاری برایم غیر از تو نیست؛ مُوقِنٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي، وَإِلَيْكَ مَرَدِّي وَإِيَابِي، عالِمٌ بِأَنَّكَ يَقِينٌ دارم که همانا تو خداوندی و پروردگار من هستی و بازگشت و رجوعم به سوی توست؛ می دانم که علی کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، لَا مُعَقَّبَ بر هر چیزی توانایی و هر چه بخواهی انجام می دهی و هر چه اراده کنی حکم می نمایی؛ به تأخیر اندازنده ای نیست لِحُكْمِكَ، وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ، وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ حَكَمَ تَوْرًا، و رد کننده ای نیست فرمان تو را ؛ و می دانم همانا تو اوّل و آخر

و ظاهر و الباطن ، لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ ، وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ وَ باطن هستی؛ از چیزی به وجود نیامدی و از چیزی ساخته نشدی؛ پیش از هر چیزی بودی شئی ، وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالْمَكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ ، خَلَقْتَ وَ تو بعد از هر چیز خواهی بود؛ و ایجادکننده هر چیزی هستی؛ كُلُّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ هَرِ چیزی را به اندازه و مقدار آفریدی و تو شنوای بینایی . و گواهی می دهی که تو این گونه كُنْتَ وَتَكُونُ ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ ، لَا تَأْخُذُكَ بَيْتَهُ وَلَا نَوْمٌ ، بودی و خواهی بود؛ و تو زنده پابنده ای؛ جرت و خواب تو را نمی گیرد؛ وَلَا تُوَصِّفُ بِاللَّوْهَامِ ، وَلَا تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ ، وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْيَاسِ ، وَ با خیالات و توهم ها وصف نمی گردی؛ و با حواس درک نمی شوی؛ و با مقیاسی قیاس نمی شوی ؛ وَلَا تُشَبِّهُ بِالنَّاسِ ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَإِمَاؤُكَ ، أَنْتَ الرَّبُّ وَ به مردم تشبیه نمی گردی؛ و این که تمام آفریدگان، بندگان و کنیزان تو هستند؛ تو پروردگاری وَنَحْنُ الْمَرْئُوبُونَ ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ ، وَأَنْتَ وَ ما پرورش یافتگان تو، و تو آفریننده ای و ما آفریده شده؛ و تو الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ . فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي ، إِذْ خَلَقْتَنِي رَوْزِي دهنده ای و ما روزی خوار . پس حمد و ستایش تو راست ای خدای من؛ چون مرا بَشَرًا سَوِيًّا ، وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا ، بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا ضَلِيلًا ، بشری درست و بی عیب آفریدی و مرا بی نیاز و کفایت شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودم

تَقَوُّتُنِي مِنَ النَّدَى لَبَنًا مَرِيئًا ، وَعَدَّتْ بَيْتِي عَدَاءً طَيِّبًا هَنِيئًا ، شِيرِ غَوَارَا رَا از پستان مادر خوراک من قرار دادی و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا . فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا اِنْ
عُدُّ لَمْ يُخْصَ ، و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی . پس حمد مخصوص توست ؛ حمدی که اگر شمرده شود به شمارش نیاید وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَنْسِغْ لَهُ شَيْءٌ ، حَمْدًا يُفَوِّقُ عَلٰی جَمِيعِ حَمْدٍ و
اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایش های الحامدین ، وَيَعْلُو عَلٰی حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ ، وَيَفْحَمُ وَيَعْظُمُ عَلٰی ستایشگران باشد و بر ستایش هر چیزی برتری
یابد و بر تمام آن ها بلندمرتبه‌گی و بزرگی کند؛ ذَلِكَ كُلُّهُ ، وَكُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءًا . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ و هر گاه چیزی خدا را ستایش کند . و حمد و ستایش خدا راست آن طور که خدا
دوست می دارد که يُحَمِّدُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عِبَادَةٌ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةُ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةُ أَجَلٍ مَا حَمِدَ شُود ، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم وزن آنچه آفرید و هم وزن بزرگ ترین
چیزی که خَلَقَ ، وَبِوِزْنِ أَخْفَ مَا خَلَقَ ، وَبِعِدَدِ أَضْيَغِرِ مَا خَلَقَ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ خَلَقَ کرد و به وزن سبک ترین چیزی که آفرید و به تعداد کوچک ترین مخلوقاتش . و حمد و ستایش خدا راست حَتَّى يَرْضَى
رَبَّنَا وَبِعَدَدِ الرِّضَا ، وَأَسْتَنْلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ به قدری که پروردگارمان راضی شود و پس از

رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می خواهم که بر محمد و آل محمد، و آن یغفر لی ذنبی، و آن یخیر لی افری، و یتوب و آل محمد درود فرستد و گناهم را ببخشد و کارم را سیاس گزارد، و توبه ام را بپذیرد؛ عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . إلهی وَاِنِّي اَنَا اُدْعُوكَ وَاَسْأَلُكَ هَمَانَا او توبه پذیر مهربان است . خدای من؛ همانا من تو را می خوانم و از تو می خواهم بِاَشْرِيكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صِهْمُوكَ اَبُونَا اَدَمُ عَلَيهِ السَّلَامُ ، وَهُوَ - به آن نامت که (بنده) برگزیده ات پدرمان آدم - که بر او درود باد - تو را به آن نام خواند و در حالی که مُسَى ؑ ظالِمٌ حِينَ اَصَابَ الْخَطِيئَةَ ، فَعَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ ، وَتَبَّتْ گناه کار و ستم کننده بر نفس شد وقتی که خطا از او سر زد پس خطایش را بخشیدی و توبه اش را پذیرفتی عَلَيْهِ ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ ، اَنْ و دعایش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ - که تَصَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَاِل مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تَعْفَرَ لِي خَطِيئَتِي وَتَرْضَى بِرِ مُحَمَّدٍ وَاِل مُحَمَّدٍ درود فرستی و خطایم را ببخشی و از من راضی و خشنود شوی؛ عَنِّي ، فَاِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي ، فَاِنِّي مُسَى ؑ ظالِمٌ خاطِئٌ و اگر از من راضی نمی شوی ، پس مرا مورد عفو خود قرار دهی که همانا من گنه کار ظالم، خطا کار عاصِ ، وَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَجْبِهِ ، وَكَيْسَ بِرَاضٍ عَنَّهُ ، وَاَنْ سَرَكَشْ هَسْتَمُ ؛ و آقا بنده اش را عفو می کند در حالی که از او

و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم و این المَاءَ عَلٰی اَمْرِ قَدْرِ» (۶) وَنَجِّتُهُ عَلٰی ذَاتِ الْاُلُوْحِ وَدُسْرِ، آب ها به اندازه مقدر باهم آمیختند» و سوار بر چیزی که دارای تخته ها و میخ ها بود (کشتی) نجاتش دادی، فَاشْرَبْتَهُ دُعَاءَهُ وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيْبًا يٰ قَرِيْبُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی پَسِ دَعَائِشِ رَا اِجَابَتِ نَمُوْدِي وَ تُوْ بِيُوْسْتَه بَه اُوْ نَزْدِيْكَ بُوْدِي، اِيْ نَزْدِيْكَ ؛ (می خواهم) که بر مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُنَجِّنِيْ مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيْدُ ظُلْمِيْ، مُحَمَّدٌ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ دَرُوْدِ فَرَسْتِي وَ مَرَا اَزِ سْتَمِ اَنْ كَه مِيْ خَوَاهَد بَه مِنْ سْتَمِ كَنْدِ نَجَاتِ دَهِيْ، وَ تَكْفَتَّ عَنِّيْ بَأْسٌ مَنْ يُرِيْدُ هَضْمِيْ، وَ تَكْوِيْنِيْ شَرُّ كُلِّ سُلْطَانٍ وَ مَرَا اَزِ شَرِّ وَ عَذَابِ اَنْ كَه شَكْسْتَمِ رَا مِيْ خَوَاهَد، نَگَه دَارِيْ، وَ مَرَا كِفَايَتِ كُنِيْ اَزِ شَرِّ هَرِ سُلْطَانِ جَائِرٍ، وَ عَدُوِّ قَاهِرٍ، وَ مُسْتَخِفِّ قَادِرٍ، وَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ كُلِّ شَيْطَانٍ سْتَمِ بِيْشَه وَ مَنْحَرَفٍ، وَ دَشْمَنِ چِيْرَه شُوْنْدَه، وَ خَوَارِ كَنْنْدَه پَر تُوَانِ، وَ زُوْر گُوِيْ سْتِيْزَه گَرِ، وَ هَرِ شَيْطَانِ مَرِيْدٍ، وَ اِنْبِيَّيْ شَدِيْدٍ، وَ كَيِّدِ كُلِّ مَكِيْدٍ، يٰ حَلِيْمٌ يٰ وَدُوْدُ. اِلٰهِيْ سَرَكَشِّ وَ نَا فَرْمَانِ وَ هَرِ اَنْسَانِ سَخْتِ گِيْرِ، وَ مَكْرِ هَرِ حِيْلَه گَرِ، اِيْ بَر دَبَارِ؛ اِيْ بَسِيَارِ مَهْرَبَانَ؛ خُدَايِ مَنْ؛ وَ اَسْئَلُكَ بِاَسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِه عَيْدُكَ وَ نَبِيِّكَ صَالِحٍ عَلَيْهِ اَزِ تُوْ مِيْ خَوَاهَمِ بَه وَ اَسْطَه اَنْ نَامَتِ كَه بَه اَنْ نَامِ بَنْدَه وَ پِيَامْبِرِ تُوْ حَضْرَتِ صَالِحِ - كَه بَرِ اُوْ السَّلَامُ فَتَجِيْتُهُ مِنَ الْخَشْفِ، وَ اَعْلِيَّتَهُ عَلٰی عَدُوِّ، وَ اَسْتَجِيْبَتَ دَرُوْدِ بَادِ - تُوْ رَا خَوَانَد؛ پَسِ اُوْ رَا اَزِ فَرُو رَفْتَنِ (خواری و نقصان) نجات

دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی، دُعَاءَهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُنِي أَغْدَائِي بِهِ، وَسَعَى مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي، وَمَا مِنْ شَرِّ أَنْجَحَ دُشْمَانِي نَسَبْتِ بِهِ مِنْ مَنِي خَوَاهَنْدِ وَحَسُودَانِي تَلَاشِي مِي كَنْدِ ۱. سوره قمر، آیه ۱۲ - ۱۰.

بی حسّادی، وَتَكْفِينِهِمْ بِكِفَايَتِكَ، وَتَتَوَلَّامَنِي بِوَلَايَتِكَ، وَتَهْدِي رَهَا گِردَانِي، وَبِهِ كِفَايَتِ خُودِ مَرَا از آنان كِفَايَتِ كُنِي، وَبِهِ وَايَتِ خُودِ مَرَا سِرپرستی نمایی، قَلْبِي بِهُدَاكَ، وَتُوَيْدَنِي بِتَقْوَاكَ، وَتُبَصِّرَنِي (بِمَا فِيهِ رِضَاكَ، وَقَلْبِي رَا بِهِ هِدَايَتِ خُودِ هِدَايَتِ سَازِي، وَبِهِ تَقْوَايِ خُودِ مَرَا نَبِرُو بَخْشِي، وَ مَرَا دَرِ أَنْجَحِ رِضَايِ تُوَسْتِ بَيْنَا وَ آگَاهِ گِردَانِي، وَتُعِينِنِي بِعِينَاكَ يَا حَلِيمُ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمِجِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ وَبِهِ بِي نِيَازيِ خُودِ مَرَا بِي نِيَازِ سَازِي، أَيِ بَرْدَبَارِ؛ خُدَايِ مَن؛ از تُو مِي خَوَاهَمِ بِهِ وَاسْطَهِ آنِ اسْمَتِ كِهِ بِي آنِ اسْمِ، عَبْدُكَ وَنَيْبُكَ وَخَلِيلُكَ إِبرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ أَرَادَ نُفُوزُ بِنْدَه وَ پِيَامِبِرِ وَ دُوسْتِ حَضْرَتِ اِبْرَاهِيمِ - كِهِ بَرِ اوِ دَرُودِ بَاد - تُو رَا خَوَانْدِ، هَنْگَامِي كِهِ نَمُرُودِ اِلْقَاةُ فِي النَّارِ، فَجَعَلْتَ لَهُ النَّارَ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ خَوَاسْتِ اوِ رَا دَرِ آتَشِ بِيْنْدَازْدِ؛ پَسِ، آتَشِ رَا بَرِ اوِ سَرْدِ وَ سَلَامَتِ قَرَارِ دَادِي، وَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ رَا اِجَابَتِ

کردی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) که بر محمد و آل محمد، وَأَنْ تُبْرِدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا، وَتَكْفِينِي مُحَمَّدَ دَرُودِ فَرَسْتِي، و حرارت آتشت را بر من سرد گردانی، و شعله آن را از من خاموش کنی خرها، وَتَجْعَلَ نَائِرَهُ أُغْدَآئِي فِي شِعَارِهِمْ وَدِنَارِهِمْ، وَتَرُدَّ و از حرارتش مرا کفایت کنی، و آتش فتنه انگیز دشمنانم را در لباس های زیر و روی شان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی، كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ، وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا بَارَكْتَ وَنِيرَنَكَ شَانَ رَا بِيهِ خُودَشَانَ بَا زِ گِرْدَانِي، و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که برکت دادی عَلَيْهِ وَعَلَى إِلِيهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. إلهی بر او و بر دودمانش؛ همانا تو بسیار بخشنده، ستوده شده و باشکوه و عظمتی. خدای من؛ وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ أَزِ تُو مِي خُودَشَانَ بِيهِ نَامِي كِي بِيهِ وَاسَطِيهِ أَنْ، إسماعیل - که بر او درود باد - تو را خواند؛ پس او را نَبِيًّا وَرَسُولًا، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنَسِّكًا وَمَشْرِكًا وَمَأْوَى، پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش محلّ عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ (۷)، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ، و دعایش را اجابت نمودی، و او را از قربانی شدن نجات بخشیدی، و از رحمت و لطف خود وی را مقرب ساختی، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و

تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ می خواهم (بر محمد و آل محمد درود فرستی وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِی، وَتَحُطَّ عَلَيَّ وَرُزِي، وَتَشُدَّ لِي أُزْرِي، و قبرم را وسعت دهی و بار سنگین گناه را از من برداری و پشتم را محکم سازی، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ، وَتَضَاعَفَ وَ گناهم را ببخشی و توبه را روزیم کنی با فرو ریختن زشتی ها و بدی ها و افزودن خوبی ها وَ الْخَسَنَاتِ، وَ كَشَفَ الْبَلِيَّاتِ، وَرَبِّحَ التَّجَارَاتِ، وَدَفَعَ مَعْرَهُ نِيكِي هَا وَ بَرَطْرَفَ كَرْدَنَ بِلَا هَا، وَ سَوَدَ تَجَارَتِ هَا، وَ دَوْرَ كَرْدَنَ بَدِي هَا وَ اِذْبَتِ هَايَ السَّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، وَ مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَ قَاضِي سَخْنِ جَبْنِي هَا؛ هَمَانَا تُو اِجَابَتِ كَر دَعَا هَا وَ فَرُو فَرَسْتَنَدَه بَرَكْتِ هَا، وَ بَرَأَوْرَنَدَه الْحَاجَاتِ، وَ مُعْطِي الْخَيْرَاتِ، وَ جَبَّازُ السَّمَاوَاتِ . إِلَهِي وَأَسْتُلُكَ حَاجَتِ هَا، وَ بَخْشَنَدَه خَيْرَاتِ وَ خُوبِي هَا، وَ جَبَّارُ وَ حَاكِمُ آسْمَانِ هَا بِي . خُدَايِ مَنْ؛ اَز تُو مِي خَوَاهَم بِمَا سَأَلْتُكَ بِإِنِّي خَلِيلُكَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِي نَجَّيْتَهُ بِهَ أَنْجَه كِه بَه وَاسَطَه آن اَز تُو خَوَاسْتِ فَرْزَنْدِ دُوسْتِ اسْمَاعِيلِ - كِه بَر اُو دُرُود بَاد - آن كَسِي كِه اُو رَا مِّنَ الدُّبُحِ، وَ قَدَّيْتَهُ بِدُبُحِ عَظِيمِ، وَ قَلَّبْتِ لَهُ الْمِسْقَمَصَّ حِينَ حَتَّى) اَز كَشْتَه شَدَن نَجَاتِ بَخْشِيدِي، وَ قَرْبَانِي بَزْرَكِ رَا اَز طَرَفِ اُو فَدِيَه قَرَار دَادِي وَ بَرَايِ اُو كَارْدِ رَا بَر كَرْدَانْدِي؛ هَنْگَامِي كِه نَاجَاكُ مُوقِفَانَا بِدُبُحِه، رَاضِيَاً بِأَمْرِ وَالِدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، بَا تُو مَنَاجَاتِ كَرْدِ دَر حَالِي كِه يَقِينِ بَه كَشْتَه شَدَن خُود دَاشْتِ وَ رَاضِي بَه اَمْرِ پَدْرَش بُوْد؛ پَس دَعَايَشِ رَا

نزدیک ؛ امی خواهم) بر محمّد و آل محمّد درود فرستی ، وَأَنْ تَأْتِيَنِي لِي بِجَمِيعِ مَا شِئْتِ مِنْ سَهْلِي ، وَتُقَرِّي عَيْنِي بِوَلَدِي و مرا اجازه دهی به جمع نمودن تمام کارهای پراکنده ام ، و دیده ام را به فرزندم وَأَهْلِي وَمَالِي ، وَتُضَلِّحَ لِي أُمُورِي ، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ وَخَانَوَادِهِ ام و مالم روشن گردانی ، و امورم را اصلاح کنی ، و تمام حالاتم را مبارک گردانی ، أَسْأَلُكَ ، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي أَمَالِي ، وَأَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ، و مرا به آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و از آتش پناهم دهی ، وَتَكْفِيَنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُضَيِّطِينَ الْأَخْيَارِ ، الْأَنْيَمَةَ الْأَثْرَارِ ، و مرا کفایت کنی از بدی بدکاران ، به واسطه برگزیدگان نیکان ، (یعنی) امامان نیکوکار و ثور المآثور محمّد و اله الطّيبين الطّاهرين الاخيار ، الْأَيْمَةَ وَرُشْنِي بَخْشِ رُشْنِي هَا ، محمّد و آل او که پاکیزگان و نیکان اند ، پیشوایان المهدیین ، وَالصَّفْوَةَ الْمُتَجَبِّينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، هدایت گر ، و برگزیدگان نجیبان - که دروذهای خدا بر تمام شان باد - هستند . وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِمِرَافَقَتِهِمْ ، وَتُوفِّقَ لِي وَهَمْنَشِينِي أَنَانَ رَا رُوزِي مِنْ غِرْدَانِي ، و بر من به رفاقت و همراهی آنان منت گذاری ، و مرا موفق به صحبتی با آنان کن ، مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعِبَادِكَ هَمْدِي وَهَمْنَشِينِي ايشان نمایی ، با پیامبران رسالت داده شده ، و فرشتگان مَقْرَبَتِ ، و بندگان الصّالحين ، وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ ، وَحَمَلِهِ عَزْشِكَ وَالْكَرْوَبِيِّينَ . نیکوکار و صالحان ، و تمام فرمانبرداران تو و حاملان عرش و فرشتگان کزوبیان . إلهی وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَغْفُوبُ ،

وَقَدْ كَفَّ بَصِيرَتَهُ، خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامت که به واسطه آن ، یعقوب از تو درخواست کرد ، در حالی که چشمش کور شده و سُئِمَتْ سَمْلُهُ (بجمعه)، وَفَقِدَ قُوَّةَ عَيْنِهِ ابْنَهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، و اجتماعش پراکنده شده ، و نور چشمش (یعنی) پسرش گم شده بود ؛ پس دعایش را اجابت نمودی وَجَمَعْتَ سَمْلَهُ، وَأَقْرَبْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً و پراکندگی او را جمع نمودی ، و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی ، و تو به او نزدیک بودی، یا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَأْتِيَ لِي أَيُّ نَزْدِيكَ؟ (می خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در بجمع ما تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي ، وَتَقَرَّرَ عَيْنِي بِوَالِدِي وَأَهْلِي وَمَالِي ، جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را به فرزندم و خانواده ام و مالم روشن نمایی، وَتُصَلِّحَ شَأْنِي كُلَّهُ ، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي ، وَتُبَلِّغَنِي وَتَمَامِ كَارِهَائِمِ رَا إِصْلَاحَ كُنِي ، و همه حالات و تحولات زندگی را برایم مبارک گردانی ، و مرا به تمام فی نَفْسِي امالی ، وَتُصَلِّحَ لِي أَعْمَالِي ، وَتَمَنَّ عَليَّ يَا كَرِيمُ ، یا آرزوهایم در مورد خودم برسانی ، و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من مَنّت گذاری ای بزرگوار ؛ اَيُّ ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . إلهي وَأَسئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ صَاحِبِ بزرگی ها و برتری ها ؛ به رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان ؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ يُوشِفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجِبْتَ

لَهُ، که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت یوسف - که بر او درود باد - تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی، وَنَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابِ الْجُبِّ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ، و او را از اعماق چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت کرده وَجَعَلْتَهُ نِعْمَ الْعَبْدَ لِلرَّحْمَنِ الْمَلِكِ، وَاشْرَيْتَ بِتِلْكَ الْفِطْرَةِ ثَمَنًا كَثِيرًا، وَكَانَ مِنْهُ قَرِيبًا وَبَعْدَ مِنْهُ قَرِيبًا و بعد از بندگی و بردگی او را پادشاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی یا قَرِيبٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْفَعَ عَنِّي أَيُّ نَزْدِيكَ، (می خواهم) بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرستی، و كَيْدَ كُلِّ كَايِدٍ، وَشَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إلهی نیرنگ هر حيله گر، و شَرِّ هر حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَيْيُوكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ از تو می خواهم به آن نامت که به آن نام، بنده و پیامبرت موسی بن عمران تو را خواند إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ أَنْ هِنَا» که گفتی - ای پاک و بلندمرتبه - : «ما او را از طرف راست کوه طور فرا خواندیم وَفَرَّغْنَا نَجِيًّا» (۸)، وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا، وَنَجَّيْتَهُ وَوَأَوْ رَا بَرَاي رَا ز گويي، به خود نزديك ساختيم» و راهی خشک در دریا برایش گشودی، وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا، و او و

همراهانش از بنی اسرائیل را نجات دادی، و فرعون و هامان و سپاهیانشان را غرق کردی، وَاسْتَجِیْبَتْ لَهُ دُعَاةَهُ، وَكَنتَ مِنْهُ قَرِیْبًا یَا قَرِیْبُ، اَسْتَجِیْبُكَ اَنْ و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ می خواهم (تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُعِیْدَنِيْ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از شر آفریدگانت در پناه خود نگه داری، وَتُقَرِّبَنِيْ مِنْ عَفْوِكَ، وَتَنْشُرَ عَلَیْ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِنِيْ بِهٖ عَنْ و مرا با گذشتت مقرب خود گردانی، و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از جمیع خَلْقِكَ، وَیَكُوْنُ لِيْ بِلَاغًا اُنَالُ بِهٖ مَعْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ، تمام خلق بی نیاز کند، و برایم به قدر کفایت باشد که به واسطه آن به آمرزش و رضوان تو برسم، ۱. سوره مریم، آیه ۵۲.

یا وَوَلِیِّیْ وَوَلِیِّیْ الْمُؤْمِنِیْنَ . اِلٰهٰی وَاَسْأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِیْ دَعَاكَ بِهٖ اِی صَاحِبِ اِخْتِیَارِ مَن و صَاحِبِ اِخْتِیَارِ مُؤْمِنَان . خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامی که به واسطه آن، عَبْدُكَ وَنَبِیِّكَ دَاوُدُ، فَاسْتَجِیْبَتْ لَهُ دُعَاةَهُ، وَتَجِزَّتْ لَهُ الْجِبَالُ، بنده و پیامبرت داود تو را خواند، پس دعایش را اجابت کردی، و کوه ها را مسخر و تحت فرمان او ساختی، یُسَبِّحُنَّ مَعَهُ بِالْعِشِيِّ وَالْاِبْكَارِ، وَالطَّیْرُ مَحْشُوْرَةٌ كُلُّ لَهٗ اَوَابٌ، که با او در شام گاهان و صبح گاهان تسبیح گویند، و پرندگان او پیرامون او بودند همگی را فرمانبردار او گرداندی، وَشَدَّدَتْ

مَلِكُهُ ، وَ آيَاتِهِ الْحِكْمَةَ وَفَضِيلَ الْخُطَابِ ، وَأَنْتَ لَهُ وَ سُلْطَنَتِش رَا مُحْكَمَ نَمُودِي ، وَ حَكْمَتِ وَ فَصْلِ الْخُطَابِ (حکم قاطعی که باعث تمام شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی، الْحَدِيدَ ، وَ عَلَّمْتَهُ صِيْنَةَ
لَبُوسِ لَهْمُ ، وَ غَفَرْتَ ذَنْبَهُ ، وَ كُنْتَ مِنْهُ وَ آهِن رَا بَرَايش نَرَمَ گِرْدَانْدِي ، وَ صَنَعْتَ زَرَهَ سَازِي رَا بَه اَوِ آمُوختِي ، وَ گِناهِش رَا بَخْشودِي ، وَ تُو بَه اَوِ نَزْدِيكَ بودِي ، قَرِيباً يَاقَرِيبُ . أَشْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، اِي نَزْدِيكَ . اَز تُو مِي خِواهِم كِه بِرِ مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِي ، وَ أَنْ تُسَيِّخِرَ لِي جَمِيعَ اُمُورِي ، وَ تُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي ، وَ تُزَوِّقَنِي وَ تَمَامِ اُمُورِم رَا تَحْتَ فَرْمَانِمَ قَرارِ دِهِي ، وَ تَقْدِيرِم رَا بَرايِ مَن
آسانِ سَازِي ، مَغْفِرَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ ، وَ تَدْفَعْ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ ، وَ كَيْدَ الكَايِدِينَ ، وَ آمَرِش وَ عِبَادَتِ خِودِ رَا رُوزِمَ كِنِي ، وَ اَز مَن دُورِ كِنِي سَتَمِ سَتَمِگَرانِ ، وَ نِيرَنگِ حِيلَه گِرانِ ، وَ مَكْرَ المَاكِرِينَ ، وَ سَطَواتِ
الْفِرَاعِيَةِ الجَبَّارِينَ ، وَ حَسِيْدَ وَ مَكْرَ مَكْرانِ ، وَ يورِش هَايِ فِرْعَوْنَ هَايِ زورِگُو ، وَ حَسَدِ الحَايِدِينَ ، يَ اَمَانَ المَحَانِفِينَ ، وَ جَارَ المَشِيخِيْرِينَ ، وَ يَفَقَةَ حَسودانِ رَا . اِي اِيْمَنِي بَخْشِ بِيْمَنّاكَانِ ، وَ اِمَانِ دِهِنْدَه پِناهِ
جِويانِ ، وَ مَحَلِّ اطمِئنانِ الوائِقِينَ ، وَ ذَرِيْعَةَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ رِجاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ ، وَ مُعْتَمَدَةَ كِنْدِگانِ ، وَ دَسْتاوِيزِ مُؤْمنانِ ، وَ اُميدِ تَوَكَّلِ كِنْدِگانِ ، وَ مَحَلِّ اعْتِمادِ الصَّالِحِينَ ، يَ اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اِلَهِي وَ اَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ بِالْاِسْمِ نِيكُو كَارانِ ، اِي مَهْرَبانِ تَرينِ مَهْرَبانانِ ؛ خِدايِ مَن ؛ اَز تُو مِي خِواهِم بارِ پَرُورِدِگارا ؛ بَه اَن اِسْمِي الَّذِي سَتَلَّكَ بِه عَيْدُكَ وَ نَبِيِّكَ سَلِيْمَانُ بِنُ داوُدَ عَلَيْهِمَا

السلام، که بنده و پیامبرت سلیمان فرزند داوود - که بر هر دو درود باد - تو را خواند إِذْ قَالَ «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَبْغِي لِأَخِيهِ مِنْ بَعْدِي هِنْكَامِي كَمَا كَفْتُ : «بار الها؛ مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (۹)، فَاسْتَجِيبَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَأَطَعَتْ لَهُ الْخَلْقَ، که همانا تو بسیار بخشنده ای؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و آفریدگان را مطیع او ساختی، وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ، وَعَلَّمْتَهُ مَطِيقَ الطَّيْرِ، وَسَيَّحَرْتَ لَهُ و او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی، و الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ، و اَحْرَيْنَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، شِبَاطِينَ - بناکننده و فرو رونده در آب - را مسخر او ساختی، و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛ هَذَا عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءَ غَيْرِكَ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبَ . أَنَّ اَيْنَ، بخشش توست نه بخشش غیر تو؛ و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک .) می خواهم (که تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي، وَتَجْمَعَ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و قلبم را برایم هدایت کنی، و عقلم را برایم متمرکز کنی، وَتَكْفِيَنِي هَمِّي، وَتُؤْمِنَ خَوْفِي، وَتَفْكَ أَسِيرِي، وَتَشُدَّ غِرْدَانِي، و اندوهم را کفایت کنی، و ترسم را ایمن گردانی، و از بند اسارتم رها کنی، و پشتم را محکم آزری، وَتُهَيِّئْ لِي وَتُهَيِّئْ لِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَتَشِجَّعَ يَدَائِي،

گردانی، و مرا مهلت دهی، و آسوده خاطر سازی، و دعایم را اجابت کنی، و ندایم را بشنوی، وَلَا تَجْعَلْ فِي النَّارِ مَأْوَى، وَأَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِي، وَأَنْ تُوسِعَ وَجَاهِغَاهُمْ رَا دَرِ آتَشِ قَرَارِ نَدَهِي، وَ دُنْيَا رَا بَزْرَكِ تَرِينِ مَقْصُودِ مَن قَرَارِ نَدَهِي، وَ رُوزِي اَم رَا بَرَايِمِ وَسَعَتِ عَلَيَّ رِزْقِي، وَ تُحَسِّنْ خُلُقِي، وَ تُعَيِّنِي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَإِنَّكَ دَهِي، وَ اخْلَاقِم رَا نِيكُو گَرْدَانِي، وَ مَرَا اَزِ آتَشِ آزَادِ كُنِي؛ هَمَانَا تُو سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلِي. إِلَهِي وَ أَشَأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي آقَايِ مَن وَ مَوْلَايِ مَن وَ نَهَايِ آرزوِي مَن هَسْتِي. خدَايِ مَن؛ اَزِ تُو مِي خَوَاهِمِ پَرُورِدِ گَارَا؛ بَهِ اَنِ اسْمَتِ كِهِ بَهِ ۱. سوره ص، آيه ۳۵.

دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ، لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصَّحْحِ، وَ نَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ اَنِ اسْمِ، أَيُّوبِ تُو رَا خَوَانِدِ، هَنَكَا مِي كِهِ بَلَا بَعْدِ اَزِ صَحَّتِ بَهِ اُو رَسِيدِ، وَ بِيْمَارِي مَنزِلِ الْعَافِيهِ، وَ الصَّيْقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةِ، فَكَشَفَتْ صُدْرَهُ، جَايِ عَافِيَتِ اُو نَشَسَتْ وَ تَنَكِّي وَ شَدَّتْ بَعْدِ اَزِ فَرَاخِي وَ تَوَانَايِي بَرِ اُو رُويِ آوَرِدِ؛ پَسِ گَرَفْتَارِيشِ رَا بَرطَرَفِ كَرْدِي، وَ رَزَدَدَتْ عَلَيْهِ أَهْلُهُ، وَ وِنَلَهُمْ مَعَهُمْ، حِينِ نَادَاكَ، دَاعِيَا لَكَ، وَ خَانُودَه اَشِ وَ مِثْلِ اِيْشَانِ رَا كِهِ بَا اِيْشَانِ بُوْدَنِدِ بَهِ اُو بَارِ گَرْدَانِدِي، هَنَكَا مِي كِهِ تُو رَا نَدَا دَادِ، دَرِ حَالِي كِهِ دَعَا كُنِنْدَهِ بَرَايِ تُو وَ رَاغِبَا إِلَيْكَ، رَا جِيَا لِفَضْلِكَ، شَاكِيَا إِلَيْكَ رَبُّ «إِنِّي مَسْنِي الضُّرُّ رُويِ آوَرِنْدَهِ بَهِ سُوِيِ تُو، وَ اَمِيدُوارِ بَهِ بَخْشِشِ تُو، وَ شَكُوَهِ كُنِنْدَهِ بَهِ سُوِيِ

تو بود) و گفت: (ای پروردگار من؛ «همانا بیچارگی بر من وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (۱۰)، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی؛ پس، دعایش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، وَأَنْ تُكْشِفَ ضُرِّي، وَتُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَبِجَارِغِي مَرَّ بِرَطْفِ كَنِي، و در جان و خانواده و مال و فرزند وِإِخْوَانِي فِيكَ، عَافِيَةً بِأَقْبِيهِ شَافِيَةً كَافِيَةً، وَافْرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً، و برادران دینی ام عافیت دهی، عافیت پایدار، شفابخش، کفایتگر، فراوان و فراگیر، هدایت گر، رشد دهنده، مُشِيَّتُغِيَّتِهِ عَنِ الْأَطْيَآءِ وَالْأَذْوِيهِ، وَتَجْعَلُهَا شِعَارِي وَدِيَارِي، بی نیاز کننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیر و رویم قرار دهی (کنایه از اینکه همواره با من همراه باشد)، وَتَمْتَعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي، وَتَجْعَلُهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، إِنَّكَ عَلَيَّ وَمَا بِي مِنْ عَيْنٍ وَبِجَارِغِي مَرَّ بِرَطْفِ كَنِي، و آن دو را وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَأَشْرُكُكَ بِأَشْرِكِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُؤْنَسُ هَرِّ جِزْيِ تَوَانِي. خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم، یونس بُنُّ مَتَّى فِي بَطْنِ الْخُوتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ « أَنْ لَا يَسِرَّ مَتَّى فِي شَكْمِ مَاهِي تَوَانِي، هنگامی که تو را در تاریکی های سه گانه خواند) و گفت: («هیچ ۱

إِلَهَ إِلَهًا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾ وَأَنْتَ أَرْحَمُ مَعْبُودِي نِيسْتَ غَيْرَ از تُو، تُو پاك و منزهي؛ همانا من از ستمگران - بر خویش - هستم» و) حال آن كه (تو مهربان ترين الزاجمين ، فَاَسْتَجِيبَتْ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَأَثْبَتَتْ عَلَيْهِ شَجَرَهُ مِنْ يَقْطِينٍ ، مهربانانی ؛ پس دعایش را اجابت نمودی ، و بوته ای از كدو برایش رویاندی؛ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مَاءِ الْآلِفِ أَوْ يُزِيدُونَ ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک ، أَنْ تُصِيبَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلَ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَشِيْتَجِيبَ دُعَائِي ، می خواهم (كه بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و دعایم را اجابت کنی، وَتُدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ ، فَقَدْ عَرَفْتُ فِي بَغْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي ، وَرَكِبْتِي وَبَا كَدَشْتِ خُودِ كَدَشْتِهْ اَمِ رَا جَبْرَانَ كُنِي؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شده ام ؛ وَ مَظَالِمٍ كَثِيرَةٍ لِحَلْفِكَ عَلَيَّ ، صَلُّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلَ مُحَمَّدٍ ، حَقِّ وَ حَقُوقِ بَسِيَارِي بَرَايِ بِنْدِ كَانْتِ بَهْ دُوشِ مِنْ اَسْتِ ، بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَاسْتَرْتَنِي مِنْهُمْ ، وَأَعْتَقْتَنِي مِنَ النَّارِ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَائِكَ وَ مَرَا از آنان پنهان دار، و مرا احسان کننده - . خدای من؛ وَأَسْتَلُكَ بِأَسْمِكَ

الَّذِي دَعَاكَ بِعَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِذْ تَوَلَّى خَوَانِدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ إِذْ أُنزِلَتْهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ ، وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ ، - که بر هر دو درود باد - در آن هنگام که او را با روح القدس نیرو بخشیدی ، و در گهواره گویا نمودی ، فَأَخْبِي بِهِ الْمَوْتِ ، وَأَبْرَأْ بِهِ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ ، وَخَلَقْ وَهَ وَسِيلَهُ اَوْ ، مردگان زنده شدند ، به وسیله او با اجازه تو کور مادرزاد و بیمار پیسی گرفته شفا یافت ، وَ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا زَكِّيَّةُ ، شکل پرنده ای را درست کرد پس به اذن تو پرنده و پروازکننده گردیدی؛ و تو به او نزدیک بودی، ای ۱ . سوره انبیاء ، آیه ۸۷ .

قَرِيبٌ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا نَزِدِيكَ ، (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا برای آنچه خَلَقْتَ لَهُ ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّمْتَهُ لِي ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ آفریده شده ام) از مشغولیات (فارغ بداری ، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهده دار گشته ای ، و مرا از عبادت پیشگان وَرُهَادِكَ فِي الدُّنْيَا ، وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ ، وَهَنَاتُهُ بِهَا مَعَ وَ زاهدان خود در دنیا قرار دهی، و از آنان که برای عافیت و سلامت آن ها را آفریده ای ، و به كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمٌ يَا عَظِيمٌ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمِكَ الَّذِي بزرگواری ات، زندگی را با داشتن عافیت برای شان گوارا

گرداندی؛ ای بخشنده؛ ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ . خدای من؛ از تو می خواهم به دَعَاكَ بِه اَصْفُ بْنُ یَزِیْعِیَا عَلَی عَوْشِ مَلِکِہِ سَبِیَا ، فَکَانَ أَقْلٌ مِنْ خَاطِرِ آن اسمت که به واسطه آن ، آصف پسر برخیا بر (احضار) تخت ملکه سبا تو را خواند؛ پس در کمتر از لَحْظَہِ الطَّرْفِ ، حَتَّى کَانَ مُصَوَّرًا بَیْنَ یَدَیْہِ ، فَلَمَّا رَأَتْہُ اَقْبَلَ چشَمِ بَرہَمِ گِذَاشْتَنِی دَرِ پِیشِ چَشْمِشِ حَاضِرِ شَد ، بَہِ گونہ ای کہ وقتی ملکہ، آن را دید «به او گفته شد: اَهْکَذَا عَوْشُکَ قَالَتْ کَأَنَّهُ هُوَ» (۱۲) فَاسْتَجِیْبَتْ دُعَاَہُ ، وَکُنْتُ مِنْہُ آيَا تَخْتِ تُو چَیْنِیْنِ اسْتِ ؟ (بلقیس) گَفت : گویَا هَمِیْنِ اسْتِ «پس دعایش را اجابت نمودی، و تو قَرِیْبًا یَا قَرِیْبُ ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَتُکْفِرَ عَنِّی بَہِ اُو نَزْدِیْکَ بُوْدِی ، اِی نَزْدِیْکَ ، (می خواهم) کہ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَ گِناہانِ سَیِّئَاتِی ، وَتَقْبَلَ مِنِّی حَسَنَاتِی ، وَتَقْبَلَ تَوْبَتِی ، وَتَتُوبَ عَلَیَّ ، وَ بَدِی هَایْمِ رَا بَیُوشَانِی ، وَ کارهای نیکویم را از من قبول کنی ، وَ تُوْبَہِ اَمِ رَا بَیْذِیْرِی ، وَ بَرِ مِنْ رُوِی آوَرِی ، وَتُعْنِی فَقْرَی ، وَتَجْزِرَ کَثِیْرَی ، وَتُخِیِّی فُوَادِی بَیْذِکْرِکَ ، وَتُخِیْنِی وَ فَقْرَمِ رَا بَرطَرَفِ سَازِی ، وَ شَکَسْتِ مَرا جَبْرانِ کُنِی ، وَ قَلِمِ رَا بَا یَا دِ خُودِ زَنْدَہِ کُنِی ، وَ مَرا فِی عَافِیَہِ ، وَتَمِیْتِنِی فِی عَافِیَہِ . اِلٰہِی وَ اَسْأَلُکَ بِالْاِیْمِ الَّذِی دَرِ عَافِیْتِ زَنْدَہِ بَدَارِی وَ دَرِ عَافِیْتِ بَمِیرَانِی . خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی کہ دَعَاكَ بِه عَبْدُکَ وَ نَبِیِّکَ زَکْرًا عَلَیْہِ السَّلَامِ حِیْنَ سَأَلْتُکَ ، دَاعِیًا بَہِ وَاسطَہِ آن اسم، بنده و

از آتش نجاتم بخشی، و از آنچه که برای اهل آتش آماده شده است از زنجیرها و غلها، وَالسُّدَّاءِ وَالْأَنْكَالِ، وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ. إلهی و نیز سختیها و فشارها، و انواع عذابها رهایی بخشی؛ با گذشت خودت، ای بخشنده بزرگوار؛ خدای من؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَوْتُكَ بِهِ عَبْدَتُكَ وَصَدِيقَتُكَ مَرْيَمُ ابْنَتُكَ مِنْ تُو مِي خَوَاهِمُ بِيهِ اسْمِي كَمَا بِيهِ اسْمُ بِنْتِهَا وَتَصَدِّقُ كُنْتَهُ ابْنَتُ مَرْيَمَ بِنْتِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قُلْتُ « وَمَرْيَمُ ابْنَتُ وَ مَادِرِ مَسِيحِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ » - یاد آر - حال مریم دختر عمران الَّتِي أَخْضَعَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ عَمْرَانُ رَا كَهْ عَوْرَتِ خَوْذِ رَا حَفْظُ كَرْدُ؛ پس آن گاه در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم؛ و مریم نیز بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ « (۱۵) فَاسْتَجَبَتْ لَهَا كَلِمَاتُ وَ كِتَابِ هَايِ پَرُورِدِ گَارِشِ رَا بِا كَمَالِ اِيْمَانِ تَصَدِّقِ كَرْدُ، و از فرمانبرداران خدا بود» پس دعای او را اجابت دُعَائِهَا، وَ كُنْتُ مِنْهَا قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِي كُنِي حَالِي كَهْ تُو بِيهِ اَوْ نَزْدِيكِ بُوْدِي اِي نَزْدِيكِ، (مِي خَوَاهِمُ) كَهْ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَصِّنِي بِحَضْرَتِكَ الْخَصِيْنِ، وَتَخَيَّرْتَنِي بِجِجَابِكَ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي وَ مَرَا بِا حَصَارِ مُحْكَمِ خَوْذِ نَگَهْدَارِي كُنِي، وَ بِا پُوشِشِ بَارْدَارِنْدِه اَتِ مَرَا الْمُنِيْعِ، وَتُخَرِّزْنِي بِحِزْزِكَ الْوُثِيْقِ، وَتُكْفِيْنِي بِكَفَايِيْتِكَ الْكَاْفِيَةِ، بِپُوشَانِي، وَ بِيهِ حِرْزِ مُحْكَمِ مَرَا حَفْظِ وَ

حراست نمایی، و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ، وَظَلَمِ كُلِّ بَاغٍ، وَمَكْرِ كُلِّ مَاجِرٍ، وَعَدْرِ كُلِّ اِزْشَرِّ هِر سِرْكَش، و ستم هر تجاوزگر، و مکر و نیرنگ هر حيله گر، و خیانت هر ۱. سوره تحریم، آیه ۱۲.

غادر، و سِتْخِرُ كُلِّ سَاحِرٍ، وَجُورِ كُلِّ شَيْطَانٍ جَائِرٍ، بِمَنْعِكَ يَا خِيَانَتِ كَار، و جادوی هر جادوگر، و ستم هر سلطان ستمگر؛ با بازدارندگی و نگهداری خودت، ای مَنِعٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ، بازدارنده؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که با آن اسم، بنده و پیامبر وَصَفِيُّكَ وَخَيْرُتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينُكَ عَلَيَّ وَحِيَّتِكَ، وَبِعَيْتِكَ إِلَيَّ و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات، و امین بر وحیت، و برانگیخته شده به بَرِّيَّتِكَ، وَرَسُولُكَ إِلَى خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصُّكَ وَخَالِصٌ تُكَّ، صِيْلِي سَوِي آفَرِيدْكَانَت، و فرستاده ات به سوی خلقت، محمد، بنده خالص و خالص تو - که درود و سلام اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَاسْتَجِبْتَ دُعَاءَهُ، وَأَبْدَتْهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا، خدا بر او و آل او باد - تو را خواند؛ پس دعایش را اجابت نمودی و با سپاهبانی که آن ها را نمی دیدند، او را تأیید کرده و یاری وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْغَلِيْبَا، وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَكُنْتَ مِنْهُ رَسَانِدِي، و کلمه خود را برتر قرار دادی، و کلمه آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ در حالی که تو به او قریباً یا قَرِيْبٌ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ، صَلَاةَ نَزْدِيكَ بَدِي، اِي نَزْدِيكَ .)مِي خَوَاهِم (كِه بِر مَحْمَدِ و آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِي ؛ دَرُودِهايِ زَاكِئَهٗ طَيِّبَهٗ، نَامِيَهٗ بَاقِيَهٗ مُبَارَكَهٗ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيِ اَبِيهِمْ اِبْرَاهِيمَ بَاكٍ و پَاكِزَهٗ ، رَشْدِ كُنندِهٗ پَايدارِ، مَبَارَكِ؛ چنانِ كِه بِر پَدَرِشانِ اِبْرَاهِيمِ و آلِ و آلِ اِبْرَاهِيمِ ، وَبَارِكْ عَلَيِهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيِهِمْ ، وَسَلِّمْ عَلَيِهِمْ اِبْرَاهِيمِ دَرُودِ فَرَسْتادِي؛ و بِرِ اَنانِ مَبَارَكِ گَرْدانِ هَمچنانِ كِه بِرِ آلِ اِبْرَاهِيمِ مَبَارَكِ گَرْداندي؛ و بِرِ آلِ مُحَمَّدِ سَلامِ بَرسانِ كَمَا سَلِّمْتَ عَلَيِهِمْ ، وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَهٗ مِنْ عِنْدِكَ ، چنانِ كِه بِرِ آلِ اِبْرَاهِيمِ سَلامِ رَساندي ؛ و بِهَرِهٗ ايشانِ را از جَانِبِ خُودِ فَوْقِ اَنجِهٗ گَفْتِهٗ شَدِ زِيادِ كُنْ ؛ وَاخْلُطْنِي بِهِمْ ، وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ و مرا آمِيختهٗ با ايشانِ و از اَنانِ قَرارِ بَدِهٗ ، و با ايشانِ مَحْشُورِ كُنْ ، و در زَمَرِهٗ ايشانِ قَرارِ بَدِهٗ ، حَتَّى تَشْرِيقِي مِنْ حَوْضَتِهِمْ ، وَتَذْخَلْنِي فِي جَمَلَتِهِمْ ، وَتَجْمَعْنِي تا از حَوْضِ (كُوتَرِ) اَنانِ مرا سِيرابِ كُنِي ، و در گَرُوهٗ اَنانِ واردِ كُنِي ، و مرا با اِيَّاهُمْ ، وَتَقَرَّرْ عَيْنِي بِهِمْ ، وَتُعْطِنِي سُؤْلِي ، وَتُبَلِّغْنِي اَمالِي فِي اَنانِ در يَكجا جَمعِ نَمايِي ، و چِشْمِ مرا بِهٗ ايشانِ رُوشنِ سَازِي ، و خِواستِهٗ امِ را عَطَا كُنِي ، و مرا بِهٗ آرزوهايِمِ در دِنيِ وَدُنْيايِ وَ اِخْرَتِي ، وَمُخَيَّائِ وَ مَماتِي ، وَتُبَلِّغْهُمْ سَلامِي ، دِينِ و دُنْيا و اِخْرَتِمِ و در زَنديگِي و مَرگِمِ بَرسانِي ؛ و سَلامِ مرا بِهٗ ايشانِ بَرسانِي ، وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلامَ وَ عَلَيِهِمُ السَّلامَ وَرَحْمَةَ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ . و پاسخِ از اَنانِ بِهٗ مَنِ بَرگَرْدانِي ؛ سَلامِ و

رحمت و برکات خدا بر ایشان باد . إلهی وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ خدای من ؛ تو همانی که در نیمه های هر شب ندا می دهی : آیا درخواست کننده ای هست فَأَعْطِيهِ ، أمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأُجِيبَهُ ، أمْ هَلْ مِنْ مُسْتَعْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ، تا به او عطا کنم؟ آیا دعاکننده ای هست تا او را اجابت نمایم ؟ آیا استغفار کننده ای هست تا او را بیامرزم ؟ أمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأَبْلُغَهُ رَجَاءَهُ ، أمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأَبْلُغَهُ أَمَلَهُ ، ها آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم ؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم ؟ اینک أَنَا سَأَلْتُكَ بِفِنَائِكَ ، وَمَشَكَيْتُكَ بِبَابِكَ ، وَضَعِفْتُكَ بِبَابِكَ ، وَفَقِيرُكَ مِنْ دَرَاكَاتِ دَرَاكَاتِ كُنْتَهُ مِنْ تَوَامِدِ دَرَبِ خَانَةِ تُو ، وَنَاتَوَانِ تُوَامِ بِدَرَبِ خَانَةِ تُو ، وَبَيْنَوَانِ تُوَامِ بِبَابِكَ ، وَمُؤْمَلُكَ بِفِنَائِكَ ، أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ ، به درب خانه ات ، و آرزومند در درگاه تو هستم ؛ از تو عطا و بخشش تو را می خواهم ؛ و امیدوار رحمت تو وَأُوْمَلُ عَفْوَكَ ، وَالْتَمِسُ غُفْرَانَكَ ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . و آرزومند گذشت تو هستم؛ و آمرزش تو را تمنأ می نمایم ؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست ، وَأَعْطِنِي سُؤْلِي ، وَبَلِّغْنِي أَمَلِي ، وَاجْبُرْ فَقْرِي ، وَارْحَمْ عَضْيَانِي ، و خواسته ام را عطا کن ؛ و مرا به آرزویم برسان ؛ و فقرم را جبران کن ، و به عصیان و سرکشی ام رحم کن ؛ وَاعْفُ عَن ذُنُوبِي ، وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ الْمَطَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبَتِي ، و از گناهانم

در گذر؛ و حَقَّ و حقوقی که از بندگانت بر عهده من است، مرا از آن رها کن؛ وَقَوْضَ صَدْعَفَى، وَأَعَزَّ مَشِيكَتَى، وَبَثَّ وَطَأْتَى، وَأَغْفِرُ جُزْمَى، و ناتوانیم را قَوْتِ بَخْش؛ و بیچارگی ام را عَزَّتِ بَخْش؛ و گام
هایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛ وَأَنْعِمَ بَالِي، وَأَكْثِرْ مِنَ الْخَلَالِ مَالِي، وَخِزْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَفِكْرٍ وَذَهْنٍ رَا رَشْدَ بَدَه؛ و مالم را از حلال زیاد کن؛ و در تمام امور و کارهایم برایم
خیر و أفعالِی، وَرَضْنِي بِهَا، وَارْحَمْنِي وَوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدًا مِنْ خَيْرِي مَقْدَرٍ فَرْمَا؛ و مرا به آن ها راضی و خشنود گردان؛ و رحم کن بر من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ مَرْدَانٍ وَزَمَانَ مَوْمِنٍ، وَ مَرْدَانَ وَ زَنَانَ مَسْلَمَانَ، زَنْدِگَانَ از آن ها وَاللَّافُوتِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَوَاتِ، وَالْهَمْنِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا أَشْتَجُّ وَ مَرْدِگَانَ از آن ها؛ همانا تو شنونده دعاهایی .
به من الهام کن از نیکی کردن نسبت به آن دو (پدر و مادرم) أَنْجِهْ بِه تَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ، وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا، وَأَغْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا، وَاجْزِهِمَا بِأَنْ شَابِسْتِگَى ثَوَابٍ وَبَهْشْتِ تُو رَا پیدَا کُنم، وَ کَارِهَائِ نَبِکَ آن ها رَا
قبول فرما، و بدی های آن ها را ببخش، بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي تَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ . إلهی وَقَدْ عَلِمْتُ بِقِيْنَا أَنَّكَ وَ به خاطر خوبی هایی که آن دو درباره من کرده اند پاداشت و بهشتت را نصیب آن دو فرما .
خدای من؛ به یقین می دانم تُو لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ، وَلَا

تَمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُجِبُهُ دَسْتور به ستم نمی دهی، و به آن راضی نیستی، و میل به آن نمی نمایی، و آن را نمی خواهی و دوستش نمی داری، وَلَا تَغْشَاهُ، وَتَعْلَمُ مَا فِيهِ هُوَ لِآءِ الْقَوْمِ مِنْ ظَلَمِ عِبَادِكَ وَبَغْيِهِمْ و نمی پوشانی آن را؛ و می دانی آنچه را که این قوم از ظلم به بندگانت و تجاوزگری آن ها عَلَيْنَا، وَتَعَوَّدِيهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ، بَلْ ظَلَمْنَا وَوَعَدْنَا وَزُوراً بِرِ عَلَيْهِ مَا، و تعدی و تجاوز ناحق و نامعرفشان که از روی ظلم و دشمنی و زور و بُهْتَانًا، فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا يَبِيدُ مِنْ بُلُوغِهَا، أَوْ كَتَبْتَ وَتَهَمْتَ أَنْ رَأَى مَدَّتِي قَرَارِ دَادِي كَمَا بَادِي أَنْ مَدَّتِ بِسَرِّ آيِدٍ؛ يَا لَهُمْ أَجَالاً يَنَالُونَهَا، فَصَدَّقْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصَّادِقُ مهلت هایی بر ایشان نوشتی و معین کردی که باید به پایان برسد، پس تو گفتی - و سخنت حق و وعده ات راست است - : «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (۱۶). فَأَنَا أَسْأَلُكَ «آنچه را خدا بخواهد محو و نابود می کند و آنچه را بخواهد ثابت می دارد؛ و ام الكتاب نزد اوست». پس من از تو می خواهم، ۱. سوره رعد، آیه ۳۹.

بِكُلِّ مَا سَأَلْتَنِي بِهِ أَنْبِيَاءُكَ الْمُؤْتَمِرِينَ وَرُسُلِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِمَا بِهِ وَاسْطَهُ تَمَامِ أَنْ جِهَ بِهِ أَنْ، يَا مَبْرَانَ مَرْسَلٍ - كَمَا رَسَالَتِ تَبْلِيغِ دَاسْتَنَدٍ - وَرَسُولَاتِ مِنْ تَوَاسْتَنَدٍ، وَاز تَوَاسْتَنَدٍ بِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، أَنْ تَمْحُوَ مِنْ بِيهِ وَاسْطَهُ أَنْجَه بِنْدِگَانِ صَالِحٍ وَشَايَسْتَه ات وَفَرَشْتِگَانِ مَقْرَبَتِ بَا أَنْ از تَوَاسْتَنَدٍ

خواستند؛ که از اُمّ الکتابِ ذلک، وَتَكْتَبُ لَهُمْ الْأَرْضَ مِخْلَالَ وَالْمَحَقَّ، حَتَّى تُقَرَّبَ اِمَّ الْکِتَابِ (لوح محفوظ)، آن مدّت و مهلت را محو کنی و نابودی و پراکندگی و از هم پاشیدگی را برای شان بنویسی تا اجالَهُمْ، وَتَقْصِي مِدَّتَهُمْ، وَتُدْهَبُ اَيَّامُهُمْ، وَتُبْتَرُ اَعْمَارُهُمْ، اجل های شان را نزدیک سازی، و مدّت شان را پایان دهی، و روزهای شان را سپری سازی، و رشته عمرشان را پاره کنی، وَتُهْلِكُ فُجَارَهُمْ، وَتَسْلُطُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، حَتَّى لَا يُبْقِي وَفَاسِقَانِشَان را هلاک سازی، و بعضی از آن ها را بر بعضی دیگر مسلط سازی؛ تا مِنْهُمْ اَحَدًا، وَلَا تُنْجِي مِنْهُمْ اَحَدًا، وَتَقَطَّعَ اَجَالَهُمْ، وَتَقْصُرَ اَعْمَارَهُمْ، و جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمر شان را کوتاه، وَتُرْزِلَ اَقْدَامَهُمْ، وَتُظْهِرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ، وَتُظْهِرَ عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ، و قدم های شان را متزلزل کنی؛ و سرزمین هایت را از وجودشان پاک، و بندگان را بر آنان مسلط سازی؛ فَقَدْ غَيَّرُوا سُرِّيَّتَكَ، وَنَقَضُوا عَهْدَكَ، وَهَتَّكُوا حَرِيْمَكَ، وَأَتَوْا عَلٰى چَرَا که آنان سَنَت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند، و حریمت را هتک کردند، مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ، وَعَتَوْا عَتْوًا كَبِيرًا كَبِيرًا، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا، و آنچه نهی کردی انجام دادند و (از فرمان های تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ بزرگ، و گمراه شدند گمراهی عمیق، فَصَلِّ

در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن بندگان را از راه تو گمراه کنند؛ پروردگارا؛ اطمینش علی اموالهم واشدذ علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یرؤا اموال آنان را نابود گردان، و دل های شان را سخت گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی که العذاب الالیم» (۱۷)، فَمَنْنَتْ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا إِلَى أَنْ عَذَابِ دَرْدَنَكَ تُو رَا مَشَاهِدَه كَنَنْدَه پَس بَرِ آَنَان بَا اِجَابَتِ دَعَائِشَان مَنَّت كَذَارَدَه وَ نَعْمَتِ دَادِي؛ تَا اَيْن كَه فَرَعَتْ سَيَمَعَهُمَا يَأْتِرِكْ ، فَقُلْتَ اللّٰهُمَّ رَبِّ «فَدُ أُجِيْبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَرَمَانَت رَا بَه كُوشِ آَنَان رَسَانَدِي، پَس كَفْتِي : - اِي خَدَا وَ اِي پَرُورْد كَار مَن؛ - «دَعَايِ شِمَا رَا مَسْتَجَاب كَرْدَم؛ فَاسْتَقِيْمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيْلَ الَّذِيْنَ لَا يَغْلُمُوْنَ» (۱۸) . اَنْ تُصَلِّمِي عَلٰی پَس هَر دُو اسْتَقَامَتِ بُوْرزِيْد ، وَ بِپُروِي از رَاه مَرْدَم جَاهِل نَكْنِيْد .) مِي خَوَاهَم (كَه بَر مُحَمَّدٍ وَ اِل مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَطْمِسَ عَلٰی اَمْوَالِ هُوْلَاءِ الظّٰلِمِيْهِ، وَ اَنْ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي، وَ اَمْوَالِ اَيْنِ سَتَمِ كَرَان رَا مَحُو وَ نَابُودِ كُنِي، وَ بَر ۱ وَ ۲ . سُوْرَه يُوْنِس ، آيَه ۸۸ وَ ۸۹ .

تَشَدَّدَ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ ، وَ اَنْ تَخْبِيْفَ بِهِمْ بَرِّكَ ، وَ اَنْ تُعْرِفَهُمْ فِي قُلُوْبِ شَانِ سَخْتِ كَرْدَانِي ، وَ آَنَان رَا بَه بِيَابَانِ خُودِ فَرُو بَرِي ، وَ دَرِ دَرِيَايِ خُودَتِ آَنَان رَا غَرَقِ بَحْرِكَ ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيْهِمَا لَكَ ، وَ أَرِ الْخَلْقَ كُنِي ؛ هَمَانَا آسْمَانِ هَا وَ زَمِيْنِ وَ اَنْجَه دَرِ اَنْهَاسْتِ دَرِ اَخْتِيَارِ تُوْسْتِ ، قُدْرَتِكَ فِيْهِمْ ، وَ بَطْشَتِكَ عَلَيْهِمْ ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ ، وَ عَجِّلْ لَهُمْ وَ قَدْرَتِ خُودِ رَا دَرِ مُورِدِ آَنَانِ ، وَ سَخْتِ كِيْرِيْتِ رَا بَرِ اِيْشَانِ

به مردم نشان بده؛ این کار را درباره آنان انجام ده و برای آنان در ذلک، یا خَیْرَ مَنْ سِئِلَ، وَخَیْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَیْرَ مَنْ تَدَلَّلَتْ لَهُ این کار شتاب کن؛ ای بهترین کسی که از او درخواست شده؛ و بهترین کسی که خواننده شده؛ و بهترین کسی که برای او اَلْوَجُوهُ، وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَ بِاللُّسْنِ، وَشَخَّصَتْ إِلَيْهِ چهره ها به خاک مَدَلَّتْ افتاده؛ و دست ها به سوی او بالا رفته؛ و با زبان ها خواننده شده؛ و نگاه ها به سوی الْأَبْصَارِ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَثِقَلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ، وَتُحَوِّكُم إِلَيْهِ او دوخته شده؛ و قلب ها به سوی او روی آورده؛ و قدم ها به سوی او برداشته شده؛ و داوری فی الْأَعْمَالِ . إلهی وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَنْبَاهَا، وَكُلُّ در کارها به سوی او برده شده است . خدای من؛ من بنده ات هستم که از تو می خواهم با شکوهمندترین نام هایت؛ البتّه تمام أَسْمَائِكَ بَهِيّ، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نام های تو باشکوه است بلکه از تو به واسطه تمام نام هایت می خواهم که بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرَكِّبَهُمْ عَلَيَّ أُمَّ رُؤَسِيهِمْ فِي رُؤُسِهِمْ، وَتُزِدِّيهِمْ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و اهل ستم را با مغز سرشان در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده اند واژگون کنی ، و آنان را در فی مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ ، وَأَرْبَابِهِمْ بِحَجْرِهِمْ ، وَذَكَرَهُمْ بِمَشَاقِصِهِمْ ، عمق حفره هایشان بیندازی ، و با سنگ شان آنان را بزنی، و آنان را بکشی با تیرهای شان ، وَأَكْبِيَهُمْ عَلَيَّ مَنَاخِرِهِمْ ، وَاحْتَفِيَهُمْ بِوَتْرِهِمْ ، وَأَزِدُّهُمْ كَيْدَهُمْ فِي وَبَائِنِي شان بر زمین بکوبی،

و جز تو مرا مینها غمگین ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ ، وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ ، فَأَمِّحْ يَا سَيِّدِي از آن ها رهایی نمی دهد ، و بر آن توان ندارد ، و در اختیار کسی جز تو نیست ، پس از بین ببر ای آفای من ؛ ۱ . سوره صافات ، آیه ۷۵ .

كثْرَةُ سَيِّئَاتِي يَسِيرِ عِبْرَاتِي ، بَلْ بِسَاوَةِ قَلْبِي ، وَجُمُودِ عَيْنِي ، زِيَادِي گناهانم را با کمی اشک هایم ؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشمم ؛ لَا بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَأَنَا شَيْءٌ ، فَلْتَسْغِنِي نَه ، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فرا گرفته است ، و من نیز یکی از آن موجودات هستم ، پس رَحْمَتُكَ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، لَا تَمْتِنِحْنِي فِي رَحْمَتِكَ شَامِلِ مِنْ نِيْزِ هَسْت ، ای بخشنده ؛ ای مهربان ؛ ای مهربان ترین مهربانان ؛ در هذه الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَخْنِ ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي ، این دنیا با محنت ها و دشواری ها مرا امتحان مکن ، و کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط مکن ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِدُونِي ، وَعَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ ، وَادْفَعْ وَبِهِ وَسِيلَهُ گناهانم هلاکم مساز ، و در رهاییم از هر ناپسند و ناخوش آیند تعجیل فرما ، عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ ، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي ، وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ جُمُعَتِكَ و هر ستمی را از من دور کن و پرده ام را مدر ، و در روزی که آفریدگانت را برای الْخَلَائِقِ لِلْحِسَابِ ، یا بجزیل الْعَطَاءِ وَالْثَوَابِ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ حَسَبَ گِرد می آوری مرا رسوا مکن ، ای بسیار عطا کننده و پاداش دهنده

؛ از تو می خواهم علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَوَةَ الشُّعْدَاءِ ، وَتُمَيِّتَنِي بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي ، وَمَرَا بِهَ زَنْدَگِي سَعَادَتَمَنْدَانِ زَنْدِه بَدَارِي ، وَبِهَ مِيَّتَةِ الشُّهَدَاءِ ، وَتَقْبَلَنِي قَبُولَ الْوُدَّاءِ ، وَتَحْفَظَنِي فِي هَذِهِ مَرگِ شَهِيدَانِ بِمِيرَانِي ، وَمَانَنْدِ بَدِيرِش دُوسْتِ دَارَانِ مَرَا بِبَدِيرِي ، وَدَرِ اَيْنِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا الدُّنْيَا ، مِنْ شَرِّ سَلْطَنِيهَا وَفُجَارِهَا ، وَشَرَارِهَا وَمُجْبِيهَا ، دُنْيَايِ بَسْتِ ، مَرَا اَزِ شَرِّ پادشاهانِ دُنْيَا وَبَدَكَارَانِ اَنْ وَشُرُورَانِ وَدُوسْتِ دَارَانِ اَنْ ، وَالْعَامِلِيْنَ لَهَا وَمَا فِيهَا ، وَقِي شَرِّ طُعَاتِهَا وَحَسَادِهَا ، وَبَاغِي وَعَمَلِ كَنْدِگَانِ بَرَايِ دُنْيَا وَاَنْ چِه دَرِ اَنْ اَسْتِ ؛ حَفْظِ كُنِي ، وَمَرَا اَزِ شَرِّ سَرَكَشَانِ دُنْيَا وَحَسُودَانِ اَنْ ، وَطَالِبِ الشُّرُوكِ فِيهَا ، حَتَّى تَكْفِيَنِي مَكْرَ الْمَكْرِهِ ، وَتَقْفَأَ عَنِّي اَعْيُنَ شَرِكِ دَرِ اَنْ ، نَگِه دَارِي ، تَا مَرَا اَزِ مَكْرِ مَكَّارَانِ كَفَايَتِ كُنِي ، وَچِشْمِ هَايِ كَفَّارِ رَا نَسَبْتِ بِهَ مِنْ كُورِ نِمَايِي ، الْكُفْرِهِ ، وَتُفْجِمَ عَنِّي اَلْسِيْنَ الْفَجْرَهُ ، وَتَقْبِضَ لِي عَلَيَّ اُيُودِي وَزَبَانِ بَدَكَارَانِ رَا اَزِ مَنْ كُوتَاهِ وَلَالِ گَرْدَانِي ، وَدَسْتِ هَايِ سَتْمِگَرَانِ رَا بَرَايِمِ بِنْدِي ، الظُّلْمِهِ ، وَتُوهِنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ ، وَتَمِيَّتَهُمْ بِعِيْظِهِمْ ، وَتَشْغَلَهُمْ وَنَقْشَهُ هَا وَمَكْرِ اِيْشَانِ رَا بَرِ مَنْ سَسْتِ وَبِي پَايِه كُنِي ، وَاَنْاَنِ رَا بَاخْشَمِ دَرُونِي شَانِ بِمِيرَانِي ، وَاَنْاَنِ رَا بِهَ بِاشِمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْتَدِيَهُمْ ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كَلْبَةً فِي غُوشِهَا وَچِشْمِهَا وَدَلِ هَايْشَانِ مَشْغُولِ سَازي ؛ وَمَرَا اَزِ تَمَامِ اَنْ هَا دَرِ اَمْنِيكَ وَاَمَانِيكَ ، وَحِزْزِيكَ وَسُلْطَانِيكَ ، وَحِجَابِيكَ وَكَنْفِيكَ ، وَعِيَاذِيكَ اَمِنْ وَاَمَانِ خُودَتِ ،

و حفظ و سلطنت ، و پوشش و حمایت ، و پناه و جَارِكْ ، وَ مِنْ جَارِ الشُّوءِ وَ جَلِيسِ الشُّوءِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ و جوارت قرار دهی ؛ و از همسایه بد و همنشین بد نیز در امان داری ؛ همانا تو بر هر چیزی قَدِيرٌ ، «إِنَّ وَبِئْسَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (۲۰). توانایی ؛ «همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او سرپرست صالحان است». اَللَّهُمَّ بِكَ اَعُوذُ ، وَبِكَ اَلُوذُ ، وَ لَكَ اَعْبُدُ ، وَ اِيَّاكَ اَرْجُو ، وَبِكَ خدای من ؛ به تو پناه آورده ام و به تو پناهنده ام و برای تو عبادت می کنم و فقط امیدوار به لطف تو هستم و از تو اَسْتَعِينُ ، وَبِكَ اَسْتَكْفِي ، وَبِكَ اَسْتَعِيْثُ ، وَبِكَ اَسْتَقْفُ ، وَ مِنْكَ كَمَكٌ می جویم و از تو درخواست کفایت می کنم و از تو دادخواهی می نمایم و به وسیله تو رهایی می طلبم ؛ و از تو اَسْتَسْتَعِيْلُ ، اَنْ تُصِيْلَنِي عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ لَا تُرَدُّنِيْ اِلَّا بِذَنْبٍ می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و مرا باز مگردانی مگر با گناه مَغْفُوْرٍ ، وَ سَيِّئٍ مَشْكُوْرٍ ، وَ تَجَارِهَ لَنْ تَبُوْرَ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ بِخَشُوْدَةٍ مَعْدُوْرٍ ، وَ تَجَارِهَ لَنْ تَبُوْرَ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ بِخَشُوْدَةٍ مَعْدُوْرٍ ، وَ تَجَارِهَ لَنْ تَبُوْرَ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ بِخَشُوْدَةٍ مَعْدُوْرٍ ، وَ تَجَارِهَ لَنْ تَبُوْرَ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ بِخَشُوْدَةٍ مَعْدُوْرٍ .

من آن چه تو اَهْلُهُ ، وَ لَا تَفْعَلْ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ ، فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَ اَهْلُ الْمَغْفُوْرَةِ ، اهلش هستی انجام دهی ، و با من آنچه اهلش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل آمرزش و اَهْلُ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ .

إِلٰهِيْ وَ قَدْ اَطَّلْتُ دُعَاتِيْ ، وَ اُكْتِرْتُ و اهل فضل و رحمت هستی ، خدای من ؛

آسان است و قدر و ارزش آن در نزد من شکوهمند و زیاد است؛ و در حالی که تو بر این کار توانایی یا سَمِيعٌ یا بَصِيرٌ . اِلَهِی وَهَذَا مَقَامُ الْعَاثِرِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، اِی شنوا؛ اِی بینا ؛ خدای من؛ اِی این جایگاه پناهنده به تو از آتش وَالْهَارِبِ مِنْكَ اِلَيْكَ ، مِنْ ذُنُوبٍ تَهْجِمُهُ ، وَغُيُوبٍ فَضَّحَتْهُ ، و گریزنده از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناہانی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردند؛ فَصِيْلٌ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْظُرْ اِلَیَّ نَظْرَةَ رَحِيْمَةٍ اَفُوْرُ بِسِ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و بر من نظر کن نظری از روی لطف و رحمت که بها اِلی جَنَّتِكَ ، وَاغْطِفْ عَلَیَّ عَطْفَهُ اَنْجُوْ بِهَا مِنْ عِقَابِكَ ، فَاِنَّ به وسیله آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهربانی کن، نوعی مهربانی که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا الْجَنَّةَ وَالنَّارَ لَكَ وَبِيَدِكَ ، وَمَفَاتِيْحُهُمَا وَمَعَالِيْقُهُمَا اِلَيْكَ ، وَاَنْتَ بهشت و آتش از آن تو و به دست توست و کلیدها و قفل های شان به سوی توست ، و تو عَلٰی ذٰلِكَ قَادِرٌ ، وَهُوَ عَلَیْكَ هَيِّنٌ يَسِيْرٌ ، فَاَفْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ بِرِ اَنْ توانایی ، و آن امر بر تو سهل و آسان است ، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛ یا قَدِيْرٌ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ ، وَحَشْبُنَا اللّٰهُ اِی توانا ؛ و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ ؛ و خدا ما را کافی

است ، وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ وَخوب پشتیبانی است ؛ خوب سرور، و خوب یاری کننده ای است . و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که الْعَالَمِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ . (۲۱) پروردگار جهان است. و خداوند بر سرورمان محمد و آل پاکش درود فرستد . علی بن حماد می گوید : این دعا را از ابو الحسن علی علوی عریضی گرفتم و او با من شرط کرد که آن را به مخالف ندهم و به هیچ کس ندهم مگر آن که مذهبش را بدانم ، و بدانم که او از دوست داران آل محمد علیهم السلام است؛ این دعا پیش من و برادران دینی ام (شیعیان) بود تا آن که یک قاضی اهوازی که مخالف مذهب بود در بصره نزد من آمد . او در گذشته به من احسان کرده بود و در شهرش به او احتیاج پیدا کرده بودم و در خانه اش بودم . شاه او را گرفته و بیست هزار درهم از او خواسته بود .

دلم به حالت سوخت، بر او رحم نموده و این دعا را به او دادم. او دعا را خواند، هنوز یک هفته تمام نشده بود که شاه او را بخشید و بیست هزار درهم را از او نخواست و با احترام، او را به شهرش باز گردانید و من او را تا «ابله» مشایعت نمودم و به بصره بازگشتم.

بعد از چند روزی دعا را نیاز داشتم اما نیافتم، و تمام کتاب هایم را جستجو نمودم ولی هیچ اثری از آن ندیدم . پس ، دعا را از ابو

مختار حسینی خواستم که او نیز نسخه ای از دعا داشت اما در کتاب های او نیز نیافتیم ؛ تا بیست سال دنبال دعا می گشتیم اما نمی یافتیم ؛ فهمیدم که این مجازاتی است از طرف خداوند عزّ و جلّ ؛ چون دعا را به مخالف مذهب داده بودم ؛

۱ . مهج الدعوات : ۳۳۶ .

بیست سال که گذشت ، دعا را در کتاب های خود یافتیم در حالی که بارها به دنبال دعا گشته بودیم ؛ لذا ، با خود عهد کردم جز به کسی که اطمینان به دینش داشته باشم - که از معتقدان به ولایت آل رسول علیهم السلام است - دعا را ندهم بعد از این که از او هم عهد بگیرم که این دعا را جز به کسی که لایق آن است ندهد و از خدا کمک می جویم و بر او توکل می کنیم . (۲۲)

در کتاب «جواهر المنثور» سید عبدالحسین علوی ، جملاتی بیش از آنچه در «مهج الدعوات» است وارد شده که چنین است :

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ، وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ، خدای من ؛ بر سرور انبیا و بهترین اولیا و برترین برگزیدگان و اَعْلَى الْأَزْكَيَاءِ ، وَأَكْمَلِ الْأَنْبِيَاءِ ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ، و والاترین پاکان و کامل ترین پرهیزکاران که او را به حقیقت بشارت دهنده و ترساننده فرستاده ؛ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ ، وَسِرَاجًا مُنِيرًا ، مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ إِلِهِ وَ دَعْوَتِ كُنْنِدَه بَه سَوَى خدَا بَه اذْنِ خدَا ، و چراغ روشنگر ، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم برگزیده و آل او مَفَاتِيحِ أَسْرَارِ الْعُلَى ، وَمَصَابِيحِ أَنْوَارِ التَّقَى . وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ - که کلیدهای اسرار

وسلم پیامبرت و خاندان و سِلالَتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، صَلِّ عَلَيْهِمْ ، وَارْحَمْنِي سَرَّ هَذَا و دودمانش - که بر او و آنان درود باد - بر آنان درود فرست، و مرا از شر این الیوم وَصَدْرَهُ ، وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُغْنَهُ ، وَأَقْضِ لِي فِي مُتَصَرِّفَاتِي رَوْز و سختی آن کفایت کن، و خیر و خوبی آن را روزیم گردان، و در تمام تصرفات من و کارهایی که انجام می دهم بِحَشَنِ الْعَافِيَةِ ، وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ ، وَالظَّفَرِ بِالْأَمْنِيَّةِ ، وَكِفَايَةِ عَافِيَةِ نِيكَوِ مَرَحْمَتِ فَرْمَا و محبت و دست یابی به آرزو و کفایت الطَّاعِيَةِ الْمُغْوِيَةِ ، وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَدِيَّتِهِ ، حَتَّى أَكُونَ فِيهِ مِنْ سِرْكَشَانِ فَرِيْبِ دَهْنَدِه، و هر صاحب قدرتی که قصد اذیت و آزار مرا دارد؛ مَرَحْمَتِ كُنْ تَا دَرِ جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنَقْمَةٍ ، وَأَبْدَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَافِيفِ حَفْظِ وَپُوشِشِ وَپِنَاهِ بَاشْمِ ، اَزِ هَرِ بِلَا و عَنَابِي ، وَدَرِ كَارِهَائِمِ ، هَرِ چِيزِ تَرَسْنَاكِي رَا اَمْنَا ، وَمِنْ الْعَوَاقِبِ فِيهِ بُشْرًا ، حَتَّى لَايُضِدَّنِي صَادُّ عَنِ الْمُرَادِ ، بِه اَمِن و اَمْنِيَّتِ مَبْدَلِ كُنْ ، وَ مَوَانِعِ رَا اَسَانَ گَرْدَانِ تَا هِيچِ بَا زِدَارِنْدِه اِي مَرَا اَزِ اَنِ چِه تَصْمِيْمِ گَرَفْتِه اَم بَا زِ نَدَارِدِ ، وَ لَايَجِلُّ بِي طَارِقًا مِنْ اَذَى الْبِلَادِ ، اِنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَ هِيچِ پِيشِ اَمَدِ نَاگَوَارِي اَزِ اذِيَّتِ و آزارِ شَهْرَهَا بَرِ مِنْ وَارِدِ نَشُودِ ؛ هَمَانَا تُو بَرِ هَرِ چِيزِي تَوَانَايِي وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ السَّمِيعُ وَ هَمِه كَارِهَا و اُمُورِ مَخْلُوقَاتِ بِه سُوِيِ تُو بَا زِ مِي گَرَدَد . اِي كَسِي كِه چِيزِي

همانند او نیست ، و او شنوای البصیر ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (۲۳)

بیناست، و حمد و ستایش شایسته خداوند است که پروردگار جهانیان است .

روز جمعه ؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است

ابو سلیمان بن اُورمه می گوید : در روزگار متوکل به سائرا رفته و بر سعید حاجب (دربان) وارد شدم ، و متوکل ابا الحسن علیه السلام را به او سپرده بود تا آن حضرت را به قتل برساند . چون بر او داخل شدم ، گفت : آیا دوست داری به سوی خدایت نظر کنی ؟

گفتم : پاک و منزّه است خدا ؛ خدای من را چشم ها درک نمی کنند و دیدگان از دیدنش عاجزند .

گفت : همان که گمان می کنید او امام شما است . گفتم : از این دیدن بدم نمی آید .

گفت : دستور قتل او را داده ام و فردا او را می کشم ؛ و در نزد او اکنون پیام رسانی است چون خارج شد نزد او برو . کمی که گذشت و آن پیام رسان از نزد امام علیه السلام خارج شد رفت ، سعید حاجب به من گفت : نزد او (امام علیه السلام) برو .

داخل خانه ای که امام در آن زندانی بود شدم ، آن حضرت را دیدم که در کنار قبر حفر شده ای هستند ؛ داخل شدم و سلام کردم و به شدت گریستم .

حضرت فرمود :

چرا گریه می کنی ؟

گفتم : به خاطر آن چه می بینم .

فرمود : به خاطر آن گریه مکن ؛ زیرا این کار به دست آنان انجام نمی گیرد .

با فرمایش آن حضرت ، اندوهم تسکین یافت . و بعد فرمود :

او بیش از دو روز زنده نمی ماند تا این که خدا ،

خون او و دوستش را که دیدی بریزد.

فضیلت دعای ندبه

سلیمان می گوید: به خدا سوگند، دو روز نگذشت که کشته شد.

به ابو الحسن علیه السلام گفتم: این حدیث پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم است:

لا تعادوا الأيام فتعاديكم.

با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی می کنند.

حضرت فرمودند:

آری؛ ولی این گفتار رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم تأویلی دارد:

شنبه: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است.

یکشنبه: امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

دوشنبه: امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.

سه شنبه: علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام است.

چهارشنبه: موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیهم السلام و من (علی بن محمد) هستیم.

پنجشنبه: فرزندان حسن علیه السلام است.

جمعه: قائم (قیام کننده) ما اهل بیت است. (۲۴)

فضیلت دعای ندبه

صدر الإسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می گوید: از خواص دعای ندبه این است که هر گاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود عنایت و توجه امام زمان ارواحنا فداه را به آن مکان جلب می کند بلکه باعث حضور حضرت علیه السلام در آنجا می گردد؛ چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است. (۲۵)

آیه الله شیخ علی اکبر نهبانندی رحمه الله در کتاب «العبرى الحسن» می گوید: در نوشته های حجت الإسلام حاج شیخ مهدی - که از کتاب سید جواد نقل کرده بود و او یکی از امام جماعت های مورد اطمینان در اصفهان

و دارای مقامات عالی معنوی بود «و آسمان بر راستگوتر از او سایه نیفکنده بود» - دیدم که چنین نگاشته بود :

روستای «صالح آباد» متعلق به من و چند شریکم بود . عدّه ای تصمیم گرفتند روستا را از ما به زور بگیرند و گروهی را به سوی ما فرستادند و هر چه صحبت کردیم سودی نداشت . عریضه ای برای امام ارواحنا فداه نوشتم و آن را در جوی آبی رها کردم و به «تخت فولاد» رفتم و دعای ندبه را با تضرّع و گریه خواندم و چند بار تکرار کردم «هل إلیک یا بن أحمد سبیل فتلقى؟» ؛ «ای فرزند احمد ؛ آیا به سوی تو راهی هست که ملاقات شوی؟» ، یک دفعه صدای پای آسی را شنیدم و عرب اسب سواری را دیدم که به من نظری کرد و از دیده ام پنهان شد و قلبم با آن مشاهده آرام گرفت و راحت شد و اطمینان پیدا کردم که کارم درست می شود . شب بعد کارم به بهترین شکل درست شد ؛ من ، آن حضرت صلوات الله علیه را بارها در خواب دیده ام و او به همین اوصاف بوده است.(۲۶)

سید رضا - که از علمای مورد اطمینان و اعتماد اصفهان است - می گوید : به خاطر قرض و فقر فراوان ، به اموات متوسل شدم و از خداوند برای دویست نفر از آنان طلب مغفرت نمودم و آن ها را با اسم خاطرنشان ساختم ؛ سپس به امام زمان صلوات الله علیه متوسل شدم و بعضی از عبارت های دعای ندبه مثل «هل إلیک یا بن أحمد سبیل فتلقى؟» را خواندم ؛ هنگام خواندن آن ، نور

خاصی حجره ام را روشن کرد که روشن تر از نور خورشید بود و در همان روز برایم گشایش کاملی حاصل شد. (۲۷)

محدث نوری رحمه الله می گوید: آغا محمد که شخصی مورد اطمینان و عادل و امین و مجاور حرم عسکرین علیهما السلام است؛ از زبان مادرش - که از زنان صالحه و اهل عبادت بود - برایم چنین نقل کرد: روزی به همراه خانواده مولا سلماسی در سرداب شریف بودم و آقا رحمه الله دعای ندبه می خواند و ما نیز به دنبال او می خواندیم. او همچون فرد آشفته و حیران و محزون گریه می کرد و مانند گرفتاران ضجیه می زد و ما نیز با گریه او گریه می کردیم و کسی غیر از ما آن جا نبود.

دعای ندبه

در همین حال بودیم که بوی مشک در سرداب منتشر شد و فضا و هوای سرداب را معطر کرد و چنان شدید شد که آن حالت از همه ما رفت و سکوت کردیم. «گویا بر سر ما پرنده ای است» و نمی توانیم حرکت کنیم، یا حرفی بزنیم. حیران و متحیر ماندیم تا این که زمان اندکی گذشت و آن بوی خوش رفت و به حال اول برگشتیم و به باقی مانده دعا مشغول شدیم. وقتی به خانه بازگشتیم از آقا رحمه الله علت آن بوی خوش را پرسیدم، امتناع ورزید و گفت: تو را چه به این سؤال؟ و به من جواب نداد.

برادر برگزیده ام، عالم باوفا، و چراغ راه سالکین و عبادت پیشه گان آقا علی رضا اصفهانی رحمه الله چنین به من گفت: از همین آقای بزرگوار روزی درباره دیدارش

الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ وَبِرَّ آلِ أَوْسَلَامٍ وَتَحِيَّتِي كَامِلٍ . بَارِ بِرُورِدِ گَارَا ؛ سِبَاسِ از آن توست در مورد آن چه که از قضا و قَدَرْتِ فِي أَوْلِيَائِكَ ، الَّذِينَ اسْتَحْلَصَتْهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ ، إِذِ اخْتَرْتِ در مورد دوستانت، جاری گشت؛ آن هایی که وجودشان را برای حضرتت و برای دینت خالص گردانیدی ؛ زیرا که برگزیدی لَهُمْ جَزِيلٌ مَا عِنْدَكَ ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا بَرَى آن ها چیزهای باارزشی که نزد تو است ؛ از نعمت های پایدار که نابودی و زوال برای آن ها اَصْمِحْلَالَ ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا نِيسْت . الْبَيْتِ پس از آن که زهد ورزیدن و بی رغبتی را در مورد این دنیای الدُّنْيَا ، وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرَجِهَا ، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ بَسْتِ وَزُرْ وَزِيورِ آن با آن ها شرط نمودی ؛ آنان نیز متعهد شدند و تو نیز الوَفَاءَ بِهِ . فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ ، وَالنَّشَاءَ وَفَادَارِي ايشان را دانستی . پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیک شان ساختی و نامی بلند و ستایشی الْجَلِيلِي ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَجْهِكَ ، وَرَفَدْتَهُمْ ارجمند به آنها دادی . و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و آن ها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره مند ساختی بِعَلْمِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الدَّرِيْعَةَ إِلَيْكَ ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ . و آنان را وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی . فَبَعْضُ أَشْكَنْتَهُ جَنَّتكِ ، إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا ، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي پس

بعضی از آن‌ها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را در فُلُکِکَ وَنَجِیَّتَهُ وَمَنْ اَمِنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلْکَةِ بِرَحْمَتِکَ ، وَبَعْضُ نِ کَشْتِی ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت‌های بخت‌سیدی . اَتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِکَ خَلِیلاً ، وَسَأَلْکَ لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْاٰخِرِیْنَ و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو لسان صدق و خوش‌نامی بین دیگران را درخواست کرد ، فَأَجَبْتَهُ ، وَجَعَلْتَ ذَلِکَ عَلِیّاً ، وَبَعْضُ کَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرِهِ نَکْلِیماً ، اجابتش نمودی و او را بلند آوازه قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم کلام شدی وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخِیهِ رِذْءاً وَوَزِیْراً ، وَبَعْضُ اَوْلَادَتِهِ مِنْ غَیْرِ و برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی . و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی اَبِ وَاْتِیْتَهُ الْبِیِّنَاتِ ، وَاْتِیْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ . وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح القدس تأییدش کردی . و برای هر کدام (از پیامبران) شریعتی را عنایت شریعه، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جُا ، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْصِیَاءَ مُسْتَحْفِظاً کردی و طبقه و راه روشنی معین فرمودی و برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ بَعْدَ مُسْتَحْفِظِ ، مِنْ مُدَّةٍ اِلَى مُدَّةٍ ، اِقَامَهُ لِدِیْنِکَ ، وَحُجَّجَهُ عَلٰی شَرِیْعَتِکَ ؛ در زمان‌های معین برای برپا داشتن دین تو و حجت بودن بر عبادک ، وَلَمَّا یُرُوْلُ الْحَقُّ عَن مَقَرِّهِ ، وَیَعْلَبُ الْبَاطِلُ عَلٰی اَهْلِهِ ، بندگان تو تا این که حق از

مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود. وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أُرْسِلْتُ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا و تا این که کسی نگوید: (خدایا!) اگر به سوی ما رسولی می فرستادی تا ما را بیم دهد هادیاً، فَتَسْبِحَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى. إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ و برای ما رهبری هدایت کننده می گماشتی ما پیش از خذلان و رسوایی مان، از آیاتت پیروی می کردیم. تا این که بِالْأَمْرِ إِلَى خَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ أَمْرَ رِسَالَتِ بِه حَبِيبِ و رسول برگزیده ات، مُحَمَّد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردید؛ پس او كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ اضْيَاطِفَتِهِ، وَأَفْضَلَ مَنْ هَمَجَنان که او را انتخاب کردی، سرورِ بندگان و زبده زبندگان و برتر از همه برگزیدگان اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَيَّ و گرامی تر از همه معتمدان تو بود. او را بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَيَّرْتَهُ لَهْ جَنِّ و انس از بندگان مبعوثش نمودی و شرق و غرب را زیر پای او و فرمان او قرار دادی و الْبُرَاقَ، وَعَزَّجْتَهُ بِه (۳۱) إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا بُرِيقَ رَا بَرَايشَ مَسْخَرُ كَرْدِي و او را به آسمان بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد يَكُونُ، إِلَيَّ انْقِضَاءُ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَخَفَّفْتَهُ بِجَزَائِلَ بُوَد رَا تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با ترسی که از او

بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی و گرداگرد او را به جبرئیل، ومیکائیل و المسمومین من ملائکتیک، و وَعَدْتَهُ أَنْ تُظَاهِرَ دِينَهُ مِکائیل و فرشتگان دیگر - که هر یک دارای علامت و اسمی هستند - احاطه نمودی و بدو وعده پیروزی دینش را عَلَى الدین کُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ نَعْدُ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُورًا بر تمامی ادیان دادی؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلَتْ لَهُ وَلَهُمْ «أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «أَوَّلِينَ خانه ای را که برای عبادت (مردم قرار داده شد، الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ» فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ که در مکه است بابرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گرداندی، و نیز در آن است نشانه های آشکار مانند مقام اِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا «(۳۲)، وَقُلْتُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ اِبْرَاهِيمَ و هر که داخل آن خانه شد، در امان خواهد بود». و گفتی: «خداوند اراده فرموده که ۱. در «مکیال المکارم» آورده است که «عرجت به» موافق نسخه ای است که آن را عالم ربّانی حاج میرزا حسین نوری رحمه الله در کتاب «تحفه الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمد بن المشهدی و «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمه الله نقل فرموده است و همه آن ها برگرفته شده از کتاب «محمد بن علی بن ابی قره» است. ولی در «زاد المعاد» «عرجت بروحه» ذکر شده است و ظاهراً بر اثر اشتباهی است

که در کتاب مصباح واقع شده و مجلسی هم از آن نقل نموده است و این مشهور گشته و سبب شبهه برخی کوتاه نظران و دشمنان گشته است؛ با این که معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می باشد و روایات ائمه علیهم السلام در آن متواتر و قرآن به آن گویا است .

تذکر ارزشمند : هنگام تأمل در این عبارت ، ملهم شدم که خود دعا ، شهادت می دهد و دلالت دارد که صحیح همان است که ذکر نمودیم (عرجت به) ، و در عبارت «زاد المعاد» تصحیفی واقع شده که چه بسا کار اهل عناد باشد و وجه دلالتش بدین گونه است : این که کلمه «سَحَرَتْ لَهُ الْبَرَقَ» مقترن به «عرجت به» شده است ، با توجه کامل برای خردمندان آشکار می گردد که همان صحیح است که گفتیم . چرا که عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد ، واضح است .

اگر گفته شود : «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است و عطف با «واو» اقتضا ندارد که به طور قطع ، عروج به آسمان با براق بوده باشد .» در پاسخ می گوئیم : «اگر هم بپذیریم که «بروحه» صحیح است ، این ، معراج جسمانی را نفی نمی کند؛ زیرا اثبات فضیلتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم منافات با ثبوت فضیلت دیگری ندارد .» (مکیال المکارم : ۱۰۰/۲) .

۲ . سوره آل عمران ، آیه ۹۶۹۷ .

عَنْكُمْ الرَّجْسِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۳۳) . ثُمَّ جَعَلَتْ أَجْرَ هِرْ بِلِيدِي

گفت: هر آن که من مولای اویم ، پس علی مولای اللّهمّ وال منّ والاه، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصِرْ مَنْ نَصِرْتَهُ، وَأَخْذَلْ أَوْسْتَ؛ پروردگارا؛ دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن ، یاری نما هر که او را یاری نماید و خار گردان من خذله . وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلَيْهِ أَمْرُهُ . وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ هِرْ كِه او را مخدول نماید . و گفت : هر که را من پیامبر او هستم ، پس علی امیر و فرمانروای اوست . و فرمود : من و علی مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى ، وَأَخْلَهُ مَحَلٌّ از یک درختیم و دیگر انسان ها از درختان مختلفند . و او را قرار داد هارونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى در جایگاه هارون نسبت به موسی ، پس به او فرمود : تو نسبت به من ، همانند هارون برای موسی هستی ، ۱ . سوره احزاب، آیه ۲ . ۳۳ . سوره شوری ، آیه ۳ . ۲۳ . سوره سبأ ، آیه ۴ . ۴۷ . سوره فرقان، آیه ۵۷ .

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، وَرَوَّجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ ، وَأَخْلَ جِزْأَيْنِ كِه پس از من پیامبری نیست . و دخترش را - که سرور و بانوی زنان عالم است - به او تزویج فرمود . و حلال کرد که مِنْ مَشْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ . ثُمَّ أَوْدَعَهُ از مسجدش برای او ، آن چه برای خودش حلال بود . و همه درهای (مسجد) را نیز جز در خانه علی

بست . آن گاه علمه و حکمته فقالَ اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا ، فَمَنْ ارَادَ عِلْمَ وَ حِكْمَتِنَا رَا نَزْدًا اَوْ وِدِيْعَةً نِهَادًا وَ فَرَمُوْدًا : مِنْ شَهْرِ عِلْمٍ وَ عَلِيٌّ دَرَبُ اَنْ ، پَسْ هَر كِه مِي خَوَاهِدَ بِه اَلْمَدِيْنَةِ وَالْحِكْمَةِ فَلْيَابِيْهَا مِنْ بَابِهَا ، ثُمَّ قَالَ اَنْتَ اَخِي وَ وَصِيْتِي شَهْرُ عِلْمٍ وَ حِكْمَتِ قَدَمِ نِهْدِ ، بَايْدَ اَز دَرَوَازِه اَنْ دَاخِلَ گَرْدِد . سَبَسْ فَرَمُوْد : تُو بَرَادَرِ مِنْ ، وَصِيٍّ مِنْ وَ وَاِثِيٍّ ، لَخْمِكَ مِنْ لَخْمِي ، وَ دَمُّكَ مِنْ دَمِي ، وَ سَلْمُكَ مِنْ سَلْمِي ، وَ وَاِثِ مِنْ هَسْتِي ، گُوْشْتِ تُو اَز گُوْشْتِ مِنْ اَسْتِ وَ خُوْنِ تُو اَز خُوْنِ مِنْ ؛ سَازَشِ وَ اَشْتِي تُو ، سَازَشِ وَ اَشْتِي مِنْ وَ خَزِيْبِكَ خَزِيْبِي ، وَ اَلْاِيْمَانُ مُخَالِطُ لَخْمِكَ وَ دَمِّكَ ، كَمَا خَالَطَ وَ جَنَگَ تُو جَنَگَ مِنْ اَسْتِ ، وَ اِيْمَانُ بَا گُوْشْتِ وَ خُوْنِ تُو اَمِيخْتِه اَسْتِ هِمَانِ گُوْنِه كِه بَا لَخْمِي وَ دَمِي ، وَ اَنْتَ عَدَاٌ عَلَيِّ الْخُوْضِ خَلِيْفَتِي ، وَ اَنْتَ تَقْضِي گُوْشْتِ وَ خُوْنِ مِنْ اَمِيخْتِه اَسْتِ ؛ وَ فَرْدَايِ قِيَاْمَتِ (تُو خَلِيْفِه مِنْ بَرِ حُوْضِ) كُوْثَرِ (هَسْتِي وَ پَسْ اَز مِنْ ، تُو هَسْتِي كِه دِيْنِي ، وَ تُنَجِّزُ عِدَاتِي ، وَ شِيْعَتُكَ عَلَيِّ مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبِيْضَةٍ قَرِيْبِ اَمْرَايِ) وَ بِه وَعْدِه هَايِ مِنْ وَ فَا مِي كِنِي وَ پِيْرُوَانِ تُو بَرِ مَنِيْرِهَائِي اَز نُورِ بَا چِهْرِه هَايِ سَفِيْدِ وَ نُورَانِي وَ جُوْهَهُمْ خُوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِيْرَانِي . وَ لَوْلَا- اَنْتَ يَا عَلِيُّ دَرِ اطْرَافِ مِنْ دَرِ بَهْسْتِ اَنْدِ وَ اَنْاَنْ هَمْسَايِه مِنْ مِي بَا شَنْدِ . اِي عَلِي ؛ اِكْرَ تُو نَبُوْدِي ، لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُوْنَ بِعِيْدِي ، وَ كَاَنْ بَعِيْدَه هُدَيِ مِنْ الضَّلَالِ ، وَ نُورًا مُؤْمِنَانِ پَسْ اَز مِنْ شَنَاخْتِه

نمی شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او امت را از گمراهی به هدایت و از نابینایی به من‌العمی، و خجل‌الله‌المتین، و صراط‌المستقیم، لایستی بصیرت رساند و اوست رشته محکم الهی و راه مستقیم او؛ هیچ کس در خویشتاوندی و بقربانیه فی رجم، و لا بسابقه فی دین، و لا یلحق فی منقبه من نزدیکی با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به او نمی رسد و هیچ کس در دین بر او پیشی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش مناقبه یخرد و حدو الرسول صلی الله علیهما و الهما. و یقاتل با او برابری کند؛ زیرا او گام می نهاد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد. و پیکار علی التاویل، و لا تأخذه فی الله لومة لائم، قد وترت فیه ضنادید می نمود بر اساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا هیچ ملامتی، او را باز نمی داشت؛ به راستی که بزرگان العرب، و قتل ابطالهم، و ناولش ذوبانهم، فأودع قلوبهم أحقاداً عرب را ترسانید؛ و شجاعان آن ها را به خاک و خون کشید و با گرگ صفتان آن ها مقابله کرد؛ به همین جهت دل های آن ها یدریه و خیریه و حنییه و غیره، فأضجت علی عیادویه، پر از کینه شد از جنگ های بدر، خیبر، حنین و دیگر جنگ ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند و اکبت علی منایدته حتی قتل الناکثین و الفاسطین و المارقین. و به اختلاف و درگیری روی آوردند تا این

که پیمان شکنان ، ستمگران و از دین بیرون رفتگان را به درک واصل کرد . وَ لَمَّا فَصَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوْلِينَ ، وقتی آجلش به سر آمد و شقی ترین آخرین امت (که از شقی ترین اولین پیروی کرد ، آن حضرت را شهید کرد ؛ لَمْ يُمْتَلِ أَثَرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ تَعْيِدَ فَرْمَانَ رَسُولِ اللَّهِ - که درود خدا بر او و آل او باد - درباره هدایت گران امت ، یکی پس از الهادین ، وَالْأُمَّهُ مُصْتَرَّةٌ عَلَى مَقْتَبِهِ ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَجْمِهِ ، دیگری ، اطاعت نشد . مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند ؛ جمع شدند تا نسل او را قطع کنند وَإِقْصَاءُ وَوَلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَائِهِ الْحَقَّ فِيهِمْ . فَقَتَلَ و اولاد او را تبعید و آواره نمایند ؛ جز اندکی که در رعایت حق فرزندان رسول خدا ، وفا نمودند . پس) بر اثر ظلم و بیداد (گروهی مَمْنُ قَتَلَ ، وَسَبِيٌّ مَمْنُ سَبِيٍّ ، وَأَقْصَى مَمْنُ أَقْصَى ، وَجَزَى الْقَضَاءُ كَشْتَه شَدْنَدَ و گروه دیگری اسیر ، جمعی دور از وطن ، و حکم قضا و قدر الهی ، بر آن ها جاری شد لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُشْنُ الْمَثُوبِ ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا بِهِ جِزَى که امید بهترین ثواب و پاداش از آن ، می رود . زیرا زمین از آن خداست و آن را به هر مَنُ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ، وَسَيُجَازَى رَبَّنَا إِنْ كَانَ يَكُ مِنْ بَنَدِ كَانَتْشَ که بخواهد ، ارث می دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است . و منزّه

خالی نخواهد بود . کجاست آن که برای قطع دایره الظلمه ، أَيْنَ الْمُنتَظِرُ لِإِقَامِهِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ ، أَيْنَ الْمُؤْتَجِي دِنْبَالِهِ سَتْمَكَارَانَ آمَادَه گشته است؟ کجاست آن که انتظارش را می کشند که کج روی ها و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که لِإِزَالِهِ الْجُورَ وَالْعِدْوَانَ، أَيْنَ الْمِدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟ کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت های الهی؟ أَيْنَ الْمُتَخَيِّرُ لِإِعَادَةِ الْمَلِئَةِ وَالشَّرِيعَةِ ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ كِجَاسْتِ آن منتخَب برای باز گرداندن کیش و آیین؟ کجاست آن که آرزو می رود بیاید الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ . أَيْنَ قَاصِمٌ و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده نشانه های دین و اهل آن؟ کجاست او که شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمٌ أَيْبِيهِ الشُّرُوكَ وَالنَّفَاقَ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ شَوْكَتِ سَتْمَكَارَانَ را درهم می شکند؟ کجاست آن که بنیادهای شرک و نفاق را ویران می کند؟ کجاست او که الْفُسُوقِ وَالْعُضْيَانِ وَالطُّغْيَانِ ، أَيْنَ حَاصِدٌ فُرُوعِ الْعُغْيِ وَالشَّقَاقِ، فاسقان ، نافرمانان و طغیان گران را به هلاکت می کشاند؟ کجاست آن که شاخه های گمراهی و بدبختی را درو می کند؟ أَيْنَ طَامِسٌ اِنَارِ الرُّبُوعِ وَالْأَهْوَاءِ . أَيْنَ قَاطِعٌ حَبَائِلِ الْكِبَادِبِ كِجَاسْتِ آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می نماید؟ کجاست آن که رشته های دروغ و الْإِفْتِرَاءِ ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعِتَاهِ وَالْمَرَدَةِ ، أَيْنَ مُشْتَاتِصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ و افترا را قطع می کند؟ کجاست نابود کننده سرکشان و تمرد کنندگان؟ کجاست آن که ریشه معاندان ، وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ ، أَيْنَ مُعْرِئُ الْأَوْلِيَاءِ وَمُدْلُّ الْأَعْدَاءِ ، أَيْنَ كِمْرَاهَانَ و

کافران را بترکند؟ کجاست آن که دوستان را عزیز نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که جامع الکلیمه علی التَّقوی، اَیْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، اَیْنَ اِتِّحَادِ كَلِمَةٍ بِرِاساسِ تَقْوَا و پرهیزکاری فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، اَیْنَ السَّبَبُ الْمُنْصِلُ بَيْنَ أَنْ (چهره و) آئینه تمام نمای خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟ کجاست آن که وسیله پیوند بین الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، اَیْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِئِ رَأْيِهِ الْهُدَى، زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازنده پرچم هدایت؟ اَیْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، اَیْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ کجاست گردآورنده پراکندگی های درست کاری و مصلحت و خشنودی؟ کجاست آن که برای خون پیامبران و اَئِمَّةِ الْأَنْبِيَاءِ، اَیْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ اَیْنَ الْمُنْصُورِ و فرزندان آن ها خونخواهی می کند؟ کجاست آن که به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که علی مَنِ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَأَفْتَرَى، اَیْنَ الْمَضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا بَرَّ ظَالِمٌ تجاوزگر دروغگو، پیروزمند است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که اگر دَعَا، اَیْنَ صِدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، اَیْنَ ابْنُ النَّبِيِّ دَعَا كُنْدِ اجَابَتِ مِی شُود؟ کجاست آن صدرنشین عالم و صاحب تقوا و نیکو کاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر الْمُضِيَّ طَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ مِصْطَفَى و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه الْكُبْرَى . بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءَ

وَالْحَمِي ، يَابْنَ كَبْرِي ؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلا گردان و سپر و حامی تو باشد ای فرزند السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، يَابْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ ، يَابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهَيِّدِينَ ، سروران مقرب ؛ ای فرزند انسان های اصل و نجیب و بزرگوار ؛ ای فرزند هدایت گران هدایت شده ؛ يَابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَدَّبِينَ ، يَابْنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ ، يَابْنَ الْأَطَائِبِ ای فرزند برگزیدگان مهذب (خودساخته) ؛ ای فرزند سروران شرافتمند ؛ ای فرزند نیکوترین الْمُطَهَّرِينَ ، يَابْنَ الْخَضَارِمِ الْمُتَجَبِّينَ ، يَابْنَ الْقَمَاقِمِ الْأَكْرَمِينَ . پاکان ؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشنده ، همانند دریاهاى پرچود ؛ ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی ؛ يَابْنَ الْبُدُورِ الْمُتَيَّرَةِ ، يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضَيِّئِ ، يَابْنَ الشُّهْبِ ای فرزند ماه های تابان ؛ ای فرزند چراغ های تابان ؛ ای فرزند شهاب های الثَّقِيهِ ، يَابْنَ الْأَنْجَمِ الرَّاهِرَةِ ، يَابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ ، يَابْنَ تَابِنده ؛ ای فرزند اختران فروزان ؛ ای فرزند راه های روشن ؛ ای فرزند الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ ، يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ ، يَابْنَ الشَّنِّ الْمَشْهُورَةِ ، نشانه های آشکار ؛ ای فرزند دانش های کامل خداوندی ؛ ای فرزند سُنِّن و روش های پسندیده مشهور (آسمانی) ؛ يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ ، يَابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمُؤَجَّدَةِ ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ ای فرزند نشانه های برجای مانده ؛ ای فرزند معجزات پایان نیافته و موجود ، ای فرزند دلیل های الْمَشْهُودَةِ ، يَابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ، يَابْنَ الشِّيَا الْعَظِيمِ ، يَابْنَ مَنْ دیده شده ؛ ای فرزند راه راست ؛ ای فرزند خبر بزرگ ؛ ای فرزند کسی که هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيُّ حَكِيمٌ ، يَابْنَ الْأَيَاتِ وَالْآيِنَاتِ ، در ام الكتاب ، نزد خداوند ، بلندمرتبه و حکیم است . ای فرزند

نشانه ها و بینات (حجیت های آشکار خداوند) ، یابن الدلائل الظاهرات ، یابن التبراهین الواضحات الباهرات ، ای فرزند دلایل آشکارا ، ای فرزند برهان های نمایان و روشن ، یابن الحجاج البالیغات ، یابن النعم السابغات ، یابن طه ای فرزند حجیت های رسا ، ای فرزند نعمت های فراوان و فراخ ، ای فرزند طه والمخکمات ، یابن یس والداریات ، یابن الطور والعدایات ، و آیات محکم قرآن ، ای فرزند یاسین و ذاریات ، ای فرزند طور و عادیات ؛ یابن من ذی قندلی فكان قاب قوسین أو أدنی دنیواً واقتراباً ای فرزند آن که در شب معراج نزدیک شد و در آویخت (به مقام قرب حق تعالی) به اندازه فاصله دو سر کمان و یا نزدیک تر ، نزدیک من العلی الأعلی ، لیث شتغری این شتغرت بک التوی ، بل ائی به خدای علی اعلی . ای کاش می دانستم کجا اقامت گزیده ای ؛ بلکه کدام ارض تفلک اوتری ، ابرضوی اوتیرها ام ذی طوی ، عزیز سرزمین یا منطقه ای اقامت داری ؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن ؟ یا در ذی طوی هستی ؟ بسیار علی أن ازی الحلق ولا تری ، ولا اشیع لک حسیسا ولا نجوی ، بر من سخت است که همه را می بینم و تو دیده نمی شوی ؛ و از تو هیچ صدا و هیچ رازی را نشنوم ؛ عزیز علی أن تحیط بک دونی البلوی ولایتالک منی ضجیح بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی و از من هیچ ناله ولا شکوی . بنفسی أنت من معیب لم یحل منا ، بنفسی أنت

و شکایتی به تو نرسد . جانم فدایت تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی ؛ جانم فدایت گرچه مِنْ نَارِحِ مَا نَزَحَ عَنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ أَهْيَبُهُ شَأْنِي يَتَمَنَّى ، مِنْ أَنْ نَظْرَمَ دُورِي وَ لِي مِنْ أَمَّا جَدَا نِيَسْتِي ؛ جانم فدایت تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاقِ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ عَزِّ لَائِسَامِي ، مُؤْمِنِ هَسْتِي كِه آرزویت کنند و به یادت ناله سر دهند. جانم فدایت تو آن سرشته عزتی هستی که هم طراز از برایت نتوان یافت؛ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَتْبَلِ مَجْدِ لَائِجَارِي ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ بِلَادِ نَعَمِ جَانِمِ فِدَايْتِ تُو از ارکانِ مجد و شرف و بزرگواری هستی که هم قطاری نداری؛ جانم فدایت تو از نعمت های دیرینِ خدایی لائِضَاهِي ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرْفِ لَائِسَاوِي . إِلَى مَتِي هَسْتِي كِه مانندای نخواهد داشت ؛ جانم فدایت ، تُو از خاندانِ شرافتی هستی که کسی با تُو برابری ندارد . تا کی أَحَارُ فَيْكِ يَا مَوْلَايَ ، وَإِلَى مَتِي وَأَيُّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكِ وَأَيُّ سِرِّكَرْدَانِ تُو باشم ای مولای من ؟ و تا کی و با چه گفتاری به ستایش تُو بپردازم ؟ و چگونه نَجْوِي ، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأُنَاغِي ، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ رَاذِ دَلِّ بَكُوِيْمِ ؟ بَرِ مِنْ بَسِيْ كِرَانَ اسْتِ كِه غَيْرِ تُو پَاسِخَمِ رَا بَدَهْدِ وَ سَخَنَانَ فَرِيْبِنْدَه وَ خَوْشِ آيِنْدِ بَرَايِمِ بَكُوِيْدِ ؛ بَسِيْ مَشْكَلِ اسْتِ بَرِ مِنْ أَبْكِيْكَ وَيَخْذُلُكَ الْوَرِي ، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ يُجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا كِه بَرِ دُورِي تُو بَكْرِيمِ وَ مَرْدَمِ تُو رَا وَاكْذَارِنْدِ ؛ كِرَانَ اسْتِ بَرِ مِنْ

که آن چه) از مشکلات (می گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو جری. هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأَطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبِكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ نَكْدَرِد. آیا کسی هست که مرا کمک کند تا همراه با او ناله و شیون طولانی سر دهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری فُاسَاعِدَ جَزَعُهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِ بَيْتٌ عَيْنٌ فَسَاعِدَتْهَا عَيْنِي عَلَيَّ كُنْد و من هم در تنهایی او با زاری و گریه یارینش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من در اشک ریختن الْقَمْدِي، هَيْلٌ إِلَيْكَ يَا بَيْنَ أَخْرَجِدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ با او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟ آیا روز جدایی ما بَعْدِهِ بَعْدِهِ فَنَحْظِي. مَتَى نَرُدُّ مَنَا هَلِكَ الزَّوِيَّةَ فَزَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ به فردایی می رسد که روز وصال و بهره مندی از جمال مقدّست باشد؟ کی می شود که بر چشمه های سیراب کننده ات در آییم و مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نَعَادِيكَ وَتَرَاوِحِكَ فَتَقَرَّ سِيرَابِ كَرْدِيم؟ کی می شود که از آب زلال و گوارایت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی می شود که با تو صبح و شام کنیم عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَتَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتِ لَوَاءَ النَّصِيرِ تُرِي. اَتْرَانَا و چشم مان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ در حالی که پرچم نصر و ظفرت نَحْفُ بِكَ وَأَنْتِ تَأْمُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأَتْ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتِ را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که بر

گردد تو حلقه زده ایم و تو بر مردم امامت کنی در حالی که زمین را پر از عدل اُغْرِدْ اَنْتَکَ هَوَانًا وَعِقَابًا ، وَأَبْرَتِ الْعُنَاةِ وَجَحِيدَةَ الْحَقِّ ، وَقَطَعْتَ و داد کرده ای ، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده باشی و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشی، و دایرهٔ مُنْكَرِينَ ، وَاجْتَنَنْتِ اُصُولَ الظَّالِمِينَ ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ ریشه منکران را قطع نموده و اساس ستم کاران را از بیخ و بن برکنده باشی و ما آن موقع می گوئیم : سِجَاسَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . اَللّٰهُمَّ اَنْتَ كَسَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُلُوْی ، وَاِلَيْكَ مَخْصُوصُ پُرُورِدْ گار جهانیان است ؟ بار خدایا ؛ تو بر طرف کننده غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درد دل و تو را اَشْتِغِدِی فِعْمَدَكَ الْعَبْدُوْی ، وَاَنْتَ رَبُّ الْمَاجِرِوِ وَالْدُّنْيَا ، فَاغْثُ یا به فریاد می طلبم که یاری رساندن برای انتقام گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی ؛ پس دریاب ای غِیَاثُ الْمَشِیْتَعِیْنِ عِبْدَكَ الْمَبْتَلِی ، وَاَرِهْ سَرِیْدَهُ یا شَدِیْدَ الْقُوْی ، فریادرس فریاد خواهان ؛ بنده کوچک گرفتار خود را ؛ و آفایش را نشانش ده ای نیرومند بسیار مقتدر ؛ وَاَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْاَسَى وَالْحِجْوِی ، وَبَرِّدْ عَلَیْهِ یا مَنْ عَلَی الْعَرْشِ و به این وسیله غم و اندوه و درد سینه اش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام کن ؛ ای کسی که بر عرش مسلط هستی اَشْتَوِی ، وَمَنْ اِلَیْهِ الرَّجْعِی وَالْمُنْتَهَی . اَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبْدُكَ و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست . خدایا ؛ ما بندگان توئیم که التَّائِبُوْنَ اِلَیْ وَاِلَیْكَ الْمُدْكِرُ بِكَ وَبِنَبِیِّكَ ، خَلَقْتَهُ

لَنَا عِزْمَةٌ وَمَلَاذَأُ، شَيْفَتَهُ وَلِيٌّ تُو هَسْتِيمُ ؛ اَو كِه يادآور تو و پیامبرت است ، و تو او را برای حفظ و نگه داری ما و پناه ما آفریدی ، وَأَقْفَتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، قَبْلَهُ مِنَّا و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان از ما ، پیشوا قرار دادی ؛ پس تَجِيَّهُ وَسَلَامًا ، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا ، وَاجْعَلْ مُسَيَّرَتَهُ لَنَا سَلَامًا وَتَحِيَّتًا مَا رَا بِهِ اَو بَرَسَانًا ، وَبِهِ وَسِيلَهُ اَن ، بِر كَرَامَتِ مَا بِيْفِرَا ؛ اِي پروردگار ما ؛ و جایگاه او را مُسَيَّرَةً وَمُقَامًا ، وَأَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْهِ أَمَانًا ، حَتَّى جَايِغَاهُ وَمَنْزِلِغَاهُ مَا قَرَار دِه ، وَبَا مَقْدَمِ دَاشْتَن اَو رَا بِبِشَاپِيشِ مَا ، نِعْمَتِ رَا بِر مَا كَامِلِ گِرْدَانِ تَا تُورِدْنَا جِنَانِكَ وَهُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَاتِكَ . اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مَا رَا بِهِ بَهْشْتِ خُودِ وَارِدِ نِمَائِي وَ هَمِ نَشِيْنِ شَهِيْدَانِ مَخْلَصَتِ قَرَارِ دِهِي . خُدَايَا ؛ بِر حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ حِجَّتِ وَ وَلِيِّ اَمْرِتِ دَرُودِ فَرَسْتِ ؛ وَ دَرُودِ بَفَرَسْتِ بِرِ مُحَمَّدِ جَدِّ اَو ، بِبِامْبِرْتِ ، اَن بَزَرْ گِوَارْتَرِيْنِ الْاَكْبَرِ ، وَصَلِّ عَلَيَّ اَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ ، وَحَامِلِ اللِّوَاءِ فِي آفَا ؛ وَ بِرِ پَدْرَشِ عَلِي ، آقَايِ دَلِيْرِ وَ سَلْحَشُورِ وَ شَجَاعِ ، وَ بِرِ پَا دَارِنْدِه پَرچَمِ دَرِ صَحْرَايِ الْمُخَشِرِ ، وَسَاقِي اَوْلِيَايِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ ، وَالْأَمِيرِ عَلَي سَآئِرِ مَحْشَرِ ؛ وَ سِيْرَابِ كَنْنِدِه دُوسْتِ دَارَانَشِ اَزِ نَهْرِ كَوْثَرِ ؛ وَ فَرْمَانِ رِوَا بِرِ تَمَامِ الْبَشَرِ ، الَّذِي مَنْ اَمِنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ ،

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ بَشُرَ؛ که هر کس بدو ایمان آورد، پیرومند و سرفراز گشته است و آن که ایمان نیاورد، به حَطَطٌ وَكَفَرٌ، صَيَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أُخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهَا الْمَيَامِينِ خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر فرزندان شان که نیک بختان الْغُرَرُ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ. (۳۷) وَعَلَى جَدَّتَيْهِ الصَّدِيقَةِ و بزرگوارند. مادامی که خورشید می تابد و ماه نور می افشاند. و درود بر مادر بزرگ او، صَدِيقَهُ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى مَنِ كَبْرَى، فَاطِمَةَ زَهْرَةَ دَخْتَرِ مُحَمَّدٍ مِصْطَفَى؛ و بر آنان که اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبُرَرَةَ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ تو برگزیدی از پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل ترین، تمام ترین، بادوام ترین، و أَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صِلَيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْرَفِيَّاتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَيْشَرِينَ، و فراوان ترین درود و رحمتی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان از خَلْقِكَ، وَصَلَّ عَلَيْهِ صِيْلَةٌ لَا غَايَةَ لِعِدْدِهَا، وَلَا نِهَائَةَ لِمَدَدِهَا، و مدتش پایان ندارد. خدایا؛ حق را به وسیله او برپا دار و باطل را به وسیله او نابود کن ۱. این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می باشد؛ مانند: «إقبال الأعمال» سید بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفه الزائر» چاپ سنگی

بدون شماره صفحه («زاد المعاد» علامه مجلسی رحمه الله (ص ۵۰۲) ، «الصحیفه الهادیه» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷) ، «مفتاح الجنات» عالم بزرگوار سید محسن امین (۲۵۵/۳) ، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵) ، «عمده الزائر» آیه الله سید حیدر کاظمی (ص ۳۵۸) ، «فوز اکبر» علامه میرزا محمد باقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴) ، «مکیال المکارم» علامه سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۹۹/۲) ، «منهاج العارفين» علامه سمنانی (ص ۱۵۹) ، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲) ، «الصحیفه الصادقیه» (ص ۷۲۸) ، «هدیه الزائرین» محدث قمی رحمه الله (ص ۶۴۸) ، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر .

وَأَدِلُّ بِهٖ أَوْلِيَاءَكَ ، وَأَذِلُّ بِهٖ أَعْدَاءَكَ ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَدُوسْتَانَتَا رَا تَوْسَطَ اُوْجِرِهٖ گِردَان و دَشْمَنَانَتَا رَا بِهٖ وَسِيْلَهٗ اُوْخْوَار و ذَلِيْل نَمَا . خدای من ؛ بِن مَا و اُوْضِيْلَهٗ تُؤَدِي اِلَى مُرَافَقَهٗ سَلَفِهٖ ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ ، بِيُوْنَدِي بَرَقْرَار كُن كَهٗ بِهٖ هَمْنَشِيْنِي بَا پِيْشِيْنِيَان پَاك اُو مَنْتَهِي گِردَد و مَا رَا اَز كَسَانِي قَرَار بَدَهٗ كَهٗ بِهٖ دَامَان اَنَان چِنِك زَدَهٗ اِنْد وَيَمْكُتُ فِي ظِلِّهِمْ ، وَاعْنًا عَلٰى تَاْدِيَهٗ حُقُوْقِهٖ اِلَيْهِ ، وَالْاِجْتِهَاد و دَر سَايَهٗ اَنَان زَنْدَغِي مِي كِنْنَد . و مَا رَا يَارِي كُن دَر اَدَا كَرْدَن حُقُوْقَش بِهٖ اُو ، و كُوْشَش كَرْدَن فِي طَاعَتِهٖ ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهٖ ، وَاقْتِنَابِ عَاقِبَتِهٖ بِرِضَا ، وَهَبْ لَنَا دَر اَطَاعَتَا اَز اُو ، و دُوْرِي كَرْدَن اَز نَافِرْمَانِي اُو ، و بِر مَا مَنّت بَگَدَار بِهٖ خَشْنُوْدِي اُو و رَافَتَهٗ وَرَحْمَتَهٗ ، وَدُعَا ءَهٗ وَخَيْرَهٗ ، مَا نَنَالُ بِهٖ سَعَهٗ مِنْ

رَحْمَتِكَ ، مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به رحمت و اسعه تو دست یابیم وَفَوِّزاً عِنْدَكَ ، وَاجْعَلْ صِيْلَاتِنَا بِهٖ مَقْبُولَةً ، وَذُنُوبِنَا بِهٖ مَغْفُورَةً ، و نزد تو به کامیابی نایل شویم ؛ و قرار بده نماز ما را به واسطه او قبول شده ، و گناهان ما را به واسطه او آمرزیده شده وَدُعَاءَنَا بِهٖ مُسْتَجَاباً ، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهٖ مَبْسُوطَةً ، وَهَمُومَنَا بِهٖ و دعاهاى ما را به واسطه او مستجاب شده ، و روزى هاى ما را به وسیله او وسعت داده شده، و اندوه هاى ما را به واسطه او مَكْنِيَةً ، وَخَوَافَنَا بِهٖ مَقْضِيَةً ، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، برطرف شده ؛ و حوايى ما را توسط او برآورده شده ، و با چهره کریمانه ات به ما توجه کن و روى آور . وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا وَتَقَرَّبْ وَتَوَسَّلْ مَا رَا بِهٖ دَرَكَاہٖ بِذِيْرَا بِاش ، و به ما نظر رحمتى بفرما كه الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ، ثُمَّ لَا تُصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ ، وَاسْتِرْقِنَا مِنْ حَوْضِ بِهٖ وَاسْطَهٗ آن ، كِرَامَتِ نَزْدِ تُو رَا بِهٖ كِمَالِ رَسَانِمِ . سپس با بخشش و بزرگواریت نظر لطف خود را از ما باز مگیر و از حوض جدّه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بِكَأْسِيهِ وَيَبِيْدِهِ رِيّاً رَوِيّاً، هَنِيئاً سَائِغاً، جَدِّش - كه درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز با جام و کاسه او و به دست او ؛ سیراب کردنى كامل و گوارا و خوش لا ظَمَماً بَعْدَهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۳۸)

که پس از آن

تشنگی نباشد؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

۱. تحفه الزائر: چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد: ۴۹۱، و مصباح الزائر: ۴۴۶) با تفاوت اندک.

۶۷ دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحب است روز جمعه بعد از نماز صبح، صد مرتبه سوره «توحید» بخوانند، و صد مرتبه هم از درگاه خداوند، طلب آمرزش نموده و استغفار کنند؛ صد مرتبه هم بدین صورت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۳۹)

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

۷۷ دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله در «مصباح المتعجل» فرموده است: هر گاه کسی خواست روز جمعه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستد چنین بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ خَدَايَا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان و رسولان خود را بر محمد و آل محمد و عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و آل محمد نثار کن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

صلواتی... بعد از نماز جمعه ...

یا بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۴۰) بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما. وی در جای دیگر می گوید: روایت شده است که صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۴۱)

بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

۸۷ دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه

مستحب است انسان در روز جمعه، صد مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

و اگر نتوانست صد مرتبه، اگر موفق نشد ده مرتبه، و بالأخره اگر نتوانست هر چه نتوانست بخواند. (۴۲)

۹۷ صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود

از مولای مان جعفر بن محمد علیهما السلام و او از پدران علیهم السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس پس از نماز جمعه، هفت مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما.

از اصحاب قائم صلوات الله علیه خواهد بود. (۴۳)

۱. مصباح المتعجل: ۳۸۷.

۲. البلد الأمين: ۱۱۲، و مانند آن در بحار الأنوار: ۳۳۱/۸۹ وارد شده است.

۳. بحار الأنوار: ۶۵/۹۰.

۱۰۷ دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

اشاره

از امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل نمودی، بگو:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأُ أَوْ أَعْيَدَ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادِهِ إِلَى خدایا؛ هر کس در این روز مهیا گشته یا آماده شده یا حاضر شده یا آمادگی یافته تا نزد مخلوق، رَجَاءَ رَفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ مَخْلُوقِي بِرُودٍ وَامِيدٍ بِادَاشٍ وَعَطِيَّةٍ وَبَخْشِشِي از او دارد؛ پس ای آقای من؛ وَفَادَتِي وَتَهَيَّئْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ، وَجَوَائِزِكَ كُوجِ كَرْدَنِ مَن وَ مَهْيَا شَدَنِ مَن وَ حَاضِرِ گشتن مَن وَ آمَادِگِي مَن بَه سُوِي تُو بَه امِيد پاداش و بخشش تو وَنَوَافِلِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرِنِكَ اسْت . بار خدایا؛ بر بنده و فرستاده ات و برگزیده من خَلْقِكَ ، وَعَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ ، وَصَلِّ يَا از بندگان ، مُحَمَّدِصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وسلم ، و بر علی علیه السلام امیر مؤمنان و وصی پیامبرت درود فرست ، و ای رَبِّ عَلٰی اٰیْمَةِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، اَلْحَسَنِ وَالْحَسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ ، پروردگارم ؛ درود فرست بر پیشوایان مؤمنان : امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر ... و امامان را تا آخر نام ببر تا به نام صاحب (حضرت مهدی ارواحنا فداه) برسی و بگو :

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهٗ فَتْحًا يَسِيْرًا ، وَاَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا . اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهٖ خَدَايَا ؛ گشایشی آسان برایش مقرر فرما ؛ نصرتی باعزت عنایتش فرما ؛ خداوندا ؛ دینک و سنّه رسولک ، حَتّٰی لَا يَمَسُّنِيْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً
حکایت صلوات صرّاب ...

دینت را و نیز سنّت پیامبرت را به وسیله او ظاهر فرما تا هیچ حقی از ترس هیچ کسی اَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا نُرْغَبُ اِلَيْكَ فِيْ دَوْلَةِ كَرِيْمٍ تُعَزِّزُ بِهَا پُوشیده ندارد . خدایا ؛ ما به سوی تو مشتاق هستیم در مورد دولتی باکرامت ، اَلْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ ، وَتُدَلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَاَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنَا فِيْهَا مِّنَ الدُّعَاةِ که اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی و نفاق و اهلش را خوار و ذلیل کنی ، و ما را در آن دولت ، از فراهوانان اِلی طَاعِيْكَ وَاَلْقَادَةَ اِلی سَبِيْلِكَ ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا به فرمانبرداریت ، و از رهبران راه خودت قرار ده ؛ و کرامت دنیا و الآخِرَةِ . اَللّٰهُمَّ مَا اَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعْرَفْنَا ، وَمَا قَصِرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا . و آخرت را روزیمان فرما . خدایا ؛ آنچه از حق و حقیقت را که نشناختیم، به ما بشناسان و به آنچه دست نیافتیم، ما را به آن برسان.

در این جا برای امام

عصر صلوات الله عليه دعا کن ، و دشمنانش را نفرین نما ، و حاجتت را درخواست کن ، و سخن آخرت این گونه باشد :

اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرُ فِيْهِ فَيَذَكَّرُ. (۴۴)

خداوندا ؛ (دعای ما را) به اجابت برسان ، خداوندا ؛ ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند .

حکایت صلوات ضراب اصفهانی

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله می گوید : ذکر صلواتی بر پیامبر و آل او علیهم السلام (در عصر جمعه) که از مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است (و به قدری اهمیت دارد که) اگر تعقیب نماز عصر را به خاطر عذری ترک کردی آن را ترک نکن ، به دلیل جریانی که خداوند ما را بدان مطلع نمود .

گروهی که در چند مورد از آن ها پیش از این یاد کردم ، با سلسله سندشان به جدم ، ابی جعفر طوسی رحمه الله به من خبر دادند که گفت : به من خبر داد حسین بن عبیدالله از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلکبری که گفتند : به ما خبر داد ابوالعباس احمد بن علی رازی در آن چه در کتابش «الشفاء والجلاء» روایت کرده از ابی الحسین محمد بن جعفر الأسدی رضی الله عنه که گفت : حدیث کرد برای من حسین بن محمد بن عامر اشعری قمی ، و او گفت : حدیث کرد برای من یعقوب بن یوسف ضراب غسانی به هنگام بازگشت از اصفهان و گفت :

من در سال ۲۸۱ هـ ق حج گزاردم در حالی که با گروهی از سنی های شهرم بودم . وقتی

به مکه رسیدیم گروهی از آن ها پیش دستی کرده منزلی را در کوچه ای میان بازار شب (اسم آن بازار بوده) برای ما اجاره نمودند؛ و آن خانه خدیجه و معروف به «دارالرضا» بود، و پیرزنی گندمگون در آن جا سکونت داشت؛ از او (وقتی دانستم که آن جا «دارالرضا» نام دارد) پرسیدم: با صاحبان این خانه چه نسبتی داری؟ و چرا خانه را بدین نام خوانده اند؟

پیرزن گفت: من از خدمتگزاران آن ها هستم و این، خانه علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و امام حسن عسکری علیهما السلام مرا در اینجا سکونت داده است و من در خدمتش بودم.

وقتی این سخن را از او شنیدم، آن را از همراهان خود پنهان ساختم و با آن پیرزن مأنوس شدم. شب ها وقتی از طواف باز می گشتم با آن ها در رواق خانه می خوابیدم، و درب را می بستیم و پشت آن، سنگ بزرگی قرار می دادیم.

چند شب نور چراغ را - در رواقی که بودیم - شبیه به نور مشعل دیدم. و دیدم که درب باز شد - بدون این که کسی از ما آن را بگشاید - و مردی چهارشانه و گندمگون مایل به زرد که در سیمایش اثر سجده بود و پیراهن و شلواری نازک بر تن داشت و خود را پوشانده بود و نعلین قوس داری به پا کرده بود به طرف اتاق همان زن بالا-رفت؛ همان اتاقی که پیرزن ما را منع می کرد و می گفت: دخترش آنجاست.

همان نوری را که در رواق دیدم، هنگام بالا رفتن مرد به

طرف اتاق بر روی راه پله و نیز داخل اتاق مشاهده نمودم ، بدون این که چراغی را ببینم ! و همانند آنچه را که من دیدم آنها هم که با من بودند مشاهده کردند و گمان می کردند که مرد برای متعه (ازدواج موقت) با دختر آن زن آمده است .

آنان می گفتند : این ها علوی هستند و متعه را جایز می شمارند (در حالی که در مذهب آن ها حرام بود) ، به هر حال ، آن شخص را می دیدم که داخل می شود و خارج می گردد در حالی که سنگ ، هم چنان در جای خود بود . ما ، در را هم از خوف اموال مان می بستیم و نمی دیدیم که کسی آن را باز و بسته کند ، ولی آن شخص داخل می شد و خارج می گشت ؛ سنگ هم همان گونه بود تا آن که وقت خارج شدن خودمان آن را کنار می زدیم .

وقتی این جریان را دیدم ، قلبم به طیش افتاد و هیبت آن شخص در دلم واقع شد و با پیرزن مهربانی نمودم و دوست داشتم از حال آن شخص بیشتر بدانم .

به او گفتم : ای زن ؛ دوست دارم با تو سخن بگویم ولی دوستانم نباید متوجه شوند ؛ بنابراین ، اگر مرا در اتاقم تنها دیدی نزد من بیا تا از تو پرسشی نمایم .

زن به سرعت به من گفت : من نیز می خواهم رازی را با تو بگویم ، ولی به دلیل حضور دوستانت چنین فرصتی پیش نیامد .

گفتم : می خواهی چه بگویی ؟ گفت : می گویند : - و نام کسی را نبرد ! - با همراهان و شریکانت خوشونت

و تندی نکن و با آن ها به نزاع و کشمکش مپرداز ؛ چرا که آنان دشمنان تو هستند و با آن ها مدارا کن .

گفتم : چه کسی این ها را می گوید ؟

گفت : من می گویم ؛ و دیگر هیبتش نگذاشت که بیش از این بپرسم .

گفتم : حالا کدام همراهان منظور توست ؟ (و گمان می کردم همین همراهانم را در سفر می گوید) .

گفت : شریکانی که در وطن داری و در این خانه نیز همراه تو می باشند .

در منزل بین من و همراهانم گفتگوهای تند و برخوردهای خشن نسبت به مسائل دینی اتفاق افتاده بود و آنان در مورد من سخن چینی کردند تا این که فرار نمودم و از آن ها پنهان شدم و این گونه بود که فهمیدم مراد او ، همان هاست .

سپس به او گفتم : تو با «رضا علیه السلام» چه نسبتی داری ؟

گفت : من خدمتکار حسن بن علی عسکری علیه السلام بودم . وقتی مطمئن شدم که او راست می گوید ، با خود گفتم : از او درباره امام غایب ارواحنا فداه بپرسم .

گفتم : تو را به خدا ؛ آیا او را با چشمانت دیدی ؟

گفت : ای برادرم ؛ من او را با چشمانم ندیدم ، وقتی من خارج شدم ، خواهرم حامله بود . حسن بن علی عسکری علیه السلام به من بشارت داد که امام علیه السلام را در آخر عمرم خواهم دید ، سپس به من فرمود : برای او همان گونه باش که برای من هستی .

من از آن روز در مصر سکونت داشتم تا این که نامه ای همراه پول نزد من رسید و او آن را

به دست مردی از اهل خراسان - که عربی فصیح نمی دانست - فرستاد ؛ پولش سی دینار بود و به من دستور داد که امسال به حج بیایم ، من هم بدین سوی آمدم به شوق این که او را زیارت نمایم .

در این وقت ، به دلم افتاد همان شخصی که او را می دیدم آمد و رفت می کند ، همو باشد ؛ من ده درهم که یکی از آن ها سکه رضویه بود و با نام امام رضا علیه السلام ضرب شده بود همراه داشتم و آن ها را پنهان کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم . این گونه نذر کرده بودم و نیت داشتم ، ولی گفتم پول را به زن می دهم و از او می خواهم که به یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام بدهد که این بهتر از آن نیت قبلی ام است .

پس به او گفتم : این درهم ها را به فرزندی از فرزندان فاطمه علیها السلام که سزاوار باشد ، بپرداز ؛ چنین می اندیشیدم که او پول ها را به همان شخص خواهد داد . پول ها را گرفت و بالا رفت و بعد از ساعتی پایین آمد و گفت : او می گوید : در این درهم ها برای ما حقی نیست و آن را در همان جا که نیت کرده ای مصرف کن ؛ و لکن این سکه رضویه را بدلش را از ما بگیر و در مکانی که نیت کرده ای بینداز .

من چنین کردم و با خود گفتم آنچه را پیرزن به من گفت از آن شخص نقل کرده است.

همراه من نسخه توقیعی بود که از ناحیه امام علیه السلام برای قاسم بن علاء

آذربایجانی صادر شده بود؛ آن را به زن نشان داده گفتم: این را به کسی عرضه کن که دستخط و توقیعات امام علیه السلام را بشناسد.

گفت: به من بده که من می شناسم. گمان کردم که او خود می تواند آن را بخواند و تشخیص دهد. ولی گفت: من نمی توانم آن را در این مکان بخوانم و به طرف اتاق بالا رفت، سپس باز گشت و گفت: صحیح است.

در توقیع این گونه بود: شما را بشارت می دهم به بشارتی که دیگری را بدان بشارت نداده ام.

زن گفت: او می گوید: هنگامی که بر پیامبرت صلوات می فرستی، چگونه می فرستی؟

گفتم: می گویم:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ خُدَايَا ؛ بر محمّد و آل محمّد و آل محمّد درود فرست و بر محمّد و آل محمّد ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بَرَكَتِ بَدَه ، بهتر از آن چه بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی ؛ اِبْرَاهِيْمَ ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ .

زیرا؛ همانا تو ستوده و بزرگوار هستی .

گفت: نه؛ در صلوات، همه آن ها را نام ببر و بر همه آن ها درود فرست. گفتم: باشد.

فردا که آن زن از غرفه فوقانی پایین آمد، دفتری کوچک همراهش بود و گفت: او می گوید: هر گاه خواستی بر پیامبر و بر جانشینانش درود بفرستی، بر طبق این نسخه صلوات فرست.

آن را گرفتم و بدان عمل نمودم؛ چند شب او را می دیدم

که از اتاق پایین می آمد در حالی که نور چراغ، همچنان برپا بود؛ درب را باز می کردم و به دنبال آن نور خارج می شدم و من آن نور را می دیدم ولی کسی را نمی دیدم تا این که داخل مسجد می شد.

گروهی از اشخاص از کشورهای مختلف را می دیدم که به درب این منزل می آمدند و بعضی به آن پیرزن، نامه هایی می دادند و او نیز به آن ها نامه هایی می داد و با آنان سخن می گفت: آن ها نیز با پیرزن سخن می گفتند که من متوجه نمی شدم و بعضی از آن ها را هنگام بازگشت در راه دیدم تا این که به بغداد رسیدم. (۴۵)

اصولوات ضراب اصفهانی صلوات ضراب اصفهانی

نسخه دفتری که از مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّْنَ وَحُجَّهٖ خَدَايَا ؛ بر محمّد سید رسولان و خاتم پیامبران و حجّت ربّ العالمین ، الْمُتَنَجِّبِ فِي الْمَيْثَاقِ ، الْمُضَيِّطِ فِي الْفَلَاحِ ، پروردگار جهانیان درود فرست، او که در روز پیمان الهی ، پسندیده شد و در عالم اظله اختیار شد ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ اَفِهٍ ، الْبُرَىٰ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ ، از هر آفتی پاکیزه است، و از هر عیبی میرا ؛ همگی برای نجات خود چشم امید به او دارند ، الْمُؤْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ ، الْمُفَوَّضِ اِلَيْهِ دِيْنُ اللّٰهِ . اَللّٰهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ ، و امیدوار به شفاعت او هستید ؛ دین خداوند بدو واگذار شده است . خداوندا ؛ بنای هستی او را شرافت ده ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ ، وَأَقْلِبْ حُجَّتَهُ ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ ، وَأَضِيئْ نُورَهُ

، و برهانش را بزرگ نما، و حجّتش را بیروز فرما، و مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابنده کن، و بَیْضُ وَجْهِهِ، وَأَعْطِهِ الْقُضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمُنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، و رویش را سفید نما، و به او فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْتَعْتُهُ مَقَاماً مَخْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ و درجه بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیده ای مبعوث نما که همگان از اولین و الْآخِرُونَ. وَصَلُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث رسولان وَقَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. و پیشوای سفید رویان و سرور همه جانشینان و حجّت پروردگار جهانیان. وَصَلُّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلُّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، و درود فرست بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلُّ عَلَى مَوْلَانِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ خَدَاوَنْدِ جِهَانِيَانِ. و درود فرست بر علی بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ جِهَانِيَانِ. و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث مؤمنان، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلُّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، پیامبران

و حجت پروردگار جهانیان . و درود فرست بر جعفر بن محمد، امامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ بِشَوَى مُؤْمِنَانِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پَرُورِدْگَارِ جِهَانِيَانِ . و درود فرست
عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ بَرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بِشَوَى مُؤْمِنَانِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، پَرُورِدْگَارِ جِهَانِيَانِ . و
درود فرست بر عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بِشَوَى مُؤْمِنَانِ وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ وَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پَرُورِدْگَارِ جِهَانِيَانِ . و درود فرست بر مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،
وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . عَلَى بِشَوَى مُؤْمِنَانِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پَرُورِدْگَارِ جِهَانِيَانِ . وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحِجَّهِ
بِشَوَى مُؤْمِنَانِ، وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحِجَّتِ پَرُورِدْگَارِ جِهَانِيَانِ . و درود فرست بر حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، بِشَوَى مُؤْمِنَانِ وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَى الْخَلِيفِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پَرُورِدْگَارِ جِهَانِيَانِ . و درود فرست بر بَازْمَانْدَه الْهَادِي الْمُهْدِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ هِدَايَتِ گَرِ هِدَايَتِ شُدَه، بِشَوَى
مُؤْمِنَانِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پَرُورِدْگَارِ الْعَالَمِينَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْاَيْمَنَ الْهَادِيْنَ، جِهَانِيَانِ . خِدَاوَنْدَا؛ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِشِ دَرُودِ فَرَسْتِ كِه بِشَوَايَانِ هِدَايَتِ گَرِ، اَلْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ،
اَلْاَثَرِ الْمُتَّقِينَ، دَعَايِمِ دِيْنِكَه، وَاَزْكَانِ تَوْحِيدِكَه، دَانَايَانِ رَاسْتِگُو، نِيكُو كَارَانِ پَرِهِيْزِ كَارِ؛

ستون های دینت و ارکان توحیدت و تراجمه و عیبتک، و محججک علی خلقک، و خلفایک فی ارضیک، و مفتیران وحیت، و حجت های تو بر آفریدگانت و جانشینانت در زمین تو هستند؛ الذین اختزتهم
لنفسیک، و اضی طفیتهم علی عبادک، و اذتضیتهم آنان که برای خودت ایشان را اختیار کردی و بر تمام بندگانت برگزیدی و آن ها را لدینک، و خصصتهم بمعرفتیک، و جعلتهم بکرامتیک، و غشیتهم برای
دینت پسندیدی و به شناخت خودت آن ها را مخصوص گرداندی، و با کرامت خودت بر آنان شکوه و بزرگی بخشیدی و غرق برحمتیک، و ربیتهم بینمتیک، و غدتهم بحکمتیک، و ائبیتهم دریای
رحمت خود کردی، و آن ها را با نعمت خود پرورش دادی و با حکمت خود به آنان غذای روحی دادی نورک، و رفعتهم فی ملکوتیک، و خفتهم بملائکتیک، و شرفتهم و به نور خویش ایشان را
پوشانیدی و در ملکوت بالا بردی، و گرداگرد وجود ایشان را به فرشتگانت احاطه نمودی، و بنییک صلواتک علیه و آله. اللهم صل علی محمد و علیهم، صلوه به واسطه پیامبرت - که درود تو بر او و آل
او باد - به آن ها شرافت بخشیدی. خدایا؛ بر محمد و بر ایشان درود فرست؛ درودی زاکیه نامیه کثیره دائمه طیبه لایحیط بها إلا أنت، و لایسئمها پاک و فزاینده و فراوان و دایمی و پاکیزه که جز خودت
کسی بر آن احاطه پیدا نکند، و إلا علمک، و لا یخصها أحد غیرک. اللهم وصل علی ولیک، جز در دانش تو ننگجد و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره درآورد. خداوندا؛ بر ولایت درود

فرست ؛ الْمُحْيِي سَيِّئَتِكَ، الْقَاتِم بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ او که زنده کننده سنتِ توست و قیام کننده به امر تو، و دعوت کننده به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو علی خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ . اَللَّهُمَّ بر بندگانت و جانشین تو در زمینت و گواه تو بر بندگان توست . خدایا ؛ اَعِزُّ نَصِيرَهُ ، وَمُدُّ فِي عُجْرِهِ ، وَزَيَّنَ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ . اَللَّهُمَّ باری او را تقویت نما و عمرش را طولانی فرما ، و با طولانی شدن ماندنش ، زمین را زینت ببخش . خدایا ؛ اَكْفِيهِ بَعْضَ الْحَابِسِينَ ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ ، وَأَزْجِرْ عَنْهُ إِرَادَةَ از ستم حسودان او را کفایت کن ، و از شر حيله گران پناهش ده و اراده الظالمين ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ . اَللَّهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ ستمکاران را از او دور کن ، و او را از دست زورگويان رهايی ده . خداوندا ؛ دربارۀ خودش ، وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعِيَّتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ ذَرِيَّتِهِ اش ، پیروانش ، رعيتش ، یاران ویژه اش ، عموم پیروانش ، دشمنانش و تمام اهل الدُّنْيَا ، مَا تُفَرِّقُ بِهِ عَيْنَهُ ، وَتَسِيرُ بِهِ نَفْسُهُ ، وَبَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَلَهُ دُنْيَا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی ، به او عنایت فرما . و او را به برتر از آنچه آرزو دارد فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اَللَّهُمَّ خَيِّرْهُ بِه مَا در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی . خدایا

؛ آنچه از امتحانی من دینت، و آنچه به ما بُدَلَّ مِنْ كِتَابِكَ، وَأُظْهِرَ بِهِ مَا عُنِيَ دِينت محو شده به وسیله او تازه کن، و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن، و آنچه من حُكِمْتُكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضاً جَدِيداً خَالِصاً از احکامت تغییر داده شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیله او و با دست او نو و تر و تازه گردد؛ آن گونه که خالص مُخْلِصاً لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَةَ و بی آرایش بوده که نه شکّی در آن باشد و نه شبهه ای به آن راه یابد، و نه باطل و بدعتی کنار آن و لَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بُنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدًى بِرُكْبِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَاهْدِنَا نَزْدَ آن باشد. خدایا؛ هر تاریکی را به نور او روشن کن و هر بدعتی را به واسطه قدرت و قوتش ویران نما، و با بجزّه كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، عَزَّتْ او هر گونه گمراهی را منهدم فرما، و هر فرد زورگوی گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن وَأَهْلِكَ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَأَجْرَ حُكْمِهِ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلُّ و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز، و بِسُلْطَانِهِ كُلِّ سُلْطَانٍ. اَللّٰهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَن نَاوَاهُ، وَأَهْلِكَ كُلَّ مَن بَا سُلْطَنَتِهِ هر قدرتمندی را ذلیل

و خوار ساز . خدایا ؛ هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید عداده ، و اَمَكِرْ بِمَنْ كَادَهُ ، وَاشْرِبْ تَأْصِلُ مَنْ بَجَحَدَهُ حَقَّهُ ، وَاشْرِبْتَهُانَ بِه هَلَكَتْ اَنْدَاز و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حَقِّش باشد و امرش را سبک شمارد ، بِأَقْرَبِهِ ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ . اَللَّهُمَّ صَلِّ و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد نامش و یادش را کم رنگ سازد از ریشه برکن . خدایا ؛ درود فرست علی مُحَمَّدِ الْمُضِطَّنْفِي ، وَعَلِيِّ الْمُزْتَضِي ، وَفَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ ، بر محمد مصطفی ، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا وَالْحَسَنَ الرِّضَا ، وَالْحُسَيْنَ الْمُضَفَّي ، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ ، مَصَابِيحِ وَحَسَنِ مَقَامِ رِضَا وَحَسِينِ مَقَامِ مَقَامِ بَرَكْتِ بِي آلايش و همه اوصیا و جانشینان آن حضرت که چراغ های الدُّجَى ، وَأَعْلَامِ الْهُدَى ، وَمَنَارِ الثَّقَفِي ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى ، وَالْحَبْلِ الْوَشِيِّ رُوشن در تاریکی و نشانه های هدایت و جلوه گاه پرهیزکاری و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان الْمُتَمَيِّنِ ، وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ . وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَالِهَ عَهْدِكَ ، مُحْكَمِ وَرَاسِ هَسْتَنْد . و درود فرست بر ولی خود و عهده داران پیمانت وَاللَّيْتِيهِ مِنْ وُلْدِيهِ ، وَوَمِدِّي فِي أَعْمَارِهِمْ ، وَزِدْ فِي اَجَالِهِمْ ، وَبَلِّغُهُمْ و امامان از فرزندانش ؛ و بر عمرشان بیفزای و مَدَّتْ آن ها را زیاد فرما ، و ایشان را صلوات و دعا در عصر روز ...

أَقْصَى اِمَالِهِمْ ، دِينًا وَدُنْيًا وَآخِرَةً ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (۴۶) به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و

اخروی شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی . ۱ . مصباح المتهدجد : ۴۰۶، البلد الأمين : ۱۲۰ ، المصباح : ۷۲۵ ، دلائل الإمامه : ۵۴۹ و مانند آن در جمال الأسبوع : ۳۰۱ آمده است.

این خیر شریف در تعدادی از کتاب های معتبر علمای پیشین ، و با سند های متعدّد ، روایت شده است ؛ برخی از این کتاب ها نیز در تمام بخش های روایت، عبارت را به صورت «اللّهم صلّ علی» آورده اند .

و نیز ، وقت مشخصی برای خواندن این صلوات و دعا ، در هیچ یک از خیرهای مزبور ، نیامده است ؛ مگر آن که جناب سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» پس از بیان تعقیبات وارد شده پس از نماز عصر روز جمعه می فرماید : «... اگر زمانی به خاطر عذر و بهانه ای تعقیبات نماز عصر روز جمعه را انجام ندادی؛ لیکن، به هیچ وجه این صلوات را ترک مکن. به جهت مطلبی که خدای بزرگ، ما را از آن آگاه فرموده است.»

از این کلام شریف استفاده می شود که سید بن طاووس ، از امام زمان صلوات اللّهُ علیه در مورد این صلوات ، سفارشی دریافت کرده است . و البتّه از این بزرگوار بعید نیست ؛ چرا که او تصریح می کند ، راه رسیدن به آن حضرت ارواحنا فداه ، باز است . (۴۷)

در «مکیال المکارم» آمده است : این دعای شریف ، از دعاهای بزرگی است که شایسته است بر آن مداومت بشود ، و در تمام اوقات نسبت به خواندن آن اهمّیت داده شود؛ به خصوص ، در زمان هایی که اختصاص بیشتری به امام

عصر صلوات الله عليه دارد؛ همانند: شب نیمه شعبان، روز نیمه شعبان، شب و روز جمعه.

شاید، نویسنده «جمال الصالحین» نیز به همین جهت، این دعا را در اعمال شب نیمه شعبان آورده است؛ با آن که از ظاهر روایتی که ذکر کردیم بر می آید که اختصاص به وقت خاصی نداشته باشد، بلکه برای همه اوقات وارد شده است. (۴۸)

۱۲ صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز قیامت، خدای تعالی روزها را برمی انگیزد؛ و روز جمعه را مانند عروسی - ۱. نجم الثاقب: ۲. ۷۷۰. مکیال المکارم: ۷۳/۲.

که دارای زیبایی و کمال باشد و به شخصی ثروت مند و دین داری هدیه گردد - پیشاپیش آن ها می آورد، و روز جمعه (در حالی که دیگر روزها در پشت سرش قرار دارند) جلو درب بهشت می ایستد؛ و برای تمام کسانی که بر محمد و آل محمد درود و صلوات بسیار فرستاده اند، شفاعت می کند.

عبدالله بن سنان می گوید: پرسیدم: بسیار؛ در مورد صلوات، یعنی چند تا؟ و صلوات فرستادن در کدام ساعت های روز جمعه، از فضیلت بیشتری برخوردار است؟

حضرت فرمود:

صد مرتبه، پس از عصر.

عبدالله بن سنان پرسید: چگونه باید صلوات بفرستم؟ فرمود: می گویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ .

بار الها؛ درود پیوسته بر حضرت محمد و آل محمد نثار کن، و در فرج و راحتی ایشان شتاب فرما.

و آن را صد مرتبه تکرار می کنی. (۴۹)

۱۳ فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل

در پایان این بخش، روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی رحمه الله» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می آوریم.

آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا امام قائم (حضرت مهدی صلوات الله علیه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد. (۵۰)

.....(Anotates).....

(۱) جمال الأسبوع : ۱۲۱ .

(۲) مصباح المتهدج : ۲۶۵ ، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت .

(۳) المصباح : ۱۷۷ .

(۴) مکیال المکارم : ۳۱/۲ .

(۵) مهج الدعوات : ۳۳۴ ، جته المأوی : ۲۲۷ .

(۶)

(۷)

(۸)

(۹)

(۱۰)

(۱۱)

(۱۲)

(۱۳)

(۱۴)

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸)

(۱۹)

(۲۰)

(۲۱)

(۲۲)

(۲۳) أبواب الجنات : ۱۴۲ .

(۲۴) جمال الأسبوع : ۳۶ .

(۲۵) تکالیف الأنام فی غیبه الإمام : ۱۹۷ .

(۲۶) العبقری الحسان : ۱۰۱/۲ الیاقوت الأحمر .

(۲۷) العبقری الحسان : ۱۹۸/۲ الیاقوت الأحمر .

(۲۸) دارالسلام : ۲/ ۲۲۴ .

(۲۹) زاد المعاد : ۴۹۱ .

(۳۰) مکیال المکارم : ۲/ ۹۳ .

(۳۱)

(۳۲)

(۳۳)

(۳۴)

(۳۵)

(۳۶)

(۳۷)

(۳۸)

(۳۹) البلد الأمين : ۲ . ۱۱۰ . مصباح المتبهج : ۲۸۴ .

(۴۰)

(۴۱)

(۴۲)

(۴۳)

(۴۴) اقبال الأعمال : ۵۸۵ .

(۴۵) جمال الأسبوع : ۳۰۱ .

(۴۶)

(۴۷)

(۴۸)

(۴۹) جمال الأسبوع : ۲۷۷ ، الصحیفه الصادقیه : ۹۲۹ .

(۵۰) مکیال المکارم : ۲/ ۳۷۸ ، المصباح : ۵۸۵ ، ثواب الأعمال : ۱۰۷ ، تفسیر برهان : ۶/ ۷ ح ۱ و ۲ ، تفسیر عباشی : ۲/ ۲۷۶ ح ۱ .

بخش پنجم: دعا‌های هر ماه

ادعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا

عبداللہ بن سنان می گوید : در روز عاشورا ، نزد آقایم امام صادق علیه السلام رفتم ، و آن حضرت را با رنگی پریده و چهره ای اندوهگین یافتم ، و دیدم اشک از چشمان مبارکش چون مرواریدهای غلطان ، جاری بود . گفتم : ای فرزند رسول خدا ؛ چرا گریه

می کنی؟ خدا چشمانت را هرگز نگریند .

حضرت فرمود :

مگر غافل؟ مگر نمی دانی که در چنین روزی حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسیده است ؟

گفتم : آقای من ، درباره روزه امروز چه می فرمایید ؟

حضرت فرمود :

امساک کن بدون این که نیت روزه کرده باشی ؛ و افطار نما ، بدون آن که غذاهای لذیذ بخوری . تمام روز را روزه مدار و ساعتی پس از نماز عصر با جرعه ای از آب ، افطار کن . همانا در چنین ساعتی از روز عاشورا جنبش و هیاهوی دشمن تمام و جنگ و خونریزی شدید آن ها با خاندان پیامبر خاتمه یافت ، و در روی زمین سی کشته از آن ها در میان جسدهای پاک دوستان و هم پیمانانشان به خاک و خون افتاد . بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم این مصیبت بسیار گران و سخت است ؛ اگر آن حضرت اکنون زنده بود خودش صاحب عزای آنان بود .

عبدالله می گوید : حضرت چنان گریه کرد که محاسن مبارکش از اشک دیده اش آغشته شد ؛ سپس چنین فرمود :

خداوند عزّ وجلّ آفرینش نور را در روز جمعه - اولین روز ماه مبارک رمضان - در تقدیرش قرار داد؛ و تاریکی را در روز چهارشنبه (روز عاشورا) دهمین روز محرم مانند چنین روزی آفرید . و برای هر یک از آن روزها ، راه و شیوه ای قرار داد .

ای عبدالله ؛ بهترین کاری که در این روز می توانی انجام دهی این است که لباس های پاکیزه ات را بپوشی و تسلب نمایی .

عرض کردم : تسلب چیست ؟

فرمود : گریانت را باز کن و همانند عزاداران

آستین خود را بالا بزن؛ سپس به بیابان بی آب و علف یا مکانی برو که کسی تو را نبیند، یا منزل خلوتی اختیار کن، یا به خلوتگاه دیگری برو و هنگام بالا آمدن آفتاب، چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو بجای آور، و بین هر دو رکعتی سلام بده؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قل یا أيها الکافرون»، و در رکعت دوم سوره «حمد» و «قل هو الله أحد» را بخوان.

سپس دو رکعت دیگر را بجای آور؛ در رکعت اول «حمد» و سوره «احزاب»، و در رکعت دوم «حمد» و «منافقون» را بخوان، یا سوره های دیگری را که می توانی بخوانی، اختیار کن. سپس نماز را تمام کرده و به طرف قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام رو می کنی و در نظر آور قتلگاه آن حضرت را و کسانی که با آن بزرگوار بودند - از فرزندان و اهل بیت ایشان - و بر او سلام و درود فرست، و دشمنانش را نفرین نما و از کارهای شان بیزاری بجوی؛ با این عمل، خداوند تو را به مراتب بالایی در بهشت نایل کند و گناهانت را فرو ریزد. سپس از جایی که در بیابان یا هر محل خلوت دیگری که هستی، چند قدم بردار و بگو:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ» .

همانا ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم؛ راضی به قضا و حکم اویم، و تسلیم فرمانش هستیم.

در آن حال، باید حزن و

از جانب خودت بدان ها سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود و دشمنان ایشان ، عنایت فرما .

سپس دستانت را بلند کن و با این دعا برای خدا فروتنی کن ؛ و در حالی که به دشمنان خاندان پیامبر علیهم السلام اشاره می کنی ، چنین دعا کن :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاُمَّةِ نَاصِبَةٌ اِلَيْكَ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ ، خدایا ؛ گروه زیادی از اَمت ، نسبت به امامان - که حافظ دین و شریعت اند - عداوت ورزیده اند ؛ وَكَفَرْتُمْ بِالْكَلِمَةِ ، وَعَكَفْتُمْ عَلَيَّ الْفَاذَةَ الظُّلْمَةَ ، وَهَجَرْتُمُ الْكِتَابَ وَبِهِ كَلِمَةٌ (حق) کافر گشتند ؛ و بر رهبران ستمگر روی آوردند و ملازم گشتند ؛ و از کتاب خدا وَالسُّنَّةَ ، وَعَدَلْتُمْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ اَمَرْتُمْ بِطَاعَتِهِمَا ، وَالتَّمَسُّكَ وَ سُنَّتِ پیامبر دور شدند و کناره گرفتند ؛ و از دو ریسمان محکمی که به اطاعت شان دستور دادی (یعنی: قرآن و عترت بهما ، فَأَمَّا تَبِ الْحَقُّ ، وَجَارَتْ عَنِ الْقَصْدِ ، وَمَالَأَتِ الْأَخْرَابَ ، پیامبر علیهم السلام) روی گردانند . در نتیجه حق را میراندند و از راه اعتدال و میانه روی منحرف شدند ؛ و احزاب را یاری کردند ؛ وَحَرَفْتُمُ الْكِتَابَ ، وَكَفَرْتُمْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَتْهَا ، وَتَمَسَّكْتُمُ بِالْبَاطِلِ كِتَابَ تُوْرَا تحریف و دگرگون ساختند، و به آن چه از حقّ و حقیقت بدان ها عرضه شد کفر ورزیدند ؛ و به هر باطلی که بر آنان لَمَّا اعْتَرَضَهَا ، وَضَيَّعْتُمْ حَقَّكُمْ ، وَأَصْلُتُمْ خُلُقَكُمْ ، وَقَتَلْتُمْ أَوْلَادَكُمْ عرضه شد ، تمسک جستند ؛ و حقّ تو را ضایع ساختند ، و بندگانت را گمراه نمودند ، و فرزندان نَبِيِّكَ ، وَخِيْرَةَ عِبَادِكَ ، وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ . پیامبر

، بهترین بندگانت ، حاملان علمت و وارثان وحی و حکمتت را کشتند . اَللّٰهُمَّ فَزَلِّلْ اَقْدَامَ اَعْدَائِكَ وَاَعْدَاءِ رَسُوْلِكَ وَاَهْلِ بَيْتِ رَسُوْلِكَ . خداوندا ؛ قدم های دشمنان خود و دشمنان پیامبرت و دشمنان اهل بیت پیامبرت را لرزان فرما ، اَللّٰهُمَّ وَاَخْرِبْ دِيَارَهُمْ ، وَاَقْلِلْ سِلَاحَهُمْ ، وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ، خدايا ؛ سرزمین آنان را ویران کن ، و سلاح هایشان را از کار ببنداز ، و اتحاد آن ها را از بین ببر ، وَفَتْ فِي اَعْضَادِهِمْ ، وَاَوْهِنْ كَيْدَهُمْ ، وَاَضْرِبْهُمْ بِسَيِّفِكَ الْقَاطِعِ ، و در میان مددکاران آن ها پراکندگی و پریشانی ایجاد کن، و مکر و حيله شان را سست گردان، و آن ها را به شمشیر بیزانت دچار کن، وَاَزِمِهِمْ بِخَجْرِكَ الدَّامِغِ ، وَطَهِّهِمْ بِالْبَلَاءِ طَمًا ، وَفَقِّهِمْ بِالْعِذَابِ و با سنگ هلاک کننده ات سنگ باران بنما، و آن ها را به شدت غرق بلا گردان ، و عذاب فراگیرت را بر آنان مسلط فرما ، فَمَا ، وَعَذَّبُهُمْ عَذَابًا نُكْرًا ، وَخُدَّهُمْ بِالسَّنِينِ وَالْمَثَلَاتِ الَّتِي و مجازات های زشت و دشوارت را گریبان گیر آن ها بساز؛ و آن ها را با قحطی و عقوبت ها گرفتار کن همان گونه که اَهْلَكَتَ بِهَا اَعْدَاءَكَ ، اِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّ دُشْمَنَانَ رَا بَا اَن هَا هَلَاكِ گِرْدَانِدِي . همانا، تو انتقامی بس شدید از مجرمان خواهی گرفت . خدايا ؛ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ ، وَاَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ ، وَعَثْرَةٌ نَبِيِّكَ فِي الْاَرْضِ سُنَّتٌ و طریقت تو از بین رفته است ، احکام)حیات بخش(تعطیل گشته است ، و عترت پیامبرت در زمین هائیمه . اَللّٰهُمَّ فَاَعِنِ الْحَقَّ وَاَهْلَهُ ، وَاَقْمِعِ الْبَاطِلَ وَاَهْلَهُ ، وَاَمِّنْ سرگشته گردیده است . ای

خدا؛ حقّ و اهل آن را یاری کن، و باطل و اهل آن را نابود کن، و با عَلَيْنَا بِالنَّجَاهِ، وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنَا، وَأَنْظِعْهُ بِفَرَجِ رَهَائِي مَا از دست آنان بر ما منت بگذار، و به راه ایمان هدایت مان فرما؛ و در فرج و گشایش امور ما تعجیل نما، و فرج ما را با فرج اولیائیک، وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وُدًّا، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وُقْدًا . اَللّٰهُمَّ وَاهْلِكَ اَوْلِيَايْتَ سر و سامان ده ، آنان را دوست دار ما قرار ده، و ما را گروه پیام رسان ایشان گردان . بار خدایا ؛ هلاک گردان منْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ عَبْدًا ، وَاشْرَيْتَهُ بِفَرَحٍ كَسَى رَا كِه روز شهادت فرزند پیامبرت و برگزیده ات را عید قرار داده است، و اظهار شادی و سرور را در آن روز مرسوم و مَرَحًا، وَخُذْ اجْرَهُمْ كَمَا اخَذْتَ اَوْلَهُمْ، وَأَضْعِفِ اللّٰهُمَّ الْعِزَابَ كَرَدِه است؛ با دست انتقامت ، گریبان آخرشان را بگیر، همان طور که اولشان را گرفتار ساختی ، و عذاب و عقوبت را بر آنان وَالتَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ، وَاهْلِكَ اَشْيَاءَهُمْ كِه بر اهل بیت پیامبرت ستم ورزیدند دوچندان بگردان ؛ و رهبران و پیروان آنان را هلاک گردان؛ وَقَادَتْهُمْ، وَأَبْرَ حُمَاتِهِمْ وَجَمَاعَتَهُمْ . اَللّٰهُمَّ وَضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَحَمَايَتِ كِنْدَكَان وَهَمِه جمعیت ایشان را ریشه کن نما و نابود فرما . خدایا ؛ درود وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عَثْرَةِ نَبِيِّكَ ، اَلْعَثْرَةَ الصَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ وَرَحْمَتِ بَرَكَاتِ رَا بر عترت پیامبرت ، بیش از پیش نازل کن ؛ عترتی که حَقَّشَان ضایع شد و از سَرِ دَشْمَنَان همواره ترسان اَلْمُسْتَدَلِّهِ ،

بَقِيَّةِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الرَّازِكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ . وَأَغِيْلِ اللَّهُمَّ بُوْدَهُ، وَ دَر مِيَان مَرْدَم بَه خَوَارِي كَشِيْدَه شَدَنْد؛ وَ بَاقِي مَانْدَه دَرخْت پَاك وَ پَاكِيْزَه وَ پَربَرَكْت (شَجْرَه طَيِّبَه) بُوْدَنْد . خَدَايَا ؛ كَلِمَتَهُمْ ، وَأَفْلَحِيحُ حُجَّتَهُمْ ، وَ أَكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّوْءَاءَ ، وَخَنَادِسَ كَلِمَه آن هَا رَا عَالِي وَ بَلَنْد مَرْتَبَه گَرْدَان، وَ حُجَّتِ شَان رَا غَالِب وَ پِيْرُوْز نَمَا؛ وَ بِلَا وَ سَخْتِي وَ تَارِيكِي هَايِ الْآبَاطِيْلِ وَالْعَمَى عَنَّهُمْ ، وَ تَبَّتْ قُلُوْبَ شِيْعَتِهِمْ وَ حَزْبِكَ عَلَيِ بَاطِلِ وَ نَارَوَا وَ كُوْرِي رَا اَزْ آتَانِ دَفْعِ كُنْ؛ وَ دَلِ هَايِ پِيْرَوَانِ آن هَا وَ حَزْبِ خُوْدَتِ رَا بَرِ طَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوَالَاتِهِمْ ، وَأَعْنَهُمْ وَآمَنَتْهُمْ فَرْمَانِ بَرِي ، دُوْسْتِي ، يَاْرِي وَ مَوَالَاتِ آن هَا ثَابِتِ وَ اسْتَوَارِ بَدَارِ؛ وَ آتَانِ رَا كَمَكِ كُنْ وَ دَرِ بَرَابَرِ اذِيْتِ هَايِي كِه دَرِ رَاهِ تُوْ بَهْ آْنَهَا مِي رَسَدِ الصَّبْرِ عَلَيِ الْاَذَى فَيْكَ ، وَاجْعَلْ لَهُمْ اَيَّامًا مَشْهُوْدَةً ، وَأَوْقَاتًا صَبْرٍ وَ شَكِيْبِيِي بَه اِيْشَانِ عَنَايَتِ فَرْمَا ؛ وَ بَرَايِ آتَانِ رُوْزَهَايِ تَارِيخِي، وَ اَوْقَاتِي مَحْمُوْدَةً مَشْهُوْدَةً ، يُؤَيِّتُكَ فِيْهَا فَرْجُهُمْ ، وَتُوْجِبُ فِيْهَا تَمَكِّيْنَهُمْ نِيَكِ وَ پَسَنْدِيْدَه فَرَارِ دَه كِه فَرَجِ وَ گَشَايِشِ اَمُوْرِ آن هَا ، بَسِي نَزْدِيَكِ بَاشَد؛ وَ قَدْرَتِ يَافْتَنِ وَ پِيْرُوْزِي شَان بَرَسَدِ وَنُصْرَتُهُمْ ، كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُتَزَّلِ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ آتَانِ رَا بَرِ اَمُوْرِ مَسْلُطَ نَمَايِي ، كِه اِيْنِ حَقِيْقَتِ رَا خُوْدِ دَرِ كِتَابَتِ نَضْمِيْنِ فَرْمُوْدَه اِي وَ چِنِيْنِ گَفْتَه اِي وَفَوَلِّكَ الْحَقُّ « وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ گَفْتَه تُو حَقِّ مَطْلُقِ اسْتِ : «خَدَاوَنْد بَه كَسَانِي اَزْ شَمَا كِه اِيْمَانِ آوْرَدَه وَ كَارَهَايِ شَايِسْتَه اَنْجَامِ دَادَه اَنْد وَعَدَه لِيَسْتَنْحَلِفْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيَمَكِّنَنَّ دَادَه اسْتِ

که در زمین خلافت دهد، همان گونه که به پیشینیان آن ها نیز خلافت روی زمین را بخشید؛ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و برقرار سازد و ترس شان را به امانت و آرامش مبدل کند) آن یَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا «(۱). اَللّٰهُمَّ فَكْشِفْ غَمَّهُمْ ، يَا مَنْ چنان(که تنها مرا پرستش کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند». خداوندا ؛ غم و اندوه آن ها را برطرف کن ؛ ای کسی که لَا يَمْلِكُ كُشْفَ الضُّرِّ إِلَّا هُوَ ، يَا أَحْيِدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، وَآنَا يَا جَزَاوُ ، كَسْ دِيْغِرِيْ بِيْجَارْغِيْ و سختی را نمی زداید ؛ ای خدای یگانه و همواره زنده و پاینده ؛ ای خدای من ؛ اِلٰهِيْ عَزِيْزُكَ الْحَاقِفُ مِنْكَ ، وَالرَّاجِعُ اِلَيْكَ ، اَلْسَّائِلُ لَكَ ، اَلْمُقْبِلُ هَمَانَا مِنْ بِنْدَةِ تَرَسَانِ اَزْ تُوْ هَسْتَمْ و به سوی تو باز می گردم و از تو درخواست می کنم و به درگاه تو عَلِيْكَ ، اَللّٰجِيْ اِلٰی فَنَآيِكَ ، اَلْعَالِمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ . رُوْ مِيْ اَوْرَمْ و به آستان امن تو پناه می برم و نَبِيْكَ مِيْ دَانَمْ که از ترس تو ، جز به خودت نمی توان پناه برد . اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَائِيْ ، وَاشِيْعْ يَا اِلٰهِيْ عَلَائِيْ وَنَعْوَائِيْ ، وَاجْعَلْنِيْ خَدَايَا ؛ دَعَائِمِ رَا بِيْذِيْر ؛ اِيْ خَدَايِ مِنْ ؛ بَه سَخْنِ اَشْكَارِ وَرَازِ پَنَهَانِ مِنْ گَوْشِ فَرَا دَه ، وَ مَرَا اَزْ اَنَانِ قَرَارِ دَه مِعْرَنْ رُضِيْتِ عَمَلَه ، وَقَبِلْتِ نُسُكَه ، وَنَجَّبْتِهْ بِرَحْمَتِكَ ، اِنَّكَ اَنْتَ که از کردارش خشنود هستی و اعمالش را

می پذیری و با رحمت خودت) او را از ورطه های زندگی (نجات می دهی ؛ ۱ . سوره نور ، آیه ۵۵ .

الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ اَوْلَا وَاٰخِرًا عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، همانا تو خدای شکست ناپذیر بخشنده ای . خداوندا ؛ در ابتدا و انتها بر محمد و آل محمد درود فرست، وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ، و برای محمد و آل محمد برکت و فزونی عطا کن، و بر محمد و آل محمد رحم نما بِاَكْمَلِ وَاَفْضَلِ مَا صِيَلْتَّ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى اَنْبِيَآئِكَ به نوعی کامل تر و برتر از درود و برکت و رحمتی که بر پیامبران و رُسُلِكَ، وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِاِلٰهٍ اِلَّا اَنْتَ . اَللّٰهُمَّ و رسولان و فرشتگان و حاملان عرش فرستاده ای؛ به حرمت این واقعیت که جز تو خدایی نیست . خدایا ؛ وَلَا تَفْرُقْ بَيْنِيْ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، میان من و محمد و آل محمد - که درود تو بر او و ایشان باد - جدایی میفکن ؛ وَاَجْعَلْنِيْ يَا مَوْلَايْ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَاي مولاى من ؛ مرا از شیعیان و پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن و الحسین و ذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةِ الْمُتَّجِرَةِ، وَهَبْ لِيْ التَّمَشُّكَ و حسین و اولاد پاک و نیک نژاد و شریف آن ها قرار ده و به من توفیق عنایت کن که به بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْاِخْتِاطَ بِطَرِيقَتِهِمْ، اِنْكَ جَوَادُ كَرِيْمٍ . ریسمان آن ها جنگ زبم، و به راه شان خوشنود گردهم و روش آنان را در پیش گیرم ؛ همانا تو بسیار کریم و

بخشنده هستی . سپس صورت به خاک بمال و بگو :

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ أَي كَسِي كِه أَنجِه مِي خَوَاهِد حَكَم مِي كِنْد، و هر چيزی را كه اراده كِنْد انجام مِي دِهْد ؛ حَكَم از آن توست ؛ پس حمد و ستایش سزاوار تو است مَخْمُوداً مَشْكُوراً، فَعَجَلُ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ ، وَفَرَجْنَا بِهِمْ ، فَإِنَّكَ فِي حَالِي كِه سَتَائِش شَدِه و سَبَاسْكَرَارِي شَدِه هستی . ای مولای من ؛ در فرج آنان و فرج ما كه به سبب آنان تَحَقَّق پيدا مِي كِنْد تَعَجِيل كِن ، هَمَانَا صَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعِيدَ الدَّلِيلِ ، وَتَكْتِيْرَهُمْ بَعِيدَ الْقَلْبِ ، وَإِظْهَارَهُمْ تَوْعَزْتَ أَنْ هَا رَا پَس از خَوَارِي ، و فَرْوَنِي آنان رَا پَس از كَمِي، و جَلُوِه كَرْدَن شَان رَا بَعْدَ الْخُمُولِ ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . پس از گنمنا مِي ضَمَانَت كَرْدِه ای ؛ ای رَاسَت گوتَرين رَاسَت گويان ؛ ای مِهْرَبان تَرين مِهْرَبانان ؛ فَاسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي ، مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، أَي خَدَايِ مَنْ ؛ ای آقَايِ مَنْ ؛ از تو بَا تَضَرَّع و گَرِيه و زَارِي بِه دَر گَاه كَرَم و بَخْشِشْت ، دَر خَوَاسْت مِي كِنَم بَسْطَ أَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي ، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيَادَةَ كِه آرزو هَا مِي رَا تَحَقَّق بَخْشِي، و از گناهانم دَر گِذْرِي، و كَم و زِيَاد عَمَلَم رَا بِيذِيرِي؛ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدِ ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى وَ دَر مَدَّتِ عَمْرَم زِيَاد مَرَا بَدَان حَرَم مَطْهَر و بَار گَاه شَرِيف شَرِيفَاب گَرْدَانِي . مَرَا از كَسَانِي قَرَار دِه كِه فَيَجِيبُ إِلَي طَاعَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ ، وَتُرِيْبِي ذَلِكَ قَرِيْباً لِي بَارِي ، دُوسْتِي و فَرْمَان بَر دَارِي ايشان خَوَانْدِه مِي شُونْد و بِي دَر نِگَك پَاسَخ

می دهند ، و این زمان را هر چه زودتر سریعاً فی عافیهِ ، اِنِّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ .

با عافیت و سریع به من بنمایان که همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی .

سپس سرت را به طرف آسمان بلند کن و بگو :

اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الَّذِيْنَ لَا يُرْجُوْنَ اَيَّامَكَ ، فَاَعْدُنِيْ يَا خدایا ؛ به تو پناه می برم از این که از آنانی باشم که به روزهای (بزرگ) تو اُمید ندارند ؛ پس اِلٰهِيْ بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذٰلِكَ .

به رحمتت مرا از این گرفتاری پناه ده .

ای پسر سنان ؛ این دعا از چندین حج و عمره مستحبی که ثروت را در آن راه مصرف کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده ات جدا شوی ، برتر است .

و آگاه باش که خدای تعالی به هر کس که در این روز این نماز را به جای آورد و این دعا را خالصانه بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق (به خدا و ائمه علیهم السلام) انجام دهد ، ده ویژگی عطا می کند :

از مرگ بد او را حفظ می کند ؛ از مشکلات و فقر در امانش می دارد ؛ تا زنده است دشمن را بر او چیره نمی گرداند ؛ خودش و فرزندانش را تا چهار نسل از دیوانگی ، جذام و پیسی می رهاوند ؛ بر او و فرزندانش تا چهار پشت ، راهی برای شیطان و همکارانش باقی نمی گذارد .

دعای دیگری در روز عاشورا

پسر سنان می گوید : از نزد امام رفتم در حالی که می گفتم : سپاس خدای را که با معرفت و دوستی شما بر من منت نهاد ، و از

او یاری می طلبیم که با منت و رحمتش، بر اطاعت شما - که خدا بر من واجب کرده است - موقفم بدارد. (۲)

۲ دعای دیگری در روز عاشورا

«صالح بن عقبه» از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

آن کس که در دهمین روز محرم، حسین بن علی علیهما السلام را زیارت کند و تمام روز را نزد قبر مطهرش گریان باشد؛ روزی که خدا را ملاقات می کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه (جهاد) دارد که ثواب هر غزوه و حج و عمره آن مانند ثواب کسی است که با پیامبر و امامان هدایتگر، حج و عمره بجای آورده و جهاد کند.

گفتم: فدایت شوم، اگر کسی در نقطه ای دور دست بود که امکان رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام را در این روز نداشت چه کند؟ فرمود:

اگر آن گونه بود، به صحرائی برود و یا به مکان بلندی در خانه اش رود و با اشاره (به حضرت امام حسین علیه السلام) سلام کند و در لعن و نفرین برقاتلاناش، تلاش کند و پس از آن دو رکعت نماز بگذارد؛ و باید این اعمال را در آغاز روز، قبل از زوال خورشید انجام دهد.

سپس بر امام حسین علیه السلام گریه و ندبه کند و به هر کس که در خانه اش حضور دارد (جز کسی که از او تقیه می کند) امر کند که بر آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و بی تابی بر این مصیبت در خانه اش عزاداری بپا نماید و به یکدیگر تعزیت بگویند

. اگر این کارها را انجام دهد من ضمانت می کنم که همه آن اجرها را نزد خداوند بلند مرتبه ، داشته باشد .

گفتم : فدایت گردم ، آیا شما برای ایشان این گونه ضمانت می کنی ؟

فرمود : آری ، من ضامن هستم و عهده دار برای کسی که آن را انجام دهد .

گفتم : چگونه به یکدیگر تعزیت بگوییم ؟ فرمود : بگویید :

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلَنَا وَإِنَّا كُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ خِداوند اجرهای ما را بر مصیبت مان بر حسین ، بزرگ گرداند ، و ما و شما را از انتقام جویان بنارِ مَعِ وَلِيهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۳) خونش همراه با ولیش ، امام و پیشوای هدایت شده از آل محمد - که سلام بر آنان باد - قرار دهد .

۳ دعای ایام ماه رجب ...

دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است

ابن عیاش می گوید : از اموری که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداه به دست شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده ، دعایی است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ ، پروردگارا ؛ از تو درخواست می کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امورت ، تو را به آن می خوانند ؛ الْأَمُوتُونَ عَلَى سِرِّكَ ، الْمُشْتَبِتُونَ بِأَمْرِكَ ، الْوَاصِلُونَ أَنَا نَ أَنْ كَ بِرِ سَرَ تَوَ اَمِينِ وَ بِه اَمِرِ تَوَ خَشَنُودِ وَ مَفْتَخَرِنَدِ ، اَنْ هَا كَ لِقَدْرَتِكَ ، اَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ ، اَسْأَلُكَ بِمَا تَطَّلَقَ فِيهِمْ مِنْ مَسِيئَتِكَ ، قَدْرَتِ تَوَ ا تَوْصِيفِ وَ عَظْمَتِ تَوَ ا نِشَانِ مِی دَهِنْدِ ؛ دَرِخِوَا سْتِ مِی كِنَمِ بِه اَنْجَهِ مَشِيَّتِ تَوَ

و ایمان و تئییاً، یا باطناً فی ظُهورِهِ و ظاهراً فی بَطُونِهِ و مَكُونِهِ، یا و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار بودن پنهانی؛ ای مُفَرَّقاً بَیْنَ النُّورِ وَاللَّذَبِجُورِ، یا مَوْضُوعاً بَغَیْرِ كُنْهِ، و مَعْرُوفاً جِدا كُنْده میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده ای ولی نه با کنه ذات؛ و ای آن که شناخته شده ای اما بَغَیْرِ شَبْهِهِ، حَادُّ كُلِّ مَعْتَدٍ و شَاهِدٌ كُلِّ مَشْهُودٍ، و مَوْجِدٌ كُلِّ نَهٍ و سِیْلَهُ تَشْبِیْهِ و هَمَانْد؛ ای تعیین کننده حدّ و اندازه هر محدود؛ و ای گواه هر مشهود؛ و ای ایجاد کننده هر مَوْجُودٍ، و مُحْصِیٰ كُلِّ مَعْدُودٍ، و فَاقِدٌ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَیْسَ دُونَكَ مِنْ موجود؛ و ای شمارشگر هر شمرده شده؛ و ای نابود کننده هر نابود شده؛ جز تو مَعْبُودِ أَهْلِ الْكِبْرِیَاءِ وَالْجُودِ، یا مَنْ لَا یَكْتَفُ بِكَيْفٍ، وَلَا یُؤَيِّنُ مَعْبُودِی نِیْسْت؛ و تو اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد، و از بِأَیْنٍ، یا مُخْتَجِباً عَنِ كُلِّ عَیْنٍ، یا دَیْمُومٌ یا قَیُومٌ، و عَالَمٌ كُلِّ جَا و مَكَانٍ او پرسش نشود؛ ای آن که از چشم ها پنهانی؛ ای وجود دایم، ای پابنده، ای دانای هر مَعْلُومٍ، صِلْ عَلَی عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِیْنَ، وَبَشِّرْكَ الْمُخْتَجِبِیْنَ، معلوم، درود فرست بر بندگان برگزیده ات؛ و انسان های پرده دارت؛ و مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِیْنَ، وَالْبُهَمِ الصَّافِیْنَ الْحَافِیْنَ، وَبَارِكْ لَنَا فِی و بر فرشتگان مقربت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه کنندگان.

و این شهرنا هذا المَرْجَبِ الْمُكَرَّمِ، و ما بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَشْبَحَ مَاهِ الْكَرَامِ رَجَبٌ وَ نِيْزَ مَاهِ الْهَيْ حَرَامٌ بَعْدَ أَنْ رَأَى مَا مَبَارَكٌ كَرَدَانٌ ؛ عَلَيْنَا فِيهِ النَّعْمُ ، وَأَجْرِلْ لَنَا فِيهِ الْقَسَمَ ، وَأُتْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقَسَمَ ، وَ دَرِ
آن ، نَعْمَتِ هَيْتِ رَأَى مَا فَرُو رِيْزَ ، وَ بَهْرِهِ هَيْتِ مَا رَأَى دَرِ اِيْنِ مَاهِ بَسِيْارٌ كَرَدَانٌ، وَ سَوَكُنْدَ مَا رَأَى دَرِ اِيْنِ صَادِقٌ قَرَارٌ بَدَهْ ، بِاشِيْجِكِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَيَّ الْتَهَارِ بِهْ خَاطِرِ بَزْرِكِ تَرِيْنِ ،
بَزْرِكِ تَرِيْنِ ، بِاشِكُوهِ تَرِيْنِ وَ كَرَامِي تَرِيْنِ نَامِتْ ؛ نَامِي كِهْ چُونِ بَرِ رُوْزِ نِهَادِي قَاصَاءَ ، وَ عَلَيَّ اللَّيْلِ فَأُظْلَمَ ، وَ اغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا مِنَّا وَ مَا لَا نَعْلَمُ ، رُوْشَنُ شُدْ وَ وَقْتِيْ بَرِ شَبِّ قَرَارِ دَادِي ، تَارِيْكِ كَشْتِ . خَدَاوَنْدَا ؛
آنچه از گناهان ما را که تو می دانی و ما نمی دانیم بر ما ببخش؛ وَ اغْفِرْ لَنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ ، وَ اكْفِنَا كَوَافِي قَمَدَرِكِ ، وَ امْنُنْ وَ مَا رَأَى بِهْ بَهْتَرِيْنِ وَجِهَ از گناهان نگهداری و حفظ فرما؛ وَ مَا رَأَى بِتَقْدِيْرِ
كفایت کننده خود بسنده باش؛ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظَرِكِ ، وَ لَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكِ ، وَ لَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكِ ، وَ بَا نِگَاهِ نِيْكَوِيْتِ بَرِ مَا مَنَتْ بِكَ دَارِ . وَ بَهْ غَيْرِ خُوْدَتِ وَ امْكَدَارِ ، وَ از خَيْرِ وَ خُوْبِيْتِ مَحْرُوْمِ مَا مَفْرَمَا ؛
و بَارِكْ لَنَا فِيْمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأُضِلِّخْ لَنَا خَيْبَتَهُ أَشْرَارِنَا، وَ بَهْ عَمْرِي كِهْ بَرایِ مَا مَقْرَرٌ دَاشْتَهْ اِيْ بَرَكْتِ عَنَابِتِ كُنْ، وَ دَرُوْنِ وَ باطِنِ مَا را اِصْلَاحِ فَرَمَا، وَ اغْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَ اشْتِعْمَلْنَا بِحُسْنِ الْإِيْمَانِ،
و بَلِّغْنَا شَهْرَ وَ بَرایِ مَا از سُوِيْ خُوْدِ اِمَانِ بَدَهْ، وَ مَا رَأَى بِاِيْمَانِ

نیکو و کردار نیک بکار گیر، و ما را به ماه الصَّیامِ ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . (۴) مبارک رمضان و روزها و سال های پس از آن ، برسان ؛ ای دارای شکوه و بزرگواری .

دعای دیگر در ایام ماه رجب ...

نگارنده کتاب «عمده الزائر» در مورد دعای فوق ، چنین توضیح می دهد :

صاحبان امر و حکومت الهی ، محمّد صلی الله علیه وآله وسلم و آل محمّد علیهم السلام هستند که بدین صفات زیبا ، موصوف گشته اند؛ آنان، دارای مقاماتی هستند که در هیچ مکانی تعطیل نخواهد گشت ؛ هر گاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است ، خدا را بخوانند یا هر دعاکننده دیگری به وسیله آن ها خدا را بخواند ، و یا خدا را به آن دعاهایی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزی خوانده اند بخواند ، خداوند دعایشان را اجابت می کند بدون این که دعای آن ها رد شود . زیرا خداوند فیض رسان است و آن عزیزان قابلیت دارند ؛ لذا به برکت آن هاست که بر هر دعا کننده ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می شود .

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آن ها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسّل جست . چرا که هر کس بر آنان درود فرستد ، درخواستش رد نخواهد شد . (۵)

دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است

ابن عیاش می گوید : این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح قدس سره رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الثَّانِي، خدایا؛ از تو درخواست می کنم به حقّ دو تولّد یافته در ماه رجب، یعنی محمّد بن علی دوّم (حضرت جواد علیه السلام) و ائمه علی بن محمد المنتجب، و اتقربُ بهما إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ، و فرزندش علی بن محمّد که برگزیده شده است؛ و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می جویم. یا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ، و فیما لَمَدَيْهِ رُغَبٌ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ اِی كَسَى كَه هِر نِیْكَی اِز اَو دِر خِوَاَسْتِ مِی شُود، و به آنچه نزد اوست رغبت می شود. از تو درخواست می کنم مُعْتَرِفٍ مُذِیْبٍ قَدْ أُوبِقْتُهُ دُؤُوبُهُ، و أُؤْتِقْتُهُ عُیُوبُهُ، فَطَالَ عَلَی هِمَانِدِ گِناهِكَارِی كَه به جِرمِش اِعتِرافِ مِی كِند، و گِناهِناشِ اَو را به هِلاكَتِ و عِیبِ هایشِ اَو را در بِنْدِ كَشیدِه؛ دیرِ زِمانِی اِست ۱. عِمدِه الزائر: ۱۷۴.

الْحَطَايَا دُؤُوبُهُ، و مِنَ الرِّزَايَا حُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُشْنَ كَه بر اِشْتِباهِ كَارِی هَا عَادتِ كَرْدِه و كَارِشِ با مِصِيبَتِ هَايِ بزرگِ مِی كِذَرْد؛ از تو دِر خِوَاَسْتِ تِوبِهِ الْاُؤُوبِيهِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْثِ، و مِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِيهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا و بارگِشتِ نِیْكَو و بِيرونِ اَمْدِنِ از گِناهِ مِی كِند، و مِی خِوَاَهْدِ اَزادِی اِز اَتَشِ جَهَنَّمَ و بَخِشِشِ فِی رِيقَتِيهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ اَعْظَمَ اَمَلِه و تَقْتِيهِ. اَللّهُمَّ و اَسْأَلُكَ اِز اَنْجِه دِر بِنْدِ اوستِ را نِصِيبِشِ سَازِی. اِی مِولایِ مَن؛ تُو بزرگِ تَرینِ اَرزُو و مایِه اطمینانِ اُو هِستِی. بار خدایا؛ از تو بِمَسْأَلِكَ الشَّرِيفِهِ، و وَسْأَلِكَ الْمُنِيفِهِ، اَنْ تَنْعَمَ عَلَی فِی هَذَا بِه حَقِّ دِر خِوَاَسْتِ هَايِ شِرافَتِ مِندانِه اِت، و دِستِاویزِهایِ الْاِیْتِ؛ دِر خِوَاَسْتِ مِی كِند كَه مِرا در اِینِ الشَّهْرِ بِرَحْمِهِ و نِکِ و اِسعِهِ، و نِعمِهِ و اِزَعِهِ

، وَنَفْسٍ بِمَا زُرَّ قَتْهَا مَاهِ دَر رَحْمَتِ بِي كِرَانَتِ غَرَقِ گَرْدَانِي ، وَ بَر مَن نَعْمَتِ هَاي فَرَاوَانِ عَطَا كُنِي ، وَ بَه مَن نَفْسِي عَطَا كُنِي كِه تَا رُوْزِي كِه قَائِمِيهِ اِلَى نُزُولِ الْحَافِرِيهِ ، وَ مَحَلِّ الْأَخْرِيهِ ، وَ مَا هِيَ اِلَيْهِ صَائِرَةٌ . (٦)
دَر قَبْرِ فَرُوْدِ آيَمِ وَ دَر مَنزَلِ آخِرَتِ سَكُوْنَتِ گَزِيْنَمِ وَ اَنجَا كِه رَوَانَمِ بَه سُوِيِ اَن مِي شَتَابِدِ ، نَسَبَتِ بَه اَنجِه نَصِيْبِ اَن نَمُوْدِي قَانِعِ بَاشَدِ .

۵ دعای سوّم در ایام ماه رجب دعای سوّم در ایام ماه رجب

از محمّد بن عبدالرحمان (شوشتری) روایت شده است که گفت : روزی از بنی رواس گذشتم ، یکی از دوستانم به من گفت : اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا ، تا در آنجا نماز بخوانیم ، زیرا این ماه ، ماه رجب است و زیارت این مکان های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته اند ، و آن بزرگواران در آن ها نماز گزارده اند ثواب دارد ؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می باشد .

محمّد بن عبدالرحمان می گوید : باهم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شتری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود ؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامه ای شبیه عمامه آن ها به سر داشت و در حالی که نشسته بود این دعا را می خواند ؛ من و همراهم نیز آن را حفظ کردیم ، و آن دعا این است :

(شیخ طوسی اعلی الله مقامه می فرماید : در هر روز از ماه رجب مستحب است این دعا خوانده شود :

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغِ ، وَالْاَلَاءِ الْوَازِعِ ، وَالرَّحْمَةِ الْوَابِغِ ، خَدَا يَا ؛ اِي كَسِي كِه دَارَايِ لَطْفِ وَ اِحْسَانِ

فراوان ، و نعمت های گسترده، و رحمت فراگیر، وَالْقُدْرَةُ الْجَامِعَةُ ، وَالنَّعْمُ الْجَسِيمَةُ ، وَالْمَوَاهِبُ الْعَظِيمَةُ ، و قدرت جامع و کامل ، و نعمت های عظیم و بخشش های بزرگ ، وَالْأَبْدَانُ الْجَمِيلَةُ ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةُ . يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ ، و هدیه های زیبا، و عطایای فراوان هستی. ای کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی شود، و به هیچ موجودی به عنوان وَلَا يَمْتَلُ بِنَظِيرٍ ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ ، یا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ ، وَالْهَمَّ نَظِيرَ مِثَالٍ زِدَهُ نَمِي شُود، و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی شود؛ ای کسی که موجودات را خلق کرد؛ سپس به آنان رزق و روزی داد؛ و به آنان الهام فَأَنْطَقَ ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ ، وَعَلَا فَأَرْتَفَعَ ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ ، وَصَوَّرَ كَرْد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریح کرد؛ و برتری یافت، پس رفیع و بلندمرتبه گردید؛ و تقدیر کرد پس نیکو گردانید؛ فَأَنْقَنَ ، وَاحْتَجَّجَ فَأَبْلَغَ ، وَأَنْعَمَ فَأَشْبَعَ ، وَأَعْطَى فَأَجَزَلَ ، وَمَنَحَ وَتَصَوَّرَ كَرْد پس محکم نمود؛ و با دلیل استدلال كَرْد پس رَسَا گردانید؛ و نعمت داد پس آن را کامل کرد؛ و عطا نمود فَأَفْضَلَ . يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ ، وَدَنَا فِي بَسِ أَنْ رَا بِيْشْتَر كَرْد؛ و بخشش نمود، و آن را فزونی داد . ای کسی که اوج گرفت در عِزَّت و توانندی، و به همین خاطر دیدگاه های چشمان اللُّطْفِ فَجَاوَزَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نَدَّ تَوَاسْت بَه سوی او راه یابد؛ و آن قدر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می کند می گذرد؛ ای کسی که

شد و از آنجا رفت .

دوستم به من گفت : به نظر ما او حضرت خضر علیه السلام بود ؛ چه شد که با او صحبت نکردیم ؟ گویا زبان ما را از صحبت کردن باز داشته بودند !

از مسجد خارج شدیم و در راه پسر ابی رواد روایی را دیدیم ؛ او به ما گفت : از کجا می آید ؟

گفتیم : از مسجد صعصعه ؛ و جریان را نیز برایش بازگو کردیم .

او گفت : این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه می آید ، و هیچ حرف نمی زند ؛ به او گفتیم که : او کیست ؟

گفت : شما فکر می کنید چه کسی باشد ؟

گفتیم : گمان می کنیم حضرت خضر علیه السلام باشد .

گفت : به خدا سوگند ، فکر می کنم او کسی است که حضرت خضر علیه السلام هم محتاج دیدار اوست . بروید که سعادتمند شدید .

دوستم به من گفت : به خدا سوگند ، آن شخص امام زمان ارواحنا فداء بود . (۷)

نگارنده می گوید : سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله می فرماید : این دعا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است ، ولی به خاطر این که در ایام ماه رجب خوانده می شود آن را در این جا (بخش ادعیه ماه ها) نقل کردیم .

و در بخش اول (نمازها ، ص ۱۳۶) دوازده رکعت نماز را در روز بیست و هفتم ماه رجب با دستور آن نقل کردیم ، به آنجا مراجعه کنید .

دعای روز سوّم ماه شعبان

دعای روز سوّم ماه شعبان

علاّمه مجلسی رحمه الله در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید : وکیل امام حسن عسکری علیه السلام - قاسم بن علاء همدانی -

نامه ای از ناحیه مقدسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند :

همانا مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سوّم شعبان به دنیا آمدند؛ آن روز را روزه بگیر ، و این دعا را بخوان .(۸)

و در کتاب «زاد المعاد» می فرماید : امام زمان صلوات الله علیه این دستور را صادر فرمودند :

روز سوّم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز ، روز ولادت امام حسین علیه السلام است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَلْجُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُوْدِ فِىْ هٰذَا الْيَوْمِ ، الْمَوْعُوْدِ بِشَهَادَتِهِ اِىْ خِدا؛ از تو درخواست مى كنم به حَقّ مولود در اين روز كه پيش از آن كه چهره اش ظاهر شود و متولد گردد به قَبْلِ اسْتِثْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ ، بَكَتُّهُ السَّمَاءُ وَ مَنْ فِيْهَا ، وَالْاَرْضُ وَ مَنْ فِيْهَا ، وَ مَنْ شَهِدَتْ او وعده داده شده ، كسى كه بر او آسمان و هر كه در آن است و زمين و هر كه بر روى آن است بر (مظلوميت) او گريستند ، عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَّأْ لَابَتَيْهَا ، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْاَشْرَةِ ، الْمَمْدُوْدِ در حالى كه هنوز قدم به اين دنيا نگذاشته بود ، او كشته گريه و سرور خاندان است كه با انتقام خون پاكش بِالنُّصْرَةِ يَوْمِ الْكُوْرَةِ ، الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَنْبِيَاءَ مِنْ نَسْلِهِ ، در رجعت آل محمّد نصرت و ظفر پايدار خواهد يافت ، و در عوض شهادتش امامان و پيشوايان دين از نسل پاك آن حضرت ، وَالشَّفَاءَ فِىْ تَرْبِيَّتِهِ ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِىْ اَوْبِيَّتِهِ ، وَالْاَوْصِيَاءَ مِنْ وَ شفاى هر درد و مرضى در تربت اوست ، و رستگارى و پيروزى همراه اوست به هنگام رجعتش ، وَ عِزَّتِهِ ، بَعْدَ قَاتِمِهِمْ

وَعَبَّيْتِهِ ، حَتَّى يُدْرِكُوا الْأُوتَارَ ، وَيُنْأَرُوا أَوْصِيَا از عترت او هستند ، پس از حضرت مهدی علیه السلام و بعد از غیبت آن حضرت تا اینکه به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام ۱ . بحار الأنوار :

. ۳۴۷/۱۰۱

النَّارَ ، وَيُرْضُوا الْجَبَّارَ ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ ، صَلِّىَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، گیرند، و خداوند جبار را از خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند . درود خدا بر آنان مَعَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . اَللّٰهُمَّ فَبِحَفْهِمْ اِلَيْكَ اَتَوَسَّلُ ، وَاَسْتَيْلُ تا زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند . بار خدایا ؛ به حقّ آنان به درگاه تو توسل می جویم، و از تو درخواست می کنم سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ [وَمُعْتَرِفٍ ، مُسِيءٍ اِلَى نَفْسِيهِ ، مِمَّا فَرَطَ فِيْ مَا نَدَى كُنْهَ كَارِي كِه اعتراف به گناهان خود می کند؛ به خود بدی نموده به خاطر این که یَوْمِهِ وَاَمْسِيهِ ، يَسْتَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلَى مَحَلِّ رَمِيهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ در روز و شب خود کوتاهی کرده است ، از تو درخواست می کند که او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری . خدایا؛ اَلَى مُحَمَّدٍ وَعَتَرَتِيْهِ ، وَاَحْسَبُ نَا فِيْ رُؤْمَرِيْهِ ، وَبِوُثْنَا مَعَهُ دَاوِرَ بِرَ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ وَعْتَرَتِ بِاَكْشِ دَرُودِ فَرَسْتِ ، و ما را در زمره آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای الكرامه ، وَمَحَلِّ الْاِقَامَةِ . اَللّٰهُمَّ وَكَمَا اَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِيْهِ ، فَآكْرِمْنَا بِكِرَامَتِيْهِ ، بِعِنْيَةِ بَهْشْتِ وَ مَحَلِّ اِقَامَتِ اَبَدِيْ ، مَرَا بَا اَوْ هَمْنَشِيْنِ كَرْدَانِ . خدایا؛ همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی داشتی، پس با بَزْلَفَتِيْهِ ، وَاَزْرُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ ، وَاَجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ

، تقرب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما بگردان، و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم و بیکتر الصلاة علیه عند ذکره، و علی جمیع اوصیایه و أهل است و در هنگام یاد نمودن از او درود بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می فرستد، اضیطفایه، الممئودین منک بالعددی الیثنی عشر، التجموم الزهر، آنان که از طرف تو پیوسته آمده اند، و تعدادشان دوازده تن می باشد؛ همه آن ها ستارگان درخشان، و الخجج علی جمیع البشر. اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر و برای تمامی انسان ها حاجت می باشند. خدایا؛ در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛ مؤهیه، و أنجیح لنا فی کل طلبه، كما وهبت الحسین لمحمد و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین علیه السلام را به جدش جدیه صلی الله علیه و اله، و عاد فطرس بمهدیه، فنحن عابدون حضرت محمّد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و فطرس - فرشته الهی - به گهواره اش پناه برد؛ ما نیز پس از شهادتش بقره من بعهده، نشهد تزیته، و ننتظر اویته، امین رب العالمین. (۹) به قبر او پناه می بریم و در نزد تربت او حاضر می شویم و منتظر بازگشتش می باشیم؛ ای پروردگار هستی؛ دعای ما را مستجاب کن.

فضیلت شب نیمه شعبان

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی ارواحنا فداه

نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان دارند - به مقداری که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آن را ذکر فرموده اند - و سعادت مندان از امت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آن را بشارت داده اند ؛ باشد .

همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهان شان آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و بردگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفته ایشان قدرت و توانایی می دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند ، اعطا می کند ؛ سفره رحمت خود را در شرق و غرب عالم می گستراند ؛ سفره ای که همگان به طور یکسان از آن بهره مند می شوند .

کامل کننده الطاف خداوند با اوصافی نیکو است . او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه های سرور و بشارت های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آن ها نشان می دهد ؛ آنچه را که حاضر آن گواهی بر غایب آن می دهد و دل ها را به سوی اطاعت پروردگار می کشاند .

دعای شب نیمه شعبان

سید بن طاووس رحمه الله در ادامه می افزاید :

تمامی انسان ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان مَت گذاشته و به آنان عطا کرده ، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده

تا برای یاری اسلام و ایمان، و ریشه کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن خیمه های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت پردازند.

و آن ها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم - که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکر و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می باشند، و نیز تشکر و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان گونه که واجب است هر بنده ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده ای از بندگان سعادت مند به خاطر نعمت هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می رسد، باید با قدرت و جدیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می دهیم؛ این دعاست:

دعای شب نیمه شعبان

اشاره

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُوْدِهَا ، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُوْدِهَا ، اَلْتِيْ خَدَايَا ؛ بِه حَقِّ امْشَبِ مَا و

مولود آن، و حجت تو و وعده داده شده آن، که قَرَنْتَ إِلَىٰ فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لا مُبَدَّلَ بَرْتَرِي دِيْغَرِي بِر بَرْتَرِي آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون کننده ای لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا مُعَقَّبَ لِيَا تَيْكَ، نُورِكَ الْمُتَأَلَّقِي، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقِي، برای کلمات تو نیست، و نه پس زنده ای بر آیاتت نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو وَالْعَلَمَ النُّورَ فِي طَحْيَاءِ الدِّيْجُورِ، الْعَايِبِ الْمُسْتَبْتُوْرُ. جَلَّ مَوْلِدُهُ، و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و پوشیده است. ولادتش شکوه مند، وَكَرَمَ مَخْتِدُهُ، وَالْمَلَائِكَةَ شُهْدُهُ، وَاللَّهَ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا أَنْ وَنَزَادِش شَرِيْفِ اسْت، و فرشتگان شاهدان اویند، و خداوند یاری کننده و تأییدکننده اوست؛ هنگامی که میعادهُ، وَالْمَلَائِكَةَ أَمْدَادُهُ، سَيْفِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُتُو، وَنُورُهُ الَّذِي زَمَان وَعَدَهُ اش فرا رسد، و فرشتگان مددکاران اویند. او شمشیر خداوندی است که کند نشود، و نور خداوندی است لَا يَخْبُو، وَدُو الْجَلْمِ الَّذِي لَا يَضِيْبُو، مَدَارُ الدَّهْرِ، وَنَوَامِيْسُ که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا در نرود. محور و مرکز چرخش روزگار، و ناموس های الْعَصِيْرِ، وَوُلَاةِ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلِ عَلَيْهِمُ الدُّكْرُ، وَمَا يَنْزِلُ فِي لَيْلِهِ زَمَانَهُ، و کارداران فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته بر ایشان ذکر یعنی قرآن و آنچه در شب الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمُهُ وَحِيِهِ، وَوُلَاةُ أَمْرِهِ قَدْر نازل گردد، و صاحبان گردآوری و پراکندگی، بیان کننده پیام آسمانی او؛ و عهده داران امر وَنَهْيِهِ. اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَىٰ خَاتِمِهِمْ

وَقَائِمِهِمْ ، الْمَشِيئُورِ عَنِّ وَ نَهِي او مي باشند . بارخدايا ؛ بر آخرين ، و قيام كننده ايشان درود بفرست كه از عَوَالِمِهِمْ (عَوَالِمِهِمْ) ، وَأَذْرِكْ بِنَا أَيْامَهُ وَظَهْرَهُ وَقِيَامَهُ ، وَاجْعَلْنَا عَوَالِمِ ايشان پوشيده است؛ و ما را موفق به درك روزگار و دوران ظهور و قيامش بگردان؛ و ما را مِنْ أَنْصَارِهِ ، وَأَقْرَبُنَا تَارَةً بِشَارِهِ ، وَاجْتَبِنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَانِيهِ ، از ياران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهي ما را به خونخواهي او پيوسته گردان؛ و ما را در گروه ياران و مخلصان بي آلايشانش بنويس؛ وَأَخِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ ، وَبِصُحْبَتِهِ غَائِبِينَ ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ ، و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بدار؛ و به همراهي او بهره مند، و به ادای حَقِّش پابرجا، وَمِنْ الشُّوءِ سَالِمِينَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و از بدی نیز برکنار بدار ؛ ای مهربان ترين مهربانان؛ و ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ، وَعَلَى أَهْلِ فَضِيلَتٍ... دعای كمیل در آن شب

و درود خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر اهل بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعَتَرَتِهِ النَّاطِقِينَ ، وَالْعُنَّ جَمِيعَ الطَّالِمِينَ ، بيت راستگو و عترت سخن گوی اندیشمند او باد . خدايا؛ به همه ستم کاران لعنت کن ، وَاخْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يا أَخْكُمُ الْحَاكِمِينَ . (۱۰)

و خودت بين ما و آن ها داوری کن؛ ای بهترين داوران .

نگارنده می گوید : سزاوار است صلوات ضراب اصفهانی كه آن را در صفحه ۲۶۴ این كتاب نقل كردیم ، در شب نیمه شعبان و روزش ، خوانده شود .

فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای كمیل در آن شب

كمیل بن زیاد می گوید : با مولایم امیرالمؤمنین علی

علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم و گروهی از اصحاب نیز همراه آن حضرت بودند ، پس بعضی از آنان از ایشان سؤال کردند که معنای این فرمایش خداوند : « فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ » (۱۱) ؛ «که در آن شب هر امری باحکمت معین گردد» ، چیست ؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند :

مراد ، شب نیمه شعبان است ؛ قسم به آن کس که جان علی در دست اوست ، هیچ بنده ای نیست مگر این که تمامی خیر و شرّی که در طول سال تا شب نیمه شعبان آینده بر او می گذرد ، در آن شب برای او تقسیم می شود ؛ و هیچ بنده ای نیست که این شب را با شب زنده داری سپری کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را بخواند مگر این که اجابت شود .

امام علیه السلام از مسجد بیرون رفتند ، من شب هنگام در پی ایشان به راه افتادم ؛ حضرت فرمودند : ای کمیل ؛ چه باعث شده که اینجا آمده ای ؟

گفتم : ای امیر مؤمنان ؛ دعای حضرت خضر علیه السلام را می خواهم .

حضرت فرمودند :

ای کمیل ؛ بنشین ؛ هنگامی که این دعا را حفظ کردی ، هر شب جمعه یا در ماه یک مرتبه و یا در طول سال یک مرتبه یا در طول عمرت یک مرتبه این دعا را بخوان که تو را کفایت و یاری می کند ، و روزی تو را زیاد می گرداند ، و آمرزش الهی را هیچ گاه از دست نمی دهی .

ای کمیل ؛ دوستی و همنشینی طولانی تو با ما ، تو را سزاوار نموده که آنچه می خواهی

به تو بخشش نمایم. (۱۲)

حضرت، «دعای کمیل» را به او آموختند که این دعا را در صفحه ۶۸۳ این کتاب نقل می کنیم.

مؤلف گوید: در بخش اول نمازها، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ نمازهایی را که در شب نیمه شعبان خوانده می شوند، نقل کردیم به آنجا رجوع کنید.

دعای افتتاح

دعای افتتاح

علامه مجلسی رحمه الله می گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام عصر ارواحنا فداه خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

این دعا را در تمام شب های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می کنند.

دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَفْتِيْحُ النَّاءِ بِحَمْدِكَ ، وَاَنْتَ مُسَدِّدُ الصَّوَابِ بِمَنِّكَ ، بار الها ؛ من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می کنم ؛ و تو به لطف و احسانت هر کار راست و درستی را وَاَيَقُنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فى مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ ، استوار کننده ای ؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و مهربانی ، مهربان ترین مهربانان هستی ؛ ۱ . اقبال الأعمال : ۲۲۰ .

وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِيْنَ فى مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَرِّبِيْنَ و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز سخت ترین کیفر کننده ای ؛ و فى مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ . اَللّٰهُمَّ اذْنُتْ لِيْ فى دُعَايِكَ در جایگاه بزرگی و عظمت ، بزرگ ترین قدرت و شوکت را دارا هستی . بار الها ؛ به من اجازه دادی تو را بخوانم وَمَسْئَلَتِكَ ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِدْحَتِيْ ، وَأَجِبْ يَا رَحِيْمٌ دَعْوَتِيْ ، و از تو درخواست نمایم ؛ بنابراین ، ای شنونده ؛ به ثناگویی

من گوش بده ؛ و ای مهربان ؛ دعایم را اجابت کن ؛ وَأَقْلُ يَا عَفُورُ عَثْرَتِي ، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كَرَمِهِ قَدْ فَرَّجْتَهَا ، و ای آمرزنده ؛ از لغزشم در گذر . خدای من ؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی ؛ وَهُمُومٌ قَدْ كَشَفْتَهَا ، وَعَثْرُهُ قَدْ أَقْلَتْهَا ، وَرَخْمَهُ قَدْ نَشَرْتَهَا ، و چه مصیبت هایی که تو کنار زدی ؛ و چه لغزش هایی که در گذشتی ؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی ؛ وَخَلَقَهُ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَجْهَ حَلْقِهِ هَيْبَةَ بَلَابِي كَمَا هِيَ ، وَهُوَ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَجْهَ حَلْقِهِ هَيْبَةَ بَلَابِي كَمَا هِيَ ، وَهُوَ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَجْهَ حَلْقِهِ هَيْبَةَ بَلَابِي كَمَا هِيَ . فرمای او نیز شریکی نیست ، و هیچ ولی و سرپرستی از روی الدُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا . الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ ذَلَّتْ وَنَاتَوَانِي اخْتِيَارِ نَكْرَدَه است ، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن . ستایش به تمام انواع آن در مورد نَعْمِهِ كُلِّهَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ تَمَامِ نِعْمَتِ هَيْبَتِهِ ، مَخْصُوصِ خِدَاسَتِ . ستایش ویژه خدایی است که در فرمان فرمایی او هیچ کس نمی تواند با او ضَدَبَتْ کند و فی أَمْرِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي فِرْمَانِشِ كَشْمَكَشِ كُنْنِدَه اِي بَرَايِ اُو نِيَسْتِ . ستایش ویژه خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد ، و در عظمت و فِي عَظَمَتِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ

الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظاهر بزرگیش مانندى ندارد. ستایش ویژه خدایى است که فرمان او و ستایش او در بین آفریدگان آشکار و شکوهش بالکرم مجده، والبسيط بالوجود يده، الذى لا تنقص خزانته، به واسطه کرامت و بزرگواریش هویدا است، و دستش با سخاوت مندى همواره گشوده است؛ همان خدایى که گنجینه هایش کم ولاتزیده کثره العطاء، إلا جوداً وكرماً، إنه هو العزيز الوهاب. نمى شود، و بخشش زیادش تنها باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او مى شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است. اللهم إني أسئلك قليلاً من كثير مع حاجه بي إليه عظيمه، بارالها؛ از تو مى خواهم اندكى از بسيار را به طورى که به اين اندک بسيار نیازمندم؛ و تو از و غناك عنه قديم، وهو عندى كثير، وهو عليك سهل يسير. قديم بي نیاز از اينها بوده اى و اين اندک، نزد من بسيار زياد و ارزشمند است و برای تو) برآوردنش (هیچ کارى ندارد و کم و آسان مى باشد. اللهم إن عفوك عن ذنبي، وتجاوزك عن خطيئتي، وصيمنتك بارالها؛ واقعت آن است که بخشش تو نسبت به گناه من، و گذشت تو از اشتباه من، و چشم پوشی تو عن ظلمي، وسترك على قبيح عملي، وحلمك عن كثير جرؤمي، از ستم من، و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردبارى تو نسبت به جرم سنگین و بسيار من عند ما كان من خطيئتي وعمدي، أطمعني في أن أسئلك ما لا چه از روی عمد انجام داده ام، و چه به طور

اشتیاهی مرتکب شده ام؛ باعث شده است باز هم طمع کنم و اقدام به اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ ، اَلَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَاَرْزَيْتَنِي مِنْ دَرَاخِاسْتِ چيزی از تو نمايم که سزاوار آن نيستم ؛ همان چيزی که از رحمت نصيبم ساختی ، و از قُدْرَتِكَ ، وَعَرَفْتَنِي مِنْ اِجَابَتِكَ ، فَصِرْتُ اَدْعُوكَ اِمْنًا . وَاَسْئَلُكَ قَدْرَتَكَ نِشَانَمِ دَادِي ، و از پاسخ گوييت که به من شناساندي؛ بدین سان، با آرامش تو را می خوانم. و نیز از تو می خواهم مُشِيئًا نَسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا ، مُدْلًا عَلَيكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ دَر حَالَتِ اُنْسٍ بَا تُو ، نَه بَا تَرَسٍ وَ هِرَاسٍ ، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن آهنگ تو کردم ، اِلَيْكَ ، فَإِنْ اُطِئْتُ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيكَ ، وَلَعَلَّ اَلَّذِي اُطِئْتُ بِسِ اِغْر دِيرِ پَاسِخَمِ رَا دَادِي ، بَا نَادَانِيمِ بَر تُو عِتَابٍ وَ سِرْزَنَشِ كَنَم ؛ بَا اَن كَه اِحْتِمَالِ قُوِي مِي رَفْتِ چيزی که در دانش عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي ، لِعَلِمِكَ بِعَاقِبَةِ اَلْاُمُورِ ، فَلَمْ اَزْ مَوْلِي كَرِيمًا بَه مِنْ تَاخِيرِ كَرْدِي بَرَايِمِ بَهْتَرِ بَاشَد ؛ زِيْرَا ، تُو پَايَانِ هَمْمِه كَارِهَا رَا مِي دَانِي ؛ پَروردگَارَا ؛ هِيچِ مَوْلَايِ كَرِيمِ وَ بَزْرگُوَارِي رَا اَضْبَرَ عَلَي عَزِيدِ لَنِيمِ مِنْكَ عَلَي يَا رَبِّ ، اِنَّكَ تَدْعُونِي فَاَوْلِي بَر بِنْدَه پَسْتِي شَكِيْبَاتَرِ اَز تُو بَر خُودِ نَدِيدَم . پَروردگَارَا ؛ تُو مَرَا دَعُوْتِ مِي كَنِي ، و لِي مِنْ رُوِي مِي گَرْدَانَم ؛ عَنكَ ، وَتَتَجَبَّبُ اِلَيَّ فَاتَبَعُضُ اِلَيْكَ ، وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلَا اَقْبَلُ مِنْكَ ، تُو بَه مِنْ مَحَبَّتِ مِي كَنِي و لِي مِنْ بَا تُو دَشْمَنِي مِي كَنَم ، تُو بَه مِنْ مَهْرِ مِي وَرْزِي و لِي

من از تو نمی پذیرم ؛ كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ ، فَلَمْ يَمْتَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي ، گویا من از تو طلبکارم و نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی شود تو از مهربانی و الإحسانِ إِلَيَّ ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ وَاحْسَنْ وَافْزَنْ بِخَشْيَتِكَ وَبِزُرْكَوَارِيَّتِكَ وَبِزُرْكَوَارِيَّتِكَ وَبِزُرْكَوَارِيَّتِكَ ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ . الْحَمْدُ لِلَّهِ نَادَانَتْ رَحِمَ كُنْ ؛ وَبِافْزُونِي إِحْسَانَتِكَ بِرَأْسِ بَخْشِشِكَ فَرَمَا ؛ رَاسْتِي كِه تُو بَخْشِنْدِه وَبِزُرْكَوَارِي . سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ مَالِكِ الْمُلْكِ ، مُجْرِي الْفُلْكِ ، مُسَيِّخِرِ الرِّيَّاحِ ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ، كِه صَاحِبِ فَرْمَانِوَايِي اسْتِ ، كَشْتِي رَا دَر دَرِيَا رَوَانِ مِي سَازَد ، بَادِهَا رَا دَر إِخْتِيَارِ دَارَد ، شَكَاْفَنْدِه صَبْحِ اسْتِ ، دِيَانِ الدِّينِ ، رَبِّ الْعَالَمِينَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ جِلْمِيهِ بَعْدَ عِلْمِيهِ ، پَادَاشِ دِهْنْدِه رُوزِ جَزَا اسْتِ ، پَرُورْدِگَارِ جِهَانِيَانِ اسْتِ ؛ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه بَا وَجُودِ آگَاھِيشِ بَرْدَبَارِي مِي كَنْد ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِيهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ طَوْلِ أَنَاتِيهِ وَ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه بَا وَجُودِ قَدْرَتِ وَ تَوَانِييشِ عَفُو وَ بَخْشِشِ مِي كَنْد . وَ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه دَر حَالِ خَشْمِ نِيْزِ مَهْلَتِ فِي غَضَبِيهِ ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا يُرِيدُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ ، طَوْلَانِي مِي دِهْد ، بَا اَيْنِ كِه مِي تَوَانَدِ هَرِ كَارِي كِه ارَادِه كَنْد اَنْجَامِ بَدِهْد ؛ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه آفَرِينِنْدِه مَخْلُوقَاتِ اسْتِ ؛ بَاسِطِ الرِّزْقِ ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَالْفَضْلِ كَسْتَرَانْدِه رُوزِي اسْتِ ؛ شَكَاْفَنْدِه

صبح است؛ شکوه مند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان و وَالْإِنْعَامِ ، الَّذِي بَعَدَ فَلَا يُرَى ، وَقَرَّبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى ، تَبَارَكَ نِعْمَتِ بَخْشِي اسْت؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی آید، و نزدیک است که صحبت های درگوشی را نیز می شنود؛ پاک و وَتَعَالَى . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعُ يُعَادِلُهُ ، وَلَا شَيْبَةٌ بَلَدْمَرْتَبَهُ اسْت . ستایش ویژه خدایی است که برایش ستیزه جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد يُشَاكِلُهُ ، وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاذِبُهُ ، فَهَرَّ بِعِزَّتِهِ الْأَعْرَاءَ ، وَتَوَاضَعَ كَمَا بَاوَأَمَانَدِي نَمَايَد؛ و کمک کاری ندارد که او را یاری برساند ، با اقتدار خودش بر قدرتمندان چیره گشته ؛ و لِعَظَمَتِيهِ الْعُظْمَاءَ ، فَلَبَّغَ بِمُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي بزرگان، در برابر عظمت او فروتنی و کوچکی کنند؛ و بدین سان دست قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است . ستایش ویژه خداست که حین آنادیه ، وَيَبْشُرُ عَلِيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ ، وَيُعْطِيهِمُ النِّعْمَةَ وَتَقِي او را صدا می زنی پاسخم را می دهد؛ و در حالی که من او را نافرمانی می کنم تمام عیوب و زشتی هایم را پنهان می دارد؛ و نعمتهایش عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبِهِ هَبْتِي قَدْ أَعْطَانِي ، وَعَظِيمِهِ رَا بَرَامِ زِيَادِ مِي كِنْدِ وَلِي مِنْ جَوَابِ خُوبِي بِه اِن نِعْمَتِ بَخْشِي هَا نَمِي دَهْم . چه بخشش گوارایی که به من نمود ، و چه امور بزرگ مَخُوفِهِ قَدْ كَفَانِي ، وَيَهْجِيهِ مُؤِنْفِهِ قَدْ أَرَانِي ، فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا ، ترسناکی که مرا از آنها کفایت کرد، و چه بسیار خوشی های دوست داشتنی که به من نشان داد، به این جهات

پیوسته او را با ستایش خود ثناگویی و اذکاره مُسَبِّحاً . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يُهَيِّتُكَ حِجَابُهُ ، وَلَا يُغْلِقُ بَابَهُ ، مِي كَنَم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می باشم. ستایش ویژه خدایی است که پرده و حجاب او دریده نمی شود؛ درگاهش بسته نمی شود؛ وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ ، وَلَا يُخَيِّبُ اِمْلَهُ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْحَافِيْنَ ، گدایش رد نمی شود؛ آرزومندش ، ناامید بر نمی گردد . ستایش ویژه خدایی است که بیمناکان را ایمنی می بخشد ، وَيُنَجِّي الصَّالِحِيْنَ ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِيْنَ ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِيْنَ ، صالحان و شایستگان را رها می سازد ، ناتوان شمرده شدگان را والا و بالا می برد ، و تکبرکنندگان را بر زمین می زند ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا ، وَيَشْتَلِفُ اٰخِرِيْنَ . وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِيْنَ ، و پادشاهانی را نابود می کند و به جای ایشان افراد دیگری را می نشانند. و ستایش ویژه خدایی است که درهم شکننده زورگویان ، مُبِيرِ الطَّالِبِيْنَ ، مُدْرِكِ الْهَارِبِيْنَ ، نَكَالِ الطَّالِبِيْنَ ، صَرِيحِ نَابِدِ كَنَنَدَه سَتَمَكِرَان ، به چنگ آورنده فراریان ، كِيفِر دهنده سَتَمَكِرَان ، فَرِيَادِرِسِ الْمُسْتَضْعِرِّحِيْنَ ، مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِيْنَ ، مُعْتَبِرِ الْمُؤْمِنِيْنَ . دادخواهان ، پاسخ گوی حاجت خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَوَعَدُ السَّمَاءُ وَشِيكَانَهَا ، وَتَرْجِفُ سَتَائِشِ وَيُزُه خَدَائِي اِسْتِ كِه اَسْمَانِ وَ سَاكِنَانِش اِز تَرَسِ وَ هِرَاسِ اُو مِي غَزَنَد ، وَ الْأَرْضُ وَ عَمَارَاتُهَا ، وَ تَمُوجُ الْبِحَارِ وَ مَنْ يَشِيخُ فِي عَمْرَاتِهَا . زَمِيْنِ وَ اَبَادِ كِرَانِش بِه لِرِزِه دِرْمِي اَيْنَد ، وَ دِرْيَاها وَ هِر كِه دِر اَعْمَاقِ اَنْ شِنَاوَرِ اِسْتِ دِجَارِ مَوْجِ كِرَدَنَد . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا ، وَ مَا كُنَّا لِنُهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ . ستایش ویژه خدایی است که ما

را به این راه خودش (هدایت فرمود ، و اگر او هدایت مان نمی کرد به هیچ وجه هدایت نمی شدیم. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ ، وَيَزُقْ وَلَا يُزُقْ ، وَيُطْعِمُ سَنَابِيشَ وَيَزِدُ خَدَائِي است که می آفریند و خود آفریده نشده است، و روزی می دهد و خود روزی داده نمی شود و می خوراند و لایطعمم ، و يميت الأحياء ويحيي الموتى ، وهو حي لا يموت ، و خود نمی خورد ، و زنده ها را می میراند و مردگان را زنده می کند ، و او زنده ای است که هرگز نمی میرد ، يديه الخَيْرُ ، وهو على كلِّ شئٍ قديرٌ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرٍ وَخَيْرٍ ، تنها در دست اوست ؛ و او بر هر چیزی توانایی دارد. بار الها ؛ بر حضرت محمد عبيدك ورسولك ، وأميك وصيئك ، وحيبيك وخيرتك من - که بنده ، فرستاده ، امان دار ، برگزیده ، محبوب ، منتخب تو از خلقك ، وحافظ سيرك ، ومبلغ رسالتك ، أفضل وأحسن وأجمل آفریدگانت ، نگهدارنده اسرار ، و رساننده رسالت های توست - درودی پیوسته نثار کن ؛ برترین ، نیکوترین ، زیباترین ، واکمل وازکی وآنمی واطيب واطهر وآنشئ واکثر ما صليت کامل ترین ، خوب ترین ، رشدکننده ترین ، پاکترین و پاکیزه ترین ، والا- ترین و بیشترین از درودها ، وبارك وترفعت ، وتحننت وسلمت ، على أخيه من عبادك برکت ها ، رحمت ها و مهربانی ها ، و سلامت بخشی هایی باشد که بر هر یک از بندگان خاص خود ، وانبیائک ورسولک وصيئک ، وأهل الكرامه علیک من خلقك . پیامبران ، رسولان ، برگزیدگان ، و گرامی داشته شدگان در بین مخلوقات تو ؛ نثار فرموده باشی . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ بَارِئِهَا ؛ بِرِ حَضْرَتِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرْمَانِ رَوَى مُؤْمِنَانِ ، وَ وَصِيَّ وَ جَانَشِينِ فَرَسْتَادِهٖ بِرُورْدِ كَارِ الْعَالَمِينَ ، عَبِيدِكَ وَوَلِيِّكَ ، وَأَخِي رَسُولِكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلِيَّ خَلْفِكَ ، جِهَانِيَانِ ، بِنْدِهٖ تُو ، وَلِيِّ تُو ، بِرَادِرِ رَسُولِ تُو ، حِجَّتِ تُو بِرِ آفَرِيدِ كَانَتِ ، وَ اِتِّتِكَ الْكُبْرَى ، وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمَ ، وَصَلَّ عَلَيَّ الصَّدِيقَةَ الطَّاهِرَةَ ، آيَتِ وَ بَزْرُوكِ تَرِينِ نَشَانِهٖ اَتِ ، وَ اَنِ خَبَرِ بَزْرُوكِ ؛ دَرُودِ بِيُوسْتِهٖ نَارِ كُنِ . وَ بِرِ حَضْرَتِ صَدِيقِهٖ طَاهِرِهٖ فَاطِمَةَ سَيِّدِهٖ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَصَلَّ عَلَيَّ سَيِّدِي الرَّحْمَةَ ، وَإِمَامِي فَاطِمَةَ زَهْرَا ، سُرُورِ زَنَانِ جِهَانِيَانِ ، دَرُودِ فَرَسْتِ . وَ بِرِ دُو نُوَادِهٖ اِرْجَمَنْدِ بِيَامِيرِ رَحْمَتِ ، دُو اِمَامِ الْهُدَى ، الْخَسَنِ وَالْخَسَنِ سَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ . وَصَلَّ عَلِيَّ وَ بِيَشُوَايِ هِدَايَتِ ؛ بِعَنِي اِمَامِ حَسَنِ وَ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كِهٖ سُرُورِ جَوَانَانِ بَهَشْتِي هَسْتَنْدِ ؛ دَرُودِ فَرَسْتِ . وَ بِرِ اَنْبِيَّهِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيَّ بِنِ الْخَسَنِ ، وَ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيَّ ، وَ جَعْفَرَ بِنِ بِيَشُوَايَانِ مُسْلِمَانَانِ ، بِعَنِي : عَلِيَّ بِنِ الْحَسَنِ (سَجَادِ) ، مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيَّ (بَاقِرِ) ، جَعْفَرَ بِنِ مُحَمَّدِ ، وَ مُوسَى بِنِ جَعْفَرَ ، وَ عَلِيَّ بِنِ مُوسَى ، وَ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيَّ ، مُحَمَّدِ (صَادِقِ) ، مُوسَى بِنِ جَعْفَرَ (كَاطِمِ) ، عَلِيَّ بِنِ مُوسَى (رِضَا) ، مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيَّ (جَوَادِ) ، وَ عَلِيَّ بِنِ مُحَمَّدِ ، وَالْخَسَنِ بِنِ عَلِيَّ ، وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمُهْدِي ، عَلِيَّ بِنِ مُحَمَّدِ (هَادِي) حَسَنِ بِنِ عَلِيَّ (عَسْكَرِي) وَ بَازْمَانْدِهٖ اُو كِهٖ رَاهِنْمَا وَ رَاهِ يَافْتِهٖ اَسْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ؛ حُجَّتِكَ عَلِيَّ عِبَادِكَ ، وَ اَمْنَانِكَ فِي بِلَادِكَ ، صَلَوَةُ كَثِيرَةً دَائِمَةً . كِهٖ هَمَكِي حِجَّتِ هَايِ تُو بِرِ بِنْدِ كَانَتِ ، وَ اِمَانَتِ دَارَانِ تُو

در شهرهای می باشند؛ صلوات و درودی فراوان و دایمی نثار کن. **اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ ، أَلْقَائِمِ الْمُؤْمَلِ ، وَالْعِيدِلِ الْمُتَنَطَّرِ ،** خدایا؛ درود فرست بر ولی امرت، قیام کننده مورد آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛ **وَخَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ ، وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ ، يَا رَبِّ وَبِأَفْرَاشَتِكَ مَقْرَبَتِ** او را در بر گیر؛ و با روح القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار عالمین. **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ ،** جهانیان؛ بارالها؛ او را فراخواننده مردم به سوی قرآن، و برپادارنده دین و آیینت قرار ده؛ **إِشْرِيخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا إِشْرِيخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ ،** مکن که او را همانند دیگران که در زمین، خلافت بخشیدی و جانشین خودت کردی، جانشین ساز؛ دینی را که برای دینۀ الذی اَرْتَضَيْتَهُ لَهُ ، **أَبْدَلَهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنَا ،** یغبدک او پسندیده ای، قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستد **لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا . اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّرْ بِهِ ، وَأَنْصُرُهُ وَأَنْصِرْ بِهِ ،** و چیزی را با تو شریک نگیرد. خدایا؛ او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطه او **وَأَنْصُرُهُ نَصِيرًا عَزِيزًا ، وَأَفْتِخْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ،** واجعل له من پیروز فرما؛ و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از **لَدُنْكَ**

سُلْطَانًا نَصِيرًا . اللَّهُمَّ أَطْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَةَ نَبِيِّكَ حَتَّى جَانِبَ خُودَتِ بَرَايَشِ قَدْرَتِ وَ سُلْطَنَتِي پَيْرُوزِ مَقَرَّرِ دَارِ . بارالها ؛ آيين خودت ، و سَنَّتِ پيامبرت را به وسيله او آشكار ساز ؛ لا يَسْتَحْفِي بِسَيِّئِهِ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ . اللَّهُمَّ إِنَّا بِهٖ كَوْنَهُ اِيْ كِهٖ اَزْ تَرَسِ يَكِيْ اَزْ اَفْرِيْدْ گانْتِ ، هِيْجِ بَخْشِيْ اَزْ حَقِّ وَ حَقِيْقَتِ رَا پَنْهَانِ نَكْنَدِ . بارالها ؛ واقعيْتِ اَنِ اسْتِ كِهٖ نَزْعَبُ اِلَيْكَ فِى دَوْلِهِ كَرِيْمِهِ ، تَعَزُّ بِهَا اِلِىْ سَلَامٍ وَ اَهْلِهِ ، وَ تَبْدِلُ مَا مَشْتَاقِ دَوْلَتِ كَرِيْمِهِ اَنِ حَضْرَتِ هَسْتِيْمِ كِهٖ (دَرِ سَايِهٖ حَضْرُوْ رِيشْوَايِ مَعْصُوْمِ مَانِ) اِسْلَامِ وَ اِسْلَامِيَانِ رَا عَزِيْزِ وَ نِيْرُوْمَنْدِ گِرْدَانِيْ ، بِهَا النُّفَاقَ وَ اَهْلَهُ ، وَ تَجْعَلُنَا فِىْهَا مِنَ الدُّعَاۤءِ اِلَى طَاعَتِكَ ، وَ الْقَادَةِ وَ نِفَاقِ وَ مَنَافِقِيْنَ رَا خُوَارِ وَ ذَلِيْلِ نَمَايِيْ ؛ وَ دَرِ اَنِ حَكُوْمَتِ وَ دَوْلَتِ ، مَا رَا اَزْ كَسَانِيْ قَرَارِ دِهِيْ كِهٖ مَرْدَمِ رَا بِهٖ فَرْمَانِ بَرْدَارِيْ اَزْ تُو فَرَا بَخْوَانِيْمِ ، وَ هَمِهٖ اِلَى سَبِيْلِكَ ، وَ تَزُوْقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا رَا بِهٖ رَاهٖ تُو رَهْبَرِيْ كَنِيْمِ ، وَ بِهٖ وَ اَسْطِهٖ اِيْنِ دَوْلَتِ شَكُوْهَمَنْدِ ، كَرَامَتِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ رَا بِهٖ مَا اِرْزَانِيْ دَارِيْ . بارالها ؛ حَقِيْقَتِ هَايِيْ رَا كِهٖ بِهٖ مَا شَنْسَانَدِيْ ، مِنَ الْحَقِّ فَحْمَلْنَا ، وَ مَا قَضِيْرُنَا عَنْهُ فُلِعْنَا . اللَّهُمَّ اَلْمُمْ بِهٖ تُوَانِ تَحْمَلْشِ رَا نِيْزِ بَدِهٖ تَا اَنِّهَا رَا باوْرِ كَنِيْمِ ؛ وَ هَرِ چِهٖ رَا بِهٖ اَنِ دَسْتِ نِيَاْفْتِهٖ اِيْمِ ، خُوْدَتِ مَا رَا بَدَانِ هَا بَرَسَانِ . خُدَايَا ؛ بِهٖ وَ اَسْطِهٖ اَنِ حَضْرَتِ شَعْنَا ، وَ اَشْعَبُ بِهٖ صَدْعْنَا ، وَ اَرْتُقُ بِهٖ قَتْنَا ، وَ كَثُرُ بِهٖ قَلْتْنَا ، پَرَا كَنْدِ گِيْ مَا رَا سَاْمَانِ بَخْشِ ؛ اِخْتِلَافِ مِيَاْنِ مَا رَا اِصْلَاحِ

کن؛ گسستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛ وَأَعَزُّ بِهٖ ذِلَّتْنَا ، وَأَعْنِ بِهٖ عَائِلْنَا ، وَأَقْضِ بِهٖ عَنْ مَعْرَمِنَا ، وَاجْبِرْ خَوَارِی و ذَلَّتْ مَا رَا تَبْدِیل به عَزَّتْ کن؛ فقیران ما را بی نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما را ادا کن؛ فقر و نیازمندی به فَقْرْنَا ، وَسُدِّ بِهٖ خَلَّتْنَا ، وَیَسِّرْ بِهٖ عُشْرَنَا ، وَبَيِّضْ بِهٖ وَجُوهَنَا ، مَا رَا جَبْرَانِ فرما؛ نقص و خلل های ما را پُر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی کن؛ رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛ وَفُكِّ بِهٖ أَسْرْنَا ، وَأَنْجِحْ بِهٖ طَلِبَتْنَا ، وَأَنْجِزْ بِهٖ مَوَاعِدَنَا ، وَاسْتَجِبْ اسْیْرَانَ مَا رَا آزَادِ ساز؛ خواسته های ما را برآور؛ وعده های مان را محقق کن؛ دعای ما را به دَعْوَتْنَا ، وَأَعْطِنَا بِهٖ سُؤْلَنَا ، وَبَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پَاسَخِگُو باش؛ خواسته های ما را عطا کن؛ ما را به آرمان ها و آرزوهای دنیوی و اُخروی برسان؛ اَمَالْنَا ، وَأَعْطِنَا بِهٖ فَوْقَ رَغْبَتِنَا . یا حَيِّزِ الْمُشْتُولِينَ وَأَوْسَعِ و برتر از آنچه بدان مایلیم به ما عطا کن . ای بهترین کسی که از او درخواست می شود؛ ای دارای فراگیرترین الْمُعْطِينَ ، إِشْفِ بِهٖ صُدُورَنَا ، وَأَذْهَبْ بِهٖ غَيْظَ قُلُوبِنَا ، وَاهْدِنَا بِخَشَشِ و عطا؛ سینه های ما را به وسیله او شفا بخش؛ خشم قلب مان را به وسیله او برطرف کن؛ به کمک او و به واسطه حضور او، بِهٖ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَاذِيكَ ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى با اذن و خواست خودت

ما را در مورد

حقیقت هایی که در آن اختلاف شده، راهنمایی و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه صراطِ مُسْتَقِیم، وَأَنْصِرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوْنَا، إِلَهَ الْحَقِّ راست رهنمون می شوی، ما را به واسطه او بر دشمن خودت و دشمن ما، یاری فرما؛ ای معبود به حق؛ دعای مان را امین. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَیْهِ وَ اِلَهٍ، مستجاب گردان. بارالها؛ واقعیت آن است که ما به توشکایت می کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبر مان - که درودت بر او و آل او باد - ؛ وَعَبَّيْهِ وَ لَيْتَنَا، وَ كَثْرَةَ عَدُوْنَا، وَقَلَّةَ عَدَدِنَا، وَ شِدَّةَ الْقِتَنِ بِنَا، و از پنهان بودن سرپرست مهربان مان، و از بسیاری دشمنان مان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه ها و آشوب های سختی که دچارشان هستیم؛ وَ تَظَاهَرَ الرِّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اِلَهٍ، وَ اَعِنَّا عَلَی ذَلِكْ و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما. پس بر محمد و آل او درودی پیوسته نثار کن، و ما را در این گرفتاری ها کمک کن بِفَتْحِ مِنْكَ تَعَجَّلُهُ، وَ يَضُرُّ تَكْثِيفُهُ، وَ نَضِرُّ تُعْزُهُ، وَ سَلْطَانِ حَقِّ تَوْسِطِ بِيْرُوْزِي وَ گشایشی که در آن شتاب می کنی؛ و ضرر و زیانی که بر طرف می سازی و یاری کردنی که با آن عزت می بخشی و قدرتمند حقی که تَظْهَرُهُ، وَ رِخْمِهِ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاها، وَ عَافِيَهُ مِنْكَ تُلْبِسُنَاها، بِرِخْمَتِكَ آشکارش می نمایی، و رحمتی که با آن به ما بزرگی و شکوه می دهی، و لباس عافیتی که بر ما می پوشانی، به حق رحمتت، ... بعد از هر نماز در

۹ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب بخواند ، گناهایش تا روز قیامت بخشیده می شود :

اللَّهُمَّ اَدْخِلْ عَلَيَّ اَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ . اللَّهُمَّ اَعِنِّي كُلَّ فَقِيرٍ . خداوندا ؛ بر ساکنان گورها ، شادمانی و خوشی عطا فرما ؛ خداوندا ؛ تمام نیازمندان را بی نیاز گردان ؛ اللَّهُمَّ اَسْبِغْ كُلَّ جَانِعٍ . اللَّهُمَّ اَكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ . اللَّهُمَّ اَقْضِ دَيْنَ خداوندا ؛ تمام گرسنگان را سیر کن ؛ خداوندا ؛ هر عربانی را بپوشان ؛ خداوندا ؛ قرض كُلَّ مَدِينٍ . اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ . اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ . هر مقروضی را ادا فرما ؛ خداوندا ؛ اندوه هر اندوهناکی را برطرف کن ؛ خداوندا ؛ هر غریبی را به (وطن) باز گردان ؛ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ اَسِيرٍ . اللَّهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فاسِدٍ مِنْ اُمُورِ الْمُشْرِكِينَ . خداوندا ؛ هر اسیری را آزاد کن ؛ خداوندا ؛ هر امر فاسدی را از امور مسلمانان اصلاح فرما ؛ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ . اللَّهُمَّ سِدِّ فَقْرِنَا بِغِنَاكَ . اللَّهُمَّ عَيِّرْ شَوْءَ خداوندا ؛ هر مریضی را شفا مرحمت کن ؛ خداوندا ؛ فقر و تهیدستی ما را با بی نیازی خودت برطرف کن ؛ خداوندا ؛ بدی حال حالنا بِحَسَنِ حَالِكَ . اللَّهُمَّ اَقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ ، وَاغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ ، ما را به خوبی حال خودت تغییر بده ؛ خداوندا ؛ قرض ما را ادا بفرما ، و ما را از فقر به توانگری برسان ؛

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱۴)

همانا تو بر هر چیزی توانایی .

بر خواننده بزرگوار پوشیده نیست که مضمون این دعا تنها در دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی ارواحنا فداه محقق می شود ، و برای این دعا قضیه و داستانی است که به مناسب بودن دعا در این زمینه دلالت می کند ؛ ولی در این کتاب مجالی برای ذکر آن نیست .

• ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

... در روز سیزدهم ماه رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله برای این روز ، این دعا را نقل کرده است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدِيْنُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ ، وَوِلَايَةِ مُحَمَّدٍ نَّبِيِّكَ ، بار خدايا ؛ همانا من گردن می نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیامبر تو ، وَوِلَايَةِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ حَبِيْبِ نَبِيِّكَ ، وَوِلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی علیه السلام) دوست پیامبر، و ولایت امام حسن و امام حسین سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَوِلَايَةِ شَبَابِ اَهْلِ جَنَّتِكَ . وَأَدِيْنُكَ يَا رَبِّ بِوِلَايَةِ دُوْنُوهُ بِاَمِيْرَتِ وَدُو سِرُوْرِ جَوَانِ اَهْلِ بَهْشْتِ . و گردن می نهم) ای پروردگار ؛ (به ولایت عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى عَلِيَّ بْنِ حَسَنِ) سَجَادِ) وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (باقر) وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صادق) وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ (کاظم) وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (رضا) وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (جواد) وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (هادی) وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ . اَدِيْنُكَ يَا وَ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عسکری) وَ اَقَايِمِ وَ مَوْلَايِمِ صَاحِبِ زَمَانِ (عليهم السلام)

گرددن می نهم ای رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ ، رَاضِيًا عَنِ پروردگار جهان؛ به اطاعت و ولایت آنان و تسلیم شدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده ای ایشان را؛ در حالی که راضی و مُنْكَرٍ وَلَا مُشْتَكِرٍ ، عَلِي مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى خَشْنُوْدِ هَسْتَم و انكار نمی كنم، و استكبار نمی ورزم بر آنچه كه در قرآنت نازل كردی . خدایا؛ بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَادْفَعْ عَنِّيكَ وَخَلِيفَتِكَ وَلسَائِبِكَ وَالْفَائِمِ مُحَمَّدٍ و آل محمّد درود بفرست؛ و دور كن (هر شری) را از ولایت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام کننده بِقِسْطِكَ ، وَالْمُعْظَمِ لِحُرْمَتِكَ ، وَالْمُعْتَرِ عَنكَ ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ ، به عدلت، و بزرگ دارنده حرمتت ، و بیان کننده از جانب خودت، و گوینده احكامت، وَعَيْنِكَ النَّاطِرِ ، وَأُذُنِكَ السَّامِعِ ، وَشَاهِدِ عِبَادِكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلِي و چشم بینایت، و گوش شنوایت، و گواه بندگانت، و حجت تو بر خَلْقِكَ ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ ، وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ . وَاجْعَلْهُ آفَرِيدِ گانت ، و جهاد کننده در راهت، و كوشش کننده در اطاعت و پیرویت . او را در جمله فی وَدِيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ ، وَأَيْدِيْهِ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ ، وَأَعْنَهُ وَأَعْرَأَمَانَتِ هَآئِ هَآئِ خودت كه ضایع نمی شود قرار بده، و او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ و او را یاری كن و از او حمایت عُنْهُ ، وَاجْعَلْنِي وَوَالِدِيْ وَمَا وُلْدًا وُوُلْدِيْ مِنَ الَّذِيْنَ يُضْرُوْنَهُ ، كن ؛ و من و پدر و مادر و فرزندان شان و فرزندان مرا از كسانی قرار بده كه آن حضرت را یاری می كنند، وَبِنَصْرُوْنِ بِيْ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ، إِشْعَبَ بِهِ صَدْعَنَا ، وَارْتُقِ بِهِ وَبِهِ وَسِيلَهُ أَوْ فِي دُنْيَا وَآخِرَتِ يَارِي مَي شُونَد؛ وَ پِرَاكَنْدِگِی مَا رَا بِه وَسِیْلَه اَوْ اَصْلَاح كَنْ ، وَ كَسَسْتِگِی مَا رَا بِه وَسِیْلَه اَوْ تَبْدِیْل بِه فَتَقْنَا . اَللّٰهُمَّ اَمِثْ بِه الْجِوَزَ ، وَ دَمْدَمِ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَ اَقْصِمِ پِیُوسْتِگِی فِرْمَا . بَار خَدَايَا ؛ بِه وَسِیْلَه اَنْ حَضْرَت ، سْتَم وَ جُور رَا بِمِیْرَان ؛ وَ غَضَب كَنْ بِر كَسَانِی كِه عَلِیْه اِیْشَان هَسْتَنْد ، وَ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ حَتَّى لَا تَدَعَ عَلَى الْاَرْضِ مِنْهُمْ دَيَارًا . (۱۵)

سران گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند .

ادعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

دعای دیگر در روز سیزدهم...

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله دعای دیگری را برای این روز نقل کرده است :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الظُّلْمَةَ جَحَدُوا اِيَانِكَ ، وَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ ، وَ كَذَّبُوا خَدَايَا ؛ هَمَانَا سْتَمِگِرَان اَيَات وَ نَشَانَه هَاي تُو رَا اِنْكَار كَرْدَنْد ، وَ بِه كِتَابِت يَعْنِی قِرْآن كُفْر وَرَزِیْدَنْد ، وَ رُسُلَكَ ، وَ اَسْتَنْكَفُوا عَنْ عِبَادَتِكَ ، وَ رَغِبُوا عَنْ مِلَّةِ خَلِيلِكَ ، فِرْسْتَادِگَانِت رَا تَكْذِیْب كَرْدَنْد ، وَ اَز بَنْدِگِی تُو سِرْبَاز زَدَنْد ، وَ اَز اَيِّن خَلِیْل تُو رُوی گِرْدَانْدَنْد ، وَ بَدَلُوا مَا جَاءَ بِه رَسُوْلُكَ ، وَ شَرَعُوا غَیْرَ دِیْنِكَ ، وَ اَقْتَدُوا بِغَیْرِ وَ اَنْ چِه رَا كِه فِرْسْتَادَه اِت آورده است دِگِر گُون سَاخْتَنْد ، وَ غَیْر اَز دِیْن تُو رَا تَشْرِیْع نَمُودَنْد ، وَ بِه غَیْر اَز رَاه هُدَاكَ ، وَ اَسْتَنْتُوا بِغَیْرِ سُنَّتِكَ ، وَ تَعَدَّوْا حُدُودَكَ ، وَ سَعَوْا مُعَاجِزِیْنَ هِدَايِت تُو اِقْتَدَا كَرْدَنْد ، وَ بِه غَیْر اَز سُنَّت وَ اَيِّن تُو عَمَل كَرْدَنْد ، وَ اَز حُدِّ وَ مِرْزَهَاي تُو تَجَاوُز كَرْدَنْد ، وَ بَا اَيَات تُو بِه مَقَابَلَه بِر خَاسْتَنْد وَ

سعی فی ایاتک، وَتَعَاوَنُوا عَلٰی اِطْفَآءِ نُورِکَ، وَصَيَدُوا عَنْ سَبِيلِکَ، کردند آن ها را ناتوان جلوه دهند . برای خاموشی نور تو با یکدیگر همکاری کردند، و از پیمودن راه تو جلوگیری نمودند، وَکَفَرُوا نِعْمَاءَکَ، وَشَاقُوا وِلَآءَ اَہْرَکَ، وَوَالُوا اَعْدَاءَکَ، وَعَادُوا و نِعْمَتِ هایت را ناسپاسی کردند، و با اولیای امور تو به سختی دشمنی کردند، و با دشمنانت دوستی و هم عهدی کردند و با اُولیائیکَ، وَعَرَفُوا نَمَّ اَنکَرُوا نِعْمَتَکَ، وَلَمْ یَذْکُرُوا الْاِءَکَ، وَامِنُوا دُوسَتَانِ دُشْمَنِی وَرَزِیدِنْد؛ با این که نعمتهایت را شناختند، آن ها را انکار کردند، و خوبی هایت را یادآور نشدند، و خودشان مَکْرَکَ، وَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِکْرِکَ، وَاشْتَحَلُوا حَرَامَکَ، وَخَرَّمُوا رَا از مکر و حيله تو ایمن دانستند، و دل هایشان نسبت به یاد تو سخت و محکم شد، و حرام تو را حلال شمردند، و خَلَالِکَ، وَاجْتَرَأُوا عَلٰی مَعْصِیَتِکَ، وَلَمْ یَخَافُوا مَقْتَکَ، وَنَسُوا حَلَالَکَ، وَدَر اِنجَام نافرمانی تو جرأت پیدا کردند، و از دشمنی و نفرت تو هراسی نداشتند، و انتقام تو را فراموش نَقَمَتَکَ، وَلَمْ یَحْذَرُوا بَأْسَکَ، وَاعْتَرُوا بِنِعْمَتِکَ . اَللّٰهُمَّ فَاصْرِیْبُ کردند و از سختی ها و عذابت خود را بر حذر نداشتند، و به وسیله نعمت هایی که تو به آنان داده ای مغرور شدند . خدایا ؛ مِنْهُمْ، وَاصْبُبْ عَلَیْهِمْ عَذَابَکَ، وَاشْتَأْصِلْ شَاقَّتَهُمْ، وَاقْطَعْ نِعْمَتِ هایت را برای آنان از بین ببر، و عذابت را بر آنان فرود آور، و آن ها را ریشه کن نما، و دَابِرَهُمْ، وَصَعَّ عَزَّهُمْ وَجَبْرُوتَهُمْ، وَانزِعْ اَوْتَارَهُمْ، وَزَلْزِلْ دَبَالَهُ اَنان را

قطع کن، و عزّت و بزرگی آنان را خوار و پست کن، و ستم های آن ها را بکن، و قدم هایشان را متزلزل کن، اَقْدَامَهُمْ ، وَأَزْعِبْ قُلُوبَهُمْ . اَللّٰهُمَّ اِتَّخِذُوا دِيْنَكَ دَعَاً ، و در دل های آن ها ترس و وحشت بینداز . خدایا؛ همانا ایشان دین تو را وسیله گول زدن و حيله گری گرفتند ، وَمَالِكَ دَوْلًا ، وَعِبَادَكَ حَوْلًا . اَللّٰهُمَّ اَكْفُفْهُمْ بِاَسْرِهِمْ ، و اَفْلُلْ خَدَّهُمْ ، و اموال تو را وسیله چیرگی و استیلاى خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند . خدایا ؛ بندگانت را از عذاب و شکنجه آنها وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ ، وَأَسْجِثْ عَدُوَّهُمْ ، وَأَشْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ . باز بدار ، و شمشیر تیز آنان را بشکن و نابود کن، و مکر و حيله هایشان را سست و بی اثر کن، و دشمنان شان را شاد کن، و سینه مؤمنان را شفا بده اَللّٰهُمَّ اَفْتَتِ اَعْضَادَهُمْ ، وَاَقْفِرْ جِبَابِرَتَهُمْ ، وَاَجْعَلِ الدَّائِرَةَ عَلَيْهِمْ ، نیرو و توان بازوهایشان (دشمنان) را از بین ببر، و شوکت و قدرت شان را مورد قهر و غلبه قرار بده، و آنان را در حلقه محاصره قرار بده ، وَاَقْضُضْ بُيُوتَهُمْ ، وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ، وَاَفْرِقْ جَمْعَهُمْ ، وَاَسْتَتِ وِیْانَهُمْ ، و ریشه آن ها را درهم بکوب، و اِتِّحَادَ كَلِمَةِ اِیْشَانِ رَا بَرِّهْمُ بَزْنِ ، و اجتماع ایشان را پراکنده ساز، وَاَمْرُهُمْ ، وَاَجْعَلْ بِاَسْمِهِمْ بَيْنَهُمْ ، وَاَبْعَثْ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ ، کارهایشان را آشفته و پراکنده کن، و سختی و عذاب ایشان را بین خودشان قرار بده ؛ از بالای سرشان و مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ ، وَاَسْفِكْ بِاَیْدِیِ الْمُؤْمِنِیْنَ دِمَائَهُمْ ، وَاَوْرِثْ و از زیر پایشان

عذابت را بر ایشان بفرست ؛ خون ایشان را به دست مؤمنان بریز، و الْمُؤْمِنِينَ أَرْضَهُمْ وَيَذَرُهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ . اللَّهُمَّ أَصِلْ أَعْمَالَهُمْ ، مؤمنان را وارث زمین ها و خانه ها و اموال آنان قرار بده . خدایا ؛ اعمال ایشان را تباه کن؛ وَأَقْطَعْ رِجَاءَهُمْ ، وَأَشِدَّ تَذْرِبَهُمْ مِنْ حَيْثُ آمَسِدَ إِشَانِ رَاقِطِ كُنْ ، و حجت و برهان ایشان را باطل کن، و آنان را به تدریج و از لایغلمون ، وَأَنْتَهُمْ بِالْعَذَابِ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ، وَأَنْزِلْ جَائِي كَه نَمِي دَانَد در هم بپیچان، و بر ایشان عذاب بفرست به طوری که نفهمند که از کجا آمده است؛ بِسَاحَتِهِمْ مَا يَخَذَرُونَ ، وَحَاسِبِيَهُمْ حِسَاباً شَدِيداً ، وَعَذَابُهُمْ وَآن چيزی را که از آن بیم دارند، به سرای آن ها نازل کن؛ و به حساب آنان با سخت گیری رسیدگی کن، و آنان را به عذاباً نَكْرًا ، وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِهِمْ خُشْرًا . اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اسْتَرَوْا عَذَابَ سَخْتِ كَرَفْتَارِ كُنْ ، و عاقبت آنان را زیان قرار بده . بار خدایا ؛ همانا ، ایشان بِآيَاتِكَ تَمَنَّا قَلِيلاً ، وَعَتَوْا عُنُوتًا كَبِيرًا . اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ أَخْذًا وَبِيلاً ، آيات را به قیمت کمی فروختند ؛ و گردنکشی های بسیار کردند . خدایا ؛ به شدت گرفتارشان کن ، وَدَمَّرْهُمْ تَدْمِيرًا ، وَتَبَيَّرْهُمْ تَبْيِيرًا ، وَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَآنَانِ رَا دَرِهَمِ كُوبِ وَنَابُودِشَانِ فَرْمَا ، وَبِرَایِ آنَانِ دَرِ رُویِ زَمِينِ يَاورِ ، نَاصِتْرًا ، وَلَا فِي السَّمَاءِ عَازِرًا ، وَالْعُنُوتُ لَغْنَا كَبِيرًا . اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ وَدَرِ آسْمَانِ عَذْرُخَوَانْدَه قَرَارِ مَدَه ، وَبِرِ ایشَانِ نَفْرِينِ فَرَاوَانِ بَفَرَسْت . خدایا ؛ آن ها را به شدت أَخْذًا وَبِيلاً . اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ

أَضَاعُوا الصَّلَاةَ ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ، در جنگ خود گرفتارشان کن . بارخدايا ؛ همانا ايشان نماز را ضايع و تباه کردند، و از شهوت ها پيروي کردند، وَعَمِلُوا السَّيِّئَاتِ . اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ بِالْيَبِاتِ ، وَاخْلَلْ بِهِمُ الْوَيْلَاتِ ، و انواع گناهان را مرتكب شدند . خدايا ؛ آنان را دچار بلاها کرده، و مصيبت ها و هلاکت ها به ايشان وارد کن ، وَأَرْهِمُ الْخَسِرَاتِ ، يَا اللَّهُ إِلَهَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ . اللَّهُمَّ صَلِّ وَحَسْرَتِ و افسوس خوردن را بر آنان حاکم فرما . اى خدا؛ اى پروردگار آسمان ها و زمين ها . خدايا ؛ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَرْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . بر حضرت محمد و آل محمد درود فرست، و ما را به رحمت مورد ترحم قرار بده؛ اى مهربان ترين مهربانان ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِكَ ، وَلَا نُنْكِرُ وَلَايَةَ مُحَمَّدٍ بَارِ خدایا ؛ من به اطاعت تو گردن مى نهم ، و ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم رَسُولِكَ صَلِّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ ، وَوَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فرستاده تو را - که درود تو بر او و اهل بیت او باد - انکار نمى کنم؛ هم چنین ولایت امیر مؤمنان عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَوَلَايَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (حضرت) عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - که سلام بر او باد - و امام حسن و امام حسين عليهما السلام عَلَيَّهِمَا السَّلَامُ ، سَبَطْنِي نَبِيِّكَ وَوَلَدَيْ رَسُولِكَ عَلَيَّهِمَا السَّلَامُ ، - که بر آن دو سلام باد - دو نواده پیامبر و دو فرزند رسولت را - که بر آن دو سلام باد - انکار نمى کنم ، وَوَلَايَةَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ مِنْ دُرِّيهِ

الْحُسَيْنِ ، عَلِيُّ بْنُ هَمِّ جَنِينَ ، وَوَلَايَةِ بَاكَانِ مَعْصُومٍ مِنْ نَسْلِ إِمَامِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ يَعْنِي حَضْرَتَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ حُسَيْنٍ (إِمَامِ سَجَادٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (إِمَامِ بَاقِرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (إِمَامِ كَاطِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (إِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (إِمَامِ جَوَادٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ (إِمَامِ هَادِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ السَّلَامِ وَاللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَوَلَايَةِ الْقَائِمِ ، السَّابِقِ عَلِيٍّ (إِمَامِ حَسَنِ عَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) - كَمَا سَلَّمَ وَبَرَكَتُ هَيْ هَيْ نَوَاشَانِ بَادِ - وَوَلَايَةِ قَانِمٍ (حَضْرَتِ مَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَمَا بِيَشِي كَإِنَّمَا اسْتَكْبَرُوا عَلَيْهِمُ بِالْخَيْرَاتِ ، الْمُمْتَرِضِ الطَّاعَةِ ، صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامَ اللَّهِ بِهِ خَيْرِي هَا مِنْ إِيْشَانِ ، وَاطْعَاتِشِ وَاجِبِ بُوْدِهِ وَصَاحِبِ عَصْرِ وَزَمَانِ مِي بَاشِدِ رَا مِي بِذِيرِمِ كَمَا سَلَّمَ خِدَا عَلِيَّهِ . أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ ، وَالتَّسْلِيمِ لِقُرْضَتِهِمْ ، بِرِئَاؤِ بَادِ . بَارِ بِرُورِدِ كَارَا ؛ مِنْ بَا اطْعَاةِ مِنْ آتَانِ وَاقْبُولِ وَوَلَايَتِشَانِ وَتَسْلِيمِ شُدْنِ دَرِ بَرَابَرِ أَوَامِرِ وَنَوَاهِيْ إِيْشَانِ ، تُو رَا بِرِسْتِشِ مِي كِنَمِ ؛ رَاضِيَةً غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُشْتَكِرٍ وَلَا مُشْتَكِفٍ ، عَلِيٍّ مَعْنَى مَا دَرِ حَالِي كَمَا مِنْ إِيْشَانِ رَاضِيَةً هَسْتَمِ ، نَهْ أَنْكَارِ مِي كِنَمِ وَنَهْ اسْتِكْبَارِ مِي وَرِزْمِ وَنَهْ أَنْ رَا نَنُكَ مِي دَانِمِ ؛ بِرِ مَعَانِي وَ مَفَاهِيمِي كَمَا أَنْزَلَتْ فِي كِتَابِكَ ، عَلِيٍّ مَوْجُودِ مَا آتَانَا فِيهِ ، رَاضِيَةً مَا رَضِيَتْ دَرِ كِتَابَتِ

نازل کردی و طبق آن موجودی که به من رسیده . به آنچه تو را راضی می کند من نیز راضی هستم ، بِهٔ ، مُسَلِّماً مُقَرَّراً بِدَلِّكَ يَا رَبِّ ، راهباً لَكَ ، رَاغِباً فِيمَا لَدَيْكَ . و در برابر آنان تسلیم بوده و به آن اقرار می کنم؛ بار پروردگارا؛ در حالی که من از تو ترسان هستم، و به آنچه نزد توست مشتاقم . اَللّٰهُمَّ اِدْفَعْ عَنِّيْكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ ، وَخَلِيْفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلٰى بَارِ خَدَايَا ؛ از ولایت و فرزند پیامبرت، و جانشین و حجتت بر خَلْقِكَ ، وَالشَّاهِدِ عَلٰى عِبَادِكَ ، الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ ، بندگان، و گواه بر آنان ؛ تلاش کننده ای کوشا در اطاعت از تو، وَوَلِيِّكَ وَأَمِينِكَ فِي أَرْضِكَ ، فَأَعِدَّهُ مِنْ شِدْرِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتِ ، و ولی و امانت دار تو بر روی زمین؛ بلا را دور کن . او را از شر آن چه که آفریده ای و به وجود آورده ای، پناه بده؛ وَاجْعَلْهُ فِي وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا يَضِيْعُ مَنْ كَانَ فِيهَا ، وَفِي جَوَارِكَ او را از جمله سپرده های ضایع نشدنیت قرار بده ؛ او را در جوار خود الَّذِي لَا يَفْهَرُ ، وَآمِنُهُ بِأَمَانِكَ ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ ، وَأَنْصُرْهُ كَمَا شَكِسْتَ نَمِي خورده قرار بده؛ و او را به امان خود ایمن گردان و در کنف حمایت خود قرار ده ، و او را بِنَصْرِكَ الْعَزِيْزِ ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِيْنَ . اَللّٰهُمَّ اغْصِمْنَاهُ بِالسَّكِيْنَةِ ، به نصرت قوی و نیرومندت یاری ده ؛ ای پروردگار جهانیان . بار خدایا؛ او را با وقار و آرامش حفظ کن؛ وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ ، وَأَعِنُّهُ وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيْزِ

نَصِيرًا وَبِهِ أَوْزَرَ مُحْكَمَ خُودِ رَا بِيُوشَانَ ؛ وَ أَوْ رَا مَدَدَ كُنْ وَ بِيهِ نَصْرَتِ قُوِي وَ نِيرومَنْدَتِ بِيهِ نُوْعِي مَقْتَدِرَانِي بَارِي فَرَمَا ؛ عَزِيْزًا ، وَافْتَحَ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا ، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا وَ كِشَايِشَ آسَانِ بَرَايِشَ مَقْرَر
فَرَمَا ؛ وَ اَزْ نَزْدِ خُوْدَتِ بَرَايِ اَوْ قَدْرَتِ وَ نِيروِي يَارِي شُدِي اِي قَرَارِ بَدِي . نَصِيْرًا . اَللّٰهُمَّ وَاِلٰهَ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَانصُرْ مَنْ نَصِرَهُ ، خُدَايَا ؛ دُوْستِ بَدَارِ هَرِ كَسِي اَوْ رَا دُوْستِ مِي دَارِدِ ، وَ دِشْمَنِ بَدَارِ هَرِ
كَسِي رَا كِهْ بَا اَوْ دِشْمَنِي مِي وَرَزِدِ ، وَ يَارِي كُنْ هَرِ كِهْ اَوْ رَا يَارِي مِي كَنْدِ وَ اِخْدُلْ مَنْ خَدَلَهُ . اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِيْ صَدْعَنَا ، وَارْتُقْ بِيْ فَتْقَنَا ، وَ هَرِ كَسِ قَصْدِ خُوَارِ كَرْدَنِشِ رَا دَارِدِ خُوَارِ وَ ذَلِيْلِشِ كُنْ . بَارِ خُدَايَا ؛
جِدَايِي بِيْنَ مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ اِصْلَاحِ كُنْ ، وَ كَسْسَتِكِي مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ پِيُوْستِيهِ فَرَمَا وَ اَلْمُمْ بِيهِ شَعْتَنَا ، وَ كَتُّوْ بِيهِ فِلْتَنَا ، وَ اَعَزُّوْ بِيهِ ذِلْتَنَا ، وَ اَقْضِ بِيهِ عَنِّ وَ پَرَا كَنْدِكِي وَ نَابِسَامَانِي مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ سَامَانِ بَخْشِ ، وَ
كَمِي مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ زِيَادِ فَرَمَا ، وَ ذَلَّتِ وَ خُوَارِي مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ بِيهِ عَزَّتِ وَ اَبْرُوْمَنْدِي مَبْدَلِ فَرَمَا وَ مَعَزَمْنَا ، وَ اَجِيْزِيْ بِيهِ فَقْرَنَا ، وَ سَدَّدِ بِيهِ حُلَّتَنَا ، وَ اَعْنِ بِيهِ فَاقْتَنَا ، وَ يَسِّرْ بَدِهْكَارِي هَايِ مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ اِدَا فَرَمَا ، وَ
فَقْرِ وَ نَادَارِي مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ جِبْرَانِ فَرَمَا ، وَ نِيَازْمَنْدِي وَ حَاجْتْمَنْدِي مَارَا بِيهِ وَ سِيْلِيهِ اَوْ بَرَطْرَفِ كُنْ ، وَ تَنْگِدَسْتِي مَارَا بِيهِ عَشْرَتْنَا ، وَ كُفِّ بِيهِ وُجُوْهَنَا ، وَ اَنْجِجْ بِيهِ طَلِبَتْنَا ،

وَاسْتَجِبْ بِهِ وَسِيلَهُ او تَبْدِيلِ بِه دَارایی و ثروت کن، و مشکلات ما را به وسیله او آسان فرما؛ آبروی ما را به وسیله او نگاه دار، و خواسته های ما را به وسیله او برآورده فرما، و دُعَاتِنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا،
وَأَشْفِ بِه صُدُورِنَا، وَاهْدِنَا لِمَا دَعَايَ مَا رَا به وسیله او مستجاب فرما، و برای ما به وسیله او بیشتر از آن چه که میل و رغبت ماست، عطا فرما؛ سینه های ما را به وسیله او شفا بده، و در اموری اِخْتَلَفَ فِيهِ مِنْ
الْحَقِّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ که در آن اختلاف وجود دارد ما را به حق هدایت فرما. ای پروردگار؛ همانا، تو هر که را خواهی به راه مُشْتَرِقِمْ . اَللّٰهُمَّ اَمِّتْ بِه الْجَوْرَ، وَأَطْهِرْ بِه الْعَدْلَ،
وَقَوِّ نَاصِرَتَهُ، راست هدایت می کنی . خدایا؛ به وسیله او ظلم و ستم را بمیران، و عدل و داد را ظاهر کن، و یاری کننده او را قدرت بده، وَأَخْذُلْ خَاذِلَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَهْلِكْ مَنْ غَشَّه، وَأَقْتُلْ بِه و
خوارکننده او را خوار و ذلیل فرما، و هر کسی که دشمنی یا بدی را برای او آشکار کند نابود فرما، و هر کسی به او خیانت می کند هلاک فرما؛ و به وسیله آن جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ رُؤُوسَ الضَّالِّهِ،
وَسَائِرَ أَهْلِ الْبِدْعِ، حضرت، سران کفر را نابود فرما، و رؤسای ضلالت و گمراهی و تمام بدعت گذاران و مَقْوَبَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِه الْجَبَابِرَةَ، وَأَبْرِ بِه الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

تقویت کنندگان باطل و نادرستی را درهم بشکن، و زورگویان را به وسیله او به ذلت و خواری بیفکن؛ و به واسطه او کافران و منافقان و جمیع المُلجِدین، فی مشارِقِ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، و منحرفان از دین را در شرق و غرب زمین، و در خشکی و دریای آن، وَسِرِّهْلِهَا وَجَبْلِهَا، لَا تَنْدُرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ ذَبَاباً، وَلَا تَبْقِ لَهُمْ وَادّاً، و در کوه و بیابان آن؛ هلاک فرما، و هیچ یک از ایشان را بر روی زمین باقی نگذار و اثری از آنها بجای نگذار. اِنَاراً. اَللّهُمَّ اَطْهَرُهُ، وَاَفْتَحْ عَلٰی يَدَيْهِ الْخَيْرَاتِ، وَاَجْعَلْ فَرَجَنَا بَارِ خَدَايَا؛ او را ظاهر فرما و درهای خیر و برکت را به دست او بگشای، و گشایش امور ما را مَعَهُ وَبِهِ. اَللّهُمَّ اَعِنَّا عَلٰی سُلُوكِ الْمُنَاهِجِ، مِنْهَاجِ الْهُدٰى، به وسیله او و با فرج او قرار بده. بار خدایا؛ ما را یاری کن تا راه های روشن و واضح را ببیمیم، راه هدایت و راه روشن وَالْمَحَجِّهِ الْعَظْمٰى، وَالطَّرِيقَةَ الْوُشٰطٰى، الَّتِیْ يَرْجِعُ اِلَيْهِ الْعَالِی، و واضح عظیم تری که راه میانه و معتدل می باشد و هیچ کجی در آن نیست؛ راهی که هر افراطگری دوباره به سوی آن برمی گردد، وَيَلْحَقُ بِهِ التَّالِی، وَوَقَفْنَا لِمَتَابِعَتِهِ، وَادَّاءَ حَقِّهِ. وَاثْنُ عَلَيْنَا و هر عقب مانده ای به آن ملحق می شود. ما را موفق به تبعیت و پیروی و ادای حَقِّ آن حضرت بفرما. بر ما مَنّت بگذار بِمَتَابِعَتِهِ فِی الْبُاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَاَجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِیْنَ رِضَاكَ به پیروی از آن حضرت در سختی ها و رنج ها

؛ و ما را از جویندگان رضایت خودت بِمُنَاصِحَتِهِ ، حَتَّى تَخْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْوَابِهِ وَأَنْصَارِهِ ، با خیرخواهی برای آن حضرت، قرار بده؛ تا این که ما را روز قیامت در زمره کمک رسانان و باران و مَعُونَتِهِ سُلْطَانِهِ . وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشِبْهِهِ ، و مددکاران حکومتیش محشور فرمایی . آن چه گفتیم را برای ما خالص از هر شک و شبهه ای وَرِبَاءٍ وَسُمْعَةٍ لِانْظَلُبُ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلَا تُرِيدُ بِهِ سِوَاكَ ، وَتُجَلِّنَا وَخَالِيٍّ از خودنمایی و شهرت گردان؛ که به وسیله آن کسی غیر از تو را طلب نکنیم، و جز تو را اراده نکنیم، و ما را در نزد او مَحَلَّةً ، وَتَجْعَلْنَا فِي الْخَيْرِ مَعَهُ ، وَاصْرِفْ عَنَّا فِي أَمْرِهِ السَّامَةَ جَای بده، و ما را در بهره و خیرها همراه او قرار بده؛ در انجام اوامر آن حضرت، تنبلی و وَالْكَسَلَ وَالْفُتْرَةَ، وَلَا تَشِيبِدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اشِيْبِدَالِكَ بِنَا غَيْرَنَا و سستی و سهل انگاری کردن را از ما دور کن، کسی را نیز به جَای ما جایگزین مفرما؛ زیرا عوض کردن جَای ما با دیگران عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَعَلَيْنَا عَسِيرٌ ، وَقَدْ عَلِمْنَا بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ يَا بَرَى تُو آسان است ولی برای ما مشکل و دشوار می باشد؛ با وجودی که ما نسبت به فضل و احسان تو آگاه هستیم؛ ای دعا هنگام واقع شدن صدای...

كَرِيمٌ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . (۱۶)

بزرگوار ؛ درود و سلام خدا به طور دایم بر آقای ما حضرت محمد و اهل بیت آن حضرت نثار باد .

۱۲ ادعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان

از ابن مسعود روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم

فرمودند :

وقتی در ماه مبارک رمضان ، صدایی به گوش مردم رسید ، همانا فتنه در ماه شوال است ، و در ماه ذیقعدہ نیز قبیلہ ہا از یکدیگر جدا می شوند، و در ماه های ذیحجہ و محرم خون ریزی های زیادی صورت می پذیرد؛ چه محرمی ؛ خدا می داند کہ مردم بسیار زیادی در آن بہ قتل می رسند .

گفته شد : ای رسول خدا ؛ صیحه چیست ؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

صدایی (۱۷) است کہ در نیمه ماه مبارک رمضان ، و روز جمعه هنگام برآمدن خورشید خواهد شد . در آن سال، شروع ماه رمضان نیز در شب جمعه خواهد بود . این صدا بہ قدری مهیب است کہ هر کس را کہ خواب باشد بیدار می کند ، و کسانی را کہ ایستاده اند می نشانند و عروسان را از حجله هایشان ناخودآگاه بہ بیرون می کشد . این جریانات در شب جمعه اتفاق می افتد و در آن سال زلزله ها و سرمای شدید زیاد پدیدار خواهد شد .

بدین سان، هر گاه هلال ماه مبارک رمضان آن سال در شب جمعه دیده شود ، وقتی کہ نماز صبح روز جمعه نیمه ماه مبارک رمضان را بہ جای آوردید بہ خانہ های خود بروید، و درب ها را ببندید و قفل کنید ، و پنجره ها را نیز ببندید، و خودتان را پنهان داشته و گوش های تان را نیز ببندید . پس از احساس وقوع صدا در برابر خدای متعال بہ سجده بیفتید و بگویید :

سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ ، سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ رَبَّنَا .

خدای قدوس و پاک، ستوده و منزّه است؛ خدای پاک، ستوده است و پروردگار ماست .

زیرا ، هر کس این کارها را انجام دهد رهایی

می یابد ، و هر که انجام ندهد به هلاکت می رسد . (۱۸)

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه رمضان خوانده می شود ؛ هر چند در تمام ماه های رمضان خوانده نمی شود .

۱۳ادعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

دعا ... در شب بیست و سوم ...

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله برای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان ، این دعا را نقل کرده است :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الظُّلْمَةَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ، وَجَحَدُوا اِيَاتِكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلِكَ، يَا خدایا ؛ همانا ستم کاران نسبت به قرآن تو کفر ورزیدند، و آیات را انکار کردند، و فرستادگان را تکذیب نمودند، وَبَدَلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُوْلُكَ، وَشَرَعُوا غَيْرَ دِيْنِكَ، وَشَرَعُوا بِالْفَسَادِ و آن چه را که پیامبر تو آورده است دگرگون کردند، و غیر دین تو را قانون نهادند ، و در روی زمین فساد را فی اَرْضِكَ ، وَتَعَاوَنُوا عَلٰی اِطْفَاقِ نُوْرِكَ ، وَشَاقُّوا وِلَاةَ اَمْرِكَ ، وراج دادند، و برای خاموش کردن نور هدایت تو با یکدیگر هم کاری کردند، و با سرپرستان امور تو مخالفت و دشمنی کردند، وَوَالُوا اَعْدَاءَكَ ، وَعَادُوا اَوْلِيَاءَكَ ، وَظَلَمُوا اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ . اَللّٰهُمَّ و با دشمنانت دوستی و هم عهدی نمودند، و با دوستانت دشمنی ورزیدند و بر اهل بیت پیامبرت ظلم و ستم کردند . بار خدایا ؛ فَاَنْتَقِمْ مِنْهُمْ ، وَاضْرِبْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ ، وَاشْرِطْ اَصْلَ شَاقَّتِهِمْ . اَللّٰهُمَّ از آنان انتقام بگیر و عذابت را بر آنان سرازیر کن، و آنان را از ریشه برکن . خدایا ؛ همانا ایشان اِنَّهُمْ اَتَّخَذُوا دِيْنَكَ دَعْوًا ، وَمَالِكَ دَوْلًا ، وَعِبَادَكَ حَوْلًا ، فَاَكْفِفْ دِيْنَ تُوْرَا و وسیله گول زدن و حيله گری گرفتند ، و اموال تو

را وسیله چیرگی و غلبه خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند . بِأَسْرِهِمْ، وَأَوْهَنْ كَيْدَهُمْ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَالَفِ بِسِ بندگان را از عذاب و شکنجه آنان باز بدار ، و مکر و حيله هايشان را سست و بى اثر کن، و سينه مؤمنان را از آنان شفا بده و بَيِّنْ قُلُوبِهِمْ ، وَشَتَّتْ أَمْرَهُمْ ، وَاجْعَلْ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ ، وَاشْفِكْ بَيْنَ دِلِّ هَيْ آنان (دشمنان) اختلاف ايجاد کن، و کارهاى شان را آشفته و پراکنده ساز ، و سختى هاى شان را بين خودشان قرار ده، بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ . اللَّهُمَّ و خون شان را به دست مؤمنان بریز، و آن ها را گرفتار کن؛ به طورى که نتوانند بفهمند از كجا گرفتار شدند . بار خدايا ؛ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ . اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ درود فرست . خدايا ؛ ما در روز قيامت و روز حُلُولِ الطَّائِمَةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يُدْبِيُوا لَكَ ذَنْبًا، وَلَمْ يَزُكُّبُوا لَكَ مَعْصِيَةً، فَرَأْسِيْدِنَ بِلَايِ بزرگ ، گواهى مى دهيم که ايشان هرگز گناهى انجام نداده اند ، و نافرمانى تو را مرتكب نشدند ، وَلَمْ يُضَيِّعُوا لَكَ طَاعَةً ، وَأَنَّ مَوْلَانَا وَسَيِّدَنَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، وَ هَرِگَرِ طَاعَتِي از تو را ضايع نکرده اند ؛ و به راستى که مولای ما و آقاى ما و صاحب روزگار ما ، الْهَادِي الْمُهْتَدِي ، النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّكِيُّ الرَّضِيُّ ، فَاسْتَلِكْ بِنَا عَلَى هِدَايَتِ كُننده هدايت شده ، و پرهيز كار ، پاڪ و آراسته ، صالح و پسندیده مى باشد. پس، ما را به وسيله يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى ، وَفَوْنَا

علی مُتَابِعْتِهِ ، آن حضرت در راه هدایت، و راه آشکار بزرگ بیر؛ و ما را قدرت بده تا از آن حضرت پیروی کنیم، وَأَدِّعْ حَقَّهُ ، وَاخْشُرْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . (۱۹) و حَقِّش را ادا کنیم؛ و ما را در زمره یاران و مددکاران و یاوران آن حضرت محشور فرما ؛ همانا تو شنونده دعا هستی .

۱۴ ادا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ، در بعضی از کتاب ها وارد شده است :

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَازِخِ ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ بَارِ خَدَايَا ؛ اِي صَاحِبِ شِكْوِهِ وَعِظْمَتِ رَفِيعِ وَ سُلْطَنَتِ الْوَالَا ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَ كُنْ لَوْ لِيْكَ وَ اَبْنِ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَدِّيِّ ، وَ اَلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَ بَرَايِ وَلِيِّ وَ فَرَزَنْدِ وَلِيِّ خُودِ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ ، حَضْرَتِ مَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۱ . اقبال الأعمال : ۴۴۸ .

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ لِيَّأَ وَ حَافِظًا ، وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا ، وَ دَلِيْلًا وَ عَوْنًا ، دَرِ اِيْنِ سَاعَتِ سِرِّسْتِ وَ مَحَافِظِ وَ بِيْشَا وَ يَاورِ وَ رَاهِنْمَا وَ مَدْدَكَارِ وَ دِيْدِهِ بَانَ وَ وَعَيْنًا وَ مُعِينًا ، حَتَّى تُشِيْكَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا ، وَ تَمْتَعَهُ فِيْهَا طَوِيْلًا . كَمِكَ رِسَانِ بَاشْ ؛ تَا اُو رَا اَزِ رُويِ مِيْلِ وَ رَغْبَتِ بَرِ رُويِ زَمِيْنَتِ سَاكِنِ گِرْدَانِيْ ، وَ بَهْرِهِ مَنْدِيْ اُو رَا طَوْلَانِيْ گِرْدَانِيْ . يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، يَا مُجْرِيَّ الْبُحُورِ ، يَا اِيْ تَدْبِيْرَ كُنْنِدِهْ كَارِهَا ؛ اِيْ بَرَانْگِيْزَانْدِهْ هَرِ كِهْ دَرِ قَبْرِهَاسْتْ ؛ اِيْ جَارِيْ كُنْنِدِهْ دَرِيَاها ؛ اِيْ مُلَيِّنَ الْأَحْدِيدِ لِداوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، نَرْمِ كُنْنِدِهْ آهَنْ بَرَايِ حَضْرَتِ دَاوُودِ

- که درود بر او باد -؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. و به جای «کذا» حاجت خود را از خدا بخواه. (۲۰)

و برای من انجام بده چنین و چنان .

۱۵ ادعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

دعای دیگر در شب بیست و سوم

علامه مجلسی رحمه الله فرموده است که محمد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود :

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هر طور که برایت ممکن و مقدور است، و در تمام دورات دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو :

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَيْدِيِّ ، عَلَيْهِ بَارِ خَدَايَا ؛ بِرَأْيِ وَلِيِّ خُودَتِ - او که برای اجرای او امر تو قیام می کند - حضرت محمد بن الحسن المهدی که بر او ۱ . منهاج العارفين :

. ۲۷۴

وَعَلَىٰ آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ وَبِرِ بَدْرَانِشِ بَرْتَرِينِ سَلَامِ هَا وَ دَرُودِهَا بَاد ، دَرِ اَيْنِ سَاعَتِ وَ دَرِ هَرِ سَاعَةٍ ، وَلَيْبًا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا ، حَتَّى سَاعَتِ ، سَرِ بَرَسْتِ وَ مَحَافِظِ وَ بِشِوَا وَ يَاوَرِ وَ رَاهِنَمَا وَ تَأْيِيدِ كَنَنْدِهَ بَاش ؛ تَا تُشَكِّنُهُ أَرْضَكَ طَوَّعًا ، وَتَمَتِّعَهُ فِيهَا طَوَّلًا وَعَرَضًا ، وَتَجْعَلَهُ أَوْ رَا زِ رُويِ مِيلِ وَ رَغْبَتِ بَرِ رُويِ زَمِينَتِ سَاكِنِ گَرْدَانِي ، وَ أَوْ رَا

در طول و عرض زمین بهره مند گردانی؛ و او وَذَرَيْتَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الْوَارِثِينَ . اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ ، وَاجْعَلْ و فرزندان او را از پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی . بارخدايا ؛ او را یاری کن و ما را به وسیله او یاری ده، أَنْصِرْ مِنْكَ عَلَى يَدِهِ ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَالْفَتْحَ عَلَيَّ وَجِهِي ، و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛ و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او قرار بده؛ وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ . اللَّهُمَّ أَطْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَةَ نَبِيِّكَ ، و حکومت و کار را به غیر او حواله نکن . خدايا؛ دین خودت و سنت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن ؛ حَتَّى لَا يَشِيئَتْخَفِي بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ . اللَّهُمَّ تا این که هیچ حقی را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد . بار خدايا ؛ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعْرَفُ بِهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ ، وَتُلْدُ هِمَانًا مِنْ مَشْتَقِ دَوْلَتِ كَرِيمَةٍ أَنْ حَضَرْتَ هَسْتَمُ كَهْ اِسْلَامٍ وَاهْلَشْ رَا بَهْ وَّاسَطَهْ اَنْ عَزِيْزْ كُنِي ، بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلُهُ ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ ، وَالْقَادَةِ وَنَفَاقِ وَاهْلَشْ رَا ذَلِيْلٍ وَخَوَارِ كَرْدَانِي ، وَ مَا رَا دَرِ اَنْ اَزْ فِرَاخَوَانَانِ بَهْ طَاعَتِ خَوِيْشِ وَ رَهْبِرَانِي اِلَى سَبِيْلِكَ ، وَ اِتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً ، وَ قَنَا بَهْ سَوِيْ رَاهِ خَوْدَتِ كَرْدَانِي ؛ وَ دَرِ دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ بَهْ مَا خَيْرٍ وَ خَوْبِيْ عَطَا فَرْمَا ، وَ مَا رَا اَزْ

عَذَابِ النَّارِ ، وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ ، وَأَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا عَذَابَ جَهَنَّمَ مَحْفُوظَ بَدَارٍ ، وَبِرَّيْ مَا خَيْرِي هَيَّ هِر دُو جِهَان رَا كَرْد آوَر ؛ وَ بَرَاي مَا تَمَامِي آنچِه رَا كِه تُحِبُّ فِيهِمَا ، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ فِي دَر دُو جِهَان دُوسْت دَارِي ، اَز طَرَفِ مَا اِنجَام بَدِه ؛ وَ بَرَاي مَا دَر اَيْن چيزها ، آنچِه خَيْر اَسْت بِه واسطه مهرباني وَ مَنَّتِ دِيرِنِه ات عَافِيَه ، اَمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَرَبِّدِكَ الْمَلَأُ ، دَر عَافِيَتِ قَرَار بَدِه ، اِجَابَتِ كُن اِي پُروردگار جِهَانِيان ؛ وَ اَز فَضْلِ وَ فِرُونِ بَخْشِي خُودَتِ وَ دَسْتِ پَر خَيْرِ وَ بَرَكَّتِ بَرِ مَا اِفزُونِ كَرْدَان ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ . (۲۱)

پس همانا هر بخشنده ای، دارایی و تواناییش، در اثر بخشیدن به تدریج کم می شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می کند.

اعادای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

اشاره

شیخ بزرگوار کفعمی رحمه الله می نویسد : از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که :

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ، این دعا را در حال سجده یا ایستاده یا نشسته ، و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک ، و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت تکرار کن ؛ و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال ، و درود بر پیامبرش صلی الله علیه وآله وسلم بگو :

اَللّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ ، (صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ بَارِ خُدَايَا ؛ بَرَاي وَلِيَّتِ حَضْرَتِ حَجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ) كِه دَرُودِ تُو بَرِ اُو وَ اَبَائِهِ) ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي

كُلَّ سَاعَةٍ ، وَبَلِيًّا وَحَافِظًا ، وَقَائِدًا بِدِرَانِ أَوْ بَادٍ ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ ، سِرْبِيسْتِ وَمُحَافِظِ وَبِشَوَا أَيْضًا مِنْ أَدَبِ شِيعَةٍ... فِي يَوْمِ عِيدِ فِطْرِ

وَنَاصِرًا ، وَدَلِيلًا وَغَنِيًّا ، حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا ، وَتُتَمِّعَهُ وَبِأُورٍ وَرَاهِنَمَا وَبِأَيْدِيهِ بَانَ بَاشٌ ، تَأْتِيهِ مِنْ رُؤْيِ مَيْلٍ وَرَغْبَةٍ مِنْ رُؤْيِ زَمِينَتِ سَاكِنِ كَرْدَانِيٍّ ، وَبِأُورٍ مِنْدِيٍّ أَوْ رَاهِنَمَا طَوِيلًا . (۲۲)

در زمین طولانی فرما .

از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز عید فطر

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در بخشی از کتابش به عنوان «ادب بنده در روز عید نسبت به کسی که معتقد است که او امام و دارای این مقام والا است» ؛ می فرماید :

پس می گویم : بدان هنگامی که عید فطر فرا رسد پس اگر صاحب حکومت و امور (امام زمان ارواحنا فداه) در ملت و مملکتش تصرف داشت و رعیت او آن گونه بودند که مولای شان خواسته بود ، پس به آن حضرت به خاطر این که خدا به او رو کرده و به خاطر سلطنت و قدرتی که به او احسان نموده تهنیت گو ، سپس به خودت و کسی که نزد تو عزیز است و برای دنیا و اهل آن و برای هر کسی که به امامت آن حضرت سعادت مند شده و از وجودش و امامتش و یمن او و هدایتش و بهره های دولتش بهره مند است تبریک بگو .

و اگر کسی که معتقد به وجوب اطاعتش هستی از تصرف در آنچه مقتضای ریاست او است منع شده باشد باید اثر خشم و غضب الهی بر تو نمودار باشد و بر آنچه از فضل و احسان او

از تو فوت شده حسرت و اندوه داشته باشی .

پس همانا روایت کرده ایم با سند خود به شیخ صدوق رحمه الله از کتاب «من لا يحضره الفقيه» و غیر آن با سند او به حنّان بن سدید از عبدالله بن دینار از امام باقر علیه السلام ؛ که حضرت فرمودند :

ای عبدالله ؛ برای مسلمانان هیچ عید قربان و فطری نیست مگر این که در آن روز برای آل محمد علیهم السلام حزن و اندوه تازه می شود .

عبدالله گوید : عرض کردم برای چه ؟

حضرت فرمودند : برای این که ایشان علیهم السلام حقّ خودشان را در دست دیگران می بینند .

می گویم : اگر احوال زمان ظهور را می دانستی و مستحضر بودی که در آن هنگام چگونه پرچم های اسلام به عدل و عدالت باز و احکام مردمان به فضل و دانش آشکار گشته و اموال در راه خدا به بندگان او بذل و بخشش می شود و آرزوها شاداب و خندان و برآورده شده ، و امتیت و آرامش شامل نقاط دور و نزدیک می شود ؛ و نصرت و پیروزی ، انسان های ضعیف و ذلیل و غریب را فرا گرفته است ، و خورشید خوشبختی در دنیا طلوع کرده است و دنیا را روشن ساخته ، و خوشبختی و اقبال در زمین های پست و بلند گسترده گردیده ، و حکم روشن خداوند و سلطنت نیرومند او چنان ظاهر شده که خردها نشاطیافته و دل ها شادمان و همه کرانه ها را نور فرا گرفته ، به راستی عیدی که به فرارسیدنش مسرور گشته ای بر تو مکدر می گشت و می فهمیدی که از کرم خدا و الطاف او چه مقدار

از دست داده ای و گریه و سوز دل و آه و حسرت بر تو غالب می گشت و این سزاوارتر است و به وفا نسبت به کسی که نزد تو عزیز است نزدیک تر است .

دعای روز عید...

با ذکر این مطالب مختصری پرده را برایت کنار زدم ولی آن گونه که باید شرح و توضیح ندادم و آن چه که ما آن را ذکر کردیم به نحو آگاه کردن و اشاره بود ؛ به خاطر این که عبارات برای شرح آن چه که ما می خواهیم آن را بیان کنیم ، عاجز می باشد .

و بدان که همانا صفا و صمیمیت و وفاداری برای صاحبان حق هنگام جدایی و دوری نیکوتر است از صفا و صمیمیتی که در حال نزدیکی و حضور باشد ؛ پس ، صفا و صمیمیت و وفاداری باید شعار قلب تو برای مولایت باشد ؛ و پروردگارت بر گشودن و برطرف کردن حزن و اندوه و مشقت تو قادر است . (۲۳)

دعای روز عید غدیر ...

۱۷ دعای روز عید غدیر کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد

علّامه مجلسی رحمه الله می فرماید : با سند متصل روایت می کنم آن چه را که ذکر کرده و روایت فرموده آن را محمّد بن علی طرازی در کتابش ؛ از محمّد بن سنان ، از داوود بن کثیر رقی ، از عماره بن جوین ابو هارون عبّدی ، هم چنین با سندهای مان به شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان رحمه الله ، روایت می کنیم آنچه را که روایت می کند آن را از عماره بن جوین ابو هارون عبّدی ؛ که گفت :

در روز هیجدهم ذی الحجّه خدمت امام صادق

علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت روزه دار بود ؛ به من فرمودند :

همانا این روز ، روزی است که خدا حرمتش را بین مؤمنان زیاد کرده است ؛ چون خداوند در این روز دین آن ها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است، و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته ، برای آنان تجدید کرده است ؛ زیرا آن موقف را از یاد آن ها برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند، و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می کردند، قرار نداد .

من به آن حضرت عرض کردم : جانم فدای شما باد ؛ ثواب روزه گرفتن در این روز چیست ؟ حضرت فرمودند :

همانا این روز ، روز عید ، شادی ، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می باشد . روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه های حرام می باشد.

در این روز هر موقع که خواست ، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می باشد؛ و آن ساعتی است که حضرت علی علیه السلام در غدیرخم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شُكْرًا لِلَّهِ بگویند) و بعد از سجده این دعا را بخواند :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَقْدَ ، وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَاَنَّكَ بَارِخَدَايَا؛ من از تو درخواست می کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص

تو می باشی، و همانا واجد احد صمد، لم یلد ولم یولد، ولم یکن لک کفو احد، تو یگانه، تنها و بی نیاز هستی؛ نه فرزند کسی هستی و نه کسی فرزند توست، و نه هیچ کس همتای توست و ان محمداً عبداً و رسولک صیلاً علیک و اله، یا من هو و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛ که سلام و درود تو بر او و آل او باد؛ ای کسی که کل یوم فی شأن، کما کان من شایک ان تفضلت علی، پان هر روز برای او شانی و امری است، همچنان که از شأن توست که بر من تفضل فرموده و جعلتني من اهل إجابتيك، و اهل دينك و اهل دعوتك، و وفقتني مرا از پاسخ دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛ و مرا لتدلیک فی مبدی خلقی، تفضلاً منک و کرمًا و جوداً. ثم اذقت در آفرینش اولی ام (عالم ذر) بر این کار از روی فضل و جود و کرم موفق کردی. سپس الفضل فضلاً، و الجود جوداً، و الکرم کرمًا، رافه منک و رحمته فضلی در پی فضل دیگر، و جود و بخششی در پی جود و بخشش دیگر، و کرامتی در پی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضلت إلی ان جددت ذلک العهد لی تجدیداً بغير تجدیدک خلقی فرمودی تا آن که این عهد را بر من تازه کردی، و بعد از آن که مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛ و کنت نسیاً منسیاً ناسیاً ساهياً غافلاً، فأتممت بعمتک بان و با آن که

من به کلی فراموش شده و در سهو و نسیان و غفلت بودم، پس نعمت را بر من کامل کردی به این که ذکرَتَنی ذلِکَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَهَدَيْتَنی لَهُ . فَلَیْکُنْ مِنْ شَأْنِکَ مَا یَا دُورَ آن عهد و پیمان کردی؛ و با آن بر من مَنّت گذاشتی، و به سوی آن هدایت فرمودی . پس باید از شأن تو این باشد یا اِلهی وَسَیِّدِی وَمَوْلَایَ، اَنْ تُنِمْ لِی ذلِکَ، وَلَا تُشِیْبُنِیهِ، حَتّٰی اِی خدای من؛ و سرور من؛ و مولای من؛ که آن نعمت را بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا تَتَوَفَّانِی عَلَی ذلِکَ وَ اَنْتَ عَنّی راضٍ، فَاِجْبُنْکَ اَحِبُّ الْمُتَعَمِّمِیْنَ اَنْ اَنْ کَ مَا بِاِی عقیده و پیمان بمیرانی، و تواز من خشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین نعمت بخشان هستی که نعمت را بر من تُنِمْ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ . اَللّٰهُمَّ سَمِّعْنَا وَ اَطَعْنَا، وَ اَجْبِنَا دَاعِیَکَ بِمَنِّکَ، کَامِلَ گِردانی . خدایا؛ عهد تو را (شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و همچنین دعوت کننده ات را که بر ما فرستادی به لطف و کرم تو اجابت فَلِکَ الْحَمْدُ غُفْرَانِکَ رَبَّنَا وَ اِلَیْکَ الْمَصِیْرُ، اٰمِنًا بِاللّٰهِ، وَ خَدَهُ لَا کَرْدِیْمَ، پس حمد و سپاس بر تو باد، آمرزش تو را خواهانم ای پروردگار ما؛ و بازگشت همه به سوی توست؛ ما به خدای شَرِیْکَ لَهُ، وَ بِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ، وَ صَدَقْنَا یَکْتَا وَ بَی شَرِیْکَ وَ بَهِ فَرَسْتَا دَهِ او حضرت محمد - که سلام و درود خدا بر او آل او باد - ایمان آوردیم؛ وَ اَجْبِنَا دَاعِیَ اللهُ،

وَأَتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوْلَاهِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى دَعْوَتِ كُنَنَدَه خدایِ را تصدیق و اجابت کردیم و اوامر فرستاده او را در مورد دوستی و اطاعت از مولای مان و مولای الْمُؤْمِنِينَ أمير الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، غَیْدِ اللَّهِ وَأَخِي مُؤْمِنَانَ ، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کردیم ؛ او که بنده خدا، و برادر رَسُولِهِ ، وَالصَّادِقِ الْأَكْبَرِ ، وَالْحَجَّجِ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيَّهُ فرستاده او، و راست گویی بزرگ، و حجت خدا بر خلق اوست؛ او تأییدکننده پیامبر خدا وَدِينَهُ الْحَقِّ الْمُبِينِ ، عَلِمْنَا بِتَمْدِينِ اللَّهِ ، وَخَازِنَا لِجَلِيمِهِ ، وَعَیْبِهِ وَدِينِ اوست که حَقَائِقِ آن آشکار و واضح است، او عَلَمٌ و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق غَیْبِ اللَّهِ ، وَمَوْضِعِ سِتْرِ اللَّهِ ، وَأَمِينِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، وَشَاهِدَهُ فِي رَازِهِایِ خدا، و محلّ سِرِّ خدا و امین خدا بر آفریدگان او، و گواه او بر بَرِيَّتِهِ . اَللّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا سَرَجْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِبَنَدِكُنْهُمِمْ مِمْ بِشَاءِ . بار خدایا ؛ ای پروردگار ما ؛ همانا ما صدای ندا دهنده ای که ندا سر داد که بِرَبِّكُمْ فَأَمَّنَّا رَبَّنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ بِرِوَرْدِگَارَتَانِ اِیْمَانِ آوریِدِ را شنیدیم و به پروردگاران اِیْمَانِ آوردیم؛ پس گناهان ما را ببخش و بدی های ما را بپوشان و ما را الْأَبْرَارِ × رَبَّنَا وَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ هَمْرَاهِ بِا نِیْكَانِ عَالَمِ بِمِیرَانِ . پروردگار ما ؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده ای عطا فرما، و ما را در روز الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ»(۲۴)، فَأَمَّنَّا رَبَّنَا

بِمَنْكَ وَطُفَيْكَ، أَجِينَا قِيَامَتِ خَوَارٍ وَذَلِيلِ نَفَرَمَا؛ كِه هَمَانَا تُو اَز وَعَدِه هَايِ خُودِ تَخَلَّفِ نَمِي كِنِي. «بِسِ اِي پُرُورْدِ گَارِ مَا؛ مَا بِه لَطْفِ وَ كَرَمِ تُو اِيْمَانِ آوَرْدِيْمِ، وَ دَاعِيَيْكَ، وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ وَصَدَقْنَا وَصَدَّقْنَا مُوَلِّيَ الْمُؤْمِنِيْنَ، دَعُوْتِ كُنُنْدِه بِه سُوِي تُو رَا اِجَابَتِ كَرْدِيْمِ، وَ اَز فَرَسْتَادِه اِت تَبِعِيْتِ كَرْدِيْمِ وَ اُو وَ مَوْلَايِ مُؤْمِنَانِ رَا تَصْدِيْقِ كَرْدِيْمِ، وَ كَفَرْنَا بِاَلْحَبِيْبِ وَ الطَّاعُوْتِ، فَوَلْنَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَ اَلْحَشْرُوْنَا مَعَهُ وَ بِه جَبِيْتِ وَ طَاغُوْتِ كَفَرِ وَرَزِيْدِيْمِ. بِسِ تُو وُلِيٍّ وَ سَرِيْرَسْتِ مَا كُنْ اَنْ رَا كِه مَا بِه وَلايْتِ بَرِ گَزِيْدِيْمِ؛ وَ مَا رَا بَا اَنْمَتِنَا، فَاِنَّا بِهِيْمِ مُؤْمِنُوْنَ مُوَفَّقُوْنَ، وَ لَهُمْ مُشِيْلِمُوْنَ، اَمْنَا بِبِيْرِهِمْ بِشُوَايَانِ مَانِ مَحْشُوْرِ فَرَمَا. زِيْرَا مَا بِه اَنَانِ اِيْمَانِ آوَرْدِه اِيْمِ وَ بِه اِمَامَتِ اَنَانِ يَقِيْنِ دَارِيْمِ، وَ تَسْلِيْمِ اَنَانِ هَسْتِيْمِ. مَا بِه نِهَانِ وَ وَعَلَايَتِيْهِمْ، وَ شَاهِدِيْهِمْ وَ عَايَتِيْهِمْ، وَ حَسِيْبِيْهِمْ وَ مَنِّيْتِيْهِمْ، وَ رَضِيْنَا بِهِيْمِ اَشْكَارِ اَنِ هَا، شَاهِدِ وَ غَايِبِ اَنِ هَا، وَ زَنْدِه وَ مَرْدِه اَنِ هَا اِيْمَانِ آوَرْدِه اِيْمِ؛ وَ بِه بِشُوَايِي وَ رِهْبَرِي وَ سَرُوْرِي اَنَانِ رَا ضِي وَ خَشْنُوْدِ اَيْمَهُ، وَ قَاَدَه وَ سَادَه، وَ حَسِيْبِيْنَا بِهِيْمِ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللّٰهِ دُوْنَ خَلْقِهِ، هَسْتِيْمِ؛ وَ بَرَايِ وَسَاطَتِ بَيْنِ مَا وَ خُدَايِ مَا، اَنَانِ كَفَايَتِ مِي كُنُنْدِ؛ وَ نِيَازِي بِه غَيْرِ اِيْشَانِ اَز آفَرِيْدِ گَانَشِ نِيْسْتِ؛ لَانْتَبَغِي بِهِيْمِ بَدَلًا، وَ لَانْتَخِذُ مِنْ دُوْنِيْهِمْ وَ لِيَجَهْ، وَ بَرَرْنَا اِلَى اللّٰهِ وَ بِه جَايِ اَنِ هَا جَايْگَزِيْنِ نَمِي جُوِيْمِ؛ وَ غَيْرِ اَنَانِ رَا تَكِيْهِ گَاهِ خُودِ نَمِي گِيْرِيْمِ. وَ بِه دَرِگَاهِ خُدَايِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَزْبًا، مِنْ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، مِنْ الْاَوَّلِيْنَ اَز هَرِ كَسِي

که با آنان به مبارزه و جنگ می پردازند، بیزاری می جوئیم؛ چه آن افراد از جنّ باشند؛ یا از انسان ها، از پیشینیان باشند وَاَلَّاخِرِينَ ، وَكَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ وَالطَّاعُوتِ ، وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ ، یا از افراد آخر الزمان؛ و به جبت و طاغوت کفر می ورزیم؛ و همچنین به بت های چهارگانه و أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ ، وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، مِنْ وَدُنَالِهِ رُوَهَا و پیروانشان؛ و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از جنیان باشند و چه از انسان ها؛ از أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْهَدُكَ اَنَّكَ اَنْتَ نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ اَوَّلُ خَلْقِكَ تا آخر آن، کفر می ورزیم. بار خدایا؛ ما تو را گواه می گیریم که ما به دینی که ۱ . سوره آل عمران ، آیه ۱۹۳ و ۱۹۴ .

مُحَمَّدٌ وَالْ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ، وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا ، حضرت محمّد و آل محمّد - که درود خدا بر او و بر آنان باد - به آن متدین هستند ، گرویدیم؛ و گفتار ما ، گفتار آنان ؛ وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ ، ما قَالُوا بِهِ قُلْنَا ، وَمَا دَانُوا بِهِ دِينًا ، وَمَا دِينُ مَا دِينِ آتَانِ مِي بَاشَد؛ آنچه آنان گفتند، ما می گوئیم؛ و به آنچه آنان عقیده دارند، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را که آنان منکر شدند، ما اَنْكَرُوا اَنْكَرْنَا ، وَمَنْ وَالُوا وَالَيْنَا ، وَمَنْ عَادُوا عَادْنَا ، وَمَنْ هَمَّ مَنكَرَ آن هستیم؛ و هر کسی را آنان دوست داشتند، ما هم دوست داریم؛ و با هر کسی آنان دشمنی کردند، ما هم با آنان دشمنی می کنیم؛ لَعَنُوا لَعْنَا ، وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنُّهُ تَبَرَّأْنَا

مِنْهُ ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ وَ هَر كَسِي رَا لَعْن وَ نَفْرِين كَرْدَنْد ، مَا هَم لَعْن وَ نَفْرِين مِي كَنِيم ؛ وَ از هَر كَسِي بِيْزَارِي جَسْتَنْد ، مَا هَم بِيْزَارِي مِي جَوِيْم ؛ وَ هَر كَسِي رَا مَوْرِد رَحْمْت تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ ، اَمَّنَّا وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِيْنَا ، وَ اَتَّبَعْنَا مَوَالِيْنَا صِيْلَوَاتُ قَرَار دَادَنْد ، مَا هَم مَوْرِد رَحْمْت قَرَار مِي دَهِيْم ؛ بَه اَمَامَان خَوْدَمَان اِيْمَان آوْرْدِيْم ، وَ دَر بَرَابَر اَن هَا تَسْلِيْم هَسْتِيْم ؛ وَ رَاضِي وَ خَشْنُوْد مِي بَاشِيْم ؛ وَ اِز اللّٰهُ عَلَيْهِمْ . اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِيْكَ وَ لَا تَشِيْلِبْنَا ، وَ اجْعَلْهُ مُشِيْتَقَرّاً اِيْشَان پِيْرُوِي مِي كَنِيْم ؛ كِه سَلَام خِدا بَر اَنَان بَاد . بَار خِدايَا ؛ اِيْن اِيْمَان وَ عَقِيْدَه مَا رَا كَامَل گَرْدَان ، وَ اَن رَا از مَا مَكْبِر ، وَ اَن رَا بَرَاي مَا ثَابِتاً عِنْدَنَا ، وَ لَا تَجْعَلْهُ مُشْتَعَاراً ، وَ اُخِيْنَا مَا اُخِيْتِنَا عَلَيْهِ ، وَ اَمِّنْنَا مَسْتَقَرّاً وَ ثَابِت گَرْدَان ، وَ اَن رَا بَه صَوْرْت عَارِيَه بَرَاي مَان قَرَار مَدَه ؛ وَ مَا رَا بَر اِيْن عَقِيْدَه زَنْدَه بَدَار ، وَ بَر اَن بَمِيْرَان هَر اِذَا اَمَّنْنَا عَلَيْهِ ، اَلْ مُحَمَّدٍ اَنْبِيْتُنَا ، فَبِيْهِمْ نَأْتَمُّ ، وَ اِيْآهُم نُوَالِي ، گَاه مَا رَا بَمِيْرَانِي . اَلْ مُحَمَّد عَلَيْهِمُ السَّلَام پِيْشَوَايَان مَا هَسْتَنْد ؛ پَس بَه اَنَان اَقْتِدا مِي كَنِيْم وَ فَقْط اَنَان رَا بَه سَر پَرَسْتِي مِي پَدِيْرِيْم ، وَ عَدُوْهُمْ عَدُوْ اللّٰهُ نَعَادِي ، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ دَشْمَانَان شَان رَا - كِه دَشْمَانَان خِداوَنْد هَسْتَنْد - دَشْمَان مِي دَارِيْم . پَس مَا رَا دَر دُنْيَا وَ آخِرْت بَا اَنَان وَ مِيْنِ الْمُقَرَّبِيْنَ ، فَاِنَّا بِذَلِيْكَ رَاضُوْنَ ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

وَ از مَقْرَبَان وَ نَزْدِيْكَان دَر گَاه خَوْدْت قَرَار بَدَه ؛ زِيْرَا مَا بَه اِيْن كَار رَاضِي وَ خَشْنُوْد هَسْتِيْم ؛ اِي مَهْرَبَان تَرِيْن مَهْرَبَانَان .

سپس سجده

(۱

(۲) مصباح المتهجد: ۷۸۲، بحار الأنوار: ۳۰۳/۱۰۱.

(۳

(۴) المصباح: ۷۰۱، مصباح المتهجد: ۸۰۳، بحار الأنوار: ۳۹۲/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۵.

(۵

(۶) المصباح: ۷۰۳، مصباح المتهجد: ۸۰۵، بحار الأنوار: ۳۹۳/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۶.

(۷) المصباح: ۶۹۹، مزار شهيد: ۲۷۷، بحار الأنوار: ۴۴۶/۱۰۰، إقبال الأعمال: ۱۴۳.

(۸

(۹) زاد المعاد: ۵۷، مصباح المتهجد: ۸۲۶، المصباح: ۷۲۰، إقبال الأعمال: ۲۰۲.

(۱۰) إقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

(۱۱) سورة دخان، آیه ۴.

(۱۲

(۱۳) زاد المعاد: ۱۱۰، المصباح: ۷۷۰، مصباح المتهجد: ۵۷۷، إقبال الأعمال: ۳۲۲.

(۱۴) بحار الأنوار: ۱۲۰/۹۸، منهاج العارفين: ۲۱۴.

(۱۵) إقبال الأعمال: ۴۲۶، بحار الأنوار: ۳۷/۹۸، باب السعاده: ۸۵.

(۱۶) إقبال الأعمال: ۴۲۷.

(۱۷) در روایت «الهدّه» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیئی از آسمان به زمین ایجاد شود!

(۱۸) التشریف بالمنن معروف به ملاحم و فتن: ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سید بن طاووس. این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

(۱۹

(۲۰

(۲۱) بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۷، إقبال الأعمال: ۳۵۷.

(۲۲) مصباح المتهجد: ۶۳۰، المصباح: ۷۷۹.

(۲۳) إقبال الأعمال: ۵۸۴. دعای روز عید فطر را در بخش ۱۲ ص ۶۷۵ می آوریم به خاطر مناسبت دعا با آن

بخش .

(۲۴)

(۲۵) بحار الأنوار : ۲۹۸/۹۸ ، زاد المعاد : ۳۴۱ .

(۲۶) دعوات راوندی : ۹۴ ، بحار الأنوار : ۲۰۷/۹۴ .

بخش ششم: دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

ادعای عهد

اشاره

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید :

هر کس با این عهد ، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود ، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت . و به ازای هر کلمه ، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است : (۱)

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ، وَرَبَّ الْبُحْرِ خَدَايَا ؛ اى پروردگار روشنى بزرگ؛ اى پروردگار جایگاه بلندمرتبه؛ اى پروردگار دریای المَشْجُورِ ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ ، وَرَبَّ الظُّلِّ متلاطم ؛ و اى فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور؛ و اى پروردگار سایه وَالْحُرُورِ ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، و گرمی آفتاب ؛ و اى فرو فرستنده قرآن بزرگ؛ و اى پروردگار فرشتگان مقرب ؛ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبُنُورِ اى پروردگار پیامبران و رسولان ؛ بار خدایا ؛ من از تو درخواست می کنم به ذات کریمت، و به روشنى ۱ . بحار الأنوار : ۴۱/۹۴ :

وَجْهِكَ الْمُنِيرِ ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ذَاتِ رُشْنِي بَخْشْتِ ، و فرمانروایی بی آغازت ؛ اى زنده ؛ اى پایدار ؛ درخواست می کنم به واسطه نامت ، الَّذِي أَسْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ هَمَانِ نَامِي كِه آسمان ها و زمین ها به سبب آن روشن گردید

؛ همان نامی که به الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ ، یا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، وَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ بَاشِيئَانٍ و آيندگان با آن اصلاح می شوند . ای زنده پيش از هر زنده؛ و ای زنده پس از هر حَيٍّ ، وَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ ، یا مُخَيِّي الْمَوْتِ وَمُمِيتِ الْأَحْيَاءِ ، زنده؛ و ای زنده ای که زنده بودی در حالی که هيچ زنده نبود؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای ميراننده زندگان؛ یا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ ای زنده ای که جز تو معبودی نیست؛ بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی پیشوای هدایت گر هدایت شده ای الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ ، عَنْ كَهِ قِيَامِ كُننده است به امر تو - که درود خدا بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه اش باد - سلام برسان؛ سلام و درودی از جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، طرف همه مردان و زنان باایمان که در شرق و غرب زمین ، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَعَنْ وَالِدَيْ ، مِنْ بِيَابَانٍ وَكُوَهْسَارٍ ، دریا و یا خشکی زمین هستند . سلامی از طرف من و پدر و مادرم . الصَّلَوَاتُ زَنَّهُ عَرْشِ اللَّهِ ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ ، سلام ها و درودهایی که هم سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد . آن قدر که علم خدا آن را شماره کند ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا ، و کتاب الهی به آن احاطه دارد . بار خدایا؛ من در

این صبحدم و در ابتدای این روز نو، وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبِعَهُ لَهٗ فِي عُنُقِي، لا و تمامی ایام زندگانیم، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می کنم که احوالِ عَنَّهُا، وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ، هیچ گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی برم. خداوندا؛ مرا از یاران و کمک رسانان وَالَّذِيْنَ عَنَّهُ، وَالْمُسَارِعِيْنَ اِلَيْهِ فِيْ قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَتِّلِيْنَ و حمایت کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته های او به سویش می شتابند؛ جزو اَولِوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِيْنَ عَنَّهُ، وَالسَّابِقِيْنَ اِلَى اِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِيْنَ دسته ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می دهند؛ جزو حمایت کنندگان از او و پیشی گیرندگان برای انجام امور دلخواه او بِيْن يَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اِنْ حَالَ بَيْنِيْ وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِيْ جَعَلْتَهُ عَلَيَّ و شهادت طلبان در پیش روی او قرار ده. بار خدایا؛ از تو می خواهم که اگر مرگ - که آن را بیک امر حتمی و قطعی برای عبادک حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِيْ مِنْ قَبْرِی، مُؤْتَرًّا كَفَنِيْ، شاهراً بندگان قرار داده ای - بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته ام؛ شمشیرم را کشیده و بالا برده ام سَيْفِيْ، مُجْرَدًا قَنَاتِيْ، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِيْ، فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. نیزه ام را آماده کرده ام و فراخوانی شخصی را که دعوت کننده به سوی اوست لَبِيْكَ گفته و پاسخ مثبت می دهم؛ فراخوانی همان کسی که اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرُّشِيْدَةَ،

وَالْعَزَّةَ الْحَمِيدَةَ ، وَاکْحُلْ نَاطِرِي فِي شَهْرَهَا وَصَحْرَاهَا نَدَا مِي دَهْد . بَار خدایا؛ آن رخسار زیبای جذّاب، و روی نورانی دوست داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده ام را بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُ ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ ، وَأَوْسِعْ مَنَهَجَهُ ، نگاهی بر آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش و اشکلت بی مَحَجَّتِهِ ، وَأَنْفَعِدْ أَمْرَهُ ، وَاشْدُدْ أَرْزُهُ . وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر ، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن . خدایا ؛ با حضور او بِلَادِكَ ، وَأَخِي بِهٖ عِبَادِكَ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ ، وَقَوْلِكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ سِرْمِينَ هَا وَشَهْرَاهَيْتَ رَا آبَادَ گِردان، و بندگانت را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده ای - به خوبی نیز می دانم که گفته های تو حق است - : که « - بِبِشِّ از فِی الْبُرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ » (۲) ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا آن که آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است؛ پس، ای خدا، وَبِئِكَ ، وَإِنَّ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، الْمَسِيئَةَ بِإِسْمِ رَسُولِكَ ، حَتَّى لَا يُظْفَرُ وَلِيٌّ وَنَمَائِنْدَه خودت را که پسر دختر پیامبرت می باشد و هم نام فرستاده تو - مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - است ؛ برای ما آشکار کن تا بِشَيْءٍ ءٍ مِنْ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَفَهُ ، وَبِحَقِّ الْحَقِّ وَيُحَقِّقَهُ . وَاجْعَلْهُ هَرِ بَاطِلٍ وَنَادِرَسْتِي رَا نَابُودَ كِنْدَ وَ بَرِ آن

اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا بَارِئًا بِخَدَايَا؛ أَوْ رَا بِنَاهِ بِنْدِگَانِ سَتْمَدِيدِهِ اِت، وَ يَارِ وَ يَاوِرِ كَسَانِي قَرَارِ دِهْ كِهْ جَزْ تُو يَاوِرِي بَرَايِ خُودِ نَمِي يَابَنْدِ، غَيْرِكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُسَدِّدًا لِمَا وَرَدَ وَ خَدَايَا؛ أَوْ رَا تَجْدِيدِ كُنْنِدِهْ اَن دَسْتُورَاتِ كِتَابِتِ (قُرْآنِ) قَرَارِ دِهْ كِهْ تَعْطِيلِ شُدِهْ اِسْت؛ وَ مَحْكَمِ كُنْنِدِهْ مِنْ اَغْلَامِ دِينِكَ، وَ شَيْتَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَ اَجْعَلْهُ نَشَانِهْ هَايِ اَشْكَارِ دِينِت، وَ رُوشِ هَايِ نِيكُوِي پِيَامِبِرْت - كِهْ دَرُودِ بَرِ اَوْ وَاَلِ اَوْ بَادِ - قَرَارِ دِهْ . اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ . اَللّٰهُمَّ وَسِّرْ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا خُدَايِ مَنْ؛ اَوْ رَا جَزُو كَسَانِي قَرَارِ دِهْ كِهْ اَزِ بَدِي وَ عَذَابِ تَجَاوَزْ كَارَانَ دَرِ اَمَانَ مِي دَارِي. خَدَايَا؛ پِيَامِبِرْتِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ بَرُوْنِيهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلٰى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ - كِهْ دَرُودِ بَرِ اَوْ وَاَلِ اَوْ بَادِ - رَا بَا دِيدَنِ اَيْنِ فَرْزَنْدِ شَايِسْتِهْ اَشْ وَ كَسَانِي كِهْ اَزِ دَعْوَتِ اَوْ پِيروِي نَمُودِهْ اَنْدِ، شَادِ وَ خُوشْحَالَ فَرْمَا؛ وَ بِهْ اِسْتِيكَانَتِنَا بَعِيدَهْ. اَللّٰهُمَّ اَكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ بِحَضُورِهِ، بِيْجَارِگِي مَا كِهْ بَا غَيْبِتِ اَوْ بِهْ وَجُودِ اَمْدِهْ اِسْت، رَحْمِ كُن . خَدَايَا؛ اَيْنِ اَنْدُودِهْ وَ اَفْسَرْدِگِي رَا بَا حَضُورِ اَن عَزِيْزِ پَنْهَانَ شُدِهْ، اَزِ اَيْنِ اُمَّتِ بَرَطْرَفِ كُن ؛ وَ عَجَلْ لَنَا طُهُوْرَهْ، اِنْهُمْ يَرُوْنَهْ بَعِيْدًا، وَ نَرِيْهْ قَرِيْبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا وَ دَرِ ظُهُورِ وَ اَشْكَارِ شُدَنِ اَوْ شَتَابِ كُن؛ چَرَا كِهْ اَنهَا (دَشْمَنَانَ تُو) زَمَانَ

ظهور او را دیروقت می پندارند، ولی ما آن را نزدیک می دانیم؛ البتّه، به امید رحمت اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و مهربانی تو؛ ای مهربان ترین مهربانان ؛

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی :

اَلْعَجَلُ ، اَلْعَجَلُ ، يا مَوْلایِ يا صاحِبَ الزَّمانِ .(۳)

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان .

معنای بیعت با حضرت مهدی علیه السلام

معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداء

معنای بیعت بین طرفین ؛ تعهد بیعت کننده ، و پیمان محکم و میثاق استوار اوست به این که با جان و مال خود ، کسی را که با او بیعت کرده است یاری کند ، و هر چه از دستش برمی آید نسبت به او کوتاهی نکند ، و هر گونه یاری که می تواند نسبت به او انجام دهد ، و جان و مال خودش را سپر بلای او گرداند و فدای او کند . و بیعت به این معنی در دعای عهدی که هر روز آن را باید خواند ، و در دعای عهدی که خواندن آن به مدت چهل صبح وارد شده ، مطرح شده است .

و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در خطبه غدیر که در کتاب «الإحتجاج» روایت شده است همه مردم را - چه حاضر در آن مکان و چه آنان که در آنجا نبودند - به این گونه بیعت با ائمه طاهرین علیهم السلام فرا خوانده است .

بدون شک ، بیعت به این معنا ، از لوازم و نشانه های ایمان است ؛ بلکه ایمان بدون آن محقق نمی شود .

بیعت کننده (و فروشنده) ، مؤمن است ؛ و مشتری نیز خداوند عزّ وجلّ است . لذا

، در قرآن فرموده است :

« إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ ... » (۴) .

همانا خداوند از مؤمنان جان و مال شان را خریده است ؛ و در عوض آن ، بهشت را به آنان ارزانی می دارد .

خداوند ، پیامبران و رسولان خود را فرستاد تا این بیعت را تجدید نمایند ، و بر آن تأکید ورزند ؛ بنابراین ، هر کس با آنان بیعت کند ، با خداوند بیعت نموده است ؛ و هر کس از آنان روی بگرداند ، از خدا روی گردانده است . لذا ، خداوند فرمود :

« إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَاتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا » . (۵)

همانا کسانی که با تو بیعت نمایند ، با خداوند بیعت کرده اند ؛ و البته دست خدا بالای دست آن ها است ؛ پس هر کس پیمان شکند ، پیمان را علیه خودش شکسته است ، و هر کس وفا کند به آنچه با خدا عهد نموده است ، البته خداوند به او پاداش بزرگی عنایت خواهد کرد .

این آیه دلالت دارد بر این که مراد از بیعت ، همان پیمان محکم و میثاق استوار با خدا و رسولش است و به آنان که بدین عهد وفا کنند، اجری بزرگ وعده داده شده است .

این بیعت با دو چیز کامل می شود :

۱ - تصمیم استوار و پابنده قلبی بر اطاعت فرمان امام علیه السلام ، و یاری آن حضرت با بذل جان و مال ؛ آن گونه که خداوند به آن در این آیه

شریفه اشاره فرموده است: « إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ ... » .

دعای عهد دیگر

چون بر فروشنده واجب است که آن چه را به مشتری فروخته است ، هنگام مطالبه او ، بدون فکر و اندیشه و تأخیر به او واگذارد و آنچه در ضمیر و نهران خود قرار گذاشته محقق سازد .

۲- اظهار قصد درونی و به زبان آوردن اراده قلبی ؛ امر دومی است که هنگام بیعت باید مورد توجه قرار گیرد ؛ و این گونه ، بیعت کامل می گردد . همان طور که «عقد بیع» در سایر موارد، به دو چیز کامل می شود :

الف) قصد انشا و ایجاد آن به مقتضای آنچه دو طرف معامله قرار گذاشته اند .

ب) به زبان آوردن آنچه اراده کرده اند و در باطن به آن معتقدند .

گاهی به دست دادن بیعت گفته می شود ؛ همان طور که در بین عرب ها در بعضی از زمانها مرسوم بوده که وقتی معامله تمام می شد دست یکدیگر را می فشردند .

از اطلاق آیه شریفه هم استفاده می شود که لفظ «ید» (دست) بر این مطلب دلالت دارد: « إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ... » .

اضافه بر این که در روایات نیز وارد شده است که آن ها با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با دست شان بیعت می کردند . (۶)

دعای عهد دیگر

جابر بن یزید جعفی گوید : حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود :

هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند ، در زمره بندگان نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم (صلوات الله علیه) بالا برده می شود ؛ وقتی قائم ما ، خروج کرد

آن شخص را به اسم خودش و پدرش می خوانند ، و این نامه را به او می دهد و می گوید : بگیر ؛ این نامه ، عهدی است که در دنیا با ما بسته ای .

این سخن خداوند عزوجل نیز به همین اشاره دارد : «إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (۷) ، «جز آن کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد» .

با طهارت ، این دعا را بخوانید :

اَللّٰهُمَّ يَا إِلَهَ اَلْاَلِهَةِ ، يَا وَاحِدٌ ، يَا اَحَدٌ ، يَا اَخِرَ الْاٰخِرِيْنَ ، يَا قَاهِرَ خَدَايَا ؛ اَي مَعْبُوْد مَعْبُوْدَان ؛ اَي خَدَاي يَگانه؛ و اَي خَدَاي يَکتا ؛ اَي از همه پيشينيان پيشين تر ؛ اَي چيره شونند و غَالِبِ الْقَاهِرِيْنَ ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمٌ ، اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْلَى ، عَلُوْتُ فَوْقَ بِر همه قدرتمندان ؛ اَي برتر و اَي بزرگ ؛ تو خدای برتر و بلندمرتبه هستی، و برتری یافتی کُلُّ عُلُوٍّ ، هَذَا يَا سَيِّدِيْ عَهْدِيْ وَ اَنْتَ مُنْجِرٌ وَعَدِيْ ، فَصَلِّ بِاِبره برتری ؛ این است عهد من، اَي سرور من ؛ و تو وفاکننده وعده من هستی ؛ پس مَوْلَايِ عَهْدِيْ ، وَ اُنْجِرْ وَعَدِيْ ، اَمْنْتُ بِكَ . وَ اَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ مَوْلَايِ مِنْ اَيْنِ عَهْدِ مَرَا بِه مقصد برسان، و به وعده ام وفا فرما که من به تو ایمان دارم . و از تو مسألت می کنم به حِجَابِ الْعَرَبِيِّ ، وَ بِحِجَابِكَ الْعَجَبِيِّ ، وَ بِحِجَابِكَ الْعُبْرَانِيِّ ، وَ بِحِجَابِكَ عَرَبِيَّتِ ، و به حِجَابِ عِبْرَانِيَّتِ ، و به حِجَابِ ۱ . سوره مریم ، آیه ۸۷ .

السَّرْبَانِيِّ ، وَ بِحِجَابِكَ الرَّوْمِيِّ ، وَ بِحِجَابِكَ الْهِنْدِيِّ ، وَ اَنْتَبْتُ سَرْبَانِيَّتِ ، و

به حجاب رومیت، و به حجاب هندیت؛ و با معرفتیک بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى ، وَأَنْتَ بِالْمُنْظَرِ عَنَايَاتِ أَوْلِيَةِ ات ، معرفت را در وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایی هستی که دیده نمی شوی، و تو الْأَعْلَى . وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْدِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، در چشم انداز برتری هستی . به تو تقرب می جویم به وسیله رسول و فرستاده بیم دهنده تو - که درود خدا بر او و آل او باد - ؛ وَبِعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي ، وَبِالْحَسَنِ وَبِهِ حَضَرْتَ عَلِيَّ امير مؤمنان - درود خدا بر او باد - که هدایت کننده بود؛ و به حسن ، السَّيِّدِ وَالْحَسَيْنِ الشَّهِيدِ بِيَطْنِ نَبِيِّكَ ، وَبِفَاطِمَةَ ابْنَتِ بِنْتِ عَلِيٍّ آقا و سرور؛ و به حسین، شهید؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمه بتول؛ و به علی بن الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي النُّفَاتِ ، وَابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بن الحسين ، زینت عبادت پیشه گان، و صاحب پینه ها) بی که بر اثر عبادت بر بدنش عارض شده بود؛ و به محمّد بن علی، الْبَاقِرِ عَنْ عَلِيٍّكَ ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ ، الَّذِي صَلَدَقَ شَكَافِنْدَةَ عِلْمِ تُو ؛ و به جعفر بن محمّد صادق، که بِمِثَاقِكَ وَبِمِعَادِكَ ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحُضُورِ الْقَائِمِ بَعْدَكَ ، مِثَاقِ وَمِعَادِ تُو رَا تَصْدِيقِ نَمُود؛ و به موسی بن جعفر ، که پارسا بود و به پیمان تو قیام کرد؛ وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَبِهِ عَلِيٌّ بن موسی ، حضرت رضا که راضی به حکم تو بود؛ و به محمّد بن علی ، الْجَبْرِ الْفَاضِلِ

، الْمُؤْتَصِي فِي الْمُؤْمِنِينَ ، وَيَعْلَى بِنِ مُحَمَّدٍ دَانِشْمَنْدِ بَافِضِيلَتِ وَ مَوْرِدِ پَسَنْدِ دَرِ مِيَانِ مُؤْمَنَانِ ؛ وَ بِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، الْأَمِينِ الْمُؤْتَمِنِ ، هَادِي الْمُسْتَشِيرِشِدِيْنِ ، وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ امين و امانت دار ، هدايت کننده هدايت جويان ؛ وَ بِهِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، الطَّاهِرِ الرَّكِيٍّ ، خَزَائِنِ الْوَصِيَّيْنِ . وَ اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ پَاكِ وَ پَاكِزِه ، گنجينه رازهاى اوصيا . وَ بِهِ تَوْ تَقَرَّبِ مِي جَوِيْمِ اى خدا ؛ (بِهِ وَسِيْلِهٖ اِمَامِ قِيَامِ كُنْنْدِهٖ الْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ الْمُهَيَّبِ ، إِمَامِنَا وَائِنِ إِمَامِنَا صِدْلَمَوَاتُ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ عَدْلُ گَسْتَرِ ؛ هِمَانِ هِدَايَتِ شُدِهٖ اى كِه مَوْرِدِ اِنْتِظَارِ اسْتِ ؛ كِه اَو اِمَامِ مَآ وَ فِرْزَنْدِ اِمَامِ مَاسْتِ ؛ دَرُودِهَايِ خِدا بِرِ هِمِهٖ آتَانِ يَادِ . أَجْمَعِيْنَ . يَا مَنْ جَلَّ فَعَظْمٌ وَ [هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَى وَرَجَمَ ، يَا مَنْ اى آن كِه باشكوه و بزرگ اسْتِ ، پَسِ شَايِسْتِهٖ اَيْنِ جَلَالَتِ وَ عِظْمَتِ اسْتِ ؛ دَرِ عَيْنِ حَالِ بِهٖ بَنْدِگَانِشِ تَرْخَمِ مِي كَنْدِ وَ آتَانِ رَا عَفُو قَدَرَ فَلَطَفَ ، أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي ، وَ مَا قَصِيرَ عَنْهُ عَمَلِي مَنْ مِي نَمَايْدِ ؛ اى آن كِه تَقْدِيرِ مِي نَمَايْدِ وَ تَقْدِيرِشِ دَقِيْقِ اسْتِ ؛ اَزِ ضَعْفِ خُودِ ، وَ اَزِ كُوتَاھِي عَمَلِ تَوْحِيدِ كِ ، وَ كُنْهٖ مَعْرِفَتِكَ ، وَ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْجِيهِ الْبَيْضَاءِ ، نَسْبَتِ بِهٖ تَوْحِيدِ وَ كُنْهٖ شَنَاخْتِ تَوْ بِهٖ تَوْ شَكَايَتِ مِي بَرَمِ ؛ وَ بِهٖ تَوْ رُو مِي كَنَمِ بِهٖ وَسِيْلِهٖ نَامِيْدِنِ سَبِيْدِ ، وَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى ، الَّتِي قَصَرَ عَنْهَا مَنْ أَذْبَرَ وَ تَوَلَّى . وَ اَمْنُتُ وَ بِهٖ يَكَاَنْگِي بَزَرْگِ ؛ كِه كَسِي كِه بَدَانِ پِشْتِ كَنْدِ نَمِي تَوَانْدِ بَدَانِ دَسْتِ يَارْدِ . اِيْمَانِ آوْرْدِمِ بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ ، وَ بِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا ، الَّتِي خَلَقْتَ

مِنْهَا دَارَ بِهِ بزرگترین حجابت، و به کلمات کامل عالی رتبه ات؛ که از آن ها این دار دنیا و اَبْلَاءِ، وَأَخْلَلْتُ مَنْ أَحْبَبْتَ حَجَّهَ الْمَأْوَى، وَ أَمِنْتُ بِالسَّابِقِينَ بِلَا رَا خَلْقِ نمودی، و آن که را دوست داشتی به منزل بهشتی وارد گردانیدی. ایمان آوردم به سبقت جویان وَالصَّادِقِينَ، أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، [وَالَّذِينَ خَلَطُوا وَ رَاسْتِ گویان؛ آنان که از میان مؤمنان، اصحاب یمین و سعادت یافتگان اند؛ و نیز به آن ها که عَمَلًا صَالِحًا وَ اٰخَرِ سَيِّئًا اَلَّا تُوَلِّيَنِي غَيْرَهُمْ، وَلَا تُفَرِّقَ بَيْنِي عَمَلِ شَابِسْتَه و صَالِحِ رَا بَا عَمَلِ نَاشَابِسْتَه مَخْلُوطِ كَرْدَه اَنَد، اِنِ كَه سِرْبَرَسْت مَرَا غَيْرِ اَنِ هَا قَرَارِ نَدَه، وَ بَيْنِ مَن وَ اَنِ هَا جَدَابِي وَ بَيْنَهُمْ غَدًا إِذَا قَدَّمْتُ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ. اَمِنْتُ بِسِرِّهِمْ مِيفَكَن؛ دَرِ فَرْدَابِي كَه رِضَا وَ خَشْنُودِي رَا مَقْدَمِ دَارِي بَا تَمَامِ شَدَن حَكَمِ وَ دَاوَرِي. مَن بَه نِهَانِ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَ خَوَاتِيمِ اَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَحْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا شِئْتُ، يَا وَ اَشْكَارِ وَ پَايَانِ اَعْمَالِ شَان، اِيْمَانِ اَوْرَدَم. پَسِ هَمَانَا تُو كَارِ اَنِ هَا رَا خْتَمِ خَوَاهِي كَرْدِ هَرِ گَاهِ كَه خَوَاسْتِي؛ اِي مَن اَتَحَفَنِي بِاَلِاِقْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ حَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ، اَنِ كَه بَرِ مَن مَنَّتِ نِهَادِي وَ بَه يَكْتَابِي خَوِيش، مَقَرَّ وَ مَعْتَرَفَمِ نُمُودِي؛ وَ بَا شَنَاخْتِ مَقَامِ رِبُوبِي خُودَتِ بَرِ مَن لَطْفِ كَرْدِي؛ وَ خَلَصْتَنِي مِنَ الشُّكِّ وَالْعَمَى، رَضِيسْتُ بِكَ رَبًّا، وَ بِالْأَضْرَافِيَاءِ وَ مَرَا اَزِ شَكِّ وَ كُورْدَلِي رَهَانِيدِي؛ رَاضِي گِشْتَم بَه اِيْنِ كَه تُو پَرُورْدِ گَارَمِ بَاشِي؛ وَ بَرِ گَرِيدِ گَانْت، حُجَجًا، وَ بِالْمُحْجُوبِينَ اَنْبِيَاءَ، وَ بِالرُّسُلِ اَدْلَاءَ، وَ بِالْمُتَّقِينَ اَمْرَاءَ، حَجَّتِ هَا

من باشند؛ و افراد محبوب، پیامبران من باشند؛ و رسولان تو راهنمایان من گردند؛ و پرهیزگاران نیز فرمانروایان من باشند؛ وَ سَامِعاً لَكَ مُطِيعاً. (۸)

که آگاهانه، حرف شنو و مطیع تو هستم .

۳ دعای زمان غیبت

دعای زمان غیبت

دعای روزگار غیبت که مولای مان حضرت امام هشتم علیه السلام امر به خواندن آن نموده است .

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» چنین می گوید :

در بیان اعمال شبانه روز ذکر کردیم که امامان ما علیهم السلام اهتمام زیادی به دعا نسبت به حضرت مهدی صلوات الله علیه داشته اند ؛ به گونه ای که این مهم را از وظایف اساسی مسلمانان و مؤمنان دانسته اند .

از میان اعمال شبانه روز ، در تعقیب نماز ظهر ، دعای امام صادق علیه السلام را ذکر نمودیم که در آن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بهتر و بیشتر از دعا برای خودشان ، دعا نموده اند . نیز در تعقیب نماز عصر از اعمال شبانه روز ، فصل زیبایی از دعای امام کاظم علیه السلام را نقل کردیم که آن بزرگوار برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیشتر از برای خودشان دعا می کردند .

و این دلیل است برای اقتدای به این دو امام علیهما السلام برای کسی که مقام و منزلت دینی آنها را بداند؛ و علاوه بر آن، دستور امام رضا علیه السلام و غیر آن حضرت مبنی بر دعای برای حضرت مهدی ارواحنا فداه را ذکر خواهیم کرد و دعای آن حضرت را نیز بیان می کنیم .

این دعا را جدّ من «ابو جعفر طوسی» با چند طریق از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام پیوسته به

ده او را فی وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تُضِيْعُ ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ ، وَفِي در ودیعه خودت که از بین رفتنی نیست ، و در همسایگی خود که مورد خیانت قرار نگیرد ، و در مَنِعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ ، وَامْنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ ، الَّذِي لَا يُخَذَلُ حِمَايَتِ و سایه عَزَّتْ خودت که مقهور نگردد . و او را در امان محکم خود ایمن بدار؛ که هرگز آن که در سایه مَنُ امْنَتُهُ بِهِ ، وَاجْعَلُهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ ، اَمِنْ تو باشد ذلیل و خوار نگردد . و او را در کنف حمایت خویش قرار ده؛ زیرا حمایت شده تو هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت؛ وَأَيَّدُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ ، وَأَيَّدُهُ بِجُنْدِكَ الْعَالِبِ ، وَقُوَّةِ بَقْوَتِكَ ، و او را با یاری شکست ناپذیرت کمک فرما، و با سپاه پیروزمندت تأییدش کن، و با نیروی خود نیرومندش فرما ، وَأَرْزِدْفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، وَوَالٍ مَنُ الْوَالَةِ ، وَعَادٍ مَنُ عَادَاهُ ، وَالْأَيْدِيَّ وَالْأَيْدِيَّ وَفَرَشْتِكَاكَ رَا بَا و همراه ساز؛ و دوستش را دوست دار ، و دشمنش را دشمن بدار؛ و دِرْعَكَ الْحَصِيْبَةَ ، وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا . اَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ مَا زَرَهُ مُحْكَمٌ وَمُحَافِظٌ خُودِ رَا بَرَا و بیوشان؛ و فرشتگان را گرداگرد او در آور . بار خدایا ؛ او را به برترین مرتبه ای برسان که بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقَشْرَطِكَ مِنْ اَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ . اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهٖ هَرِّ يَكٍ از برپاکندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خداوندا ؛ اختلاف ها را به واسطه وجود مقدسش الصَّدْعُ ، وَارْتَقَى بِهٖ الْفَتْقُ ، وَامْتَّ بِهٖ الْجُوزُ ، وَأَطْهَرُ بِهٖ الْعَدْلُ

، برطرف گردان، و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او از میان بردار . و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل را به وسیله او آشکار و زَیْنُ بَطُولِ بَقَايِهِ الْأَرْضِ ، وَأَيْدُهُ بِالنَّصْرِ ، وَأَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ ، ساز، و زمین را با باقی ماندن طولانی اش زینت و کمال بخش؛ و او را به یاری خودت تأیید کن و با رعب افکندن بر دل دشمنانش وَقَوْ ناصِرِيهِ ، وَأَخَذَلْ خَاذِلِيهِ ، وَدَمْدِمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَدَمَّرْ بیروزش گردان ، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان او را خوار و ذلیل گردان، و آن که رو در رویش به جنگ ایستد به هلاکت مَنْ عَشَّهُ . وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَعُمْدَهُ وَدَعَائِمَهُ ، وَأَقْصِمْ بِهِ بَرَسَانَ ، و آن که با او مکر و خدعه کند نابودش ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردسته ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت رُوُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ ، وَمُمَيَّتَةَ الشُّنَّةِ ، وَمُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ ، انداز ، و پشت سران گمراهی، بدعت گذاران و نابود کنندگان سَنَّتِ الْهَى و تقویت کنندگان باطل را به واسطه او بشکن . وَذَلَّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ ، وَأَبْرِزْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُتَلَجِدِينَ ، فی با وجود شریفش ، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و همه کافران و ملحدان را مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ، - در شرق و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت - ریشه کن فرما؛ حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دَبَّاراً ، وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَاراً . اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ تَا كَسَى اِزْ اَنَانِ بَر جَاى نَنهى ، و اثرى اِزْ اَنَانِ باقى ننگدارى .

بارخدايا؛ سرزمینت را از وجود آن ها پاک گردان، بِلَادَكَ ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأُخِي بِهِ سُنَّ وَ قَلْبَ بندگان را با نابودی آن ها شفا ده ؛ و به واسطه آن وجود مقدس ، اهل ایمان را عزیز گردان، و سَنَّتْ هَای الْمُؤْمِنِينَ ، وَ دَارَسَ حُكْمَهُ النَّبِيِّينَ ، وَ جَدَّدَ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ رَسُولَانِ وَ آنچه از حکمت های پیامبران مندرس گشته به وسیله او زنده کن، و آنچه از دین تو که از بین رفته دینک ، وَ بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ ، وَ عَلَى يَدَيْهِ وَ از احکامت که دگرگون شده به وسیله او بازسازی کن ؛ تا دین حقیقی خود را به وسیله او و به دست توانای او ، غَضًا مُحَضًّا صَحِيحًا ، لَا عَوَجَ فِيهِ ، وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ ، وَ حَتَّى تُنِيرَ بِهِ كَوْنَهُ اى تازه و بی آرایش و صحیح اعاده کنی و بازگردانی ؛ که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی با آن آمیخته نباشد . وَ بَعْدَلِهِ ظَلَمَ الْجَوْرَ ، وَ تَطْفِئُ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ ، وَ تُوَضِّحُ بِهِ مَعَاقِدَ تَارِيخِي هَای ظلم و بیداد با عدل او روشن گردد، و آتش کفر به وسیله او خاموش شود، و در نتیجه، پیچیدگی های حق آشکار گردد ، الْحَقُّ وَ مَجْهُولُ الْعَدْلِ . فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَ اَسَاسَ عَدْلٍ وَ قِسْطٍ - که مجهول مانده است - معلوم و روشن شود. زیرا آن حضرت، بنده توست که برای خودت خالصش گردانیدی، وَ اصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ ، وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ ، وَ اَنْتُمْ تَهْتَهُ عَلَيَّ وَ از میان بندگان او را برگزیدی، و بر آن ها اختیار کردی ، و

او را برای سپردن عَنِّيكَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَأْتُهُ مِنَ الْعُيُوبِ ، وَطَهَّرْتَهُ غِيبِ خُودَتِ ، امین یافتی ؛ و از گناهان، او را نگه داشتی ، و از هر عیبی پیراسته اش کردی، و مِنَ الرَّجْسِ ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ .
اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ از هر پلیدی آراسته اش گردانیدی، و از هر ناپاکی رهایش ساختی . خدایا ؛ ما در روز الْقِيَامَةِ ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ ، اَنَّهُ لَمْ يَذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا اَتَى خَوْبًا ، قِيَامَتِ و آن حادثه بزرگ محشر ،
گواهی می دهیم که او هر گز گناهی نکرده، و جرمی انجامی نداده، وَلَمْ يَزْنِكَبْ مَعْصِيَتِيْهٖ ، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً ، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ و معصیتی مرتکب نشده ، و طاعتی را از تو ضایع نساخته، و حرمتی را از
تو هتک حُرْمَتُهُ ، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً ، وَلَمْ يُعَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَةً ، و آنکه نکرده، و فریضه ای از تو را دگرگون نموده، و قانونی از دین تو تغییر نداده است . و او الْهَادِيَ الْمُهْدِيَّ الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ
. اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ هِدَايَةَ گر انسان ها، و هدایت یافته پاک سیرتِ بَاتِقُوْاى پاکیزه پسندیده آراسته است . خدایا ؛ برای او فى نَفْسِيْهٖ وَاَهْلِيْهٖ ، وَاَوْلَادِيْهٖ وَذُرِّيَّتِيْهٖ ، وَاُمَّتِيْهٖ وَجَمِيْعِ رَعِيَّتِيْهٖ ، ما تُفَوِّزُ نَسَبًا بِهٖ خُودِش ، اهلش ،
فرزندانش ، اُمت و همه زیر دستانش ، چیزی عطا کن که به عَيْنُهُ ، وَتَسْبِيْرُهُ بِهٖ نَفْسُهُ ، وَتَجْمَعُ لَهٗ مُلْكُكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلُّهَا ، چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی ؛ و حکومت سراسر
کشورهای قَرِيْبَهَا وَبَعِيْدَهَا ، وَعَزِيْزَهَا وَذَلِيْلَهَا ، حَتَّى يَجْرِيَ

حُكْمُهُ عَلَىٰ نَزْدِيكَ وَدُورُ سِرْفَرِازِ وَخَوَارِ رَا بَهْ اَوْ عَطَا فَرْمَا؛ تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری کُلُّ حُكْمٍ ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ كَلَّ بَاطِلٍ . اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ بِنَا عَلٰى يَدَيْهِ گَرْدَد، وَحَقِّ اَوْ بَرِ هَرِ بَاطِلِي غَالِبِ گَرْدَد . خدایا ؛ ما را به دست او ، بر منهاج الهدی ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى ، وَالطَّرِيقَةَ الْوُشْطَى ، الَّتِي طَرِيقَتِ هِدَايَتِ، وَ بَرِ رَاهِ رُوشَنِ عَظِيمِ وَ رَاهِ مِيَانِهِ وَ اَعْتِدَالِ سَالِكِ گَرْدَانِ ؛ راهی که يَزُجُّعُ اِلَيْهَا الْعَالِي ، وَيَلْحَقُ بِهَا الْتَالِي ، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ ، هَرِ اَفْرَاطِگَرِ پيشی گیرنده ، وَ هَرِ كُوتِهِ نَظَرِ عَقَبِ مَانَدِه ، بَايَدِ بَدَانِ بَازِ گَرْدَد . وَ مَا رَا بَرِ طَاعَتِشِ قُوِي گَرْدَانِ ، وَ تَبَتَّنَا عَلٰى مُشَابِعَتِهِ ، وَ اَمْتُنَّ عَلَيْنَا بِمُتَابِعَتِهِ ، وَ اَجْعَلْنَا فِي جَزْبِهِ وَ بَرِ پيرويشِ ثَابِتِ قَدَمِ بَدَارِ ؛ وَ بَا نَعْمَتِ پيرويشِ بَرِ مَا مَنَّتْ بَگَذارِ ، وَ مَا رَا دَرِ سِيَاهِ اَوْ قَرَارِ دِهْ ؛ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصِيحَتِهِ ، که اَجْرَا كُنْدَه فَرْمَانِ اويند ، وَ دَرِ رَاهِشِ صَابِرِ وَ شَكِيَا هَسْتَنَد ، وَ اَزِ خَيْرِ خَوَاهِي اَوْ فِقْطِ رِضَا وَ خَشْنُودِي تُو رَا طَالِبِ اِنْدَا ؛ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّيهِ سُلْطَانِهِ . تا دَرِ رُوزِ رَسْتَاخِيزِ مَا رَا دَرِ مِيَانِ بَارَانِ وَ مَدَدِ كَارَانِ وَ تَقْوِيَتِ كُنْدِگَانِ حُكُومَتِ بَا بَرِ كُنْشِ مَحْشُورِ فَرْمَايِي . اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكْ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشَبْهَةٍ وَرِيَاءٍ خَدَايَا ؛ اَيْنِ رَا اَزِ مَا ، خَالِصِ وَ بَهْ دُورِ اَزِ هَرِ شَكِّ وَ شَبْهِهِ وَ رِيَا وَ سَمْعِه ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلَا نَطْلُبُ بِهِ اِلَّا وَجْهَكَ ، وَ سَمْعِه قَرَارِ بَدِه ؛ اَنِّ گُونِهِ كِهْ بَا اَيْنِ كَارِ

، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار ، جز تو را نطلبیم ؛

وَحَتَّى تُجَلِّنَا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَأَعِدَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَتَا اِنِ كِه بَه لَطْفَتِ مَآ رَا بَه مَحَلِّ وَ مَقَامِ اَوِ وَّارِدِ نَمَائِي ؛ وَ دَرِ بَهْشْتِ بَا اَوِ وَ دَرِ جَوَارِ اَوِ جَايِ دِهِي ؛ وَ مَا رَا اَزِ خَسْتَكِي وَ الْكَمَلِ وَ الْفَتْرَةِ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ تَنْصِيْرٍ بِه لِ دِيْنِيْكَ ، وَ تُعَزِّرُ بِه نَصِيْرٍ وَ تَنْبَلِي وَ سَسْتِي دَرِ طَاعَتِ ، دَرِ پَنَاهِ خَوِيْشِ قَرَارِ دِهِي ؛ وَ مَا رَا اَزِ كَسَانِي قَرَارِ دِهِي كِه دِيْنَتِ رَا بَه سَبَبِ اَوِ يَارِي مِي دِهِي وَ يَارِي وَ لِيْكَ ، وَ لَا تَشِيْتَبِدِلْ بِنَا غَيْرَنَا ، فَإِنَّ اِسْتِيْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ وَ لِيْتِ رَا تَقْوِيْتِ مِي گَرْدَانِي . وَ كَسِي رَا غَيْرِ اَزِ مَا جَايْگَزِيْنِ مَا مَفْرَمَا ، زِيْرَا كِه اِنِ جَايْگَزِيْنِي بَرَايِ تُو يَسِيْرٍ ، وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسِيْرٍ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وُلَادِ عَهْدِيْهِ ، وَ اَلْاَيْمَةِ بَسِي سَهْلِ وَ آسَانِ اَسْتِ ؛ وَ لِي بَرَايِ مَا بَسِيَارِ گِرَانِ وَ سَنگِيْنِ مِي بَاشَد . خُدَايَا ؛ رَحْمَتِ فَرَسْتِ بَرِ فَرْمَانْدَارَانِ اَوِ ؛ وَ پِيْشَوَايَانِ مِنْ وُلْدِيْهِ ، وَ بَلَّغْهُمْ اَمَالَهُمْ ، وَ زِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ ، وَ اَعِزُّ نَصِيْرَهُمْ ، اَزِ فَرَزَنْدَانِ اَوِ ؛ وَ اَنَانِ رَا بَه آرزُو هَاشَانِ بَرَسَانِ ، وَ بَرِ عَمْرَهَايِ شَانِ بِيْفَزَا ، وَ نَصْرَتِ بَاعَزَّتِ بَه اَنِ هَا عَنَابِتِ فَرْمَا ، وَ تَمَّمْ لَهُمْ مَا اَسْنَدْتِ اِلَيْهِمْ فِيْ اَمْرِكَ لَهُمْ ، وَ تَبَيَّنْ دَعَايْمَهُمْ ، وَ اَنْجِهْ اَزِ اَمْرِ دِيْنِ خُودِ رَا مَرْبُوطِ بَه اَنَانِ فَرْمُودِي بَه حَدِّ كَمَالِ وَ اَتْمَامِ بَرَسَانِ ؛ وَ اَسَاسِ حُكُوْمَتِ اَنَهَا رَا ثَبَاتِ وَ پَايْدَارِي عَنَابِتِ كُنْ ؛ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا ، وَ عَلِي دِيْنِيْكَ اَنْصَارًا ، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِيْكَ ، وَ مَا رَا ، بَرَايِ

آنان یار و برای دینت یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدن های کلمات تو ، وَأَزْكَانُ تَوْحِيدِكَ ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ ، وَوَلَاهُ أَمْرِكَ ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ وَبَاهِ هَاي تَوْحِيدِ تُو، اسطوانه های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو ، وَخَاصَانِ وَخَالِصَانِ از عِبَادِكَ ، وَصِيْفُوْتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَيِّدَاتُكَ وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَيِّدَاتُكَ ، بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان اولیای تو وَصِيْفُوهُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . (۹) و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند ، و درود بر آن ها و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد .

دعای زمان غیبت به روایتی دیگر

دعای زمان غیبت به روایتی دیگر

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله چنین می گوید : یونس بن عبدالرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت پیوسته دستور به دعا برای صاحب الزمان ارواحنا فداه می داد و از جمله دعا های ایشان برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه این دعاست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ خِدَايَا ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودَ فَرَسْتِ وَازِ وَلِيِّ وَخَلِيفَةِ اتِ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ بِأُذُنِكَ ، النَّاطِقِ وَحُجَّتِ بِرِ بندگان ، (هر بلایی را) دفع فرما . همان کسی که با اجازه تو زبان گویا و بیان کننده حقایق از طرف تو است ، وَبِحُكْمَتِكَ ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ ، الشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ ، بِحِكْمَتِ تَوْسَخِنِ مِی گوید؛ و چشم بینی تو در میان بندگان است؛ گواه بر آن ها است ؛ الْجَجَّاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ ، عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ . اللَّهُمَّ وَأَعِدْهُ أَنْ مُجَاهِدِ

کوشا و بنده ای که به تو پناه آورده است . بار خدایا ؛ او را مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأَتْ ، وَبَرَأَتْ وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرْتَ ، وَاحْفَظْهُ از شرّ هر آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی ، و او را حفظ فرما مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش و از بالای سرش وَمِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يُضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ و زیر پایش ؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد . و با این محافظت ، فِيهِ رَسُولُكَ وَوَصِيٌّ رَسُولِكَ وَإِبَاءَةٌ ، أَيْمَتُّكَ وَدَعَائِمُ دِينِكَ ، پیامبر و وصی پیامبر و پدرانش را - آنان که انتمه تو و استوانه های دین تو هستند - حَفِظْ فرما ، صَلِّمُوا تَكَّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تُضِيعُ ، درود تو بر همه آنان باد ؛ و قرار بده او را در ودیعه خویش که از بین نمی رود؛ وَفِي جَوَارِكِ الَّذِي لَا يُخْتَفَرُ ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُمَهَّرُ . و در جوار رحمت که حقیر و پست نمی شود ؛ و در حمایت و پناه عزّت که هرگز مقهور نمی شود . اَللّٰهُمَّ وَ اٰمِنُهُ بِاَمَانِكَ الْوٰثِقِ الَّذِي لَا يَخْدَلُ مَنْ اٰمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ خدایا ؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هر کس در آن نگاهبانی درآید مخدول و مغلوب نشود . او را فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ ، وَانصُرْهُ بِنصيرِكَ العزیز ، در احاطه و سایه لطف خود

که هر کس در آن قرار گیرد مورد ستم واقع نشود قرار بده، او را با یاری قدرت مندت یاری کن، وَايِدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقُوَّةِ بَقْوَتِكَ، وَاُزِدْفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ . اَللّٰهُمَّ و با سپاه غالبت تأييدش فرما، و با قوت لايتناهي خود نيرومندش گردان، و فرشتگان را با او همراه ساز . خدايا ؛ والِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْبِئْسَ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ، وَخَفَهُ دَوْسَتَشْ رَا دَوْسَتِ بَدَارِ، و دشمنش را دشمن بدار، و زره محکم خود را بر او بپوشان؛ و گرداگرد وجودش را بِمَلَائِكَتِكَ حَقًّا . اَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِيْنَ بِقِسِيْطِكَ با فرشتگان ، احاطه کن . خداوندا ؛ او را به برترين مرتبه اي که هر برياکننده عدلي را مِنْ اَتْبَاعِ النَّبِيِّنَ . اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعِ، وَازْتَقْ بِهِ الْفَتْقِ، - از پيروان پيامبران - رسانيده اي برسان. بار خدايا؛ اختلاف ها را به واسطه وجود مقدّسش برطرف گردان، و تفرقه ها و پراکندگي ها را به واسطه او وَاَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاَطْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْاَرْضَ، از ميان بردار . ستم را به وسيله او بميران و عدل را ظاهر فرما، و با ماندن طولاني اش زمين را زينت بخش، وَاَيِدْهُ بِالْصَّيْرِ، وَاَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا، وَاَجْعَلْ و با ياري خود تأييدش کن، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده ؛ و فتح و گشاييشي آسان بدو نصيب فرما، و لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلٰى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ از جانب خودت سلطنت و قدرتي ظفرمندانه بر دشمنان خود و دشمنان او

، به او مرحمت فرما . خدایا ؛ او را همان الْفَاتِمَ الْمُتَنَتِّزَ ، وَالْإِمَامَ الَّذِي يَهْتَنِّصُ ، وَأَيُّدُهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ بَرِيكَتِنْدَه عَدَل و داد قرار ده، که مورد انتظار همگان است؛ و او را امامی قرار ده که به وسیله او ما را یاری می نمایی؛ و با نصرتی وَفَتْحِ قَرِيبٍ ، وَوَرُثَةُ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ بَاعْزَتٍ و گشایشی زود هنگام تأییدش بفرما . مشرق و مغرب زمین را به او ارث بده؛ البتّه قلمروی که برایش مبارک فیها، وَأَخِي بِهِ سِيَّتُهُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَتَّى لَا يَشِيْتَحْفِي قرار داده باشی ؛ به واسطه او سَنَتِ پیامبرت را - که درود خدا بر او و آل او باد - حیاتی دیگر بخش ، تا این که بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ ، وَقَوَّ ناصِرَهُ ، وَأَخَذَلُ چیزی از حق را از ترس کسی ، پنهان ندارد . یاورش را قوی گردان ، و کسی را که خذلان و خواریش را خواهد ، مخذول خاذلَهُ ، وَدَمْدَمَ عَلَيَّ مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَدَمَّرَ عَلَيَّ مَنْ عَشَّهُ . اللَّهُمَّ و مغلوب فرما ؛ کسی که با او دشمنی آشکار نماید مورد خشم خویش قرار بده؛ آن که را با او نیرنگ کند نابود کن . خداوندا ؛ وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمَدَهُ ، وَدَعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِهِ ، وَأَقْصِمْ بِهِ به واسطه او کافران زورگو و ارکان و سردسته های آن ها و هر آن که باعث دوام و قوام آن ها باشد را نابود کن . رُوُوسَ الضَّلَالَةِ ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ ، وَمُؤَمِّتَةَ الشُّنْهَةِ ، وَمُقَوِّبَةَ سِرَانِ الْغَمْرَاهِي ، و سرچشمه های بدعت و هر

که سنت را بعبیراند و باطل را تقویت کند ، با نیروی الهی اش الباطل ، و اذلل به الجبارین ، و ایز به الکافرین و المنافقین ، درهم شکن . سرکشان ستمگر را به وسیله او ذلیل کن و کافران و دورویان و جمیع المُلجِدین ، حیث كانوا و ائین كانوا من مشارق الارض و همه ملحدان را به واسطه او هلاک نما ؛ در هر زمان و هر مکانی که باشند ؛ مشرق و مغاربها ، و بَرها و بَحْرها ، و سَهْلها و جَبَلها ، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ و مغرب ، دریا و خشکی ، کوه و دشت ؛ تا این که از آنان ، دَبَّاراً ، و لَا تُبْقِي لَهُمْ اِثَاراً . اَللّهُمَّ وَطِّئْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ ، و اَشْفِ كَسِي بَاقِي نِگَدَارِي و اثری بجا نماند . خدایا ؛ سرزمین خود را از وجود آن ها پاک کن مِنْهُمْ عِبَادَكَ ، وَاَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَاُخِي بِهِ سَيِّدِنَا الْمُرْسَلِينَ ، و قلب مؤمنان را با نابودی آنان شفا بخش ؛ و به واسطه آن حضرت ، مؤمنان را عزیز فرما ، و سنت های رسولان و دَارسِ حِكْمِ النَّبِيِّينَ ، و جَدِّدْ بِهِ مَا مُجِي مِنْ دِينِكَ ، و بُدِّلْ مِنْ و فرستادگانت را ، و احکام پیامبران را - که رو به نابودی رفته است - بار دیگر زنده نما ، و هر آن چه از دینت محو شده و از حُكْمِكَ ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ و عَلٰى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيداً صَحِيحاً احکامات دگرگون گشته است ، تازه و نو گردان ؛ تا این که دین حقیقی تو به دست او ؛ شاداب ، تازه ، جدید ، خالص و مَخْضاً ، لَا عَوَجَ فِيهِ ، و لَا يَدْعُو مَعَهُ ، حَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ

ظَلَمَ الْجَوْرَ، صحیح بدون هیچ کزی و بدعتی گردانی . تا آن که تاریکی های ستم را با نور عدلش روشن گردانی ، وَتُطْفِئِ بِهٖ نِيرَانَ الْكُفْرِ ، وَتُظَهِّرُ بِهٖ مَعَاقِدَ الْحَقِّ ، وَمَجْهُولَ و آتش فتنه های کافران را به وسیله او خاموش گردانی ، و گره خوردگی ها و پیچیدگی های حق را به وسیله او آشکار گردانی و عدل و داد گم شده و العَدْلُ ، وَتَوْضِیحُ بِهٖ مُشْكِلاتِ الْحُكْمِ . اَللّٰهُمَّ وَاِنَّهٗ عَبْدُكَ الَّذِی نَاشِئِیْنَهٗ بِهٖ وَسِیْلَهٗ اَوْ ظَاهرِ گِردانی؛ مشکلات و دشواری های احکام را - با پرتوهای نورافشان او - واضح گردانی . بار خدایا ؛ همانا اسْتَحْلَضَیْتَهُ لِنَفْسِکَ ، وَاَصْرَفْتَهُ عَلٰی اَوْ بِنْدَهٗ اِیْ اَز بِنْدِگَانِ توست که برای خود خالصش گردانیدی، و از میان آفریدگانت او را برگزیدی، و او را عِبَادِکَ ، وَاَتَمَمْتَهُ عَلٰی غَیْبِکَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَأْتَهُ بِرِ بِنْدِگانت برگزیدی ، و او را برای سپردن غیب خود امین یافتی، و از گناهان معصومش داشتی، و از عیب ها مبرايش کردی، مِنَ الْعُیُوبِ ، وَظَهَرْتَهُ [مِنَ الرَّجْسِ] ، وَصَيَّرْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ ، و از هر گونه آلودگی پاکیزه اش کردی، و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی، وَسَيَّلْتَهُ مِنَ الرَّؤْبِ . اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَهٗ یَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَیَوْمَ و از هر شک و شبهه ای سلامتت فرمودی . خدایا ؛ ما در روز قیامت - و روز حُلُولِ الطَّامَةِ ، اَنَّهُ لَمْ یُذْنِبْ وَلَمْ یَأْتِ خَوْبًا ، وَلَمْ یَزْتَكِبْ لَکَ بِرِیَا شَدْنِ حَادِثَهٗ عَظِیْمَ مَحْشَرٍ - گواهی می دهیم که او گناهی نکرده است ؛ جرمی انجام نداده مَعْصِیَهٗ ، وَلَمْ یُضَيِّعْ لَکَ طَاعَهٗ ، وَلَمْ

يَهْتِكُ لَكَ حُزْمَهُ ، وَلَمْ يُبَدِّلْ و معصیتی مرتکب نشده است؛ طاعتی را تباه نکرده است؛ حرمتی را هتک نکرده است؛ و لَكَ فَرِيضَةٌ ، وَلَمْ يُعَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَهُ ، وَأَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي وَاجِبِي را عوض ننموده است؛ و قانونی را تغییر نداده است ؛ او امامی پرهیزکار ، هدایت گر ، الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ . اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ رَهْبِي هِدَايَتِ شَدَه ، پاك سرشت ، باتقوا ، باوفا ، پسندیده و نيك سيرت است . خداوندا ؛ بر او وَعَلَىٰ آبَائِهِ ، وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ ، وَأَهْلِهِ وَدُرَرِيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ و پدرانش درود فرست، و در مورد خودش ، فرزندان و خانواده اش ، اَمْتٍ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَتُسَيَّرُ بِهِ نَفْسُهُ ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُكَ و رعیتش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی ؛ و حکومت همه الْمَمْلُكَاتِ كُلِّهَا ، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا ، وَعَزِيْزَهَا وَدَلِيْلَهَا ، حَتَّى مَمَالِكِ - اعم از دور و نزدیک ، قوی و ضعیف - تحت سیطره او درآید ، يَجْرِي حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ ، وَيَعْلَبُ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ . و فرمانش بر هر حکمی نافذ باشد، و کلمه حَقِّش ، بر هر باطلی غالب گردد . اَللّٰهُمَّ وَاسْمُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى ، خدایا ؛ به دست مبارکش ما را بر طریق هدایت روان کن، و بر شاهراه روشن وَالطَّرِيقَةَ الْوُشْطَى ، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي ، وَيَلْحَقُ بِهَا النَّالِي . و راه میانه و اعتدال - که هر افراطگر پیشرو و هر تفریطیسته عقب مانده باید

بدان باز گردد - استوار فرما . اَللّٰهُمَّ وَفَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ ، وَتَبَيَّنَّا عَلَى مُشَابَعَتِهِ ، وَآمَنُنَّ عَلَيْنَا خَدَايَا ؛ مَا رَا بِر طَاعَتِش نَبْرُومَنْد گَرْدَان ، وَ بِر بِرُويش ثَابِت قَدَم بَدَار ، وَ بِا نَعْمَت بِرُويِ از او بِر مَا مَنَّت بِمُنَابَعَتِهِ ، وَاجْعَلْنَا فِي جَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ ، بگذارد ، و ما را جزو گروه او که عهده دار امر او هستند قرار ده که به فرمانش ، سر فرود می آورند ، و در راهش صبر پیشه می کنند ، اَلطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصِرَتِهِ ، حَتَّى تَخْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي وَ از خیرخواهی او رضای تو را می طلبند . تا در نهایت ، در روز قیامت ، ما را در اَنْصَارِهِ وَاَعْوَابِهِ ، وَمُقَوَّيهِ سُلْطَانِيهِ . اَللّٰهُمَّ صَيِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ گروه یاران و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت بابرکتش ، محشور نمایی . خداوند ؛ بِر مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كَلِمَةً مِّنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ مُحَمَّدٍ دَرُود فرست ، و همه این ها را از ما خالص و به دور از هر شَكِّ و شِبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَشِرْكِهِ ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهٖ غَيْرَكَ ، وَلَا نَطْلُبَ بِهٖ اِلَّا وَجْهَكَ ، و ریا و سماعه قرار بده ؛ آن گونه که با این کار ، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار ، جز تو را نطلبیم ؛ وَحَتَّى تُجَلِّنَا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَلَا تَبْتَلِنَا فِي بَاشَد که ما را در محلّ و جایگاه آن حضرت وارد نمایی ، و ما را در بهشت همراه او گردانی ، وَ دَر اَمْرِهِ بِالْمَسَامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَقْرِ وَالْفَسْلِ ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُ تَنْتَصِرُ انجام فرمان او ما را به تنبلی ، سستی

ضعف و گسستگی مبتلا نسازی؛ و ما را از کسانی قرار ده که په لېدینک ، وَتَعْرِضُ بِهٖ نَصْرًا وَوَلِيَّكَ ، وَلَا تَنْتَبِذْ بِنَا غَيْرَنَا ، فَإِنَّ دِينَتَ رَا بَهٗ وَسِيْلَهٗ آتَانَا بَارِي مِي كُنِي ، و باری ولیت را به او تقویت می کنی، کسی را جایگزین ما مکن؛ زیرا، اِشْتَبَدَ الْكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيْرًا ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيْرًا ، إِنَّكَ عَلٰی كُلِّ اٰیْنٍ جَائِزِيْنِيْ بِرِ تُو اَسَانَ اسْتِ ، و لی بر ما بسی سنگین و دشوار . باور دارم که تو بر هر شیءِ قَدِيْرٌ . اَللّٰهُمَّ وَصِيْلًا عَلٰی وُلَاةِ عَهْدِهٖ ، وَبَلَّغُهُمْ اَسَالَهُمْ ، چیزی توانایی . خدایا ؛ بر فرماندارانش رحمت فرست، و به آرزوهای (مقدس شان) برسان، وَرَدِّ فِیْ اَجَالِهِمْ وَانصُرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا اَشْرَيْتَ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِ و بر عمرشان بیفزای، و یاریشان فرما، و آن چه از امر دینت به آن ها مربوط ساخته ای ، کامل و دینک ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا وَعَلٰی دِيْنِكَ اَنْصَارًا ، وَصَلِّ عَلٰی تَمَامِ گردان، و ما را از مددکاران آنان قرار ده، و از باری کنندگان دینت معزّر فرما . بر اَبَائِهِ الطَّاهِرِيْنَ الْاَتَمِّهِ الرَّاشِدِيْنَ . اَللّٰهُمَّ فَاِنَّهُمْ مَعَادُنْ كَلِمَاتِكَ ، پدران پاکش ، امامان رشید و راهنمای بشر، درود فرست . بارخدایا ؛ آنان، معدن های کلمات تو، وَخُرَانُ عِلْمِكَ ، وُؤْلَاهُ اَمْرِكَ ، وَخَالِصِيَّتُكَ مِنْ عِبَادِكَ ، وَخَيْرُتُكَ و گنجینه های دانش ، و علوم تو، و سرپرستان امر تو، و بندگان مخلص تو، و نیکوکاران مِنْ خَلْقِكَ ، وَاَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَاةُ اَوْلِيَائِكَ ، وَصَفْوَتُكَ وَاَوْلَادُ از میان بندگان تو، و دوستان تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیدگان و فرزندان اَصْفِيَائِكَ ، صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ .

اللَّهُمَّ برگزیدگان تو هستند . درود و رحمت و برکت های تو بر آنان نثار باد . خدایا ؛ وَسُرَّكَأُوهُ فِي أَفْرِهِ ، وَمُعَاوَنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ آتَانِ كَمَا فِي أَمْرِ أَوْ شَرِيكَ أَنْدِ ، وَبِرَّ طَاعَتِ تُو مَدَدَكَارَانِ
اویند ؛ كَسَانِي كَمَا تُو حَضِيَّتُهُ وَسِلَاحُهُ وَمَفْرَعُهُ وَأَنْسَهُ ، الَّذِينَ سَلُّوا عَنِ الْأَهْلِ دَرْ ، اسلحه ، پناهگاه و مایه انس او قرارشان دادی ؛ آن هایی که از اهل وَالْأَوْلَادِ ، وَتَجَافُوا الْوَطْنَ ، وَعَطَّلُوا الْوَيْتَرَ مِنَ الْيَمَاهِدِ ، قَدْ وَ
اولاد خود بریدند، و ترک وطن گفتند، و تخت های استراحت را رها کردند ؛ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ ، وَأَصْرُوا بِمَعَايِشِهِمْ ، وَفَقَدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ تِجَارَتِهَا رَا كِنَارِ كَذَاشْتَنْدِ ؛ وَبِهِ مَعِيشَتِ هَايِ خُودَشَانِ ضَرَرِ زَدَنْدِ
؛ و بدون این که از بَعْرِ غَيْبِهِ عَنْ مَضْرِهِمْ ، وَخَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضِدَهُمْ عَلَى شَهْرِهِایِ شَانِ خَارِجِ شُونْدِ ، به عزلت و گوشه نشینی افتادند ؛ و با هر کس که در کارها یاری شان نماید پیمان بستند؛ أَفْرِهِمْ ،
وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَيَدَ عَنْ وَجْهِتِهِمْ ، وَاتَّخَفُوا بَعِيدَ كَرَجِهِ نَسْبَتِي دُورِ بَا آنِ هَا دَاشْتَنْدِ ، و با نزدیکانی که آن ها را از مقصودشان باز بدارد مخالفت ورزیدند ؛ بَعْدَ التَّدَايْرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ ، وَقَطَّعُوا
الْأَشْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ از جدایی ها گرد هم آمدند و اسباب به هم پیوسته دنیوی را که وسیله بهره بردن حطامِ مِنَ الدُّنْيَا . فَاجْعَلْهُمْ لِلَّهِمْ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْيِكَ ، وَرُدُّ أَنْدِكَ از دنیا بود ، قطع نمودند .
بدین سان، خدایا ؛ آن ها را در حفظ و حراست خود، و در سایه لطف و حمایت خویش قرار ده، عَنْهُمْ بِأَسْمَاءٍ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ

: این روایت ، شامل بخشی از دعاست که روایت اولی آن را نداشت . پس ، اگر می خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان ، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن ، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور .(۱۱)

کفعمی رحمه الله در «المصباح» چنین می گوید : یونس بن عبدالرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت ، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الأمر صلوات الله علیه با خواندن این دعا دستور می داد: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتَكَ...» وی، دعا را مانند آنچه گذشت تا عبارت «وهو علينا كبير» ادامه داده ، سپس این قسمت را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيَّامِهِ مِنْ بَعْدِهِ ، وَبَلِّغُهُمْ أَمَانَتَهُمْ ، خدایا ؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست ، و به آرزوهای شان برسان ، وَ زِدْ فِي اجْزَالِهِمْ ، وَأَعِزِّزْ نَصِيرَتَهُمْ ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَشْرَيْتَ إِتْيَهُمْ وَ بَرِ عَمْرِشَانَ بِيَفْرَاهُ ، وَ يَارِي اِبْشَانَ رَا تَقْوِيَتَ فَرْمَا ، وَ اَن چَه از دِيْنَتَ رَا بَه اَن هَا مِنْ اَمْرِكَ لَهُمْ ، وَ تَبَيَّنْ دَعَائِمَهُمْ ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ اَغْوَانًا ، وَ عَلَيَّ مَرْبُوطَ سَاخْتَه اِي كَامَلِ نَمَا ، وَ پَايَه هَاي اَن هَا رَا اَسْتَوَار كُن ، وَ مَا رَا يَارَانَ اَن هَا وَ يَاوَرَانَ دِيْنِكَ اَنْصَارًا ، فَايُنَّهُمْ مَعَادُنُ كَلِمَاتِكَ ، وَ حُزْرَانُ عَلْمِكَ ، وَ اَزْكَانُ دِيْنَتَ قَرَارِ دِه . هَمَانَا اَن هَا مَعْدَن هَاي كَلِمَاتِ تُو ، كُنْجِيْنَه هَاي عِلْمِ وَ دَانَشِ تُو ، اَسْتَوَانَه هَاي تَوْحِيْدِكَ ، وَ دَعَائِمُ دِيْنِكَ ، وَ وُلَاةُ اَمْرِكَ ، وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ ، تَوْحِيْدِ تُو ، پَايَه هَاي دِيْنِ تُو ، سَرِپَرَسْتَانَ اَمْرِ تُو ، بِنْدِگَانَ خَالِصِ تُو ، ۱

و ۲. جمال الأسبوع : ۳۱۰ و ۳۱۴ .

وَصَفْوَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيَاؤَكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَايَكَ ، وَصَفْوَهُ بَرَكِيدَهُ مِنْ بَنِيكَ ، وَوَسَائِلُ بَنِيكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . (۱۲)

فرزندان پیامبر تو هستند ؛ درود و سلام و رحمت خداوند و برکت های او بر همه آنان نثار باد .

دعای معرفت در زمان غیبت

دعای معرفت در زمان غیبت

سید بزرگوار ، جناب علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» می فرماید :

دعای دیگری است برای حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه که سزاوار است آن دعا ترک نشود ؛ گرچه همه تعقیبات و دعاهایی را که برای عصر روز جمعه ذکر کردیم به خاطر داشتن عذر ترک شود .

و این سری دارد که خداوند ما را از فضل و احسان ویژه خود با آن آشنا نموده است . پس به آن اعتماد کن و آن را انجام بده .

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده و او گفته است که : شیخ ابو عمرو عمری رحمه الله این دعا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است ؛ و آن ، دعایی است برای زمان غیبت قائم آل محمد عليهم السلام :

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ ، يَا خدَايَا ؛ خود را به من بشناسان ؛ زیرا اگر خود را به من نشناسانی تو و لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ . اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي پیامبرت را نمی شناسم . خدایا ؛ پیامبرت را به من معرفی فرما ؛ زیرا اگر پیامبرت را به

امْتَحَنَتْ بِهٖ خَلْقَكَ، وَتَبَّئْتِي وَقَلِيمَ رَا بَرَاي صَا حَب اَمْرَت مَطِيْع وَ نَرْم كَن، وَ مَرَا دَر عَرَصَه هَاي اَمْتَحَا ن هَايِي كَه اَز بَنَد گَا نَت بَه عَمَل مِي آوَرِي عَافِيَت بِيخَش، وَ دَر عَلٰی طَا عَه وَّلِيَّ اَمْرِي كَ ، اَلَّذِي سَتَّرْتَهُ عَن خَلْقِكَ ، فَيَا ذُنُوبَكَ غَا بَ فَرْمَا ن بَر دَا رِي اَز صَا حَب فَرْمَا نَت اَسْتَوَا رَم سَا ز ؛ هِمَا ن كَسِي كَه اَز بَنَد گَا نَت پَنهَانَش گَر دَا نَدِي ؛ پَس بَا اَجَا زَه تُو عَن بَرِّي نِي كَ ، وَ اَمْرُ كَ يَنْتَظِرُ ، وَ اَنْتَ الْعَا لَمُ غَيْرُ مُعَلِّمٍ بِالْوَقْتِ اَز مِيَا ن خَلْقِ پَنهَانِ شَد، وَ مَن تَظَر فَرْمَا ن تُو سَت ؛ دَر حَا لِي كَه تُو آ گَا هِي - بَدُو ن اِي نَكِه كَسِي تُو رَا آ گَا ه كَنَد - بَه زَمَا نِي اَلَّذِي فِيْهِ صَ لَاحُ اَمْرٍ وَّلِي يَكَ ، فِي الْاِيْذِنِ لَهُ يَاطْهَارُ اَمْرِهِ وَ كَسْفٍ كَه دَر اَن ، كَا ر وَّلِي ت رَا اَصْلَا ح فَرْمَا يِي ، وَ اَن وَ قَت بَه اُو اَجَا زَه فَرْمَا يِي كَه اَمْرَش رَا آ شَكَا ر نَمَا يَد وَ اَز اَسْرَا رَش پَر دَه سِرَّ هِ ، وَ صَبْرُو نِي عَلٰی ذٰ لِكَ ، حَتّٰى لَا اُجِبُ تَعَجِيْلًا مَّا اُخْرُوْتُ ، وَ لَا بَر دَا رَد. وَ مَرَا بَدَا ن شَكِي يَا فَرْمَا تَا شَتَا ب دَر چِي زِي رَا نَخَوَا هَم كَه تُو تَا خِي رَش رَا مِي خَوَا هِي، وَ تَاْخِيْرَ مَا عَجَلْتُ، وَ لَا اَكْتَيْفَ عَمَّا سَتَّرْتِ، وَ لَا اُبْحَثُ عَمَّا كَتَمْتِ، تَاْخِيْرَ چِي زِي رَا مَطَا لِبَه نَكْنَم كَه تُو تَعَجِيْلِش رَا اَرَا دَه نَمُو دَه اِي، وَ پَر دَه بَر نَدَا رَم اَز اَن چِه تُو پَنهَانَش كَر دَه اِي، وَ چِي زِي رَا كَا وْش نَكْنَم كَه تُو پُو شِي دَه اَش وَ لَا اُنَا زِعَكَ فِي تَدْبِيْرِكَ ، وَ لَا اَقُوْلَ لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وَّلِيَّ فَرْمُو دَه اِي، وَ نَسَبَت بَه تَدْبِيْرِ تُو (دَر كَا ر عَا لَم) بَا تُو نَزَا ع وَ مَجَا دَلَه نَكْنَم، وَ دَر بَرَا بَر اَرَا دَه تُو چُو ن وَ چِرَا نَكْنَم، وَ نَكُوْبِم كَه چِه شَدَه وَ چِرَا صَا حَب اَلْاَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدْ اِمْتَلَاَتِ الْاَرْضُ مِنَ الْجُوْرِ

، وَأَفْوَضَ أُمُورِي الْأَمْرَ ظَهْوَرِ نَمِي كَنَد - بَا اَيْنَ كَه زَمِينِ بِرِ اَز ظَلَمِ وَ سَتَمِ گَشْتَه اسْت؟ -) بَلَكَه (هَمَه كَارِهَا وَ أُمُورِ عَالَمِ رَا بَه مَحْضَرِ مَقْدَسِ كَلْمَا اِلَيْكَ . اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اَنْ تُرِيْنِيْ وَلِيَّ اَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا
تَوَا مِي گِذَارَم . بَار خَدَايَا ؛ اَز تُو مِي خَوَاهَم كَه جَمَالِ صَاحِبِ اَمْرَتِ رَا اَشْكَارَا بَه مَن بِنَمَايَانِي دَر حَالِي كَه اَمْرَش دَر عَالَمِ ، اَلْاَمْرُ ، مَعَ عِلْمِيْ بِاَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ ، نَافِذِ اسْت؛ بَا
عِلْمِ وَ اَكْاَهِيْمِ بَه اَيْنَ كَه سُلْطَنَتِ ، قَدْرَتِ ، بَرَهَانَ ، دَلِيْلِ رَسَا ، وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ ، فَاَفْعَلْ ذَلِكْ بِيْ وَبِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، مَشِيَّتِ نَافِذَه ، نِيْرُو وَ تَوَانَايِيْ وَاَقْعِيْ اَز اَنْ تُوَسْت . بِسِ اَيْنِ لَطْفِ رَا بَه مَن وَ بَه هَمَه
مُؤْمِنَانَ بِفَرْمَا حَتَّى نَنْظُرَ اِلَى وَاِلَيْكَ صِيْلُوْا نِكَ عَلَيِّهِ وَ اِلَيْهِ ، ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ ، وَاَصِيْحَ تَا بَه وَلِيَّتِ - كَه دَرُودِ تُو بَرِ اُو وَ اَلِ اُو بَاد - اَشْكَارَا بِنَغْرِيْمِ ، دَر حَالِي كَه بَا گَفْتَارِ اَشْكَارِ الدَّلَالَةِ ، هَادِيًا مِّنَ الضَّلَالَةِ ، شَافِيًا مِّنَ
الْجَهَالَةِ ، وَاَبْرَزُ يَا رَبِّ وَ دَلَالَتِ رُوْشَنَشِ ، اَز گَمْرَاهِيْ بَه رَا هِدَايَتِ رَهْمُونِ شُوِيْمِ ، وَ اَز جِهَالَتِ نَجَاتِ پِيْدَا كَنِيْمِ . بِرُورِدِ گَارَا ؛ مُشَاهَدَتُهُ ، وَ تَبَيُّتِ قَوَاعِدُهُ ، وَ اَجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرَّرُ عَيْنُهُ بِرُؤْيِيَّتِهِ ، مَشَاهِدَه اُو رَا اَشْكَارِ
فَرْمَا ، وَ پَايَه هَايِ حُكُوْمَتَشِ رَا مَحْكَمِ گَرْدَانِ ، وَ مَا رَا اَز كَسَانِيْ قَرَارِ دَه كَه بَا دِيْدَنِ جَمَالَشِ ، چَشْمَشِ رُوْشَنِ گَرْدَدِ ، وَ اَقْفِنَا بِخِدْمَتِيْهِ ، وَ تَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِيْهِ ، وَ اَحْشُرْنَا فِيْ رُفْرَتِهِ . وَ مَا رَا بَه خَدْمَتِ اُو بِيَا دَارِ ، وَ بَرِ
مَلَّتِ وَ اَيِّيْنِ اُو

بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما . اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ ، وَدَرَأْتَ وَاَنْشَأْتَ خَدَايَا ؛ پناه بده او را از شرّ هر چه خلق کردی و پدید آوردی ، آفریدی و ایجاد کردی ، و صُوِّرْتَ ، وَاَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ وَصُولِهِ وَشَكْلِ بَخْسِيْدِي ، و حفظ فرما او را از مقابلش و پشت سرش و سمت راست و شمالیه ، و مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ مَنْ جِيشَ ، و از بالای سرش و زیر پایش ؛ به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاَحْفَظُ فِيْهِ رَسُوْلَكَ وَوَصِيَّ رَسُوْلِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . ضایع و تباه نمی شود ، و با حفظ وجود او پیامبرت و وصی پیامبرت را - که درود بر ایشان باد - حفظ کن . اَللّٰهُمَّ وَاَمِدَّ فِيْ عُمْرِهِ ، وَزِدْ فِيْ اَجَلِهِ ، وَاَعِنُّهُ عَلٰی مَا وَلِيْتَهُ خَدَاوْنَدَا ؛ عمرش را طولانی کن ، و بر مدّت زندگانش بیفزای ، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی وَاَسْتَرْعَيْتُهُ ، وَزِدْ فِيْ كِرَامَتِكَ لَهُ ، فَاِنَّهُ الْهَادِي الْمُهَيِّدُ ، وَالْقَائِمُ وَنَكْهَبَانِ سَاخْتِي كَمَكْشِ فَرْمَا ، و در کرامتت نسبت به او بیفزای؛ زیرا او هدایت کننده بشر و هدایت یافته و قیام کننده الْمُهْتَدِي ، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الصَّابِرُ برای هدایت خلق است ؛ گوهر پاک، باتقوا، پاک سرشت، پاک سیرت، صاحب مقام رضا و خشنودی ، الشُّكُوْرُ الْمُجْتَهِدُ . اَللّٰهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْبِقِيْنَ لِطُوْلِ الْاَمَدِ فِي وَشَكِيَا دَر بِلَا

و مصایب، شکر گزار، مجاهد و تلاشگر است . خدایا ؛ به واسطه دراز شدن زمان غیبتیّه ، و انقطاعِ خَبرِ عَنَّا ، و لا تُنَسِنَا ذِکْرَهُ و اِنْتَظَارَهُ ، و الْاِیْمَانَ غیبتش و قطع شدن خیرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را و ایمان به ، و قُوَّةَ الْیَقِیْنِ فِی ظُهُورِهِ ، و الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَیْهِ ، حَتّٰی به او را ، و یقین استوار بر ظهورش را ، و دعا کردن برای (وجود نازنینش)، و درود فرستادن (بر آن حضرت) را ؛ تا لا یُعَنِّطُنَا طَوْلُ غَیْبَتِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ] قِیَامِهِ ، وَ یَكُوْنُ یَقِیْنًا فِی طَوْلَانِی شَدْنَ زَمَانَ غیبتش ما را از ظهور و قیام بر حقش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به قیام او و ظهور او ذَلِکَ کِیْفِیْنَا فِی قِیَامِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ ، وَ مَا جَاءَ بِهِ هَمَانَنْدَ یَقِیْنِ مَا به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و مِنْ وَ خِیْکَ وَ تَنْزِیْلِکَ ، وَ قَوْلُ قُلُوْبِنَا عَلَی الْاِیْمَانِ بِهِ ، حَتّٰی تَسْمِعَکَ وَحِی و کتاب نازل شده بر او ، محکم و استوار باشد . و قلب های ما را بر ایمان به او تقویت کن تا بنا علی رِیْدِیْهِ مِنْهَاجِ الْهُدٰی وَ الْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰی ، وَ الطَّرِیْقَةِ به دست مبارکش راه هدایت و شاهره روشن و مسیر اعتدال را ببیماییم .

الْمُشْطٰی ، وَ قَوْلُنَا عَلَی طَاعَتِهِ ، وَ کُنَّا عَلَی مُتَابَعَتِهِ ، وَ اجْعَلْنَا فِی و ما را بر اطاعت و فرمان برداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بدار ، و ما را در جَزْبِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ اَنْصَارِهِ ،

وَالزَّٰسِيْنَ يَفِغِلِيْهِ ، وَلَا تَسِيْلُنَا ذٰلِكَ فِىْ غِرْوِهٖ اَوْ يَارَانِ وَّ يٰاَوْرَانِشِ وَّ كَسَانِيْ كِهٖ بِهٖ كَارِ اَوْ خَشِنُوْدِنْدِ ؛ فَرَارِ بَدِهٖ . وَاِيْنَ اِيْمَانِ وَّ عَقِيْدِهٖ رَا دَرِ حَيَاتِنَا ، وَلَا عُنْدَ وَّفَاتِنَا ، حَتّٰى تَتَوَفَّٰنَا وَنَحْنُ عَلٰى ذٰلِكَ لَا شٰكِيْنَ
زَنْدِغِيْ وَّ مَرْگِ مَآ اَزِ مَآ مَگِيْرِ ، تَا دَرِ حَالِيْ مَآ رَا بَمِيْرَانِيْ كِهٖ نِهٖ دِچَارِ شَكِّ وَّ تَرْدِيْدِ شُدِهٖ ، وَلَا نَاكِنِيْنَ ، وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكَدَّبِيْنَ . اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَاَيَّدْهُ وَّ نِهٖ پِيْمَانِ شَكْسْتِهٖ بَاشِيْمِ ، وَّ نِهٖ دَرِ مَوْرِدِ اَنِّ دُوْدَلِ
بُوْدِهٖ وَّ نِهٖ اَنِّ رَا تَكْذِيْبِ كَنِيْمِ . خَدَاوِنْدَا ؛ دَرِ فَرَجِشِ تَعَجِيْلِ فَرْمَا ، وَّ بِالنَّصِيْرِ ، وَّ اَنْصُرْ نَاصِرِيْهِ ، وَّ اِخْذُلْ خَاذِلِيْهِ ، وَّ دَمُدِمْ عَلٰى مَنْ بَا يَارِيْتِ تَايِيْدِشِ كَنْ ، وَّ يَارَانِشِ رَا يَارِيْ كَنْ ، وَّ اَنَانِ رَا كِهٖ تَرْكِ يَارِيْ اَوْ مِيْ
كَنْنَدِ ذَلِيْلِ وَّ خَوَارِ بَنْمَا ، وَّ هَرِ اَنِّ كِهٖ نَصَبَ لَهٗ وَكَذَّبَ بِهٖ ، وَّ اَظْهَرِ بِهٖ الْحَقَّ ، وَّ اَمِثْ بِهٖ الْجَوْرَ ، وَّ اَشِيْتَنَقِدْ رُو دَرِ رُوِيْشِ بِهٖ جَنْگِ بَايَسْتَدِ وَّ اَوْ رَا تَكْذِيْبِ كَنْدِ نَابُوْدِشِ كَنْ ، وَّ حَقِّ رَا بِهٖ وَّاسَطِهٖ اَوْ اَشْكَارِ نَمَا ، وَّ سَتَمِ
رَا بِهٖ وَّ سِيْلِهٖ اَوْ بَعِيْرَانِ ، وَّ بِهٖ عِبَادَتِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِّنَ الدُّلِّ ، وَّ اَنْعَشْ بِهٖ الْبِلَادَ ، وَّ اَقْتُلْ بِهٖ بِنْدِگَانِ مُؤْمِنْتِ رَا بِهٖ وَّاسَطِهٖ اَوْ اَزِ خَوَارِيْ وَّ ذَلَّتْ بَرَهَانَ ، وَّ عَالَمَ رَا بِهٖ وَّجُوْدِشِ اَبَادِ گَرْدَانِ ، وَّ جَبَايَرَهٗ الْكُفْرَهٗ ، وَّ اَقْصِمْ بِهٖ
رُوُوْسَ الضَّلَالِهٖ ، وَّ ذَلَّلْ اِيْهِ [الْجَبَّارِيْنَ سَرَكَشَانَ كَافِرِ رَا تَوْسِيْطِ اَوْ هَلَاكِ كَنْ ، وَّ سِرَانَ گَمْرَاهِيْ رَا بِهٖ وَّ سِيْلِهٖ اَوْ دَرَهْمِ شَكْنِ ، وَّ طَغِيَانَ پِيْشْگَانَ وَالْكَافِرِيْنَ ، وَّ اَبْرَ بِهٖ الْمُنَافِقِيْنَ وَالنَّٰكِنِيْنَ ، وَّ جَمِيْعِ الْمُخَالِفِيْنَ وَّ
كَافِرَانَ رَا] تَوْسَطِ اَوْ ذَلِيْلِ

فرما . و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام مخالفان و المُلجِدین ، فی مشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، و ملحدان بی دین را - در شرق و غرب عالم ، در دریا و خشکی ، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ، حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَاراً ، وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَاراً ، در کوه ها و دشت ها به وسیله او هلاک فرما؛ تا کسی از آنان وانگذاری، و اثری از آن ها باقی نگذاری . وَطَهُرُوا مِنْهُمْ بِلَادَكَ ، وَاشْفَى مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ . وَجَدُّ بِهِ مَا وَ سِرْمِينَ هَابِتٍ رَا از لوٲ وجود آنان پاک گردان، و سینه بندگانت را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما . و آنچه امتحی مِنْ دِينِكَ ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ ، وَعُضِّرْ مِنْهُ مِنْ دِينِكَ محو شده است به وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامت دگرگونی یافته، و از سنت تو تغییر داده سَتَّيْتِكَ ، حَتَّى يَعُوذَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضَباً جَدِيداً صَحِيحاً شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به دست مبارکش به صورت تازه و نو و صحیح اعاده گردد به گونه ای لَا عَوَجَ فِيهِ ، وَلَا بَدْعَ مَعَهُ ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعِدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ ، که هیچ کزی در آن نباشد و هیچ بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و داد او آتش فتنه های کافران را خاموش نمایی؛ فَإِنَّهُ عَيْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَأَرْتَضَيْتَهُ لِطَيْرَةِ دِينِكَ ، زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالصش گردانیدی، و برای یاری دینت او را پسندیدی، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ ، و با علم بی نهایت او را برگزیدی،

و از گناهان او را باز داشتی و نگهداری کردی ، و از عیب ها پیراسته اش کردی ، وَأُطْلَعْتَهُ عَلَى الْعُيُوبِ ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ ، و بر پنهانی ها مطلعش ساختی ، و بر او نعمت ارزانی داشتی ، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی ، وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ . اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى اَبَائِهِ الْاَيْمَةَ و از هر نوع آلودگی پاکیزه اش ساختی . بار خدایا ؛ بر او و پدرانش - آن پیشوایان الطَّاهِرِينَ ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَتَّبِعِينَ ، وَبَلَّغُهُمْ مِنْ اَمَالِهِمْ اَفْضَلَ پاك - و بر پیروان نیک نژادش رحمت فرست؛ و آن ها را به آرزوهای شان به برتر ما یَأْمُلُونَ ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ از آنچه امید دارند برسان ، و این دعا را از ما خالص و به دور از شَكٍّ و شبهه و ریا وَشَمْعَةٍ ، حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهٖ غَيْرَكَ ، وَلَا تَطْلُبَ بِهٖ اِلَّا وَجْهَكَ . اَللّٰهُمَّ و سمعه قرار بده ؛ آن گونه که با این کار ، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار ، جز تو را نطلبیم . خداوندا ؛ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا ، وَعَيَّبَهُ وَكَلَبْنَا ، وَبَشَّرْنَا الزَّمَانَ عَلَيْنَا ، مَا به تو شکایت می بریم از فقدان پیامبران؛ و از غیبت ولی مان ، و سختی دوران بر ما ، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا ، وَتَظَاهِرَ الْاَعْدَاءِ اَعْلَانًا ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا ، وَقَلَّةَ وَوُقُوعَ فِتْنَةِ هَی گوناگون نسبت به ما ، و تظاهر و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما ، و زیادی دشمن ما و کمی عَدَدِنَا . اَللّٰهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مَنِّكَ تَعَجُّلًا ، وَنَصْرِ مَنِّكَ تَعَزُّدًا ،

جمعیت خودمان . خدایا ؛ با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این اندوه ها به سرعت رهایی بخش، و یاری باعزت و امام عدلِ تظهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ [امین] رَبِّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ إِنَّا وَظَهْرَ بِيَشْوَى عَادِلٍ رَا نَصِيبَ مَانِ فَرْمَا ؛ اِی خدای به حق، و پروردگار جهانیان ؛ این دعا را اجابت کن . خدایا ؛ نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوَلِيِّكَ فِی اِظْهَارِ عَدْلِكَ فِی عِبَادِكَ ، وَقَتْلِ اِز دَرگَاهتِ مِی خَوَاهِیْمِ كِه بَه وِلِیْتِ اِجَازَه دَهْمِ تَا عَدْلَتِ رَا دَر مِیَانِ خَلْقَتِ اَاشْكَارِ نَمَایِدِ، وَ اَعْدِ اَنْبَكْ فِی بِلَادِكْ ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ یَا رَبِّ دِعَامَهُ اِلَّا دِشْمَنَانَتِ رَا دَر سِرْزَمِیْنِ هَایْتِ هَلَاكْ كِرْدَانِدِ؛ تَا هِیْجِ پَایگَاهِ وَ رَكْنِی بَرای سَتَمِ باقی نَگِذاری اِی پَروردگَارِ مَن؛ وَ هَمِه پَایگَاهِ هَای قَصِیْمَتِهَا ، وَلَا بَقِیَّتِ اِلَّا اَفْنِیَّتِهَا ، وَلَا قُوَّةَ اِلَّا اَوْهَنْتِهَا ، وَلَا رُكْنًا اِلَّا اَنَانِ رَا دَر هَمِ شَكْنِی، وَ بَقَایَا اَنَانِ رَا نَابُودِ كِرْدَانِی، وَ نِیروهایِ شَانِ رَا سَسْتِ نَمَایِی، وَ پَایِه هَایِ اَنِ هَا رَا هَدَمْتَهُ ، وَلَا حَدًّا اِلَّا فَالْتَهُ ، وَلَا سِلَاحًا اِلَّا اَكْلْتَهُ ، وَلَا رَايَةَ اِلَّا وِیرَانِ سَازِی ، وَ تِزِی وَ سَخْتِی اَنِ هَا رَا كُنْدِ وَ بِی اِثْرِ كِرْدَانِی، وَ سِلَاحِ شَانِ رَا اِز كَارِ بِنِدَازِی، وَ پَرچَمِ اَنِ هَا رَا نَكْشْتِهَا ، وَلَا شُجَاعًا اِلَّا قَتَلْتَهُ ، وَلَا جَيْشًا اِلَّا خَدَلْتَهُ ، وَ اَرْوَمِهِمْ سِرْنِگُونِ سَازِی، وَ شُجَاعَانِ اَنِ هَا رَا نَابُودِ كَنِی، وَ سِپَاهِ شَانِ رَا شَكْسْتِ خُورْدَه وَ خُوارِ سَازِی . یَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّمَاعِ، وَ اَضْرَبْهُمْ بِسِیْفِكَ المَقَاطِعِ، وَ اَبْسِكْ الذِّی پَروردگَارَا ؛ سَنَگِ نَابُودِ كَنْنَدِه اِتِ رَا بَه سُویِ اِیْشَانِ رِهَا كِنِ ، وَ شَمَشِیرِ بَرَانَتِ رَا بَر اِیْشَانِ فَرُودِ اَوْرِ ، وَ اَنِهَا رَا

دچار عذابی لا تُزُدُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ، وَعَذَابُ أَعْدَاءِ كَ ، وَأَعْدَاءُ دِينِكَ كُنْ كَهَرِ گَرُوهِ مَجْرَمِ از آن رهایی ندارند . و دشمنانت و دشمنان دین و اَعْدَاءُ رَسُولِكَ صِلُوا نَتَكَ عَلَيْهِ وَا إِلِهِ ، بِيَدِ وَ لِيكَ ، وَأَيُّدِي عِبَادِكَ و پیامبرت - درود تو بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان الْمُؤْمِنِينَ . اَللَّهُمَّ اكْفِ وَ لِيكَ وَ حُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هُوَلْ عَدُوِّهِ ، مُؤْمِنْتِ ، مَعَذِبِ فَرَمَا . خدایا ؛ ولی و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش وَ كَيْدِ مَنْ كَادَهُ ، وَا مَكْرِ بَعْنِ مَكْرٍ بِهِ ، وَا جَعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَيَّ و از مکر حیلہ گران کفایت فرما ، و با آن کسی که با او مکر کند مکر کن ، و حلقه بدی را برای مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا ، وَا قَطَعَ عَنَّهُ مَا دَتَهُمْ ، وَا زَعَبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ ، بدخواهانش قرار بده ، و اصل و اساس آن ها را از وجود مقدسش قطع کن ، و ترس و هیبتش را در دل های ایشان ایجاد گردان ؛ وَ زَلْزَلْ لَهُ [أَقْدَامَهُمْ ، وَا حَذَاهُمْ جَهْرَةً وَ بَعْتَهُ ، وَا شَدَّدْ عَلَيْهِمْ وَا سَسْتِ وَا لِرِزَانِ قَرَارِ دِهِ ، و به قهر ناگهانیت به طور آشکار گرفتارشان کرده ، و عذابت را بر آن ها شدید عذاب کن ، وَا خَزِرْهُمْ فِي عِبَادِكَ ، وَا لَعْنَهُمْ فِي بِلَادِكَ ، وَا شَكَّيْتَهُمْ نَمَا ، و در بین بندگانت خوار و ذلیل شان فرما ، و در میان شهرها آن ها را مورد لعن قرار بده ، و در أَشْفَلِ نَارِكَ ، وَا حِطُّ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ ، وَا ضَلَّهِمْ نَارًا ، وَا خَشُّ بِسْتِ تَرِينِ نَقْطِهِ جَهَنَّمَ سَكُونَتِ شَانِ بَدِهِ ، و اطراف آن ها را با سخت ترین عذابت احاطه کن و به آتش

دوزخ بیفکن، قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِبِهِمْ حَرَ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، و قبرهای مردگان آن ها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آنها بچشان؛ زیرا آن ها نماز را تباه کردند، وَأَتَّبِعُوا الشَّهْوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ. اللَّهُمَّ وَأَخِي يَوْلِيكَ الْقُرْآنَ، از شهوت ها پیروی کردند، و بندگانت را گمراه ساختند. خدایا؛ با وجود ولایت (صاحب الأمر علیه السلام) قرآن را زنده کن، وَأَرْنَا نُورَهُ سَرْمَدًا، لا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی به ما بنمایان؛ به گونه ای که هرگز تاریکی گرد آن نور را نگیرد. و به واسطه او قلب های مرده را حیات و اشرفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ، و اجتمع بِهِ الْأَهْوَاءُ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى بَخْسٍ، و سینه های سوخته را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات مختلف را با رأی او بر محور الْحَقِّ، و أَقِمَّ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى حَقَّ جَمْعُ بَگَرْدَانِ. و حدود الهی تعطیل شده و احکام ترک شده را به وسیله او برپا بدار؛ تا لا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، و اجعلنا يَا رَبِّ مِنْ حَقِّي نماند مگر این که ظاهر گردد، و عدلی نماند مگر این که درخشنده شود. بار پروردگارا؛ ما را از أَعْوَانِهِ وَمَقْوِيهِ سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، یاران او و تقویت کنندگان حکومتش و فرمان بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خشنود هستند، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيَّ

التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ ، و در برابر احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیّه کردن از آنها در میان بندگانت ندارد قرار ده . أَنتَ يَا رَبَّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ ، ای پروردگار ؛ تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می کنی، و هر مضطرّ بیچاره ای را که تو را بخواند ، اجابت می فرمایی، وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ، فَكَشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَبِكَ ، وَاجْعَلْهُ وَاز سختی و اندوه بزرگ نجاتش می دهی؛ پس ناراحتی را از وجود ولّیت برطرف کن و او را خلیفتک فی اَرْضِكَ كَمَا صَدِمْتُ لَهُ . اَللّٰهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ جَانِسِيْنَ فِيْ زَمِيْنَتِ قَرَارِ دَعَاكَ هَمَانِ كَوْنِهِ اِنَّ اَمْرًا تَضْمِيْنَ فَرَمُوْهُ اِي . خداوندا ؛ مرا از خُصْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ اَغْدَاءِ آلِ خُصُومَتِكُمْ اَلِ مُحَمَّدٍ - که سلام و درود بر آن ها باد - قَرَارِ مَدِهِ ، و مرا در زمره دشمنان آل مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ الْحَقِّ وَالْعَقِيْبَةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ - که سلام و درود بر آن ها باد - مَقْرَرِ نَكْنِ ؛ و مرا از آنانی قرار مده که نسبت ال مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَاِيَّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاَعْدُنِي ، به آل محمد - سلام و درود بر آنها باد - کینه و خشم دارند؛ چرا که من از این امر به تو پناه می برم پس پناهم ده، وَاسْتَجِرْ بِكَ فَاَجِرْنِي . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، و از تو امان می طلبم ؛ پس امانم بده . خدایا ؛ بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود و رحمت فرست، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ

فَاتْرَأُ عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ، و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان در گاهت قرار ده. امین رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱۳)

ای پروردگار جهانیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

دعای دیگر در زمان غیبت

صاحب کتاب «مکیال المکارم» نگاشته است: سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در «جمال الأسبوع» هنگام ذکر دعای مذکور و تشویق و ترغیب به خواندن آن در عصر روز جمعه می نویسد:

«اگر در مورد اعمالی که ذکر کردیم عذری داری، پس حذر کن که این دعا را در تعقیب نماز عصر روز جمعه ترک کنی؛ زیرا ما آن را با فضل الهی که به ما مخصوص گردانیده است شناختیم؛ پس همواره بر آن اعتماد کن».

سپس دعا را با همان اسنادی که گذشت ذکر می کند؛ و این عبارت دلالت دارد که دستوری در مورد این دعا از ناحیه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه صادر شده است؛ البته نقل چنین مطلبی از مقامات عالیہ سید، بعید نیست. امیدوارم خدا از بهترین برکاتش او را بهره مند سازد. (۱۴)

دعای دیگر در زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می فرماید: به سند خود روایت می کنم از محمّد بن احمد جعفی حدیثی را که او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداء یاد کرده است.

گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود:

بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما نشانه ای آشکار خواهد شد و هر گاه نشانه بر شما آشکار گشت

خدای را سپاس گوئید، و بدان تمسک جوئید .

گفتم : چه دعایی بخوانیم ؟

فرمود : می گوئی :

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسِيكَ ، وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ ، وَعَرَفْتَنِي خَدَايَا ؛ تُو خُود رَا بَه مِنْ شَنَاسَانَدِي وَ فَرَسْتَادَه ات رَا بَه مِنْ مَعْرِفِي كَرْدِي ، وَ مَلَائِكَتِيكَ ، وَعَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ ، وَعَرَفْتَنِي وَّلَاةَ أَمْرِكَ . اللَّهُمَّ لَا اجْدُ فَرَشِكَاةَ رَا شَنَاسَانَدِي وَ پِيَا مَبْرَتَ رَا مَعْرِفِي كَرْدِي وَ سَر پَرَسْتَانِ اَمْرَتِ رَا بَه مِنْ شَنَاسَانَدِي . خَدَايَا ؛ گِيرِنْدَه (عطايي) نِيَسْتِ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ ، وَ لَا وَاقِي اِلَّا مَا وَفَيْتَ . اللَّهُمَّ لَا تُنْعِيْبِي عَنْ مَكْرَ اَنْجَه رَا تُو عَطَا كُنِي ، وَ بَا ز دَا رِنْدَه اِي نِيَسْتِ جَزَا اَنْجَه تُو بَا ز دَا رِي . خَدَا وِنْدَا ؛ مَرَا اَز ١ . مَكِيَالِ الْمَكَا رَم : ٨٤/٢ .

مَنَازِلِ اَوْلِيَايَتِكَ ، وَ لَا تُزَعِّ قَلْبِي بَعِيدًا اِذْ هَيْدَيْتَنِي . اللَّهُمَّ اِهْدِنِي مَرْتَبَه وَ جَايْ گَاهِ اَوْلِيَايَتِ پَنَهَانِ مَدَا رِ ، وَ قَلْبِمَ رَا پَسِ اَز هِدَايَتِ دِجَارِ اِنْ حِرَافِ مَكْرَدَانِ . خَدَايَا ؛ مَرَا بَه وَّلَايَتِ كَسِي رَا هِنْمَايِي كُنِ لِوَلَايَةِ مَنْ اَفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ . (١٥)

که طاعتش را بر من واجب گردانیدی .

٧ دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رحمه الله از زراره ، و او از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل می کند که مضمون آن چنین است :

چاره ای برای او نیست مگر این که غایب شود .

من گفتم : چرا چنین است ؟

حضرت فرمودند : می ترسد - و با دست مبارکش به شکمش اشاره فرمود - و او امام منتظر می باشد که انتظارش را باید کشید ، و او کسی است که مردم در ولاتش شک می کنند، پس عده ای از آنان می گویند که ایشان هنوز متولد نشده است و عده ای دیگر می گویند که پدر ایشان از دنیا رفته و

جانیشینی نداشته است و گروه دیگری می گویند که ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است .

زراره گفت : به حضرت گفتم : اگر آن زمان را درک کردم ، به چه چیزی مرا امر می کنید ؟ فرمود :

خدا را به این دعا بخوان :

اَللّٰهُمَّ عَرَفْنِيْ نَفْسِكَ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْكَ. اَللّٰهُمَّ بار خدایا! خودت را به من بشناسان، پس اگر تو خودت را به من نشناسانی، من هرگز تو را نمی توانم بشناسم، بار خدایا ؛ عَرَفْنِيْ نَبِيِّكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَبِيِّكَ لَمْ اَعْرِفْهُ اِقْطُ . اَللّٰهُمَّ پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی، من هرگز نمی توانم او را بشناسم، بار خدایا! دعای غریق در زمان غیبت

۱ . مهج الدعوات : ۳۹۵ .

عَرَفْنِيْ حُجَّتِكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِيْ. (۱۶) حجت خودت را به من بشناسان، پس اگر تو او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم .

دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» از عبدالله بن سنان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند :

به زودی شبیه ای شما را فرا می گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی هدایت کننده باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی کند مگر کسی که به وسیله «دعای غریق» خدا را بخواند .

عبدالله بن سنان گفت: دعای غریق چگونه است؟

حضرت فرمودند : می خوانی :

يا اَللّٰه يا رَحْمٰنُ يا رَحِيْمُ، يا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ. اى خدا ؛ اى مهربان ؛ اى بخشنده ؛ اى دگرگون کننده قلبها ؛ قلب مرا

بر دین خود (و لزوم پیروی از آن) ثابت بدار .

پس گفتیم : یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ، تَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

ای دگرگون کننده قلب ها و دیده ها؛ قلب مرا در پیروی از دین خود استوار کن.

پس حضرت فرمودند :

همانا خداوند بلند مرتبه، «دگرگون کننده قلبها و دیده ها می باشد»، ولی تو آن طور که من می خوانم ، بخوان، یعنی به این صورت : یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ تَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

سید رحمه الله می فرماید : شاید مراد از فرمایش حضرت در مورد «الأبصار» این باشد که دگرگونی قلب ها و دیده ها مربوط به قیامت است ؛ به خاطر این که ترس و وحشت در آن روز بسیار شدید می باشد ولی ترس در زمان غیبت ، از دگرگون شدن دل ها است نه دیده ها . (۱۷)

۹دعایی مناسب با زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله می فرماید : در خواب کسی را دیدم که دعایی را به من آموخت و مناسب است در زمان غیبت خوانده شود و الفاظ آن چنین بود :

يا مَنْ فَضَّلَ الِ إِبْرَاهِيمَ وَالِ إِشِيرَآئِيلَ عَلَي الْعَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ ، اى كسى كه به انتخاب و اختيار خود آل ابراهيم و آل اسرائيل را بر عالَميان فضيلت و برترى دادى وَأَطَهَّرَ فِى مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عِزَّةَ أَقْبَادِرِهِ ، وَأَوْدَعَ وَدَر مَلَكُوتِ آسْمَانِ هَا وَ زَمِينَ عِزَّتْ وَ اِقْتِدَارِ خُوِيش رَا أَشْكَارَ كَرْدِى وَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ غَرَّآئِبَ أَشْرَارِهِ ، اَصْلُ عَلِي اسرار شگفت خود را در نزد حضرت محمد و اهل بيت پاكش - كه درود و سلام خدا بر او و اهل بيت او باد - به امانت گذاشتى، بِرْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ] ، وَاجْعَلْنِي

مِنْ أَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَنْصَارِهِ (۱۸) مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَدُرُودِ بَفَرَسْتِ وَمَرَاةِ مَدَدِ كَارَانَ حَبَّتِ بِرِ بِنْدِ گَانْتِ وَازِ ياورانِ اوِ قَرَارِ بَدِهِ .

• ادعای نجات از فتنه های آخر الزمان

دعای نجات از فتنه ها...

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از فتنه های آخر الزمان نقل شده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، (یا اَرْحَمَ خدایا؛ بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما،) ای مهربان ترین الرَّاحِمِینَ هفت مرتبه تکرار شود (. اللَّهُمَّ عُمَّ أَعْدَاءَ آلِ نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ مَهْرَبَانًا (خدایا ؛ بدی و بدبختی را بر سر دشمنان و ستمگران بر آل پیامبر و اَعْدَاءَ شِيعَتِهِمْ، وَأَعْدَاءَ مَوَالِيهِمْ بِالشَّرِّ عَمًّا، وَطَمَّهِمْ بِالشَّرِّ و دشمنان شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان فراگیر کن، و آنان طَمًّا، وَأَطْرَفُهُمْ بِإِلِيلِهِ لَا أُحْتَّ لَهَا، وَسَاعَهُ لَا مَنجِي مِنْهَا، وَأَنْتَقِمَ رَا دَرِ يَكِ شَبِ دَرَهْمِ بَكُوبِ كِه نَظِيرِي نَدَاشْتِه بَاشَد، وَ دَرِ يَكِ سَاعَتِ آنَانِ رَا دَرِ هَمِ بَكُوبِ كِه مَحَلِ نَجَاتِي بَرَايِ آنَانِ نَبَاشَد وَ از مِنْهُمْ اِنْتِقَامًا عَاجِلًا، وَأَخْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ . اللَّهُمَّ شَدِّتْ آنَانِ بِه زُودِي اِنْتِقَامِ بَگِيرِ وَ قَلْبِ هَايْشَانِ رَا بَا اَنَشِ غَضَبِ خُودِ بَسُوزَانِ . خدایا ؛ سَهْلَهُمْ، وَفَرَّقْ جَمْعَهُمْ، وَقَلَّبْ تَدْبِيرَهُمْ، وَنَكِّسْ أَعْلَانَهُمْ، اجتمع آنان را پراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و چاره اندیشی ها و نقشه های آن ها را دگرگون کن، و پرچم های شان را واژگون فرما، وَخَرَّبْ بُيُوتَهُمْ، وَقَرَّبْ اَجَالَهُمْ، وَأَلْقِ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا وَرِشَه وَ بَنِيَانِ آنِ هَا رَا

برکن، و زمان مرگ آنان را نزدیک فرما، و سختی های شان را بین خودشان ببنداز، و ما را من بینهیم سالمین، وخذهم اخذ عزیز مقتدیر. اَللّٰهُمَّ اَلِیُّ الْاَوْجَاعِ در بین آنان سالم و محفوظ بدار، و آنان را گرفتار کن گرفتار شخص قدرتمند باقتدار. بار خدایا؛ دردها و الّا شِقَامَ فِیْ اَبْدَانِهِمْ، وَضَعِیْقُ مَسَالِكِهِمْ، وَاشْرِبُهُمْ مِمَّا لِكُهُمْ، و بیماری ها را بر بدن های آنان مسلط فرما و راه های آنان را تنگ نما و کشورهای تحت سلطه آنها را از دست ایشان خارج کن، وَحَیْرُهُمْ فِیْ سُبُلِهِمْ، وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْبُرْدَةَ، وَانْقُصْ مِنْهُمْ الْعِیْدَ. و آنان را در راه ها و نقشه های شان متحیر و سرگردان کن و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و تعداد آنان را کم کن. اَللّٰهُمَّ وَاحْفَظْ مَوَالِیَ اِلٰی بَيْتِ نَبِیِّكَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ مِنْ شُرُوْرِهِمْ، بار خدایا؛ دوستان اهل بیت رسولت - که بر آنان درود باد - را از شرّ آنان محفوظ بدار، وَسَلِّمْهُمْ مِنْ مَكْرِهِمْ، وَحَدِّعِهِمْ وَضُرِّهِمْ، وَانْضُرِّهُمْ عَلَیْهِمْ و آن ها را از مکر و خدعه و نیرنگ و زیان آنان سالم نگه دار؛ و آن ها را با کمک خود بر آنان پیروز فرما؛ بَنْصِرْكَ، وَاجْمَعْ کَلِمَتَهُمْ، وَالْفُ جَمْعُهُمْ، وَدَبِّرْ اَمْرَهُمْ، وَعَرِّفُهُمْ و بین ایشان وحدت و یکپارچگی برقرار فرما؛ و جمع ایشان را گردآوری کن؛ و امور ایشان را تدبیر فرما؛ و آن ها را ما یجهلُونَ، وَعَلَّمُهُمْ ما لَا یَعْلَمُونَ، وَنَصِّرُهُمْ ما لَا یَنْصُرُونَ، با آنچه آشنایی ندارند، آشنا فرما؛ و آنچه را نمی دانند به آن ها بیاموز؛ و با آنچه

که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما؛ وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا ، وَاجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْدَاءِ السُّفْلَى . (۱۹) و حکم و اراده ایشان را والا و آن را برتر قرار بده و حکم و اراده دشمنان را پایین تر قرار بده .

ادعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان

دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله این دعا را در کتاب «مہج الدعوات» از مولای مان امام جواد علیه السلام نقل می کند که عبارتست از :

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَمَاتَ الْعَيْدَلُ ، بَارِ خَدَايَا ؛ هَمَانَا ظَلَمَ وَ سَتَمَ بِنِدَاغَاتِ دَرِ سِرْزَمِينَ هَايَ تَوْ قَدْرَتِ وَ تَوَانِيهِ يَافِتَه وَ عِدَالَتِ رَا اِزْ بَيْنِ بَرْدَه وَ قَطَعَ السُّبُلَ ، وَ مَحَقَّ الْحَقَّ ، وَ أَبْطَلَ الصِّدْقَ ، وَ أَخْفَى الْبُرَّ ، وَ رَاهَ هَايَ هِدَايَتِ رَا قَطَعَ كَرْدَه وَ حَقَّ وَ حَقِيقَتِ رَا اِزْ بَيْنِ بَرْدَه وَ صَدَقَ وَ رَاسْتِي رَا نَابُودَ كَرْدَه وَ خَيْرَ وَ نِيكِي رَا مَخْفِي كَرْدَه وَ أَظْهَرَ الشَّرَّ ، وَ أَحْمَدَ التَّشْوِي ، وَ أَرَاَلَ الْهُدَى ، وَ أَرَاَحَ الْخَيْرَ ، وَ شَرَارَتِ وَ بَدْبِخْتِي رَا أَشْكَارَ كَرْدَه وَ نُورِ تَقْوَا رَا خَامُوشَ كَرْدَه وَ هِدَايَتِ وَ خُوشْبِخْتِي رَا نَابُودَ كَرْدَه وَ خَيْرَ وَ بَرَكْتِ كِنَارِ كَذَاشْتَه شَدَه وَ أَثْبَتَ الضَّيْرَ ، وَ أَنْمَى الْفَسَادَ ، وَ قَوَّى الْعِنَادَ ، وَ بَسَطَ الْجُورَ ، وَ كَجَى وَ خُرُوجِ اِزْ حَقَّ رَا تَثْبِيتِ كَرْدَه وَ فِسَادِ وَ تَبَاهِي رَا رَشْدِ دَادَه وَ كَدُورَتِ وَ كِبْنَه تَوْزِي رَا دَرِ بَيْنِ مَرْدَمِ تَقْوِيَتِ نَمُودَه وَ سَتْمَكْرِي رَا گَسْتَرَشْ دَادَه ۱ . سَلَاحِ الْمُؤْمِنِينَ : ۵۹ .

وَعَدَى الطُّورَ . اللَّهُمَّ يَا رَبَّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ ، وَلَا وَ اِزْ حَدِّ تَجَاوُزَ كَرْدَه اِسْتِ .

بار خدایا! ای پروردگار عالمیان! هیچ کس و هیچ چیزی جز سلطنت و قدرت تو آن‌ها را برطرف نمی‌کند یَجِیْرُ مِنْهُ إِلَّا اِئْتِنَانُكَ . اَللّٰهُمَّ رَبِّ فَاثِرِ الطُّلَمِ ، وَبُتِّ جِبَالٍ وَ هِیْجِ كَسٍ قَادِرٍ بِهٖ نَجَاتِ مَرْدَمٍ اَز دَسْتِ اَنَانِ نِیْسْتِ مَگَرِ لَطْفٍ وَ بَخْشِشِ تُو . بار پروردگارا! ریشه ظلم و ستم را قطع کن ، و طناب العُشْمِ ، وَاخْمِذْ سُوقَ الْمُنْكَرِ ، وَاَعِزِّمْ مَنۢ عِنْدَهُ یَتَرَجُّزُ ، وَاخْصِدْ سَتْمَگَرِی و بیدادگری را پاره پاره کن و بازار شرارت و بدی را کساد کن و کسانی را که از آنها نفرت دارند، عزیز فرما ؛ و شافَهْ اَهْلِ الْجَوْرِ ، وَاَلْبِشِیْهِمْ الْحُوْرَ بَعْدَ الْكُوْرِ ، وَاَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ رِیْشَهٗ گِروَهٗ سَتْمَكَارَانِ را از بیخ و بن برکن و آنان را بعد از ناز و نعمت و فراوانی به کمبود و نقصان دچار فرما و به حمله و شیخون إِلَیْهِمُ الْبِیَاتِ ، وَاَنْزِلْ عَلَیْهِمُ الْمُنْتَلَاتِ ، وَاَمِثْ حِیَاةَ الْمُنْكَرِ زِدْنِ وَ غَافِلِگِرِی اَنَانِ شَتَابِ كُنْ ؛ و عقوبت های سخت را بر آنان نازل فرما؛ و بدی ها و بدکاران را بعیران لِيُؤْمِنَ الْمَخُوفُ ، وَيَشِيْكُنَ الْمَلْهُوفُ ، وَيَشْبَعِ الْجَائِعُ ، وَيَحْفَظَ تَا اَنَانِ كَهٗ اَز دَسْتِ اَنَانِ دَر تَرَسِ وَ وَحْشَتِ سَرِ مِی بَرِنْدِ ، اَرَامِ گِیْرِنْدِ و انسان های دلسوخته و اندوهگین به آرامش برسند و گرسنه ها سیر شوند و الضَّائِعُ ، وَاُأْوِی الطَّرِيْدُ ، وَيَعُوْدُ الشَّرِيْدُ ، وَيُعْتَى الْفَقِيْرُ ، وَيُجَازِ چِیْزِهايِی كَهٗ دِجَارِ تَبَاهِی شَدْنْدِ ، مَحْفُوْظِ بَمَانْدِ و فراری ها مأوی گیرند و آواره ها برگردند و فقرا غنی شوند الْمُشْتَجِرُ ، وَيُوَفِّرُ الْكَبِيْرُ ، وَيُزَحِّمُ الصَّغِيْرُ ، وَيَعْرِ الْمَطْلُوْمُ ، و به امان خواهان، امان داده

شود، و پیران تکریم شوند و اطفال مورد ترحم واقع شوند و مظلوم عزیز شود و يُذَلَّ الظَّالِمُ ، وَيُفْرَجَ الْمُعْتَمُومُ ، وَتُنْفَرِحَ الْعُمَّاءُ ، وَتَشِيكَنَ و ستمگر خوار و ذلیل شود و غم های انسان های اندوهگین برطرف شود و دشواری ها راحتی یابند و شورش ها لَدُهُمَاءُ، وَيَمُوتَ الْإِخْتِلَافُ ، وَيَعْلَمُ الْعِلْمُ ، وَيَشْمَلُ السَّلْمُ ، آرام شود و اختلاف و دوگانگی از میان برود؛ و علم و دانش برتری پیدا کند؛ و صلح و آشتی فراگیر شود وَيُجْمَعُ الشَّتَاتُ ، وَيَقْوَى الْإِيمَانُ ، وَيُتْلَى الْقُرْآنُ ، إِنَّكَ أَنْتَ و تفرقه و پراکندگی به اتحاد و اجتماع مبدل شود و ایمان قدرت بگیرد و قرآن تلاوت گردد ، همانا تو الذَّبَّانُ الْمُتَعِيمُ الْمُنَّانُ . (۲۰)

پاداش دهنده روزی ده و بسیار احسان کننده هستی .

۱ . مهج الدعوات : ۳۱۵ .

۱۲ ادعا برای حفظ شدن از شر دجال

از معاذ بن جبل روایت شده است که گفت : روزی حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مرا به سوی عبدالله بن سلام فرستاد در حالی که نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم عده ای از اصحابش حضور داشتند ، عبدالله بن سلام نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم حاضر شد ، حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

ای عبدالله ؛ برای من خبر بده در مورد ده کلمه ای که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام در روزی که می خواستند او را به آتش بیندازند آموخت ، آنان را یافته ای که در تورات نوشته شده باشد ؟

عبدالله گفت : ای رسول خدا ؛ پدر و مادرم فدای شما ، آیا برای شما در مورد آن ده کلمه چیزی نازل شده است؟ همانا من ثواب قرائت آن ها را در تورات یافتم ولی کلمات

آن را نیافتیم و آن ده عدد دعا بود که در تمامی آن ها اسم اعظم خداوند وجود داشت .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند : آیا خداوند آن ها را به حضرت موسی علیه السلام آموخت ؟

عبدالله گفت : خداوند آن ها را به کسی جز حضرت ابراهیم علیه السلام نیاموخت .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند : چه چیزی در مورد ثواب آن در تورات دیده ای ؟

عبدالله گفت : ای رسول خدا ؛ چه کسی توانایی دارد که به آن ثواب ها برسد؟ من در تورات دیدم که نوشته شده است :

هیچ بنده ای نیست که خداوند بر او منت گذارد و این کلمات را در قلب او قرار دهد مگر این که نور را در چشمان او و یقین را در قلبش قرار دهد و سینه اش را برای ایمان بگشاید و نوری برای او قرار دهد که از جایی که نشسته به سوی عرش تالو کند و خداوند روزی دو بار به او بر فرشتگان مباحث کند و حکمت را در زبانش قرار دهد و حفظ کتابش را به او عطا فرماید ؛ گرچه نسبت به این امر حریص نباشد ، و او را در دین ، فقیه و دانشمند قرار دهد و محبت او را در قلب های بندگانش بیفکند و او را از عذاب قبر و فتنه دجال و ترس و هراس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند .

و او را در گروه شهدا محشور فرماید و خداوند او را احترام و تکریم کند و آنچه به کرامت و بزرگواری خویش به رسولانش عطا کرده، به او نیز عطا کند و چنین شخصی روزی که

همه مردم می ترسند، نمی ترسد و روزی که تمام مردم غمگین هستند غمگین نمی باشد، و نام او در نزد خداوند به عنوان صدیق کننده (نوشته شود و در روز قیامت محشور شود در حالی که قلبش آرام و مطمئن باشد و تحت پوشش بزرگان همراه حضرت ابراهیم علیه السلام در روز قیامت باشد .

به برکت این دعا، بنده آنچه از خداوند بخواهد به او عطا فرماید و اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند به سوگند او عمل کند و در مجاورت پروردگار مهربان در جایگاه باشکوه (بهشت) استقرار پیدا کند و برای او ثواب هر شهیدی که از ابتدای آفرینش دنیا به شهادت رسیده اند، نوشته شود .

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: ای ابن سلام؛ مراد از جایگاه باشکوه چیست؟

ابن سلام گفت: مراد بهشت عدن می باشد و آن، محلّ عرش پروردگار با عظمت و در جوار خداوند می باشد .

ابن سلام گفت: ای رسول خدا؛ آن (دعا) را به ما یاد بده و همان گونه که خداوند به شما احسان نموده، شما نیز به ما احسان فرما .

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: برای خداوند به سجده بیفتید .

معاذ بن جبل گفت: آنان همگی به سجده افتادند، و چون سر از سجده برداشتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: بخوانید:

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ ، اَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ جَمِيعٌ [خَلْقِكَ] ، يَا نُورَ خَدَايَا، خَدَايَا، خَدَايَا، تُو كَسِي هَسْتِي كِه تَمَامِي مَخْلُوقَاتِ از تُو هِرَاسَان و تِرَسَان هَسْتِنْد، اِي رُوشَنِي بَخْشِ النُّورِ ، اَنْتَ الَّذِي اِخْتَجَبْتَ دُونَ

خَلْقِكَ فَلَا تُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ ، يا نور ، تو کسی هستی که از خلق خود در حجاب و پنهان هستی و نور هم نمی تواند نورایت تو را درک کند ، اَللَّهُ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ ، اَنْتَ الرَّزِقُ الَّذِي اَرْزَقْتَ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ تو بلندمرتبه ای هستی که بر عرش خودت که بالاتر از آسمان هایت می باشد فَوْقِ سَمَائِكَ ، فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ ، يا نُورَ النُّورِ اسْتَيْلَا و برتری یافتی، پس عظمت و جلال تو را هیچ یک از مخلوقات نمی تواند وصف کند، ای روشنی بخش نور ، قَدِ اسْتَيْتَارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَائِكَ ، وَاسْتَيْضَاءَ بِضَوْئِكَ أَهْلُ اَرْضِكَ . همانا اهل آسمان ها از نور تو ، نور گرفته اند و اهل زمین در پرتو روشنایی تو روشنی یافتند . يا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ ، اَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ ، تَعَالَيْتَ عَنْ أَنْ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ تو کسی هستی که غیر تو خدایی نیست ، تو بالاتر از آن هستی که يَكُونُ لَكَ شَرِيكٌ ، وَتَعَطَّلَتْ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ وَلِيْدٌ ، وَتَكْرَمَتْ بِرَأْيِ شَرِيكِيْكَ باشد و بزرگ تر از آن هستی که برای تو فرزندی باشد و بزرگوارتر از آن هستی که عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَبِيْهُ ، وَتَجَبَّرَتْ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدُّ ، برایت همانند و شبیهی باشد و برتر از آن هستی که برایت ضد و مخالفی باشد، فَأَنْتَ اللَّهُ الْمَخْمُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ ، وَأَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ ، پس تو خدایی هستی که به تمامی زبان ها ستایش شده ای و کسی که در تمامی مکان ها عبادت و پرستش شده ای وَأَنْتَ الْمَذْكُورُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ ، يا نُورَ

النُّورِ ، كُلُّ نُورٍ وَ كَسَى هَسْتِي كِه در تمامی ساعات و لحظات یاد شده ای، ای روشنی بخش نور ؛ تمامی نورها خابید لِئورِکَ ، یا مَلِیکَ کُلِّ مَلِیکِ ، یَفْنی عَیْرَکَ یا دَائِمَ ، کُلِّ حَیِّ با وجود نور تو خاموش هستند، ای صاحب مُلکِ هر مالکی ؛ غیر تو همه چیز فانی و نابود می شود، ای کسی که ابدی یُموتُ عَیْرَکَ . یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ الرَّحْمَانُ الرَّحِیمُ ، اِرْحَمْنی هَسْتی و تمامی زنده ها - غیر از تو - می میرند . خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ ای بخشنده مهربان؛ آن گونه مرا مورد مهر رَحْمَهُ تُطْفِئُ بِهَا عَظَبَکَ ، وَتُکْفِ بِهَا عَذَابَکَ ، وَتَرْزُقُنی بِهَا وَرَحْمَتِ خویشتن قرار بده که آتش خشم و غضب تو را خاموش کند و عذابت را از من باز بدارد و از جانب تو سَعَادَةَ مِنْ عِنْدِکَ ، وَتَحْلُنی بِهَا دَارِکَ الَّتِی تَشِکُّنَهَا خَیْرَکَ مِنْ سَعَادَتِ وَ خوشبختی را رزق و روزی من فرماید و به وسیله آن در جایگاهی که بندگان نیکوکار در آنجا ساکن هستند، خَلِیقَکَ ، یا اُرْحَمَ الرَّاحِمِینَ . یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیلَ ، وَسَتَرَ الْقَبِیحَ ، ساکن شوم، ای مهربان ترین مهربانان ؛ ای کسی که زیبایی را آشکار می کنی و زشتی را می پوشانی ، یا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَةِ ، وَ لَمْ یَهْزِکَ السُّتْرُ ، یا عَظِیمَ الْعَفْوَ ، یا ای کسی که بنده ات را به گناهش مؤاخذه نمی کنی و پرده دری نمی کنی، ای دارای عفو عظیم ؛ ای حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، یا وَاَسِعَ الْمَغْفِرَةَ ، یا بَاسِطَ الْیَدَینِ بِالرُّحْمَةِ ، یا کسی که گذشت نیکو داری، ای کسی که مغفرت و بخشش او فراگیر

است، ای کسی که دست رحمت او برای همه باز است، ای صاحبِ کُلِّ نَجْوَى ، وَايَا مُنْتَهَى كَلِّ شَكْوَى ، یا کَرِيمَ الصَّفْحِ ، یا صاحبِ تمامی رازها و ای پایان تمامی شکایت ها (دادرسی تمامی شکایت ها به او ختم می شود)، ای صاحب الطاف بزرگ ، ای عَظِيمَ الْمَنْ ، یا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِخْقَاقِهَا ، یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ ، بزرگ ترین بخشنده، ای کسی که به بندگان قبل از استحقاق آنان نعمت بخشیدی ، پروردگارا؛ پروردگارا ؛ وَايَا سَيِّدَاهُ وَايَا أَمَلَاهُ ، وَايَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ ، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ یا ای آقا و سرور ؛ ای کعبه آمال و آرزوها و ای نهایت اشتیاق . خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ از تو می خواهم اللَّهُ أَنْ لَأَنْشُؤَهُ خَلْقِي فِي النَّارِ .

که هیأت مرا در آتش جهنم زشت و بدترکیب نکنی .

ابن سلام گفت : ای رسول خدا ؛ ثواب کسی که این کلمات را بخواند ، چیست ؟

حضرت فرمودند :

هیئات هیئات ، امکان ندارد که آن را به قلم آورد ، اگر فرشتگان هفت آسمان و زمین جمع شوند و بخوانند آن را تا روز قیامت توصیف کنند، هرگز نمی توانند یک جزء از هزار جزء ثواب آن را بیان کنند .

سپس حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای این کلمات ثواب ها و فضایل بسیاری ذکر فرمودند، که در اینجا مجال ذکر آن ها نیست و به همین مقدار به خاطر این که مطلب طولانی نشود ، اکتفا می کنیم. (۲۱)

۱۳ ادعای فرج) إلهی عظم البلاء)

دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام...

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان ارواحنا فداء نقل می فرماید که آن حضرت آن دعا

را به مردی که زندانی بود یاد می دهند و بعد از خواندن ، او از زندان آزاد می شود :

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ ، وَانْكَشَفَ الْعَطَاءُ ، وَانْقَطَعَ بَارِ خُدَايَا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد الرَّجَاءُ ، وَصَاقَتِ الْأَرْضُ ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ، وَامِید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تنها تویی که از تو یاری خواسته می شود ، وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي ، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدْوِ وَالرَّخَاءِ . اللَّهُمَّ وَشَكَيْتُ مَا نَزَدَ تُو آوْرَدَه مِي شُوْد وَ دَر سَخْتِي وَ سَسْتِي بَر تُو اَعْتِمَاد مِي شُوْد . خُدَايَا ؛ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، أُولَى الْأَمْرِ الدِّينِ فَرَضْتَ عَلَيْنَا بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودَ فَرَسْتِ ، هِمَانِ صَاحِبِيَانِ امْرِي كِه اِطَاعَتِ آن هَا رَا بَر مَا وَاجِبِ طَاعَتُهُمْ ، وَعَرَفْنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ ، فَفَرَّجْنَا عَنْهُمْ فَرْجًا كَرْدِي وَ بِه اَيْنِ وَسِيلَه مَقَامِ وَ مَنَزَلَتِ آنانِ رَا بَر اِي مَا شَنَاسَانْدِي ، پَس بِه حَقِّ آنانِ بَر اِي مَا كَشَايَشِ عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا فُورِي وَ نَزْدِيكِي چُونِ چَشْمِ بَر هِمِ زَدْنِ يَا نَزْدِيكِ تَر اَز آن مَرَحْمَتِ فَرَمَا ، اِي مُحَمَّدُ ؛ اِي عَلِي ؛ اِي عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ ، اِي كُفْيَانِي فَإِنِّكُمَا كَافِيَانِ ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنِّكُمَا عَلِي ؛ اِي مُحَمَّدُ ؛ مَرَا كَفَايَتِ كُنِيْد كِه هِمَانَا شَمَا كَفَايَتِ كُنِنْدِگَانِ مَنِ هَسْتِيْدِ وَ مَرَا يَارِي كُنِيْد كِه هِمَانَا شَمَا نَاصِرَانِ ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبِ الرِّمَانِ ، اَلْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ ، يَارِي

وآله وسلم پیامبر من وعلی وعلی وعلی بن الحسین وعلی بن محمد وعلی بن جعفر بن محمد وعلی بن جعفر بن موسی امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، و محمد بن علی وعلی بن محمد وعلی بن جعفر بن موسی امام هادی، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و جانشین ۱. مصباح الزائر: . ۳۸۶

الصَّالِحِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَيَّتِي، بِهِمْ أَتَوَلَّى، وَمِنْ عَدُوِّهِمْ صَالِحِ إِيشَانِ كِه دَرُودِ تُو بَرِ تَمَامِي إِيشَانِ بَادِ، بِيشَوَايَانِ وَ اَمَامَانِ مَن هَسْتَنْدِ . بِه إِيشَانِ اِظْهَارِ اِرَادَتِ وَ وِلَايَتِ دَارِمِ وَ اَز دَشْمَنَانِ إِيشَانِ أَتَبَرُّهُ . اَللَّهُمَّ اِنِّي اُنْتَبَدْتُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ . وَ سِه مَرْتَبِه مِي گُويِي : اَللَّهُمَّ بِيْزَارِي مِي جُوْبِمِ وَ بَا اَنَانِ دَشْمَنِي مِي كَنِمِ . خُدَايَا؛ مَن بِه خُونِ مَظْلُومِ تُو رَا سُو گَنْدِ مِي دَهْمِ . بَارِ خُدَايَا ؛ اِنِّي اُنْتَبَدْتُكَ بِوَأَيْبِكَ عَلَي نَفْسِكَ لِأَوْلِيَايِكَ ، لَتُظَهِّرَنَّهُمْ عَلَي تُو رَا بِه وَعَدِه اِي كِه بِه اَوْلِيَا وَ دُوسْتَانِ خُودِ فَرْمُودِه اِي كِه اَنَانِ رَا حَتْمَاً بَرِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَي الْمُسْتَبِيحِظِينَ مِنْ دَشْمَنَانِ خُوْبِيْشِ وَ دَشْمَنَانِ إِيشَانِ چِيْرِه گِرْدَانِي سُو گَنْدِ مِي دَهْمِ كِه بَرِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صَلَوَاتِ اللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمِ، وَ نَكْهَبَانَانِ دِيْنَتِ اَز اِلِ مُحَمَّدٍ . وَ سِه مَرْتَبِه مِي گُويِي : اَللَّهُمَّ اِنِّي اُنْتَبَدْتُكَ بِوَأَيْبِكَ عَلَي آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي . بَارِ خُدَايَا ؛ تُو رَا بِه عَهْدِي كِه دَرِ مَوْرَدِ نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ ، كَتَهْلِكُنَّهُمْ وَ كَتُخْرِجُنَّهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي دَشْمَنَانَتِ بَا خُودِ نَمُودِه اِي كِه اَن هَا رَا هَلَاكِ وَ نَابُودِ كَنِي وَ بِه دَسْتِ خُودِشَانِ وَ بِه دَسْتِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، اَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُشْرِكَيْنِ مِنْ آلِ الْمُؤْمِنَانِ ، آتَانِ رَا بِي خَوَارِي وَ ذَلَّتْ بَكشَانِي سَوَگَنْدِ مِي دَهَمِ كِه بَرِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ بَرِ نَگْهَبَانَانِ دِيْنَتِ از آلِ مُحَمَّدٍ . وَ سَهْ مَرْتَبَهْ مِي گُويِي :
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ . (۲۴) مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِي . بَارِ خُدَايَا ؛ مَنِ از تُو آسَايشِ وَ رَاْحَتِي رَا بَعْدِ از سَخْتِي وَ مَشَقَّتِي مِي خَوَاھَمِ .

۶ ادعای هنگام عطسه

در کتاب «جنات الخلود» آورده است : هنگام عطسه کردن ، مستحب است که انگشت اشاره را روی سر بینی قرار داده و آنچه را که امام زمان ارواحنا فداه قرائت فرموده است ، بخواند :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ غَبْدًا سَنَائِيْشِ ، وَبِزِهِ خُدَاسْتِ ، كِه پَرُورْدِگَارِ جِهَانِيَانِ اسْتِ ؛ وَ دَرُودِ خُدَا ، بَرِ مُحَمَّدِ وَ آلِ او بَاد . دَرِ حَالِي كِه بِنْدَهْ اِيْ هَسْتَمِ ، ذَاكِرًا لِلّٰهِ ، غَيْرَ مُشْتَكِيْفٍ وَ لَا مُشْتَكِيْرٍ . (۲۵)

که همواره به یاد خدا می باشم ، و رو گردان نیستم و استکبار نمی ورزم .

۱۷ ادعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دعای سفر در ساعت مخصوص

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «الأمان» آورده است : ما در کتاب خود به نام «الأسرار المودعه فی ساعات الليل و النهار» گفتیم که هر ساعتی از روز ، ویژه یکی از امامان علیهم السلام است ، و هر ساعتی نیز دو دعا دارد . یکی را از دستخط جدم شیخ طوسی رحمه الله نقل کردم ، و دیگری را از دستخط منسوب به ابن مقله روایت نمودم .

از روایات استفاده می شود که هر یک از امامان علیهم السلام ، در ساعتی که به ایشان اختصاص دارد ، نگاهبان و حمایت کننده از شیعیان ، خواهند بود :

ساعت اول ، اختصاص دارد به مولای ما امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است .

و ساعت دوم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسن علیه السلام ؛

و ساعت سوم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسین علیه السلام ؛

و ساعت چهارم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام زین العابدین علیه السلام ؛

و ساعت پنجم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام باقر

علیه السلام؛

و ساعت ششم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام؛

و ساعت هفتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام کاظم علیه السلام؛

و ساعت هشتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام؛

و ساعت نهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام جواد علیه السلام؛

و ساعت دهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام هادی علیه السلام؛

و ساعت یازدهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام عسکری علیه السلام؛

و ساعت دوازدهم که اختصاص به امام دوازدهم حضرت مهدی صلوات الله علیه دارد.

انسان، در هر یک از ساعت های دوازده گانه یاد شده، دعای ویژه آن ساعت را می خواند؛ و تفاوتی ندارد که روز بلند تابستانی، یا روز کوتاه زمستانی باشد؛ زیرا از روایات برمی آید که روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهای مخصوص نیز دوازده بخش هستند.

بدین سان، هرگاه تصمیم به مسافرت گرفتی، هنگام حرکت در هر یک از ساعتهای دوازده گانه که قرار داشتی - و آن ساعت به هر یک از امامان عزیزی که خدا او را حمایت کننده و وسیله نجات قرار داده اختصاص داشت - این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا فُلَانًا صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ عَلَيْهِ، وَ اِنِّىْ بارالها؛ به مولای ما، نام امامی را ببر که آن ساعت به او اختصاص دارد(- که درودهایت بر او نثار باد - این خبر را برسان که من بر او درود و سلام اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ بِاِقْبَالِكَ عَلَيْهِ، فِى اَنْ يَكُوْنَ خَفَاظَتِى وَ جَمَاعَتِى مى فرستم، و چون

تو روی به ایشان داری من نیز به ایشان روی آورده ام؛ تا به ضمانت تو، مرا در حمایت و پناه و سیلامتی و کمال سعادتت ضیمانها بک علیّه ، حیثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ و امتیّت خویش بدارند و سعادت و خوشبختی کامل نصیبم شود؛ زیرا من فی الساعه الّتی جعلته کالخفیر فیها و خدیثها فی ذلک إلیه . در ساعتی آغاز به کار می کنم که آن حضرت را نگاهبان و امان دهنده در آن ساعت قرار داده ای .

به نظر می رسد که مناسب است هر گاه به توقّفگاهی در بین راه رسیدی، در هر ساعتی که بود دعای ویژه آن ساعت را بخوانی ؛ همچنین ، هنگام حرکت از توقّفگاه نیز به امامی که آن ساعت ویژه اوست ، عرض سلام و ادب کنی ، تا روح با او انس بیشتر بگیرد ، و او را ضامن خود بسازی که از آن ساعت پیش آمدی برایت رخ ندهد .

اگر خداوند بزرگ این کار را از تو نمی خواست ، این مطالب را نمی آموختی . البتّه با این کار ، تمام کارهایت در مسافرت هایت ، عنوان عبادت خواهد یافت و ذخیره ای برای آن جهان خواهد شد .
(۲۶)

۱۸ ادها برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز

دعا ... در ساعت دوازدهم روز

این دعا مخصوص ساعت دوازدهم - یعنی از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز برای امام زمان ارواحنا فداه است :

یا مَنْ تَوَخَّذَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ ، یا مَنْ غَنِيَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُغْبِهِ ، یا ای کسی که خود را از آفریدگانش جدا ساخته ؛ ای کسی که به آفریده اش از آفریدگانش بی نیاز است؛ ای مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بُلْطَفِهِ ، یا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ

مَرْضَاتُهُ ، کسی که خود را با لطف و مهربانی به آفریدگانش شناسانده؛ ای کسی که فرمانبردارانش را به شاهراه خشنودی های خود کشانده؛ یا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِي عَلَى شُكْرِهِ ، یا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ ، ای کسی که دوست داران خود را برای سپاسگزاری یاری نموده؛ ای کسی که با آیین خویش بر دوست دارانش مَنّت نهاده ، وَلَطْفَ لَهُمْ بِتَأْيِيلِهِ . أَشَأَلُكَ بِحَقِّ وَوَلِيِّكَ الْخَلْفِ الصَّالِحِ ، بَقِيَّتِكَ وَبِا نِعْمَتِهَا وَبِخَشْشِهَا هِيَ خُودِ بِيهَا لَطْفَ كَرَمِهِ ؛ از تو درخواست می کنم، به واسطه ولی خود و آن جانشین صالح؛ که یادگار و باقی مانده فی اَزْضِيكَ ، الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ ، وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ ، بَقِيَّتِهِ حُجَّتِهَا هِيَ تُو دَرِزَمِينَتِهَا ، وَاز دشمنان تو و پیامبرت، انتقام می گیرد؛ هم او که یادگار اَبَائِهِ الصَّالِحِينَ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ ، وَأَنْتَضَرُّعُ إِلَيْكَ بِهِ ، وَأَقْدَمُهُ أَجْدَادَ شَائِسْتِه اش است، یعنی محمد فرزند حسن؛ و به واسطه او نزد تو تَضَرُّع و زاری می کنم، و او را ۱ . الأمان من اخطار الأسفار والأزمان : ۱۰۱ .

بَيْنَ يَدَيْ خَوَائِجِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ، وَأَنْ تُدَارِكَنِي بِهِ ، وَتُنَجِّنِي مُحَمَّدٌ دَرُودَ بَفَرَسْتِي ، وَنَسَبْتِ بِي مِنْ جَنِينٍ وَجَنَانٍ كُنِي . و) می خواهم که(به واسطه او مرا دریابی، و از مِمَّا أَخَافُهُ وَأَخِذْرُهُ ، وَالْأَيْشِيَنِي بِهِ عَافِيَّتِكَ وَعَفْوِكَ فِي الدُّنْيَا أَنْجِه بَرَامِ تَرَسْنَاكَ وَهَوْلَنَاكَ اسْتِ وَاز آن پرهیز می کنم، نجاتم دهی . و

وَأَنْ ظَاهِرِي وَبَاطِنِي رَا بَرِ اِيْشَانِ مَقْرَّرِ دَاشْتِي . بَهِ وَاَسْطَهْ اِيْشَانِ اَزِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ كِهْ بَرِ مَحْمَدِ وَ آلِ مَحْمَدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِي، وَ تَعْفَرِ ذُنُوبِي كَلِّهَا يَا عَفَّارُ، وَ تَتُوبِ عَلَيَّ يَا تَوَّابُ، وَ تَرْحَمْنِي يَا تَمَامِ گَنَاهَانِمِ رَا بِيخْشِي؛ اِي بَسِيَارِ بَخْشِنْدَه؛ وَ اَزِ مَنِ دَرِگْذَرِي وَ بَازِگَشْتَمِ رَا بِيذِيْرِي، اِي بَسِيَارِ تُوْبَهْ بِيذِيْرِي؛ وَ بَهِ مَنِ رَحْمِ كَنِي، اِي رَحِيْمِ، يَا مَنُ لَا يَنْتَعَاظُمُهُ ذَنْبٌ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. (۲۷) رَحْمِ كَنَنْدَه؛ اِي كَسِي كِهْ گَنَاهِ هِيْجِ كَسِ ضَرْرِي بَهِ عَظْمَتِ وَ بِيْزَرِگِي اُو نَمِي رَسَانْد؛ وَ اِيْنِ دَرِ حَالِي اَسْتِ كِهْ بَرِ هَرِ چِيْزِ تُوَانَاَسْتِ .

۱۹ ادعای دیگر در ساعت مخصوصه آن حضرت ارواحنا فداه

دعای دیگر در ساعت مخصوص

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان ارواحنا فداه - از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز نقل شده است :

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ، وَالْمُهَادِمِ الْمُؤَسَّسِ، وَرَازِقِ بَارِهَا؛ اِي بَهِ وُجُودِ آوَرَنْدَه آسْمَانِ بَرَا فَرَا شْتَهْ وَ زَمِيْنِ گَسْتَرْدَه؛ اِي رُوْزِي بَخْشِ اَلْعَاصِي وَالْمُطِيعِ، اَلَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُوْنِيهِ وَاِلَيْهِ وَلَا شَفِيْعٌ . گَنَاهِ كَارِ وَ فَرْمَانِ بَر؛ اِي كَسِي كِهْ هِيْجِ سَرِيْرَسْتِي نَدَارْد، وَ كَسِي جِزِ اُو قَادِرِ بَهِ شَفَاعَتِ نِيَسْت؛ اَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي اِذَا سُمِّيَتْ عَلٰى طَوَارِقِ الْعُمْرِ عَادَتْ اَزِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ، بَهِ وَاَسْطَهْ نَامِ هَايْتِ كِهْ اِكْرِ بَرِ رَا هَايِ صَعْبِ وَ دَشْوَارِ خَوَانْدَه شُوْد، يُسَيِّرًا، وَ اِذَا وُضِعَتْ عَلٰى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا، وَ اِذَا اَسَانَ مِي گَرْدَنْد؛ وَ اِكْرِ بَرِ كُوْهِ هَا نِهَادَه شُوْد، اَزِ هَمِ پَا شِيْدَه وَ پَرَا كَنْدَه مِي شُوْنْد؛ وَ اِكْرِ رُفِعَتْ اِلَى السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ، وَ اِذَا هَبِطَتْ اِلَى ظُلُمَاتِ بَهِ سُوِيِ آسْمَانِ بَا لَا

می کنم همان عزیزی علی طاعتی الراء المُنْفَرَقَه ، وَتُوَلَّفُ بِهِ بَيْنَ الْاَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَه ، که دیدگاه های پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می آوری؛ و به واسطه او خواسته های مختلف را به هم پیوند می دهی؛ وَتَسِيءُ تَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ اَوْلِيَائِكَ ، وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شَرِّ اَعْدَائِكَ ، و حَقِّ دُوسْتَانَتِ رَا بَه وَاسَطَه اَوْ بَازِ مِی سِنَانِی وَ بَرَمِی گَرْدَانِی ؛ و از بدترین دشمنانت، به واسطه آن بزرگوار انتقام می گیری؛ وَتَمَلُّ بِه الْاَرْضَ عَدْلًا وَ اِحْسَانًا ، وَتُوسِعُ عَلَی الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ وَ بَه وَ سِیْلَه اَوْ ، زَمِیْنِ رَا پَر اَز عَدَلِ وَ دَادِ وَ نِیْکِی مِی کُنِی؛ و با ظهور او ، فَضْلَ وَ قَضَالَ وَ اَمِیْنَانًا ، وَتُعِيدُ الْحَقَّ اِلَی مَکَانِهِ عَزِیْزًا حَمِیْدًا ، وَتُزَجِّعُ اِحْسَانَتِ رَا بَر بِنْدِگَانَتِ تَوْسِعَه مِی دَهی وَ فِرَاوَانِ مِی گَرْدَانِی؛ وَ حَقِّ وَ رَاسْتِی رَا بَه جَایْگَاهِ اَوْ دَر حَالِی کَه عَزِیْزِ وَ نِیْرُومَنْدِ وَ سِتُودَه بَاشَد بَازِ مِی گَرْدَانِی؛ الدِّیْنِ عَلَی یَدَیْهِ غَضًّا جَدِیْدًا ، اَنْ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ وَ دِیْنِ وَ اَیْنِ رَاسْتِیْنِ خُودِ رَا بَه دَسْتِ بَا کَفَایَتِ اَوْ تَرِ وَ تَا زَه مِی گَرْدَانِی ؛ (از تو می خواهم) کَه بَر مُحَمَّدِ وَ اَلِ مُحَمَّدِ ، فَفَقِدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهَمَّ اِلَیْکَ ، وَقَدَّمْتُهَمَّ اَمَامِی وَبَیْنِ یَدَیْ مُحَمَّدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ ، واقِعِیْتِ اَنْ اَسْتِ کَه مَن اِیْشَانِ رَا شَفِیْعِ خُودِ سَاخْتَه اَمِ وَ اَنَانِ رَا پِیْشَاپِیْشِ خُودِ وَ پِیْشَاپِیْشِ حَوَائِجِمْ بَه دَر گَاهِ تُو آوَرْدَه اَم ، تَا حَوَائِجِی ، وَ اَنْ تُو زَعِنِی شُکْرَ نِعْمَتِیْکَ ، فِی التَّوْفِیْقِ لِمَعْرِفَتِهِ ، خُوَاسْتَه هَا یِمِ رَا بَر آوَرْدَه سَا زِی ، وَ (از تو می خواهم) سِپَاسْگَرَا رِی نِعْمَتِ خُودَتِ رَا نَصِیْبِمْ کُنِی؛ دَر اِیْنِ کَه مَرَا بَه سِنَاخْتِ اَنْ حَضْرَتِ تَوْفِیْقِ دَادَه ، وَ اَلْهِدَا یَه اِیْلِی طَاعَتِهِ ، وَ تَزِیْدِنِی قُوَّةً فِی التَّمَسُّکِ

بِعَضِّ مَتِّهِ وَبِهِ فَرْمَانُ بَرِيٍّ مِنْهُ وَرَهْمُونِ گشته ای، و نیرویم را برای چنگ زدن به نگهبانی ویژه او وَالْأَقْبِدَاءِ بِسُنَّتِهِ، وَالْكُونُ فِي زُمْرَتِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، و پیروی از روش های او، و بودن جزو همراهان و یارانش فزونی بخشی. راستی که تو شنوای دعا هستی، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۲۸)

به خاطر مهربانیت، ای مهربان ترین مهربانان؛

عَلَمَهُ خَوَاجُوبِيٌّ فِي تَعْلِيْقِهِ خُودَ آورده است:

این که فرموده: «الَّذِي تَجْمَعُ عَلَيْهِ طَاعَةُ الْأَجْرَاءِ الْمُتَفَرِّقَةُ»؛ «دیدگاه های مختلف و پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می آوری»، دلالت بر این مطلب دارد که در زمان دولت و حکومت مقتدرانه و فراگیر آن حضرت، دیدگاه ها و خواسته ها با هم تفاوت ندارند و یکی می شوند؛ تا جایی که هر که سخن و نظری می گوید، در راستای فرمان برداری از آن حضرت است.

امام عصر صلوات الله علیه، رئیس و فرمان روایی مورد قبول و مورد اطاعت همگان است، و هر کس به حق خود می رسد، خمس در جای خود مصرف می شود، و زکات، غنیمت، انفال، دیه ها، قصاص و دیگر احکام نیز به درستی انجام می شوند و به مصرف می رسند.

فدک، به صاحبان واقعی اش می رسد، و از تمام دشمنان خدا، به نفع دوستان خدا انتقام گرفته می شود؛ چه زندگان آن ها و چه مردگان آن ها، که با زنده کردنشان برای آن ها از دشمنان انتقام گرفته می شود.

دلیل مطالبی که عرض شد، روایت های فراوانی است که در خصوص این موضوعات آمده است.

از جمله حدیث های یادشده می توان اشاره کرد به این حدیث که

خداوند به زودی گروهی را هنگام ظهور حضرت مهدی صلوات الله علیه به دنیا برمی گرداند، که جزو شیعیان بوده اند و ایمانی خالص داشته اند، و از دنیا رفته اند . برگرداندن ایشان به جهت دست یابی به ثواب یاری و کمک رسانی به امام عصر صلوات الله علیه ، و نیز شادکامی خودشان از دیدن برپایی دولت آن حضرت است .

نیز، گروهی را که کفرشان کامل بوده به دنیا برمی گرداند تا از ایشان انتقام بکشد، و بخشی از عذاب و رنجشی را که حقّ شان است - یعنی کشته شدن به دست شیعیان - به ایشان برسد ؛ و با مشاهده اقتدار و حکمرانی نیرومند آن حضرت ، به خواری و رسوایی کشیده شوند .

در آن زمان شریف، عدل و داد و نیکی در شرق و غرب هستی برپا می شود؛ چنان که خداوند در قرآن به این موضوع امر فرموده است .

همچنین ، بندگان خداوند ، توانگر و پر روزی خواهند شد، و هر چه برای زندگی مادی و نیز اُمور آخرت شان نیاز دارند ، برای شان فراهم خواهد بود .

در آن روزگار ، حقیقت و راستی به جایگاه ارزشمند و شایسته خود می رسد ، و آیین رهایی بخش اسلام نیز - با وجود از بین رفتنش - دوباره برمی گردد و از نو مطرح می شود ؛ بدین سان ، مسلمانان ، اسلام تازه را اختیار می کنند ، و در این روزگار است که حکومت زمین به طور کامل در اختیار نمایندگان الهی قرار می گیرد . خوشا به حال اهل آن روزگار ؛ خوشا به حال شان .

بار الها ؛ در ظهورش شتاب فرما ، و کار قیام او را آسان گردان ، و

ما را از کسانی قرار بده که در زیر خیمه گاه های حکومت او درآیند ، و به شرف دیدار او و دوستانش نایل می شوند ، و پیش روی او به مبارزه می پردازند و دشمنان او را می کشند و خود نیز کشته می شوند تا فرمان او بلندمرتبه شود و آیین او قدرتمند گردد به حقّ محمد و آل و عترتش ، که درودهای الهی نثارشان باد . (۲۹)

۲۰ صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَايَكَ ، الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ ، بارالها؛ درود بفرست بر نماینده ات که فرزند نمایندگان ویژه توست؛ همان بزرگوارانی که فرمان برداری از ایشان را فرض و واجب فرمودی، وَاَوْجِبَتْ حَقَّهُمْ ، وَاَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ ، وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيراً . و رعایت حقّ ایشان را بر همگان لازم کردی، و رجس و پلیدی را از ایشان زدودی، و بدین سان به طور کامل پاک و پاکیزه نگاهشان اَللّٰهُمَّ اَنْصِرْ بِهٖ لِدِينِكَ ، وَاَنْصِرْ بِهٖ اَوْلِيَايَاكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ دَاسْتِي . خدایا؛ او را یاور و پیروزگر دینت قرار ده، و دوستانت را و دوستان و شیعیان و یاران باوفای او را به واسطه او یاری و اَنْصَارَهُ ، وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ . اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ ، برسان ؛ ما را نیز جزو این یاری شوندگان بگمار . خدایا؛ آن عزیز را از زیان و بدی تمام ستمگران و طاغوت ها و سرکشان و مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَاَوْصِلْ اِلَيْهِ بِسُوءٍ ، راست

آن پرهیز می کنند و می ترسند . ای معبود راستین؛ اجابت فرما .

۱۲۴ ادعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها

سید حمیری رحمه الله در ضمن نامه ای به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه از حضرتش پرسید : آیا در آغاز نماز به عنوان توجه می توان گفت: «علی ملة ابراهيم ودين محمد صلى الله عليه وآله وسلم»؟

در توضیح این سؤال نیز بیان داشت که برخی از عالمان اظهار داشته اند که این بدعت است که گفته شود : «علی دین محمد صلی الله علیه وآله وسلم» به این دلیل که در این مورد تنها یک حدیث در کتاب های مربوط آمده ، و آن نیز در کتاب قاسم بن محمد موجود است که از جدش حسن بن راشد نقل کرده که امام صادق علیه السلام به او فرمودند :

چگونه شروع به نماز می کنی؟

گفت : می گویم : «لَبَّيْكَ وَسَعْدِيكَ» .

«خدایا ؛ دعوت تو را پاسخ می گویم و از این باب خوشبختم.»

امام صادق علیه السلام فرمودند :

پرسشم این نبود؛ پرسشم این است که این عبارت را هنگام شروع نماز چگونه می گویی : «وَجِهْتَ وَجْهِي لِلذِّى فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا» .

روی به کسی آوردم که آسمان ها و زمین را آفرید؛ در حالی که تسلیم و پرستشگر او هستم؟

حسن بن راشد گفت: همان را می گویم .

حضرت فرمودند : این عبارت را این گونه بگو :

«علی ملة ابراهيم ودين محمد صلى الله عليه وآله وسلم ومنهاج علي بن ابي طالب عليه السلام والى اتمام آل محمد حنيفاً مسلماً وما أنا من المشركين» .

بر آیین ابراهیم و دین محمد و راه و روش علی بن ابی طالب ، و پذیرش پیشوایی آل محمد - نماز می گزارم ، در حالی که پرستشگر و تسلیم خدا

هستم، و شرک نمی ورزم .

امام زمان صلوات الله علیه در پاسخ حمیری فرمودند :

توجه یعنی خواندن این دعا در آغاز نماز (واجب نیست؛ و مستحب مؤکد در این باره - که همانند اجماع مورد قبول همگان می باشد - این عبارت است :

وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنيفاً مُتَّبِعاً رُوحِي بِهِ كَسَى آوْرَدَهُ امَّ كَمَا آسَمَانِهَا وَزَمِينِهَا بِبِإِفْرِيدٍ؛ در حالی که من تنها او را می پرستم و تسلیم او هستم، عَلَيَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا مِنْ بَرِ آئِينَ حَضْرَتِ اِبْرَاهِيمَ، وَ دِينِ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ هِدَايَةِ امِيرِ مُؤْمِنَانِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - هستم و به خدا نیز الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُكْحِي وَمَخْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ شَرِكِ نَمِي وَرَزْمِ . به راستی که نماز، عبادت، زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِعْدَلِكَ أَمْرٌ وَأَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ . اَللَّهُمَّ جَهَانِيَانِ اسْتِ وَ هِيَجِ شَرِيكِي نَدَارِدُ . من دستور یافته ام که چنین باشم و من جزو مسلمانان هستم. بار الها! اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ مَرَا جَزُو مُسْلِمَانَانِ قَرَارِ بَدَه؛ از شیطان رانده شده به خدای شنوای دانا پناه می برم، اَللَّهُمَّ اَللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَ پَسِ اَزْ اَنْ، حَمْدِ رَا مِي خَوَانِدُ. (۳۱)

به کمک نام خدای بخشنده مهربان .

دعای سهم اللیل از امام زمان علیه السلام

۱ . بحار الأنوار : ۳۵۹/۸۴ ، به نقل از الإحتجاج : ۳۰۷/۲ .

۲۲ دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار ، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» این دعا را از جمله دعاهاى امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده

، بِدَيْتُهُمْ قِيَوْمٌ دَوَامٌ مُدَّتِكَ ، رفعت و والاییت که بسی والا و بلندمرتبه است ؛ به واسطه دایمی بودن که مدّت بسی پایدار و استوار است ؛ بِرِضْوَانِ عُمْرَانَ أَمَانَ رَحْمَتِكَ ، بِرَفْعِ بَدِيعِ مَنِيَعِ سَيِّطَتِكَ ، به واسطه خشنودی آمرزش که امتیّت رحمتت را به همراه می آورد؛ به واسطه پادشاهی نوآور و استوارت که بسیار والامرتبه است و با بِشْرِعَاهِ ضِلَاةٍ بِسَاطِرِ رَحْمَتِكَ ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ ، همه متفاوت و از همه بهتر است؛ به واسطه گستره رحمت تو به کوشندگان نماز؛ به واسطه حقیقت حقّ تو که دارای حقایقی راستین است؛ بِمَكُونِ السَّرِّ مِنْ بَيْتِ رَبِّكَ ، بِمَعَاوِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّكَ ، بِحَنِينِ به واسطه آن بخش از راز و رمز ویژه ات که آن را نیز در پرده راز نهاده ای؛ به واسطه آن بخش از عزّت و اقتدارت که پایه های عزّت توست؛ أَنِينِ تَشْكِينِ الْمُرِيدِينَ ، بِخِرْقَاتِ خَضَعَاتِ زُفْرَاتِ الْحَافِيئِينَ ، به واسطه ناله های پنهانی و شیکوه های ارادتمندان؛ به واسطه آه های آتشین و فروتنانه کسانی که از تو می ترسند؛ بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَارَاتِ به واسطه آرزوها ، کارها ، گفتار کوشش کنندگان؛ به واسطه خشوع و خضوع شکیبایان که در هنگام تلخی ها از الصّابِرِينَ ، بِتَعَبُدِ تَهَجُّدِ تَمَجُّدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ . اَللّهُمَّ ذَهَلَتْ خُودِ نِشَانِ مِی دهنده؛ به واسطه عبادت ها، شب زنده داری ها و ثنا و ستایش گویی ها و نشاط کسانی که به عبادت و پرستش تو مشغول اند؛ الْعُقُولُ ، وَالْحَسْرَتِ الْأَبْصَارُ ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ ، وَحَارَبَتِ خُدَايَ مِنْ عَقْلِهَا وَخَرَدَهَا مِنْ كَارِ الْفِتَانِ ، وَجَشَمَهَا نَاتُونَ شَدَنَدُ ، وَفَهَمُ وَدَرْكُهَا تَبَاهُ شَدَهُ وَبِهِ نَابُودِي

گرایید، و الأوهام، و قَصِيْرَتِ الْخَوَاطِرِ، وَبُعْدَتِ الظُّنُونِ عَنْ إِذْرَاكِ كُنْهِ خِيَالِهَا وَانْدِيْشَةِهَايِ زُرْفِ نَگَرِ سَرِگَرْدَانِ شَدْنَدِ، وَخَاطِرَهَا نَتَوَاسْتَنْدِ اَدَامَه رَاه رَا بَرَوْنَدِ، وَگَمَانِهَا دَر دُورْدَسْتِهَا نَاكَامِ كَيْفِيَّتِهِ مَا ظَهَرَ مِنْ بُوَادِي عَجَائِبِ أَضْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ مَانْدَنْدِ؛ وَلِي هِيْجِ يَكِ نَتَوَاسْتَنْدِ بَه طُورِ كَامَلِ اَيْنِ رَا دَرِيَابَنْدِ كِه شَكْفَتِيهَايِ اَعْزَازِيْنَ وَنَوَاوَرِيهَايِ گُونَاگُونِ قَدْرَتِ چَكُونِه اَسْتِ؟ اَلْبُلُوْغِ اِلَى مَعْرِفَتِهِ تَلَا لَوْ لَمَعَانِ بُرُوْقِ سَيِّمَاَيْكَ . اَللَّهُمَّ مُحَرِّكْ وَنَتَوَاسْتَنْدِ بَه اَيْنِ شِنَاخْتِ دَسْتِ يَابَنْدِ كِه چَكُونِه اَسْمَانِ تُو بَه نُوْرَاْفَشَانِي وَدَرخَشَنْدِگِي بَرَقِ خُودِ مِي پَرْدَاذِد . بَارِ اِلَيْهَا؛ اِي اَلْحَرَكَاتِ ، وَمُؤَيِّدِيْ نِهَائِيهِ اَلْغَايَاتِ ، وَمُخْرِجِ تِنَابِيْعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ جَنِبَانَنْدِه جَنْبِنْدِه هَا ؛ اِي اَعْزَازِگَرِ پَايَانِ مَقْصُودَهَا؛ اِي كَسِي كِه چَشْمِه هَا سَاقِه هَايِ گِيَاهاَنِ رَا بِيروُنِ مِي اَوْرِد ؛ اَلنَّبَاتِ ، يَا مَنْ شَقَّ صَمَّ جِلَامِيْدِ الصُّخُوْرِ الرَّاسِيَاَتِ ، وَاَنْتَبَعَ مِنْهَا اِي كَسِي كِه سَنَگِ هَايِ سَخْتِ وَبِه زَمِيْنِ چَسِيْبِدِه رَا شَكَاْفَتِ وَ اَز اَن هَا مَاءٌ مَعِيْنًا حَيَاةً لِّلْمَخْلُوْقَاتِ ، فَأَخْيِي مِنْهَا اَلْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتِ ، اَبِي گُوَارَا كِه بَاعَثَ زَنْدِگَانِي اَفْرِيْدِگَانِ اَسْتِ بِيروُنِ اَوْرِدِ وَ اَز اَن اَبِ نِيْزِ حَيَوَانَ هَا وَ گِيَاهاَنِ رَا زَنْدِگِي بَخْشِيْدِ؛ وَعَلِمَ مَا اِخْتَلَجَ فِي سِرِّ اَفْكَارِهِمْ مِنْ نُطْقِي اِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ وَ اَن چِه رَا دَر اَنْدِيْشِه هَايِ پَنْهَانِ شَانِ - هَمَانَنْدِ بَرَقِ - مِي گَزْرِدِ اَگَاهِي دَارِدِ ، لُغَاتِ التَّمْلِيْلِ السَّارِحَاتِ . يَا مَنْ سَيَّبَحَتْ وَهَلَّتْ وَفَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ جَنَانِ كِه اَزِ گَفْتَاَرِي كِه مُورِچْگَانِ بَا اِشَارَه هَايِ رَمْزِي)بِه عَتُوَانِ لُغْتِ وَ زَبَانِ(دَارَنْدِ اَگَاهِ اَسْتِ؛ وَسَيَّجَدَتْ لِجَلَالِ جَمَالِ اَقْوَالِ عَظِيْمِ عَزُوْ جَبْرُوْتِ مَلَكُوْتِ اِي كَسِي كِه فَرَشْتِگَانِ هَفْتِ اَسْمَانِ بَرَايِ شَكُوْهِ زِيْبَايِي گَفْتَاَرِهَايِ بَزْرَگِ مَرْتَبِه عَزَّتِ جَبْرُوْتِ سُلْطَنِيَّتِهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ ،

يَا مَنْ دَارَتْ فَأَضَاءَتْ بِادشاهی استوارش، زبان به تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر گشوده اند و به سجده افتاده اند؛ ای کسی وَأَنَارَتْ لِتَدْوَامِ دَيْمُومِيَّتِهِ النُّجُومِ الزَّاهِرَاتِ، وَأُحْصِيَ عِدَدَ كَ سِتَارِ كَانِ پرتوفاشان، در برابر دایمی بودن راستین او به چرخش در آمده اند و به نورافشانی پرداخته اند؛ ای کسی که تعداد الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ الْبَرِيَّاتِ، زندگان و مردگان را می داند و به شماره در آورده است؛ بر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ - که بهترین مردم هستند - درود بی پایانت را نثار فرما؛ وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا. و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را مسألت می کنی. (۳۳) و این کارم را برای من انجام بده .

۲۴ دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روایت شده است :

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبِعَدَ الْمُعَصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّيِّ، بارالها؛ تَوْفِيقَ فِرْمَانِ بَرْدَارِي از خُودت رَا رُوزِيمَانِ گُردَان؛ وَنِيْزَ، تَوْفِيقَ (دُورِي از گِنَاهِ وَ نَافِرْمَانِي، نِيْتِ دَرَسْتِ وَ رَاسْتِيْنِ، وَعِرْفَانَ الْخُرُومِ، وَأَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِيقَامَةِ، وَسَدُّدُ أَلْسِنَتِنَا سِنَاخْتِ حَرِيْمِ مَمْنُوعِهِ خُودِ رَا نَصِيْبَ مَا بَفِرْمَا، وَ مَا رَا بِا هِدَايَتِ وَ پَايْدَارِي گِرَامِي بَدَارِ. وَ زَبَانِ هَايِ مَا رَا بِالصَّوَابِ وَالْحَكْمَةِ، وَامْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ سَخْنَانَ دَرَسْتِ وَ حَكِيمَانِهِ، اسْتِوَارِ گُردَانِ. وَ دَلِ هَايِ مَا رَا از عِلْمِ وَ مَعْرِفَتِ بَرِ كُنْ؛ وَ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ شَكْمِ هَايِ مَا رَا از حَرَامِ وَ شَبْهَةِ نَاكِ پَاكِ گُردَانِ؛ وَ دَسْتَانَ مَا رَا از سَمِّ وَ دُزْدِي بَازِ بَدَارِ؛ وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْجِيَانَةِ،

دارای انصاف و خوش رفتاری گردان؛ و زاد و توشه حاجیان و زائران را بابرکت گردان الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ ، وَأَقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ، و موفق شان کن تا حج و عمره ای را که بر آنان واجب نموده ای به درستی به انجام برسانند بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۳۴)

همه این ها را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان ترین مهربانان؛

۲۵ دعای «یا نور النور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف را کفعمی رحمه الله در کتاب «المصباح» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است :

يَا نُورَ النُّورِ ، يَا مَدَبَّرَ الْأُمُورِ ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، صَلِّ أَيَّ رُشْنِي بِرُشْنِي هَا ؛ أَيَّ تَدْبِيرِ كُنَّهٍ كَارِهًا ؛ أَيَّ كَسِيٍّ كَمَا تَمَّامَ مَرْدِكَانَ دَرُونَ قَبْرِهَا رَا بَرْمِي أَنْكِيزِي ؛ ۱ . الْبَلَدِ الْأَمِينِ : ۴۸۰ ، الْمَصْبَاحُ : ۳۷۴ .

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ لِي وَلِشَيْعَتِي مِنَ الصَّبِيِّ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودَ بَفَرَسْتِ ، وَگَشَايِشِي بَرَايِ مَنْ ، وَبِيروانِ مَنْ فَرَاهِمِ كُنْ تَا اَزِ اَيْنِ تَنَكَّنَا فَرَجًا ، وَمِنْ اَلْهَمِّ مَخْرَجًا ، وَأَوْسَعِ لَنَا الْمُنْهَجَ ، وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ رِهَا شَوِيمِ ، وَ اَزِ اَنْدُوهِ هَا بَدْرَ آيِيمِ ؛ وَ مَسِيرِ وَ رَا هِ مَا رَا وَسِيعِ گِرْدَانِ ، وَ اَزِ نَزْدِ خُودَتِ بَهِ گُونَهِ اِي بَرَايِ مَاهَايِي مَقَرَّرِ كُنْ كِهْ عِنْدِكَ مَا يَفْرُجُ ، وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمِ . (۳۵)

گشایشی در تمام امورمان حاصل شود؛ و آن گونه که تو سزاوارش هستی - ای بزرگوار؛ - با ما رفتار کن.

در روایت است که : هر کس این دعا را همیشه بخواند ، با امام عصر صلوات الله علیه محشور خواهد شد . (۳۶)

۲۶ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات ، در کتاب «قصص الأنبياء» از مولای مان امام زمان ارواحنا فداه نقل شده است :

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَرِحَ لَنَا يَا أَبَا لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ ، أَيَّ كَسِيٍّ كِهْ وَقْتِي كَارِهَا بَرِ مَاهِ تَنَكُّ آيِدِ ، دَرِي رَا بَهِ رُويِ مَاهِي گَشَايِدِ كِهْ بَهِ خِيَالِ وَ اَنْدِيشِهِ هِيچِ كَسِ نَرَسِيْدِ بَاشَدِ ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَفْتَحْ لِي الْأُمُورِ

الْمُتَضَائِقَهُ بَاباً بِنَابِرَيْنِ، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره خورده و بسته شده ام بگشایی لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۳۷)

که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان ترین مهربانان.

دعای مهم دیگر از امام زمان علیه السلام

در کتاب «التحفة الرضویة» آورده است: علامه پرهیزگار جناب سید حسن فرزند سید علی آقا شیرازی، این دعا را برام روایت کرد و گفت که:

از امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایت شده است.

این کلام را بعضی از بزرگان مورد اعتماد از ایشان نقل کرده اند.

وی گفت: برای برطرف شدن مشکلات و نیز دست یابی به خواسته ها و آرزوها، پس از نمازهای پنجگانه - و نیز در دیگر حالات - باید خوانده شود، و آن دعا این است:

يَا مَنْ إِذَا تَضَائِقَتِ الْأُمُورُ فَتِيحَ لَهَا بَاباً لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ، ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید، دری را به روی آن می گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس نرسید باشد؛ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْتِيحْ لِي لِمُورِي الْمُتَضَائِقَةَ بَاباً بِنَابِرَيْنِ، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره خورده و بسته شده ام بگشایی لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(۳۸)

که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان ترین مهربانان.

۲۷ دعای مهم دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت ها

سید علی خان در کتاب شریف «الکلم الطیب» می گوید: این دعای ارزشمندی است از امام زمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که

خواسته یا مشکل مهمی دارد باید این دعا را بسیار بخواند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مُدَبِّرُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوْأَمِ خَدَائِي هَسْتِي كَهْ جِزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ؛ آغَازْ گَرِ وَ بَازْ گَرْدَانْدَه آفَرِيدْ گَازْ هَسْتِي . وَ تَوْبِي آَنْ خَدَائِي ۱ . التَّحْفَةُ الرِّضْوِيَّةُ : ۱۱۴ .

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، كَهْ جِزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ، تَدْبِيرِ كَنْدَه كَارْهَا هَسْتِي ، وَ هَرْ كَهْ رَا دَرِ قَبْرْهَاسْتْ بَرْمِي انْگِيزِي ؛ وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاطِضُ الْبَاطِطُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي تَوْ هَمَانْ خَدَائِي يَكْتَابِي هَسْتِي كَهْ جِزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ؛ تَنْگْ گِيرْنَدَه وَ گَسْتْرَانْدَه هَسْتِي ؛ وَ تَوْ آَنْ خَدَائِي هَسْتِي كَهْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا . أَشْتَلُكَ بِأَسْمِكَ جِزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ؛ وَ وَارِثُ زَمِينِ وَ سَاكِنَانِ آَنْ هَسْتِي . اَزْ تَوْ دَرْخَوَاسْتِ مِي كَنْمِ بَهْ وَاسْطَهْ نَامْتِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ ، وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيَتْ ، وَأَشْتَلُكَ كَهْ هَرْ گَاهِ بَدَانِ خَوَانْدَه شَدِي بِاسْخِ دَادِي ، وَ هَرْ گَاهِ بَدَانِ وَ سِيْلَهْ اَزْ تَوْ دَرْخَوَاسْتِ شَدَه عَطَا كَرْدِي ؛ وَ يَحَقُّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلَ بَيْتِهِ ، وَ يَحَقُّهُمْ الَّذِي أُوجِبْتُهُ عَلَى نَفْسِكَ بَهْ حَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ؛ وَ بَهْ وَاسْطَهْ حَقِّي كَهْ بَرَايِ ايشان بَرِ خَوْذِ وَاجِبِ سَاخْتَهْ اِي اَزْ تَوْ دَرْخَوَاسْتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي ، مِي كَنْمِ تَا بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِي وَ حَاجَتِمِ رَا بَرْ آَوْرْدَه سَازِي ؛ السَّاعَةَ السَّاعَةَ ، يَا سَيِّدَاهُ ، يَا مَوْلَاهُ ، يَا غِيَاثَاهُ ، أَشْتَلُكَ بِكُلِّ هَمِينِ

ساعت، همین ساعت ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریادرس من؛ از تو می خواهم به واسطه تمامی اسم سَمِئْتُهُ بِهِ نَفْسُكَ ، وَاسْتَأْذَنْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْعَجَبِ عِنْدَكَ أَنْ نَامِ هَائِي كِه خويشتن را بدان نامیده ای فرموده ای، و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه داشته ای؛ که تُصَيِّلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بفرستی، و در رهایی ما از این گرفتاری و الشَّدْوِ ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ ، إِنَّكَ عَلَى سَخْتِي شَتَابٍ كُنِي . ای دگرگون کننده دل ها و چشم ها ؛ ای شنوای دعا ؛ به راستی که تو بر كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۳۹)

هر چیزی توانا هستی ؛ به واسطه رحمت ای مهربان ترین مهربانان ؛

دعا ... برای شفاء از بیماری ها

۲۸ دعای امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ بَرَى شَفَاءُ ز بيماری ها

محدث نوری رحمه الله می فرماید : شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمه الله در کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی صلوات الله عليه روايت می کند :

کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در ظرف نو بنویسد ، و آن را بشوید و بنوشد ، از بیماریش رهایی می یابد :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ ، هُوَ (گفتن) «بِسْمِ اللَّهِ» دواست؛ و «الحمد لله» شفاست؛ و «لا اله الا الله» موجب کفایت است؛ و الشَّافِي شِفَاءٌ ، وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءً ، أَذْهَبِ الْبَاسَ يَرْبُّ النَّاسِ ، «هو الشافي» شفا است و «هو الكافي» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می دهم که بدی را دور گردانی

شِفَاءً لَا يُعَادِرُهُ شَيْئٌ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ . و شفای بدهی که هیچ بیماری در پی آن نباشد . و درود پیوسته خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد . محدث نوری رحمه الله در ادامه می افزاید : دستخطی از سید زین الدین علی بن حسین حسینی دیدم که بیان داشته است : این دعا را مردی از ساکنان کربلا در عالم خواب از حضرت مهدی ارواحنا فداه آموخته بود .

وی بیمار بود ، و از بیماری خود به حضرت مهدی صلوات الله علیه شکایت کرد و آن حضرت دستور فرمود این دعا را بنویسد و بشوید و بنوشد . وی چنان کرد و فوراً بیماریش برطرف شد . (۴۰)

۲۹ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی ها و حفظ شدن از دزدان

مرحوم آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی می نویسد : شیخ علی اکبر تهرانی - ساکن مشهد مقدس - برای ما قضیه ای تعریف کرد و گفت :

عالم متقی شیخ محمد تقی تربتی - که از دانشمندان بزرگ و علمای اخلاق و از شاگردان علامه میرزا حبیب الله رشتی بود و اجازه ای از ایشان داشت - فرمود : یکی از شاگردان متدین من - که از سادات شهر تربت بود - برای من تعریف کرد و گفت :

از زیارت عتبات عالیات که برمی گشتم ، همراه طلبه ای از خانقین خارج شدم و پیاده به دنبال قافله به طرف قصر شیرین حرکت کردیم ، از شدت تشنگی و خستگی ناتوان شده ، و با زحمت زیاد خود را به قافله رساندیم ، دیدیم قافله را دزدها غارت کرده و اموالشان را برده بودند ، افرادی مجروح شده و در بیابان افتاده بودند ، و

محمل ها شکسته و روی زمین افتاده بود .

ما از ترس به کناری رفته و به بالای تپه ای رفتیم ، ناگاه دیدیم سید بزرگوار کنار ما ایستاده ، به ما سلام فرمود ، بعد هفت دانه خرماى زاهدی به من داد و فرمود : چهار دانه را خودت بخور ، و سه دانه آن را به شیخ بده .

چون خرماها را خوردیم تشنگی ما برطرف شد ، و فرمود : این دعا را به جهت رهایی از سختی ها ، و محفوظ بودن از شر دزدها بخوانید :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَخَافُكَ، وَاخَافُ مِمَّنْ يَخَافُكَ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّنْ لَا يَخَافُكَ . بارالها ؛ من از تو می ترسم؛ و از هر کسی که از تو می ترسد نیز می ترسم؛ و از کسانی که از تو نمی ترسند به خودت پناه می برم .
دعای دیگری ... برای رهایی از...

پس از آن ؛ اندکی با آن سید بزرگوار راه رفتیم ، ناگاه اشاره کرد و فرمود : این منزل شماسست . نگاه کردیم ، دیدیم منزل پایین آن تپه بود ، و چون وارد منزل شدیم از شدت خستگی خواب بر ما غلبه کرد ، خوابیدیم ، و متوجه آنچه برای ما اتفاق افتاده بود نشدیم ، چون بیدار شدیم دانستیم که آن بزرگوار حضرت ولی عصر ، صاحب الزمان عجل الله فرجه بوده است . (۴۱)

۳۰ دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» آورده است که : دستخطی از یکی از دوستان بزرگوار و صالح و مورد اعتماد و ثابت قدم خود - که جزو سادات نیز هست - مشاهده کردم که چنین نوشته بود :

در ماه رجب سال یکهزار و نود و سه ، برادر دینی و

دوست بسیار دوست داشتی، دانشمند اهل عمل، دارای مراحل کمال انسانی، و صفات الهی، امیر اسماعیل بن حسین بیکن بن علی بن سلیمان جابری انصاری برابم گفت: از شیخ نیکوکار و پرهیزگار و اهل احتیاط در رفتار، جناب حاج شیخ علی مکی شنیدم که فرمود:

من به شدت دچار گرفتاری و مشکلات شدم و دشمنانم نیز پیوسته حقوق مرا پایمال می کردند، تا جایی که ترسیدم جانم را نیز از کف بدهم و کشته شوم. در همین اوضاع دعایی را دیدم که داخل جیبم بود - در حالی که کسی آن را به من نداده بود - .

از این جریان در شگفت شدم و پیوسته حیران بودم تا آن که در عالم خواب شخصی را در قیافه صالحان و زاهدان دیدم که به من گفت: آن دعا را، ما به تو دادیم؛ آن را بخوان که از گرفتاری و مشکلات رهایی یابی . و برابم روشن نشد که گوینده آن کیست؟ و این جریان بر شگفتی و حیرتم افزود؛ تا آن که امام عصر ارواحنا فداه را در خواب دیدم که به من فرمود :

دعایی را که به تو عطا کردم بخوان ، و به هر کسی که می خواهی بیاموز .

من بارها آن دعا را تجربه کردم و هر بار گشایشی سریع در کارم مشاهده کردم تا آن که آن را برای مدتی گم کردم و پیوسته تأسف می خوردم و از رفتار بد خویش استغفار می کردم ؛ تا این که شخصی نزد من آمد و گفت : این دعا در فلان جا از تو افتاده است .

البته من به خاطر نداشتم که آنجا رفته باشم ، ولی

به هر حال آن را پیدا کردم و برداشتم و سجده شکر الهی به جای آوردم . و دعا این است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

رَبِّ أَسْئَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوَى بِهِ قُوَايَ الْكُلِّيَّةُ وَالْجُزْئِيَّةُ ، بَارِ بِرُورِدِ الْغَارَا ؛ مَدَدٌ وَ كَمَكٌ رُوحَانِيٌّ مِنْ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمُ كِه نِيروهای كَلِّي وَ نيز جزئی مرا با آن تقویت و نیرومند گردانی ؛ حَتَّى أَفْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلِّ نَفْسٍ قَاهِرَةٍ ، فَتَنْقِضَ لِي إِشَارَةَ تَا اَيْنِ كِه بَتَوَانِمُ بَا اِمَكَانَاتِ خَوِيَشْتِنِ هَر كَسِي هَر چِه تَوَانِ مَنِدَ بَاشَدِ شَكَسْتِ بَدَهْمُ ؛ بِه كُونِه اِي كِه دَقِيقِ تَرِينِ دَقَائِقِهَا ، اِنْقِبَاضًا تَشْمِطُ بِه قُوبِهَا ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكُوْنِ دُو وَ حَسَّاسِ تَرِينِ حَرَكَتِ هَايِ اُو دَرِ اِخْتِيَارِمُ قَرَارِ كِيرِدِ وَ بَدِينِ سَانِ نِيروهای اُو اَز كَارِ بِيَفْتَدِ . تَا جَايِي كِه هِيچِ مَوْجُودِ دَارَايِ رُوحِ اِلَّا وَنَارُ قَهْرِي قَدْ اَحْرَقَتْ طُهْرَةَ . يَا شَدِيدُ ، يَا شَدِيدُ ، رُوحِي دَرِ هَسْتِي نَبَاشَدِ ، جَزِ اَنْ كِه آتَشِ قَهْرِ مِنْ نُمُودِ اُو رَا بِسُوزَانَدِ . اِي سَخْتِ كِيرِ ؛ اِي سَخْتِ كِيرِ ؛ يَا ذَا الْبُطْشِ الشَّدِيدِ ، يَا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ ، اَسْئَلُكَ بِمَا اُوْدَعْتَهُ اِي صَاحِبِ سَخْتِ كِيرِي شَدِيدِ ؛ اِي دَارَايِ سَلْطَةِ ؛ اِي دَارَايِ غَلْبَةِ وَ چِيرِ كِي فِرَاوَانِ ؛ بِه وَاسِطَةِ اَنْ عَزْرَائِيلَ مِنْ اَسْمَاءِ اَيْكِ الْقَهْرِيِّ ، فَانْفَعَلْتُ لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ ، اَنْ نَامِ هَايِ قَهْرِي كِه بِه عَزْرَائِيلِ سِپَرْدِه اِي وَ تَمَامِ جَانِ هَا خِوَاهِ نَاخِوَاهِ تَحْتِ تَاثِيرِ قَهْرِ وَ غَلْبَةِ اُو هَسْتِنْدِ ، اَز تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمُ تَا دَرِ تُو دَعْنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ ، حَتَّى اَلْيَنَ بِه كُلِّ صَغْبٍ ، هَمِينِ سَاعَتِ اَز زَنْدِ كَانِمِ اَنْ رَازِ (كِه بِه عَزْرَائِيلِ سِپَرْدِه اِي) رَا بِه مِنْ

نیز عنایت فرمایی؛ تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم، وَأَدَّلَّ بِهِ كُلَّ مَنِيحٍ ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيْنِ .

حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛ به کمک نیرویت، ای دارای نیروی استوار .

این دعا هنگام سحر - در صورت امکان - سه مرتبه و هنگام صبح سه مرتبه و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود . البته اگر مشکلات خواننده این دعا بسیار سخت و غیر قابل تحمل است پس از قرائت دعا سی مرتبه این دعا را نیز بخواند :

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، أَشْئُكَ اللَّطْفَ بِمَا آيَ بَخْشَنده ؛ آي مهربان حقيقي ؛ آي مهربان ترين مهربانان ؛ از تو لطف را نسبت به آنچه جَزَتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ . (۴۲)
جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم .

۳۱ حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار ، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» ، و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» حرز مولای مان امام زمان ارواحنا فداه را چنین نقل کرده اند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ ، وَهَارِمَ الْأَخْرَابِ ، يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ ، يَا مُسَيِّبَ آي صَاحِبِ اخْتِيَارِ هَمَّكَانِ ؛ آي شكست دهنده حزب های متحد شده ؛ آي گشاینده درها ؛ آي سبب ساز حقيقي تمام الْأَشْيَابِ ، سَبَبٌ لَنَا سَبَباً
لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، سَبَبٌ هَا ؛ سببى برای ما بساز که توان دست یابی و جستجویش را نداریم ؛ به حَقِّ کلمه شهادتین : «لا اله الا الله» ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ . (۴۳)

«محمد رسول الله» ؛ که

۳۲ دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه

اَللّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عَيْوُنِ اَعْدَائِي ، وَاَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ اَوْلِيَائِي ، بار الها ؛ مرا از دیده دشمنانم بپوشان ، و مرا با دوستانم گرد هم بیاور ، وَاَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي ، وَاَحْفَظْنِي فِي عَجَبِي اِلَى اَنْ تَأْتُنِي لِي وَاَنْ جِهَ رَا
به من وعده فرموده ای به انجام برسان ، و مرا در زمان غیبت و پنهانم - تا آن گاه که اجازه آشکار شدنم فی ظُهْورِي ، وَاَحْيِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسَنَّكَ ، وَاَعَجِّلْ رَا صَادِرَ مِي فَرْمَائِي - در حفظ و
نگهبانی خود بدار، و واجبات و مستحباتی که کهنه شده اند به دست من زنده کن، و در فَرَجِي ، وَسَيَهِّلْ مَخْرَجِي ، وَاَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ شَيْطَانًا نَصِيرًا ، گشایش امرم شتاب فرما، و شرایط قیام مرا آسان و
فراهم گردان ، و از جانب خودت برایم سلطنتی یاری کننده مقرر دار ، وَاَفْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا ، وَاَهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ، وَقْنِي جَمِيعَ وَاَشْكَارِي نَصِييمِ سَاز، و مرا در راه راست رهنمون باش، و مرا از
مَأْخِذُهُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ ، وَاَحْجُبْنِي عَنْ اَعْيُنِ الْبَاغِضِيْنَ ، ستمگرانی که حذر می کنم در حفظ و حراست بدار، و مرا از دیده کینه توزان النَّاصِبِيْنَ الْعَدَاوَةَ لِاَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ، وَاَلَيْصَلْ مِنْهُمْ اِلَى اَحَدٍ و دشمنان
سرسخت آل پیامبرت که پرچم دشمنی به دوش دارند پنهان بدار ، و مگذار هیچ گزندی از هیچ کسی به من رسد . بِسُوءٍ . فَاِذَا اُذِنْتَ فِي ظُهْورِي فَاَيَّدِنِي بِجُنُودِكَ ، وَاَجْعَلْ مِنْ اَنْ جِهَ كِهَ اِجَازَه ظُهْور و

آشکار شدن مرادادی نیز با سپاهیان خودت موفق و تأییدم فرما، وَتَبِعْنِي لِنَصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ، وَعَلَى بِيروانم را که برای یاری دینت گرداگرد من هستند و در راه تو جهاد می کنند نیز تأیید کن و موفق فرما؛ مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنصُورِينَ، وَوَفَّقَنِي لِإِقَامَةِ دَعَايِهِمْ فِي يَوْمِ الظُّهُورِ

(این دوستانم را) بر بدخواهان من و ایشان یاری کن. مرا موفق کن تا خدودک، وَأَنْصِرُنِي عَلَى مَنْ تَعَدَى مَخْدُودَكَ. وَأَنْصِرِ الْحَقَّ، حدود تو را برپا گردانم، و بر هر کسی که پا از مرز و حدود تو فراتر گذاشته است مرا یاری فرما و غالب گردان. حَقِّ و راستی را یاری کن، وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا، وَأُورِدُ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي و باطل را نابود و نیست گردان؛ چرا که باطل رفتنی است. آن دسته از دوستان و بیروان و آنصاری مَنْ تَقَرَّبَ بِهِمُ الْعَيْنُ، وَيَسُدُّ بِهِمُ الْأُزْرُ، وَاجْعَلُهُمْ فِي و یاران مرا که موجب چشم روشنی و پشت گرمی هستند، نزد من بیاور؛ و ایشان را نیز در جُزُوكَ وَأَمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۴۴)

نگهبانی و امیت ویژه ات قرار بده؛ این کارها را با رحمت خود انجام بده، ای مهربان ترین مهربانان.

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» بعد از نقل این دعای حجاب و حجاب های دیگر فرموده است: این حجاب ها، از جمله چیزهایی هستند که به ما خواندن آنها الهام شد هنگامی که سیل آمد و موجب غرق شدن عده ای شد و آب همه جا را فرا گرفته بود و

به سختی می توانستیم جان سالم به در ببریم ، و شدت سیل باعث ویرانی مناطق سیل زده شده بود . با اجابت این دعاها امکان ماندن ما در آن جا و دفع شدن این گرفتاری ها حاصل شد و ضامن سلامتی ما از این حوادث گشت . و خداوند را سپاس . (۴۵)

۳۳ دعا برای فرج در روز ظهور

شیخ نعمانی رحمه الله در کتاب «الغیبه» این دعا را از یونس بن ظبیان نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود :

وقتی شب جمعه فرا می رسد ، خدای تعالی فرشته ای را به آسمان دنیا می فرستد ؛ پس از دمیدن صبح ، آن فرشته بر عرش نشسته و بر بالای بیت المعمور قرار می گیرد ، و منبرهایی از نور برای حضرت محمد ، حضرت علی ، امام حسن و امام حسین علیهم السلام آماده می کند ، و آن ها بر فراز منبرها می روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان گرداگرد ایشان در می آیند و درهای آسمان گشوده می شود.

هنگامی که ظهر فرا رسد، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم عرض می کند : پروردگارا ؛ زمان انجام وعده تو که در قرآن فرموده ای کی فرا می رسد .

(و آن وعده، این آیه شریفه است :)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (۴۶) .

خدا به مؤمنانی که اعمال شایسته دارند وعده داده که به طور حتم ایشان را - همانند پیشینیان که به خلافت رسانید - به خلافت و حکومت بر زمین گمارد، و شرایط اجرای دینی را که برای شان پسندیده است فراهم سازد، و به جای خوف و هراسی

که در روزگار برای ایشان به وجود آمده است امتیّت و آرامش را جایگزین سازد .

پس از این ، فرشتگان و پیامبران نیز همین دعا را می کنند ؛ سپس حضرت محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده می افتند، و عرضه می دارند :
يَا رَبِّ اغْضَبْ ، فَإِنَّهُ قَدْ هَتَكَ حَرِيمَكَ ، وَقَتِلْ أَصْفِيَاءَ وَكُ ، وَأُدِلَّ بِرُورِدِ الْكَارِ ؛ خشم کن ؛ زیرا، حرمت شکسته شد، و برگزیدگان کشته شدند، عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ .
و بندگان صالح و شایسته تو به خواری کشیده شدند .

دعای حضرت ... در اوّل ظهور

خداوند دعای آنان را می پذیرد و «روز معلوم» همان روز است .(۴۷)

۳۴ دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در اوّل ظهور

در روایتی آمده است که مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید : ای آقای من ؛ از کجا و چگونه حضرت مهدی صلوات الله علیه (آشکار می شود و ظهور می فرماید ؟
حضرتش فرمود :

ای مفضل ؛ او به تنهایی آشکار می شود؛ به تنهایی نزد خانه کعبه می آید؛ به تنهایی داخل خانه کعبه می شود.

تنهاست که تاریکی شب او را فرا می گیرد؛ و آن گاه که چشمان مردم به خواب رفت و تاریکی شب زیادت گشت ، جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان، در صف های منظم به خدمتش شرفیاب می شوند و جبرئیل به آن بزرگوار عرضه می دارد: ای آقای من؛ گفتارت پذیرفته شد، و اجازه کار (ظهور) به تو عطا شد .

آن امام بزرگوار، در این حال دستان مبارکش را بر چهره شریف خود می کشد و می گوید:

« الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ ، وَأَوْزَنَنَا الْأَرْضَ ، نَبَّؤُهُ مِنْ سِياسِ وَيُوهِ خَداسِ كِه وَعَدِه خويش را نسبت به ما انجام داد، و ما را وارث زمین گردانید، تا هر کجا

امان است .

خضر و الیاس علیهما السلام هر ساله یکدیگر را در مراسم حج ملاقات می کنند، و هنگام خداحافظی با خواندن این دعا از یکدیگر جدا می شوند.

... هنگام عبور از وادی السلام

این ، شعار شیعیان من است ، و در زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداه نیز دوستان و دشمنانم با این عبارات از یکدیگر شناخته و جدا می شوند . (۵۰)

۳۶ دعای آن حضرت عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرْجَةَ هِنْكَامِ عُبُورِ از وادی السلام

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرماید :

گویا او (حضرت بقیه الله ارواحنا فداه) را می بینم که سوار بر اسبی آراسته که پیشانی آن از سفیدی می درخشد ، از وادی السلام عبور می کند و به سوی رودخانه سهله می رود و این دعا را می خواند :

لا- إلهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، لا إلهَ إِلَّا اللَّهُ إيماناً وَصِدْقاً ، لا إلهَ إِلَّا اللَّهُ به حقیقت و واقعیت اعتراف می کنم که جز خدا معبودی نیست؛ ایمان دارم و تصدیق می کنم که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ از روی بندگی و تَعَبُّداً وَرِقاً . اللَّهُمَّ مُعَزِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَوَحِيدٍ ، وَوَمِدَّلَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ، سلب اختیار از خود در برابر خدا، عرضه می دارم که جز او معبودی نیست . بار الها؛ ای عزت بخش هر مؤمن غریب و تنها؛ ای کسی که اَنْتَ كُنْفَى حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ ، وَتَضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا هُرَّ سَتْمَكِرُ زورگوی کینه توزی را تو خوار می کنی؛ تو تنها پناهگاه و حامی من هستی ؛ آن گاه که راه های گوناگون مرا به رنج افکند ؛ و زمین رَحِيْبٌ . اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتُ غَيْباً عَنْ خَلْقِي ، وَلَوْلَا نَصْرُكَ با این همه گستره و پهنا، بر من تنگ آید . بار الها ؛ تو مرا

آفریده ای در حالی که بی نیاز از آفرینش من بودی؛ اگر جز یاری رساندن تو بود، إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَعْلُوبِينَ ، يا مُنْتَبِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا ، به طور حتم من نیز از شکست خوردگان بودم . ای خدایی که رحمت و مهربانی خویش را از جایگاه های آن می پراکنی؛ وَمُخْرَجِ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا ، وَايَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ اِي خدایی که برکت ها را از معدن های آن بیرون می آوری؛ ای خدایی که بلند مرتبگی الرَّفْعَةِ ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ ، يا مَنْ وَصَّعَتْ لَهُ الْمَلُوكُ نِيْرَ وَالْاِيِي را به خویش اختصاص داد، و بدین سان دوستانش به واسطه عَزَّتِ او عَزَّتْ منند می شوند؛ ای که تمام پادشاهان، الْمُدْلِيَةَ عَلَيَّ اَغْنَانِيَهُمْ ، فَهَمُّ مِنْ سَيِّطُوْتِهِ خَائِفُونَ ، اَسْأَلُكَ بِاِسْمِكَ يُوغِ خُواري و ذَلَّتْ را بر گردن خویش در برابر تو افکنده اند، و از خشم تو و هیبت پیوسته بیمناک هستند؛ به واسطه آن نامت از تو اَلَّذِي فَطَرْتَ بِه خَلَقَكَ ، فَكُلُّ لَكَ مُدْعُونَ . اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ دَرخواست می کنم که آفریدگانت را با آن آفریدی، و همه به فرمان برداریت گردن نهاده اند . از تو درخواست می کنم عَلَي مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تُنْجِزَ لِي اَمْرِي ، وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ ، که بر محمّد صلی الله علیه وآله وسلم درود بفرستی، و کار مرا به انجام برسانی، و در گشایش و فرج کار من شتاب فرمایی، وَتَكْفِينِي وَتُعَافِنِي وَتَقْضِي خَوَاجِجِي ، اَلْسَاعَةَ السَّاعَةَ ، اَللَّيْلَةَ وَ مَرَا كَفَايَتِ كُنِي وَ عَافِيَتِ وَ سَلَامَتِي بِيخشي و خواسته هایم را برآورده سازی؛ در همین ساعت؛ در همین ساعت؛ همین امشب؛ اَللَّيْلَةَ ، اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (۵۱)

همین امشب ؛ به راستی

که تو بر هر چیزی توانایی .

۳۷ ثواب خواندن سوره «کَهِف»

صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

(اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَاٰبِهَا ...)

یکی از صلوات های مجرب و مؤثر در گرفتن حاجت ، صلوات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است به این گونه که پانصد و سی مرتبه بگوید :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَاٰبِهَا وَبَنِيهَا [وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ خَدَاوَنَدَا ؛ درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش] و به آن رازی که در وجود او به فیها [بَعْدِدِ مَا اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُكَ .

ودیعه نهادی] به تعداد آن چه دانش تو بر آن احاطه دارد .

این ختم در کتب قدیمه دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمه الله در میان زبان ها افتاده و معروف شده است .

ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم :

۱ - اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیه الله ارواحنا فداه داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه صادر شده است .

۲ - مقصود از «السِّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا» حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه می باشد. (۵۲)

۳۸ ثواب خواندن سوره مبارکه «کَهِف»

در این بخش از کتاب ، به برخی از ویژگی های سوره های قرآن می پردازیم ، که با موضوع کتاب نیز بی ارتباط نیستند .

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

هر که سوره مبارکه «کَهِف» را بخواند ، تا هشت روز از از هر فتنه ای در امان خواهد بود؛ بدین سان، اگر دجال نیز در آن هشت روز خروج کند ، خداوند متعال او را

از فتنه دجال محافظت خواهد داشت .

۲- در حدیث دیگری نیز از آن بزرگوار روایت شده است که فرمود :

هر که ده آیه از سوره «کَهِف» را از حفظ بخواند ، فتنه دجال به او ضرری نخواهد رسانید؛ و کسی که تمام سوره را بخواند ، داخل بهشت می شود .

۳- در حدیث دیگری ، حضرت می فرمایند :

هر که ده آیه از ابتدای سوره مبارکه «کَهِف» را حفظ کند ، و پس از آن دجال را درک کند ضرر و زیانی به وی نخواهد رسید . و هر که آیات پایانی این سوره را حفظ کند در روز قیامت نوری روشنی بخش برایش خواهد بود . (۵۳)

۳۹ از خواص سوره «یس»

یکی از اهل علم که مورد اعتماد من است قضیه ای را در فضیلت سوره مبارکه «یس» برام نقل کرد: یکی از بندگان خدا در شهر یزد گرفتاری سختی داشت، خدمت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه شرفیاب می شود، در حالی که آن بزرگوار را نمی شناسد، حضرت به او می فرمایند:

سوره «یس» را بخوان ، چون به کلمه «مبین» که در شش مورد آمده است ، رسیدی حاجت خود را تبت کن و پس از قرائت سوره، حاجت خود را درخواست کن ، تا خداوند دعای تو را مستجاب نماید .

گفت : چون در سوره «یس» تأمل کردم ، دیدم کلمه «مبین» در هفت مورد از این سوره آمده است، از این مسئله تعجب کردم ، ولی چون دقت نمودم ، فهمیدم که در شش مورد کلمه «مبین» بدون « الف و لام » آمده است و در یک مورد با «الف و لام» است ، آن گاه سوره را همان طوری

که حضرت فرموده بودند خواندم ، و خداوند متعال دعایم را مستجاب کرد .

۴۰ فضیلت سوره های «مَسَبَّحَات»

فضیلت سوره های «مَسَبَّحَات»

جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که :

هر که سوره های مَسَبَّحَه را پیش از خواب بخواند ، پیش از مرگ ، حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک خواهد کرد ، و اگر بمیرد نیز در همسایگی پیامبر خواهد بود . (۵۴)

طریحی رحمه الله سوره های مَسَبَّحَه را سوره هایی می داند که با تسبیح الهی آغاز شده باشند .

ملا محمد صالح مازندرانی رحمه الله می گوید : مَسَبَّحَات سوره هایی هستند که در آغازشان کلمه های «سَبَّح» یا «یَسَبَّح» یا «سَبَّح» یا «سُبْحَانَ» آمده باشد .

بنابراین احتمال ، این سوره ها هفت سوره هستند : سوره اسراء ، سوره حدید ، سوره حشر ، سوره صَفَّ ، سوره جمعه ، سوره تغابن و سوره مبارکه اعلی .

ولی مرحوم کفعمی در حاشیه «مصباح» خود پس از بازگو کردن روایت مذکور ، می گوید : مَسَبَّحَات ؛ نام پنج سوره قرآنی است . و جز سوره اسراء و اعلی ، بقیه را نام برده است . شیخ صدوق رحمه الله در فضیلت سوره تغابن به عنوان آخرین سوره مَسَبَّحَه ، این روایت را آورده است و از کلامش برمی آید که وی نیز این سوره ها را پنج تا می داند . مجلسی رحمه الله در «حلیه المتقین» ، و نیز فیض کاشانی رحمه الله در کتاب «وافی» تصریح کرده اند که تعداد این سوره ها پنج سوره است .

یکی از فضلاء می گوید : بهتر است بدانید که برای تحقّق شرط مزبور در روایت فوق ، خواندن این سوره ها برای یک مرتبه هم کفایت می کند و مراد - یعنی درک زمان

حضرت مهدی صلوات الله علیه یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم - حاصل خواهد شد .

لیکن ، در این مقام که مقصود تشویق به خواندن این سوره ها و عادت کردن به تلاوت آن هاست ، ظاهر آن است که درک آن حضرت یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با تکرار و عادت کردن به تلاوت سوره های یاد شده خواهد بود .

البته ، پر واضح است که ترک آن در بعضی از اوقات ، ضرری به تکراری که لازمه ادراک آن حضرت یا جوار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است نمی زند .

از سویی در ظاهر مراد از درک آن حضرت ، درک با آگاهی و شناخت آن حضرت است .

سببش نیز می تواند یا این باشد که این سوره ها در مورد حضرت مهدی صلوات الله علیه و ویژگی ها و حالت های اوست ؛ اگرچه ما آن را ندانیم و یا خاصیت خواندن این سوره ها این خواهد بود . این مطلب در مورد سوره های دیگری که ثواب و پاداش معینی دارند نیز صدق می کند . (۵۵)

مؤلف گوید : درباره «آیه الکرسی» و آیه شریفه «نور» و آیه «رَبِّ أَدْخُلْنِي» و آیات دیگر ختوماتی ذکر شده است که مناسب با این موضوع است ، ولی از نقل آن ها صرف نظر نمودیم .

باید توجه داشته باشیم که عالی ترین راه برای تشرف به محضر مقدس حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجه و رضایت کامل آن بزرگوار می باشد .

۴۱ خواندن سوره «القارعه» سبب ایمنی از فتنه دجال است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که می فرماید :

هر کسی که سوره مبارکه «قارعه» را تلاوت کند خداوند او را از فتنه دجال از این که به

او بگردد و نیز از سختی جهنم در امان نگاه می دارد. (۵۶)

.....(Anotates).....

(۱)

(۲)

(۳) مفاتیح الجنان: ۱۰۶۱، زاد المعاد: ۴۸۸، البلد الأمين: ۱۲۴، مصباح الزائر: ۴۵۵، المصباح: ۷۲۹، الصحیفه الصادقیه: ۲۰۴، باب السعاده: ۲۱۴.

(۴) سوره توبه، آیه ۱۱۱.

(۵) سوره فتح، آیه ۱۰.

(۶) مکیال المکارم: ۲۳۰/۲.

(۷)

(۸) مهج الدعوات: ۳۹۸، بحار الأنوار: ۳۳۷/۹۵، نجم الثاقب: ۷۸۲.

(۹) جمال الأسبوع: ۳۰۷، و در مصباح المتهجد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد الأمين: ۱۲۲ با تفاوتی اندک. نیز، سید بن طاووس رحمه الله با کمی کاستی و فزونی همین را در کتاب مصباح الزائر: ۴۵۷ نقل کرده است.

(۱۰)

(۱۱)

(۱۲)

(۱۳) جمال الأسبوع: ۳۱۵، و در مصباح المتهجد: ۴۱۱، و مصباح الزائر: ۴۲۵ با اندکی تفاوت.

(۱۴)

(۱۵)

(۱۶) جمال الأسبوع: ۳۱۴.

(۱۷) مهج الدعوات: ۳۹۶.

(۱۸) مهج الدعوات: ۳۹۶، بحار الأنوار: ۳۳۶/۹۵، النجم الثاقب: ۴۸۲/۲.

(۱۹)

(۲۰)

(۲۱) بحار الأنوار: ۳۵۵/۹۵.

(۲۲)

(۲۳)

(۲۴) مصباح المتهجد: ۲۳۸.

(۲۵) جنات الخلود: ۴۱.

(۲۶)

(۲۷)

(۲۸) مفتاح الفلاح: ۴۹۸، المصباح: ۱۹۴ (با اندکی تفاوت).

(۲۹) مفتاح الفلاح: ۵۰۲.

٣٠) مصباح المتهجد : ٤٠٥ .

(٣١)

٣٢) مهج الدعوات : ٣٥٢ .

٣٣) المصباح : ٣٥٤ ، البلد الأمين : ٤٧٩ .

(٣٤)

٣٥) المصباح : ٤٠٧ ، جنات الخلود : ٤١ ، ضياء الصالحين : ٥٣٣ ، الجُنه الواقيه والجُنه الباقيه (مخطوط) : ٥٩ .

٣٦) منتخب الأثر : ٣ . ٥٢١ . قصص

(۳۹) الكلم الطيب : ۱۴ .

(۴۰) جنة المأوى : ۲۲۶ ، دار السلام : ۲۸۸/۱ .

(۴۱) العبقري الحسان : ۱۱۷/۱ المسك الأذفر .

(۴۲) الكلم الطيب : ۱۰ ، جنة المأوى : ۲۲۵ ، دار السلام : ۲۸۸/۱ .

(۴۳) مهج الدعوات : ۶۴ ، المصباح : ۴۰۷ .

(۴۴) مهج الدعوات : ۳۶۰ ، المصباح : ۲۹۶ .

(۴۵) مهج الدعوات : ۳۶۱ .

(۴۶) سورة نور ، آيه ۵۵ .

(۴۷) مكياي المكارم : ۳۹۳/۱ ، از الغيبه مرحوم نعماني : ۲۷۶ .

(۴۸) سورة زمر ، آيه ۷۴ .

(۴۹) بحار الأنوار : ۷/۵۳ .

(۵۰) مكياي المكارم : ۱۹۳/۱ ، بحار الأنوار : ۲۴/۳۹ .

(۵۱) العدد القويّه : ۷۵ ، دلائل الإمامه : ۴۵۸ (با تفاوتی اندك) .

(۵۲) رجوع كنيد به : «الصحيفه المباركه المهديه» .

(۵۳) مكياي المكارم : ۱۶۶/۱ .

(۵۴) ثواب الأعمال : ۱۱۸ .

(۵۵) دار السلام : ۹۱/۳ .

(۵۶) المصباح : ۶۰۰ ، ثواب الأعمال : ۱۲۵ .

بخش هفتم: توسل به حضرت بقیه الله عليه السلام

اشاره

علامه مستنبط رضوان الله عليه چنین می فرماید : از نظر عقل و نقل بر ما لازم است که به الطاف حضرت حجّت ارواحنا فداه چنگ زنیم و در سختی ها و مشکلات به او پناه بریم .

چرا که آن بزرگوار ، سلطان زمان و امام و پیشوای عصر حاضر است ؛ گر چه از دیدگان ما غایب است ، همانا او ما را می بیند ولی ما او را نمی بینیم ، یا او را می بینیم ولی نمی شناسیم . به هر حال خورشید عنایتش بر ما می تابد ، حاجت هر کسی را که به او توسل جوید ، برآورده می سازد .

ایشان می افزایند : از این توسل آثار و نتایج عجیبی

یافتم و هرگز خلافتی از آن مشاهده نکردم .

آری ؛ هر کس لذت توکل به دامان باکرامتش را نچشیده باشد از این حقایق بی بهره است ؛ «بنفسی [أنت] من مغیب لم یخل منّا» ؛ «جانم فدایت ؛ تو آن غایبی هستی که از میان ما خارج نمی باشی» . (۱)

جریان دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله

جریان دعای توسل ...

مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی اهل قریه جهرود ساوه بوده و ولادت باسعادت او در یازدهم جمادی الاولی سال پانصد و نود و هفت در شهر طوس اتفاق افتاده که ماده تاریخ او با آیه کریمه «جاء الحق وزهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً» (۲) موافق است و در هیجدهم ماه ذیحجه سال ششصد و هفتاد و دو از این جهان درگذشت و مجموع عمر شریفش هفتاد و پنج سال بوده است .

علامه عراقی در کتاب «دار السلام» می نویسد : بنا بر آنچه در زبان ها افتاده و در بعضی از کتاب ها نوشته شده :

خواجه نصیر مدت بیست سال کتابی در مناقب اهل بیت عصمت علیهم السلام تألیف نمود و آن را با خود به بغداد برد که به نظر خلیفه عباسی برساند .

اتفاقاً وقتی رسید که خلیفه با ابن حاجب برای تفریح و تماشا در کنار شط بغداد بودند . خواجه آن کتاب را نزد خلیفه نهاد و او آن را به ابن حاجب داد و چون آن ناصبی نظر به مناقب ائمه اطهار علیهم السلام نمود از شدت بغض ، آن کتاب را در آب انداخت و از روی استهزا گفت : «أعجبتی تلمه» ؛ یعنی : صدای افتادن این کتاب در آب ، مرا به تعجب درآورد .

پس رو به آن جناب کرد

و گفت: اهل کجایی؟

خواجه فرمود: اهل طوسم.

گفت: از گاوان یا از خران آن محل هستی؟

خواجه فرمود: از گاوان آن محلّم!

ابن حاجب گفت: پس ساخت در کجاست؟

خواجه فرمود: شاخم را در طوس گذاشته ام می روم و آن را می آورم!

پس خواجه مهموم و مغموم و محروم روی به دیار خود نهاد، اتفاقاً شبی در خواب بقعه ای را دید که در مکانی قرار گرفته و در آن بقعه مقبره ای است که بر آن مقبره صندوقی نهاده اند و بر آن صندوق دعایی را که معروف است به دعای توسل خواجه نصیر نوشته اند و حضرت حجّت عجل الله فرجه در آن بقعه می باشد.

پس آن بزرگوار آن دعا و کیفیت ختم آن را تعلیم خواجه فرمود. چون از خواب بیدار شد قسمتی از آن را فراموش کرده بود. بار دیگر خوابید و همان جریان را دو مرتبه در خواب دید و قسمت فراموش شده را از آن بزرگوار یاد گرفت.

چون بیدار شد مجموع آن را که در خاطرش محفوظ مانده بود به رشته تحریر درآورد، و برای تلافی عمل خلیفه و ابن حاجب و انتقام گیری از آن ها مشغول انجام آن ختم گردید، تا آن که دعایش به اجابت مقرون شد، و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه او را بشارت داد که حاجت به دست کودکی روا می گردد و تو باید آن کودک را تربیت کنی تا در آینده به قدرت برسد، و به شهر و بلد او اشاره فرمود.

پس خواجه با رمل، محله آن کودک را تعیین کرد و

خانه او را جستجو نمود. زنی را در آن خانه دید که دو طفل داشت، آن دو طفل را از او درخواست کرد و به تربیت آن‌ها پرداخت و به فراست دانست که پادشاه آینده کدام یک از ایشان است و آن هلاکوخان بود. پس در تربیت او نهایت اهتمام را نمود تا هلاکو به حدّ رشد رسید.

روزی به او گفت: اگر تو پادشاه شوی زحمت مرا چگونه جبران می‌کنی؟

هلاکو گفت: تو را وزیر خود می‌کنم.

خواجه گفت: لازم است آنچه را می‌گویی بنویسی.

هلاکو آن را نوشت و به خواجه داد. پس از مدّت زمانی هلاکو حاکم خراسان را کشت و به جای او نشست و خواجه را وزیر خود کرد. پس از استیلاء بر خراسان، به سوی شهرهای دیگر لشکر کشید و شهر به شهر را در حیطه تصرف خود درآورد تا آن که به بغداد هجوم آورد و مستعصم خلیفه عباسی را دستگیر نموده و او را کشت و با مردم آن دیار به عدالت رفتار کرد.

ابن حاجب چون واقعه را چنان دید در خانه شخصی پنهان شد و طشتی را پر از خون کرد و بر آن طشت چیزی گذاشت و روی آن نشست تا از دلالت رمل خواجه در امان بماند.

خواجه چون رمل انداخت ابن حاجب را در بالای دریایی از خون دید و حیران ماند هر چند از او جویا شد اثری نیافت؛ آخر الأمر در این مورد تدبیر و اندیشه نمود که تعدادی گوسفند وزن کند و بین اهل بغداد تقسیم نماید و با

آنان شرط کند هر کس گوسفندی را که گرفته باید به همان وزن اول تحویل دهد ، و گوسفندی هم به میزبان ابن حاجب داد .

او در این مورد که آن گوسفند را چگونه نگهداری کند تا در وقت تسلیم در وزن آن تفاوتی نباشد با ابن حاجب مشورت کرد .

ابن حاجب گفت : باید بچه گرگی به دست آوری و هر روز از صبح تا شام گوسفند را علوفه کافی داده و چون شب شود گرگ را به او نشان دهی تا هر چه در آن روز فربه گشته با دیدن گرگ از او کم شود و با مداومت بر این عمل تا زمانی که گوسفند نزد تو باشد در آن تفاوتی ظاهر نمی شود .

پس آن مرد به دستور ابن حاجب عمل کرد تا آن که گوسفند را رد کرد ، دیدند همه آن گوسفندها تفاوت وزن پیدا کرده اند مگر گوسفندی را که در دست میزبان ابن حاجب بوده است .

خواجه به زیرکی و فراست دانست که ابن حاجب در خانه آن شخص است و این تدبیر او بوده است .

غلامان را به دنبال ابن حاجب فرستاد و آن ها او را گرفته و نزد خواجه و هلاکو آوردند ، خواجه به او گفت : شاخ من این پادشاه است که در طوس بود و من وعده آوردن او را به تو دادم .

بعد او را با خود به کنار شطّ برد و دستور داد همه کتاب های او را حاضر کردند ؛ آنگاه تمام تألیفات او را جز شافیه ، وافیه و مختصر که برای مبتدیان علم صرف و نحو مفید است ، در آب انداخت

و گفت: «أعجبتني تلمه»؛ یعنی صدای به آب افتادن آن، مرا به تعجب درآورد، و سپس دستور قتل او را صادر کرد. (۳)

این جریان را درباره صدور این دعا از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ذکر نموده اند، ولی همان گونه که در «دار السلام» به آن تصریح شده درستی این قضیه مورد تردید است؛ زیرا تاریخ فتح بغداد با زمان فوت ابن حاجب موافقت ندارد و در جریان حمله هلاکو به بغداد که با تدبیر و اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی انجام شد و نیز در تاریخ این قضیه، نکاتی وجود دارد که صحت جریان مذکور را خدشه دار می کند:

۱- آن گونه که در تاریخ ثبت شده است، مرگ ابن حاجب در اسکندریه (۴) واقع شده است نه در بغداد آن هم با خصوصیتی که در این قضیه نقل شده است.

۲- مرگ او نه سال قبل از فتح بغداد صورت گرفته است و در هنگام ورود هلاکو و خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله زنده نبوده است تا محتاج به نشستن در طشت پر خون باشد.

۳- همان گونه که خواجه نصیرالدین رحمه الله بر اثر استفاده از رمل، شهر و محلّ هلاکو را بدست آورد آیا نمی توانست از طریق رمل بفهمد که ابن حاجب در کجاست و خون هایی که بالای آن ها نشسته در کجا و کدام مکان قرار دارد؟ و اگر رمل، طشت خون را دریای خون نشان دهد آیا می توان از آن استفاده نمود؟

از همه این ها گذشته خواجه می توانست با رمل، گوسفندی را که در خانه میزبان

این حاجب بوده معین کند و نیازی به شرط کردن عدم تغییر در وزن نداشت .

با این همه ، در اهمیت دعای توسل منسوب به خواجه هیچ گونه تردیدی نیست و مؤلف این کتاب در حلّ برخی از مشکلات از این دعا نتیجه گرفته است .

از مرحوم شیخ بهایی نقل شده که ایشان فرموده اند : از مقدّس اردبیلی سؤال شد که چه چیزی سبب شد تا به مقامات عالیّه نایل شوی ؟

ایشان در جواب فرمودند : مداومت به دعای توسل خواجه نصیر .

۱... دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله دعای توسل معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله

این دعا را سید بزرگوار ، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» نقل نموده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ خَدَاوَنَدَا ؛ درود و سلام و افزونی و برکت را بر پیامبر فرو فرست آن پیامبر اُمّی ، از مردم عرب از فرزندان هاشم ، الْقَرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَلِيِّ الْتَهَامِيِّ ، السَّيِّدِ الْبُهِيِّ ، الشَّرَاحِ از قبیله قریش ، از مکه و مدینه ، پیامبر سرزمین بطحاء و تهامه ، آن سید الْمَضِيِّ ، الْكَوْكَبِ الدُّرِيِّ ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ ، الْمَدْفُونِ خَوْش سِيمَا و چراغ درخشان و ستاره تابان ، صاحب منانت و آرامش ، مدفون در شهر بِالْمَدِينَةِ ، الْعَبِيدِ الْمُؤَيَّدِ ، وَالرُّشُولِ الْمُسَدَّدِ ، الْمُصْطَفَى الْأَمْجِدِ ، مدینه ، بنده تأیید شده (از خدا) و فرستاده محکم و استوار شده ، آن برگزیده دارای شکوه و عظمت الْمَحْمُودِ الْأَخْمَدِ ، خَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، وَخَاتَمِ وَپسندیده ستوده ، مورد محبت خدای جهانیان و آقای رسولان و پایان بخش النَّبِيِّينَ ، وَشَفِيعِ الْمُدْبِينِينَ ، وَرَاحِمِهِ لِّلْعَالَمِينَ

، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ پیامبران و شفاعت کننده گنه کاران و رحمت برای عالمیان، ابوالقاسم محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ یا درود خدا بر او و آل او باد . درود و سلام بی کران بر تو ای ابا القاسم؛ ای رَسُولَ اللهِ ، یا إِمَامَ الرَّحْمَةِ ، یا شَفِيعَ الْأُمَّةِ ، یا حُجَّةَ اللهِ عَلَى رَسُولِ خِدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ای شفیع امت؛ و ای حاجت خداوند بر تمام خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا نَتَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَشَّلْنَا بِكَ إِلَى بِنْدِ گانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم اللهُ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، یا وَجِيهًا وَ تو را در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت های مان مقدم می داریم . ای آبرومند عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ . اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبَارِكْ عَلَى نَزْدِ خِدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و صلوات و برکات فراوان را بر السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ ، وَالْإِمَامِ الْمُظَفَّرِ ، وَالشَّجَاعِ الْعُضْنَفَرِ ، أَبِي شَيْبَةَ سَيِّدِ پاك سرشت و امام پیروز و شجاع دلیر ، پدر شنیر و شَنَزَرِ ، قَاسِمِ طُوبَى وَسَقَرِ ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ ، الْأَشْجَعِ الْمَتِينِ ، و شبر، قسمت کننده بهشت و دوزخ، بریده شده از شرک و سرشار از دانش ، شجاعت پیشه بامتانت ، الْأَشْرَفِ الْمُكِينِ ، الْعَالِمِ الْمُبِينِ ، النَّاصِرِ الْمُعِينِ ، وَلِيِّ الدِّينِ ، شرافتمند صاحب جاه و منزلت ، عالم آشکار و یار و مددکار (بیچارگان)، ولی و سرپرست دین، الْوَالِي الْوَلِيُّ ، السَّيِّدِ الرُّضِيِّ

، الْإِمَامِ الْوَصِيِّ ، الْحَاكِمِ بِالْصَّ حَاكِمٍ وَ زَمَامِدَارِ دُوسْتِ دَاشْتِه شُدِه وَ سَيِّدِ پَسَنْدِيدِه؛ اِمَامِ جَانَشِينِ وَ پِيشوایِ مَنصُوصِ بِه نَصِّ الْجَلِيِّ ، الْمَخْلِصِ الصَّفِيِّ ، الْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ ، لَيْثِ بَنِي غَالِبٍ ، آشْكَارِ ، مَخْلَصِ پَاكِيزِه ، دَفْنِ شُدِه دَر سِرْزَمِينِ نَجْفِ ، شِيرِي از تَبَارِ فِرْزَنْدَانِ هَمِيْشِه غَالِبِ ، مُظَهَّرِ الْعَجَائِبِ ، وَ مُظَهَّرِ الْغَرَائِبِ ، وَ مُفَرِّقِ الْكِنَائِبِ ، وَ الشَّهَابِ مَظْهَرِ وَ مَحَلِّ ظُهُورِ وَ بَرُوزِ شَكْمَتِيْ هَا وَ آشْكَارِ كَنْدِه شَكْمَتِيْ هَا وَ غَرَايِبِ ، پِرَاكَنْدِه كَنْدِه غَارْتِ گِرَانِ ، وَ شَهَابِ النَّاقِبِ ، وَ الْهَزْبِ السَّالِبِ ، نُقْطَه دَائِرَه الْمَطَالِبِ ، أَسَدِ اللَّهِ فِرُوزَانِ ، شِيرِ بِيْشِه اِي كِه از كَافِرَانِ هَمِه چِيْزِ رَا مِي گِيْرِد ، نَقْطَه پِرِگَارِ دَايِرَه هَمِه مَقْصِدِهَا ، شِيرِ الْغَالِبِ ، غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ ، وَ مَطْلُوبِ كُلِّ طَالِبٍ ، صَاحِبِ الْمَفَاخِرِ هَمِيْشِه پِرُوزِ خُدا ، چِرِه شُونْدِه بَرِ هَر چِرِه اِي ، وَ مَطْلُوبِ هَر جُوِيْنْدِه ، صَاحِبِ افْتِخَارَاتِ وَ الْمَنَاقِبِ ، إِمَامِ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ ، مَوْلَانَا وَ مَوْلَى الْكُوَيْتِيْنَ ، وَ مَنَاقِبِ ، اِمَامِ وَ پِيشوایِ مَشَارِقِ وَ مَغَارِبِ ، مَوْلَا وَ آقَايِ مَا وَ مَوْلَايِ هَر دُو جِهَانِ ، الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ تَيْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صِلَوَاتُ پِيشِوَا پِدَرِ حَسَنِيْنَ ، اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ ، حَضْرَتِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبِ نَازِلِ فَرْمَا . دَرُودِ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِيْنَ ، خُدا بَرِ او بَاد . دَرُودِ وَ سَلَامِ بَرِ تُو اِي اِبَالْحَسَنِ ؛ اِي اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ ؛ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، يَا أَخَ الرَّسُولِ ، يَا زَوْجَ الْبُتُولِ ، يَا أَبَا اِي عَلِيَّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ ؛ اِي بَرَادِرِ رَسُوْلِ خُدا وَ هَمَسِرِ زَهْرَايِ بَتُوْلِ وَ پِدَرِ السَّبْطِيْنَ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا ، إِنَّا دُو سَبِيْطِ رَسُوْلِ

روی آورد العُدْرَاءَ ، فاطمَةَ النَّبِيِّ الرَّهْرَاءَ عَلَيْهَا السَّلَامُ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ وَ جَوْنِ مَرَوَارِيدِ نَاسِفَتِهِ تَأَلُّوْهُ مِي نَمُوْد ، فَاطِمَه پَرهِيْزْگَار وَ سِتَارَه دَرخْشَانِ آسْمَانِ پِيَامْبِرِ كِه دَرُوْد وَ سَلَامِ بَرِ اَوْ يَاد . صَلَوَاتِ وَ سَلَامِ عَلَيْكَ وَ عَلٰى ذُرِّيَّتِكَ يَا فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ بَرِ تُو وَ بَرِ ذَرِيَّتِهِ تُو ؛ اِي فَاطِمَه زَهْرَا ؛ اِي دَخْتِ گِرَامِي حَضْرَتِ مُحَمَّدِصَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَسُوْلِ اللهِ ، اَيُّبَتُهَا الْبُتُوْلُ ، يَا قُوَّةَ عَيْنِ الرَّسُوْلِ ، يَا بَضْعَةَ النَّبِيِّ ، يَا اُمَّ خَدَا ؛ اِي بَتُوْل ؛ وَ اِي نُوْرِ چِشْمِ پِيَامْبِرِ ؛ اِي پَارَه تَنْ رَسُوْلِ خَدَا ؛ اِي مَادِرِ السَّبِيْطِيْنَ ، يَا حُجَّةَ اللهِ عَلٰى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَانَا ، اِنَّا دُو سَبِيْطِ رَسُوْلِ خَدَا ، اِي حَاجَتِ خَدَا بَرِ بِنْدِگَانِش ؛ اِي سَيِّدَه وَ مَوْلَايِ مَا ؛ تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللهِ ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ مَا بَه وَاسْطَه تُو بَه دَرگَاهِ الهِي رُوِي آوَرْدَه وَ شَفَاعَتِ طَلِيْبِدَه وَ تَوَسَّلِ جِسْتَه اِيْمِ وَ تُو رَا پِيَشَاپِيْشِ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللهِ ، اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ حَاجَتِ هَايْمَانِ مَقْدَمِ مِي دَارِيْمِ دَرِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ . اِي آبَرُوْمَنْدِ نَزْدِ خَدَا ؛ بَرَايِ مَا نَزْدِ خَدَا شَفَاعَتِ فَرْمَا . اللهُ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَ بَارِكْ عَلٰى السَّيِّدِ الْمُرْتَضِيِّ ، خَدَاوَنْدَا ؛ بَرِ سُرُوْرِ بَرِگَزِيْدَه سَلَامِ صَلَوَاتِ وَ بَرَكَاتِ خُوِيْشِ رَا نَازِلِ فَرْمَا ، وَ اَلِإِمَامِ الْمُؤْتَجِي ، سَيِّبِطِ الْمُصْطَفِي ، وَ ابْنِ الْمُؤْتَضِي ، عَلَمِ بِيْشَوَايِي كِه اَمِيْدِ (كِرْمِ وَ رَحْمَتِ) اَزِ دَرگَاهِشِ مِي رُوْد ، سَبِيْطِ پِيَامْبِرِ مُصْطَفِي وَ فَرَزَنْدِ عَلِيٍّ مُرْتَضِي ، پَرچَمِ الْهُدٰى ، اَلْعَالِمِ الرَّفِيْعِ ، ذِي الْحَسْبِ الْمُنْعِجِ ، وَ الْفَضْلِ الْجَمِيْعِ ، هِدَايَتِ

و عالم بلندمرتبه و آن که دارای حسبی گرامی و ارجمند و جامع فضیلت ها و الشرف الرفیع ، الشفیع ابن الشفیع ، المقتول بالسم القبیح ، و صاحب شرافت رفیع است ، شفاعت کننده ای از زادگان شفاعت کننده ، کشته شده با زهر کشنده المذفون بأرض البقیع ، العالم بالفرائض و السنن ، صاحب مدفون در سرزمین بقیع ، عالم و دانشمند نسبت به واجبات و مستحبات دین ، صاحب الجود و الیمین ، کاشف الضر و البلوی و الیمین ، ما ظهَرَ مِنْهَا بَخْشِشٍ وَ احسان، بر طرف کننده بیچارگی ها و سختی ها و محنت ها، از آشکار و ما بطن ، الَّذِی عَجَزَ عَنْ عَدِّ مَدَائِحِهِ لِسَانُ اللُّسَنِ ، الْإِمَامُ وَ نَهَانِ ، آن که زبان مادحان از شمارش خوبی هایش عاجز و ناتوان باشد ، امام بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ ، أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صِلُوا لَإِلَهِهِ وَسَلَامُهُ بِرِحْقِ اِمَانْتِدَارِ ، حضرت ابامحمد امام حسن - که درودها و سلام های خدا علیه .) الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ، يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، بر او باد . - درود و سلام بر تو ای ابامحمد؛ ای حسن بن علی؛ أَيُّهَا الْمُجْتَبِيُّ ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا بَنَ إِي مَامِ بَرِ كَرِيْدِهِ ؛ ای زاده رسول خدا؛ ای زاده امیر مؤمنان و فاطمه الزهراء ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ فَاطِمَةَ زَهْرَا ؛ ای حجت خداوند بر آفریدگانش ، ای سرور جوانان اهل الجنته ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ بِهَيْشْت؛ ای آفا و مولای ما ؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم اِلَى اللَّهِ ،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَتُورَا بِبِشَائِيشِ خَوَاسْتِه هَاي مَان مَقْدَمِ مِي دَارِيمِ دَر دُنْيَا وَ آخِرَت . اِي وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ آبرومند نزد خدا ؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوندا ؛ سلام و صلوات و وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الرَّاهِدِ ، وَالْإِمَامِ الْعَابِدِ ، الْزَّكِيِّ الْمَسْجِدِ ، وَلِيِّ بَرَكَاتِ خَوَيشِ رَا بَرِ آن سرور زهدبیشه و امام عبادت کننده فرو فرست او که همواره در رکوع و سجود بود، سرپرست از الْمَلِكِ الْمَاجِدِ ، وَقَتِيلِ الْكَافِرِ الْجَاجِدِ ، زَيْنِ الْمَنَابِرِ وَالْمَسَاجِدِ ، طَرَفِ بَادشاه صاحب اختیار باشکوه و عظمت ، و کشته شده توسط کافر عنادبیشه ، زینت بخش منبرها و مساجد ، صَاحِبِ الْمِخْنَةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ ، سَيِّدِ صَاحِبِ سَخْتِي و اندوه و بلا ، دَفْنِ شَدِه دَر سَرزَمِينِ كَرْبَلَا ، سَبْطِ رَسُولِ الثَّقَلَيْنِ ، وَنُورِ الْعَيْنَيْنِ ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ ، الْإِمَامِ پيامبر جَنِّ و انس ، و نور چشمان، مولای ما و مولای دو جهان امام بِالْحَقِّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) . الْصَّلَاةُ بِرِ حَقِّ حَضْرَتِ اباعبدالله الحسين - درودها و رحمت های خدای بر او باد - . درود وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ ، يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ وَ سَلامَ بِه مَحْضَرِ مَقْدَسِ تُو اِي اباعبدالله؛ اِي حَسِينِ بِنِ عَلِيٍّ؛ اِي شَهِيدِ رَاهِ خِدا يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَابْنَ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ ، يَا و اِي زاده پيامبر او؛ اِي فَرزَنْدِ امير مؤمنان و فاطمه زهرا . اِي سَيِّدِ سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

عَلَى خَلْفِهِ ، يَا سَيِّدَنَا سرور جوانان اهل بهشت؛ و ای حجت خدا بر آفریدگان؛ ای آقا و مولانا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ و مولای ما ؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را باین حدی حاجاتنا فی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ ، یا وَجِهاً عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ پیشاپیش خواسته هایمان مقدم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا ؛ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ ، برای ما نزد خدا شفاعت فرما . بار خدایا ؛ درود و سلامت را بر پدر امامان و سراج الْأَمَّةِ ، وَكَاشِفِ الْعَمَّةِ ، وَمُخَيِّبِ السُّنَّةِ ، وَسَيِّئِ الْهَمَّةِ ، و چراغ اُمت اسلام و برطرف کننده غم و اندوه و احیا کننده سنت فرو فرست، آن بزرگمرد بلند همت وَرَفِيعِ الرَّؤْيَةِ ، وَأَنْبَسِ الْكُرْبِيِّ ، وَصَاحِبِ النَّذْبَةِ ، الْمَدْفُونِ وَ عَظِيمِ الشَّانِ كه همواره با اندوه فراوان همدم بود و نوحه و ناله داشت ، بِأَرْضِ طَبِيعَةِ الْمَبْرُورِ مِنْ كُلِّ شَيْئٍ ، وَأَفْضَلِ الْمُجَاهِدِينَ ، وَأَكْمَلِ در زمین پاکیزه مدینه مدفون گشت و او از هر عیب و زشتی به دور بود ، برترین مجاهدان و کامل ترین الشَّاكِرِينَ وَالْحَامِدِينَ ، شَمْسِ نَهَارِ الْمُشْتَغْفِرِينَ ، وَقَمَرِ لَيْلِهِ شُكْرِ كَرَارَانَ وَ ستایش گران بود، خورشید تابنده روزهای توبه کنندگان و ماه فروزنده شب های الْمُتَهَجِّدِينَ ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، أَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ مَتَهَجِدَانَ . پیشوای بر حق و زینت عبادت کنندگان حضرت ابامحمد علی بن الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِين - درودها و سلام های

بِالْحَقِّ نَزِدْ جَدَّ وِ پَدْرش، آن دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دوست و دشمن، امام برحق الْأَزَلِيُّ، أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. الصَّلَاةُ هِمِيشْكَى حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر هر دوی آنها درود خدا باد - . درود وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بَنَ وَ رحمت خدا بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای شکافنده علوم؛ و ای رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا زَادَةَ رَسُولِ خِدا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حَجَّتِ خِدا بر بندگانش؛ ای آقا وَ مَوْلَانَا إِنَّا نَتَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَنَسْأَلُنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدْ مَنَّاكَ وَ مَوْلَاى مَا؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و تَوَسَّلَ جسته ایم و تو را بَيِّنَ بَدَتْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ بِشَافِعِيسِ خِواسته هایمان مَقْدَمِ می داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصَّادِقِ لِبرای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوندا؛ درود و رحمت فرست بر آقای راستگوی الصِّدِّيقِ، الْعَالِمِ الْوَثِيقِ، الْحَلِيمِ الشَّفِيعِ، الْهَادِي إِلَى الطَّرِيقِ، تصدیق کننده، و دانشمند مورد اطمینان، بردبار دلسوز و هدایت کننده به راه حق، السَّاقِي شَيْعَتَهُ مِنَ الرَّحِيقِ، وَمُبْلِغِ أَغْدَانِهِ إِلَى الْحَرِيقِ، صَاحِبِ او که شیعیانش را از شراب طهور سیراب می سازد و دشمنانش را به آتش جهنم سرازیر می نماید. صَاحِبِ الشَّرَفِ الرَّفِيعِ، وَالْحَسْبِ

الْمَنِيْعُ ، وَالْفَضْلُ الْجَمِيْعُ ، الشَّفِيْعُ اِنَّ شِرَافَتِي بَلَدٌ وَ حَسْبِي بَرَجَسْتَهُ وَ فَضْلٌ وَ دَانِشْ جَامِعٌ ، اَنْ كَهْ خُوْدٌ وَ پَدَرِشْ هَر دُو شَفَاعَتْ كَنْتَنَدَه اَنْد ، الشَّفِيْعُ ، الْمَدْفُوْنُ بِالْبَقِيْعِ ، الْمَهْدَبُ الْمُؤَيَّدُ ، الْاِمَامُ الْمُمَجَّدُ اَوْ كَهْ
دَر بَقِيْعِ مَدْفُوْنِ اسْتِ ، اَنْ تَهْذِيْبُ شُدَه تَأْيِيْدُ گِشْتَه ، پِيَشُوْاى عَظِيْمِ الشَّأْنِ ، حَضْرَتِ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) . الصَّلَاةُ اَبَا عَبْدِاللّٰهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - دَرُوْدَهَا وَ سَلَامُ خُدا بَر اَوْ بَاد -
. دَرُوْدُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، اَيُّهَا الصَّادِقُ وَ سَلَامٌ بَر تُو اِي اِبَاعِدِاللّٰهِ ؛ اِي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ؛ اِي صَادِقِ رَاسْتِگُو وَ يَابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ ، يَابْنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، يَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ ، اِي
زَادَه پِيَامِبِرْ ؛ وَ اِي فَرَزَنْدِ اَمِيْرِ مُؤْمِنَانْ ؛ وَ حُجَّتْ خُدا بَر بَنْدِ گَانِشْ ؛ يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ ، اِي آقَا وَ مَوْلَاىِ مَآ ؛ مَا بَهْ وَ اسْطَهْ تُو بَهْ دَر گَاهِ الهِي رُوى آوَرْدَه وَ شَفَاعَتِ طَلِيْبِيْدَه
وَ تُوَسَّلِ جِسْتَه اِيْمٌ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ وَ جُوْدِ مَقْدَسْتِ رَا پِيَشَاپِيَشِ حَاجَتِ هَاىِ مَانَ مَقْدَمِ مِي دَارِيْمِ دَر دُنْيَا وَ آخِرَتِ ، اِي آبَرُوْمَنْدِ دَر دَر گَاهِ اللّٰهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ
. اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَ بَارِكْ عَلٰى السَّيِّدِ خُدا ؛ بَرَاىِ مَانَ نَزْدِ خُدا شَفَاعَتِ فَرَمَا . بَارِ خُدايَا ؛ دَرُوْدُ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكْتِ خُوْيِشِ رَا بَر سَيِّدِ الْكَرِيْمِ ، وَ الْاِمَامِ الْحَلِيْمِ ، وَ سَيِّئِ الْكَلِيْمِ ، الصَّابِرِ الْكَطِيْمِ ، قَائِدِ بَخْشَنْدَه وَ
پِيَشُوْاى بَر دَبَارِ ، هَمَانِمْ مُوسَى كَلِيْمِ ، شَكِيْبَانِيْ كَهْ خُشْمِشِ رَا فَرُو مِي بَرْدِ ، فَرَمَانْدَه الْجَيْشِ ، الْمَدْفُوْنِ

بِمَقَابِرِ قُرَيْشٍ ، صَاحِبِ الشَّرَفِ الْأَثْوَرِ ، گروه (شیعه) فرو فرست، او که در مقبره های قریش مدفون گشت، دارای شرف نورانی وَالْمُجِدِّ الْأَطْهَرِ ، وَالْجَبِينِ الْأَطْهَرِ [الْأَزْهَرِ خ] ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ و شکوه و عظمت آشکار و جبین و پیشانی پاکیزه (درخشان) (پیشوای برحق اَبی اِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ) صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ (حضرت ابا ابراهیم موسی بن جعفر - درودها و سلام خدا بر او باد - . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا اِبْرَاهِيمَ ، یا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ، درود و رحمت خدا بر تو ای ابا ابراهیم؛ ای موسی بن جعفر؛ أَيُّهَا الْكَاطِمُ ، وَأَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بْنَ اِمامِ كَاطِمٍ؛ ای بنده شایسته خدا؛ ای زاده رسول خدا؛ و ای فرزند امیرالمؤمنین ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما ؛ ما تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِوَاسِطَةِ تُوْبِهِ دَرِغَاهِ الْهَيْ رُوى آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را حاجاتنا فی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ ، یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . پیشاپیش حاجت های مان مقدم می داریم در دنیا و آخرت . ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما . اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ ، وَالْإِمَامِ بَارِ خدایا؛ درود و رحمت و برکت خود را فرو فرست بر آن سرور معصوم و امام الْمَظْلُومِ ، وَالشَّهِيدِ الْمَشْمُومِ ، وَالْغَرِيبِ الْمَعْمُومِ ، وَالْقَتِيلِ ستمدیده و شهید مسموم و

غریب غمدیده، کشته شده ای که المَحْرُومِ ، عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُومِ ، يَذِرُ النُّجُومِ ، شَمْسِ الشَّمُوسِ ، محروم) از حق خود(گشت ، او که به علم غیب و نهران آگاه بود، ماه ستارگان و خورشید خورشیدها وَأَنْبِيَاءِ النَّفُوسِ ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسِ ، الرَّضِيِّ الْمُؤْتَضَى ، و همدم جان ها، دفن شده در سرزمین طوس، آن که همگان از او خوشنود و راضی بودند ، الْمُرْتَجَى الْمُجْتَبَى ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى برگزیده ای که همگان به لطفش چشم امید دوخته بودند، پیشوای برحق حضرت ابالحسن علی بن موسی الرضا (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا الرِّضَا) که درودها و سلام خدا بر او باد) . سلام و رحمت خدای بر تو ای أَبَا الْحَسَنِ ، يَا عَلِيُّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بَنَ ابَا الْحَسَنِ؛ ای علی بن موسی الرضا؛ ای زاده پیامبر خدا و ای فرزند امیرالمؤمنین ، يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْفِهِ ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا مُؤْمِنَانُ؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای سید و مولای ما؛ مَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَشَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَاسْطَه تُو بِهِ دَرَاةَ الْهَى رُوَى آوْرَدَه وَشَفَاعَتِ طَلْبِيَدَه وَتَوَسَّلَ جِسْتَه اِيْم وَتُو رَا پِيْشَايِيْش حَاجَاْتَنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . خَوَاسْتَه هَاى مَانَ مَقْدَمِ مِى دَارِيْمِ دَر دُنْيَا وَآخِرَتِ . اِي آَبْرَوْمَنْد نَزْدِ خَدَا؛ بَرَاى مَانَ نَزْدِ خَدَا شَفَاعَتِ فَرَمَا . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَالِمِ ، الْعَامِلِ بَارِ خَدَايَا؛ دَرُودِ وَسَلَامِ وَبِرَكَاتِ رَا بَرِ سَرُورِ دَادِگَرِ دَانِشْمَنْدِ فَرُو

فرست، آن عامل به الکامل، الفاضل الباذل، الأجدد الجواد، العارف بأشیرار المبدئ کمال رسیده و دارای فضل و بخشنده، بخشنده ترین بخشش کننده، عارف به اسرار مبدأ و المعاد و لكل قوم هاد، مناص المحين يوم يناد المناد، و معاد) آغاز و فرجام عالم (و او که برای قوم، هادی و راهنما بود و پناهگاه دوستدارانش در روز محشر. المذکور فی الهدایه و الإرشاد، المذفون بأرض بغداد، السید و آن که در راه راهنمایی و ارشاد امت، راهبر است و در بغداد مدفون گشت. آن سید العزیز، و الإمام الأحمدي، والنور المحمدي، الملقب بالتقي، عرب نژاد و پیشوای احمدی نسب و نور محمیدی که به «تقی» (پرهیزکار) ملقب شد، الإمام بالحقّ أبی جعفر محمد بن علی علیه السلام. الصلاة امام بر حق حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر او سلام باد - . درود و السلام علیک یا ابا جعفر، یا محمد بن علی، أيتها التقي و سلام بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای تقوایشه الجواد، یا بن رسول الله، یا بن أمير المؤمنين، یا حجة الله علی بخشنده؛ ای زاده رسول خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر خلقه، یا سیدنا و مولانا إنا نوجهنا و استشفعنا و توسلنا بک إلی بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم الله، و قدّمناک بین یدئ حاجتنا فی الدنیا و الآخرة، یا وجیهاً و تو را پیشاپیش خواسته های مان مقدم می داریم در دنیا و آخرت

شما یا ابا الحسن ویا ابا محمد، ویا علی بن محمد ویا حسن بن ابی الحسن؛ وای ابا محمد؛ وای علی بن محمد؛ وای حسن بن علی، ائیمها الثقی الهادی وایمها الرکعی العسکری، یابنی رسول علی؛ ای امام پاک خالص هدایت گر؛ وای امام زکی عسکری؛ پاکیزه سرشت همیشه محصور (ای زادگان رسول الله، یابنی امیرالمؤمنین، یا حجتی الله علی الخلق اجمعین، خدا وای فرزندان امیر مؤمنان؛ ای حاجت های خداوند بر بندگانش؛ یا سیدینا و مولینا انا توجهننا و استشفعنا و توسلنا بکما االی الله، وای دو سرور و مولای ما؛ ما به واسطه شما به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و قد ثمناکما بین یدئ حاجاتنا فی الدنیا و الآخرة، یا وجهین و شما را پیشاپیش حاجت های مان مقدم می داریم در دنیا و در آخرت، ای آبرومندان عند الله، اشفعنا لنا عند الله. اللهم صل و سلم و زد و بارک علی نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت کنید. خدای من؛ سلام و صلوات و برکات خویش را فرو فرست بر صاحب الدعوه النبویه، و الصوله الحیدریه، و العیضه الفاطمیه، صاحب دعوت نبوی و دلیری حیدری و عصمت فاطمی و الجلم الحسینی، و الشجاعه الحسینی، و العباده السجادی، و بردباری حسنی و شجاعت حسینی و عبادت و بندگی سجدادی و المائر الباقریه، و الآثار الجعفریه، و العلوم الکاطمی، و آثار بجای مانده باقری، و آثار جعفری و دانش های کاظمی و الحجج الرضویه، و الجود الثقویه، و التقاوه الثقویه، و الهیبه و حاجت های رضوی و بخشنده گئی تقوی و پاکیزگی تقوی

و هيبت العسكرِيه ، وَالْعَبِيه الْإِلَهِيه ، الْقَائِم بِالْحَقِّ ، وَالِدَاعِي إِلَى الصَّدَقِ عَسْكَرِي وَغَيْبِتِ الْهَي ، آن قِيَامِ كُننده بر حق و فراخواننده به راستي الْمَطْلَقِ ، كَلِمَةِ اللَّهِ وَأَمَانِ اللَّهِ وَحُجَّةِ اللَّهِ ، الْعَالِي بِأَمْرِ اللَّهِ ، مطلق ، كلمه خدا و امان خدا و حجت خدا ، ظفرمند با امر خدا وَالذَّابِّ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ ، إِمَامِ السُّرِّ وَالْعَلَنِ ، دافع الْكَرْبِ وَالْمِخَنِ ، و حمايت كُننده از حرم خدا، پيشواي آشكار و نهان، دور كُننده اندوه و محنت ، صاحبِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ دَارِي بَخْشَنْدِگِي و احسان ، پيشواي بر حق حضرت ابا القاسم محمد بن الحسن ، صاحبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ ، وَخَلِيفَةِ الرَّحْمَانِ ، وَإِمَامِ حَسَنِ ، صاحب عصر و زمان ، و جانشين خدای رحمان و پيشواي الْإِنْسِ وَالْجَانِّ (صِلَمَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ انسان ها و پريان ، (درودها و سلام خدا بر او باد). درود و رحمت عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ ، وَالْخَلْفَ الصَّالِحِ ، يا إِمَامِ زَمَانِنَا ، بر تو ای وصي امام حسن؛ ای جانشين شايسته و ای امام زمان ما؛ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ ، يا سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاشْتَشَفْنَا قِيَامِ كُننده هدايت شده ای كه مورد انتظار همگان است. ای آقا و مولای ما ؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا فِي الدُّنْيَا طَلِبِيده و توسل جسته ايم ، و تو را پيشاپيش حاجت های مان مقدّم می داریم در دنيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ . و آخرت . ای آبرومند

نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما .

حاجت ها را از خداوند بخواهید و سپس دست ها را بلند نموده بگویید :

یا سادتی وَمَوَالِئِ ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ ، أَنْتُمْ أَنْبِيَی وَعُدَّتِي لِيَوْمِ ای عزیزانی که سرور و سالار من هستید ؛ من به شما رو آوردم که شما پیشوایان من هستید و شما سرمایه من در روز فقری وَفَاقَتِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، وَبَجَبْتُمْ فَقْرَ وَبِيجَارِكِي وَنِیَازِمِ نَزْدِ خَدَاوَنْدِ هَسْتِیْدِ وَ بَه وَسِیْلَه شَمَا بَه خَدَاوَنْدِ تَوْشَلِ جَسْتَه وَ بَا دَوْسْتِی وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو النَّجَاةَ مِنَ اللَّهِ ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى رَجَائِي ، یا وَ تَقَرَّبْ بَه شَمَا نَجَاتِ رَا اَز دَر گَاهِ خَدَا اَمِیْدِ دَارَمِ . پَس نَزْدِ خَدَایِ بَلَنْدِ مَرْتَبَه اَمِیْدِ مَن بَاشِیْدِ . ای ساداتی یا أَوْلِیَاءَ اللَّهِ صَلِّی اللَّهُ عَلَیْكُمْ أَجْمَعِیْنَ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ سُرُورَانَ مِنْ ؛ ای دُوسْتانِ خَدَا؛ دَرُودِ خَدَا بِرِ هَمْگِیِ شَمَا بَادِ . بَارِخَدَا یا؛ هَمَا نَا اِیْنانِ ، أَنْیُّنْتُنَا وَ سَادَتُنَا وَ قَادَتُنَا وَ كُبْرَانُنَا وَ شَفَعَاءُنَا ، بِهَمِ أَنْتَوَلَّی وَ مِنْ اَمَامانِ وَ سُرُورانِ وَ فَرْمانْدَهانِ وَ بزرگانِ وَ شَفِعیانِ ما هَسْتَنْدِ ، بَه اِیْشانِ ارادَتِ وَ دَوْسْتِیِ دَارَمِ وَ اَز اَعْدائِهِمْ أَنْتَبَرُّهُ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ ، وَ عَادِ دِشْمانِ شانِ بِیْزاریِ میِ جَویمِ دَر دُنْیا وَ آخِرَتِ . خَدَاوَنْدَا ؛ اَنْ كَه اَنانِ رَا دَوْسْتِ بَدارِ دَوْسْتِ بَدارِ وَ اَنْ كَه دِشْمَنْ بَدارِ دِشْمَنْ بَدارِ ، مَنْ عَاداهُمْ ، وَ أَنْصِرُوا مَنْ نَصَرَهُمْ ، وَ اخْذُلُوا مَنْ خَذَلَهُمْ ، وَ الْعَنْ كَسِیْ رَا كَه بَه اَنها یاریِ رَسانَدِ ، یاریِ كَنْ وَ كَسِیْ كَه تَرَكَ یاریِ اِیْشانِ نَمُودِ خُوارِ وَ ذَلِیلِ فَرْمَا ، وَ اَز رَحْمَتِ خُویْشِ دُورِ عَلَیْ مَنْ ظَلَمَهُمْ ، وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ ، وَ أَهْلِكَ

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ بَدَارِ هَرِ أَنْكَه رَا كَه بَه أَنَان سَتَم نَمَائِد. وَ دَر فَرَجِ أَنَانِ تَعَجِيلِ فَرَمَا، وَ دَشْمَنِ اِيشَانِ رَا نَابُودِ فَرَمَا، چَه اَز جَنِّ بَاشِدِ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوْلَيْنِ وَالْآخِرِينَ ، اَمِينِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ . اَللَّهُمَّ وَ چَه اَز اِنْسَانِ، چَه اَز دُورَانِ هَايِ سَابِقِ بَاشِدِ وَ چَه اَز دُورَانِ هَايِ بَعْدِ اَزِ اَنِّ ، اَيِ پَرُورِدْگَارِ عَالَمِيَانِ؛ اَيْنِ دَعَا رَا اِجَابَتِ فَرَمَا . خُداوَنْدَا؛ اِرْزُقْنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَتَهُمْ ، وَفِي الْآخِرَةِ شَفَاعَتَهُمْ ، وَاحْشُرْنَا دَر دُنْيَا زِيَارَتِ اَنَانِ وَ دَر اٰخِرَتِ شَفَاعَتِ شَانِ رَا نَصِيْبِ مَّا بَفَرَمَا . وَ مَّا رَا بَا اَنَانِ مَحْشُورِ كُنْ مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِيَا اَتِهِمْ ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ وَ دَر گِرُوهِ اَنَانِ وَ دَر زَبِرِ پَرچَمِ اَنَانِ قَرَارْمَانِ دِه. وَ بَيْنِ مَّا وَ اَنَانِ، لِحْظَةِ اَيِ عَيْنِ اَبْدَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۵) چَشْمِ بَهْمِ زَدَنِی (جَدَائِي مِيْفَكْنِ نَه دَر دُنْيَا وَ نَه دَر اٰخِرَتِ. بَه رَحْمَتِ اَيِ مَهْرَبَاتَرِيْنِ مَهْرَبَانَانِ .

۲ دعای توسل به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

دَر کِتَابِ «قَبَسِ الْمَصْبَاحِ» دَعَايِ مَخْتَصَرِي (بِرَايِ تَوْسَلِ بَه مَوْلَايِ مَانِ صَاحِبِ الزَّمَانِ ارواحنا فداه) نَقْلِ شُدِه کِه عِبَارَتِ اسْتِ اَز :

اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَّلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ اِلَّا خُداوَنْدَا؛ اَز تُو دَرخُواسْتِ مِي كَنَمِ بَه حَقِّ وَلِي وَ حِجَّتِ، صَاحِبِ زَمَانِ، اَيْنِ كِه اَعْتَنَّتِي بِه عَلَيِ جَمِيعِ اُمُورِي، وَ كَفَيْتَنِي بِه مُؤَوَّنَه كُلِّ مُؤِذٍ بَه واسطِه اَن حَضْرَتِ، مَرَا دَر هَمِه كَارِهَائِمِ يَارِي رَسَانِي وَ بَه وَسِيْلَه اَوْ مَرَا اَز شَرِّ هَرِ وَطَاغٍ وَبَاغٍ ، وَ اَعْتَنَّتِي بِه ، فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي ، وَ كَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوِّ طَغْيَانِگَرِ وَ سَتْمِگَرِ وَ اَزَارِ رَسَانِي دَر اَمَانِ بَدَارِي وَ كَمَكَمِ كُنِي . بَه رَاسْتِي كِه نَاتُوانِ گِشْتِه

و جانم به لب رسیده و از هر دشمن و هم [وَعَمَّ] وَدَّيْنٍ ، وَوُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي ، وَمَنْ و غم و اندوهی (و مشکلات و قرضی، کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را ، و هر کس یغنینی أَثْرُهُ وَخَاصَّتِي ، امین رَبِّ الْعَالَمِينَ . (۶)

کار او به من مربوط می شود و نیز خاصان مرا ، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان .

توسل به حضرت... در مشکلات

در کتاب «جَنَاتِ الْخُلُودِ» می فرماید : فتح و پیروزی بر دشمنان در جنگ ها و غیر آن ، و نیز ادای قرض ها ، بستگی به توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه به این طریق دارد . (۷) و سپس این دعا را نقل نموده است .

۳ توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مشکلات

از وظائف بزرگ ما توجه و توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد ؛ مخصوصاً در هنگام سختی ها ، مشکلات شدید و بیماری های دشوار که بر انسان وارد می شود .

در این هنگام وظیفه ما برای حل آن مشکلات و رهایی از آن ها ، توسل به امام زمان ارواحنا فداه است که سرپرست امور ما است .

بنابراین در همه گرفتاری ها مخصوصاً زمانی که بیچارگی و اضطراب سراسر وجودمان را احاطه کرده ، باید به منتقم آل الله امام زمان صلوات الله علیه متوسل شویم و بدانیم همه گرفتاری ها و سختی هایی که به ما می رسد بر اثر غیبت آن حضرت است ، و ما موظف هستیم برای ظهور آن بزرگوار دعا کنیم .

در «بحار الأنوار» می فرماید : ابوالوفاء شیرازی چنین گوید : در زندانی محصور بودم و به خاطر آن پریشان بودم و به واسطه امامان علیهم السلام با خدا

به راز و نیاز پرداختم ، هنگامی که شب جمعه رسید پس از نماز خوابیدم و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب دیدم .

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم او را در خواب راهنمایی فرمود که برای هر حاجتی به کدام امام و چگونه متوسل گردد ؟ آن گاه پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم به او فرمود :

وَأَمَّا صَاحِبَ الزَّمَانِ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفَ الدَّبِيحَ ، فَاسْتَعِنَ بِهِ ، فَإِنَّهُ يَعِينُكَ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى حَلْقِهِ .

و اما صاحب الزمان ؛ پس هر گاه شمشیر به گلو گاهت رسید - و دستش را بر حلقش نهاده بود - از او یاری بخواه که یاریت می رساند .

(ابو الوفاء می گوید : (در خواب صدا زدم :

یا مولای ؛ یا صاحب الزمان ؛ ادر کنی فقد بلغ مجهودی .

ای مولای من ؛ ای صاحب الزمان ؛ مرا دریاب که همانا جانم به لب رسیده است .

و ناگهان بیدار شدم و دیدم که زندان بانان ، زنجیر از من باز می کنند . (۸)

در «سلاح المؤمنین» می فرماید: پدرم چنین فرمود :

إِنَّ دَنَا مِنْ نَحْرِكَ السَّيْفُ اسْتَعَيْتُ

بِوَلِيِّ الْعَصْرِ مَوْلَاكَ وَقُل :

یا صاحب الزمانِ أَعْنَتِي ، یا صاحب الزمانِ أَدْرِ كُنِي

فَهُوَ بَابُ اللَّهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْ

عَوْثُ وَابْنُ الْمُصْطَفَى فَخْرِ الرُّسُلِ

هنگامی که شمشیر بر گردنت نهادند استغاثه کن و یاری بخواه از مولایت ولی عصر و چنین بگو: ای صاحب الزمان؛ به فریادم برس ، ای صاحب الزمان ؛ مرا دریاب .

او باب خدا و رحمت الهی و فریادرس و زاده مصطفی فخر پیامبران است . (۹)

محدث نوری رحمه الله می فرماید : ظاهراً مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از این سخن این نیست

که فقط در هنگام گرفتاری در دست دشمنان - که قصد کشتن و نابودی شما را دارند - به امام عصر ارواحنا فداه متوسل شوید ، بلکه کنایه از این است که باید به آن حضرت توسل جست هر وقت سختی به حد آخر رسیده باشد و اسباب مادی و امید به مخلوقین از بین رفته باشد و صبر انسان لبریز گردد . و تفاوتی نمی کند که بلا و مصیبت دینی باشد یا دنیوی ، از شرّ انسان باشد یا از شرّ جن ، چنان که از دعای مذکور (در ص ۴۳۴) ، این مطلب روشن می گردد .

بنابراین ، وظیفه مضطرّ ، بیچاره و ناتوان ، دادخواهی و کمک خواستن از آن وجود مقدّس ارواحنا فداه است و اجابت و فریاد رسی از منصب های الهی آن بزرگوار می باشد .

و چنانچه شخص مضطرّ از شدّت پریشانی و بیچارگی اش نتواند با زبان اظهار کند و دعایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده بخواند و به حضرت استغاثه کند ، کافی است با زبان حال از او یاری بخواهد یعنی بداند و اقرار کند که او ولیّ و امامش می باشد و مربّی او و واسطه فیض خدا، فقط وجود مقدّس اوست و چراغ هدایت در تاریکی های بیابان غیبت فقط اوست .

پس بفهمد و بشناسد که آن هایی که در سفر طاعت مثل مسافرت حجّ و زیارت استغاثه می کنند، کسی جز امام زمان که فریادرس دوران است ، آن ها را نجات نمی دهد و به فریادشان نمی رسد .

شاهد بر این ادعا آن است که «غوث» از لقب های اختصاصی آن حضرت است که در زیارت های معتبر وارد شده است و معنای

آن فریاد رس است . و البتّه بدیهی است این لقب خدادادی مجرّد اسم نیست و طبعاً صاحب این لقب باید بتواند صدای هر کسی را از هر جایی بشنود و به هر زبانی هم که فریادرسی از او شود ، باید بداند .

بلکه علمی داشته باشد که به حالات فریاد طلبان و دادخواهان احاطه داشته باشد بدون این که آنان استغاثه ای نمایند ، همان گونه که در توقیعی به شیخ مفید رحمه الله چنین می فرماید .

و او قدرت دارد که در صورت صلاحدید، استغاثه کننده را از دریای گرفتاری و بلا نجات دهد به هر حالی که باشد و به هر زبانی که فریاد برآورد و لایق این مقام نیست مگر کسی که از مقام والای امامت برخوردار است و قدم بر بساط ولایت نهاده است .

و نیز این سخن را تأیید می کند آنچه بین عرب (شهرنشین و بادیه نشین) مشهور است که او را «ابا صالح» می خوانند و بدو متوسل نمی شوند و شکایت به نزدش نمی برند و استغاثه و ندبه اش نمی کنند ، مگر به این اسم مقدّس یعنی «ابا صالح» . (۱۰)

آتوسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است که :

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا آخروی بر او دشوار گردد ، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند ، یاری حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه به او می رسد :

یا فارسَ الحِجَازِ اُدْرِكُنِي ، یا ابا صالحِ المَهْدِيِّ اُدْرِكُنِي ، یا ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریاب، ای ابا صالح المهدی؛ مرا دریاب، ای ابا القاسمِ اُدْرِكُنِي اُدْرِكُنِي وَلَا تَدْعُنِي ، فَإِنِّي عاجزٌ ذَلِيلٌ . (۱۱) ابا القاسم؛ مرا دریاب، مرا دریاب، و مرا رها نکن که همانا

من در مانده ای ناتوان و خوار هستم .

«توسل دیگر...» یا محمد یا علی (توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

در مشکلات) یا محمد یا علی ... (

عالم بزرگوار عراقی رحمه الله در کتاب «دار السلام» می فرماید : ملا قاسم رشتی رحمه الله چنین گوید :

به اصفهان رفتم و به مقبره تخت فولاد در روزی غیر از پنجشنبه روانه شدم و چون در آن دیار غریب بودم نمی دانستم که مردم آن شهر فقط شبهای جمعه به زیارت اهل قبور می روند، و در دیگر ایام، مقبره خالی از مردم است و چیزی در آنجا یافت نمی شود، وقتی در خیابان قدم برمی داشتم ، میل داشتم که قلبانی بکشم ، خادمی که همراه من بود گفت: در این اطراف جز شب های جمعه چیزی پیدا نمی شود .

من هم گفتم : زیارت اهل قبور را برای کشیدن قلبان ترک نمی کنم و داخل قبرستان شدم و شروع به قرائت فاتحه کردم که ناگاه مردی را مشاهده نمودم که در گوشه حیاط نشسته بود .

آن شخص گفت : ملا قاسم ؛ چرا وقتی وارد شدی ، طبق سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ، سلام نکردی ؟ شرمند شدم و از او معذرت خواستم و گفتم : دور بودم و می خواستم وقتی نزدیک شدم سلام کنم .

گفت : نه ، شما اهل علم ادب ندارید .

هیبتش بر دلم افتاد و به او نزدیک شدم و سلامش نمودم . جوابم داد و نام والدین مرا برد گفت : آن ها فرزند پسر نداشتند و پدرت نذر کرد که اگر خداوند به او فرزند پسری عنایت کند ، او را از اهل حدیث و از نیکان قرار دهد . آن گاه خدا تو را به او

عنایت کرد و او هم به نذرش وفا نمود .

گفتم : بلی ؛ این را شنیده ام . سپس گفت : اگر می خواهی قلیان بکشی در کیسه من موجود است ، بردار و آماده کن تا باهم بکشیم .

اراده کردم که به خادمم دستور دهم ، ولی به مجرد این اراده و همینکه از دلم خطور کرد به من گفت : نه ، خودت آماده کن .

گفتم: چشم و قلیان را آماده نمودم و کشیدم ، سپس به او دادم ، او هم کشید و به من بازگردانید ، آن گاه چنین گفت : چند روز قبل به اینجا آمدم و هیچ میلی به اهل این شهر و به داخل شدن در این شهر نداشتم و همانا دوستی در مازندران دارم و می خواهم به زیارت او بروم . سپس به من گفت : در این مقبره ، قبور عدّه ای از پیامبران است ، برخیز و آن ها را همراه من زیارت کن .

پس برخاست و کیسه اش را برداشت و باهم رفتیم تا به جایی رسیدیم ، گفت : اینجا ، قبور انبیا است و آن گاه زیارتی خواند که من هرگز در کتاب ها آن را ندیده بودم ، به هر حال ، همراه او خواندم ، سپس از قبرها دور شد و گفت : من عازم مازندران هستم ، می توانی از من چیزی بخواهی .

از او خواستم که به من علم کیمیا را بیاموزد .

گفت : آن را به تو نمی آموزم ، اصرار ورزیدم .

گفت : رزق و روزی هر کسی مقدّر و معین شده ، و آنچه می خواهی در اواخر عمرت به تو می رسد .

گفتم :

چه می شود اگر من از فقر و فلاکت نجات یابم ؟

گفت : دنیا ارزشی ندارد .

گفتم : به خاطر دوستی و حبّ دنیا این تقاضا را از تو نکردم .

گفت : پس چرا فقط از امور دنیوی تقاضا نمودی ؟ ولی من همچنان به خواسته خود پافشاری کردم .

گفت: اگر در مسجد سهله مرا دیدی ، خواسته ات را برمی آورم .

گفتم: پس دعایی به من تعلیم نما .

گفت: دو تا دعا به تو یاد می دهم؛ یکی به تو اختصاص دارد و دیگری برای همگان، و اگر مؤمن گرفتاری آن را بخواند حتماً مؤثر واقع می شود، سپس آن دعاها را برایم خواند.

گفتم: متأسفانه قلمی ندارم تا دعاها را بنویسم و قدرت حفظکردن آن را هم ندارم.

گفت : در کیسه من قلم و کاغذ است ، بردار .

دست در کیسه نمودم و با تعجب دیدم که قلیان و دیگر وسایلی که قبلاً بود ، در آن نیست و فقط دوات و قلم و کاغذی به اندازه نیاز و نوشتن آن دو دعا موجود است . بسی شگفت زده شدم! با تندى به من گفتم : زود باش و معطلم نکن که می خواهم بروم .

مضطرب شدم و سر به طرف زمین نهاده مهتای نوشتن شدم . دعای اولی را املاء کرد و من نوشتم . به دعای دوم که رسید این گونه قرائت کرد :

یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطِمَةُ، یا صاحبِ الزَّمانِ اَذْرِكُنِي وَلا تُهْلِكُنِي.

ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب زمان، مرا دریاب و هلاکم نکن .

توسّل دیگر... (یا صاحب الزمان)

من در عبارت دعا تأملی کردم و او که دید به فکر فرو رفته ام گفتم : آیا عبارت را

غلط می دانی؟

گفتم: آری، زیرا خطاب به چهار نفر است و فعل آن باید جمع باشد.

گفت: اشتباه نمودی، اکنون نظم دهنده این عالم، امام زمان ارواحنا فداه است و غیر او در عالم تصرف نمی کند و در دعا آن سه بزرگوار یعنی حضرت محمد، علی و فاطمه علیهم السلام را شفیعیان نزد امام عصر ارواحنا فداه قرار می دهیم و فقط از او استمداد می کنیم. (۱۲)

دیدم سخن متینی می گوید، پس دعا را نوشتم ولی وقتی سر بلند کردم کسی را ندیدم. از خادم درباره او سؤال کردم.

گفت: من کسی را ندیدم، با حالتی که در من سابقه نداشت به شهر باز گشتم و وارد خانه حاجی کرباسی شدم.

او گفت: آیا تیبی بر تو عارض گشته است؟

گفتم: خیر، و ماجرا را برایش تعریف کردم.

او گفت: این دعا را شیخ محمّد بیدآبادی به من یاد داد و من در پشت کتاب دعا آن را نوشتم. برخاست و کتاب را آورد ولی در آن چنین بود: «أدرکونی ولا تهلكونی»، آن را پاک کرد و نوشت: «أدرکونی ولا تهلكونی». (۱۳)

توسّل دیگر به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزّمان)

روایت شده است که:

هر که را شدّت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

یا الله یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطمَةُ یا صَاحِبَ الزّمانِ ، أدرِکُنِی ای خدا، ای محمد، ای علی؛ ای فاطمه، ای صاحب الزمان، مرا دریاب و لا تُهْلِکُنِی. (۱۴)

و هلاکم نکن.

توسّل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویّه» آمده است: بعد از نافله مغرب، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرست، سپس هفتاد مرتبه بگو:

یا الله یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطمَةُ یا حَسَنُ یا حُسَیْنُ ، یا صَاحِبَ ای خدا؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای فاطمه؛ ای حسن؛ ای حسین؛ الزّمانِ ، أدرِکُنِی یا صَاحِبَ الزّمانِ .

ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب ای صاحب الزمان.

سپس صد مرتبه دیگر صلوات بفرست و آن گاه حاجت خود را طلب کن.

صاحب کتاب «التحفة الرضویّه» در ادامه می نویسد: سید علامه، حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف شدن مشکلات و سختی های مهم تجربه شده است. (۱۵)

توسّل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه (یا حجه القائم)

(توسّل برای رفع بیماری)

از سید بزرگوار و استاد معظم، عالم ربّانی و حکیم و فقیه بلندمرتبه سید محمد هندی نجفی دام ظلّه و او از دانشمند محترم سید حسن قزوینی و او از سید حسین شوشتری که از امامان جماعت بود و او از اساتیدش نقل می کند که:

(در سختی ها و مشکلات) سر برهنه رو به قبله بایست و پانصد و هفتاد مرتبه بگو: «یا حُجَّجَهُ الْقَائِمُ»، و این عمل تجربه شده است. (۱۶)

توسّل برای رفع بیماری

توسّل به اسمی که مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در دعا برای پایان یافتن دوران غیبت می خوانند:

داوود بن زری می گوید: در مدینه شدیداً مریض شدم و خیر مریضی من به امام صادق علیه السلام رسید. حضرت به من چنین نوشت:

خبر مریضی تو به من رسید. یک صاع (۱۷) گندم بخر، آنگاه بر پشت بخواب و گندم را به روی سینه ات بریز هر گونه که ریخته شد و چنین بگو:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتُ مَا بَارَ خَدَايَا؛ از تو درخواست می کنم به آن اسمت که هرگاه مضطرّ (امام زمان علیه السلام) به آن اسم تو را بخواند، به من ضرر، و مَكْنَتْ لَهُ فِي الْأَرْضِ، وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، مشکلتش را برطرف می کنی و در زمین توانایی و قدرتش می دهی و خلیفه خود بر بندگانت قرارش می دهی، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي. (از تو می خواهم) که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی و مرا از این بیماری عافیت بخشی.

سپس بنشین و گندم را جمع

کن و همین دعا را بخوان . سپس گندم را یک مدّ ، یک مدّ (که هر مدّ ده سیر است) تقسیم کن و به هر مسکینی یکی از آن را بده و باز همان دعا را بخوان .

داوود می گوید : این کار را که انجام دادم ، گویی از بند آزاد شدم و عدّه ای دیگر هم این دستور را عمل کردند و از آن بهره مند گردیدند . (۱۸)

.....(Anotates).....

(۱) التحفه الرضویّه : ۱۶۰ .

(۲) سوره اسراء ، آیه ۸۱ .

(۳) دار السلام عراقی : ۳۳۳ .

(۴) العلّامه الخواجه نصیرالدین الطوسی : ۷۹ .

(۵) مهج الدعوات : ۴۲۵ .

(۶) نجم الثاقب : ۷۳۱ .

(۷) جّات الخلود : ۴۰ .

(۸) بحار الأنوار : ۳۳/۹۴ .

(۹) سلاح المؤمنین : ۱۲۸ .

(۱۰) نجم الثاقب : ۷۳۲ .

(۱۱) منتخب الختوم : ۱۹۶ .

(۱۲) از این عبارت معلوم می شود که آن شخص ، امام زمان ارواحنا فداه نبوده است .

(۱۳) دار السلام عراقی : ۳ . ۳۱۷ . منهاج العارفين : ۴۸۳ .

(۱۴)

(۱۵) التحفه الرضویّه : ۱۵۰ .

(۱۶) تکالیف الأنام فی غیبه الإمام : ۲۵۱ .

(۱۷) یک صاع ، ۳۹ سیر است که قریب یک من می باشد .

(۱۸) بحار الأنوار : ۳۵/۹۵ ، المصباح : ۱۹۹ .

بخش هشتم: عریضه ها

اشاره

نوشتن عریضه و نامه حاجت به محضر مولای کریم حضرت مهدی ارواحنا فداه یکی از انواع توسّل ها و استغاثه های مؤثّر است و اثر عجیبی در برآمدن حاجت دارد؛ زیرا ، مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه - چنان که در روایات نیز بیان شده است - نسبت به دوستانش بسیار لطف و رأفت دارد و مهربان است . این جانب ، بارها

به محضر مقدّس آن حضرت نامه نوشته و آثار و فواید عجیبی مشاهده کرده ام .

در این بخش ، چگونگی چند نوع نامه حاجت را یادآور شده و برخی از داستان هایی را که برای برخی از بزرگان پیش آمده است ، بیان می کنیم .

در کتاب «التحفه الرضویّه» می فرماید : علامه سیّد محمّد تقی اصفهانی قدس سره در فصلی از کتابش که در مورد معجزه های امام زمان ارواحنا فداه ترتیب داده است می نویسد : یکی از معجزه ها و کرامت های آشکار آن حضرت این است که با انداختن رقعہ حاجت و درخواست از آن حضرت ، حاجت ها برآورده می شود ؛ و این مطلبی است که با چشم مشاهده گردیده و تجربه شده است .

علامه بزرگوار مرحوم شیخ عبدالحسین امینی نیز حکایت عجیبی را که در اثر توسّل به آن حضرت برایش رخ داده بود برای من بازگو کرد که مجاز نیستم آن را در کتاب بنویسم ؛ ولی همین قدر بگویم که با نامه نوشتن به ناحیه مقدّسه آن حضرت ، آن جریان برایش پیش آمده بود .

سپس افزود : توسّل به حضرت مهدی ارواحنا فداه را برای کارهای مهمّ و برآورده شدن حاجت ها تجربه کرده ام . (۱)

جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه

جریانی در مورد نوشتن نامه...

محدّث نوری رحمه الله در کتاب «جَنَّة المَأْوَى» می نویسد :

شخصی بود عابد ، نیکو کار و باتقوا به نام جناب سیّد محمّد عاملی ، فرزند سیّد عبّاس (از خاندان عبّاس شرف الدین) که در روستای جشیث (۲) در نزدیکی جبل عامل لبنان می زیست .

داستانی دارد که در اثر تجاوز افراد به حقوقش و ستم بر او، مجبور شد از وطنش با وجود فقر شدید و ناتوانی ها به

دلیل ترس و وحشت فرار کند . با این که در هنگام خارج شدن از وطن ، حتی به قدری که بتواند خرج یک روز خود را تأمین کند نداشت؛ با این همه ، آن قدر آبروداری می کرد که به خود اجازه نمی داد از کسی درخواست کمک کند .

وی ، مدتی از عمر خود را به جهانگردی پرداخت و در این دوران، در عالم خواب و بیداری جریاناتی شگفت انگیز برایش اتفاق افتاد ؛ تا این که در نهایت به نجف اشرف رسید و مجاورت آن را اختیار کرد و در یکی از اتاق های طبقه بالای صحن مقدّس آن حضرت سکونت گزید.

در آن روزها نیز فقر شدیدی او را رنج می داد و جز چند تن ، کسی او را نمی شناخت و محل سکونتش را نمی دانست . و سرانجام پس از پنج سال که از روستای خودش بیرون رفت، در شهر مقدّس نجف دار فانی را وداع گفت .

در ایام زندگانش گاهی با من رفت و آمد داشت و بسیار باعفت و با شرم و ادب بود ، و در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام نیز نزد من حاضر می شد . گاهی برای برطرف شدن تنگدستی خود، برخی از کتاب های دعا را از من به امانت می گرفت .

زندگی او به گونه ای بود که برای غذای روزانه خود جز چند دانه خرما چیزی در اختیار نداشت . وی ، پیوسته دعاهای درخواست روزی و توسعه آن را می خواند و از هیچ ذکر و دعایی در این مورد فرو گزار نکرد .

در برخی از ایام نیز به نوشتن نامه حاجت به امام زمان ارواحنا فداه اقدام کرد و تا

چهل روز این کار را ادامه داد و هر روز پیش از طلوع آفتاب از درب کوچکی که به طرف دریا باز می شود از شهر خارج می شد و یک فرسخ یا بیشتر از طرف راست حرکت می کرد به گونه ای که هیچ کس او را نمی دید . پس از آن ، نامه خود را گل اندود می نمود و آن را به یکی از چهار نایب بزرگوار می سپرد، و آن را در آب می انداخت. بالأخره سی و هشت یا سی و نه روز گذشت، و در آن روز نیز کار هر روز را انجام داد و برگشت .

او برایم گفت : آن روز بسیار اندوهگین بودم و حالم گرفته بود؛ سرم را پایین انداخته و راه می رفتم که در بین راه ناگهان مردی را دیدم که از پشت سر به طرف من آمد و طرز لباس پوشیدنش نیز همانند عرب ها بود.

وی بر من سلام کرد و من سلام او را بسیار کوتاه پاسخ دادم ، و به دلیل کسالت روحیم به او توجهی نکردم ، او مقداری راه را به همراه من آمد ؛ در حالی که من همچنان افسرده بودم . و آنگاه با لهجه مردم روستای خودم به من فرمود :

سید محمد؛ حاجت شما چیست؟ سی و هشت یا سی و نه روز است که پیش از طلوع آفتاب از نجف اشرف بیرون می آیی و به فلان مکان می روی و عریضه ات را به آب می افکنی و گمان می کنی که امام تو ، حاجت تو را نمی داند و از آن بی اطلاع است !؟

سید محمد گوید : از سخنان او در شگفت شدم ؛ زیرا من این

جریان خود را برای هیچ کس بازگو نکرده بودم، و حتی یک نفر مرا ندیده بود؛ از همه مهم تر آن که از اهالی جبل عامل، کسی در نجف نبود که من او را نشناسم! به خصوص که برخی از لباس هایی که آن بزرگوار پوشیده بود در منطقه ما - جبل عامل - مرسوم نبود.

به خاطر گذشت که من به مهم ترین آرزوی خود - که دست یابی به بزرگ ترین نعمت بود - دست یافته ام و این شخص، همان حجت خداوند بر مردم، یعنی امام عصر صلوات الله علیه است.

البته پیش از این شنیده بودم که دست مبارک آن حضرت در نرمی و لطافت به گونه ای است که دست هیچ یک از مردم همانند آن نیست؛ لذا، با خود گفتم: من با ایشان دست می دهم و مصافحه می کنم؛ اگر دستش همان گونه باشد که شنیده ام، آن طور که شایسته آن حضرت است رسم ادب را به جای می آورم.

در همین اندیشه بودم که دست خود را دراز کردم و آن بزرگوار نیز دست مبارکش را به طرف من آورد و با وی مصافحه کردم و دریافتم که همان خصوصیت در دست مبارکش می باشد. لذا، یقین کردم که کامیاب و رستگار شده ام. سرم را بلند کرده و روبروی آن حضرت قرار گرفته و خواستم دست مبارکش را ببوسم که دیگر کسی را ندیدم. (۳)

جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

جریان دیگر در مورد نوشتن ...

محدث نوری رحمه الله می فرماید: دانشمند گران قدر، دارنده فضیلت ها و فضل ها و توانمندی های معنوی، پیش کسوت در میان هم رتبان، جناب آمیرزا ابراهیم شیرازی حایری - که خداوند آینده اش را اصلاح و خواسته هایش را

برآورده کند - فرمود :

خواسته های مهمی در شیراز برآیم پیش آمد که فکرم را سرگردان و سینه ام را تنگ کرده بود ؛ از جمله این خواسته ها زیارت سرور و سالارم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود . در این زمینه ، چاره ای جز توسل به محضر مقدس و دریای کرامت امام حاضر ارواحنا فداه ندیدم .

خواسته هایم را با استفاده از «عریضه حاجت» که از امامان علیهم السلام روایت شده است ؛ نوشتم و نزدیک غروب به طور پنهانی از شهر شیراز بیرون رفتم و به جایی رسیدم که آب فراوانی گرد آمده بود که فارس ها بدان استخر می گویند .

در آن جا ایستادم و از بین نایبان خاص ، جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی قدس سره را ندا دادم و همان طوری که در احادیث وارد شده است به وی سلام کردم و نامه را به او سپردم و درخواست کردم تا به سرور خود و سرور همه مردمان برساند، و نامه را به آب افکنم.

آن گاه باز گشتم و کسی جز خدای تعالی رفت و آمد مرا و کاری را که انجام دادم ، ندید . پس از غروب به شهر رسیدم و از دروازه دیگری وارد شدم و به خانه ام رفتم و جریان را با کسی بازگو نکردم .

صبحگاهان، نزد استاد حدیثم رفتم و با جماعتی دیگر در محضر او اجتماع کردیم، همین که مجلس آراسته گردید سیدی خوش سیما و محترم که لباس خادمان حرم امام حسین علیه

السلام را بر تن داشت ، وارد شد و سلام کرد و نزدیک استاد نشست . من و سایر شاگردان ، او را از پیش نمی شناختیم و پس از آن نیز نه در شیراز و نه در خارج آن او را ندیدیم .

آن گاه رو به من کرد و مرا با نامم صدا زد و گفت : ای فلانی ؛ نامه ات را به مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه تسلیم کردم و آن را به ایشان رسانیدم .

من از این سخن مبهور شدم ؛ و دیگران معنای سخن او را نفهمیدند و بدین جهت از آن آقا درخواست کردند تا بی پرده سخن بگوید .

وی فرمود : شب گذشته گروه زیادی را در خواب دیدم که دور سلمان محمدی گرد آمده بودند ، در حالی که نامه های بسیاری در دست داشت و مشغول نگریستن به نامه ها بود . وقتی مرا دید ، ندایم کرد و گفت : برو نزد فلان شخص - اسم و فامیل مرا یاد کرد - و به او بگو : (در حالی که دستش را بلند کرد) این نامه تو است .

من دیدم که بالای آن نامه مهر خورده است یعنی به محضر امام زمان ارواحنا فداه رسیده است و پس از آن مهر خورده است ؛ لذا ، دانستم که هر کس حاجتش برآورده شده باشد نامه اش مهر می خورد ، و کسانی که درخواست شان رد شده باشد ، نامه شان به همان شکل - بدون مهر - برمی گردد .

کسانی که در مجلس درس حضور داشتند به من گفتند : آیا خواب این مرد راست است ؟ من جریان را برای شان گفتم و نزدشان

سوگند یاد کردم که هیچ کس از این جریان اطلاع نداشته است. دوستانم به من بشارت دادند که درخواست هایم برآورده شده است و جریان همان گونه شد که آن ها بشارت دادند.

چندی نگذشت که به کربلای حسینی علیه السلام مهاجرت کردم و هم اکنون نیز ساکن کربلا هستم. ناگفته نماند، سایر خواسته هایم که در آن عریضه نوشته بودم نیز به طور کامل برآورده شدند. ستایش سزاوار خداوند است و درود بر اولیاء خداوند. (۴)

مرحوم علامه شیخ علی اکبر نهانندی می فرماید: مرحوم علامه حاج میرزا علی قاضی طباطبایی نجفی، استاد بزرگ اخلاق، در عصر روز جمعه اول ماه ربیع الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر نجف اشرف برایم فرمود:

یکی از دوستانش - که نامش را نبرد - در شب نیمه شعبان المعظم، نامه حاجتی به محضر مقدس امام عصر صلوات الله علیه ارسال کرد و آن را در آب افکند؛ هم چنان که در آن شهر مرسوم بود.

کیفیت نوشتن نامه به محضر...

پس از چند روز مردی نزد او آمده و گفت: نامه تو به امام زمان ارواحنا فداه رسید و من در شب عاشورا نزد تو می آیم تا تو را به خدمت امام ارواحنا فداه برسانم. من تلاش کردم و تا جایی که در توان داشتم به عبادت های مختلف پرداختم تا اندکی لیاقت برای رسیدن به محضر امام صلوات الله علیه را پیدا کنم.

در شب موعود - یعنی شب عاشورا - ناگهان آن مرد آمد و در چشم برهم زدنی، مرا به جزیره ای برد که محل سکونت امام عجل الله تعالی فرجه

الشریف بود .

در آن جا چیزهایی را به چشم دیدم که فراتر از توصیف و بیان است . در آن جزیره ، ارواح مطهر پیامبران و اوصیای ایشان حضور داشتند و آثار عظمت الهی را مشاهده کردم ؛ به گونه ای که بیهوش شدم، و نمی دانم آیا امام ارواحنا فداه را نیز مشاهده کردم یا نه؛ سپس آن مرد - در کمتر از چشم برهم زدن - مرا به خانه ام باز گرداند . (۵)

اکیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه

بعضی از قضایا و فوائد را در زمینه نوشتن نامه حاجت به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه ذکر کردیم و اکنون به کیفیت و چگونگی عریضه می پردازیم :

عباراتی را که در پی می آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیهم السلام می افکنی . یا آن را بسته و مهر کن و در میان گل پاکی که ساخته ای قرار ده ؛ سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکه آبی بینداز که نامه به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده دار برآوردن خواسته ات می گردد.

کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

كَبَيْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ مُشْتَعِئًا ، وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ أَيْ مَوْلَايَ مِنْ - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدس می نویسم در حالی که تو را به فریاد می طلبم؛ و به تو از مشکلی که برایم پیش بی مُشْتَجِرًا بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِكَ ، مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي ، وَأَشْغَلَ آتَمِدَّةً شَكْوَاهُ وَشَكَوْتُ مَوْلَايَ مِنْ - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدس می نویسم در حالی که تو پناه آورده ام؛ از مصیبتی که تحملش

برای من مشکل است و قلبی، و أطال فکری، و سیرتینی بعضی لیبی، و عجز خطیر نعمه الله قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه ام در موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به عندی، اشلمنى عند تحیل و روده الخلیل، و تبرأ منى عند من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا واگذاشت، و خویشاوند صمیمی من نیز وقتی ترآنی إقباله إلی الحمیم، و عجزت عن دفاعه حیلنی، و خائنی متوجه شد این مشکل در راه است از من بیزارى جست. چاره جویی های من در مقابله با این گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی فی تحمله صبری و قوتی. فلجأت فيه إلیک، و توکلت فی من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفه خود عمل نکرده است. بدین سان، چاره ای ندیدم جز آن که به سرعت به آستان مقدس پناه آورم، المشأله لله جل ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنی، علماً و برای درخواست از خداوند - که ستایشش شکوهمند، از آن اوست - به خداوند و همچنین به حضرتت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنی. این گفتارهای بکنایتک من الله رب العالمین، ولی التذیر و مالک الأمور، من، از (روی بی دقتی نیست؛ بلکه) علم دارم به جایگاه باعظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است صاحب تدبیر و مالک همه امور است. در این حالات و ائفاً بک فی المسارعه فی الشفاعة إلیه جل ثناؤه فی أمری،

روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند - که ستایش او شکوهمند باد - در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می کنی؛ و از سوی مُتَبَقِنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي . وَأَنْتَ يَا نَزِيْقِيْنَ وَاعْتِقَادِ دَارِمِ كِهْ خِدَاوَنْد - كِهْ مَرْتَبَهْ اَشْ وَالَا وَ مَبَارَكْ اَسْت - دَرِخَوَاسْتْ تُوْ رَا بَا بَرَاوَرْدَهْ كَرْدَنِ دَرِخَوَاسْتْ مَنِ اِجَابَتِ مِيْ فَرْمَايِدْ . اِيْ سِرْوَرِ مَوْلَايْ جَدِيْدٍ بِتَخْفِيْقِيْ طَنِيْ وَتَضِيْدِيْقِيْ اَمَلِيْ فَيْكَ فِيْ اَمْرِ كَذَا وَكَذَا وَ سَلَا ر مَن؛ خُوْدَتْ نِيْزْ اَنْ قَدْرِ بَزْرْ گَوَا ر وَ سَزَاوَا ر هَسْتِيْ كِهْ مَطْمَئِنِّ هَسْتَمْ گَمَانَمْ رَا مَحْفَقْ مِيْ سَا زِيْ وَ اَرَزْوِيْمْ رَا بَهْ وَاقَعِيْتْ پِيُوْنِدْ مِيْ دِهِيْ دَرِ مَوْرِدِ اِيْنِ كَا رِهَا ... (دَرِ اِيْنِ قَسْمَتِ حَاجَتِ نُوْشْتَهْ شُوْد) ، فَيَمَا لَا طَا قَهْ لِيْ يَحْتَمِلُهِيْ ، وَلَا صَبْرٌ كِهْ بَرَايِمْ سَخْتْ شُوْدَهْ اَسْتْ وَ دِيْگَرِ طَا قَتْ تَحْتَمَلْ اَنْهَا رَا نَدَا رَمْ ، وَ شَكِيْمِ دَرِ اِيْنِ مَوَا رِدِ لِيْ عَلَيْهِ ، وَ اِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهْ وَ لَأَضْعَافِهِيْ بِقَبِيْحِ اَفْعَالِيْ تَمَامْ شُوْدَهْ اَسْت؛ اَلْبَتَّهْ بَهْ خُوْبِيْ مِيْ دَا نَمْ كِهْ هَمِهْ اِيْنِ مَشْكَلَاتْ ، حَقِّ مَنِ اَسْتْ وَ سَزَاوَا رِ چِنْدِ بَرَا بَرِشْ نِيْزْ هَسْتَمْ؛ چَرَا كِهْ كَا رِهَايْ زَسْتْ مَنِ ، وَ تَفْرِيْطِيْ فِيْ اَلْوَا جِيَاتِ اَلَّتِيْ لَلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، فَاَعْتَنِيْ يَا مَوْلَايْ وَ كُوْتَا هِيْ وَ كِنْدِيْ دَرِ اِنْجَا مِ وَا جِيَا تِيْ كِهْ بَرَايِ خِدَاوَنْد - شَكُوْهَمَنْدِ بَزْرْ گ - اَسْتْ نَتِيْجَهْ اِيْ جِزْ اِيْنِ مَشْكَلَاتِ دَرِ بَرِنَخَوَا هِدْ دَا شْتْ . اِيْ سِرْوَرِ وَ اَقَايِ مَن؛ - كِهْ صَلَوَاتُ اَللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اَللَّهْفِ ، وَ قَدَمِ الْمَسْأَلَهْ لَلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيْ دَرُوْدِ خِدَاوَنْدِ نَا رْتْ بَا د - بَا اِيْنِ هَمِهْ ، دَرِ اِيْنِ دَلِ سُوْخْتِگِيْ وَ اِنْدُوْهْ بَهْ فَرِيَا دَمِ بَرَسْ ، وَ دَرِ پِيْشْگَا هِ اَلْهِيْ دَرِخَوَاسْتِ اِنْجَا مِ كَا رِهَايِ مَنِ وَ بَرِطْرَفِ شَدْنِ مَشْكَلَمْ رَا اَفْرِيْ

، قَبْلِ حُلُولِ التَّلَفِ ، وَشَمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، فَيَكُ بُيُوتُ النَّعْمَةِ تَقْدِيمُ كُنْ ، وَ زودتر این کار را انجام بده؛ پیش از آن که تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شماتت من بپردازند؛ زیرا، تنها به خاطر توست که این عَلِيٌّ ، وَاشْيَاءُ اللَّهِ حَيْلٌ جَلَالُهُ لِي نَصِيرًا عَزِيزًا ، وَفَتْحًا قَرِيبًا ، فِيهِ هَمَّةٌ نِعْمَتٌ بَرِّ مِنْ كَسْتَرَدَدَةٍ شَدِيدَةٍ . نيز، از خداوند - شکوهمند - درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح و پیروزی نزدیک و سریع خود ببلوغِ الْأَمَالِ ، وَخَيْرُ الْمَبَادِي ، وَخَوَاتِيمِ الْأَعْمَالِ ، وَالْأَمْنُ مِنْ رَا نَصِيبٍ مِنْ فَرَمَائِدِ؛ به گونه ای که به آرزوهایم برسم و آغاز و پایان کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از الْمَخَافَةِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ ، إِنَّهُ جَلُّ تَنَاقُؤُهُ لِمَا نِشَاءَ فَعَالٌ ، وَهُوَ تَمَامُ تَرَسَنَاقِهَا دَرِ اَمَانِ بَاشِم . اعتقادم بر این است که خداوند - که ستایشش شکوهمند باد - هر چه بخواهد به طور کامل انجام می دهد؛ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمُبَدَّءِ وَالْمَأَلِ .

و کفایت گر من و وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت ، تنها خداست .

پس از آماده شدن نامه ، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیه الله ارواحنا فداه یعنی: جناب عثمان بن سعید، پسرش محمّد بن عثمان ، حسین بن روح نوبختی ، و علی بن محمد سمری قدس سرهم (که راه های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می کنی و با این عبارات او را صدا زده و می گویی :

يَا فُلَانُ

بْنِ فُلَانٍ ، سَلَامٌ عَلَيْكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، اِي (فَإِنِ ابْنُ فُلَانٍ) ؛ سَلَامٌ وَدُرُودٌ بِرِئَاسَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَتُحَدِّثُ أَنَّكَ خَطَبْتَ فِي حَيَاتِكَ الْإِسْلَامَ وَابْنُ فُلَانٍ وَابْنُ فُلَانٍ زَنْدَةً هَسْتِي وَرُوزِي خَاصًّا أَوْ رَا دَرِيَا فْتِ مِي كَنِي . وَ بَدِينِ سَانِ ، مَن دَرِ حَيَاتِي كِه لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا وَهَذِهِ رُفْعَتِي وَحَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلِيِّهِ نَزْدَ خَدَا دَارِي تُو رَا مَخَاطَبِ قَرَارِ مِي دَهْمِ ، وَ اِيْنِ نَامِه وَ عَرِيضَه وَ دَرِخَوَاسَتِ حَاجَتِ مَن بِه سِرورَمَانِ حَضْرَتِ مَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَسَلَّمَهَا إِلَيْهِ ، فَأَنْتَ الْتَّقَةُ الْأَمِينِ .

السلام است ، پس آن را به حضرتش تسلیم کن . به راستی که تو مورد اطمینان و امانت دار هستی .

آن گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند ، خواسته ات برآورده خواهد شد . (۶)

ناگفته نماند : علامه مجلسی رحمه الله پس از این عبارت افزوده است :

در این حالات روحانی ، در اندیشه ات این گونه باشد که نامه را به دست آن حضرت تسلیم کرده ای ؛ زیرا ، نامه به دست مبارکش می رسد و به خواست خدا ، حاجت و خواسته برآورده می شود . (۷)

محدث نوری رحمه الله فرموده است : از این روایت شریف استفاده می شود که این چهار بزرگوار ، که در زمان غیبت صغری و اولیه امام زمان ارواحنا فداه به عنوان واسطه بین امام و شیعیانش بودند و خواسته ها و نامه ها را عرضه می داشتند و پاسخ ها و نامه های آن امام عزیز را نیز به صاحبانش می رساندند ؛ در زمان غیبت طولانی و کبرای امام

زمان ارواحنا فدهه نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام واسطه بودن (را هنوز در اختیار دارند).

و نیز از این روایت شریف برمی آید که سفره احسان، بخشش، بزرگواری، کرم، لطف و نعمت امام زمان ارواحنا فدهه در سراسر کره زمین برای هر پریشان ناتوان، و نیز برای هر گمگشته سرگردان و هر حیرت زده نا آگاه و گناهکار حیران گسترده و در دسترس است.

این درگاه الهی برای همه باز و گشوده است و این هدایت و دستگیری فراگیر برای همه وجود دارد. البته، به شرط صداقت، اضطراب، نیاز، تصمیم و اراده، صفای درون، اخلاص و بی غل و غش بودن فراهم است.

وقتی که شخص نا آگاه و نادان از او درخواست و التماس کند که به علم و دانش او دست یابد، و خود را گمگشته و سرگردان ببیند، مسلم است که آن بزرگوار او را به سرمتمزل و راه اصلی می رساند، و اگر بیمار باشد، لباس سلامتی را بر تنش می پوشاند. چنان که از داستان هایی که پیشتر نقل کردیم برمی آید.

نتیجه ای که در این جا مقصود است آن است که امام بزرگوار، حضرت صاحب الامر ارواحنا فدهه در بین بندگان حضور دارد و به شیعیان و نیز سایر افرادی که تحت حکومت او هستند نظاره می کند، و قدرت و توان برطرف کردن بلاها را دارد، و از رازها و امور پنهانی آگاه است، و پنهان شدن او از چشم مردم و غیبت او، به معنای کناره گیری از مقام خلافت و حکومت الهی

نیست . آن حضرت ، از لوازم و آداب ریاست الهی اش دست برنداشته است ، و نیروی الهی و ربّانی که در اختیار دارد به ناتوانی نگراییده است .

هر گاه بخواهد مشکلی را حل کند و گرهی را بگشاید ، راه حلّ آن را در قلب ها می افکند به گونه ای که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد . گاهی دل را به سوی کتاب یا عالمی که دوی درد شخص در آن کتاب یا نزد آن عالم است مایل می کند ؛ و گاهی آن حضرت دعایی را به او تعلیم می نماید و یا در خواب دوی دردش را بیان می فرماید .

و آنچه دیده شده و شنیده شده است که بیچارگان و مضطربان و نیازمندان با حالت عجز و ناتوانی و زاری و تضرع، به آن حضرت شکایت می کنند و درخواست دفع گرفتاری می نمایند؛ ولی اثری از پاسخ و برطرف شدن بلا مشاهده نمی کنند ! دلیلش این است که گاهی مانعی برای دعا و نیز پذیرش دعا هست که بیشتر این موانع به شخص درخواست کننده مربوط می شود؛ از طرفی امکان دارد شخص اشتباه کرده باشد و خود را مضطرب گمان کرده در حالی که این گونه نباشد ، و گاهی شخص خود را تباه شده و سرگردان می بیند، در حالی که راه روشن در پیش رویش می باشد و برایش مشخص است .

همانند کسی که می گوید که من حکم خدا را در فلان مورد نمی دانم در حالی که امام ارواحنا فداه از پیش فرموده است که نزد عالمان به آن احکام برو . نظیر آنچه در توفیق و نامه ای که در پاسخ پرسش های اسحاق بن یعقوب مرقوم فرمودند

آمده است :

در حادثه هایی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند ، و من نیز حجّت الهی می باشم .

بدین سان، روشن است که کسی که احکام را نمی داند ، تا زمانی که دسترسی به عالم ربّانی دارد - حتی اگر لازم باشد مسافرت کند یا به کتاب آن عالم مراجعه کند - دیگر مضطرّ به حساب نمی آید .

هم چنین، تا زمانی که دانشمند دینی می تواند با استفاده از منابع و مصادر احکام یعنی قرآن و سنّت و اجماع به حلّ اشکالات و دفع شبهه ها و نیز برطرف شدن حیرت خود در مسایل دینی اقدام کند ؛ دیگر مضطرّ و وامانده و ناتوان به حساب نمی آید .

مطلب دیگر آنکه کسانی که از حدود و دستورات الهی تجاوز کرده و در چگونگی زیستن خود و استفاده از وسایل مختلف در زندگی زیاده روی کرده اند ، و به مقداری که در شرع مقدّس اسلام نیکو دانسته است اکتفا و قناعت نکرده اند ؛ این افراد نیز وامانده به حساب نمی آیند ؛ چرا که چیزهایی که درخواست کرده اند از چیزهایی نیست که پایه زندگانی بر آن استوار است و چنین چیزهایی اضطراری نیست .

عریضه ای به خداوند ...

گاهی نیز شخص خود را مضطرّ و وامانده فرض می کند؛ در حالی که پس از دقت راستین برایش آشکار می شود که مضطرّ نیست، و اگر هم اضطراری در کار است یک چیزی است که مصلحت او یا مصلحت عمومی در آن است که دعایش اجابت نمی شود . از سویی، به تمام مضطرّان و واماندگان نیز وعده رهایی داده نشده است.

درست است که جز خدا و جانشینان او،

بیچارگان را پاسخ نمی دهند و رهایی نمی بخشند، ولی این دلیل نمی شود که تمام واماندگان را نجات دهند .

در زمان حضور و ظهور امامان علیهم السلام ، در شهرهای مدینه ، مکه و کوفه و دیگر شهرها شیعیان و محبان بسیاری بودند که گرفتار و وامانده و ناتوان بودند، و بسیاری از ایشان درخواست رفع مشکلات را داشتند ولی اجابت نمی شدند. لذا ، آن گونه نیست که هر ناتوانی در هر زمانی، هر چیزی را که می خواهد با اجابت دعایش بتواند به دست آورد و واماندگیش را بر طرف سازد .

زیرا ، در این صورت اختلال و بی نظمی در نظام هستی به وجود می آید، و از سویی نیز پاداش و ثواب های ارزش مند و با عظمتی که برای تحمل مصیبت ها و بلاها در نظر گرفته شده است، از بین می رود . به راستی که مصیبت دیدگان و بلا زدگان این دنیا ، وقتی در جهان آخرت به پاداش های بزرگ و ثواب هایی که در ازای تحمل مشکلات به آن ها عطا می شود، نظاره می کنند، آرزو می کنند و می گویند: ای کاش ؛ در دنیا گوشت های بدن ما را با قیچی تکه تکه می کردند .

از این توضیحات به این نتیجه می رسیم که خدای تعالی - با وجود توان و قدرت کامل و بی نیازی مطلق خود ، و آگاهی از تمام ذره های جهان هستی و موجودات ظریف آن - این رفتار را با بندگانش نمی کند (که به همه آنان هر چه می خواهند عنایت کند) . (۸)

۴ عریضه ای به خداوند که در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» می نویسد : این رقعہ را نوشته و آن را می بندی ، سپس نامه دیگری به محضر امام زمان صلوات الله

علیه می نویسی، سپس آن نامه و عریضه به خداوند را درون نامه ای که برای امام ارواحنا فداه نوشتی قرار می دهی، سپس آن را گل اندود کرده و درون دریا یا چاه آب می افکنی.

متن عریضه به خداوند چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَدَّدَتْ أَشْيَاؤُهُ، رَبُّ الْأَرْبَابِ، وَقَاصِمِ (این نامه ای است) به سوی خداوندی که منزّه و نام هایش مقدّس و پاک است؛ پروردگار و پرورش دهنده پرورش دهندگان، درهم کوبنده الجبابره العظام، عالم الغیب و کاشف الضر، الَّذِي سَبَقَ فِي عِلْمِهِ سِرْكَشَانَ بزرگ؛ دانای پنهانی ها، و بر طرف کننده گرفتاری ها؛ خدایی که هر چه اتفاق افتاده است ما کانّ و ما یكون، مِنْ عَيْدِهِ الدَّلِيلِ الْمُشْكِنِ، الَّذِي انْقَطَعَتْ وَهَرِجَةُ فِيهِ وَوَقُوعُ خَوَافِهِ يَبُوسَتِ بِيَسْتَرٍ فِي آكَاغِيهِ وَعِلْمُ وَدَانِشُ أَوْ بُوْدَةُ اسْت. از بنده بیچاره و خوار و ناتوانش، که تمام

۱. نجم الناقب: ۷۹۰.

بِهِ الْأَشْيَابُ، وَطَالَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ، وَهَجَرَهُ الْأَهْلُ، وَبَاتَتْهُ سَبَبُهَا وَوَسِيلَةُهَا رَا مِنْ دَسْتِ دَادَةِ اسْت، وَعَذَابُ وَشَكْنَجَةُ اِي طَوْلَانِي بَرِ اَوْ وَاوَرْدُ شُدَّةِ اسْت، وَخَانُوَادَةُ اش اَوْ رَا كَرْدَنْدِ، وَالصَّدِيقُ الْحَمِيمُ فَبَقِيَ مُرْتَهَنًا بِدَنْبِهِ، قَدْ أُوْبَقَهُ جَزْمُهُ، وَطَلَبَ دُوسْتِ صَمِيمِي اش اَوْ رَا وَاكْذَاشْتَةُ پَسِ دَرِ كَرُوْ كِنَاةِ وَخَطَايِشِ مَانْدَةِ اسْت، وَجَرْمِ بَزْهَشِ اَوْ رَا هَلَاكِ كَرْدَانِيْدَةِ اسْت؛ وَبِهِ دَنْبَالِ رَاهِ النَّجَاةِ [فَلَمْ يَجِدْ مَلْجَأً وَلَا مُلْتَجًا، عَزَّزَ الْقَادِرِ عَلَى حَلِّ الْعُقَدِ، نَجَاتِ نِيْزِ رَفْتَةِ اسْت، وَلِيْ هِيْجِ پَنَاهِكَاةِ وَتَكِيَةِ گَاةِي پِيْدَا نَكْرَدَةِ اسْت؛ جَزِ خَدَايِي كِه بَرِ كَشُوْدَنْ كَرِهِ وَ

برطرف کردن مشکل توانایی دارد و مُؤَبَّدُ الْأَيَّدِ ، فَفَزَعَى إِلَيْهِ وَاعْتِمَادِي عَلَيْهِ ، وَلَا لِحْرَاءَ وَلَا مُلْتَجَاءَ و او جاودانگی را ابدیت بخشیده است ، پس به سوی او پناه آوردم و بر او تکیه نمودم که پناهی و تکیه گاهی إِلَّا إِلَيْهِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِي ، وَبُنُورِكَ الْعَظِيمِ ، جز به سوی او نیست . بارالها؛ به واسطه دانش و آگاهی قاطعت و به واسطه روشنی بزرگ و با عظمتت، وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ ، أَنْ تُصَلِّبُنِي عَلَى مُحَمَّدٍ و به خاطر قدر و منزلت کریمانه ات و به واسطه حجت و دلیل رسالت؛ از تو درخواست می کنم بر محمد و علی الِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَأْخُذَ بِيَدِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ ، و آل محمد درود بفرستی؛ دستم را بگیری؛ مرا جزو کسانی که دعایش پذیرفته، وَتَقْبِلُ عَثْرَتَهُ ، وَتَكْشِفُ كُرْبَتَهُ ، وَتُزِيلُ تَرْخَتَهُ ، وَتَجْعَلَ لَهُ مِنْ لَغْزَشِّشِ مَوْرَدِ گزشتنش واقع شده است، و گرفتاریش برطرف گشته، و واماندگی او از بین رفته ، قرار دهی ؛ و برای او اَمْرِهِ فَرْجاً و مَحْرَجاً ، وَتَرُدَّ عَنِّي بِأَسْنِ هَذَا الظَّالِمِ الْغَاشِمِ ، وَبَأْسِ در کارش گشایش و گریزگاهی فراهم نمایی ، و اذیت و آزار این ظالم ستمگر و آزار النَّاسِ یا رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ ، خَشِي أُنْتُ وَكَفَى مَنْ أُنْتُ همه مردمان را از من برطرف کنی ؛ ای پروردگار فرشتگان و انسان ها . تو برابم کافی هستی و هر کس تو برایش بی نیازکننده و کفایتگر باشی همه امورش حَشْبُهُ ، یا كَاشِفَ الْأُمُورِ الْعُظَامِ ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . کفایت شده و درست است. ای برطرف کننده مشکلات بزرگ؛ واقعیت

و باورم این است که هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که از تو سرچشمه می گیرد .

پس از این نامه ، نامه درخواست حاجت از مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه را چنین می نویسی :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ بِحُجَّتِهِ اللَّهُ الْخَلْفِ الصَّالِحِ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِهِ حُجَّتِ خَدَاوَنَد و جانشین شایسته و نیک ، حضرت (محمد فرزند حسن توسل جسته ام ، او که فرزند علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن فرزند محمد فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند الحسین بن علی بن ابی طالب ، اَلْتَّبِ الْعَظِيمِ ، وَالصَّرَاطِ حَسِينِ فرزند علی بن ابی طالب می باشد؛ که همان خبر بزرگ و راه الْمُسْتَقِيمِ ، وَالْحَيَلِ الْمُتَيْنِ ، عَضَمَهُ الْمَلْجِإِ ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ . راست ، و ریسمان محکم الهی است و پناهگاهی مطمئن و تقسیم کننده بهشت و دوزخ است . اَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ الْحَرِيِّينَ الْمُتَجَبِّينَ ، وَأُمَّهَاتِكَ مِنْ به سوی تو توسل می جویم به واسطه پدران پاک و نیکوکار و برگزیده ات ، و نیز به واسطه مادران الطَّاهِرَاتِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ ، پاك؛ که همگی باقی ماندگان نیکوکار و شایسته اند؛ همان هایی که خداوند - این بهترین و عزیزترین گوینده - در کتابش از آنان یاد فقالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ « الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ » (۹) ، وَبِحَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ كَرَّمَهُ اللَّهُ وَفَرَمَدَهُ اسْت : « آنچه باقی می ماند و نیک و شایسته است » ، نیز به واسطه جد بزرگوارت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَلِيلِهِ وَخَبِيْبِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ ، أَنْ - درود

به سربانی راز و نیاز شده، و آن چه در اَلْحَطَرَاتِ ، وَمَا لَمْ يُحِطْ بِهِ لِلظُّنُونِ ، مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْرُوجِ ، خاطره ها و خطورها وارد شده ، و به واسطه آن چه گمان ها آن را در بر نمی گیرند؛ یعنی دانش پنهانی تو، وَبِسِرِّكَ الْمَصُونِ ، وَالنُّورِ وَالْإِنجِيلِ وَالزُّبُورِ . یا ذَا الْجَلَالِ و راز محفوظت، و تورات و انجیل و زبور؛ به واسطه همه آن چه عرض شد از تو درخواست می کنم - ای صاحب شکوه و الْاِکْرَامِ صَلَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَخُذْ بِيَدِي ، وَفَرِّجْ عَنِّي و بزرگواری؛ - که بر محبّد و آل او درود بفرستی؛ و دستم را بگیری، و به واسطه بَأَنْوَارِكَ وَأَقْسَامِكَ وَكَلِمَاتِكَ الْبَالِغَةِ ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ ، وَحَشِيئَتُنَا رُوشَنی ها و انوارت و قسم هایت و کلمه های رسایت در کارم گشایشی کنی . باور دارم که تو بخششگر بزرگواری هستی؛ خداوند برای ما اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، بس است و خوب و کیلی است . هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که به واسطه خداوند والای بزرگ به وجود می آید . وَصَلَوَاتُهُ وَسَلَامُهُ عَلَی صَيِّمُوْتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ . درودها و سلام های ویژه الهی بر برگزیده اش از بین مردم یعنی حضرت محمد و نسل پاکش نثار باد .

پس از نوشتن نامه دوّم ، هر دو نامه را خوشبو کرده و نامه اوّل را (که به خداوند نوشته شد) در میان نامه دوّم (که به امام ارواحنا فداه نوشته شد) قرار داده و هر دو را در آب روان یا چاه آب می افکنی .
البته پیش از این کار

، نامه ها را در گِل نرم (یعنی بدون سنگریزه) قرار ده . سپس دو رکعت نماز گزارده و به واسطه محمّد و آل محمّد علیهم السلام به خدای تعالی روی می آوری ، و انداختن نامه ها در آب ، باید در شب جمعه باشد .

یادآور می شود که این عریضه نویسی را برای آزمایش انجام مده ، بلکه باور داشته باش که خواسته ات اجابت می شود . و تنها در مورد سختی ها و کارهای بسیار دشوار انجام شود .

هم چنین ، کسی را که شایستگی ندارد از این جریان مطلع مکن و این نامه را برایش ننویس ؛ زیرا فایده ای برایش ندارد . از طرفی این نامه ها ، امانتی است که بر عهده توست که آن را حفظ کنی و در مورد آن بازخواست خواهی شد .

پس از انداختن نامه ها ، این دعا را بخوان :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِىْ لِحَظَّتْ بِهَا الْبُحْرَ الْعِجَاجَ ، فَارْزُقْ بَارِهَا ؛ از تو می خواهم به قدرتی که دریاهاى بزرگ را با آن ملاحظه فرمودی ، پس به خروش و وَهَجِ وَمَاجِ ، وَكَانَ كَاللَّيْلِ الدَّاجِ ، طَوْعاً لِأَمْرِكَ ، وَخَوْفاً مِنْ مَوْجِ وَادَاثِى ، وَهَمَانِدْ شِىْءَ تَارِيكٍ شَدِنْدِى ؛ این همه ، از سر فرمانبرداری دریاها از تو ، و نیز از ترس و هیبت تو بود . فَاقْتَرِ أَجَاجَهُ ، وَاتَّقِ مِنْهَا حُجَّهُ ، وَتَرِيحَتْ جَزَائِرُهُ ، بَدِينِ سَانَ ، آب شور دریاها شکافته ، و راه هایش زینت داده شد ، و جزائر آن تَسِيحِ گفتمند ، وَقَدَسَتْ جَوَاهِرُهُ ، تُنَادِيكَ حَيْثَانُهُ بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا ، إِلَهِنَا وَسَيِّدِنَا وَجَوَاهِرِ أَنْ تَقْدِسَ نَمُودِنْدِ . ماهیان دریاها با زبان ها و لغات مختلف تو را

ندا دادند: خدای ما؛ آقای ما؛ ما الذی نَزَلَ بِنا، وَمَا الذی حَلَّ بِبَحْرِنَا فَقُلْتُ لَهَا أَشِیْکُنِی، چه چیزی بر ما فرود آمد؟ چه چیزی در دریای ما پیش آمد؟ و به ماهی ها فرمودی: آرام باش؛ (و به دریا فرمودی): (به سَأَشِیْکُنْکَ مَلِیًّا، وَأَجَاوِرُ بِکَ عَبْدًا زُکِیًّا، فَسَیْکُنْ وَوَعْدَ زودی تو را به آرامش می رسانم؛ و بنده ای شایسته و پاک را مجاور تو می گردانم؛ پس آرام گرفت و تسبیح گفت و به بخشش های نهانی بِضَمَائِرِ الْمَنَحِ. فَلَمَّا نَزَلَ بِهِ ابْنُ مَتَّى بِمَا أَلِیْمَ الظُّنُونِ، فَلَمَّا صَارَ وَعْدَهُ داده شد. آن گاه که یونس پسر متی در آنجا فرود آمد چون گرفتار مصیبت هایی شد که حتی تصور آن ها دردناک است، و آن گاه که فی فیها سَبَّیْحٌ فی أَمْعَانِهَا، فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَیْهِ تَلَهُفًا، وَأَشْفَقَتْ وارد دهان آن ماهی شد و درون شکم آن ماهی رفت، به تسبیح گویی تو پرداخت و در این شرایط، کوه ها غصه او را خوردند و به گریه افتادند؛ عَلَیْهِ الْأَرْضُ تَأْسَفًا، فَبُيُوتَسُ فی حُوتِهِ كَمُوسَى فی تَابُوتِهِ و زمین برای او متأسف شد و برایش دلسوزی کرد. پر واضح است که حال یونس در شکم ماهی همانند موسی در میان تابوتش بود؛ لِأَمْرِكَ طَائِعٌ، وَلَوْجْهَكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أُخْبِیَّتْ أَنْ تَقِیَهُ هر دو اطاعت دستور تو کردند، و به خاطر ذات پاکت به سجده و فروتنی پرداختند. در نهایت، آن گاه که خواستی او را نگاه داری، به اَلْقَیْتَهُ بِسَاطِئِ الْبَحْرِ سَلُّوا لَا تَنْظُرُ عَیْنَاهُ، وَلَا تَبْطِشُ یَدَاهُ، کنار دریایش افکندی در حالی که چشمانش

، توان دیدن نداشت، و دستان و ولایت کُضُ رِجْلَاهُ ، وَأُثْبِتَ مِنْهُ مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ يَطْفِينٍ ، پاهایش قادر به حرکت نبودند؛ که در این هنگام بر او مَنّت نهادی و درختی از کدو برایش رویاندی، وَأُجْرِيَتْ لَهُ فُرَاتًا مِنْ مَعِينٍ ، فَلَمَّا اسْتَشْفَرُوا تَابَ خَرَقَتْ لَهُ إِلَيَّ وَ آبَى الْغَوَارَا رَا بَرَايْش جَارِي سَاخْتِي . آن گاه که درخواست آموزش و بازگشت کرد نیز راهی به سوی الْجَنَّةِ بَابًا ، إِنَّكَ أَتَتْ الْوَهَّابُ .

بهشت برایش گشود. در واقع، تو تنها کسی هستی که بسیار بخشنده است.

در پایان، هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام را نیز یاد می کنی و بر یکایک آنان سلام می دهی . (۱۰)

۳ عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ

عریضه استغاثه دیگری ...

محدّث نوری رحمه الله می فرماید : رقعۀ استغاثه به امام عصر ارواحنا فداه به نام های مختلف روایت شده است، و در کتاب های مشهور دعا موجود است ؛ لیکن ، نسخه ای که من یافتم در آن کتاب ها نیست ، حتّی در کتاب مزار «بحار الأنوار» نیز نیامده است . در کتاب دعای «بحار الأنوار» نیز - که در آن ، سعی در جمع آوری دعاها شده است - به آن اشاره نشده است ؛ و چون این روایت ، کم استنساخ شده و تعداد نسخه آن اندک است ، بدین جهت لازم دیدم که آن را در اینجا نقل کنم .

فاضل متبخر ، جناب محمّد بن محمّد طیب - که از علمای دوره صفویّه بوده است - در کتاب خود به نام «انیس العابدین» از کتاب «السعادات» این عبارت را نقل کرده است : دعای توسّل برای تمام کارهای مهمّ و خواسته ها :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بِهِ تَوْسَلُ جَسْتَه ام ای ابو القاسم؛ ای محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب، اَلْتَّبَا الْعَظِيمِ، اَلصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَعَضِيْمَه عَلِي بن ابی طالب؛ که خیر بزرگ، و راه راست، و پناه اللّاجين . بِأَمْرِكَ سَيِّدَه نِسَاء الْعَالَمِينَ، وَيَا أَبَانِكَ الطَّاهِرِينَ، پناه آورندگان است؛ (به تَوْسَلُ می جویم) به واسطه مادرت سرور زنان جهانیان؛ و نیز به واسطه پدران پاک، وَبِأَمْرَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ، بِبَاسِيْنَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَالْجَبْرُوتِ و مادران طاهره و پاکت؛ به واسطه یاسین و قرآن حکیم، و بزرگی جبروت الهی، الْعَظِيمِ، وَحَقِيْقَه الْإِيمَانِ، وَنُورِ النُّورِ، وَكِتَابِ مَشِيْطُورٍ، أَنْ تَكُوْنَ و حقیقت ایمان، و روشنی بخش نورها، و کتاب نگاشته شده، از تو درخواست می کنم و متوسل می شوم؛ تا به عنوان سفیر و فرستاده سَفِيْرِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ لِفُلَانٍ، أَوْ هَلَاكِ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ . من به سوی خدای تعالی در مورد برآوردن حاجت)... (یا هلاک کردن و نابودی دشمنم یعنی فلانی فرزند فلانی؛ این درخواست را انجام بده . این نامه را در خاک پاک، گل اندود کرده، و آن را در آب جاری یا چاه آب می افکنی و در این هنگام می گویی :

يَا سَعِيْدَ بْنَ عَثْمَانَ، وَيَا مُحَمَّدَ بْنَ عَثْمَانَ، أَوْصِلَا قِصَّتِي إِلَىٰ أَبِي سَعِيْدِ بْنِ عَثْمَانَ وَ إِلَىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ؛ از

شما دو نفر درخواست می‌کنم که این جریان و داستان کار مرا به صاحب الزمان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ .

حضرت صاحب الزمان - که دورد خدا بر او نثار باد - برسانید .

× × ×

نسخه روایت یاد شده به این شکل بود که گفتم؛ لیکن، اگر روایات دیگر و نیز روش دیگر عریضه نویسی‌ها را بنگریم، درمی‌یابیم که صحیح باید چنین باشد که هنگام افکندن نامه به آب، گفته شود : «یا عثمان بن سعید و یا محمد بن عثمان... البتّه، خداوند از واقعیت آگاه است (۱۲) . (۱۱)»

.....(Anotates).....

(۱) التحفه الرضویّه : ۱۵۹ .

(۲) این کلمه، ترکیب شده است از کلمه «جَبّ» و «شیث»؛ که نام چاهی است که منسوب به حضرت شیث پیامبر علیه السلام است .

(۳) جَنه المأوی : ۲۴۸ ، نجم الثاقب : ۴۲۱ .

(۴) دار السلام : ۲۶۴/۲ .

(۵) العبقری الحسان : ۱۲۸/۱ المسک الأذفر .

(۶) المصباح : ۵۳۱ ، البلد الأمين : ۲۲۷ ، منهاج العارفين : ۴۴۸ .

(۷) بحار الأنوار : ۳۰/۹۴ .

(۸)

(۹)

(۱۰) بحار الأنوار : ۲۷/۹۴ .

(۱۱) نجم الثاقب : ۴۲۰ .

(۱۲) مؤلف می‌گوید : شکی نیست که در نسخه روایت یاد شده اشتباه رخ داده است و صحیح همان است که مرحوم محدث نوری تصریح فرموده است ؛ زیرا ، نایب اول و دوم امام علیه السلام همان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان هستند .

این جانب ، در برخی از کتاب‌ها دیده‌ام که روایت رقعہ مورد بحث را با کمی تفاوت آورده‌اند و در آخرش آمده است که هنگام به آب انداختن نامه بگو : «یا عثمان بن سعید ؛ أوصل

بخش نهم: استخاره ها

اشاره

در این بخش کتاب به مطالبی می پردازیم (۱) که موجب چشم روشنی و آرامش قلبی خواننده محترم شود ؛ نسیم هایی از جهان پنهان (۲) که موجب دست یابی شما به کلید گشایش و فرج (۳) ، و رسیدن به مقام روشنی بخشیدن (۴) می شود و توان و نیرویی به شما برای گشودن درها (۵) می دهد .

خداوند تعالی این مَنّت را بر ما نهاد تا به راهنمایی شخص حقیقت جو (۶) بپردازیم . و روایاتی را که در مورد استخاره ها (۷) از سرور و سالار جهان مآذِنات و معنویات نقل شده برای شما بیان کنیم برای هدایت شدن خواهان (۸) ، و اگر شما از علاقه مندان هستید اینها کلیدهای غیب (۹) است که اکنون در دست شماست ، آن ها را گرفته و غنیمت شمارید .

البته لازم است که شرایط استخاره (۱۰) را یاد بگیری تا راه و روش استخاره گیرنده (۱۱) را بشناسی و از کلیدهای پنهان و چراغ وحی (۱۲) استفاده کنی .

از آن جا که استخاره نیز نوعی دعاست ، و آداب دعا را در مقدمه همین کتاب بیان کردیم، به مقدمه کتاب مراجعه فرمایید تا آگاهی شما افزایش یابد ؛ جهت تأکید بر این مطلب ، تذکراتی لازم است :

از مهم ترین چیزهایی که لازم است دعا کننده و استخاره کننده رعایت کند ، پاک کردن دل از چیزهایی است که باعث خشم خداوند می شود ، و نیز به دست آوردن یقین و اطمینان است ؛ زیرا اساس دعا و توسل همین است ، و اگر استخاره با آداب و شرایط آن انجام شود ، گرفتن قبضه تسبیح به اختیار

استخاره گیرنده نیست بلکه به اختیار خداوندی است که از او طلب خیر شده است .

بدین سان ، اگر استخاره به گونه ای صحیح انجام شود ، گرفتن قبضه تسییح ، یا انتخاب یکی از رقعہ ها (در استخاره ذات الرقاع) ، یا باز کردن یکی از صفحات قرآن ؛ همگی ، با خواست و اراده خداوند خواهد بود نه به اختیار و برگزیدن استخاره گیرنده ؛ و اگر با آداب و شرایط لازم انجام نشود بی اعتبار خواهد بود .

بنابراین ، استخاره گیرنده باید قلب خود را پاک گرداند ، و یقین داشته باشد ؛ تا بتواند به خدای تعالی روی آورد ؛ و بدون یقین و اعتقاد ، استخاره اش بی فایده است .

دعای استخاره آخرین توقیع ...

سید جلیل جناب علی بن طاووس رحمه الله در مورد حالات برخی از مردم می نویسد :

برخی از مردم عوام ، در دل شان یقین و نیروی شناخت و اطمینان به مالک روز قیامت را ندارند ؛ زیرا ، روان این دسته ، تنها نظر مشورتی کسی را می پذیرد که او را با چشم مشاهده کنند و با او مأنوس بوده و بشناسند و چنین شخصی نیز باید از بین مردم باشد؛ چرا که خداوند را نمی توان با چشم مشاهده کرد ، و نیز این افراد نمی توانند او را بشناسند تا با او اُنس بگیرند ، و از لذت اعتماد به خداوند نیز بهره مند نیستند ؛ از همه مهم تر ، از بس که کوتاه فکرنند فایده ای در مشورت با خداوند نمی بینند !

وَمَنْ يَكُ ذَا فَمٍ مَّرِيضٍ

يجد مرأً به الماء الزلالا

کسی که دهانش (در اثر بیماری) تلخ باشد آب گوارا و زلال را نیز

تلخ می یابد .

این افراد ، از جمله کسانی هستند که مولای بزرگوار ما امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در برخی از خطبه های گهربارش به بیان حال ایشان پرداخته می فرماید :
همج رعاع ، لایعياً اللّهُ بهم ، أتباع كل ناعق و ناعقه .

مردم پست و فرومایه ؛ خداوند تعالی توجّهی به ایشان نمی کند؛ دنباله رو هر سر و صدایی هستند و از آن پیروی خواهند کرد . (۱۳)

دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدّسه صادر شد

اشاره

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید : از دعا های پیامبر و امامان علیهم السلام در مورد استخاره دریافتیم که آن حضرات ، عنایت و توجّه وافرّی به استخاره داشته اند و آن را بزرگ می شمرده اند ؛ تا آن جا که استخاره را از اسرار خداوند عزّوجلّ یافتیم که در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آموخت ، و از مهم ترین امور است ، و دریافتیم که دعای استخاره آخرین مرقوم و نوشته ای است که از ناحیه مقدّسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است ، و این دلیلی رسا و گویا ، نزد عارفان به حساب می آید . (۱۴)

دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است

دعای استخاره ...

دعایی که در مورد استخاره از ناحیه مقدّسه رسیده است و آخرین توقیعی می باشد که در زمان غیبت صغری صادر شده است .

محمّد بن علی بن محمّد در کتاب جامعش چنین می نگارد : «استخاره اسماء» که علما بدان عمل می کنند و در نماز حاجت و دیگر نمازها خوانده می شود، و ابودلف محمّد بن مظفر رحمه الله آن را آخرین توقیع امام عصر ارواحنا فداه در غیبت صغری می داند ، بدین شرح است :

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي عَزَمْتَ بِهَا عَلَي السَّمَاوَاتِ بَارِهَا ؛ از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن اراده کردی نسبت به آسمان ها وَالْأَرْضِ ، فَقُلْتُ لَهَا «إِنِّي طُوعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (۱۵) ، و زمین ، پس به آن دو فرمودی : «از در اطاعت یا از روی ناخرسندی، بیاید؛ آن دو گفتند: از سر اطاعت در خواهیم آمد» وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي عَزَمْتَ بِهَا عَلَي عَصَا مُوسَى ، «فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ و

به آن نامت که نسبت به عصای موسی اراده کردی ، «پس، ناگهان آن چه را که افکنده بودند ما یأفکون» (۱۶) . وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ بَلْعِيدٍ . و از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن ، دل های جادوگران را إِلَيْكَ، حَتَّى «قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ × رَبِّ مُوسٰى وَهٰرُونَ» (۱۷)، به سوی خویش برگرداندی تا آن که «گفتند: به پروردگار جهان؛ پروردگار موسی و - برادرش - هارون؛ ایمان آوردیم» ۱ . سوره فصلت ، آیه ۲ . ۱۱ . سوره اعراف ، آیه ۱۱۷ .

۳ . سوره اعراف ، آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ .

أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبَلِي بِهَا كُلَّ پروردگار جهانیان ، تویی ای خداوند؛ و از تو درخواست می کنم به آن نیرویی که هر تازه ای را با آن کهنه می کنی ، جَدِيدٍ ، وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ . وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ ، و چیزهای قدیمی و کهنه را با آن نو می سازی . و از تو درخواست می کنم به حَقِّ تمام حقوقی که برای تو است وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ ، إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَبِهِ وَاسْطَه هر حَقِّی که بر عهده خود قرار دادی، که اگر کاری که در نظرم است برایم خیر و خوبی، وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتُسَلِّمَ از نظر دین و دنیا و آخرت دارد، بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و سلامی شایسته عَلَيَّهِمْ تَسْلِيمًا ، وَتُهَيِّئْهُ لِي ، وَتَسَهِّلْهُ عَلَيَّ ، وَتَلَطَّفْ لِي فِيهِ بر ایشان نثار کنی؛

و کار مورد نظرم را برای من آماده و راحت و آسان گردانی، و در مورد این کار به من لطف کنی و آن را نرم و هموار گردانی، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ بِهِ وَاسْطَه رَحْمَتِي، ای مهربان ترین مهربانان؛ از سویی، اگر بدی و ناهنجاری دینی، دنیایی و اخرتی، أَنْ تُصِلْمِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسَلِّمَ عَلَيْهِمْ و آخرتی برابم دارد نیز بر محمد و آل محمد درود و سلامت را نثار کنی، تَسْلِيمًا، وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا نِيْتُتُ، وَكَيْفَ نِيْتُتُ، (وَحَيْثُ و هر گونه که می خواهی و به هر وسیله که می خواهی) و هر مکان و زمان که می خواهی (آن را از من دور کنی، نِيْتُتُ)، وَتُرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ، وَتُبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا وَمَا بِهِ حَكْمٌ وَفِرْمَانٌ وَآنچه انجام می دهی خوشنود و راضی گردانی و در تقدیرت برابم برکت قرار دهی؛ به گونه ای که أُجِبَّ تَعَجِيلَ شَيْءٍ ۚ أَخْرَجْتَهُ، وَلَا تُأَخِّرْ شَيْءٍ ۚ عَجَلْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ شَتَابٍ فِي آن چه به تأخیر افکندی، و تأخیر در آن چه زود قرار دادی را نخواهم و دوست نداشته باشم. زیرا هیچ نیرو و قُوَّةً إِلَّا بِكَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (۱۸) و جنبشی جز از ناحیه تو نیست؛ ای بلند مرتبه؛ ای بزرگ؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری .

نکته حایز اهمیت!

سید بن طاووس حسنی رحمه الله می فرماید : شاید این گونه به ذهن برخی خطور کند که مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداء مقارن رسیدن زمان غیبت و پنهان

و نشانه ای بیاور که اگر در چیزی که مورد نظرم است امر می کنی آن را انجام دهم، و اگر نهی می کنی فائتھی) أَوْ مَا تُرِيدُ الْفَالِ فِيهِ (فِي عَافِيَةٍ .

آن را انجام ندهم) یا در آنچه که تَفَّالٌ می زَنَمَ (و در عافیت و سلامتی این کار انجام شود .

آن گاه هفت ورق از قرآن را می شماری ؛ سپس ، در طرف دَوَمِ ورق هفتم نیز شش سطر را می شماری و از سطر هفتم مطلب مورد نظر خود را درمی آوری .

روایت دَوَمِ :

پس از قرائت دعای یاد شده ، قرآن را گشوده و هفت ورق را بشمارد و در طرف دَوَمِ از ورق هفتم و نیز در طرف اوّل از ورق هشتم ، هر چه اسم خداوند جَلَّ جلاله تکرار شده است را شمرده ، آن گاه به تعداد آن ، ورق های قرآن را بشمارد . سپس از طرف دَوَمِ آخرین ورقی که در پیش روی قرار دارد شروع به شمردن سطور به اندازه اسم هایی که قبل از این شمرده بود ، کند و از آخرین سطر ، مطلب (و تَفَّالٌ) خود را در بیاورد .

روایت سَوَمِ :

پس از دعای یاد شده ، هشت ورق را شمرده ، آن گاه در صفحه اوّل از ورق هشتم ، یازده سطر را شمرده و فال و خواسته مورد نظر را در همان سطر یازدهم جستجو کند .

این (سه روایت) را در مورد تَفَّالٌ به قرآن همان گونه که شنیده بودیم نقل کردیم . (۲۱)

۳ استخاره با رقعہ از حضرت بقیہ اللہ عجّل اللہ تعالی فرجہ روایت شده است

استخاره اوّل

این استخاره از حضرت حجّت علیه السلام روایت شده است :

در دو کاغذ می نویسی : «خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِفُلَانٍ بِنِ فُلَانِهِ» «خیرخواهی از خدا

و رسولش برای فلان شخص (نام شخص) فرزند فلان زن (نام مادرش) ؛ و در یکی از کاغذها می نویسی: «إِفْعَلُ» ؛ «انجام بده» ، و در دیگری می نویسی «لَا تَفْعَلُ» ؛ «انجام مده» . دو کاغذ را پس از آماده شدن در قالب گلی قرار می دهی و در ظرف آبی می اندازی . سپس وضو ساخته نماز می گزاری و پس از آن، این دعا را می خوانی:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَخِيْرُكَ خِيَارَ مَنْ قُوْضَ اِلَيْكَ اَمْرُهٗ ، وَاَسْتَلِمُ اِلَيْكَ بَارِهَا ؛ در واقع، من از تو طلب خیر می کنم مانند کسانی که کارشان را به تو واگذار کرده اند و خویشتن را تسلیم تو داشته اند، نَفْسُهٗ ، وَتَوَكَّلْ عَلَيَّكَ فِىْ اَمْرِهٖ ، وَاَسْتَسَلِمُ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهٖ مِنْ وُدِّ كَارِشَانِ بِرِ تَوَكَّلَ كَرْدِهٖ اَنْدِ ، و در هر چه به ایشان رسیده است تسلیم بوده اند . اَمْرِهٖ . اَللّٰهُمَّ خِيْرَ لِيْ وَاَلْتِيْخِرْ عَلَيَّ ، وَاَعْنِيْ وَاَلْتَعِنْ عَلَيَّ ، وَاَمْكُنِّيْ بَارِهَا ؛ برابم نیک بخواه و بد مخواه؛ کمکم کن و دیگران را علیه من کمکم مکن؛ مرا توانایی بده وَاَلْتَمَكِّنْ مِنِّيْ ، وَاَهْدِنِيْ لِلْخَيْرِ وَاَلْتَضَلَّنِيْ ، وَاَرْضِنِيْ بِقَضَائِكَ ، و كَسِي رَا بِر مِّن مَّسْلُط مَكْن ؛ مرا به خوبی و نیکی راهنمایی کن و مگذار گمراه شوم؛ به قضایب راضی و خشنودم کن وَاَبَارِكْ لِيْ فِىْ قَدْرِكَ ، اِنِّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ ، وَتَعْطِيْ مَا تُرِيْدُ . و در تقدیرت برابم برکت و مبارکی قرار بده؛ به راستی تو هر چه را اراده کنی انجام می دهی و هر چه را بخواهی عطا می فرمایی . اَللّٰهُمَّ اِنْ كَاتَبَ الْخَيْرَهٗ لِيْ فِىْ اَمْرِيْ هَذَا وَهُوَ كَذَا وَكَذَا ، فَمَكِّنِّيْ بَارِهَا ؛ اگر خیر و خوبی

در کار مورد نظر من هست؛ پس، آن را در اختیار من قرار بده و توان من، و اقداری علی، و امزنی بیغلیه، و اوضیح لی طریق الهدایه و نیروی انجام آن را بر من ارزانی بدار، و دستور انجامش را به من بده، و راه هدایت علیه، و ان كان اللهم غير ذلك فاصبرفه عني إلى الذي هو خير به سوی آن را برایم روشن فرما. بار الها؛ اگر جز این است، آن را از من دور کن و تبدیل به چیزی کن که برایم بهتر است؛ لی منه، فإنيك تقدر ولا أقدر و تعلم ولا أعلم، وأنت علام زیرا تو توانایی داری نه من؛ و تو می دانی، نه من؛ و تو به طور کامل از العیوب، یا أرحم الراحمین .

پنهانی ها خبر داری؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

سپس به سجده رفته و صد مرتبه در حالت سجده می گوئی: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَهُ فِي عَافِيَةٍ»؛ «از خداوند، خیر و نیکی با عافیت درخواست می کنم». سپس سرت را از سجده برداشته و منتظر می شوی تا یکی از آن ها از قالب گِل خارج شود، هر یک از آن ها زودتر خارج شد به آن عمل کن. (۲۲)

انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است

۱۴ استخاره اول

علامه حلی قدس سره در کتاب «مصباح» می فرماید: این استخاره از صاحب الأمر ارواحنا فداه روایت شده است؛ بدین شکل: ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه سوره «حمد» بخواند، و پس از آن ده مرتبه سوره «قدر» بخواند، و پس از آن سه مرتبه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، وَأَسْتَشِيرُكَ لِخَيْرِهَا؛ به راستی من از تو

طلب خیر می کنم؛ چرا که تو پایان تمام کارها را می دانی. نیز با تو مشورت می کنم؛ زیرا، به تو خوش گمان ظنّی بک فی المأمول والمخیر. اللهم إن كان الأمر الفلانی و هستم و خوش گمانی ام در مورد همه چیزهایی است که آرزوی من را دارم که انجام شود یا از وقوع آن ترسانم. بار الها؛ اگر کاری که در نظر دارم ۱. فتح الأبواب: ۲۶۵.

کار خود را نام می برد بما قَدْ نِطِطْ بِإِلْتِزَاكِ أَعْجَازُهُ وَبَوَادِيهِ ، وَحَفَّتْ أَنْتَهَا وَابْتِدَآءِ آن به برکت پیوند خورده و در بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَبِأَيَّامِهِ ، فَيَخِرُّ لِي اللَّهُمَّ فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شُمُوسَهُ تَمَامِي رُوزَهَا وَشِبْهَائِهَا كَرَامَتِ او را دربر گرفته است ؛ پس، به گونه ای برایم انتخاب کن که جموشی آن از بین رفته ذُلُولاً ، وَتَقَعُضُ أَيَّامُهُ سُوراً . اللَّهُمَّ إِنَّمَا أَمْرٌ فَأَتْتُمِرُ ، وَإِنَّمَا نَهْيٌ وَرَامَ كَرَدِّ ، وَدَارِي أَيَّامِي خَوْش وَرُوشَن بَاشَد . خدایا؛ اگر دستور می دهی تا انجام دهم؛ و اگر می گویی: نه، تا فَاَتْتَهِي . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةٌ فِي عَافِيهِ .

اجتناب کنم . خدای من؛ به راستی که من به واسطه رحمت و مهربانی ات از تو طلب خیر می کنم ، خیری که با عافیت همراه باشد .

پس از خواندن دعا ، مقداری از تسبیح را - در حالی که خواسته اش را نیز در نظر آورده است - می گیرد و می شمرد . پس از شمردن دانه هایی که در آن مقدار از تسبیح قرار دارند؛ اگر تعدادشان عدد فرد بود ، کار را انجام بدهد ، و اگر عدد زوج بود ، انجام ندهد . (۲۳)

۱۵ استخاره دوّم

عَلَّامَه مَجْلِسِي

اعلی الله مقامه در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید: از پدرم شنیدم که این روایت را از شیخ بهایی نور الله ضریحه روایت کرده است که گفت:

با اساتیدم گفت و گویی داشتم که ایشان فرمودند: از امام قائم ارواحنا فداه در مورد استخاره با تسبیح نقل است که فرمود:

استخاره چهارم

تسبیح را برداشته و پس از سه مرتبه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام قطعه ای از تسبیح را گرفته و دو تا دو تا دانه های آن را می شمرد و در نهایت، اگر یک دانه باقی ماند یعنی کار مورد نظر را انجام بده؛ و اگر دو دانه باقی ماند، یعنی انجام مده. (۲۴)

۶ استخاره سوم

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام» آمده است: در مورد استخاره با تسبیح، استخاره ای را اجازه داریم که از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است، یکی از علما نیز در مورد انجام این استخاره به من اجازه داده اند تا هم خودم انجام بدهم و هم بتوانم به دیگران اجازه انجام آن را بدهم؛ لذا، با توجه به اجازه ای که از ایشان دارم، ضمن بیان چگونگی این استخاره، اجازه آن را به همگان می دهم تا به این کیفیت استخاره کنند:

ابتدا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گفته؛ سپس سه مرتبه صلوات فرستاده سپس دعای مختصری بخواند مثل اینکه بگوید: «یا مَنْ یُعَلِّمُ إِهْدِ مَنْ لَا یُعَلِّمُ»؛ «ای کسی که می داند؛ کسی را که نمی داند راهنمایی کن»، یا بگوید: «یا رَبِّ جِزْ لِي مَا هُوَ الصَّالِحُ»؛ «پروردگارا؛ آنچه شایسته و صلاح من است برابم انتخاب

کن» یا دعاهایی از این قبیل . پس از این دعای کوتاه، قسمتی از تسبیح را به دست گرفته و بشمرد؛ اگر فرد بود انجام دهد و اگر زوج بود ترک کند . (۲۵)

۱۷ استخاره چهارم

در برخی از کتاب های کهن دیدم که این استخاره را نیز به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده است : ابتدا سوره حمد را تا « إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ » قرائت کرده، و پس از آن سه مرتبه صلوات فرستاده و پس از آن نیز سه مرتبه بگو : « يَا مَنْ يَغْلَمُ إِهْدِ مَنْ لَا يَغْلَمُ » ، سپس ، قبضه ای از تسبیح را با دست گرفته و دانه های آن را شمرده اگر عدد فرد بود یعنی خوب است و آن را انجام بده و اگر زوج بود آن را انجام مده .

اگر می خواهی بدانی کار مورد نظرت که برای آن استخاره می کنی بسیار بسیار خوب است یا خیر؛ پس از این استخاره، استخاره ای دیگر به نیت ترک کار مورد نظرت بگیر. در نتیجه اگر اصل کار خوب بود و در استخاره دوّم که برای ترک انجام آن بود ، زوج آمد که بد است؛ بنابراین، کار مورد نظر در نهایت خیر و نیکی خواهد بود. و اگر در ترک آن فرد آمد که خوب است ، معلوم می شود که انجام دادن یا انجام ندادن کار مورد نظر فرقی ندارند . از سویی ، اگر استخاره برای اصل کار بد بود و برای ترک کار خوب بود نیز ، باید آن کار را ترک کرده و به طور جدّی از انجام آن صرف نظر کنی؛ ولی اگر فعل و ترک ، هر دو

بد بود از انجام آن کار نهی شده ولی نه مثل استخاره قبل .

۱۸ استخاره پنجم

فقیه بزرگوار، صاحب کتاب «جواهر الکلام» در آن کتاب می فرماید : استخاره دیگری هست که برخی از علمای زمان ما از آن استفاده می کنند ، و گویا به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده می شود ؛ و کیفیت آن چنین است :

پس از این که آیه و دعا خواند ، قبضه ای از تسبیح را می گیرد و هشت دانه هشت دانه می شمرد ؛ اگر یک دانه باقی بماند، یعنی کمی خوب است ؛ اگر دو تا بماند ، یعنی در انجام آن کار یک نهی وجود دارد ؛ اگر سه دانه تسبیح باقی بماند ، یعنی صاحب استخاره خودش صاحب اختیار است ، چرا که انجام آن کار و انجام ندادن آن مساوی است یعنی میانه است ؛ اگر چهار دانه تسبیح باقی بماند به معنای وجود دو نهی و بدی در آن کار است ؛ اگر پنج تا باقی بماند نزد بعضی به معنای این است که در آن کار سختی وجود دارد و برخی نیز به وجود سرزنش در آن کار معتقدند؛ اگر شش دانه باقی بماند به معنای نیکی و خیر کامل در آن کار است به گونه ای که باید در انجامش شتاب کرد ؛ اگر هفت دانه از تسبیح باقی بماند همانند آن است که پنج دانه باقی مانده باشد که در آن دو رأی یا دو روایت وجود دارد ؛ و اگر هشت دانه باقی بماند کار مورد نظر در نهایت بدی است و چهار نهی در آن وجود دارد . (۲۶)

.....(Anotates).....

(۱) مؤلف محترم در

مقدمه این بخش نیز همچون مقدمه کتاب از فنون بلاغت یعنی براءت استهلال استفاده نموده ، و در ضمن مقدمه ، اسامی کتاب هایی که دانشمندان اسلامی در مورد استخاره تألیف کرده اند ؛ نام برده است . (ویراستار)

۲) کتاب «روایح الغیب فی رفع التردید و الريب» ؛ تألیف : مولا عبد النبی بن عبدالرزاق رحمه الله .

۳) کتاب «مفتاح الفرج فی الإستخارات» ؛ تألیف : امیر محمد حسین خاتون آبادی رحمه الله .

۴) کتاب «الإنارة عن معانی الإستخاره» ؛ تألیف : شیخ محمد بن فیض کاشانی رحمه الله .

۵) کتاب «فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب فی الإستخارات» ؛ تألیف : سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله .

۶) کتاب «إرشاد المستبصرین فی الإستخارات» ؛ تألیف : سید عبداللّه شبّر رحمه الله .

۷) «الإستخارات» ؛ نام چند کتاب است که علما و دانشمندان اسلامی آن ها را تألیف کرده اند ؛ از جمله :

الف (شیخ احمد بن صالح بحرانی رحمه الله ؛

ب (احمد بن عبدالسلام بحرانی رحمه الله ؛

ج (شیخ ابوالحسن سلیمان ماحوزی بحرانی رحمه الله ؛

د (سید علی بن محمد حسینی میبدی یزدی رحمه الله ؛

ه (شیخ میرزا ابو المعالی کلباسی رحمه الله ؛

و (سید میرزا محمد حسین حسینی مرعشی معروف به شهرستانی رحمه الله .

۸) کتاب «هدایه المسترشدين فی الإستشارة و الإستخاره» ؛ تألیف : حسن بن محمد صالح نصری طوسی رحمه الله .

۹) کتاب «مفاتیح الغیب فی الإستخاره» ؛ تألیف : علامه مجلسی رحمه الله .

۱۰) کتاب «الإستخاره» ؛ تألیف : ابو النضر محمد بن مسعود عیاشی رحمه الله (صاحب تفسیر عیاشی) .

۱۱) کتاب «منهاج المستخیر»

؛ تألیف : حاج میرزا محمد حسین حسینی تبریزی رحمه الله .

(۱۲) کتاب «مفتاح الغیب و مصباح الوحی» ؛ تألیف : سید مهدی غُرفی رحمه الله .

جهت اطلاع بیشتر از کتاب هایی که در مورد «استخاره» نوشته شده ، به مقدمه کتاب «فتح الأبواب» رجوع شود .

(۱۳) فتح الأبواب : ۳۰۰ .

(۱۴) فتح الأبواب : ۱۹۲ .

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸) فتح الأبواب : ۲۰۵ ، المصباح : ۵۲۱ ، مفاتيح الغیب : ۲۵ .

(۱۹) فتح الأبواب : ۲۰۶ .

(۲۰) در برخی روایات آمده است که پیش از استخاره ، نماز جعفر طیار علیه السلام خوانده شود .

(۲۱) فتح الأبواب : ۲۷۸ .

(۲۲)

(۲۳) البلد الأمين : ۲۳۱ ، المصباح : ۵۱۵ ، الجَنَّةُ الْوَأَقْبَى وَالْجَنَّةُ الْبَاقِيَةُ (مخطوط) : ۷۵ ، و مانند آن در الصحیفه الصادقیه : ۴۲۰ وارد شده است .

(۲۴) بحار الأنوار : ۲۵۰/۹۱ .

(۲۵) المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام : ۵۳۹/۲ .

(۲۶) الباقیات الصالحات حاشیه کتاب مفاتیح الجنان : ۴۱۱ .

بخش دهم: دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند

ادعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی ها به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

اشاره

دعایی با اجابت فوری از ناحیه خداوند تعالی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواندن آن را در مورد سختی ها و هنگامه حادثه های خطرناک ، سفارش فرموده اند .

جناب سید بن طاووس رحمه الله این دعا را بدون اشاره به نام راوی آن نقل کرده است ؛ لکن علامه مجلسی رحمه الله گفته است : سند دیگری برای این دعا دارم که بسیار عالی است ؛ گرچه خالی از غرابت نیست .

من این دعا را از پدرم نقل می کنم و ایشان توسط یکی از صالحان - بدون واسطه - از حضرت مهدی ارواحنا فداه نقل کرده است . (۱)

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا اِلٰهَ

إِلَّا أَنْتَ وَأَنَا عَبْدُكَ ، ظَلَمْتُ بَارِهَا ؛ تُو فرمائروایی راستین هستی که جز تو معبودی نیست، و من نیز بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم، ۱ . بحار الأنوار : ۲۶۶/۹۵ .

نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي ، فَاعْفُؤْ لِي الدُّنُوبَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا وَبِهِ گناهان مرا ببخش؛ جز تو خدایی نیست، ای عَفُورُ . اَللَّهُمَّ إِنِّي أَخِيذُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمِيدِ أَهْلٌ ، عَلَيَّ مَا خَصَصْتَنِي
آموزند؛ بار الها؛ تو را می ستایم در حالی که می دانم تو سزاوار ستودن هستی؛ چرا که هر چه میل آن را داشته ام بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرُّغَائِبِ ، وَوَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ ، بر من ارزانی داشته ای، و
نیکویی ها و احسان فراوانی که به من رساندی ، وَعَلَى مَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ ، وَتَوَلَّيْتَنِي بِهِ مِنْ رِضْوَانِكَ ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ وَرَاحَةِ لُطْفِ نَمُودِي ، و از رضوان خود به من واگذار نمودی، و مرا مَنَّكَ الْوَأَصِلَ إِلَيَّ
، وَمِنْ الدَّفَاعِ عَنِّي ، وَالتَّوْفِيقِ لِي ، وَالإِجَابَةِ مِنْ مَتَّ خَوِيشِ بَرخوردار گردانیدی؛ و همیشه از من دَفَاعِ فَرمودی و تَوَفِيقِ دادی، و دعایم را اجابت فرمودی ؛ لِدَعَائِي ، حَتَّى أَنَاجِيكَ رَاغِبًا ، وَأَدْعُوكَ مُصَافِيًا ،
وَحَتَّى أَرْجُوكَ تَأَنُّكَ بَا شُوقٍ وَرَغْبَةٍ بِيَرْدِازَمٍ وَبَا صَفَايِ بَاطِنِ تُو رَا بَخْوَانِمُ ؛ نِيْزِ ، بِيْ كُوْنِهِ اِي رِفْتَارِ كَرْدِي اِي كِه بِي تُو اَمِيْدِ بِيْنْدَمُ ، فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي جَابِرًا ، وَفِي أُمُورِي نَاطِرًا ، و
در همه جا تو را نسبت به خود مهربان ، و در کارهایم ناظر ، وَالدُّنُوبِي غَافِرًا ، وَالعَوْرَاتِي سَاتِرًا ،

وَعَافَيْتَ كَرْدَه اى ، و در زمان حضور در وطنم نیز مرا بزرگ داشتی، بیماری هامم را شفا بخشیدی و درد و اُوصابی ، وَأُحْسِنْتَ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَى ، وَكَمْ تُشَدِّتُ بِي أُعْيِدَآئِي ، الم مرا عافیت بخشیدی و نیکو گرداندی حال حرکتم را و آرام گرفتمم را ، و مرا مورد شمانت و سرزنش دشمنانم قرار ندادی؛ وَزَمَيْتَ مَنْ زَمَانِي ، وَكَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي . اَللّٰهُمَّ كَمْ مِنْ هَر كَسٍ مَرَا هَدَفَ گَرَفْتُ تُو نِيْزَاو رَا هَدَفَ تِيْرَ اِنْتِقَامِ خُوْد قَرَار دَادِي ، و در نهایت از شَرّ و بدی تمام کسانی که با من دشمنی کردند مرا کفایت کردی. عَدُوٌّ اِنْتَضَى عَلَيَّ سَيِّفَ عِدَاوَتِهِ ، وَشَحَدَ لِقَتْلِي طَبَهَ مُدْيَتِهِ ، بارالها؛ چه بسیار دشمنانی داشتیم که شمشیر کینه و دشمنی اش را بر روی من کشید، و نوک نیزه اش را برای کشتن من تیز کرد ، وَأَرْهَفَ لِي شَبَا حَيْدِهِ ، وَدَافَ لِي قَوَائِلَ شِيْمُوْمِيهِ ، وَسَدَّدَ لِي وَتِيْزِي لَبَه شَمَشِيْرَش رَا بَرَايَ مِنْ آمَادَه كَرْد ، و کشنده ترین زهرهایش را برایم مهیّا ساخته ، وَصَوَّأَيْبَ سِيَهَامِيهِ ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَشُوْمِيَنِي الْمَكْرُوْهَ ، وَيُجْرِعَنِي تِيْرَهَايَ دَقِيْقَش رَا بَرِ مِنْ نَشَاْنَه گَرَفْت ، و در دل نهان داشته بود که مرا گرفتار ناخوشی ها و ناملايمات کند، و تلخی ها را جرعه جرعه دُعاَفَ مَرَاْرَتِيهِ ، فَتَنَطَّرُوْتُ يَا اِلَهِي اِلَى ضَغْفِي عَنْ اِحْتِمَالِ بَه كَامٍ مِنْ كُنْدِه ؛ لِيَكُنْ ، اى خدای من ؛ به ناتوانی و ضعف من در برابر تحمّل الْفَوَاحِجِ ، وَعَجْزِي عَنْ اَلْاِنْبِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِيهِ ، مشکلات ، و عجز و بیچارگی ام و عدم توانم برای پیروزی در برابر کسی که به قصد جنگ با من

آمد، وَوَحَدَّتِي فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّوَانِي، وَأَرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ وَتَنَاهَيْتَنِي أَمَّ فِي مِيَانِ آنِ هَمَّ دَشْمَنِ قِسْمِ خُورْدَه كَه دَر خِيَالِ سَتِيژِ بَا مَن بُوْدَنَد، وَ چَنَانِ دَر كَمِيْنِ مَن بُوْدَنَد كَه حَتَّى فِكْرِ نَمِي كَرْدَم فِكْرِي فِي الْإِنْتِصَارِ مِنْ مِثْلِهِ . فَأَيَّدْتَنِي يَا رَبِّ بِعُؤْنِكَ ، بَتَوَانِمِ دَر مَقَابِلِ شَانِ دَر چَنَانِ مَوَارِدِي پِيْرُوژِ وَ كَامِيَابِ شُوم؛ نَغْرِيَسْتِي، وَ بَا كَمَكِ خُودَتِ مَرَا تَأْيِيْدِ وَ كَمَكِ كَرْدِي، وَشَدَّدْتَ أَيَّدِي بِنَضِيْرِكَ ، ثُمَّ فَلَّتَ لِي حَدَّهُ ، وَصَيَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعٍ وَ بَا يَارِيْتِ دَسْتَانِمِ رَا نِيْرُومَنَدِ سَاخْتِي؛ آنِ گَاه، تِيژِي (لِبِه شَمَشِيْرَهَا وَ) سَخْتِي هَا رَا بِه نَفْعِ مَن كَنَدِ كَرْدِي، وَ پَسِ اَزِ آنِ هَمَّ تَوَانِيْبِي وَ يَارَانِي كَه عَدِيْدِه وَحَدَّهُ ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيِّهِ ، وَرَدَّدْتَهُ حَسِيْرًا لَمْ تَشْفِ دَشْمَنِمِ كَرْدِ آوْرْدَه بُوْدِ اَوْ رَا تَنَهَا كَرْدَانِيْدِي، وَ دَر نَهَايْتِ نِيژِ مَرَا بَرِ اَوْ بَرْتَرِي دَادِي وَ سَلَاْحَمِ رَا بَرِ اَوْ تَوَانِ بَخْشِيْدِي، تَا آنِ كَه بَا اَنْدُوَه وَ حَسْرَتِ اَوْ رَا غَلِيْلَه ، وَ لَمْ تُبْرِِّدْ خِرَازَاتِ غَيْظِهِ ، وَ قَدْ غَضَّ عَلَيَّ سَوَاهُ ، وَابَّ بَرِ كَرْدَانْدِي بِه گُوْنَه اِي كَه كِيْتَه دَرُوْنِي اَشِ بَرطَرَفِ نَشْدِ وَ خَشْمِ اَفْرُوخْتَه اَشِ نَسْبِتِ بِه مَن سَرْدِ نَغْرِيْدِي؛ بَا اَيْنِ كَه بَرِ مَن چَنَكِ مُوْلِيًّا قَدْ اَخْلَفْتَ سِيْرَايَاهُ ، وَ اَخْلَفْتَ اِمَالَهُ . اَللّٰهُمَّ وَكَمْ مِنْ بَاغٍ اِنْدَاخْتَه بُوْد، وَ لِي دَر حَالِي كَه تُو خُوَابِ وَ خِيَالِ هَايَشِ رَا بَرِ بَادِ دَادِي، بَاژِ گِشْتِ . بَارِ اَلِهَا؛ چَه دَشْمَنَانِ وَ سَتْمِگْرَانِي بَغِي عَلَيَّ بِمَكَاتِيْدِه ، وَنَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَايِدِه ، وَصَدَّبَا اِلَيَّ كَه بَا نِيْرِنَكِ هَايِ خُودِ بَرِ مَن جَفَا كَرْدَه، وَ دَامِ هَايِ خُودِ رَا بَرَايِمِ گَسْتَرْدَه، هَمَانَنْدِ دَرَنْدَه اِي كَه بَرَايِ طَعْمَه وَ

شکار خود کمین می کند ضَبُوءَ السَّمِيعِ لِطَرِيدِيهِ ، وَاتَّهَزَ فُرْصَتُهُ ، وَاللَّحَاقَ لِفَرِيدِيهِ ، برای من کمین کرده و فرصت به دست آورده را استفاده کرده و به تندی و شتاب بر شکار خود می جهد ، وَهُوَ مُطَهَّرٌ بِشَاشَةِ الْمَلَكِ ، وَيَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهًا طَلِقًا . فَلَمَّا رَأَيْتُ در حالی که خوشروئی منافقانه از خودش آشکار می کند و با چهره ای باز نه درهم کشیده برخوردار می کند ؛ لیکن ، ای یا الهی دَغَلَ سَرِيرَتِي ، وَفَيْحَ طَوِيَّتِي ، أَنْكَشِيتهُ لَأُمِّ رَأْبِيهِ فِي خَدَايِ مِنْ ؛ وقتی دیدی چه نیرنگی برایم در سینه دارد ، و چه نیت زشتی در سر دارد ، او را در دام خودش زُيِّيهِ ، وَأَزْكَشْتُهُ فِي مَهْوِي خَفِيرَتِي ، وَأَنْكَشْتُهُ عَلَي عَقْبِيهِ ، سرنگون ساختی ، و او را در گودالی که برای من کنده بود افکندی و وادار به عقب نشینی کردی ، وَزَمَيْتَهُ بِحَجْرِهِ ، وَنَكَأْتُهُ بِمِشْقَمِصِي ، وَخَفَيْتُهُ بِوَتْرِهِ ، وَرَدَدْتُ وَبَا سَنَگِي که داشت بر خودش زدی ، و با تیر خودش او را مجروح کردی ، و بازه کمانش او را خفه ساختی ، وَكَيْدُهُ فِي نَحْرِهِ ، وَزَيْفَتُهُ بِنِدَامِيهِ فَأَشْرَبْتُهُ خَلًّا وَتَضَاءَلَ بَعْدَ نَحْوِيهِ ، نیرنگش را به حلقوم خودش برگرداندی ، و آن متکبر را به پشیمانی تمام گریبان گیر نمودی و پس از آن همه ادعای چیرگی و غرور و تکبر او را وَبَحَّعَ وَانْقَمَعَ بَعْدَ اِسْطِطَالِيهِ ، ذَلِيلًا مَأْشُورًا فِي خَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ سَرَاغِفَكُنْدَهُ نَمُودِي ، و بعد از سرکشی ذلیل و مغلوب کردی ، در حالی که با ذَلَّتْ و خواری در دام هایی که می خواست يُجِبُّ أَنْ يُرَانِي فِيهَا ، وَقَدْ كِدْتُ لَوْلَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَجْلُ بِي مَا

مرا در آن ببیند گرفتارش کردی؛ این همه در شرایطی بود که اگر رحمت شامل من نمی شد زود بود که بر من وارد شود آنچه نسبت به حلِ بساخته، فَالْحَمْدُ لِرَبِّ مُقْتَدِرٍ لَا يُنَارِعُ، وَلَوْلِيٌّ ذِي أُنَاوٍ او وارد شده است؛ بنابراین، حمد و ستایش را مخصوص پروردگاری می دانم که دارای قدرتی لایننازع و بی رقیب است، سرپرستی که مهلت دهنده لایعجل، وَكَيْومَ لَا يَعْجَلُ، وَحَلِيمٍ لَا يَجْهَلُ. نَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي است و شتاب نمی کند؛ پایداری که غفلت نمی کند؛ و بردباری که از هیچ چیز بی اطلاع نیست. ای خدای من؛ مُشِيئَتِجِيراً بِكَ، وَائْتِقاً بِسِرِّزَعِهِ إِجَابَتِكَ، مَتَوَكِّلاً عَلَيَّ مَا لَمْ أَزَلْ در حالی تو را ندا در می دهم که پناهنده ات هستم؛ به اجابت و پاسخ دادن سریع اطمینان دارم؛ با اعتماد بر آنچه از دیر باز اَعْرِفُهُ مِنْ حُشْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي، عَالِماً أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهِّدَ مَنْ أُوِيَ شناخته ام که تو به خوبی از من دفاع می کنی؛ می دانم که هر کس در سایه کفایتِ اِلَى ظِلِّ كِفَايَتِكَ، وَلَا يَفْرَعُ الْقَوَارِعُ مِنْ لَجَأٍ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْبِصَارِ تو درآید شکست نمی خورد؛ و هر کس به تو پناه برد ستیزه گران با او ستیزه نمی کنند و او را نمی کوبند؛ بِكَ، فَخَلَطْتَنِي يَا رَبُّ بِقُدْرَتِكَ وَنَجَّيْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِتَطَوُّلِكَ بِنَابِرَيْنِ، ای پروردگار من؛ با قدرت و توان وصف ناپذیرت مرا خلاصی بخشیدی، و با مَنِّت و نعمت بخش الهی ات مرا از بدی و آزار و مَنِّكَ. اَللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَيْتَهَا، وَسَمَاءٍ نَعْمَةٍ او نجات دادی. بار خدایا؛ چه بسیار ابرهای ناخوشایندی که راندی و دور کردی، و چه آسمان های نعمت باری که اَنْطَرْتَهَا

وَجَدَاوِلَ كَرَامِهِ أَجْرِيَّتَهَا ، وَأَعْيُنَ أُخْرِيَاثِ طَمَشِيَّتَيْهَا ، بِه بَارَشِ دَرِ آوَرْدِي ، وَ چِه نِهْرَهَيِ كِرَامَتِ وَ بَزْرِ گَوَارِي كِه رَوَانِ نِمُودِي ، وَ چِشْمِه هَايِ حَادَثِه هَايِ نَاگَوَارِ كِه نَاپَدِيدِ سَاخْتِي ، وَ نَائِيَّتِي رَحْمَه نَشْرُوتَهَا ، وَ غَوَائِيَّتِي كُرْبِ فَوْجِيَّتَهَا ، وَ عَمَمِ بَلَاءِ وَ رَحْمَتِ هَايي كِه گِستَرْدِي ، وَ مِصِيْبَتِ هَايِ فِرَاگِيْرِي كِه بِرِطْرَفِ كَرْدِي وَ بِلَاهَايي كِه رَفْعِ كَرْدِي ، كَشْفُوتَهَا ، وَ جُنَّةِ عَافِيَه اَلْبِيْشِيَّتَهَا ، وَ اُمُوْر حَادِثِه قَدْرُوتَهَا ، لَمْ تُعْجِزْكَ وَ لِبَاسِ عَافِيَّتِي كِه بِرِ مَنِ پُوْشَانِيْدِي ، وَ چِيْزَهَايِ نَازِه اِي كِه بِرَايِ آيْنِدِه دَرِ نَظَرِ گِرَفْتِي ؛ اِذْ طَلَبْتِيهَا ، فَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ اِذْ اَرَدْتَهَا . اَللّٰهُمَّ وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ سُوْءِ اَنْ كُوْنَه كِه هِنْكَامِ جِسْتَجُوِي اَنَهَا نَا تُوَانِ نِيْسْتِي وَ بَدِيْنِ جِهْتِ وَ قَتِي اِرَادِه كِنِي نِيْزِ سِرِيْچِي نَمِي كِنَنْد . بَارِ خُدَايَا ؛ چِه بَسِيَارِ حَسُوْدِ تَوَلَّنِي بِحَسَنِيْدِه ، وَ سَلَمْتَنِي بِحَدِّ لِسَانِه ، وَ وَخَزَنِي بِقَرَفِ عَيْبِه ، بَدَانْدِيْشِي كِه بَا حِسَادَتِ مَرَا گِرَفْتَارِ كَرْد ، وَ بِه تَنْدِي زَبَانِشِ مَرَا آزْرَدِه سَاخْت ، وَ بَا عِيْبِ نِهَادَنْشِ مَرَا بِه دَرْدِ آوَرْد ، وَ جَعَلَ عَرَضِي غَرَضًا لِمَرَامِيه ، وَ قَلَدْنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيْهِ وَ اَبْرُوِيْمِ رَا مَوْرِدِ هَدْفِ خُوْدِ قَرَارِ دَاد ، وَ قَلَادِه اِي بِه گِرْدَنْمِ اَفْكَنْدِه اَسْت كِه هِمُوَارِه تُو كَفِيْتِنِي اَمْرُهُ . اَللّٰهُمَّ وَ كَمْ مِنْ ظُلٍّ حَسَنٍ حَقَّقَتْ ، وَ عَرِيْدَمِ اِثْلَاقِيْ اَمْرَاوِ رَا بِرِ مَنِ كِفَايَتِ نِمُودِي . بَارِ اِلَهَا ؛ چِه خُوْشِ گِمَانِي هَايي كِه تَاكُنُوْنِ بِه تُو دَاشْتَمِ وَ اَنَهَا بِه وَ قُوْعِ پِيُوْسْت ، وَ چِه بَسِيَارِ تَنْگِدَسْتِي ضَرْوَنِي جِيْزَتِ وَ اَوْسَعَتْ ، وَ مِّنْ صَرَعِه اَقَمْتْ ، وَ مِّنْ كُرْبِيَه كِه بِه مَنِ زِيَانِ زَدِ وَ تُو جِبْرَانَ كَرْدِي وَ تُوَانِ گِرِي بَخْشِيْدِي ، وَ چِه بَسِيَارِ كِه بِرِ زَمِيْنِ اِفْتَادَمِ وَ سَقُوْطِ كَرْدَمِ وَ تُو مَرَا بِرِيَا

کردی، و چه بسیار نَفْسَتْ، وَ مِنْ مَشِيكَتِهِ حَوْلَتْ، وَ مِنْ نِعْمِهِ حَوْلَتْ، لَأُنْشِئَ أَلْ عَمَّا حَادِثَهُ هَايَ اَنْدَوَه بَارِي كَه اَز اَن رَهَايِي بَخْشِيْدِي، وَ چَه بِيچار گِي هَايِي كَه اَز بِيْن بَرْدِي، وَ چَه نِعْمْت هَايِي كَه اَرْزَانِي دَاشْتِي؛ دَر مَوْرَد اَن چَه تَفْعِيْلُ، وَ لَا بِمَا اَعْطَيْتَ تَبَخَّلُ، وَ لَقَدْ سُرِنَلْتُ فَيَدَلْتُ، وَ لَمْ تُسَيَّلْ اَنْجَام مِي دَهِي اَز تُو پَرَس وَ جُو نَمِي شُوْد، دَر عَطَايْت بَخْل نَمِي وَرْزِي؛ هَمَاْنَا، اَز تُو دَر خَوَاسْت شُد وَ بِلَا فَاصلَه بَخْشِيْدِي، وَ چِيْز هَايِي رَا كَه دَر خَوَاسْت فَاتِيْدُ اَتَّ وَ اَسِيْتُمِيْح فَضْلُكَ فَمَا اَكْذَبْتْ، اَبِيْتْ اِلْمَا اِنْعَاماً وَ اَمِيْنَاناً نَشُد بِيْش اَز دَر خَوَاسْت تُو اِحْسان كَرْدِي، اَز تُو بَخْشِش وَ بَزْر گَوَاْرِي دَر خَوَاسْت شُد وَ تُو دَرِيغ نَوْرِيْدِي؛ وَ نَخَوَاسْتَه اِي كَه جَز نِعْمْت بَخْشِيْدِن وَ مَنّت وَ تَطْوُلًا، وَ اَبِيْتْ اِلْمَا تَقْحَمًا عَلٰى مَعْاصِيْكَ، وَ اَنْتِهَاكَ لِخُرْمَانِيْكَ، نَهَادِن وَ بَهْرَه مَنْد سَاخْتِن، كَار دِيْگَرِي بَكْنِي؛ دَر مَقَابِل - چَنان كَه اَز اَعْمَالَم پِيْدَاَسْت - مَن نِيْز سَرْباز زَدَم جَز مَرْتَكَب شَدِن گَنَاهان وَ هَتَك حَرْمْت وَ تَعَدِّيًّا لِحُدُوْدِكَ، وَ عَفْلَهُ عَنْ وَعِيْدِكَ، وَ طَاعَةً لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ، نَسْبْت بَه تُو وَ تَجَاوُز وَ كَلْدَشْتِن اَز مَرزها وَ حُدُوْدت، وَ بِي تُوْجِيْهِ نَسْبْت بَه وَعَدَه هَاي عَذَابت وَ فَرْمَانِبَرْدَاْرِي اَز دَشْمَن مَشْرَك مَن وَ خُوْدت لَمْ تَمْتَنِعْ عَنْ اِتْمَامِ اِحْسَانِيْكَ، وَ تَتَابِعِ اَمِيْنَانِيْكَ، وَ لَمْ يَخْجُرْنِيْ كَارِي اَنْجَام نَدَاْدَم؛ تُو نِيْز بَا اِيْن وَ جُوْد دَسْت اَز كَامَل كَرْدِن نِعْمْت وَ بِي دَر پِي فَرَسْتَاْدِن خُوْبِي هَا وَ مَنّت نَهَادِن هَايْت، بَر نَدَاَسْتَه اِي؛ لِيَكِن اِيْن هَا نِيْز ذَلِيْكَ عَنْ اَرْتِيْكَابِ مَسَاخِيْطِكَ . اَللّٰهُمَّ فَهَذَا مَقَامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ بِاعْثِ بَا زَدَاَسْتِن مَن اَز اَنْجَام گَنَاهان وَ دَسْت بَر دَاَسْتِن اَز خَشْم تُو نَشُد؛ بَار خُدَايَا؛ اِيْن جَايِگَه، جَايِگَه كَسِي اَسْت كَه دَاْرَد

اعتراف بِالْمَقْصِرِ عَنْ أَدَاءِ حَقِّكَ ، الشَّاهِدِ عَلَى نَفْسِهِ بِسُيُوءِ نِعْمَتِكَ ، می کند در ادای حَقِّ تو کوتاهی کرده است؛ خودش گواهی بر ضدّ خودش می دهد که نعمت تو کامل و حُسنِ کِفایتِیک ، فَهَبْ لِي اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي مَا أُصِلُّ بِهِ إِلَيَّ وَ نَگه داری و حفاظت تو از او نیز به نیکی انجام شده است؛ پس، ای خدای من؛ ای معبود من؛ به من ببخش آنچه را که به سبب آن رَحْمَتِیک ، وَأَتَّخِذُهُ سُلْمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ ، وَأَمَنْ بِهِ مِنْ بَه رَحمت تو برسم ، و آن را نردبانی برای بالا آمدن به سوی کارهای خشنودکننده و رضای تو قرار دهم و بدان وسیله از عِقَابِک ، فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ ، وَتَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ ، کاری توانایی . خدایا؛ سپاس من بی دریغی به درگاه تو واصل، و ثنا و ستایشم به طور دائم نثار آستان تو ، مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِالْأَلْوَانِ التَّشْيِيعِ ، وَفُنُونِ التَّقْدِيسِ ، خالصاً از روزگاری تا روزگار دیگر است؛ و این تسبیحاتم به شکل های گوناگون بوده، و تقدیس تو را از راه های مختلف به جای می آورم؛ خالصانه لِذِكْرِكَ ، وَمَرْضِيَّتِكَ لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ ، وَمَخْضِ التَّخْمِيدِ ، وَطُولِ بِيَادِ تَوَامٍ ، و با یگانه دانستن و سپاس بی شائبه ات و به وسیله دروغ گو شمردن همیشگی و پیوسته آن هایی که التَّغْدِيدِ فِي إِكْذَابِ أَهْلِ التَّنْذِيدِ . لَمْ تُعَنْ فِي

شَيْءٌ مِنْ قُدْرَتِكَ ، برای تو مثل و مانند و همتا فائزند؛ سعی دارم مورد رضایت و خشنودیت قرار گیرم. در قدرت مندیت کسی به تو یاری نمی رساند، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي الْهَيْبَةِ ، وَلَمْ تُعَايِنْ إِذْ حَبَشْتَ الْأَشْيَاءَ عَلَيَّ وَ در خدایت کسی با تو شریک نیست، و هنگامی که اشیاء را بر غریزه های گوناگون پوشش دادی و نگهداری کردی الْغَرَائِبِ الْمُخْتَلِفَاتِ ، وَفَطَرْتَ الْخَلَائِقَ عَلَيَّ صُوفِ الْهَيْبَاتِ ، وَلَا كَسَى نُو رَا مَعَابِنَه وَ مشاهده نمی کرد، و آن گاه که هر مخلوقی را در صنف و هیئت ویژه ای خلق کردی کسی تو را نمی دید . حَزَقْتَ الْأَوْهَامَ حُجْبِ الْعُيُوبِ إِلَيْكَ ، فَأَعْتَقَدْتُ مِنْكَ مَحْدُوداً (عقل و وهم و قوای باطنیه هیچ کس، یارای دریدن پرده های پنهانی به سوی تو را ندارد، تا در نتیجه تو را در فی عَظَمَتِكَ ، وَلَا كَيْفِيَّتَهُ فِي أَرْزَلَتِكَ ، وَلَا مُمَكِّنًا فِي قَدَمِكَ ، عظمت محدود باور دارد ، و نمی تواند برای ازلیت تو کیفیتی و برای قدیمیت تو امکانی فرض کند . وَلَا يَلْبُغُكَ بُعْدُ الْهَيْمِ ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْضُ الْفُطْنِ ، وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ هَرَجَةٌ هَمَّتْ كَسَى عَلِيٌّ بَاشَدَ بَه كُنَه حَقِيقَتِ تُو نَمِي رَسَدِ ، وَ زُرْفِ اَنَدِيشِي وَ زَبِرَكِي هِيچ كَسِي بَه تُو دَسْتِ نَمِي يَازَدِ ، وَ نَظْرُ النَّاطِرِينَ فِي مَجْدِ جَبْرُوتِكَ ، وَ عَظِيمِ قُدْرَتِكَ . إِزْتَفَعْتُ عَنْ نَكْرِشِ هِيچ كَسِي بَه مَنْتَهَايِ جَبْرُوتِ وَ نَبْرُويِ عَظِيمِ تُو نَخَوَاهَدِ رَسِيدِ . صَفَه الْمَخْلُوقِينَ صَفَه قُدْرَتِكَ ، وَ عَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ ، صَفْتِ وَ وِيزْگِي قَدْرَتِ تُو بَرْتَرِازِ تَوْصِيْفِ آفَرِيدِگَانِ ، وَ عَظْمَتِ كَبْرِيَايِي تُو بَلَنْدَمَرْتَبَه تَرِازِ اَن هَاسْتِ؛ وَلَا يَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَادَ ، وَلَا يَزِدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْتَقِصَ ، اَنجَه

را که اراده کنی زیاد گردد کم نمی شود، و اگر کمی چیزی را اراده کنی توان افزایش ندارد؛ وَلَا أُحَدِّثُ شَهِيدَكَ حِينَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ، وَلَا ضِدُّ حَضَرَكَ حِينَ در هنگام آفرینش مخلوقات هیچ کس گواه تو نبود، و در زمان خلقت جان دارها نیز هیچ کس که با تو ضدیت داشته باشد بَرَأْتُ النَّفُوسَ . كَلِمَةُ الْأَلْسُنُ عَنْ تَبْيِينِ صِفَتِكَ، وَأَنْحَسِرَتْ نَزْدَتِ حَضُورِ نَدَاثَتِ . زبان ها از روشنگری در مورد صفت تو عاجز و ناتوانند، وَالْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَكَيْفَ تُدْرِكُكَ الصَّفَاتُ، أَوْ تُحَوِّكَ عَقْلُهَا در حسرت رسیدن به کُنْهِ و نهایت شناخت تو درمانده اند؛ آخر، چگونه صفت ها تو را در می یابند؟ و به چه صورت، الْجِهَاتُ، وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَرْزِقْ دَائِمًا فِي جِهَتِهَا می توانند تو را در بر گیرند؟ در حالی که تو جبار و قُدُّوس (پاک و در نهایت پاکی) هستی؛ همان که پیوسته، الْغُيُوبِ وَخَيْدِكَ، لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ، وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ . حَارَتْ و همیشگی و به طور دایم تنها در غیب مطلق هستی، جز تو در آن نیست، و غیر از تو کسی شایسته شان نیست . فِي مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ مِذَاهِبِ التَّفَكِيرِ، وَخَسِيرٌ عَنْ إِدْرَاكِكَ در ملکوت تو نیز عمیق ترین راهروهای اندیشه، حیران شده اند؛ دیده ژرف نگر و باز، از ادراک حقیقت تو خسته بَصِيرُ الْبَصِيرِ، وَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنَتِ الْوُجُوهُ بِدَلٍّ و درمانده است؛ پادشاهان در برابر هیبت تو فروتن اند؛ آبروداران در برابر عزت تو سر خواری و بیچارگی الْإِسْتِكَانَةَ لِعِزَّتِكَ، وَأَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِعِظَمَتِكَ، وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ فِرْدٍ آورده اند؛ همه چیز مُنْقَاد

و سرافکنده در برابر عظمت و بزرگی تو است؛ هر چیزی در برابر نیرو و قدرت تو سر تسلیم فرود شئی ۱ لُقْدَرْتِكَ ، وَخَصَّعَتِ الرَّقَابُ بِسُلْطَانِكَ ، فَصَلِّ هُنَالِكَ آورده است؛ با سلطنت و چیرگی تو، تمام کردن ها به خضوع و افتادگی درآمده است، و در این جاست که هر التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ لَكَ ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ تَدْبِيرٌ وَ چاره جویی در پیدا کردن صفاتی برای تو، دچار گمراهی و سرگردانی شده است؛ هر کس در مورد صفات اندیشه کند طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيراً ، وَعَقْلُهُ مَبْهُوتاً مَبْهُوراً ، وَفِكْرُهُ مُتَحَيِّراً . در مانده و خسته از این کار برمی گردد، و عقلش ناتوان و شگفت زده و اندیشه اش سرگردان می شود؛ اَللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَقِيدُ حَمِيداً مُتَوَاتِراً مُتَوَالِياً مُسْتَقِماً مُسْتَوْثِقاً يَدُومُ اى خدا؛ پس، تمام حمد و سپاس ها را مخصوص تو می دانم؛ حمد و سپاسی پی در پی، متصل، همراه و محکم به هم جسیده، که ولا یبیدُ عَنَّا مَفْقُودٌ فِي الْمَلَكُوتِ ، وَلَا مَطْمُوسٌ فِي الْعَالَمِ ، دایمی باشد و قطع نشود و در ملکوت نیز ناپدید نشود، و در جهان آفرینش محو و نابود نشود، وَلَا مُتَّقَصٍ فِي الْعُرْفَانِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمِيداً لِاتِّخْصِي مَكَارِمُهُ و از نظر شناخت نیز کم نداشته باشد؛ پس، سپاس و ستایشی که مکرمت ها و خوبی هایش را نتوان برشمرد سزاوار توست ، فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ، وَفِي الصُّبْحِ إِذَا أَشْفَرَ ، وَفِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، و تو را سپاس هنگامی که شب پشت می کند و هنگامی که صبح طلوع می کند؛ در دریا و خشکی، وَبِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ، وَالظَّهْرِ وَالْأَشْحَارِ . و صبح و شام، و در شبانگاه و

بامدادن و در ظهر و سحر گاهان . اَللّٰهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ اُحْضِرْ لِي النِّجَاةَ ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَايَةٍ بَارِئَةٍ ؛ با توفیقت مرا نجات بخشیدی، و در دایره حفظ و حراست خود سرپرستی و نگه داری کردی، اَلْبِضْمَةَ ، لَمْ تَكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي اِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي اِلَّا بِطَاعَتِي ، بيش از طاقت و توانم برای من وظیفه ای نگذاشتی؛ زیرا، تنها فرمان برداریت را از من خواستی تا مورد رضایت قرار گیرم . فَلَيْسَ شُكْرِي وَاِنْ دَابَّتْ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ ، وَبِالْعَتُّ مِنْهُ فِي بِنَابِرِئِنِ ، سپاسگزاری و تشکر من از تو) هر چند در گفتار خسته شوم، و نهایت توانم را در انجام آن به کار بگیرم(نخواهد توانست اَلْفِعَالِ بِبَالِغِ اَدَاءِ حَقِّكَ ، وَلَا مُكَافِ فَضْلِكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَا حَقَّ رَا اِدا كند و هم پایه فضل تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی كه اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ عَنْكَ عَابِيَهٌ ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَهٌ ، معبودی جز تو نیست؛ هیچ پنهان شده ای از تو پنهان نشده است، و هیچ چیز پوشیده و مخفی نیز بر تو پوشیده نیست، وَلَا تَنْصِلُ لَكَ فِي ظُلْمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةً ، اِنَّمَا اَفْرَكَ اِذَا اَرْدَتْ و در تاریکی های پنهان ، گم شده ای از نظر تو گم نمی شود . شَأْنُ تَوْجِنِ است كه هر گاه چیزی را اراده کنی شَيْئًا اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتْ بِهِ اَنْ مِي گویی:)انجام(شو؛ آن نیز) بلافاصله(انجام می شود . بار الها ؛ تو را سپاس به همان گونه كه بِهِ نَفْسُكَ ، وَحَمْدُكَ بِهِ الْحَامِدُونَ ، وَمَجْدُكَ بِهِ الْمُتَمَجِّدُونَ ، خود را ستوده ای ؛ و همان گونه كه

تمام ستایشگران تو را حمد و سپاس گفته اند، و تمام ثناگویان تو را ثنا و تمجید نموده اند، وَكَبِّرَكَ بِهَ الْمَكْبُورُونَ، وَعَظَمَكَ بِهَ الْمُعْظَمُونَ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ وَبِزَرَكَ دَارِنْدگان تو را بزرگ داشته اند، و به عظمت یادکنندگان تو را تعظیم کرده اند؛ تا جایی که مِنَى وَخَيْدَى فِى كُلِّ طَرْفِهِ عَيْنٍ، وَأَقْلَ مِنْ ذَلِكَ، مِثْلَ خَرِيدٍ مِنْ هَرِّ عَيْنٍ، وَتَأْتِ بِهَ نِهَايِىَ بِهَ اَنْدازه جَمِيعِ الْحَامِدِينَ وَتُوحِيدِ اَضْرِيَانِ الْمُخْلِصِينَ، وَتَقْدِيسِ اَجْبَانِكَ تمام ستایشگران تو را ستایش کنم، و به اندازه تمام مخلصان تو را یگانه بخوانم، و به اندازه تمام دوستان عارف تو را العارفين، وَتَأْتِ بِهَ جَمِيعِ الْمُهْلِيِّنَ، وَمِثْلَ مَا اَنْتَ عَارِفٌ بِهَ، تَقْدِيسِ كُنْمَ، وَبِهَ اَنْدازه تمام تهلیل گویان تو را ثناگویی کنم؛ همانند آنچه که تو خودت نسبت به آن شناخت داری، وَمَخْمُودٌ بِهَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَالْجَمَادِ . وَأَرْغَبُ وَبِ اَنْ سَتَايِش شُونده اى از تمام مخلوقات اعْمَ از حيوان و جمادات . بار الها؛ اشتیاق دارم اِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِى شُكْرِ مَا اَنْطَقْتَنى بِهَ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا اَيْتَرَ مَا شَكَرَ وَسِياسَ تمام ستایش هاى را كه زبَانم را بَدان گویا كُردى نيز به جَاى آورم . چه قدر آسان است كَلَفْتَنى مِنْ ذَلِكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنى عَلَى شُكْرِكَ، اِپْتِداً اَتْنى اِنْجَامِ اَنْ چه مرا بَدان مَوْظَف فرمودى، وَچه عَظِيم است وَعده هاى كه بَرای سِياسِ كَرارِيت به مَن دادى؛ از راهِ بِالنَّعْمِ فَضْلاً وَطَوْلاً، وَأَمَرْتَنى بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلاً، وَوَعَدْتَنى فَضْلاً وَطَوْلاً وَدُوسْتى وَلُطْفِ شُرُوعِ بِهَ نِعْمَتِ بَخْشِيدِنِ بِهَ

من کردی، و به من دستور دادی که در مقابل آن نعمت ها - چنان که حقّ توست و عدالت نیز علیه اضعافاً و مزیداً، و اَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اِغْتِبَاراً و اَمْتِحَاناً، همین را اقتضا می کند - به شکرگزاری
بپردازم؛ نیز به من وعده فرمودی که در مقابل شکر و سپاسگزاریم نیز چند برابر به من ببخشی و پاداش و سَأَلْتَنِي مِنْهُ فَوْضاً يَسِيراً صَغِيراً، و وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ اَضْعَافاً بَدَهِي. از روزی و رزقت جهت عبرت جویی
و آزمایش، به من ارزانی داشتی، ولی در مقابل مقدار کم و کوچک از آن را از من درخواست کردی و باز هم در و مَزِيداً و اِعْطَاءً كَثِيراً، و عَافَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ الْبَلَاءِ، و لَمْ تُشِيلِمْنِي مَقَابِلَ پَرَدَاخْتِ اَنْ، وعده
پاداش های چند برابر و نیز بخشش های بسیار به من دادی. و مرا از سختی بلا عافیت و سلامت دادی و لِلشَّوْءِ مِنْ بَلَايِكَ، و مَنَحْتَنِي الْعَافِيَةَ، و اَوْلَيْتَنِي بِالْبَشَطَةِ به بدی های بلایت رها نکردی، و عافیت و
سلامتی را به من احسان نمودی، و مرا با گستردگی و الْاِخْتَاءِ، و ضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْمَحَلِّهِ و رفاه یاری کردی و برای من فضل و احسان را - با این که در محلّ بزرگواری برای من
وعده دادی - الشَّرِيفَةَ، و بَشَّرْتَنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الْمُنْبِعَةِ، و اَضْرَبْتَنِي چندی برابر قرار دادی، و به وسیله او مرا به درجه رفیع و والا- بشارت دادی، و مرا به اَعْظَمِ النَّبِيِّنَ دَعْوَةَ، و اَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بزرگ ترین پیامبران از نظر فراخوان و برترین آنان از نظر شفاعت یعنی حضرت محمد - که درود

خدا بر او و آل او باد - برگزیدی . وَ اِلَيْهِ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا لَا يَسِيْرُهُ اِلَّا مَغْفِرَتُكَ ، وَلَا يَمْحَقُهُ اِلَّا بِارْحَمٰهٖ ؛ بيا مرز برای من آنچه را که جز آموزش تو آن را توان ندارد ، و جز عَفْوُكَ ، وَهَبْ لِيْ فِيْ يَوْمِيْ هٰذَا وَسَاعَتِيْ هٰذِهِ يَقِيْنًا يُهَوِّنُ عَلَيَّ عَفْوَتَ اَنْ رَا مَحُوًّا وَنَابُوْدًا نَكَدًا ؛ امروز و در ساعت حاضر یقینی به من ببخشی که مُصِيْبَاتِ الدُّنْيَا وَاٰخِرَاتِهَا ، وَ يُشَوِّقُنِيْ اِلَيْكَ ، وَ يُرَغِّبُنِيْ فِيْمَا مَصِيْبَتِهَا وَ اَنْدُوْدِهَا دُنْيَا رَا بَرِّمِنْ اَسَانٍ گرداند ، و مرا مشتاق تو کند ، و ترغیب به چیزهایی که عِنْدَكَ ، وَ اَكْتُبْ لِيْ الْمَغْفِرَةَ ، وَ بَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ ، وَ ارْزُقْنِيْ شُكْرًا مَا نَزَدَ تَوْسْتِ بِنَمَايِد . مغفرت و آموزش خویش را برای من بنویس ، و مرا به کرامت برسان ، و شکر و سپاسگزاری بر اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيَّ ، فَ اِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيْعُ الْبَدِيْعُ الْبَدِيْعُ نِعْمَتِ هَايْتِ رَا كِه بَرِّمِنْ عَنَايْتِ كَرْدِي ، رُوْزِيْمِ كَنْ ؛ زِيْرَا ، تُو خدای یکنای والای آغا زگر نو آور السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ الَّذِي لَيْسَ اِلَّا اَمْرًا مَرَكًا مِدْفَعًا ، وَلَا عَنَ قَضَائِكَ شَنْوَايِ دَانَا هَسْتِي ؛ خدایی که هیچ چیزی نمی تواند دستورت را برگرداند ، و از قضا و نظر تو مُمْتَنِعٌ ، وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَبِّيْ وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَا طِرُّ السَّمَاوَاتِ جَلُوْگِيْرِي كَنْد ؛ و گواهی می دهم که تو پروردگار من و پرورش دهنده تمام چیزی هایی ؛ آفریننده آسمان ها و اَلْاَرْضِ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، اَلْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ الْمُتَعَالُ . اَللّٰهُمَّ زَمِيْنِي ؛ دَانَايِ پَنْهَانِيْ هَا وَ دِيْدِنِيْ هَا ؛ بَلَنْد مَرْتَبَه ، بَرْگِ وَ وَالَا مَقَام . بَار خدایا ؛ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ التَّبَاتَ فِي الْاَمْرِ ، وَالْعَزِيْمَةَ فِي الرُّشْدِ ، وَ اِلْهَامَ بِهٖ

راستی من از تو درخواست ثبات و پایداری را در ولایت، و عزم راسخ در انجام خوبی‌ها، و الهام الشکر علی نعمتک، و اعود بک من جور کل جائز، و بغي کل به من برای سپاسگزاری بر نعمت هایت دارم. از جور و ستم تمام جائران و ستم کاران، از جفا کاری باغ، و حسد کل حاسد. اللهم بک اصول علی الأعداء، و إياک زور گویان، و از حسد حسادت کنندگان به تو پناه می آورم. بارالها به واسطه تو می خواهم بر دشمنان ظفر و چیرگی یابم؛ و تنها از تو ارجو ولایته المأجیاء، مع ما لا أشیطع إحصاءه من فوآئد ولایت و دوستی و دوستان را امید دارم؛ با این که هنوز نمی توانم موارد فضلک، و اشیان رفیک، و انواع رزقک، فایک أنت الله لا إله فضل سودمندت، و انواع پذیرایی و روزی ات را به شماره در آورم. همانا، تو خدایی هستی که إلی أنت الفاشی فی الخلق حمدک، و الباسط بالجوید یدک، جز تو معبودی نیست و ستایشت در بین خلقت گسترده و آشکار است، و دست جود و بخشش باز و گسترده است، لا تضاد فی حکمک، و لا تنازع فی سلطانک و ملکک، و لا تراجع و در حکم و فرمان تو با تو ضدیت نمی توان کرد، و در سلطنت و فرمان روایی، کسی نمی تواند به جنگ تو بیاید، و امر و دستور تو فی اثرک، تغلبک من الأنام ما شئت، و لا یفلکون إلی ما ترید. باز گرداننده نمی شود، هر چه از مردم را بخواهی ملک توست؛ لیکن هر چه آن‌ها بخواهند - جز با اراده تو - بدست نمی آورند.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدِّسُ فِي نُورِ بَارِهَا ؛ تو نعمت بخش، فضل و فزونی بخش، توانا، جیره و غالب و پاکیزه دانسته شده در نور القُدس ، تَرَدُّبَتِ بِالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ ، وَتَعَظَّمَتِ بِالْقُدْرَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ ، پاک هستی؛ لباس عزت و بزرگواری بر تن داری ، و با قدرت و کبریایت ابراز بزرگی می کنی ، وَعَشِيَّتِ النُّورَ بِالْبَهَاءِ ، وَجَلَلَتْ الْبَهَاءَ بِالْمَهَابَةِ . اللَّهُمَّ لَكَ وَنُورَ رَا بِه زبایی و درخشندگی پوشانده ای، و درخشندگی را با هیبت جلالت بخشیده ای . بار خدایا ؛ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ ، وَالْمَنْ الْقَدِيمُ ، وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ ، وَالْحَوْلُ سَتَائِشِ فِرَاوَانَ از آن توست؛ مَنَّتْ دیرینه مخصوص توست؛ سلطنت رفیع و پابرجا مال توست؛ جنبش الواسِعُ ، وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ ، وَالْحَقِيدَةُ الْمُتَتَابِعَةُ الَّذِي لَا يَنْمُدُ وَتوان فراگیر، قدرت شایان، و ستایش پی در پی که پایان نپذیرد و تا بِالشُّكْرِ سَيُؤَمِّدُ وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا ، إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمِ نِزَازِ بَيْنِ رَفْتِي نِيسَت ، سزوار توست؛ زیرا، تو مرا از بافضیلت ترین فرزندان حضرت آدم ، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا صَرِيحًا سَوِيًّا مُعَافًا لَمْ تَشْعَلْنِي آدَمَ قَرَارِ دَادِي ، وَمَرَا شِنَا ، بِنَا ، سَالِمَ دَرَسْتِ اِنْدَام ، بَا عَافِيَتِ وَ سَلَامَتِي قَرَارِ دَادِي بِنُقْصَانِ فِي بَدَنِي ، وَلَا بَافِيهِ فِي جَوَارِحِي ، وَلَا عَاهِهِ فِي نَفْسِي وَ دَرِ بَدَنِي كَمَبُودِي نِيسَت تَا مَرَا بِه خُودِ مَشْغُولِ كُنْد ، وَ اِعْضَا وَ جَوَارِحِم نِيز دِجَارِ آفَتِ وَ بِيْمَارِي نِيسَتند ، وَ دَرِ رَوَانِ وَلَا فِي عَقْلِي ، وَلَمْ يَمْنَعَكَ كِرَامَتُكَ إِيَّايَ ، وَحُسْنُ صُنْعِكَ وَ عَقْلُ نِيز آسِيْبِي وَ جُودِ نَدَارِد . كِرَامَتِ وَ بَزْرِ گُورَايِ تُو بَرِ مَن ، وَ كَارِهَايِ نِيكِي كِه بَرَايِمِ مِي كُنِي ، عُنْدِي ، وَفَضْلُ

نَعْمًا بِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَعَتْ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا ، و فزونی نعمت هایت تو را باز نداشت که نعمت هایت را در این دنیا بر من گسترانیدی، وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلًا ، وَجَعَلْتَنِي سَيِّمِعًا أَعْيَ مَا و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری و فضیلت بخشیدی، و مرا شنوا قرار دادی تا به کَلَفْتَنِي ، بَصِيرًا أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ لِي ، وَاسْتَوْعَيْتَنِي وَظَايِمَ غَوْشِ فِرَا دَهْمٍ ، و مرا بینا قرار دادی تا قدرت تو را که برایم آشکار ساختی بینم، و مرا مراعات کردی و وَاسْتَيْوَدَعْتَنِي قَلْبًا يَشْهَدُ بِعَظَمَتِكَ ، وَلسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ ، قلبی به من دادی تا با این ودیعه ارزشمند بتوانم عظمت تو را مشاهده کنم، و زبانی گویا به یگانگی ات، ارزانی ام کردی. لَذا ، فَبَانِي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدًا ، وَلِتَوْفِيَّتِكَ إِبَائِي بِحَمْدِكَ شَاكِرًا ، من تو را جهت فضل و فزونی که بر من بخشیدی ستایش گرم، و به خاطر این که توفیق ستایشت را به من دادی شکر گزارم وَبِحَفِّكَ شَاهِدًا ، وَإِلَيْكَ فِي مُلَمِّي وَمُهَمِّي ضَارِعٌ ، لِأَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ وَبِهِ حَقٌّ تَوْ غَوَاهِي دَهْنَدِهْ اَم و در امور سخت و مهمم به تو تَضَرَّع كُنْدِهْ اَم؛ زيرا تو قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ ، وَحَيٌّ تَرْتُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا ، از هر زنده ای زنده بوده ای، و پس از هر که بمیرد نیز زنده خواهی بود، و زنده ای هستی که وارث زمین و هر که بر آن قرار دارد وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ . اَللّهُمَّ لَا تَقْطَعْ عَنِّي خَيْرَكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ ، می باشی، و تو بهترین وارثان هستی. خدایا؛ خیر و نیکی ات را هیچ گاه از من قطع مکن، وَلَمْ تُنَزِلْ

بِ عَفْوَاتِ النَّعْمِ ، وَلَمْ تَنْعِرْ مَا بِي مِنَ النِّعَمِ ، وَلَا وَ كَيْفَرِهَاى انتقامى ات را بر من مفرست، و نعمت هاىى را كه بر من ارزانى داشته اى تغيير مده، اُحْلَيْتَنِى مِنْ وَثِيقِ الْعِصْمِ ، فَلَوْ لَمْ اُذْكَرْ مِنْ اِحْسَانِكَ اِلَى و از حفاظت گاه هاى محكم و مطمئن مرا خالى مگردان ؛ زيرا، اگر من از احسان و اِنْعَامِكَ عَلَيَّ اِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي ، وَالْاِسْتِجَابَةَ لِذَعَائِي ، حِينَ وَ نِعْمَتِ بَخْشِى ات بر من، جز عفو و بخشش و پاسخ دادن به دعاىم - هنگامى كه رَفَعْتَ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَ تَمْجِيدِكَ ، لَا فِى تَقْدِيرِكَ جَزِيلٍ حَطَى سِر بَلَنْد كردن براى ستايش و بزرگ شماريت - را ياد نمى كردم ، با قراردادن بهره فراوان ، حِينَ وَ فَوْرَتِهِ اَنْتَقَصَ مُلْكُكَ ، وَلَا فِى قِسْمَةِ الْاَزْوَاقِ حِينَ قَتَرْتَ چيزى از فرمان رواىى تو كم نمى گشت ، و در تقسيم نمودن رزق و روزى ها نيز با كم گذاشتن سهميه من چيزى عَلَيَّ تَوَفَّرَ مُلْكُكَ . اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ ، بر پادشاهى ات افزون نمى شد. خدايا؛ حمد و ستايش را به تعداد آنچه علم و دانش تو بر آن احاطه دارد ، مخصوص تو دائم؛ وَعَدَدَ مَا اُذْرَكْتُهُ قُدْرَتُكَ ، وَعَدَدَ مَا وَبِعْتَهُ رَحْمَتُكَ ، وَأَضْعَافَ به تعداد آنچه قدرت و توان تو آن را درك كند و دريابد؛ به تعداد آنچه رحمت تو آن را شامل و فرا گيرد؛ بلکه چندين برابر ذلِكَ كُلِّهِ ، حَمْدًا وَاصِلًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَازِيًا لِاَلَايِكَ وَ اَسْمَائِكَ . همه آن چه گفتم، حمد و ستايش رسنده پى در پى هم راستا بر نعمت ها و نام هايت (نشانه هايت) نثار مى كنم . اَللّهُمَّ فَتَمِّمْ اِحْسَانَكَ اِلَى فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمرى ، كَمَا اَحْسَنْتَ اِلَى بَار

پروردگارا؛ احسان و نیکی ات را بر من در باقی مانده دوران زندگانی ام تمام گردان، همان گونه که در [مِنْهُ] فیما مَضَى ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ گذشته زندگانی ام نیز چنین کردی؛ زیرا من با یگانه دانستن تو، و تهلیل گفتن وَتَجِيدِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ ، [وَأَسْأَلُكَ بِأَشِيمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ وَتَنَاوَيْتَهُ] و گرامی داشت و تعظیم تو به تو توسل می جویم (و تو را می خوانم به واسطه نامی که از آن آفریدی مِنْ ذَلِكَ فَلَا يُخْرُجُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ) . وَأَسْأَلُكَ بِأَشِيمِكَ الرُّوحِ وَرُوحِ الْمَكُونِ الْحَيِّ الْحَيِّ وَبِهِ وَبِهِ وَبِهِ ، وَبِكَ وَبِكَ وَبِكَ ، أَلَا پنهان، زنده زنده زنده، و به او، و به او، و به او؛ و به تو، و به تو، و به تو؛ که تَحْرِمَنِي رَفْدَكَ ، وَفَوَّأَيْدِ كَرَامَتِكَ ، وَلَا تُؤَلِّئَنِي غَيْرَكَ ، وَلَا تُشِيلِمَنِي مَرَا مِنْ جَائِزِهِ وَكَرَامَتِ هَآئِلِ سُوْدَمَنْدَتِ مَحْرُومِ مَكْرَدَانِي، و سرپرستی ام را به دست کسی جز خودت مسپار، و مرا إِلَى عَدُوِّي ، وَلَا تُكَلِّئَنِي إِلَى نَفْسِي ، وَأُحْسِنُ إِلَيْ أُمَّتِ الْإِحْسَانِ بِه دَسْتِ دَشْمَنْمِ تَسْلِيمِ مَكْنِ، و به خودم نیز مسپار و وامگذار؛ و كامل ترين احسان را در حال حاضر عَاجِلًا وَآجِلًا ، وَحَسِّنْ فِي الْعَاجِلِ عَمَلِي ، وَبَلِّغْنِي فِيهَا أَمَلِي و به زودی و نیز در آینده ها بر من فرو فرست، و در زمان های نزدیک باعث نیکی عملم، و در نزدیک و دور زمانه، مرا به آرزوهایم وَفِي الْأَجَلِ ، وَالْخَيْرِ فِي مُثْقَلِي ، فَإِنَّهُ لَا تُفْقِرُكَ كَثْرَةُ مَا يَنْدَفِقُ بِرِسَانِ، و در بازگشتن نیز به من

خیر برسان؛ زیرا، جوشش زیاد فضل و احسان تو نیازمندت نخواهد کرد؛ **يَهْ فَضْلِكَ** ، **وَسَيَبِي الْعَطَايَا مِنْ مَنَّكَ** ، **وَلَا يُنْقِصُ جُودَكَ تَقْصِيرِي** بخشش ها از ناحیه تو می رسد، و کوتاهی من در سپاسگزاری نعمت تو باعث کاستی در بخشش فی شکر نعمتک ، **وَلَا تُجِمُّ خَزَائِنَ نِعْمَتِكَ النِّعَمَ** ، **وَلَا يُنْقِصُ عَظِيمَ** و جودت نمی گردد، و گنجینه های نعمت را نعمت ها زیاد و انبوه نمی گردانند، و بخشش های بزرگ تو مواهبک من بعبادتک الإِعْطَاءُ ، **وَلَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ الْفَاضِلِ** باعث کاستی در عطاهای فراگیرت نمی شود، و عطاهای خاص تو تأثیری در سخاوت بزرگ الجلیل مَنَحَكَ ، **وَلَا تَخَافُ ضَيْمَ** **إِنْفَاقٍ فَتُكَلِّدِي** ، **وَلَا يُلْحِقُكَ** و افزون و شکوه مندت ندارد، و از تنگدستی نمی هراسی تا دست نگره داری، و **خَوْفُ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ فَيْضَ مُلْكِكَ وَفَضْلِكَ** . **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا** ترس از بی چیزی به تو نمی رسد تا از فیض پادشاهی و فضلت کم کند . بار خدایا ؛ قلبی خاشعاً ، **وَيَقِيناً صَادِقاً** ، **وَبِالْحَقِّ صَادِعاً** ، **وَلَا تُؤْمِتِي مَكْرَكَ** ، خاشع، یقینی راستین و حقیقت جو، و سخن حق را آشکارکننده نصیبم کن؛ و کاری کن که خود را از مکر در امان ندانم ، **وَلَا تُثْبِتْنِي ذِكْرَكَ** ، **وَلَا تُهَيِّئْ عَنِّي سَبْرَكَ** ، **وَلَا تُؤَلِّئِي غَيْرَكَ** ، و یادت را از یادم مبر، و پرده پوشی ات را از من بردار، و سرپرستی ام را به دیگری مسپار، **وَلَا تُنْقِطْنِي** **مِنْ رَحْمَتِكَ بَلِّ تَعَمَّدَنِي بِفَوَائِدِكَ** ، **وَلَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ** مرا از رحمت ناامید مساز بلکه با سودبخشی ات مرا بهره مند گردان، و از بهره های زیبایت محروم مساز، **عَوَّائِدِكَ** ، **وَكُنْ لِي فِي كُلِّ وَحْشِيهِ أُنَيْساً** ، **وَفِي كُلِّ جَزَعٍ حِصْناً** ، و در هر وحشتی انیس من باش، و در

هر بی تابی و ناشکیبایی جای امن و حصن من باش ، و مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ غِيَاثًا ، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ ، وَأَعِصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَاكَةٍ دَادِرْس مِنْ بَاش ، و از همه بلاها نجاتم بخش، و از هر زَلَلٍ وَخَطَايَةٍ ، وَتَمِّمْ لِي فَوَائِدَكَ ، وَفِنِي وَعِيدَكَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي لَغْزَشَ وَاشْتِبَاهِي نِگَاهَم دَارِ ، و سودبخشی ات را برایم کامل کن، و أَلِيمَ عَذَابِكَ وَتَدْمِيرَ تَنكِيلِكَ ، وَشَرِّفْنِي بِحِفْظِ كِتَابِكَ ، وَأَصْلِحْ عَذَابَ دَرْدَنَاكَتِ وَ هَلَاكَتِ عَقُوبَتِ وَ مَجَازَاتِ رَا از من دور گردان، و با نگهداری از کتابت به من شرافت ببخش ، و لی دینی دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي ، وَوَسَّعْ رِزْقِي ، و دین و دنیا و آخرت و اهل و فرزندم را برایم اصلاح کن، و رزقم را وسعت بده ، وَأَدِرَّهُ عَلَيَّ ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ ، وَلَا تَغْرِضْ عَلَيَّ . اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَرِزْمِ رَا رِيزَانِ گِرْدَانِ ، و به من رو کن و روی مبارکت را از من مگردان. بارالها؛ مرا بالا ببر وَلَا تَضَعْنِي ، وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي ، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تُخْذِلْنِي ، و پست مگردان، و به من رحم کن و مرا عذاب مکن، و یارم کن و خوارم مکن،

حکایت حرز یمانی

وَإِزْنِي وَلَا تُؤْزِرْ عَلَيَّ ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُشِيرًا وَفَرْجًا ، و مرا بر دیگران ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده، و در کارم راحتی و گشایش بیاور، وَعَجِّلْ إِيْجَابَتِي ، وَاسْتَجِبْ لِي مِمَّا قَدْ نَزَلَ بِي ، إِنَّكَ عَلِيٌّ كُلُّ وَ در پاسخ مثبت دادن به من شتاب کن، و از مشکلاتی که بر من وارد شده است رهاییم بخش؛ اعتقاد و باورم آن است

که تو بر هر شیءِ قدیر، وذلک علیک یسیر، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ . (۲)

چیزی توانایی، و این کارها برایت آسان است، و تو سخاوت مندی بزرگوار هستی .

حکایت حرز یمانی

در «دار السلام» نقل فرموده است: دستخط علامه مجلسی اول رحمه الله را در پشت دعایی که معروف به حرز یمانی است چنین یافتیم:

به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و درود بر شرافتمندترین پیامبران مرسل محمدصلی الله علیه وآله وسلم و عترت پاک او باد .

و بعد؛ سید نجیب و ادیب بزرگوار، برگزیده بزرگواران و نقیبان ارجمند، جناب امیر محمد هاشم - که خداوند تأیید و توفیقش را به واسطه مقام ارجمند محمد و آل پاکش علیهم السلام ادامه دهد - از من خواست تا اجازه حرز یمانی را که به امیر مؤمنان علیه السلام و امام پرهیزگاران و بهترین مخلوقات پس از آقا و سرور پیامبران (که درودها و سلام های الهی تا آن گاه که بهشت، جایگاه شایستگان خواهد ماند، بر آن دو بزرگوار نثار باد) نسبت داده می شود، به او بدهم .

به این خاطر، اجازه روایت این دعا را به او می دهم؛ با سندم که از سید عابد و زهد پیشه ارجمند امیر اسحاق استرآبادی (که نزدیک قبر آقای تمام جوانان اهل بهشت در کربلا دفن شده است) و او از امام و مولای ما و مولای جن و انس، جانشین خدای تعالی، حضرت صاحب العصر و الزمان - که بر او و پدران پاکش درود الهی نثار باد - نقل می کند .

آن سید بزرگوار فرمود

: در راه مکه بودم که گم شدم و از قافله عقب ماندم و کارم به جایی رسید که از زندگی ام نا امید شدم و همانند کسی که در حال مرگ است شدم و شروع به گفتن شهادتین کردم . ناگهان مشاهده کردم مولای ما و مولای جهان یعنی جانشین خداوند بر تمام مردم روی زمین، بالای سرم است .

آن حضرت فرمودند : ای اسحاق ؛ برخیز . برخاستم و ایستادم ، در حالی که تشنه بودم ، مرا سیراب فرمود و در پشت سرش بر مرکب سوار کرد ، پس شروع به خواندن این حرز نمودم و آن حضرت که درود خداوند بر ایشان باد اشتباهات آن را اصلاح می نمود تا دعا به پایان رسید ؛ در این هنگام مشاهده کردم که در «ابطح» هستم؛ از مرکب پیاده شدم و آن بزرگوار غایب شدند، و کاروان من نیز پس از گذشت نُه روز بدان جا رسید .

در بین اهل مکه مشهور شد که من با طی الأرض به مکه آمده ام؛ لذا، پس از انجام مناسک حج پنهان شدم .

مرحوم مجلسی اول می فرماید : ایشان (امیر اسحاق استرآبادی) چهل بار با پای پیاده به حج رفته بود . وقتی در اصفهان به خدمتش رسیدم ، از کربلا آمده بود تا به زیارت آقای دو جهان یعنی امام علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما مشرف شود . وی هفت تومان مهریه همسرش بر گردنش بود ، و همین مقدار را نیز از یکی از ساکنان مشهد مقدس طلب داشت .

از سویی ، در خواب دیده بود که مرگش نزدیک شده ، سید فرمود : من

پنجاه سال در کربلا ساکن بودم تا در آن جا بمیرم ، و حالا می ترسم مرگ در غیر کربلا مرا دریا بد و در شهر دیگری بمیرم . وقتی یکی از دوستان ما این جریان را دانست، هفت تومان به سید داد و یکی از برادران دینی را به همراهش روانه کرد .

آن شخص می گوید : وقتی سید امیر اسحاق به کربلا رسید و قرضش (مهریه همسرش) را ادا کرد ، بیمار شد و در روز نهم بیماریش از دنیا رفت و در خانه خویش دفن شد . کرامت های زیادی از این قبیل ، در مدتی که ایشان در اصفهان بودند ، از وی مشاهده کردم .

من چندین اجازه برای روایت این دعای شریف دارم که به همین یک اجازه بسنده کردم؛ از ایشان (امیر محمد هاشم) درخواست می کنم در جاهایی که بیشتر احتمال اجابت دعا هست مرا از یاد مبرد ، و از وی می خواهم که این دعا را مگر برای رضای خدای تعالی قرائت نکند، و اگر دشمنش از مؤمنان است هیچ گاه دعا را به قصد هلاک آن مؤمن نخواند اگرچه گناهکار یا اهل ستم باشد . و نیز این دعا را برای اندوختن دنیای پست به کار نبرد، بلکه شایسته است تنها برای نزدیک شدن به خدای تعالی و برای رد کردن زیان های شیطان های جنی و آدمی از خودش و از تمام مؤمنان ، این دعا را بخواند ، اگر بتواند چنین نیتی داشته باشد ؛ و اگر نمی تواند این گونه نیت کند ، بهتر است هیچ نیتی جز نزدیک شدن به خدای تعالی نداشته باشد .

این مطالب را محتاج ترین بندگان به

رحمت پروردگار بی نیازش، یعنی محمد تقی فرزند مجلسی اصفهانی نوشت؛ در حالی که خدا را ستایش، و بر سرور و سالار پیامبران و جانشینان نجیب و برگزیده اش علیهم السلام درود می فرستد. پایان کلام ایشان که خداوند جایگهش را در بهشت ابدی بالا ببرد.

فرزندش مرحوم علامه ابتدای این داستان را که در مورد دیدار حضرت مهدی ارواحنا فداه توسط امیر اسحاق بود، در جلد سیزدهم «بحار الأنوار» آورده است، ولی اختلاف زیادی با این حکایت دارد. (۳)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: از جمله دعاها مشهور، دعای «حرز یمانی» - که معروف به دعای سیفی نیز هست - می باشد. این دعا چند طریق و روایت مختلف دارد که طریق مهم آن را نقل می کنیم، إن شاء الله:

ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن علی فتی معروف به ابن خیطاط به ما گزارش داد و گفت: ابو محمد هارون بن موسی تلعکبری برایم گفت:

ابو القاسم عبد الواحد (عبدالله، خ) بن یونس موصلی در حلب برایم نقل کرد که علی بن محمد بن احمد معروف به مستنجد برایم حدیث گفت که: ابو الحسن کاتب برایم نقل کرد که عبد الرحمان بن علی بن زیاد گفت: عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر گفتند:

روزی در هنگامی که ما نزد مولای مان امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم، به ناگاه حسن بن علی علیهما السلام وارد شد و عرض کرد:

ای امیر مؤمنان؛ مردی آمده است و اجازه ورود می طلبد و بوی مُشک می دهد.

فرمود: بگو بیاید.

مردی تومنند و خوش سیما وارد شد که

چهره ای گیرا داشت و بزرگ منش بود و لهجه ای فصیح و خوش داشت و لباس پادشاهان بر تن داشت ؛ گفت :

السلام علیک یا أمیرالمؤمنین ورحمه الله وبرکاته . من مردی هستم که از دورترین مناطق سرزمین یمن آمده ام و از بزرگان عرب های منسوب به شما (شیعیان) می باشم ، من ملکی عظیم و نعمتی فراوان به جای نهاده ام و دارای زندگانی خوش و حالی آسوده و اموالی با رشد و ترقی داشتم ، و جریانات را آزموده بودم و روزگار مرا ورزیده ساخته بود و دشمنی دارم که بسیار سرسخت است و با سپاهیان فراوانش و نیروهای بزرگی که به کمک گرفته بود بر من حمله کرد و پیروز شد و راه های حيله و فرار از آن مرا درمانده ساخت .

شبی ، به خواب رفته بودم که شخصی ندا داد : ای مرد ؛ برخیز و به سوی بهترین خلق خدا پس از رسول او یعنی علی بن ابی طالب امیر و فرمان روی مؤمنان صلوات الله علیه وعلی آله برو و از آن حضرت درخواست کن تا دعایی به تو بیاموزد که حبیب خداوند و برگزیده و انتخاب شده از مخلوقاتش ، یعنی حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب صلوات الله علیه وعلی آله به او آموخته است ؛ زیرا در آن دعا ، اسم (ویژه) خدای عزّ وجلّ است؛ با آن دعا خدا را بخوان و دشمنت را که با تو به نبرد پرداخته است ، نفرین کن .

حرز یمانی

ای امیر مؤمنان؛ من از خواب بیدار شدم و به سرعت به همراه چهارصد بنده نزد تو آمدم ، و خدا و رسول او و

تو را گواه می گیرم که تمام شان را آزاد کردم و این کار را تنها برای خاطر خدای بزرگ انجام دادم . حالا با تنی لاغر و رنجور از راهی پرپیچ و خم و سرزمین دور نزدت آمدم ؛ پس بر من منت بگذار و به خاطر فضل و بزرگواریت ، و نیز به خاطر حقّ پدری و خویشاوندیت دعایی را که در خواب از آن مطلع شدم و مأمور شدم برای دریافت آن به خدمت شما برسم ، به من بیاموز .

مولای مان حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود :

باشد ؛ این کار را انجام می دهم إن شاء الله .

آن گاه ، دوات و کاغذی خواست و این دعا را برای آن مرد نوشت :

۲حرز یمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، وَاَنَا عَبْدُكَ ، بارالها؛ تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من بنده تو هستم؛ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَاَعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي ، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ ، بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ در حالی که (می دانم) جز تو کسی گناهان را نمی بخشد، فَاغْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورٌ . اَللّهُمَّ اِنِّي اَحْمَدُكَ ، وَاَنْتَ لِلْحَمْدِ پَسِ بَخْشِشِ وَاَمْرُشْتِ رَا شَامِلِ مَنِ گِردان، ای آمرزنده؛ ای پاداش دهنده؛ بارالها؛ من تو را ستایش می کنم، و می دانم که تو شایسته اَهْلٌ ، عَلَي مَا خَصَّصْتَنِي بِهٖ مِنْ مَّوَاهِبِ الرِّزْقِ اَتَّيْبِ ، وَاَمَّا وَصَلْ سَتَائِشِ هَسْتِي . سَتَائِشِ بِرِ بَخْشِشِ هَايِ خُوشِ آيِنْدِي كِه بِه مَن اِخْتِصَاصِ دَادِي ، وَفَضْلِ وَاِحْسَانِ فِرَاوَانِي كِه اِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السَّابِغِ ، وَاَمَّا اَوْلِيَّتِي بِهٖ

مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ ، به من رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی، وَبِوَأْتَنِي بِهِ مِنْ مَطْنَةِ الْعَدْلِ ، وَأَنْتَنِي مِنْ مَنَّكَ الْوَاصِلِ إِلَيَّ ، و آنچه از جایگاه عدل برای من جای دادی، و از لطف و احسان پیایی ات به من رسانیدی ، وَمِنْ الدَّفَاعِ عَنِّي ، وَالتَّوْفِيقِ لِي ، وَالْإِجَابَةِ لِدَعَائِي حَيْثُ أُنَاجِيكَ و از من دفاع کردی، و توفیقم دادی، و دعایم را مستجاب می کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می کنم ؛ دَاعِيًا . وَأَدْعُوكَ مُضَامًا ، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي وَهنگامی که تو را می خوانم در حالی که ستمدیده ام . و درخواست می کنم و می بینم که در همه جا نسبت به من جابراً ، وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا ، وَلِتَمْدُنُوَنِي غَافِرًا ، وَلِعَوْرَاتِي سَاطِرًا ، مهربان و نیکوکاری ، و در تمام کارها نظاره گر من هستی ، و گناهانم را می بخشی، و عیب هایم را می پوشانی؛ لَمْ أَغِدِمَ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُثَمِّدًا أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِحْتِيَارِ(۴) ، لِنَتَنُظَّرُ از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حَتَّى بَه قَدَرِ يَكُ چشَمِ بَرَهْمِ زَدَنِ نِيْزِ سِرَاغِ نَدَارِمُ که خیر و خوبی ات به من نرسیده ما اَقْدَمُ لِدَارِ الْقَرَارِ ، فَأَنَا عَتِفُكَ مِنْ جَمِيعِ الْأَقَاتِ وَالْمَصَائِبِ ، باشد. چنین کردی تا ببینی برای خانه همیشگی ام (آخرت) چه چیزی می فرستم (ای خدا! بدین سان، من آزاد شده تو از تمام فی اللوَابِ وَالْعُمُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الْهُمُومُ ، بِمَعَارِيضِ آسِيبِهَا وَ مَصِيبَتِهَا ، در سختی ها و غم و اندوه هایی هستم که ناراحتی ها را بر من حمله ور ساخته ؛ به پیش آمدن اَصْنَافِ الْبِلَاءِ ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ ،

لا أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا بِلَاهِيْ غُونَاغُونٍ ، وَرِخْ دَادِنِ سَخْتِيْ قِضَا . اَزِ تُو جِزِ خُوْبِيْ وَ زِيْبَايِيْ بِيْ يَادِ نِدَارْمِ الْجَمِيْلِ ، وَلَا أُرِيْ مِنْكَ عَنِيْرَ التَّفْضِيْلِ . خَيْرِيْكَ لِيْ شَامِلٍ ، وَفُضْلُكَ وَ جِزِ مِهْرِبَانِيْ وَ فَضْلٍ ، اَزِ تُو نَمِيْ بِيْنِمِ . خِيْرٍ وَ نِيْكَ تُو مِرَا فِرَا كَرَفْتِهْ اسْتِ ، وَ فَضْلٍ وَ فِرُوْنِ بَخْشِيْ تُو عَلَيِّ مُتَوَاتِرٍ ، وَنِعْمَتُكَ عِنْدِيْ مُتَّصِلَةٌ ، وَ سَوَابِقِيْ لَمْ تُحَقِّقْ جِذَارِيْ ، پِيْ دَرِ پِيْ بِيْ مَنِ مِيْ رَسَدِ ، وَ نِعْمَتٌ بِيْ طُوْرٍ مُتَّصِلٍ بِيْ مَنِ مِيْ رَسَدِ ، وَ سَابِقِهْ هَايِيْ كِهْ مَحَقَّقِ نَسَاخْتِيْ بِرَحْدَرِ شَدْنِمِ (نَاْمِيْدِيْمِ) رَا ، بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِيْ ، وَصَاحِبِيَّتِ أَشْفَارِيْ ، وَ أَكْرَمْتَ أَحْضَارِيْ ، بَلَكِهْ أَمِيْدِمِ رَا بِيْ رَاسْتِيْ رَسَانْدِهْ اِيْ ، وَ دَرِ سَفْرِهَا هِمْرَاهِمِ بُوْدِيْ ، وَ دَرِ وَطَنِ نِيْزِ بَا كِرَامَتِ وَ بَزْرگوَارِيْ بَا مَنِ رِفْتَارِ كَرْدِيْ ، وَ شَفَقِيَّتِ أَثْرَاضِيْ وَأَوْهَانِيْ ، وَ عَافِيَّتِ مُتَقَلَّبِيْ وَ مَوْتَوَايِ ، وَ لَمْ وَ بِيْمَارِيْ هَا وَ سَسْتِيْ هَايِمِ رَا شَفَا بَخْشِيْدِيْ ، وَ پَنَاهِگَاهِ وَ آرَامِگَاهِمِ رَا عَافِيَّتِ بَخْشِيْدِيْ ، تُشَجِّتُ بِيْ أَغْيَدَائِيْ ، وَ زَمِيَّتِ مَنِ زَمَانِيْ ، وَ كَفَيَّتِيْ مُؤَوْنَهْ مَنِ وَ دَشْمَنَانِ مِرَا اِجَازَهْ شِمَاتِ كَرْدِنِ نَسِبَتِ بِيْ مَنِ نِدَادِيْ ، وَ هَرِ كِهْ مِرَا هِدْفِ كَرَفْتِ اَوْ رَا هِدْفِ كَرَفْتِيْ ، وَ سَخْتِيْ وَ رِنَجِ ۱ . دَارِ الْأَخْبِيَارِ «مِتْرَلِگَاهِ آزْمَايِشِ» ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ : ۲۴۲/۹۵ .

عَادَانِيْ . فَحَمْدِيْ لَكَ وَاصِلٌ ، وَنَأَانِيْ عَلَيْكَ دَائِمٌ ، مِّنِ الدَّهْرِ دَشْمَنَانِمِ رَا اَزِ مَنِ كِفَايَتِ نَمُوْدِيْ . بِنَابِرَايِنِ ، سَتَايِشِمِ بِيْ تُو پِيُوْسْتِهْ ، وَ ثِنَاكُوْبِيْ اِمِ بَرِ تُو هِمِيْشِگِيْ اسْتِ ، اَزِ هَرِ زَمَانِيْ اِلَيَّ الدَّهْرِ ، بِالْوَانِ التَّشْبِيْحِ ، خَالِصًا لِذِكْرِكَ ، وَ مَرْضِيًّا لَكَ تَا زَمَانِ دِيْگَرِ ، بَا تَسْبِيْحِ گُوْبِيْ هَايِ گُونَاغُونِ ، فَفَطْ بِيْ خَاطِرِ يَادِ

تو و جلب خشنودی تو بِصَاحِبِ التَّوْحِيدِ (۵) ، وَإِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ بِطَوْلِ التَّعْدِيدِ ، وَمَزِيهِ أَهْلِ به توحید ناب و ستایشگری خالص ، با طولانی شدن شمارش و فزونی اهل المزیذ ، لَمْ تُعْنُ فِي قُدْرَتِكَ ، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي إِلَهِيَّتِكَ ، وَلَمْ تُعَلِّمْ أَفْرَاشِ خَوَاهِمِ بُوَدِ ، كَسِي فِي تَوَانِيْتِ يَارِيْتِ نَكْرَدِه اَسْتِ ، وَ دَر خَدَايْتِ نِيْز شَرِيْكَ نَشْدِه ، لِمَكَ مَا يَبِيْهُ فَتَكُوْنُ لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِسًا ، وَلَمْ تُعَايِنِ إِذْ وَ مَا هِيْتِي بَرَاي تُو نَدَانِسْتِه اَنْد تَا هَم جَنْس اَشْيَاي مُخْتَلَفِ بَاشِي ، وَ هَنْگَامِي كِه بِه حَبِيْثَتِ الْأَشْيَاءِ عَلَي الْعَرَآئِرِ ، وَلَا خَزَقَتِ الْأَوْهَامُ حُجُبَ هَر چِيْزِي غَرِيْزِه خَاصِي عَطَا مِي كَرْدِي دِيْدِه نَشْدِه اِي ، وَ اَوْهَامِ وَ خِيَالِ هَا نَتَوَانِسْتِه اَنْد پَرْدِه هَاي الْعُيُوْبِ ، فَتَعْتَقِدُ فِيْكَ مَخْدُوْدًا فِي عَظَمِيَّتِكَ ، فَلَا يَبْلُغُكَ بُغْدُ عَالَمِ پَنْهَانِ رَا بَدْرَدِ تَا اَعْتَقَادِ بِه مَحْدُوْدِيْتِي دَر مَوْرَدِ عَظْمَتِ تُو پِيْدَا كَنْنَد . بِنَابْرَايْنِ ، الْهَمَمُ ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكْرِ ، وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ نَظْرُ نَاظِرٍ فِي هَمَّتِ هَاي وَالَا تُوَانِ رَسِيْدِيْنِ بِه تُو رَا نَدَارَنْدِ ، وَ اَنْدِيْشِه هَاي ژَرْفِ نَكْرِ نَمِي تُوَانَنْدِ بِه تُو دَسْتِ يَاْزَنْدِ ، وَ نَكْرَشِ كَسَاْنِي كِه بَرِ مَجِيْدِ جَبْرُوْتِيْكَ ، إِزْتَفَعْتُ عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوْقِيْنَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ ، شَكُوْهَ جَبْرُوْتِ تُو چِشْمِ دُوخْتِه اَنْدِ بِه تُو مَنْتَهِي نَمِي شُوْدِ ، وَ يِزْگِي هَاي قَدْرَتِ بَرْتَرَاْزِ تُو صِيْفِ آفَرِيْدِگَانِ اَسْتِ ، وَ عَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءَ عَظَمِيَّتِكَ ، لَا يَنْقُصُ مَا أَرْدَتْ أَنْ يَزْدَادَ ، وَ بَزْرُگِي كِبْرِيَايْتِ بَرْتَرَاْزِ اَنْ هَاسْتِ . چِيْزِي رَا كِه اَرَادِه كَرْدِه اِي تَا اَفْرُوْنِ بَاشْدِ كَمِ نَمِي شُوْدِ ، وَلَا يَزْدَادُ مَا أَرْدَتْ أَنْ يَنْقُصَ ، لَا أَحِيْدَ حَضْرَكَ حِيْنَ بَرَأْتُ وَ چِيْزِي كِه خَوَاسْتِه اِي كَمِ بَاشْدِ اَفْرُوْنِ نَمِي كَرْدَدِ . هِيْجِ كَسِ ، دَر هَنْگَامِ آفَرِيْنِشِ النَّفُوْسِ ، كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ تَفْسِيْرِ صِفَتِكَ ، وَ اِنْحَسَرَتْ

الْعُقُولُ جان ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر و بیان وصف تو در مانده اند، و عقل ها در دست یابی ۱. این کلمه به تعبیرات مختلف وارد شده: بِصَانِعِ التَّوْحِيدِ، بِبَانِعِ التَّوْحِيدِ، بِبَانِعِ التَّوْحِيدِ، ولی نسخه ای که در متن ذکر کرده ایم صحیح تر است.

عَنْ كُنْهِ عَظَمَتِكَ، وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ، به کنه و عمق حقیقت بزرگی تو در مانده اند؛ چگونه قابل وصف هستی، در حالی که تو بسیار قدرتمند و در نهایت پاکی هستی؟ أَلَدَى لَمْ تَزَلْ أَرْزِيًّا دَانِمًا فِي الْعُيُوبِ وَخَيْدِكَ لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ كَمَا هَمِيشَة وَبِه طُور دَايِم، به تنهایی در پنهانی ها هستی و کسی جز تو وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ، حَاذٍ فِي مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ مِيذَابِ التَّفَكِيرِ، نمی تواند چنین باشد. ژرف ترین راههای اندیشه در ملکوت تو سرگردان شده است؛ فَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِدَلِّ الْأَشْيِكَاثِ وَبَدِينِ سَانَ، پادشاهان برای عظمت تو به فروتنی افتاده اند، و آبرومندان با ذلت و بیچارگی صورت بر خاک نهاده اند؛ لَكَ، وَأَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ، وَاشْتِشْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ، و هر چیزی منقاد و سرافکننده عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو سر تسلیم و بندگی فرود آورده است، وَخَضَعَتْ لِمَكَ الرُّقَابُ، وَكَلَّ دُونَ ذَلِكَ تَخْيِيرُ اللُّغَابِ، وَضَلَّ وَغَرَدْنَ هَا دَر بَرَابَرِ فِرُوتِنِ وَكُجِ شَدَه اَسْت، و لغات را یارای رسیدن به آن نیست، وَهُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصَّفَاتِ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ تَدْبِيرِ عَقْلًا دَر چگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است. بدین سان، هر کس در آن تفکر کند طُرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا

وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا، وَتَفَكُّرُهُ مُتَحَيِّرًا. اَللّٰهُمَّ فَلَنِكَ چشمتش در حالی که خسته و درمانده گشته به سوی او برمی گردد، و عقلش مبهوت و اندیشه اش سرگردان می شود. بار الها؛ تو را الْحَمْدُ متواتراً متوالياً مُسْتَمْتَمًا مُسْتَوْتَمًّا، يَدْوُمُ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ ستایش می کنم به طور پی در پی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه ای که دایمی باشد و از بین نرود مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ، وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْمَعَالِمِ، وَلَا مُتَّقِصٍ فِي و در ملکوت نیز گم نشود، و در مکان های مخصوص آن محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کمبودی الْعُزْفَانِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَا لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ، نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست آن چنان که خوبی های آن قابل شمارش نیست در آن هنگام که شب پایان می رسد وَالصُّبْحِ إِذَا أَشْفَرَ، وَفِي الْبَرَارِي وَالْبِحَارِ، وَالْغُدُوِّ وَاللَّصَالِ، و صبحگاهان طلوع می کند و در خشکی ها و دریاها و صبح و شام وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَفِي الظُّهَائِرِ وَالْأَشْحَارِ. اَللّٰهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ و شبانگاهان و بامدادان و در نیمه های روز و سحرگاهان. بار الها؛ با توفیقت أَخْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَلَا يَبِ الْعِضْمَةِ لَمْ أَبْرَحْ مَرًا بِه اشتیاق آوردی، و در حفظ و سرپرستی خودت قرار دادی به گونه ای که همیشه فی سُبُوغِ نِعْمَاتِكَ، وَتَتَابِعِ الْإِيكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي الْمُنْعَةِ در نعمت های بی شمارت به سر برده ام و خوبی های پیوسته ات به من رسیده است، و در قلعه حفظ و حراست تو محفوظ بوده وَالِدَّفَاعِ مَحُوطًا بِكَ فِي مَتَوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ و در حال آرام

گرفتیم و حرکت در احاطه تو بودم ، بیش از توانم نیز برای من وظیفه مقدر نفرموده ای؛ طاقتی ، إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاعَتِي ، وَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ أُبْلِغْتُ زَيْرًا ، تنها فرمان برداری از خودت را سبب خشنودیت از من قرار دادی. با این که سپاسگزاری من - هر فی الْمَقَالِ وَبِالْغُتِّ فِي الْفِعَالِ بِبَالِغِ آدَاءِ حَقِّكَ ، وَلَا مُكَافِئًا چَند در گفتن بکوشم و با تمام توانم کار کنم - نمی تواند حق تو را ادا کند، و پاداش لِفَضْلِكَ ، يَا نَبِيَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبْ فَضْلَ وَاحْسَانِ تُو بَاشَد ؛ زَیْرًا ، تُو خَدَائِي هَسْتِي كِه جَز تُو مَعْبُودِي نِیَسْت ؛ هِیْج گَاه جِزِي عَنكَ غَائِبِيَه ، وَلَا تَخْفِي عَلَيَّكَ خَافِيَه ، وَلَمْ تُضِلْ لَكَ فِي ظُلْمٍ كِه غَائِبِ اسْت بَرَاي تُو غَائِبِ نُبُودِه وَ نَخَوَاهِد بُوَد ، وَ هِیْج جِزِي پَنَهَانِي بَرَاي تُو پَنَهَانِ نِیَسْت ؛ وَ هِیْج گَم شَدِه اِي دَر تَارِيكِي هَاي الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةً ، إِنَّمَا أَهْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ پَنَهَانِي ، بَرَاي تُو گَمشَدِه نِیَسْت . فَرْمَان تُو اَيْن گُونِه اسْت كِه هَر گَاه بِه جِزِي بفرمائي: بَاش ؛ فَيَكُونُ . اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمَدْتُ بِه نَفْسِكَ ، وَحَمَدَكَ بِه مِي شُود . بَار اَلهَا ؛ سَتَائِش مَخْصُوص تُوَسْت بِه هَمَان شَكْلِي كِه تُو خُودت رَا سَتُودِه اِي ، وَ سَتَائِش گَرَان بِه الْحَامِدُونَ ، وَ مَجْدَكَ بِه الْمُمَجِّدُونَ ، وَ كَثْرَكَ بِه الْمُكْتَبِرُونَ ، سَتَائِشْت پَر دَاخْتِه اِنْد ، وَ ثَنَا گُويَان تُو رَا بَزْرگ شَمْرَدِه اِنْد ، وَ تَكْبِير گُويَان بِه بِيَان بَزْرگِي تُو پَر دَاخْتِه اِنْد ، وَ عَظْمَكَ بِه الْمُعْظَمُونَ ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَ خُدَى بِكُلِّ وَ تَعْظِيم كِنْد گَان دَر پِيشگَاه تُو بِه تَعْظِيم پَر دَاخْتِه اِنْد ؛ بِه طُورِي كِه

از من به تنهایی به اندازه طَرَفَه عَيْنٍ ، وَأَقَلُّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ الْحَامِدِينَ ، وَتَوْحِيدِ چشَمِ بر هم زدن و حَتَّى كَمْتَرِ از چشمِ بر هم زدن، قدر ستایش ستایشگران، و یگانه دانستن أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ ، وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ ، وَتَنَاءِ جَمِيعِ تمام مخلصان نسبت به تو، و منزّه دانستن تمام عارفان نسبت به ساحت تو، و ثناگویی تمام الْمُهَلِّلِينَ ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْخِيَوَانِ ، تَهْلِيلِ گویان ، و همانند آن چه تو از تمام مخلوقات زنده ات سراغ داری؛ باشد . وَأَزْعَبُ إِلَيْكَ فِي رَغْبِهِ مَا أَنْفَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ ، فَمَا أُبْتِئِرُ مَا و از طرفی مشتاق تو هستم که ستایش هایی را که بر زبانم آوردی برایت به جای آوردم. بدین سان، چه قدر آسان است كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ، إِثْنَادُأَنْتِي وَظِيْفَه اِي كِه بَرَاي اِدَاي حَقَّتْ بَرَايِم مَعِيْن فرمودی، و چه قدر وعده پاداش تو نسبت به من در مقابل ستایشم، عظیم است. بِا فَضْلِ بِالنَّعْمِ فَضْلاً وَطَوْلًا ، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدْلًا ، وَوَعَدْتَنِي وَاحْسَانِ خُودِ شُرُوعِ بَه نَعْمَتِ بَخْشِي بَه مَن كَرْدِي، وَ اَز اَنچِه كِه حَقِّ تُو بُوْد وَ عَدَالَتِ اِقْتِضَا مِي كَرْدِ بَه مَن فرمودی كِه سِپَاسگَرَايِ اَز نَعْمَتِ هَايْتِ رَا عَلَیْهِ اَضْعَافًا وَمَزِيدًا ، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اِغْتِبَارًا وَفَضْلًا ، بَه جَاي اَورَم، وَ وَعَدَه فرمودی كِه چنْد بَرَا بَر سِپَاسگَرَايِ مَن، بَه مَن پاداش خواهی داد؛ وَ اَز رِزْقِ وَ رُوزِيْتِ بَه مَن اَعْتَبَارِ وَ اَرْزِشِ وَ فَرْوَنِي عَطَا وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيرًا صَغِيرًا ، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ الْبَلَاءِ وَلَمْ كَرْدِي، وَ دَر مَقَابِلِ ، مَقْدَارِ

کوچک و کمی از آن را از من خواستی؛ و از سختی و رنج گرفتاری‌ها عافیتم بخشیدی، و تُشَلِّمَنِي لِلشَّوْءِ مِنْ بَلَاءِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ الْعَافِيَةِ، وَسَوَّغْتَ لِي بِهَا بَلَاءَهُمْ بِدُنُوِّكَ وَانْكَدَاشَتِي؛ به خاطر عافیتی که با آن مرا سرپرستی نمودی، و مِنْ كَرَامَةِ النَّحْلِ، وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِي مِنْ عَطَايَا كَرِيمَانِهِ بِخَشِيدِي، وَفَضْلِ وَاحْسَانِ رَا بِرِ مِنْ دُوْجِنْدَانِ نَمُودِي بِأَنْجِهْ اَزِ الْمَحْجَهْ الشَّرِيفَهْ، وَبَسْرَتْ لِي مِنَ الدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ الرَّفِيعَةِ، طَرِيقَهْ شَرِافْتَمَنْدَانَهْ دَرِ وَجُودِ وَدِيعَهْ نَهَادِي، وَدَرَجَهْ وَالَا وَبَلَنْدَمَرْتَهْ اِي رَا بَرَابِمِ فَرَاهِمِ فَرَمُودِي؛ وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً، مُحَمَّدٍ وَبِرْگَزِيدِي مَرَا دَرِ دُورَانِ پِيَامَبِرِي كِهْ اَزِ جِهْتِ فَرَاخَوَانِي، بَزْرگَتَرِينِ انْبِيَا وَ اَزِ جِهْتِ شَفَاعَتِ، بَرْتَرِينِ آنَهَا اسْتِ؛ يَعْنِي حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللّٰهُمَّ فَارْعِفُوْا لِي مَا لَا يَسْعُهُ اِلَّا مَغْفِرَتُكَ، كِهْ دَرُودِ خُدَا بِرِ اُوْ وَ اَلْ اُوْ بَادِ. بَارِ خُدَايَا؛ پِيَامَرَزِ بَرَايِ مِنْ اَنِّ جِهْ رَا كِهْ جَزْ اَمْرَزَشِ تُوْ فَرَاگِرِ اَنِّ نَبَاشَدِ، وَلَا يَمْحَقُهُ اِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يَكْفُرُهُ اِلَّا فَضْلُكَ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي وَجْزَ عَفْوٍ وَبَخْشِشِ تُوْ اَنِّ رَا نَابُودِ نَكُنْدِ، وَجِزْ فَضْلِ تُوْ اَنِّ رَا نَبُوشَانْدِ. وَامْرُوزَ بِهْ مِنْ يَقِينًا تَهْوُنُ عَلَيَّ بِهْ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَآخِرَاتِهَا بِشَوْقٍ اِلَيْكَ، يَقِينِي عَطَا كُنْ كِهْ بَا اَنِّ تَمَامِ مُصِيبَاتِهَا وَغَضَهْ هَايِ دُنْيَا رَا بِهْ وَاسْطَهْ اَشْتِيَاقِ بِهْ سُوِيِ خُودْتِ وَرَغْبَتِهْ فِيمَا عِنْدَكَ، وَارْتَبْتُ لِي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ، وَبَلَّغْتَنِي الْكِرَامَةَ، وَمِيلَ وَ

علاقه به نعمت هایی که نزد تو است آسان گردانی . و برایم نزد خودت بخشش و مغفرت را بنویس ، و مرا به کرامت برسان ، و از زُفنی شُکر ما اُنعمت بِه عَلَیْ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْزَّفِيعُ و سپاسگزاری از نعمت های ارزانی شده ات را نصیبم کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا، البدی ۲ البدیغ السَّمِيعُ الْعَلِیمُ ، الَّذِی لَیْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ ، وَلَا آغَاذِکَ ، نو آور، شنوا و دانا هستی؛ خدایی که دستورت قابل رد شدن نیست؛ عَنْ قَضَائِكَ مُتَّبِعٌ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبُّی وَرَبُّ كُلِّ شَیْءٍ ، فَاطِرٌ وَبَاز دارنده ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی می دهم که پروردگار من و پروردگار هر چیزی تو هستی؛ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، عَالِمِ الْغُیْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الْعَلِیُّ الْکَبِیْرُ . آسمان ها و زمین را آفریدی؛ آگاه از پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِی الْاَمْرِ ، وَالْعَزِیْمَةَ عَلَی الرُّشْدِ ، خدایا؛ به راستی از تو ثبات و پایداری در امر دین و ولایت، اراده قوی بر کامل شدن و الشُّکْرُ عَلَی نِعْمَتِکَ ، اَعُوذُ بِکَ مِنْ جَوْرِ کُلِّ جَائِرٍ ، وَبِعِی کُلِّ و بَعِی کُلِّ و سپاسگزاری نعمت هایت را درخواست می کنم. به تو پناه می آورم از جور و ستم هر ستمگر، و از تجاوز و ستم هر باغ ، وَحَسَبِیْ کُلِّ حَاسِدٍ ، بِکَ اَصُوْلُ عَلَی الْاَغْدَاءِ ، وَبِکَ اَرْجُو سَتَمَ بَیْشَه و حسادت هر حسود؛ با کمک تو بر دشمنانم هجوم می آورم و چیره می گردم ، وَلا تَغْدِیْهُ مِنْ عَوَائِدِ و سرپرستی دوستان را نیز از تو امید دارم، با این که نمی توانم فَضْلِکَ ، وَطُرْفِ رِزْقِکَ ، وَلا یَهْ اَلْاَحْیَاءُ مَعَ مَا لَا اَسْتَطِيعُ اِخْصَاءَهُ ،

، وَالْوَالِينَ مَا أُولِيَّتْ مِنْ إِزْفَادِكَ ، فَإِنَّكَ فَضْلٌ وَعَائِدَاتُ تُو ، وَنَصِيبُ هَايِ خُوشِ آيِنْدِ ، وَبَخْشِشِ نَمُودَنِ رَنگَارَنگِ تُو رَا بِي شَمَارِه دَر آوَرَم . رَاسْتِي كِه تُو أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَلْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رَفْعُكَ ، أَلْبَاسِطُ خِدَائِي هَسْتِي كِه جَز تُو مَعْبُودِي نِيسْت ؛ بَخْشِشْتِ نَسَبْتِ بِي هَمِه مَخْلُوقَاتِ أَشْكَارِ اسْتِ ، وَدَسْتِ مَبَارَكْتِ بِي جُودِ وَبَخْشِشِ بِالْجُودِ يَدُكَ ، وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ ، وَلَا تُتَنَازَعُ فِي أَمْرِكَ ، تَمَلِّكُكَ گَسْتَرْدِه اسْتِ ؛ وَدَر دَسْتُورْتِ كَسِي بِي ضَدِّيتِ بَا تُو نَمِي تُوَانْدِ بَرخِيزِد) تَا اِنجَامِ نَشُود (؛ دَر فَرْمَانْتِ كَسِي رَا يَارَايِ نِزَاعِ بَا تُو نِيسْت ؛ مِّنَ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ ، وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ . « قُلِ اللَّهُمَّ مَا لَيْكَ از مَرْدَمِ آنچِه بَخْوَهي مِي گِيري ، وَلي آنان ، جَز آن چِه رَا تُو ارادِه كَرْدِه باشِي دَر اِخْتِيارِ نَخْوَهندِ دَاسْتِ . « بگو : پَروردِگارا ؛ اَي الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ ، وَتُعِزُّ صَاحِبَ فَرْمَانِ رِوَايِي وَحُكُومْتِ ؛ بِي هَر كِه بَخْوَهي فَرْمَانِ رِوَايِي رَا مِي دِهِي ، وَاز هَر كِه بَخْوَهي مِي گِيري ، وَهَر كِه رَا بَخْوَهي عَزْتِ مِّنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مِمَّنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مِي بَخْشِي وَهَر كِه رَا بَخْوَهي بِي ذَلَّتِ وَخُوارِي مِي كِشَانِي ؛ خَيْرِ وَخُوبِي ، تَنها دَر دَسْتِ تُوَسْتِ ؛ رَاسْتِي كِه تُو بَر هَر كَارِي تُوَاناي . × تُوَلِّجِ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجِ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجِ الْحَيَّ شَبَّ رَا دَر رُوزِ وَارْدِ مِي كِنِي ، وَرُوزِ رَا وَارْدِ شَبَّ مِي گَرْدَانِي ؛ وَزَنْدِه رَا مِّنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجِ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مِمَّنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ اِز مَرْدِه بِيروُنِ مِي آوَرِي ، وَمَرْدِه رَا اِز زَنْدِه

خارج می کنی؛ و هر که را بخواهی بدون حساب» (۶). أَنْتَ الْمُتَعِمُّ الْمُفْضِلُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ حَسَاب، روزی می بخشی. تو نعمت بخش فرونی دهنده، آفریننده و بوجود آورنده، توانا چیره، الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ، تَزْدِيَّتْ بِالْمُخِيدِ وَالْعَزُّ، وَتَعْظُمَتْ وَتَقْدِيسُ شَدِيدٌ رَدَايَ عَزَّتْ وَبِزْرُغُورَايَ رَا بَرْتَن كَرْدَه اِي، وَبَا بِالْكَبْرِيَايَ، وَتَغَشِيَّتْ بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ، وَتَجَلَّلَتْ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ، كِبْرِيَايَ عِظْمَتِ دَارِي، وَبَا رُوشَنِي وَشَكُوهَ وَجَلَالِ خُودِ رَا پُوشَانْدَه اِي، وَبَا هَيْبَتِ وَعِظْمَتِ خُودِ رَا بَزْرُغِ نَمُودَه اِي، لَكَ الْمَنْ الْقَدِيمُ، وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ، وَالْقُدْرَةُ مَنَّتْ دِيرِينَه، پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و ۱. سوره آل عمران، آیه ۲۶ و ۲۷.

الْمُقْتَدِرُهُ، جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، قَدْرَتِ وَاقْتِدَارِ وَاقْعِي اَزْ آن تُوَسْتِ، مَرَا اَزْ بَرْتَرِينِ فَرْزَنْدَانِ آدَمِ قَرَارِ دَادِي، مَرَا شَنُوا وَبِينَا صِيحِيحاً سَوِيّاً مُعَاوفاً، لَمْ تَشْغَلْنِي بِتُقْصَانِ فِي بَدْنِي، وَلَمْ تَمْنَعْكَ وَصَحِيحِ وَدَرَسْتِ اَنْدَامِ وَسَالَمِ قَرَارِ دَادِي، مَرَا كَرَفْتَارِ كَمِ وَكَاسْتِي دَرِ اَنْدَامِ نَكْرَدِي، كَرَامَتُكَ اِيَّايَ، وَحُسْنُ صَنْيَعِكَ عِنْدِي، وَفَضْلُ اِعْمَالِكَ عَلَيَّ، وَكَرَامَتِ وَبَزْرُغُورَايَ تُو، نَسَبَتِ بَهْ مَنِ وَبَهْتَرِينِ رَفْتَارِ تُو بَا مَنِ وَفَرْوَنِ تَرِينِ بَخْشِشِ هَايْتِ بَهْ مَنِ، مَانَعِ نَشَدِ كِهْ اَنْ وَسَعَتْ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا، وَفَضَّلْتَنِي عَلَيَّ كَثِيرٍ مِنْ اَهْلِهَا، دَرِ دُنْيَا مَرَا تُوَانِگَرِ كَرْدَانِي وَ مَرَا بَرِ بَسِيَارِي اَزْ اَهْلِ دُنْيَا بَرْتَرِي دَهِي، فَجَعَلْتَنِي لِي سَمْعاً يَسْمَعُ اِيَاتِكَ، وَفُؤَاداً يَعْرِفُ عَظَمَتِكَ، وَآنَا پَسِ گُوشِ بَهْ مَنِ دَادِي تَا

آیات تو را بشنوم، و قلبی عطا کردی تا بتوانم به کمک آن عظمت را بشناسم؛ و من بفضلیک حامدٌ، و بیجهدی یقینی لک شاکرٌ، و بحفک شاهدٌ. فَإِنَّكَ به ستایش فضل تو می پردازم؛ و در نهایت یقین و باور، به سیاستگراری ات مشغول و گواه حقانیت تو هستم. راستی که تو حَى قَبْلَ كُلِّ حَىٍّ، وَحَى بَعْدَ كُلِّ حَىٍّ، وَحَى لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ زَنْدَةٍ بِش از هر زنده، و زنده پس از هر زنده ای هستی، و زنده ای هستی که زنده بودن را از زنده ای دیگر به ارث نبرده ای؛ حَىٍّ، وَ لَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ، وَ لَمْ تُتْرَلْ وَ خَيْرٌ وَ خَيْرٌ هَابِتٌ رَا بَرَاى بِيكَ چشَمٌ بَر هَم زدن در هِيچ لحظه اى از من قطع نکرده اى؛ بى عُقُوبَاتِ النَّقْمِ، وَ لَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ الْعِصْمِ، فَلَوْ لَمْ أَذْكَرْ مِنْ وَ كَيْفَرِ انْتِقَامِ رَا بَر مِنْ فَرُو نَفَرَسْتَادِى؛ وَ حِرَاسَتِ هَا وَ نَكْهَبَانِى هَاى دَقِيْقَتِ رَا از من دگرگون نموده اى. اگر از إِحْسَانِيكَ إِلَّا عَفْوَكَ، وَ إِجَابَةَ دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ مثبت تو را نسبت به دعای من - در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگ داشت تو - وَ تَمْجِيدِكَ، وَ فِي قِسْمِهِ الْأَوْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ يَدِ نَكْمٍ؛ وَ اگر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برایم نبود؛ لازم می دانستم تا ستایش به اندازه و تعداد ما حَفْظَهُ عَلْمِكَ، وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ، وَ عَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ آن چه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه و

تعداد آن چه در حیطه قدرت توست، و به عدد آن چه در دامنه رحمتت. اَللّٰهُمَّ قَمِّمْ اِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ، كَمَا اَحْسَيْتَ فِيمَا مَضَى، رَحْمَتُكَ تُوَقَّرُ دَارِدُ نَارُ تُوَكْنَم. بارالها! احسان و نیکی ات را در باقی مانده عمرم بر من کامل گردان چنان که در گذشته نیز چنین فانی اتوسلُ اِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَمَجِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ، كَرْدِي؛ چراكه من به واسطه یگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن، وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ، وَبُنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوِّكَ، و تكبیر و بزرگداشت تو؛ و به واسطه نور و مهربانی، و رحمت و الوایی، وَجَمَالَكَ وَجَلَالَكَ، وَبِهَاتِكَ وَشَيْطَانِكَ، وَقُدْرَتِكَ وَبِحَمْدِ الْاِلهِ وَزِيَابِي وَبِزُرْغِي وَشِكُوهِ، وَبِادشاهی، وَقُدْرَتِ بَه تُو مَتُو سَل مِي شُوْم وَبَه وَاسطه مُحَمَّد وَآل الطَّاهِرِيْنَ، اَلَّا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَفَوَائِدَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْتَرِبُكَ لِكَثْرَةِ پَاك او از تو مِي خُوَاهَم كِه مَرَا از عطا و بخشش و سودبخشی هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش فراوانت بازدارندگی ما بِيَدْفَقُ بِه عَوَائِقُ الْبُخْلِ، وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ بَخْلِ فَرَا نَمِي كِيرِد، وَكُوْتَاهِي دَر سِپَا سِگَرَارِي نَعْمَتِ تُو، بَاعْثْ كَم وَكَاسْتِي دَر جُوْد وَسَخَاوَتِ تُو نِعْمَتِكَ، وَلَا تُنْفِنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النِّعَمِ، وَلَا تُخَافُ ضَيْمِ اِمْلَاقِ نَمِي شُوْد، وَنَعْمَتِ بَخْشِيْدَن هَا بَاعْثْ از بِيْن رَفْتَن كَنْجِيْنَه هَايِ بَخْشِشِ تُو نَمِي كَرْدِد؛ تُو رَا تَرَسِ تَنگَدَسْتِي فَتَكْدِي، وَلَا يُلْحِقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ فَيْضُ فَضْلِكَ. اَللّٰهُمَّ فَرَا نَمِي كِيرِد تَا دَسْتِ از بَخْشِشِ بَرْدَارِي، وَتَرَسِ نَادَارِي نِيْزِ بَه تُو رَاهِ نَمِي يَابِدْ كِه بَاعْثْ كَاسْتِي دَر رِيْزِشِ فَضْلَتِ كَرْدِد.

بارخدايا؛ اَرْزُقْنِي قَلْبًا حَاشِيَةً، وَيَقِينًا صَادِقًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَلَا تُؤْمِنِي بِه مِنْ قَلْبِي بَاخْشُوعٍ وَفِرْوَتِن، وَبِقِينٍ وَبَاوْرِي رَاسْتِيْن وَزَبَانِي گُويَا بَه ذِكْرَت، ارزانی دار؛ مرا ایمن از مکرک، وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُبَاعِدْنِي مَكَرَ خُودِ مَگْرَدَان، و پرده پوشی ات را از من بر مگیر؛ و یادت را از یاد من مبر؛ مِنْ جَوَارِكْ، وَلَا تَقْطَعْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ، و از جوار رحمت دورم مکن؛ و از رحمت جدایم مساز؛ و از رحمت و مهربانی خویش ناامیدم مگردان؛ وَكُنْ لِي أُنَيْسًا مِنْ كُلِّ وَخْشَةٍ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ، و همواره در تمام وحشت ها، همدم من باش؛ و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛ وَبَجْنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، فَإِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ . اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي وَ اَزْهَمْنِي وَ اَنْتَ عَدُوُّنِي ، و سرافکنده مگردان؛ و برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن و عذابم مکن؛ وَ اَنْصِرْنِي وَ لَا تَخْذُلْنِي ، وَ اِيْزِنِي وَ لَا تُؤَيِّزْ عَلَيَّ ، وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ يَارِيْمَ كُنْ وَ خَوَارِمَ مَگْرَدَان؛ و مرا ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده؛ وَ بَرِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ ، وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيْرًا . محمد و آل پاک و پاکیزه اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام خود را نثارشان کن .

ابن عباس ، ادامه کلام امام علیه السلام را چنین نقل می کند :

مراقب باش که حفظ کنی

، و باید تمام این دعا در یک روز خوانده شود؛ و همانا من امیدوارم در حالی به سرزمینت برسی که خداوند دشمنت را نابود و هلاک فرموده باشد.

راستی من از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود: اگر مردی این دعا را با نیتی راستین و قلبی خاشع و فروتن بخواند، آن گاه به کوه ها دستور بدهد که همراه او حرکت کنند، به طور حتم به دنبالش حرکت خواهند کرد؛ و اگر به دریا دستور دهد می تواند بر روی آن راه برود .

آن مرد به طرف وطنش حرکت کرد ، و پس از چهل روز نامه اش به امیر مؤمنان علیه السلام رسید که در آن گفته بود : واقعیت آن است که خداوند تعالی دشمنم را به هلاکت رساند ؛ به گونه ای که حتی یک مرد از آنان در سرزمین ما باقی نمانده است ؛

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمودند :

این را می دانستم ؛ و این حقیقت را رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من آموخته است ؛ هیچ کاری نیز به من دشوار نمی شود ، جز آن که با این دعا آسان می شود . (۷)

۳ دعای حریق که صبحگاهان خوانده می شود (۸)

دعای حریق ...

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُصْبِحُ اَشْهَدُكَ وَكَفٰی بِكَ شَهِیْدًا ، وَاَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ بِارِهَا ؛ من صبح کرده ام در حالی که تو را گواه می گیرم و البتّه تو برای گواه بودن، بسنده و کافی هستی - و فرشتگان و حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَشِیْكَانَ سَمٰوٰتِكَ وَاَرْضِیْكَ وَاَنْبِیَاءَكَ و حاملان عرش و ساکنان آسمان های هفت گانه و زمین هایت؛ و پیامبران و رُسُلِكَ وَوَزَرَته اَنْبِیَاءَكَ و رُسُلِكَ وَاَصْلٰحِیْنَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِیْعَ و رسولان و وارثان انبیا و فرستادگان ، و بندگان

شایسته ات ، و تمام مخلوقات را نیز گواه می گیرم؛ فَخَلَقَكَ ، فَاشْهَدْ لِي وَكَفَى بِكَ شَهِيداً أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا يَسُ تُوْ غَوَاهُ وَ شَاهِدٌ مِنْ بَاشٍ - وَ غَوَاهِي تُوْ ، بَسْنَدَهُ وَ كَافِي اسْت - كِه مِنْ بَاوَرِي رَاسْتِيْنِ غَوَاهِي مِي دَهْم كِه هَمَانَا تُو خَدَايِي هَسْتِي اِلَه اِلَّا اَنْتَ الْمَعْبُوْدُ وَ خَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَ اَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ كِه جَز تُو خَدَايِي نِيَسْت وَ تَنَهَا مَعْبُوْد حَقِيْقِي وَ شَايَسْتَه پَرَسْتَش تُوْنِي ؛ يَكَاَنه اِي ؛ شَرِيكَ نَدَارِي ؛ وَ مُحَمَّد - كِه عَلَيِّهِ وَ اِلَه عِبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ ، وَ اَنْ كُلَّ مَعْبُوْدٍ مِمَّا دُوْنَ عَرْشِكَ بِر اُو وَ اَل اُو دَرُوْد الهِي نَنَار بَاد - بِنْدَه وَ فَرَسْتَاَدَه تُوَسْت ؛ هَر پَرَسْتَش شُوْنَدَه اِي كِه اَز زِيْر عَرَش تُو اِلِي قَرَار اَرْضَتِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ مُضْمَجِلٌّ مَا خَلَا وَجْهَكَ تَا طَبَقَه هَفْتَم پَايِيْنِي زَمِيْن بَاشَد ، بَاطِل وَ نَابُوْد اسْت جَز ذَات الْكَرِيْم ، فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَ اَكْرَمُ وَ اَجَلُّ وَ اَعْظَمُ مِنْ اَنْ يَصِفَ الْوَاصِيَةَ فُوْنَ بَزْرگُوَار تُو ؛ زِيْر ، اَنْ عَزَّتْ مَنْدَتْر ، كَرِيْم تْر ، شَكُوْه مَنْدَتْر وَ عَظِيْم تْر اَز اَنْ اسْت كِه تُوَصِيْف كِنْدَگَان بَتُوَانَد كُنْه جَلَالِه اَوْ تَهْتَدِي الْقُلُوْب اِلِي كُنْه عَظَمِيَه ، يَا مَنْ فَاَقْ مَدْحُ كُنْه وَ نَهَايْت شَكُوْهَش رَا تُوَصِيْف كِنْد ؛ يَا دَل هَا وَ قَلْبَهَا بَتُوَانَد بَه حَقِيْقَت عَظْمَت اُو رَاه يَابَنَد . اِي كَسِي كِه اَرَزَش وَ سَرْبَلَنَدِي مَدْح ۱ . اِيْن دَعَا اَز اِمَام سَجَاد عَلَيْهِ السَّلَام ، اَز پَدْرَانَش عَلَيْهِمُ السَّلَام ، اَز رَسُوْل خَدَا صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَ اَلِه وَ سَلَم ، اَز خَدَايِ تَعَالَى نَقْل شُدَه اسْت ؛ وَ قَسْمَتِي كِه بِر اَنْ اَفْزُوْدَه شُدَه اَز مَوْلَايِ مَان اِمَام زَمَان اَرُوْحِنَا فِدَاه اسْت .

الْمَادِحِيْنَ فَخَّرَ مَدْحِه ، وَ عَدَا وَ صَفَ الْوَاصِيْنَ مَا تَرُ

حَمِيدِهِ، وَجَلَّ وَسْتَايَشِ او برتر از مدح و ستایش ستایشگران است، و ستایش های شایسته او از وصف توصیف کنندگان گذشته است، عَنْ مَقَالِهِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و بزرگداشت شأن او از گفتار گویندگان بالاتر و شکوه مندتر است؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و اَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ سه مرتبه . و آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست با ما رفتار کن؛ ای کسی که شایستگی مقامش تقواست و مغفرت شیوه رفتار او می باشد.

سپس یازده مرتبه این بخش خوانده شود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ لَا شَرِيكَ لَهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ خدایند منزّه و پاک است و مشغول حمد و ستایش او هستم؛ از او طلب بخشش می کنم و به سوی او باز می گردم؛ هر چه او بخواهد و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَهُ الْمُلْكُ می شود؛ و هر توان و حرکتی تنها به سبب خداوند است، او اوّل و آخر و ظاهر و باطن است، فرمان روایی تنها از آن اوست وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُعِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، و ستایش تنها برای اوست، او زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او زنده ای است که هرگز نمی میرد، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

همه خیرات به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست .

سپس یازده مرتبه می گویی

وَالشَّرَابِ بِشَيْبِجِكَ فَرَشْتِكُنِي كَمَا أَنَّكَ تَقْدِيرُكَ وَعِبَادَتِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُم
الرِّضَا ، بار الها ؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که ایشان را به مقام رضا برسانی ، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ و پس از رضایت نیز برای ایشان افزون کنی آن گونه که
شایسته و بایسته مقام توست؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَصَلِّ عَلَى آبِنَا آدَمَ ، وَأَمْنَا حَوَاءَ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ؛ و بر پدرمان حضرت آدم و مادرمان
حواء ، وَمَا وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ . اللَّهُمَّ و آن دسته از فرزندان شان که پیامبر، صدیق، شهید و صالح و شایسته بودند؛ درود بفرست. بار الها ؛ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا ،
وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ بَرِ آنَانِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ آن چنان که به مقام رضا دست یابند و پس از رضایت نیز آنچه أَهْلُهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ شایسته و بایسته تراست بر
ایشان افزون کن ؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ بر محمد و اهل بیت الطَّيِّبِينَ ، وَعَلَى أَصْحَابِهِ الْمُتَّجِبِينَ ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ ، پاک او ؛ بر باران نجیبش، و همسران پاک او ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ مُحَمَّدٍ ،
وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ ، وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ و بر نسل و فرزندان محمد ، و بر هر پیامبری که بشارت به آمدن او داد

، و بر هر پیامبری و لَدَ مُحَمَّدًا ، وَعَلَى كُلِّ مَنْ فِي صِلَاوَاتِكُمْ عَلَيْهِ رِضَى لَكَ که جزو اجداد محمد بود، و بر هر کسی که درود فرستادن تو بر او باعث رضایت تو و رِضَى لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ و باعث رضایت پیامبرت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - است ، درود بفرست . بار الها ؛ بر آنان درود بفرست آن حَتَّى تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا ، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ ،
یا چنان که به مقام رضا برسانی و پس از رضایت نیز آن چنان که شایسته و بایسته توسست بر ایشان فزونی بخش؛ ای أَزْجَمَ الرَّاجِعِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ مَهْرَبَانَ تَرِينِ مَهْرَبَانَانَ .
بار الها ؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست ؛ و بر علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآزْجَمَ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأَفْضَلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَرَكْتَ بَفَرَسْتِ ؛ وَرَحْمَتِ خَوِيْشِ رَا بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ نَاظِلِ فَرَمَا ؛
برتر از آنچه ما صَلَّيْنَا وَبَارَكْنَا وَتَرَحَّمْنَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ دَرُودَ وَبَرَكْتَ وَرَحْمَتِ خَوِيْشِ رَا بَرِ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ مَقْرَرِ فَرَمُودِي ؛ هَمَانَا ، تُو حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ سِتُودَةَ وَشَكُوهُ مَنَدِ هَسْتِي . بار الها ؛ وسیله را به محمد - که درود بر او و آل او باد - عطا فرما ، وَالْفُضْلُ ، وَالْفَضِيلَةُ وَالذَّرَجَةُ الرَّفِيعَةُ ، وَأَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى ، وَفَضْلَ وَفَضِيلَتَ وَدَرَجَةَ وَالآلَا بِهِ

که بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده اند، عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَلَفْظَةٍ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ . بار الها ؛ به تعداد تمام موی ها، کلمه ها، وَلَحْظَةٍ وَنَفْسٍ وَصَفْتِهِ وَسُكُونٍ وَخَرَكِهِ مِمَّنْ صَلَّيَ عَلَيْهِ ، وَمِمَّنْ لَحَظَهُ هَا، نَفْسِ هَا، وَبِزُكِّي هَا، اِيَسْتِ هَا وَجَنَبِشِ هَايِ تَمَامِ كَسَانِي كِه بِرِ مُحَمَّدِ صَلَوَاتِ فَرَسْتَادِه اِنْدِ وَ نِيَزِ تَمَامِ كَسَانِي كِه لَمَّ يُصَلِّ عَلَيْهِ، وَبِعَدَدِ سَاعَاتِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ، وَسُكُونِهِمْ وَخَرَكَاتِهِمْ، صَلَوَاتِ فَرَسْتَادِه اِنْدِ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ . نِيَزِ بِه اِنْدَاذِه تَمَامِ سَاعَتِ هَا وَ دَقِيَقَه هَايِ عَمْرِشَانِ، وَ اِيَسْتِ هَا وَ حَرَكْتِ هَايِشَانِ ، وَخَفَاتِقِهِمْ وَمِيقَاتِهِمْ ، وَصَفَاتِهِمْ وَأَيَامِهِمْ ، وَشُهُورِهِمْ وَسَنِينِهِمْ ، وَ حَقِيَقْتِ هَا وَ وَعَدَه گَاهِ هَايِ شَانِ، وَ وَبِزُكِّي هَا وَ رُوزَهَايِ شَانِ، وَ مَاهِ هَا وَ سَالِ هَايِ شَانِ، وَأَشْعَارِهِمْ وَأَنْبِشَارِهِمْ ، وَبِعَدَدِ زَنَةِ دَرِّ مَا عَمِلُوا ، أَوْ يَغْمَلُونَ أَوْ وَ مَوْهَا وَ پُوسْتِ هَايِ بَدَنِ شَانِ؛ وَ بِه عَدَدِ وَزَنِ ذَرَاتِ آنچِه عَمَلِ كَرْدِه اِنْدِ يَا عَمَلِ مِي كِنْتَدِ يَا بَلَعْتَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا ، أَوْ كَانَتْ مِنْهُمْ ، أَوْ يُكُونُ إِلَى بِه اِيَشَانِ رَسِيَدِه يَا دِيَدِه اِنْدِ يَا گِمَانِ كَرْدِه اِنْدِ يَا بِفِطَانَتِ وَ زِيرِكِي آگَاهِ شُدِه اِنْدِ، يَا اَزِ اِيَشَانِ سَر زَدِه اِسْتِ يَا اَزِ اِيَشَانِ تَا يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَكَأَضْعَافِ ذَلِكَ أضعافاً مضاعفةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، رُوزِ قِيَامَتِ سَر خَوَاهَدِ زَدِ؛ بَلَكِه چِنْدِيْنِ بَرَابَرِ آن هَا تَا رُوزِ قِيَامَتِ؛)بِه تَعْدَادِ وَ اِنْدَاذِه تَمَامِ چِيْزَهَايِي كِه گَفْتِه شُدِ(بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ اَوْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ ؛ اِيِ مَهْرِبَانِ تَرِيْنِ مَهْرِبَانَانِ . بار الها ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ بِه تَعْدَادِ تَمَامِ چِيْزَهَايِي

که ما خَلَقْتَ، وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَلَوَةُ تَرْضِيهِ . آفریده ای و آنچه که تا روز قیامت خواهی آفریدی؛ آن چنان درودی که موجب رضایت و خشنودی آن بزرگوار شود . اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالنَّيِّبَةُ وَالشُّكْرُ، وَالْمَنُّ وَالْفَضْلُ، وَالطُّوْلُ بَارِهَا؛ ستایش و ثنا گویی و سپاسگزاری و مَنّت و برتری، وَالْمَخِيْرُ وَالْحُسْنَى وَالنَّعْمَةُ، وَالْعِظْمَةُ وَالْجَبْرُوتُ، وَالْمُلْكُ و احسان و نیکی و خوبی و نعمت، و عظمت و قدرت و شوکت، و عالم ظاهر وَالْمَلَكُوتُ، وَالْمَهْرُ وَالسُّلْطَانُ، وَالْمَخْرُ وَالسُّودُدُ، وَالْإِمْتِنَانُ و عالم باطن، و چیرگی محض و سلطنت، و افتخار و ریاست و آقایی، و مَنّت نهادن، وَالْكَرْمُ، وَالْجَلَالُ وَالْإِكْرَامُ، وَالْجَمَالَ وَالْكَمَالَ، وَالْحَيْرُ و بزرگواری و شکوه و کرامت کردن، و زیبایی و کمال، و خیر وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمَجِيدُ، وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيْرُ وَالتَّقْدِيْسُ، و یکتا دانستن و بزرگ شمردن، و ستایش کردن و تهلیل گفتن و تکبیر گویی و مقدّس دانستن، وَالرَّحْمَةُ وَالْمَغْفِرَةُ وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْعِظْمَةُ . وَلَمَكَ مَا زَكَى وَطَابَ و رحمت و بخشش، و کبریایی و بزرگ مرتبه ای اختصاص به تو دارد. بار الها؛ خالص ترین، پاک ترین وَطَهْرَ مِنَ النَّتَاءِ الطَّيِّبِ، وَالْمَدِيحِ الْفَاخِرِ، وَالْقَوْلِ الْحَسَنِ و پاکیزه ترین مدح و ثنای ارزنده، گفتار نیک و الْجَمِيْلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ، وَتَرْضَى بِهِ قَائِلُهُ وَهُوَ زِيْبَابِي که باعث رضایت تو از گوینده اش شود و تو نیز گوینده اش را راضی کنی و آن گفتار نیز موجب رضی لَكَ، يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوْلِي الْحَامِدِيْنَ، وَتَنَائِي بِتَنَاءِ رِضَايَتِي تُوْا بِشَدِّ اِخْتِصَاصِي بِهِ تُوْا دَارِد . و

این باعث شود ستایش من به ستایش اولین ستایشگران تو متصل گردد . و ثنا گویم به ثنا گوئی اَوَّلِ الْمُتْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ ، وَتَهْلِيلِي نَحْسْتِينَ ثَنَاغُو بِرِ پروردگار جهان اتصال یابد، حمد و ثنایم نیز به یکدیگر وصل شوند؛ تهلیل و «لا إله إلا الله» گفتنم بِتَهْلِيلِ اَوَّلِ الْمُتَهَلِّلِينَ ، وَتَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ اَوَّلِ الْمُكْبِرِينَ ، وَقَوْلِيْ بِه تهلیل اولین تهلیل گر اتصال یابد، و تکبیر گویی و بزرگداشت من به تکبیر گویی اولین تکبیر گوینان، و گفتار الْحَسَنِ الْجَمِيلُ بِقَوْلِ اَوَّلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمَلِينَ الْمُتْنِينَ عَلَى رَبِّ نَبِكُو و زیبای من به گفتار اولین خوش گفتار زیباگوی ثناگوی پروردگار الْعَالَمِينَ ، مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ ، مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى اٰخِرِهِ . وَبِعَدَدِ جِهَانِ اتِّصَالَ يَابَد و هر یک نیز به دیگری وصل شوند؛ از ابتدای روزگار تا آخرش . به تعداد زَنَةِ دُرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، وَالرُّمَالِ وَالْثَلَالِ وَالْجِبَالِ ، وَعَدَدِ وَهَم سنگ تمام ذره های موجود در آسمان ها و زمین ها و سنگریزه ها و تپه ها و کوه ها؛ و به تعداد جُرْعِ مَاءِ الْبِحَارِ ، وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ ، وَعَدَدِ جَرَعِ هَايِ آبِ دَرِيَاهَا ، وَبِه تعداد دانه های باران، و برگ درختان، و تعداد النُّجُومِ ، وَعَدَدِ الثُّرَى وَالْحَصَى وَالنُّوَى وَالْمَدَرِ ، وَعَدَدِ زَنَةِ سِتَارِ الْكَانِ ، وَتَعْدَادِ ذَرَاتِ خَاكٍ وَسَنَكْرِيْزِهَا وَدَانِهَا وَهَسْتِهَا وَكَلُوْخِهَا ؛ وَهَم سنگِ ذَلِكِ كُلِّهِ ، وَعَدَدِ زَنَةِ دُرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا تَمَامِ أَنْ جِهَةً كُفْتِه شَد ، وَهَم سنگِ ذَرِه هَايِ آسْمَانِهَا وَزَمِينِهَا ، وَأَنْ جِهَةً دَرِ أَنْ هَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ ، وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَبَيْنَ أَنْ هَاسْتِ ،

در زیر آن ها قرار داد؛ و باز آن چه مابین آن ها، و بالای آن ها قرار دارد تا روز قیامت، مِنْ لَمَدِنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعِ الشَّقْلَى . وَبَعْدَ از جایگاه عرش الهی تا پایین ترین جای زمین هفتم پابینی ات؛ و به تعداد حُرُوفِ أَلْفَاظِ أَهْلِهِنَّ ، وَعَدَدِ أَرْزَمَانِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَسَعَاتِهِمْ حُرُوفِ لَفْظَاهِي كِه اهل این جاها استفاده می کنند، و به تعداد زمان ها و دقیقه ها و علامت های شان ، وَسَاعَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ ، وَسَهُورِهِمْ وَسِنِيهِمْ ، وَشُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ ، ساعت ها و روزهای شان ، ماه ها و سال های شان، ایست ها و حرکت های شان ، وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ . وَعَدَدِ زَنَةِ دَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ مَوَاهِ وَبُوسْت های بدن شان؛ تو را می ستایم . نیز به تعداد و هم سنگ هر ذره عملی که انجام داده یا می دهند بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا أَوْ كَانَتْ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى از آن خبردار شده اند یا دیده اند یا گمان کرده اند یا با فطانت و زیرکی آگاهی یافته اند یا از ایشان بوده است یا تا يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَعَدَدِ زَنَةِ دَرِّ ذَلِكَ وَأَضْعَافِ ذَلِكَ ، وَكَأَضْعَافِ رُوزِ قِيَامَتِ از ایشان سر خواهد زد؛ و عدد ذرات آن بلکه چندین برابر آن چه گفته شد، و نیز چندین برابر این ها، ذَلِكَ أضعافاً مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَلَا يَخْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ بِه گونه ای که جز تو کسی را یارای دانستن و شمارش آن ها نباشد - ای صاحب شکوه وَالْإِكْرَامِ ، وَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ ، وَمُسْتَحْفَهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَمِنْ وَكَرَامَتِ ؛ - ستایشت می کنم . الْبَتَّهْ تو شایسته این ها هستی، و بایسته مقام تو و سزاوار آستان تو می باشد؛ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . اَللَّهُمَّ إِنَّكَ

لَسْتِ اِنْ سَتَايِش هَا از مَن و از تَمَام آفَرِيدِگَانَت نَنَار تُو بَاد؛ اِي آفَرِينِنْدَه و پَدِيدِ آوَر آسْمَان هَا و زَمِين؛ بَار خُدَايَا؛ تُو پَرُوْرْدِگَارِي نِيسْتِي كِه بَرَبِّ اِسْمِخَدَثُنَاكَ ، وَلَا مَعَكَ اِلَهَ فَيَسْرُكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ ، وَلَا مَا تُو رَا بَه تَازِگِي خَوَانْدَه بَاشِيْم؛ و مَعْبُودِي نِيْز هَمْرَاه تُو نِيسْت كِه دَر پَرُوْرْدِگَارِيْت بَا تُو شَرِكْت دَاشْتَه بَاشِد؛ مَعَكَ اِلَهَ اَعَانِكَ عَلَي خَلْقِنَا ، اَنْتَ زُبْنَا كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ وَخُدَايِي نِيْز بَا تُو نِيسْت كِه بَرَاي آفَرِيدِن مَآ يَارِيْت كَرْدَه بَاشِد. تُو پَرُوْرْدِگَار مَآ هَسْتِي هَمَان گُونَه كِه خُودَت مِي گُويِي، و بَالَا تَر از آنجِه اَلْقَائِلُونَ ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ گُويِنْدِگَان مِي گُويِنْد؛ از تُو مِي خَوَاطِم بَر مَحْمَدٍ وَ اَلِ مَحْمَدٍ دَرُود بَفَرَسْتِي، وَ تُعْطِي مُحَمَّدًا صِلَى اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ اِلِهَ اَفْضَلُ مَا سَأَلُكَ ، وَ اَفْضَلُ مَا بَه مَحْمَدٍ - كِه دَرُود بَر او و اَلِ او بَاد - فَرُوزِن تَر از آنجِه كِه از تُو دَرخَوَاطِم مِي كِنْد ، و بَر تَر از آنجِه كِه مَورِد دَرخَوَاطِم قَرَار مِي گِيرِي، وَ سَيَّلْتُ ، وَ اَفْضَلُ مَا اَنْتَ مَسْئُولٌ لَه اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . اَعِيْذُ اَهْلَ بَر تَر از اَن چِه تَا رُوز قِيَامَتِ از تُو بَرَاي او خَوَاطِم مِي شُود عَطَا فَرَمَايِي . مِي سِيَارَم اَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صِلَى اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ اِلِهَ وَنَفْسِي وَ دِيْنِي وَ دُرِّيْتِي بَيْتِ پِيْغَمْبَرِ اَكْرَم - كِه دَرُود تَر او و اِيْشَان بَاد - وَ خُودَم، وَ دِيْنَم، وَ نَسْلَم، وَ مَالِي وَ وَاَلِدِي وَ اَهْلِي وَ قَرَابَاتِي وَ اَهْلَ بَيْتِي وَ كُلَّ ذِي رَجْمٍ لِي وَ دَارَايِي وَ فَرَزَنْدَم وَ اَهْلِ مَن، وَ خُوِيْشَانَم وَ خَآنْدَانَم وَ تَمَام كَسَانِي كِه بَا مَن نَسِيْتِي دَارِنْد

وَيَكُلُّ كِتَابَ أَنْزَلَهُ اللَّهُ، وَيَكُلُّ رَسُولَ أَنْزَلَهُ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى، وَبِهِ تَمَامُ كِتَابِ هَائِي كِه خدَاوند تَعَالَى فَرُو فَرَسْتَاهِ اسْت، وَبِهِ تَمَامُ رَسُولَانِي كِه خدَاوند فَرَسْتَادِه اسْت، اللَّهُ، وَيَكُلُّ حُجَّهٖ أَقَامَهَا اللَّهُ، وَيَكُلُّ بُرْهَانِ أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَيَكُلُّ وَبِهِ تَمَامُ بَرَاهِينِ وَدَلِيلِ هَائِي أَشْكَارِي كِه خدَاوند اَقَامِه كَرْدِه اسْت، وَبِهِ تَمَامُ دَلَائِلِ قَاطِعِ وَرُوشَنِي كِه خدَاوند أَشْكَار كَرْدِه اسْت، وَنُورِ أَنْارَهُ اللَّهُ، وَيَكُلُّ الْإِيَّ اللَّهِ وَعَظْمَتِيهِ . أُعِيدُ وَأَشْتِيْعِيدُ مِنْ شَرِّ بِه تَمَامِ رُوشَنِي هَائِي كِه خدَاوند رُوشَن كَرْدَانِيْدِه اسْت، وَبِهِ تَمَامِ نَعْمَتِ هَا وَعَظْمَتِ الْهِي . بِنَاهِ مِي بَرَمِ وَبِنَاهِ مِي جَوِيْمِ كُلِّ ذِي شَرِّ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَخْذُرُ، وَمِنْ شَرِّ مَا رَبِّي مِنْهُ (از خدَاوند) نَسْبِتِ بِه هَر چيزِي كِه شَرِّ وَبَدِي دَارِد، وَاز بَدِي وَشَرِّ تَمَامِ چيزِ هَائِي كِه مِي تَرَسَمِ وَاز آن حَذَرِ مِي كَنَم، وَاز شَرِّ تَمَامِ أَكْبُرُ، وَمِنْ شَرِّ فَسَيْقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ چيزِ هَائِي كِه بَرُوْرْدِ گَارَمِ از آن هَا بَزْرِكِ تَر اسْت، وَاز شَرِّ فَاسْقَانِ وَگَنَاهَكَارَانِ عَرَبِ وَعَجَمِ، وَاز شَرِّ فَاسْقَانِ جَنِّيِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّلَاطِينِ، وَإِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ وَأَشْيَاعِيهِ وَانْسِي، وَاز شَرِّ شَيْطَانِ وَبَادشَاهَانِ، وَابْلِيسَ (شَيْطَانِ بَزْرِكِ) وَلشَكَرَشِ وَبِرُوَانِ وَأَتْبَاعِيهِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أُوْ وَدَنْبَالِه رُوَانِ او، وَاز شَرِّ تَمَامِ چيزِ هَائِي كِه دَر رُوشَنِي يَا تَارِيكِي قَرَارِ دَارِنْد، وَاز شَرِّ پِيْشَامْدِهَائِي كِه دَامَنْگِيْرِ (انْسَانِ) مِي شُودِ يَا هَجَمَ أَوْ أَلَمَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَمٍّ وَهَمٍّ وَآفَةٍ وَنَدَمٍ وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ، هَجُومِ مِي آوَرِدِ

یا باعث درد و الم می شود، و از شرّ هر حزن و اندوه و گزند و پشیمانی و مصیبت و مریضی . وَ مِنْ شَرِّ مَا یُخْدَتُ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَتَأْتِی بِهِ الْأَقْدَارُ ، وَ مِنْ نِیز، از شرّ چیزهایی که در روز و شب پدید می آیند و مقدر می گردند ، و از شرّ ما فی النَّارِ ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِی الْأَرْضِیْنَ وَالْأَقْطَارِ وَالْمَلَوَاتِ شَرِّ تَمَامِ چیزهایی که در آتش اند، و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین ها و کرانه ها و خشکی ها و بیابان ها وَالْفَقَارِ وَالْبِحَارِ وَالنَّهَارِ ، وَ مِنْ شَرِّ الْفَسَاقِ وَالْفُجَارِ وَالْكُفَّانِ وَ زمین های بی آب و علف و دریاها و رودها هستند، و از شرّ تمام فاسقان و بدکاران و کاهنان وَالسُّحَّارِ وَالْحُسَّادِ وَالذُّعَّارِ وَالْأَشْرَارِ ، وَ مِنْ شَرِّ مَا یَلْجُ فِی وَ جادوگران و حسودان و ترس ایجادکنندگان و شروران؛ و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین فرو می روند، الْأَرْضِ ، وَ مَا یَخْرُجُ مِنْهَا ، وَ مَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ ، وَ مَا یَخْرُجُ وَ از شرّ چیزهایی که از زمین درمی آیند، و آن چه از آسمان فرو می آید، و آن چه به سمت آسمان بالا می رود، إِلَیْهَا ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذی شَرِّ ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِبَةٍ رَبِّی اجْتَدُ و از شرّ و بدی هر چه شرّ و بدی دارد، و از شرّ تمام جنبندگان که پروردگارم بِنَاصَةِیْنِهَا ، إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَشِیْبَی زَمَامِ او را به دست دارد پناه می آورم؛ به راستی پروردگارم بر صراط مستقیم استقرار دارد؛ پس اگر رو گرداندند بگو: اللَّهُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ .

خدا مرا بس است، جز او معبودی نیست، تنها بر او توکل دارم، و او پروردگار عرش با عظمت است. وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَالْخَرْنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، خدایا؛ به تو پناه می برم از اندوه و غم و غصه و ناتوانی و کسالت و العجز و البخل، و مِنْ صَلِّعِ الدَّيْنِ وَغَلْبَةِ الرِّجَالِ، و مِنْ عَمَلٍ وَتَرَسٍ وَبَخْلِ وَكَرْفَتَارِي قَرْضٍ وَجِرْغِي بزرگان؛ نیز از عملی که لایتنفع، و مِنْ عَيْنٍ لَانْتَمِعَ، و مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، و مِنْ دُعَاءٍ سُودَمَنْدِ نِفْتَدِ، و چشمی که نگرید و اشک نریزد، و قلبی که خاشع نگردد، و دعایی که لایشیمع، و مِنْ نَصِيحَةٍ لَا تُؤَدِّعُ، و مِنْ صَحَابَةٍ لَا تُؤَدِّعُ، و مِنْ شَنِيدِهِ نَشُودِ، و نصیحتی که مؤثر نیفتد، و یارانی که باز گردانده نشوند؛ و إِجْمَاعٍ عَلَى نُكْرٍ وَتَوَدُّدٍ عَلَى خَيْرٍ أَوْ تَوَاحُدٍ عَلَى خُبِّثٍ، و مِمَّا پناه می برم از تجمع بر زشتی و ناپسندی، و دوستی نمودن زبان بار، و داد و ستد ناپاک؛ نیز از اِشْتِعَادٍ مِنْهُ مَلَائِكَتِكَ الْمَقْرُوبِينَ وَالْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمَأْيَمَةَ تَمَامِ چیزهایی که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و امامان الْمُطَهَّرُونَ، وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ، و عِبَادَكَ الْمُتَّقِينَ. وَأَسْأَلُكَ يَا كَرِيمُ، و شهیدان و صالحان و بندگان پرهیزگارت از آن ها به تو پناه برده اند به تو پناه می برم. اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي مِنْ خَطِيئَتِي، خدایا؛ از تو درخواست می کنم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و خیر و الخیر ما سألوا، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا، وَأَسْأَلُكَ خَيْرِي هَبِي رَا كِه ايشان از تو خواسته اند به من نیز عطا فرمایی،

کرده اند؛ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقْتَنِي رَبِّي وَبِرَزَقْتَنِي ، از نام خدا کمک می گیرم بر آن چه پروردگارم نصیبم فرموده است یا در آینده نصیبم خواهد کرد؛ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ إِشِيهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آسْمَانِ نَمِي تَوَانِدُ ضَرَرٍ وَزِيَانِي بَرَسَانِدِ؛ و او شنوای داناست. بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ وَصَلِّ عَلَيَّ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَتِكَ الْمُؤْمِنُونَ ، أَنْ تَصَلِّهُمْ بِهِ مِنْ وَ أَنْ جِه بِنْدِگَانِ مُؤْمِنْتِ از تو درخواست کرده اند تا از خیرات به ایشان هدیه بدهی، به من نیز احسان کنی؛ الْخَيْرِ ، وَاصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَتِكَ الْمُؤْمِنُونَ ، أَنْ وَ از تمام آنچه بندگان مؤمنان از تو درخواست کرده اند که تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ الشُّؤْءِ وَالرَّذَى ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ بِلَاهَا وَ پستی ها را از آن ها بازگردانی از من نیز بازگردان و دور کن ، و به واسطه فضلت و آن گونه که أَهْلُهُ وَوَلِيِّهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ شَائِسْتِه وَ بَائِسْتِه مَقَامِ تَوَسُّتِ وَ تَوَسُّرِ بَرَسْتِي اَشْ رَا بَرِ عَهْدِه دَارِي ، بَرِ مَن بِيْفِرَا ؛ اِي مَهْرِبَانِ تَرِينِ مَهْرِبَانَانِ . بَارِ هَا ؛ بَرِ مَحْتَرِدِ وَ اَهْلِ نَبِيْتِه الطَّيِّبِينَ ، وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرِّجْ عَنِّي كُلَّ بَاكِيْزِه اَشْ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَ دَرِ فَرَجِ وَ رَاِحْتِي اِيْشَانِ وَ مَن شَتَابِ كُنِي ؛ وَ دَرِ كَارِ هَرِ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ اِنْدُوْهَكِيْنِي از

مردان و زنان باایمان فرج و گشایش عنایت کن . بار الها ؛ بر محمد و آل محمد و از زُفنی نصیر هُم ، و اَشْهَدْنِي اَيَّامَهُمْ ، و اَجْمَعُ بَيْنِي مُحَمَّد دَرُودِ فَرَسْت ؛ و باری ایشان را نصیب کن، و مرا شاهد روزگار حکومت شان فرما، و من وَبَيِّنُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَاَجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاِقِهَ حَتَّى و ایشان را در دنیا و آخرت گرد هم آور؛ و از جانب خودت نگهداری برای شان قرار ده لایمُخْلِصٌ اِلَيْهِمْ اِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ ، و عَلَيَّ مَعَهُمْ ، و عَلَيَّ شَيْخِيهِمْ تا جز خیر و خوبی به ایشان نرسد، و برای من و شیعیان و مُحِبِّيهِمْ ، و عَلَيَّ اَوْلِيَّائِهِمْ ، و عَلَيَّ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ، و دوست داران شان و موالیان شان و تمام مردان و زنان باایمان نیز چنین نگهداری مقرر فرما؛ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ مِنَ اللّٰهِ وَ اِلَى اللّٰهِ ، همانا تو بر هر چیزی توانایی داری . به نام خدا، به کمک خدا، از جانب خدا، به سوی خدا؛ و لَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ ، ما شاء اللّٰهُ ، لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ، حَشِيَّةِ اللّٰهُ ، و پیرومندی جز خدا نیست؛ هر چه خدا بخواهد همان می شود؛ نیرویی جز به واسطه خداوند نیست؛ خدا مرا بس است؛ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ ، و اَفْوَضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ ، و اَتَّجِئُ اِلَى اللّٰهِ بِرِخْدَا تَوَكَّلْ دَارم؛ کارم (سرپرستی ام) را به خدا واگذار می کنم؛ به خدا پناهنده می شوم، و بِاللّٰهِ اِحْوَالُ وَاَصَاوِلُ وَاكَاثِرُ وَاَفَاخِرُ وَاَعْتَرُ وَاَعْتَصِمُ ، عَلَيْهِ و به کمک خداوند، طلب نیرو و چیرگی و بسیاری و افتخار و عزت مندی و نگهداری می کنم؛ تنها بر تَوَكَّلْتُ و اِلَيْهِ مَتَابُ ، لا اِلهَ

إِلَهَ اللَّهِ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، عَدَدَ النَّوَى او تَوَكَّلْ دَارم و بازگشتم نیز تنها به سوی اوست؛ جز خداوند زنده پاینده ، معبودی نیست؛ به تعداد ذرات خاکی و النجوم ، وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَعَدَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ و ستارگان و فرشتگان صف کشیده؛ جز خداوند معبودی نیست، یکی است و شریکی ندارد الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شَبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . (۹) بلندمرتبه و عظیم است؛ جز خداوند معبودی نیست؛ خدایا؛ تو منزهی؛ واقعیت آن است که، من از ستمکاران بوده ام . امام عصر ارواحنا فداه این عبارات را به دعای حریق افزوده اند که توسط محمد بن صلت قمی رحمه الله رسیده است :

أَللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ، وَرَبَّ الْبَحْرِ بَارِهَا ؛ اى پروردگار نور و روشنی با عظمت؛ و پروردگار کرسی و جایگاه والا و بلندمرتبه ؛ و پروردگار دریای المَشِجُورِ ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحُورِ ، بى پایان ؛ و اى فرو فرستنده تورات و انجیل ؛ و پروردگار سایه و آفتاب ؛ ۱ . البلد الأمين : ۹۱ ، مصباح المتهجد : ۲۲۰) با تفاوتی اندک .

وَمُنْزِلَ الرُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَرَسْتَنده زبور و قرآن با عظمت، و پروردگار فرشتگان مقرب و الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ . أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ ، وَإِلَهُ مَنْ فِي وَبِامِيرَانِ مَرَسَلٍ ؛ تو، معبود اهل آسمان و معبود اهل الْأَرْضِ ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ ، وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ ، زَمِينِ هَسْتِي . جز تو معبودی در زمین و آسمان نیست؛ تو متسلط بر ساکنان آسمان و جَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ

، لا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ ، وَأَنْتَ خَالِقُ مَنْ وَ زَمِينِ هَسْتِي ؛ جَزْ تُو جَبَّارِ وَ مَتَسَلِّطِي دَرِ آن دُو وَجودِ نَدَارْدِ؛ تُو آفَرِينِنْدَه هَر چِه دَرِ فِي السَّمَاءِ ، وَخَالِقُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ ، آسْمَانِ وَ زَمِينِ اسْتِ مِي بَاشِي، جَزْ تُو آفَرِينِنْدَه اِي دَرِ آسْمَانِ وَ زَمِينِ نِيسْتِ؛ وَأَنْتَ حَكَمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ ، وَحَكَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لا حَكَمُ تُو حَكَمِ كُنِنْدَه سَاكِنَانِ آسْمَانِ وَ زَمِينِ هَسْتِي وَ جَزْ تُو حَكَمِ كُنِنْدَه وَ دَاوَرِي دَرِ فِيهِمَا غَيْرُكَ . اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ اَيْنِ دُو وَجودِ نَدَارْدِ . بَارِ اِلْهَا؛ بَهِ وَاسِطَه ذَاتِ بَزْرِگَوَارْتِ اَزْ تُو دَرِخَواسْتِ مِي كُنْمِ؛ بَهِ وَاسِطَه نُورِ الْمُنِيرِ ، وَمَلِكِكَ الْقَدِيمِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، اَسْأَلُكَ بِاشِيْمِكَ الَّذِي رُوشَنِي بَخِشْتِ ، وَفَرْمَانِ رِوَايِي دِيرِينَه اَتِ؛ اِي زَنْدَه؛ اِي پَايِدَارِ؛ بَهِ وَاسِطَه اَنِ نَامْتِ اَزْ تُو دَرِخَواسْتِ مِي كُنْمِ كِه اَشْرَفَتْ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُونَ ، وَبِاشِيْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ آسْمَانِ هَا وَ زَمِينِ هَا بَدَانِ رُوشَنِي يَافْتَنْدِ؛ وَ بَا اَنِ اسْمِي اَزْ تُو دَرِخَواسْتِ مِي كُنْمِ كِه اَلْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ ، يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ ، مَخْلُوقَاتِ پِيشِينِ وَ آيِنْدِگَانِ بَا اَنِ صَالِحِ وَ شَايِسْتَه مِي گَرْدَنْدِ وَ اَصْلَاحِ مِي شُونْدِ؛ اِي زَنْدَه پِيشِ اَزْ هَر زَنْدَه؛ اِي زَنْدَه پَسِ اَزْ هَر زَنْدَه؛ وَ يَا حَيًّا حِينَ لا حَيٍّ ، وَ يَا مُعْجَبِي الْمَوْتِي ، وَ يَا حَيُّ لا اِلَهَ اِلَّا اِي زَنْدَه، اَنِ گَاهِ كِه زَنْدَه اِي وَجودِ نَدَاشْتِ؛ اِي زَنْدَه كُنِنْدَه مَرْدِگَانِ؛ اِي زَنْدَه كِه جَزْ تُو دَعَايِ الْحَاحِ اَزْ اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ...

أَنْتَ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ . اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَإِلَّهِ مَعْبُودِي وَجُودِ نِدَارِدْ؛ اِي زنده؛ اِي پايدار؛ از تو درخواست مي كنم بر محمد و آل محمد، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ مُحَمَّدٌ دَرُودِ بفرستي، و از آن جا كه گمان آن را داشتم، و از آن جا كه فكرش را هم نمي كنم، رِزْقًا وَاسْتِعْمًا حَلَالًا طَيِّبًا، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ رُوزِي وَنَصِيبِ فَرَاوَانِ وَحَلَالِ وَپَاكِزِه اِي به من برسانی، و تمام اندوه ها و مشكلات و گرفتاری ها را از من برطرف فرمایی، تُغَطِّينِي مَا أَرْجُوهُ وَ أُمَّلُهُ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱۰)

و آن چه اميد و آرزويش را دارم به من عطا كني ؛ به راستي تو بر هر چيزي توانايي .

۴۴ دعای الحاج از امام صادق عليه السلام به نقل از حضرت بقيه الله ارواحنا فداه

ابو نعیم انصاری می گوید : در مکه ، کنار ركن مستجار بودم و گروهی از طایفه مقصیره نیز حضور داشتند . محمودی و علان کلینی و ابو هیثم دیناری و ابو جعفر احوال همدانی در میان آنان بودند و در مجموع حدود سی نفر بودند و جز محمد بن قاسم علوی عقیقی ، شیعه مخلصی در بین شان نمی شناختم .

روز ششم ذیحجه سال ۲۹۳ هجری بود كه در آن جا بودیم ، ناگهان جوانی كه مشغول طواف بود و با دو پارچه احرام بسته بود و كمش هایش را در دست داشت ، به طرف ما آمد كه هیبت و شكوهش ما را گرفت و بی اختیار از جا برخاستیم ؛ همه ما بدون استثنا از جا برخاستیم و بر او سلام كردیم ؛ آن گاه نشست و به طرف راست و چپ نگرست و فرمود :

آیا می دانید ، امام صادق

علیه السلام در دعای الحاح (چه می گفت ؟

گفتیم : چه می گفت ؟

فرمود : ایشان چنین می گفتند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ ، وَبِهِ تَقُومُ بَارِئَاتُ الْأَرْضِ ، وَبِهِ تَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ ، وَحَقِّ وَبَاطِلٍ رَا بِه سَبَبِ أَنْ هَمَّ جَدَا مِي كُنِي ، وَ پَرَا كُنْدِه هَا رَا رَا بَا أَنْ گَرْد مِي آوَرِي ، وَبِهِ تَفْرُقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ ، وَبِهِ أَخْصِيئَتْ عَدَدَ الرِّمَالِ ، وَزَنَةَ وَبَا أَنْ بَيْنَ گَرْدآمَدِه هَا جَدَائِي مِي اَفْكَنِي ، وَ تَعْدَادِ سَنَگَرِيْزِه هَا رَا بِه شِمَارِه دَرْمِي آوَرِي ؛ وَ زَنَ الْجِبَالِ ، وَ كَيْلَ الْبِحَارِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ كُوِه هَا وَ بِيْمَانِه دَرِيَا هَا رَا مِي دَانِي ؛ مِي خَوَاهِم بَر مُحَمَّد وَ آل مُحَمَّد دَرُود فَرَسْتِي ، وَ دَر تَجَعَّلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا . (۱۱)

کار من گشایش و گریزگاهی قرار دهی .

در کتاب «الْبُحْتَةُ الْوَأَقِيَه» روایت می کند که امام عصر ارواحنا فداه فرموده اند : امام صادق علیه السلام این دعا را هر روز صبح می خواندند . (۱۲)

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیه الله اوحنا فداه

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

ابو نعیم انصاری می گوید : سپس آن جوان برخاست و به طواف کنندگان پیوست ؛ ما به خاطر برخاستن ایشان برخاستیم و فراموش کردیم نامش را بپرسیم .

فردای آن روز نیز در همان وقت ، از طواف به سمت ما آمد ؛ ما همانند روز گذشته بدون اختیار برخاستیم . وی در آن میان نشست و به راست و چپ نگریست و فرمود :

آیا می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نمازهای واجب چه

گفتیم : چه می گفت ؟ فرمود : می گفت :

أَللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ ، [وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ] ، وَلَمَكَ عَنَتِ بَارِهَا ؛ صدها، تنها به سوی تو بالا- برده می شود [و دعاها خوانده می شود] و روی ها تنها الوجود ، وَلَمَكَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ ، یا برای تو خوار و فروتن شد، و گردن ها تنها در برابر تو خمیده می شوند، و حکومت و داوری در کارها تنها به سوی تو است . ای خَیْرُ مَسْئُولٍ وَخَيْرٌ مَنْ أُعْطِيَ ، یا صادق یا باری ، یا مَنْ بَهْتَرِينَ دَرِخَوَاسْتِ شَوْنَدَه وَبَهْتَرِينَ كَسَى كَه چيزی عطا می کند؛ ای راستگو؛ ای ایجاد کننده؛ ای کسی که لَايُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ، یا مَنْ أَمَرَ بِالْذُّعَاءِ وَتَكْفُلُ بِالْإِجَابَةِ . یا مَنْ بِرِخْلَافِ وَعْدِهِ عَمَلَ نَمَى كَنَد؛ ای کسی که دستور به دعا کردن داد، و خودش نیز برآوردن دعا را به عهده گرفت ؛ ای کسی که قَالَ « اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ » (۱۳) ، یا مَنْ قَالَ « وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي كَفْتِ : «مرا بخوانید؛ پاسخ مثبت به شما می دهم» ، ای کسی که فرمود: «و هنگامی که بندگانم عَنِّي قَائِي قَرِيْبٌ أَجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيْبُوا لِي دَر مَوْرِدِ مَنْ اَز تُو پْرَسِيْدَنْد» (بگو: همانا من نزدیک هستم، دعای دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می دهم؛ پس، از من وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ » (۱۴) ، یا مَنْ قَالَ « يَا عِبَادِي الَّذِينَ دَرِخَوَاسْتِ اِجَابَتِ كَنْتَنْد، وَ بَه مِنْ اِيْمَانِ آوْرَنْد؛ شايِد بَه رَاه نِيكَ وَ دَرَسْتِ دَر آيَنْد» . ای کسی که گفت : «ای بندگان من که اَسْرَفُوا عَلَي اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ

اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ در مورد خویشتن زیاده روی کردند؛ از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ «(۱۶). (۱۵)

تمام گناهان را می بخشد؛ همانا، او بخشنده مهربان است» .

در «بحار الأنوار» آمده است (که ادامه این دعا چنین است) :

لَيْبِكَ وَسَيِّدِكَ، هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، الْمُسْتَرْفُ عَلَى نَفْسِي، وَأَنْتَ خَدَايَا؛ دعوت را شنیدم و پاسخ می گویم این منم که در پیش رویت هستم؛ همان که در مورد خویشتن زیاده روی کرده است؛ در الْقَائِلُ «لَاتَقْطُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» . (۱۷) حالی که تو می فرمایی : «از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، تمام گناهان را می بخشد» .

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

(در ادامه روایت پیشین آمده است : (آن گاه - پس از این دعا - به سمت راست و چپ نگرست و فرمود :

آیا می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر چه می گفت ؟

گفتیم: چه می گفت ؟

فرمود : می گفت :

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ الْإِحْاحُ الْمَلِيحِينَ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ أَيِّ كَسِي كَمَا اصْطَرَّ اَصْرَارَ كُنُودِ الْكَانِ، تَنْهَا سَخَاوَتِ مَنْدَى وَكَرَامَتِ اَوْرَاغِ اَفْرُونَ مِي كُنْدُ؛ اِي كَسِي كَه كَنْجِيْنِه هَاي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلَّ، لَانْتَمَعَكَ آسْمَانِ هَا وَزَمِيْنِ بَرَايِ اَوْسْتُ؛ اِي كَسِي كَه كَنْجِيْنِه هَا وَذَخِيْرَه گَاه هَاي هَر چيز كوچك و بزرگ برای اوست؛ (به خوبی می دانم که) إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ . اِيْنِي أَشَأْلُكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ دَعَايِ سَجْدَه اِمَامِ سَجَادِ عَلِيْهِ السَّلَامِ ...

بدرفتاری من، از احسان و نیکی تو به سوی من جلوگیری نمی کند. در واقع، من از تو

درخواست می کنم آن چنان که شایسته و بایسته مقام توست اَهْلُهُ ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ يَا رَبَّاهُ يَا اَللَّهَ ، اِفْعَلْ بِي بِا مَن رِفْتَارِ كُنِي؛ این نیز روشن است که شایسته و بایسته مقام تو، سخاوت مندی و کرامت و عفو و بخشش است؛ پروردگارا؛ خدایا؛ آن گونه که ۱ . بحار الأنوار : ۲۷/۸۶ .

مَا أَنْتَ اَهْلُهُ ، فَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدِ اشْتَحَقَّتْهَا، لَا حُجَّةَ شَائِسْتَه مَقَامِ تَوْسْتِ بَا مَن رِفْتَارِ كُنْ؛ تو می توانی مجازات کنی و من به راستی سزاوار عقوبتم هیچ حجت و دلیلی نیز ندارم (که لی ، وَلَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ ، اَبُوهُ اِلَيْكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا ، وَاَعْتَرَفُ بِهَا دِفَاعِ اَزْ خُودِ كُنْم)؛ و هیچ عذر و بهانه ای نیز نزد تو نمی توانم بیاورم تمام گناهانم را در پیشگاهت آورده به همه آن ها اعتراف می کنم كَيْ تَعْفُوَ عَنِّي ، وَأَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنِّي ، بُوْنْتُ اِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ بِه خَاطِرِ اَيْنِ كِه مَرَا عَفُو كُنِي؛ اَيْنِ دَر حَالِي اَسْتِ كِه تُو اَز مَن بَهْتَرِ مِي دَانِي چِه گناهانی کرده ام . نَكْ نَكْ اَذْنَبْتُهُ ، وَبِكُلِّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا ، وَبِكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا ، يَا رَبِّ گناهان، نَكْ نَكْ اشتباهات و نَكْ نَكْ بدرفتاری هایم را که انجام داده ام ، به آن اعتراف و اقرار می کنم ؛ اِي پَروردگارا ؛ اَعْفُزْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنْكَ أَنْتَ اَلْاَعَزُّ اَلْاَكْرَمُ . (۱۸) مَرَا بِيخَشْ ؛ رَحْمِ كُنْ ؛ بگدر از تمام چیزهایی که می دانی؛ در واقع این تویی که عزت مندترین و با کرامت ترین هستی .

ادعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداء

اشاره

(در ادامه حدیث پیشین (ابو نعیم) انصاری (می افزاید : آن شخص برخاست و به طواف مشغول شد و ما دوباره به

احترام ایشان برخاستیم .

فردای آن روز و در همان وقت، دوباره تشریف آورد و ما برای استقبال از ایشان - همانند روزهای گذشته - برخاستیم و احترام کردیم ؛ در میانه مجلس نشست و به راست و چپ نگاه کرد و فرمود :

حضرت امام علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام در سجده اش در این مکان - آن گاه به سوی سنگی که در طرف ناودان بود اشاره فرمود - می گفت :

عَبِيدُكَ بِفَيْئَاتِكَ ، [فَبَيْئَاتِكَ بِبَابِكَ ، أَشَأْلُكَ مَا بَنَدَه كَوْجَكَتْ بَه دَر گَاهَتْ آمَدَه اسْت ؛] إِنْيَا مَنَدَتْ بَه دَر گَاهَتْ آمَدَه اسْت ؛ [بِيچاره ات بر دَرْت اسْت ؛] از تو درخواست می کنم آنچه را ۱ . کمال الدین : ۴۷۱ ، دلائل الإمامه : ۵۴۴ .

لَا يُقْدِرُ عَلَيَّ سِوَاكَ .

که جز تو، توان انجام آن را نداشته باشد .

دوباره به راست و چپ نگاه کرد و به محمد بن قاسم علوی نگریست و فرمود :

ای محمد بن قاسم ؛ تو در مسیر صحیحی هستی إِنْ شَاءَ اللَّهُ .

آن گاه برخاست و به طواف مشغول شد . هر یک از ما دعاهایی را که بیان فرمود یاد گرفتیم ، ولی همگی فراموش کردیم در مورد او باهم صحبت کنیم مگر در روز آخر .

محمودی به ما گفت : ای دوستان؛ آیا این مرد را می شناسید ؟ گفتیم : نه .

گفت : به خدا سوگند ، این صاحب الزمان صلوات الله علیه است .

گفتیم : از کجا این مطلب را می گویی ، ای ابو علی !؟

وی گفت که: مدت ها است در آنجا مانده و پروردگار را می خواند و درخواست می کند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را به

او نشان دهد و هفت سال است به این کار ادامه داده است .

(وی افزود: (در شامگاه روز عرفه ، ناگهان همین شخص را دیدم دعایی را خواند. از او پرسیدم: این دعا از چه کسی است ؟

فرمود : از مردم . گفتم از کدام مردم ؛ عرب یا عجم ؟

فرمود : عرب . عرض کردم : از چه طایفه ای از آن ها ؟

فرمود : از باشرافت ترین و والاترین آن ها .

گفتم : مقصودت کیست ؟

فرمود : بنی هاشم .

گفتم : کدام یک از بنی هاشم ؟

حکایت دعای عبرات

فرمود : از برترین و بلند مرتبه ترین شان .

گفتم : یعنی کدام شان ؟

فرمود : کسی که سرهای کفار را می شکافت و به فقرا غذا می داد ، و در نیمه های شب که مردم خواب بودند به نماز می ایستاد .

با این سخنان متوجه شدم که او از فرزندان حضرت علی علیه السلام است و بدین جهت نسبت به او محبت پیدا کردم ، ولی در حالی که در پیش رویم بود او را گم کردم ؛ نفهمیدم به آسمان بالا رفت یا به زمین وارد شد . از مردمی که در اطرافش بودند پرسیدم : آیا این شخص علوی را می شناسید ؟

گفتند : آری ؛ هر سال با پای پیاده و به همراه ما به سفر حج می آید .

گفتم: سبحان الله؛ به خدا سوگند ، اثری از پیاده روی در او مشاهده نکردم . پس از آن به مزدلفه رفتم و بسیار اندوهگین شدم که چرا از او جدا شدم .

آن شب به خواب رفتم و در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دیدم که فرمود : ای محمّد؛

به خواسته مهم خود که دنبالش می گشتی رسیدی و او را مشاهده کردی .

گفتم : ای آقای من ؛ چه کسی را می گویی ؟

فرمود : همان که امشب او را دیدی ؛ او امام زمان شما بود . (۱۹)

حکایت دعای عبرات

علامه حلی رحمه الله در آخر کتاب «منهاج الصلاح» در مورد دعای عبرات می فرماید : این دعای مشهوری است که از امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام روایت شده است .

سید سعادت مند جناب رضی الدین محمد بن محمد بن محمد بن محمد آوی قدس سره در مورد این دعا جریانی دارد که مشهور است و یکی از فضلا در حاشیه آن دعا نوشته است :

مولای سعادت مند جناب فخرالدین محمد بن شیخ جمال الدین از پدر بزرگوارش، از جدّ فقیهش یوسف ، از همان سید رضی الدین روایت می کند که فرمود :

مدّتی طولانی در زندان یکی از فرمانداران سلطان جرماغون گرفتار بود و به شدت در تنگنا و سختی به سر می برد . تا آن که در خواب ، جانشین شایسته پیامبر ، یعنی صاحب الزمان ارواحنا فداه را زیارت کرد و با گریه عرضه داشت : ای مولای من ؛ برای نجات من از دست این ستمکاران ، نزد خدا شفاعت کن .

فرمود : دعای عبرات را بخوان .

گفت : دعای عبرات چیست ؟

فرمود: در کتاب مصباح تو هست .

عرض کرد: ای مولای من ؛ در کتاب مصباح من نیست.

فرمود : در مصباح نگاه کن آن را می یابی .

وی از خواب بیدار شد و نماز صبح را گزارد و کتاب مصباح را گشود، و دید که در بین برگ های کتاب ، برگی قرار داده شده که دعای عبرات روی آن

نوشته شده است ؛ و این دعا را چهل بار خواند .

فرماندار یادشده دو همسر داشت؛ یکی عاقل و دارای تدبیر در امور بود، و همین زن نزد فرماندار از اعتماد ویژه ای برخوردار بود .
نوبت این زن شد و فرماندار نزد او آمد. زن به او گفت: آیا یکی از فرزندان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام را زندانی کرده ای؟

دعای عبرات

گفت : چرا چنین سؤالی می پرسی ؟

زن گفت : شخصی را دیدم که گویا نور خورشید از چهره اش می درخشید با دو انگشتش حلقوم مرا گرفت و گفت : می بینم شوهرت فرزند مرا زندانی کرده است ، و در آب و غذا به او سخت گیری می کند!؟ گفتم : شما کیستید ، ای سرور من ؟

فرمود : من علی بن ابی طالب علیه السلام هستم ؛ به همسرت بگو : اگر فرزندم را آزاد نکند ، به طور حتم خانه اش را ویران می کنم .

این خواب تأثیر زیادی در حاکم گذاشت و گفت : من از این جریان بی خبرم ؛ آن گاه ، نمایندگان خود را فرا خواند و پرسید : آیا کسی را زندانی کرده اید ؟

گفتند : همان پیرمرد علوی که دستور دادی او را بگیریم .

گفت : رهایش کنید ، و اسبی به او بدهید تا بر آن سوار شود و راه را نیز به او نشان دهید تا به خانه اش برود . (پایان داستان)

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله در آخر کتاب «مہج الدعوات» آورده است : از جمله آن ها ، جریانی است که دوست و برادر عزیزم جناب محمّد بن محمّد بن قاضی آوی - که خدای بزرگ بر خوشبختی اش بیفزاید

و عاقبت به خیرش کند - برابم بازگو کرد و جریان شگفت و بی نظیری در آن مورد گفت .

جریان از این قرار است : حادثه ای برای ایشان پیش آمده بود، تا آن که این دعا را دید که در برگ هایی نوشته شده است و در کتابش قرار گرفته است (با این که این کاغذها را او در کتابش نگذاشته بود). از روی آن برگ ها نسخه برداری کرد و پس از بازنویسی ، نسخه اصلی که یافته بود گم شد .

ایشان در ادامه ، دعا را بیان کرده و نسخه دیگری از طریقی دیگر نیز ذکر کرده است که با این نسخه تفاوت دارد . (۲۰)

۸ دعای عبرات (۲۱)

ما ، در این جا «دعای عبرات» را از کتاب «بلد الامین» مرحوم کفعمی اعلی الله مقامه نقل می کنیم ، ایشان فرموده است :

این ، دعایی بزرگ و با ارزش است که از امام قائم صلوات الله علیه روایت شده است و در امور مهم و مشکلات بزرگ خواننده می شود ؛ این دعا را «دعای عبرات» نامیده اند . (و دعا این است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ ، وَيَا كَاشِفَ الرَّفَرَاتِ ، اَنْتَ بَارِهَا ؛ اِزْ تُو دَرْخَوَاسْتِ مِى كَنَمِ اِى رَحِمِ كَنَنْدِه بِر قَطْرَاتِ اشْكَ هَا و اِى بِر طَرْفِ كَنَنْدِه سُوْز دَل هَا ؛ تُو اَلَّذِى تَقَشِّعُ سَيَّحَابَ الْمِخْنِ ، وَقَدْ اَمْسَسَتْ نِقَالًا ، وَتَجْلُوْ صَبَابَ كَسِى هَسْتِى كِه اِبْرَهَاى مَحْنَتِ و اَنْدُوْه رَا پْرَا كَنْدِه مِى كَنِى دَرْ حَالِى كِه بَسِيَارِ سَنْگِيْنِ و پْرَبَارِ شُدِه اَنْد ؛ و اِبْرَهَاى فَنْنِه رَا دَرْ حَالِى الْفَنَنِ ، وَقَدْ سَحَبَتْ اَذْيَالًا ، وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيْمًا ، وَبُنْيَانَهَا كِه دَاْمَنِ بَرِ زَمِيْنِ كَشِيْدِه اَنْد بِر طَرْفِ مِى كَنِى ، و كَشْتِه

مددکاری خود برای من بگشا تا ملاقات کند مایه فرج و گشایش بر امری که قُدْرَ ، وَاحْمِلْنِي يَا رَبِّ مِنْ كَفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْأَوْحِ وَدُسِيرٍ . یا تقدیر شده ، مرا نیز از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته ها و میخ ها است (کشتی) سوار کن . ای مَنْ إِذَا وَلَّجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ خَيْرَتِهِ يَهِيمُ ، وَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَرِيحاً كَسَى كَسَى که وقتی بنده در شب وارد شود که از تحیر سرگردان گردد، و هیچ فریادرسی یَصِيرُ حُهُ مِنْ وَايٍ وَلَا حَمِيمٍ ، وَجَدَ يَا رَبِّ مِنْ مَعُونَتِكَ صَرِيحاً از دوست و خویشاوند برای فریادرسی اش نیاید؛ ای پروردگار؛ کمک تو را مُغِيثاً ، وَوَلِيّاً يَطْلُبُهُ حَثِيثاً ، يُنْجِيهِ مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَخَرْجِهِ ، فریادرس خود می یابد و یار و سرپرستی که شتابان او را طلب می کند تا او را از گرفتاری و رنجش نجات بخشد وَيُظَهِّرُ لَهُ أَغْلَامَ فَرَجِهِ . اَللّٰهُمَّ فَايَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ ، وَ اَيَاتُهُ وَ نَشَانَةُ هَايِ گشایش و راحتی را برایش آشکار کند . بار الها ؛ ای کسی که توانش نیرومند و پیروز، و نشانه هایش باهزه ، وَ نَقِمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ ، دَائِعَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَنَّارٍ ، آشکار و روشن است، و انتقامش تمام جباران و سرکشان را هلاک می کند، و هر کافر مکار و حيله گر را از بین می برد؛ صَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْظِرْ إِلَيَّ يَا رَبِّ نَظْرَةَ بَرِّ مُحْتَبِدٍ وَ آلِ مُحْتَبِدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ ، وَ - ای پروردگار ؛ - به من نگاه کن نگاهی مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً ، تَجَلَّى بِهَا عَنِّي ظُلْمَةٌ عَاكِفَةٌ مُقِيمَةٌ مِنْ أَسْوَاقِ نَظَائِرِهَا بِمَهْرَتِهَا

برطرف شود تاریکی پایدار و دیرینه ای را که مرا گرفتار کرده است؛ عَاهِهِ جَفَتْ مِنْهَا الضَّرْوُوعُ ، وَتَلَفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ ، وَأَنْهَمَلَتْ مِنْ أَزِ قَبِيلِ آفَتِي كِه از آن سینه ها بخشکد، و کشت و زرع ها تباه گردد، و
أَجْلِيهَا الدُّمُوعُ ، وَاشْتَمَلَتْ لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ ، وَخَرَّتْ بِسَرِيحِهَا خَاطِرَ آن اشک ها سرازیر گردد، و ناامیدی بر قلب ها احاطه کند، و به سبب آن الْأَنْفَاسُ . إِلَهِي فَحَفِظْ حَفِظًا لِعَرَائِسَ عَزُوشَا بِيَدِ الرَّحْمَانِ ،
نَفْسِ ها بند آید . بار خدایا؛ درخت هایی را که با دست خدای مهربان نشانده شده، وَشُرْبُهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ ، وَنَجَاتُهَا بِدُخُولِ الْجِنَانِ ، أَنْ تُكُونَ و با آب زندگی بخش آبیاری شده، و با ورود به بهشت
نجات می یابد، حَفِظْ كَنْ يَبِيدُ الشَّيْطَانِ نُحْرُ ، وَبِفَاسِهِ تَقَطَّعَ وَتَجَزَّ . إِلَهِي فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ وَنَگه دار که به دست شیطان بریده نشود و با تبر او نَگه نَگه نشود . بار خدایا؛ چه کسی سزاوارتر از توست بِأَنْ
يَكُونَ عَنْ حَرِيْمِكَ دَافِعًا ، وَمَنْ أَحْيَدُ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ بَرِيٍّ كِه از حریم خود دفاع کند؟ و چه کسی شایسته تر از توست برای این که جِمَاكُ حَارِسًا وَمَانِعًا . إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ ، وَخَشْنُ
حِرَاسَتِ و نگهبانی از نزدیکان خود را بر عهده گیرد؟ خدای من؛ کار مشکل شده است، پس آسانش گردان؛ و کارها سخت و خشن شده اند، پس قَالْتُهُ ، وَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعْتُ فَطَمَّنْهَا ، وَالنُّفُوسَ اذْتَاعَتْ
فَسَكَّنْهَا . آنها را به نرمی و ملامت بگرایان؛ دل ها، سست و لرزان شده است، آنها را آرام گردان؛ و نفس ها (جانها) دچار ترس

و دلهره شده اند، پس آنها را به إلهی إلهی تَدَارَكَ أَقْدَاماً زَلَّتْ ، وَأَفْكَاراً فِي مَهَامِهِ الْحَيَّوَةِ آرامش و سکون برسان . خدایا؛ خدایا؛ قدم های لغزان را دریاب؛ اندیشه های گم شده در سرگردانی ها را دریاب صَدَلْتُ ، بِأَنْ رَأَتْ جَبْرَكَ عَلَى كَسِيرِهَا ، وَإِطْلَاقَكَ لِأَسِيرِهَا ، که ببینند شکست شان را جبران کرده ای، و اسیران شان را آزاد کرده ای، وَإِجَارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهَا أَجْحَفَ الضَّرِّ بِالْمَضْرُورِ ، وَلَيْبَى دَاعِيهِ وَ پناه جویان شان را پناه ده، که بیچارگی بیش از توان و طاقت به خسارت دیده ضرر وارد کرده ، و فراخوان خود را بِالْوَيْلِ وَالشُّبُورِ . فَهَلْ يَحْسُنُ مِنْ عَدْلِكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَدْعَهُ بِاِوَى وَ ناله پاسخ داده . ای مولای من؛ آیا از عدل تو نیکو است کسی را که فَرِيَسَةَ الْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ ، أَمْ هَلْ يَجْمَلُ مِنْ فَضْلِكَ أَنْ بَعَثْتَ طَعْمَهُ بِلَا غَرْدَانِي؟! یا از فضل تو زیباست تَخَوُّضَ لُجَّةِ الْعَمَاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ . مَوْلَايَ لَيْنٌ كُنْتُ لَا أَشَقُّ كَسِيًّا رَا كَه بَه تَو پناهنده شده است در گرداب غم و غَضَه فَرُو رُوْد؟! ای مولای من؛ اگر چه من برای عَلَى نَفْسِي فِي التَّقَى ، وَلَا أُبَلِّغُ فِي حَمَلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغَ رِعَابِتِ پرهیزگاری و تقوا بر خود سخت نگرفته ام، و آن چنان که موجب رضایت تو شود به فرمان برداریت نپرداخته ام، الرُّضَى ، وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سَبَلِكِ قَوْمَ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهَمَّ حَمُصٌ وَ در زمره گروهی درنیامده ام که دنیا را رها کرده اند و در نتیجه الْبُطُونِ مِنَ الطَّوِيِّ ، ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الطَّمَاءِ ، وَعُمُشُ الْعُيُونِ مِنْ شَكَمِ هَايِ شَانِ از گرسنگی تو رفته است و از تشنگی لب های شان خشک شده است و

چشمان شان از اَبْكَاءِ ، بَلْ أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ ، وَظَهَرَ تَقَبُّلُ بِالْخَطَا بِاِغْرَابٍ رَنْجُورٍ شَدِيدٍ (بلکه در عمل و رفتارهای دینی ضعیف بوده ام، و پشتم از بار گناهان و الزلزل، و نفسی لبرازحه مُعْتَادِهِ ، و لِدَوَاعِي الشُّهُوهِ مُتَّادِهِ . أما و لغزش ها سنگین شده ، و روانم را به راحتی و خوشی عادت داده ام، و تسلیم انگیزه های شهوت هستم ، با این وجود ، یَکْفِئْنِي يَا رَبِّ وَسِيلَهُ إِلَيْكَ ، وَذَرِيعَهُ لَدَيْكَ ، أَنَّنِي لِأَوْلِيَاءِ اِي پروردگار من ؛ آیا از جهت وسیله و واسطه و سبب که به سوی تو راه پیدا کنم کافی نیست که من ، ارادتمند دینک مَوالِ ، وَفِي مَحَبَّتِهِمْ مُعَالٍ ، وَلِجَلْبَابِ اِئْتِلَاءِ فِيهِمْ لَا بَيْسَ ، اولیا و سرپرستان دینت هستم، و در دوستی شان سعی فراوان می کنم، و لباس بلا-را در مورد ایشان بر تن می کنم . وَلِكِتَابِ تَحَمُّلِ الْعَنَاءِ بِهِمْ دَارِسٌ . أما یَکْفِئْنِي أَنْ أُرُوِّحَ فِيهِمْ وَكِتَابِ تَحَمُّلِ سَخْتِي رَا بِه سبب آنان فراگیرنده ام . آیا برایم بس نیست که به خاطر آن بزرگواران مَظْلُومًا ، وَأَعْدُو مَکْطُومًا ، وَأَقْضَى بَعْدَ هُمُومِ هُمُومًا ، وَبَعْدَ مَظْلُومِ وَاقِعِ شَدِيدِ ، و سکوت کرده ام و خشم خود را باز داشته ام، و پیوسته گرفتار اندوه هستم؟ و از شدت وُجُومِ وُجُومًا ، أما عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهِذِهِ حُزْمَةٌ لَانْتَضِجَ ، وَذِمَّةٌ تَرَسُ بِبُيُوتِهِمْ كَرَفَاتِ خَامُوشِي ام ؟ ای مولای من ؛ آیا این باعث نمی شود که برای من حرمتی باشد که ضایع نشود و تباہ نگردد، و بِأَذْنَاهَا تُفْتَنُ ، فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا عَرِيْقٍ ، وَتَدْعُنِي بِاعْتِاقِ حَقِّي شُودِ کِه هِر چنْد کِم باشْد ولی

نجات بخش است؟ ای پروردگار من؛ می بینی که من غرق شده ام پس چرا از غرق شدن نگاهم نمی داری؟ هکذا وَأَنَا بِنَارٍ عَرِدُوكَ حَرِيقٌ . مَوْلَايَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَاءِكَ می بینی که با آتشی که دشمنت افروخته است آتش گرفته ام، پس چرا مرا این گونه رها می کنی؟ (مولای من؛ آیا دوستانت را جلوی دشمنانت طر آید، وَلِمَكْرِهِمْ مَصَائِدَ ، وَتَقْلُدُهُمْ مِنْ حَسْفِهِمْ فَلَايِدَ ، وَأَنْتَ می اندازی؟ و آن ها را گرفتار مکر و حيله شان قرار می دهی؟ و از خواری و فرومایگی آنان، حلقه ای بر گردن ایشان می افکنی؟ در مالک نُفُوسِهِمْ ، أَنْ لَوْ قَبِضْتَهَا جَمَدُوا ، وَفِي قَبْضِيَّتِكَ مَوَادُّ حَالِي که صاحب اختیار جان همه شان تویی، به گونه ای که اگر جان شان را بگیری جماد و بی جان می گردند؛ از طرفی مایه آنفاسِهِمْ ، أَنْ لَوْ قَطَعْتَهَا حَمَدُوا ، فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبُّ أَنْ تَكْفُفَ نَفْسَ كَشِيدِنِ شَانِ در دست توست، و اگر آن را قطع کنی می میرند؛ پس - پروردگار من؛ - چه چیزی مانع جلوگیری تو بآسُهُمْ ، وَتَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِيَأْسَهُمْ ، وَتَعَزِّيَهُمْ مِنْ سَلَامِهِ از بدرفتاری آن هاست، تا لباس نگهبانی خودت را از تن شان بیرون کنی، و سلامتی را که به واسطه آن بها فی أَرْضِكَ بِشِيرَاحُونَ ، وَفِي مَعِيدَانِ الْبُعْثِ عَلَى عِبَادِكَ در زمین تو می گردند از آن ها بگیری؛ همان سلامتی که به واسطه آن در میدان تجاوز و ستم بر بندگانت يَعْرِحُونَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَذْرِ كُنِّيَ وَلَمَّا بَا تَكْبِرَ وَخودپسندی راه می روند؟! بار الها؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا دریاب تا يُدْرِكُنِي الْعَرْقُ ، وَتَدَارِكُنِي وَلَمَّا غَيَّبَ شَمْسِي السُّفْقُ ، إِلَهِي كَمْ غَرَقَ

نشده ام؛ پیش از آن که خورشید عمرم غروب شود و غروب زندگانیم فرا رسد مرا تدارک کن . خدای من؛ من خَائِفٍ إِلَيْكَ إِلَى شَيْطَانٍ فَابِ عَنهُ مَحْفُوظًا بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ ، چه بسیار ترسان هایی که به پادشاهی پناه برده اند و با امتیت و ایمنی از پیش آن پادشاه بازگشتند؛ أَفَأَقْصَدُ يَا رَبِّ أَعْظَمَ مِنْ شَيْطَانِكَ شَيْطَانًا ، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ پروردگار من ؛ آیا با عظمت تر از سلطنت و قدرت تو سلطانی هست که به طرف او بروم ؟ آیا از إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا ، أَمْ أَكْبَرَ مِنْ أَقْتِدَارِكَ أَقْتِدَارًا ، أَمْ أَكْرَمَ مِنْ إِحْسَانِ فِرَاقِكِ فِرَاقًا هَسْت ؟ آیا از اقتدار تو اقتداری بزرگ تر هست ؟ آیا از انبصارِكَ انْبِصَارًا ، مَا عُذْرِي يَا إِلَهِي إِذَا خَرَفْتُ مِنْ حُسْنِ يَارِي رَسَانِدِنِ تُو يَارِي رَسَانِدِنِي كِرَامِي تَر هَسْت ؟ خدای من ؛ اگر تو کسی را که نزدت آمده است از رفتار بزرگوارانه الْكِرَامَةِ نَأْتِلِكَ ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ أَمْلَكَ ، وَلَا تُزِدُ سَأَلَكَ . و نیکویت محروم گردانی دیگر من چه عذری دارم؟ البتّه تو هیچ گاه آرزومندت را ناامید و درخواست کننده ات را رد نمی کنی . إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصِيرُهُ الْمُسْتَضْعَمِينَ مِنْ خَدَايَ مِنْ ؛ خدای من؛ کجاست، کجاست کفایت و بسندگی تو که یاری گر مردم مستضعف است ؟ الْأَنَامِ ، وَأَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُشْتَهَدِينَ بِجَوْرِ كِجَاسَتِ ، كِجَاسَتِ عِنَايَتِ وَ تُوْجِهَ تُوْ كِه سِپَرِي نِگِهْبَانِ بَرَايِ كِسَانِي اسْت كِه هَدَفِ جَوْرِ وَ سَتَمِ الْأَيَّامِ ، إِلَهِي إِلَهِي بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ، إِنِّي رُوْزْكَارِ فِرَارِي مِي كِيرِنْدِ ؟ أَن رَا بَه مِنْ بَدَه ، أَن رَا بَه مِنْ بَدَه ، اِي پَرُوْرْدْكَارِ مِنْ ؛ از گروه

ستم پیشگان نجاتم بخش؛ واقعیت آن است که مَسْبِي الصَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الزَّاجِمِينَ . مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِرِي فِي مَنْ بِيچاره ام، و این در حالی است که تو مهربان ترین مهربانان هستی . مولای من؛ سرگردانی مرا در کارهایم می بینی، اَمْرِي ، وَتَقْلَبِي فِي ضُرِّي ، وَأَنْطَوَائِي عَلَى حُرْفَةِ قَلْبِي ، وَخِرَارِهِ وَدَسْتِ وَپَا زدن در گرفتاری و بیچارگی ام را می نگری، و قلب سوخته و آتش گرفته، و گداحتگی صِدْرِي ، فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَجِدْ لِي يَا رَبِّ سِينَةَ مَرَا شَاهِدِ هَسْتِي؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگار ؛ - آن گونه که بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرْجاً وَمَخْرَجاً ، وَيَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْبَشَرِي تو شایسته آن هستی برایم گشایشی و گریزگاهی مرحمت کن ، و - ای پروردگار من؛ - راهی روشن به شادمانی فرا رویم بگشای مَنَهْجاً ، وَاجْعَلْ يَا رَبِّ مَنْ يَنْصِبُ لِي الْجِبَالَهَ لِيَصْرَعَنِي بِهَا وَرَسِيدَنَ بِهَ آن را برایم آسان کن ، ای پروردگار؛ هر کسی برایم دامی می افکند تا با حيله اش مرا در آن بیفکند، خودش را صِرِيحَ مَا مَكْرٍ ، وَمَنْ يَخْفِزُ لِي الْبَيْتُ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَإِقَاعاً فِيمَا كَرِهْتَ دَامَ وَحِيلَةَ اش گردان؛ هر کس برایم چاهی می کند تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن چاه بینداز؛ حَفَرَ ، وَاصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَمَكْرِهِ وَفَسَادِهِ وَضُرِّهِ ، مَا وَخَدَايَا ؛ شَرِّ وَمَكْرٍ وَحِيلَةَ وَتَبَاهِي وَضُرْرٍ وَزِيَانِشَ رَا از من برطرف کن، آن چنان که تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ ، وَعَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِذِي الدِّيَانِ ،

از پرهیزگاران برطرف می کنی؛ و از کسانی که خویشتن را تسلیم محض دین و مُنَادِ بُنَادِی لِلْإِيمَانِ . إلهی عِبْدُكَ عِبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ ، و تسلیم منادی ایمان کرده است ، برطرف می کنی. خدای من؛ بنده ات؛ بنده ات؛ خواهشش را پاسخ بده، ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرُوحَ عَمَّتَهُ ، فَقَدِ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ خَبَلٍ إِلَّا خَبْلَكَ ، ضعیفت، ناتوانت؛ اندوهش را برطرف کن . هر دستاویزی جز رشته اتصال تو را از دست داده است، وَتَقَلَّبَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّكَ . مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنَّ رَدَّذَنَهَا وَ جِز سایه رحمت تو هر سایه ای از سرش رفته است . مولاي من؛ اگر این خواهش و دعایم را رد کنی ، أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْإِجَابَةِ ، وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنَّ كَذَبْتَهَا أَيْنَ پَس در کجا به هدف اجابت برسد؟ این خوش گمانی مرا اگر راست مگردانی در کجا به تُلَاقِي مَوْضِعَ الْإِعَانَةِ ، فَلَاتَرُدُّ عَنْ بَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ عُيُزَهُ بَاباً ، جایگاه کمک خواهد رسید ؟ پس کسی که جز در گاه تو دری را بلد نیست ، هیچ گاه از در گاهت برمگردان ؛ وَلَا تَمْنَعْ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ سِوَاهُ جَنَاباً .

و کسی که جز آستان حضرت تو سراغ ندارد ، از آستان سخاوت مندت محروم نفرما . سپس به سجده برو و بگو: إلهی إِنَّ وَجْهًا إِلَيْكَ فِي رَغْبَتِي تَوَجَّهَ خَلِيقٌ مَعْبُودٌ مِنْ ؛ اعتقادم بر این است، رویی که با اشتیاق به سوی تو آمده است سزاوار بَأَنَّ تُجِيبَهُ ، وَإِنَّ جَبِينًا لَكَ بِإِيْتِهَالِهِ سَيَجِدُ حَقِيقًا أَنْ يَبْلُغَ مَا قَصَدَ ، پاسخ مثبت توست؛ و پیشانی که با نهایت تَضَرُّع و زاری در برابرت سجده کرده است شایسته است به نیت

و مقصودش برسد؛ وَإِنَّ خَدًّا لَدَيْكَ بِمَشِيئَتِهِ تَعَفَّرُ جَدِيرٌ أَنْ يُفَوِّزَ بِمُرَادِهِ وَيُظْفِرَ ، و گونه ای که به خاطر درخواستش، در پیشگاه تو خود را به خاک مالیده است، لایق آن است که با دست یابی به آن چه اراده کرده است کامیاب و وَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي قَدْ تَرَى تَعْفِيرَ خَدَيَّ وَاجْتِهَادِي فِي مَشِيئَتِكَ پیروز شود؛ ای خدای من؛ این منم که می بینی گونه ام را بر خاک نهاده ام و تلاش و کوششم را برای درخواست از تو، وَجَدْتِي ، فَتَلَقَّ يَا رَبِّ رَغَبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا ، وَسَيَهْلُ إِلَى بَكَارٍ بَرْدَةٌ ام . ای پروردگار من ؛ به خاطر رحمت و مهربانیت آن چه را مشتاق هستم بپذیر، و مرا با طلباتی بر آفتاب و صولاً ، وَدَلَّلَ قُطُوفَ ثَمَرِهِ إِجَابَتِكَ لِي تَدْلِيلًا . رأفت و مهربانی ویژه ات، به آسانی به آن چه خواستم برسان؛ و چیدن میوه اجابت را برایم فراهم گردان . إِلَهِي فَإِذَا قَامَ دُو حَاجِهِ بِحَاجَتِهِ شَفِيعًا ، فَوَجَدْتَهُ مُمْتَنِعَ النَّجَاحِ مَعْبُودٍ مِنْ ؛ هنگامی که حاجت خواهی برای حاجت و خواسته اش شفیع معزفی می کند، پس می یابی او را در حالی که دستگاریش ممتنع است سِرْهَلُ الْقِيَادِ مُطِيعًا ، فَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ ، وَالصَّفْوَةِ مِنْ كَسِيٍّ كَمَا بَعْدَ مَنْقَادٍ وَمَطِيعٍ مِي گردد ، من نیز کرامت و بزرگواریت را، و برگزیدگانت از بین مردم را شفیع می گردانم ؛ أَنَا مِمَّنْ أُنشَأَتْ لَهُمْ مَا تَنْظُلُ وَتُقَلُّ ، وَبَرَأَتْ مَا يَدُقُّ هَمَانِ هَائِي كَمَا هَرِ أَنْجَحَ سَائِبَهُ مِي افکند و هر چیز کوچک و بزرگ را برای شان خلق کرده ای . وَيَجِلُّ . أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوْلٍ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجَ الْجَلَالِ ، وَأَخْلَلْتَهُ مِنْ بِي تَقَرَّبَ مِي جَوِيمٍ بِي وَاسِطَهُ أَوْلٍ

ابو عبدالله امام حسین، (علیهما السلام) وَبِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعِبَادِ، ذِي التَّنَائِبِ، رَاهِبِ الْعَرَبِ، عَلِيُّ بْنُ وَنِيزِ بَا شَفِيعِ قَرَارِ دَادِنِ حَضْرَتِ سَجَادِ، زینتِ عبادتِ کنندگان، صاحبِ پینه‌ها (در سجده گاه‌ها)، راهبِ در میان قوم عرب، یعنی علی بن الحسین. وَبِالْإِمَامِ الْعَالِمِ، وَالسَّيِّدِ الْحَاكِمِ، النَّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الْحَسِينِ (علیهما السلام) و نیز با امام و پیشوای دانشمند، آقای حکم کننده، ستاره درخشانده، ماه روشن و الباهر مَوْلای مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، وَبِالْإِمَامِ الصَّادِقِ، مُبَيَّنِ زِيَا رُوی، مَوْلای من حضرت محمد بن علی امام باقر (علیه السلام)؛ و نیز با امام راستگو که بیان کننده المَشْكَلَاتِ، مُطَهِّرِ الْحَقَائِقِ، الْمُنْفَحِ بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرَسِ مَسَائِلِ مَشْکَلِ، آشکار کننده حقیقت‌ها، کسی که با حجت و دلیلش هر گوینده‌ای را ساکت و خاموش می‌کند، و زبان کسانی را اَلْسِنَهُ اَهْلِ الْجِدَالِ، مَسَاكِنِ الشَّقَاشِقِ مَوْلای جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ که به جدال و ستیزه برمی‌خواستند لال می‌کرد، کسی که بهترین جایگاه‌ها را داشت یعنی حضرت امام جعفر بن محمد الصادق، وَبِالْإِمَامِ التَّقِيُّ وَالْمُخْلِصِ الصَّفِيُّ، وَالنُّورِ الْأَخْوَدِيِّ، صادق (علیه السلام)، هم چنین با شفیع قرار دادن امام پرهیزگار باخلاص برگزیده، نور احمدی، النُّورِ الْأَنْوَرِ، وَالصَّبِيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلای مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ، وَبِالْإِمَامِ رُوشَنِ رُوشَنِ هَا، پرتو درخشانده، مولايم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام)؛ نیز به واسطه امام الْمُرْتَضَى، وَالسَّيِّفِ الْمُنْتَضَى، وَالرَّاضِي بِالْقَضَا مَوْلای عَلِيِّ بَرِگْزیده شده، شمشیر کشیده از نیام، کسی که به حکم و قضای الهی راضی است یعنی مولايم حضرت علی بن موسی الرضا، وَبِالْإِمَامِ الْأَمَّجِدِ

، وَالْبَابِ الْأَقْصَدِ ، وَالطَّرِيقِ ابْنِ مُوسَى الرضا (عليهما السلام) و نیز به واسطه امام بزرگ، بهترین باب الهی که مورد توجه و قصد و هدف است ، بهترین راه الْأَزْهَدِ ، وَالْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ ، يَثْبُوحُ الْحَكْمِ ، وَيَضْبِاحُ الظُّلْمِ ، سَيِّدِ به سوی رشد و کمال و هدایت، دانشمند مورد تأیید ، سرچشمه حکمت ها ، چراغ تاریکی ها، آقا و سرور الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ ، وَالْمَوْفِقِي بِالتَّأْيِيدِ وَالسَّدَادِ عرب و عجم، هدایت کننده به سوی راه درست، و کسی که با تأیید و موفقیت و راستی و استواری زندگی کرد مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ ، وَيَأْتِيهِ مِنَ الْجَبَّارِ ، وَوَالِدِ يَعْنِي مَوْلَايِمِ حضرت محمد بن علی الجواد (علیه السلام) ، نیز با شفیع قرار دادن امام بزرگوار، هدیه الهی، پدر الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُؤَلَّدِ بِالْعَشِيرَةِ ، الَّذِي حَذَرَ أَمَامَانَ پاك، حضرت علی بن محمد که در لشکرگاه دشمن به دنیا آمد، و بِمَوَاعِظِهِ وَأَنْذَرَ ، وَيَأْتِيهِ مِنَ الْمُنْتَرِهِ عَنِ الْمَائِمِ ، الْمَطْهَرِ مِنْ بَا پند و اندرزهای خود بیم داد و ترسانید؛ نیز به واسطه امام منزّه و پاک از بدی ها، به دور از الْمُظَالِمِ ، الْجَبْرِ الْعَالِمِ ، رَبِيعِ الْأَنَامِ ، وَبَدْرِ الظُّلَامِ ، النَّقِيِّ ستم ها، دانشمند کامل، بهار دل مردمان، ماه روشنی بخش تاریکی ها، پرهیزگار پاکیزه الطاهر الزَّكِيِّ ، مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَمِيرِ الْكَرِيِّ ، پاك خالص، مولايم حضرت امام ابو محمد حسن بن علی عسکری؛ به سوی تو نزدیک می شوم و تقرب می جویم. وَأَنْقَرَبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ، هم چنین، به واسطه کسی که او را نگهبان و دانای گنجینه ها

و پنهانی های زمین خود قرار دادی، وَالْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتُهُ أَرْمَهُ الْبَسِطُ وَالْقَبِيضُ ، صاحبِ و او را پدری مهربان قرار دادی و زمام هر گشایش و بستگی را در اختیارش گذاشتی؛ صاحبِ التَّقِيَّةِ الْمَيْمُونَةِ ، وَقَاصِبِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي بِيْشَوَابِي وَ رِيَّاسْتِ مَبَارَكِ ، برکننده درخت لعنت شده (بنی امیه)، سَخْنِ گوی در الْمَهْدِ ، وَالذَّالَّ عَلَى مَنَاجِ الرُّشْدِ ، الْعَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ ، گهواره با مردمان ، راهنما به راه روشن کمال و درستی، پنهان از دیدگان، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ ، الْعَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ ، الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ ، کسی که همیشه در شهرها حضور دارد ولی از چشم مردم پنهان می باشد، لیکن در اندیشه ها حضور دارد، بَعِيَّةِ الْأَخْيَارِ ، الْوَارِثِ لِذِي الْفَقَارِ ، الَّذِي يَطْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي بَاقِي مانده نیکوکاران، ارث برنده ذوالفقار، که در خانه خدا - که صاحبِ الْأَشْيَارِ ، الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ التَّجَارَاتِ پرده ها است - ظهور می فرماید، دانشمند پاک و پاکیزه، حضرت محمد فرزند حسن ، که بر تمام آن بزرگواران برترین و أَعْظَمُ الْبَرَكَاتِ ، وَأَتَمُّ الصَّلَوَاتِ . اللَّهُمَّ فَهَوْلَاءِ مَعَاقِلِي إِلَيْكَ وَبِافْضَلِ التَّجَارَاتِ برکت ها و تحیت ها و کامل ترین درودها نثار باد . بار خدایا؛ این عزیزان پناهگاه و وسیله فی طَلِبَاتِي وَوَسَائِلِي ، فَضَّلْ عَلَيْهِمْ صِلْوَةَ لَا يَغْرُبُ سِوَاكَ من برای عرضه درخواست هایم در محضر تو هستند؛ پس درودی نثارشان کن که مقدارهایش را جز تو نداند، مَقَادِيرِهَا ، وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرُ هِمِّ الْخَلَائِقِ صَغِيرِهَا ، وَكُنْ لِي بِهِمْ وَرَجَاءُ مَرْدَمِ بَاهِمَاتِ هَيَّاسِ لَا تَلَّاشُ كُنْتَ تَوَانِدُ بِهِ كَوَاجِكِ تَرْتِيقِ مَقَادِيرِهَا بِرَسْنِدِ . از طرفی نیز به واسطه ایشان عِنْدَ

گرفتاری حضرت ایوب را برطرف فرمود؛ ای کسی که به اشک های چشم یعقوب پیامبر رحم کرد؛ مرا ببخش و به من رحم و انصاف کنی عَلَي الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ، وَأَفْتِيحِ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ، كن، و مرا بر گروه کافران یاری ده؛ و برایم پیروزی عنایت فرما که تو بهترین پیروزکنندگان هستی. وَالطُّفُّ بِي يَا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، يَا ذَا الْقُوَّةِ اَي پروردگار من؛ به من لطف و مرحمت کن، و به تمام مردان و زنان مؤمن نیز لطف فرما. اَي صاحب نیروی اَلْمَتِينِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، محکم. با رحمت و مهربانیت اَي مهربان ترین مهربانان؛ و تمام ستایش ها اختصاص به خداوند - پروردگار جهانیان - دارد. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ اِلٰهِ الطَّاهِرِينَ. (۲۲)

و درود خداوند بر سرور و سید ما حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیامبر خدا و خاندان پاکش نثار باد .

.....(Anotates).....

(۱)

(۲) بحار الأنوار : ۲۵۹/۹۵ ، مهج الدعوات : ۱۶۱ .

(۳) دار السلام : ۱۲/۲ .

(۴)

(۵)

(۶)

(۷) بحار الأنوار : ۲۴۰/۹۵ ، مهج الدعوات : ۱۳۷) با تفاوت اندک(.

(۸)

(۹)

(۱۰) البلد الأمين : ۹۷ ، مصباح المتهجد : ۲۲۷ .

(۱۱) کمال الدین : ۴۷۰، البحار: ۱۵۷/۹۵، الصحیفه الصادقیه: ۳۶۳، دلائل الإمامه: ۵۴۳، الجئنه الواقیه والجئنه الباقیه (مخطوط: ۳۰ .

(۱۲) الجئنه الواقیه ، منسوب به میر داماد (چاپ سنگی ، قطع جیبی (: گفتنی است که برخی می گویند : این کتاب از تألیفات مرحوم کفعمی است ، ولی علامه مجلسی رحمه الله در نسبت این کتاب به شیخ کفعمی رحمه الله تردید نموده ، و در

«بحار الأنوار: ۱۷/۱» می گوید: کتاب «الْحَجَّةُ الْوَأَقِيه» تألیف بعضی از متأخرین است، و چه بسا به شیخ کفعمی رحمه الله نسبت داده شده است، و مولا افندی نیز در «الریاض: ۲۳/۱» در نسبت این کتاب به کفعمی رحمه الله تردید کرده است. (المقام الأسنی: ۱۳).

(۱۳) سوره غافر، آیه ۶۰.

(۱۴) سوره بقره، آیه ۱۸۶.

(۱۵) سوره زمر، آیه ۵۳.

(۱۶) کمال الدین: ۴۷۰.

(۱۷)

(۱۸)

(۱۹) کمال الدین: ۴۷۱.

(۲۰) جَنَّهُ الْمَأْوَى: ۲۲۱.

(۲۱) از علامه حلی رحمه الله نقل کردیم که دعای عبرات مربوط به مولای مان حضرت امام صادق علیه السلام است و امام عصر صلوات الله علیه به سید رضی الدین آوی رحمه الله دستور قرائت آن را داد. البته برخی از بزرگان گمان کرده اند که این دعا را از ابتدا، حضرت مهدی ارواحنا فداه فرموده اند.

(۲۲) البلد الأمين: ۴۶۱.

بخش یازدهم: زیارت نواب امام زمان علیه السلام

اشاره

نایبان امام زمان ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری چهار نفر بودند که به ترتیب عبارتند از: ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عَقری اسدی، ۲- پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عَقری، ۳- جناب ابو القاسم حسین بن روح بن ابو بحر نوبختی، ۴- جناب ابو الحسن علی بن محمد سمری (۱).

این بزرگواران، نایبان امام عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری بودند. تمام نامه ها و دستورات آن حضرت به واسطه ایشان و با دست ایشان به شیعیان می رسید. پس از آن زمان، غیبت کبری پیش آمد

ازیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «تهذیب الأحکام» و سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده اند : مستحب است زیارت کردن نایبان خاص و بزرگوار حضرت مهدی ارواحنا فداه را به زیارتی که به جناب حسین بن روح قدس سره منسوب است .

بدین صورت که کنار قبر مطهر جناب عثمان بن سعید قدس سره ایستاده و بگوئیم :

اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اَمِيْرَالْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ بِنِ سَلَامٍ بَر رَسُوْلِ خَدَا ؛ سَلَامٌ بَر اَمِيْرٍ وَ فَرْمَانِرَوَايِ مُؤْمِنَانِ ، حَضْرَتِ عَلِيٍّ بِنِ اَبِي طَالِبٍ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی خَدِيْجَةَ الْكُبْرٰى ، اَلسَّلَامُ عَلٰى فَاطِمَةَ اَبِي طَالِبٍ ؛ سَلَامٌ بَر حَضْرَتِ خَدِيْجَةَ ، بَر رُكُوْنِيْنَ زَن ؛ سَلَامٌ بَر حَضْرَتِ فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحُسَيْنِ بِنِ زَهْرَا ؛ سَلَامٌ بَر اَمَامِ حَسَنِ فَرَزَنْدِ حَضْرَتِ عَلِيٍّ ؛ سَلَامٌ بَر اَمَامِ حَسِيْنِ ، فَرَزَنْدِ عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بِنِ حَضْرَتِ عَلِيٍّ ؛ سَلَامٌ بَر عَلِيٍّ بِنِ الْحَسِيْنِ (اَمَامِ سَجَادِ) ، سَلَامٌ بَر مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ (اَمَامِ بَاقِرِ) ، عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى جَعْفَرِ بِنِ مُحَمَّدٍ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى مُوسٰى بِنِ سَلَامٍ بَر مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ (اَمَامِ صَادِقِ) ، سَلَامٌ بَر مُوسٰى بِنِ جَعْفَرِ (اَمَامِ كَاظِمِ) ، جَعْفَرِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى عَلِيٍّ بِنِ مُوسٰى ، اَلسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بِنِ سَلَامٍ بَر عَلِيٍّ بِنِ مُوسٰى (اَمَامِ رَضَا) ، سَلَامٌ بَر مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ (اَمَامِ جَوَادِ) ، عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى عَلِيٍّ بِنِ مُحَمَّدٍ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحَسَنِ بِنِ سَلَامٍ بَر عَلِيٍّ بِنِ مُحَمَّدٍ (اَمَامِ هَادِي) ، سَلَامٌ بَر حَسَنِ بِنِ

علی (امام عسکری) ؛ عَلِيُّ ، السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ ، سلام بر مُحَمَّد بن حسن ، حضرت مهدی صاحب عصر و زمان (عليهم السلام) . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمُؤَلَى ، أَذِيَّتْ سَلام بر تو ای عثمان بن سعید ؛ گواهی می دهم که تو باب و راه رسیدن به مولای مان هستی ؛ پیغام ها را از او به دیگران ، عَنَّهُ وَأَذِيَّتْ إِلَيْهِ ، ما خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ ، قُمْتَ خَاصِيًا ، و از دیگران به او رسانیدی ؛ نه با او مخالفت کردی و نه کسی را علیه او به مخالفت برانگیختی ؛ بپا خاستی در حالی که اولین نایب خاص بودی وَأَنْصِرَفْتُ سَابِقًا ، جِئْتُكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ ، وَأَنَّكَ مَا وَازِ دُنْيَا رَفْتِي فِي حَالِي كَمَا بِرِ هَمِهِ (از نظر عقیده) سَبَقْتُ كَرَفْتِي . در حالی خدمتت شرفیاب شده ام که حَقِّي را که تو بر آن هستی می شناسم ، وَخُنْتُ فِي التَّأْدِيَةِ وَالسَّفَاوَةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَكَ ، زیارت نایب اول ...

می دانم که در ادای رسالت و انجام وظیفه سفیربودن هیچ خیانتی انجام نداده ای . سلام بر تو ای در رحمتی که بسیار گسترش داشتی ؛ وَمِنْ سِرْفِيرٍ مَا أَمَّنَكَ ، وَمِنْ تَقِيٍّ مَا أَمَّنَكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَای سفیری که بسیار امانت دار و مورد اعتماد بودی؛ و ای مورد اطمینانی که قدرتت بسیار بالا بود. گواهی می دهم که خداوند اَخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّى عَائِنْتَ الشَّخْصَ ، فَأَذِيَّتْ عَنَّهُ وَأَذِيَّتْ إِلَيْهِ . تو را به نورش اختصاص داد تا آن که شخص مبارک حضرتش را با چشم دیدی،

و بدین سان پیغام ها را از او به دیگران و از دیگران به او رسانیدی . سپس بر پیامبر و امامان علیهم السلام تا امام زمان ارواحنا فداه دوباره سلام می دهی و می گویی :

جَنَّكَ مُخْلِصًا بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاهُ وَأَوْلِيَآئِهِ ، وَالْبِرَّآءِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ بِاِیْكَانِهِ دَانِسْتَنْ خَالِصَانِهِ خِدَاوَنْدِ وَ دُوسْتِي وَ مَوَالَاتِ خَالِصَانِهِ اَوْلِيَآئِیِ الهی ، وَ بِيْزَارِي اَز دَشْمَنَانِشَانِ وَ مِّنَ الَّذِيْنَ خَالَفُوْكَ ، يَا حُجَّهَ الْمَوْلٰی ، وَ بِكَ اللّٰهُمَّ تَوَجَّهِيْ ، وَ بِيْزَارِي اَز كَسَانِي كِه بَا تُو مَخَالَفْتِ كَرْدَنْدِ ، خِدْمَتِ شَرْفِيَابِ شُدْمِ . اِي دَلِيْلِ وَ حُجَّتِ مَوْلَا اِمَامِ زَمَانِ بَر مَا ؛ بَارَالِهَا ؛ تَنْهَا بَه تُو رُويْ اَوْرَدِه وَ تُوْجِهْ دَارْمِ ، وَ بِهَيْمِ اِلَيْكَ تَوْشَلِيْ .

و تنها به واسطه این بزرگواران به سوی تو توسل می جویم .

پس از آن ، هر دعایی که می خواهی بخوان و حاجت و خواسته ات را از خدای تعالی بخواه .

آن گاه دیگر نایبان بزرگوار را نیز همین گونه زیارت کن ، و تنها به جای اسم «عثمان بن سعید» ، نام همان نایبی را که زیارت می کنی بگو . (۲)

۲ زیارت نایب اول

جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید : در یکی از نسخه های کهن از تألیفات عالمان بزرگوار شیعه که مورد اعتماد می باشند ، زیارتی برای مولای مان جناب عثمان بن سعید عفری اسدی قدس سره دیدم که این گونه است :

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ ، اَلنَّاصِحُ لِلَّهِ وَ لِرَسُوْلِهِ وَ لِاَوْلِيَآئِهِ ، سَلَامٌ بَر تُو ، اِي بَنْدِه شَائِسْتِه كِه خَيْرِ خَوَاهِي بَر اِي خِدَا ، رَسُوْلَشِ وَ اَوْلِيَآئِشِ كَرْدِي ؛ اَلْمُجِدُّ فِی خِدْمَتِهِ مُلُوْكِ الْخَلَائِقِ ، اَمْنَاءُ اللّٰهِ وَ اَصْرَفِيَّآئِهِ ، اَلْسَّلَامُ بَه طُورِ جَدِّي وَ فَعَالِ ، دَر خِدْمَتِ پَادِشَاهَانِ حَقِیْقِي مَخْلُوْقَاتِ

کسی که پایداری اسلام به واسطه اوست ، وَبِهَاءِ الْأَيَّامِ ، وَحُجَّهِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَلَمِ عَلَى الْخَاصِّ وَالْعَامِّ ، و روشنی و درخشندگی ایام است ؛ و حجت خداوند - که صاحب مُلْک و ملکوت و بسیار دانا است - بر همه مردم از خواص و عوام ؛ الْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، وَالنُّورِ الزَّاهِرِ ، وَالْمَجْدِ الْبَاهِرِ همان کسی که حلال و حرام را از هم جدا می کند ، و روشنی تابان ، و شکوه زیبا و درخشان ، فی كُلِّ مَوْقِفٍ وَمَقَامٍ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ بَيْتِهِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرِهِ در هر جایگاه و توقف گاه است ؛ سلام بر تو ای ولی و نماینده باقی مانده پیامبران و برگزیده إله السَّمَاءِ ، الْمَخْتَصَّ بِأَعْلَى مَرَاتِبِ الْمُلْكِ الْعَظِيمِ ، الْمُنْجِي مِنْ خُدَايَ آسْمَانٍ ؛ که بلندترین مرتبه ها در هستی اختصاص به او دارد ؛ باعث نجات همگان از متالیف الْعَطَبِ الْعَمِيمِ ، ذِي اللُّوَاءِ الْمُتَّصِرِ ، وَالْعَلَمِ الْمُنْشُورِ ، حوادثِ هَلَاكَتِ بَارِ فِرَاغِيرِ و همه گیر اوست ؛ دارای بیرق پیروز ، و پرچم افراشته الْعِلْمِ الْمَشْتُورِ ، وَالْمَحْجَةِ الْعَظْمَى ، وَالْحَجَّةِ الْكُبْرَى ، سِلَالِهِ و دانش پنهان ، و طریقه و راه و روش بزرگ مرتبه ، و دلیل و برهانی والا ، و از نسل سروران الْمُقَدَّسِينَ ، وَدُرِّيَّةِ الْمُرْسَلِينَ ، وَابْنِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَبَهْجَةِ پاك و از فرزندان فرستادگان الهی ، و فرزند آخرین و ارجمندترین پیامبر ، و نشاط و شادمانی الْعَابِدِينَ ، وَرُكْنِ الْمُؤَحَّدِينَ ، وَوَارِثِ الْخَيْرِهِ الظَّاهِرِينَ ، صَلِي پرستش گران ، و تکیه گاه یکتاپرستان ، و ارث برنده از بهترین پاکان است . درود پیوسته اللَّهُ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا تَنْفَدُ وَإِنْ نَفَدَ الدَّهْرُ

، وَلَا تَحُولُ وَإِنْ حَالَ إِلَهِي بِرِأْسَانِ؛ درودی که پایان نپذیرد ، گرچه روزگار پایان یابد ؛ درودی که دگرگون نشود گرچه الزمَنُ وَالْعَصِيرُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّمُ بَيْنَ يَدَيْ سُؤَالِي ، أَلْبِغْتَرَا فِ زَمَانٍ وَعَصْرٍ دِغْرَ گُونِ گَرْدَدِ . بَارِهَا ؛ من بیش از عرض حال و درخواستم به پیشگاه مقدس تو ، لَكَ بِالْوَحِيدِ إِلَهِي ، وَلِ مُحَمَّدٍ بِالنَّبِيِّ ، وَلِعَلِّي بِالْإِمَامَةِ ، وَلِتَدْرِيْتَهُمَا اعْتِرَافِ خُودِ بِي كَانِگِي تُو رَا ؛ و نیز اعتراف به پیامبر بودن حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم ، امامت حضرت علی علیه السلام ، و بِالْعِزْمَةِ وَفَوْضِ الطَّاعَةِ ، وَبِهَذَا الْوَلِيِّ الرَّشِيدِ ، وَالْمَوْلَى عَصَمْتِ دَاشْتِنِ وَوَاجِبِ الْإِطَاعَةِ بُوْدِنِ نَسْلِ پَاكِ اِيْنِ دُو بَزْرَ گُوَارِ رَا تَقْدِيْمِ وَپِيْشَكِشِ مِي كِنَمِ . وَهَمِچْنِيْنِ بِي اِيْنِ سِرْپَرَسْتِ وَنَمَايِنْدِه رَا يَافْتِه وَ اِيْنِ السَّنْدِيْدِ ، أَبِي مُحَمَّدٍ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِالسُّفَاعَةِ مَوْلَايَ بَائِبَاتِ وَاسْتِقَامَتِ يَعْنِي جَنَابِ اَبُو مُحَمَّدِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، بِه سَبَبِ شَفَاعَتِ اُو بِي سُوِي خِدَاوَنْدِ تُوَسَّلِ مِي جُوِيْمِ . إِلَيْهِ ، لِيَشْفَعَنِي إِلَى شَفَاعَتِهِ ، وَأَهْلِ مَوْدَتِهِ وَخُلَصَائِهِ ، أَنْ تَا شَفَاعَتِ كَنْدِ نَزْدِ شَفِيْعَانِشِ وَ اَن هَا كِه مَوْدَتِ وَ دُوَسْتِي اِيْشَانِ رَا دَارَنْدِ وَ خُودِ رَا دَرِ رَا اَنَانِ خَالِصِ نَمُوْدِه اَنْدِ كِه يَشْتَقِدُوْنِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ مَرَا اَزِ نَاخُوشِ آيَنْدِهَايِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ نِجَاتِ بَخْشَنْدِ . بَارِهَا ؛ من به واسطه بَعْدِكَ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ بِنْدِهِ خُوْبِتِ جَنَابِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، بِه تُو مَتُوَسَّلِ مِي شُوْمِ ؛ وَ اُو رَا پِيْشَاپِيْشِ حَوَائِجِمُ مَقْدَمِ مِي دَارَمُ كِه عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ

وَشِيعِيَّهِ وَأَوْلِيَآئِهِ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي الْحُوبَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِيعِيَّانِ وَ دُوسْتَانِشَانِ دَرُودِ فَرَسْتِي ، وَ گَنَاهَانِ وَ اشْتِبَاهَاتِمِ رَا بِيخَشِي ، وَالْخَطَايَا ، وَنَشْتُرْ عَلَيَّ الرَّزْلَ وَ السَّيِّئَاتِ ، وَتَرْزُقْنِي السَّلَامَةَ وَ لِعِزِّشِهَا وَ زَشْتِيهَا رَا بِرِ مِنْ بِيوشَانِي ، وَ سَالِمِ مَانْدَنِ مِنَ الرَّزَايَا . فَكُنْ لِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ شَافِعاً نَافِعاً ، وَرُكْنًا مَنِيَعاً از مَصِيبَاتِهَا رَا نَصِييمِ گَرْدَانِي . بَدِينِ سَانَ ، اِي وَلِيَّ خُدَا ؛ وَاسْطَه گَرِي سُوْدَمَنْدِ ، وَ تَكِيه گَاهِي مَحْكَمِ دَافِعاً ، فَقَدْ أَلْفَيْتُ إِلَيْكَ بِالْأَمَالِ ، وَوَيْثِقْتُ مِنْكَ بِتَخْفِيفِ الْأَثْقَالِ ، وَ مَدَافِعِ بَرَايِ مِنْ بَاشِ ؛ مِي دَانِي كِه بَا آرزوهای فراوان نَزْدَتِ آمَدِه ام ، وَ اطمینان دارم كِه سَنگِينِي گَنَاهَانِ مَرَا كَم مِي كَنِي ، وَفَرَعْتُ بِكَ يَا سَيِّدِي بَابِ الْحَاجَةِ ، وَرَجَوْتُ مِنْكَ جَمِيلاً وَ بَه وَاسْطَه تَوَاقِدَامِ بَه كَوْبِيدَنِ دَرَبِ حَاجَتِ كَرْدِه ام ، وَ از تَوَأمِيدِ بَهْتَرِينِ سِيفَاذَتِكَ ، وَحُضُورِ الْفَلَاحِ بِمَقَامِ غِيَاثِ اَعْتِمِدُ عَلَيْهِ وَاقْصِدْ إِلَيْهِ ، بِيغَامِ رَسَانِي رَا دَارم ، وَ اَمِيدِوارم بَه وَاسْطَه شَمَا رَسْتگَارِي حَاصِلِ كَنْمِ بَه جَايگَاهِ دَاذَرَسِي كِه بَه او اَعْتِمَادِ دَارم وَ بَه قَصْدِ دَسْتِيَابِي بَه وَأَطْرَحُ نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . او نَزْدِ شَمَا آمَدِه ام ، وَ جَانِمِ رَا پِيشِ رُوِيشِ بِيغَكْنَمِ . سَلَامِ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ خُدَاوَنْدِ نَثَارَتِ بَادِ . نَمَازِ بَرَايِ وَسَعْتِ رِزْقِ ...

سپس ، نَمَازِ زِيَارَتِ رَا بَه جَايِ آوَرْدِه وَ بَه او وَ دِيگَرِ كَسَانِي كِه دَرِ نِيَابَتِ بَا او شَرِيكَ بُوْدِه اَنْدِ هَدِيه كِنِ ، دَرُودِ خُدَا بِرِ هَمِه آتَانِ بَادِ . سَپَسِ دَرِ حَالِي كِه رُو بَه رُوِي اِيشَانِ مِي بَاشِي ، بَا آنِ بَزْرگُوَارِ

۳ نماز برای وسعت رزق که جناب محمد بن عثمان قدس سره نقل شده است

مبشر بن عبدالعزیز روایت کرده و می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان وارد شد و عرض کرد: قربانت شوم، من فقیر و نیازمندم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

منتظر باش، تا روز چهارشنبه فرا رسد؛ آن روز را و روز پنجشنبه و جمعه را که بعد از آن است روزه بگیر. هنگام ظهر روز جمعه، بر بالای پشت بامت یا به دشت و صحرا برو و به گونه ای که هیچ کس تو را نبیند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را زیارت کن، آن گاه در همان جا دو رکعت نماز به جای آور. سپس بر دو زانویت بنشین و آن ها را بر زمین بچسبان و در حالی که رو به قبله هستی دست راست را بالای دست چپت رو به آسمان بالا ببر و بگو:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ، اِنْتَقَطَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ، وَخَابَتِ الْاُمَالُ اِلَّا فِيْكَ، خدایا؛ تو، تویی؛ امید، جز از تو بریده شد؛ و آرزوها، جز در مورد تو ناکام گشت؛ یا ثِقَّةَ مَنْ لَا ثِقَّةَ لَهُ، لَا ثِقَّةَ لِيْ غَيْرُكَ، اِجْعَلْ لِيْ مِنْ اَمْرِيْ فَرَجًا اَي تَنهَا مَوْرِدَ اِطْمِيْنَانٍ كَسِيْ كَه هِيْجِ شَخْصٍ مَوْرِدَ اِطْمِيْنَانِيْ نَدَارِدُ؛ مَنْ نِيْزِ هِيْجِ شَخْصٍ مَوْرِدَ اِعْتِمَادِيْ جِزْ تُو نَدَارِمُ؛ دَر كَارِمِ رَاحَتِيْ وَمَخْرَجًا، وَاَزْوَاقِيْ مِنْ حَيْثُ اَخْتَسِبُ، وَمِنْ حَيْثُ لَا اَخْتَسِبُ. و گشایش و گریزگاهی قرار بده و از جایی که گمان می برم و حتی از جایی که گمان نیز نمی برم به من روزی و

نصیب برسان . سپس روی زمین سجده کن و بگو: یا مُعِیْثُ، اِجْعَلْ لِي رِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ.

ای فریادرس ؛ برای من روزی و نصیبی از فضلت قرار ده .

پس خورشید روز شنبه طلوع نخواهد کرد مگر با رزق و روزی تازه ای که برایت فراهم شده باشد .

احمد بن مابنداذ - راوی این حدیث - می گوید : به ابو جعفر جناب محمد بن عثمان بن سعید عَمْرِي قدس سره عرض کردم : اگر کسی بخواهد این نماز و دعای درخواست رزق را بخواند و در شهر مدینه نباشد ، باید چه کند ؟

فرمود : آقا و سرورمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را در حرم امامی که در شهر و سرزمین خودش است در قسمت بالای سر آن امام زیارت کند .

عرض کردم : اگر در شهر خودش قبر هیچ یک از امامان نباشد ، چه کند ؟

فرمود : بعضی از مؤمنان نیکوکار و شایسته را زیارت کند ، و سپس به صحرا برود ، و در قسمت راست صحرا دستوری را که در روایت آمده است اجرا کند ؛ ان شاء الله این کار باعث رستگاری و کامیابی او خواهد بود . (۴)

۴ دعای مهم ...

دعای مهم

که جناب محمد بن عثمان قدس سره آن را بسیار عظیم و بارزش دانسته است

این دعا را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهما السلام می خوانده اند ، دعای حاضر را به جناب ابو جعفر محمد بن عثمان قدس سره عرضه کردند ، فرمود : دعایی مانند این دعا وجود ندارد و خواندن این دعا ، از بارزش ترین عبادت هاست .

دعا این است :

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ وَاَنَا

عَبْدُكَ ، اَمْنْتُ بِكَ مُخْلِصاً لَكَ عَلَى عَهْدِكَ بَارَالِهَا ؛ تو پروردگار من هستی ، و من بنده توام ؛ مخلصانه به تو ایمان آوردم ، و در حدّ توام و تا آنجا که وَوَعْدِكَ مَا امْتِطَعْتُ ، اَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ شَوْءٍ عَمَلِي ، وَأَشْتَعْفُكَ تَوَانِسْتَهُ ام بر عهد و پیمانی که با تو دارم هستم ؛ از بدرفتاری هایم توبه کرده و به سوی تو باز می گردم ، لِتَدُنُوْبِي الَّتِي لَا يَغْفُرُهَا غَيْرُكَ ، أَصْبِيحُ ذُلِّي مُشْتَجِيراً بِعُزَّتِكَ ، و در مورد گناهانم که جز تو بخشنده ای برای آن ها وجود ندارد ، از تو طلب بخشش می کنم . ضعف و ذلّت من پناهنده به عزّت و قدرت تو گردیده ، ۱ . مصباح المتهدّج : ۳۲۹ ، البلد الأمين : ۴۷۵ .

وَأَصْبِيحُ فَفْرِي مُشْتَجِيراً بِغَنَاكَ ، وَأَصْبِيحُ جَهْلِي مُشْتَجِيراً وَبِرَطْفِ شَدْنِ نِازِمٍ بِبِي نِازِي تُو پناه آوردم ، و نادانی خود را با آویختن بِحِلْمِكَ ، وَأَصْبِيحُ قَلَهَ حَيْلِي مُشْتَجِيراً بِقُدْرَتِكَ . وَأَصْبِيحُ بِه حلم و بردباری تو جبران می کنم ، و بیچارگی خود را با پناه آوردن به قدرت تو برطرف می کنم . خَوْفِي مُشْتَجِيراً بِأَمَانِكَ ، وَأَصْبِيحُ دَائِي مُشْتَجِيراً بِدَوَائِكَ ، ترسم به دامن امان و امتیّت تو پناه آورده ، دردم به دوائی تو پناه آورده است ؛ وَأَصْبِيحُ سِقْمِي مُشْتَجِيراً بِشِفَائِكَ ، وَأَصْبِيحُ حَيْبِي مُشْتَجِيراً بِبِمَارِيْمِ دَرِ پناه شفای تو آمده ، از هلاکت و نابودی ام دست به دامن بِقَضَائِكَ ، وَأَصْبِيحُ صَغْفِي مُشْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ ، وَأَصْبِيحُ ذُنْبِي قَضَايَ تُو شَدَه ام ، ناتوانی من از نیروی تو کمک می جوید ، و گناهانم مُشْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ ، وَأَصْبِيحُ وَجْهِي الْفَائِي الْبَالِي مُشْتَجِيراً دَرِ پی

بخشش تواند ، و رخسار نابودشدنی و کهنه شونده ام بوجهک الباى الدائم الذى لا یتبلى ولا یفنى . یا مَنْ لا یواریه به روى مبارک و همیشگی و پایدار تو که فنا و کهنگی در آن نیست پناهنده شده است .
ای کسی که پنهان نمی کند لیل داج ، ولا سیماء ذات ابراج ، ولا حجب ذات ارجاج (، شب تاریک از او چیزی را ، و نه آسمان پر از برج ها) مجموعه ستارگان (، و نه حجاب های پیوسته ولا ماء
تجاج فی فعر بحر عجاج ، یا دافع الشطوات ، یا کاشف و نه آب های ریزان در ژرفای دریا . ای کسی که چیرگی دشمنان را برطرف می کند، ای کسی که الکوبات ، یا منزل البرکات من فوق سیرع
سماوات . أشالک یا اندوه ها را برطرف می کند ، ای کسی که برکت ها را از بالای هفت آسمان می فرستد ، ای فتاح یا نفاخ یا مؤتاج ، یا مَنْ یتدیه خزائن کُل مفتاح ، أن بسیار گشایش گر ؛ ای بسیار
نعمت دهنده ؛ ای راحتی ؛ ای کسی که گنجینه های تمام کلیدها در دست توست ؛ تُصلی علی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ ، وَأَنْ تُفْتَحَ از تو در خواست می کنم بر محمد و آل محمد - که پاک و
پاکیزه اند - درود بفرستی و لی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ تَحْجِبَ عَنِّي فَتَنَةَ الْمُؤَكَّلِ بی ، از خیر و خوشی دنیا و آخرت برایم گشایش کنی ، و هر فتنه ای را که دامنگیر من شده است برداری و لا تُسَلِّطْهُ
عَلَيَّ فَيَهْلِكُنِي ، وَلَا تُكَلِّمَنِي إِلَى أَحَدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ و بر من مسلطش نکنی که نابودم کند ؛ و حتی

يك چشم بر هم زدن مرا به كسى (جز خودت) وامگذارى ؛ فَبِعِجْزِ عَتَى ، وَلَا تَنْخِرْ مِنِّي الْجَنَّةَ ، وَازْحَمْنِي وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا ، زيرا نمى تواند برايم كارى بكند . مرا از بهشت محروم مساز ، و به من رحم كن ، و مرا مسلمان بميران ، وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ، وَأَكْفِنِي بِالْحَلَالِ عَنِ الْخُرَامِ ، وَبِالطَّيِّبِ وَبِهِ صَالِحَانِ وَشَائِسْتِغَانِ مَلْحَقِ كُنْ ، و به سبب حلال از حرام و به سبب پاكى عن الخبيث يا أرحم الراحمين . أَللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَىٰ نَاطِقِي نِيزَا گِرْدَانِ وَ كَفَايَتِ كُنْ ، اى مهربان ترين مهربانان . بارخدايا ؛ دل ها را بر اساس إِرَادَتِكَ ، وَفَطَّرْتَ الْعُقُولَ عَلَىٰ مَعْرِفَتِكَ ، فَتَمَلَّمْتُ الْأَفْنَدَةَ مِنْ أَرَادَةِ خُودَتِ آفَرِيدِي ، و عقل ها را با شناخت خودت به وجود آوردى ؛ بدین سان ، دل ها از مَخَافَتِكَ ، وَصَيْرَ خَيْتِ الْقُلُوبِ بِالْوَلِيهِ ، وَتَقَاصِيرَ وُشْعِ قَدْرِ الْعُقُولِ ترس تو ناآرام گردید ، و قلب ها صدا و فریاد در دادند كه حیران تواند ، و توان عقل ها عَنِ النَّسَاءِ عَلَيْكَ ، وَأَنْقَطَعَتِ الْأَلْفَاظُ عَنْ مِقْدَارِ مَحَابِبَتِكَ ، در ثناگویی تو كم شد ، و كلمات تمام شدند و نتوانستند اندازه خوبی هایت را دریابند ، وَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصَاءِ نِعْمِكَ ، فَإِذَا وَلَجَتْ بِطُرُقِ الْبُحْثِ عَنْ زَبَانِهَا از شمارش نعمت هایت خسته شدند و هر گاه خواستند به هر شكلی صفات تو را بازگو کنند نَعْيِكَ بَهْرَتِهَا خَيْرُهُ الْعَجْزُ عَنْ إِدْرَاكِ وَصْفِكَ . فَهِيَ تَتَرَدَّدُ فِي دَرِ نَاتَوَانِي از درك صفات تو حیرت زده شدند . پس آن دچار تردید شد در التَّقْصِيرِ عَنْ مُجَاوَزِهِ مَا حَدَّدَتْ لَهَا ، إِذْ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَجَاوَزَ مَا كُوتَاهِي

کردن نسبت به گذشتن از حد مجازی که برایش تعیین کردی ؛ چرا که حق ندارد از حد مجازی که به او امرت‌ها، فَهَيِّ بِالْإِقْتِدَارِ عَلَيَّ مَا مَكَّنْتَهَا تَحْمَدُكَ بِمَا أَنْهَيْتَ إِلَيْهَا، فرمان داده ای عبور کرده و بگذرد، و آن قدرت دارد طبق آنچه به او توانایی داده ای تو را ستایش کند به مقداری که به او نیرو رسانیده ای، وَاللَّسُنُ مُتَّبِعَةٌ بِمَا تُتَمَلَّى عَلَيْهَا، وَلَكَ عَلَى كُلِّ مَنْ أَشِيَّتْ غَبْدَتٌ وَزَبَانُهَا تَأْجِبِي كَمَا تَأْجِبِي لِي شَانِ اَمَلَا كَرْدِي گویا هستند . بدین جهت حق تو بر تمام من خَلْقِكَ أَلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ ، وَإِنَّ قَصِيرَتِ الْمُحَامِدِ عَنْ آفْرِيدِهِ هَائِي كَمَا بَائِدُ تُوْرَا بِيْرَسْتَنْدِ أَنْ اَسْتُ كَهْ اَزْ سْتَائِشِ تُوْ خَسْتَهْ و افسرده نشوند ؛ با این که هر چه تو را بستانند شُكْرِكَ عَلَيَّ مَا أَشَدَّيْتُ إِلَيْهَا مِنْ نِعْمَتِكَ . فَحَيِّدَكَ بِمَبْلَغِ طَاقِهِ وَ سَبَّاسِ كَذَارَنْدِ ، بَازْ هَمْ سْتَائِشِ هَا دَرْ مَقَابِلِ نَعْمَتِ هَايْتِ نَارَسَا اَسْتُ . پَسْ سْتَائِشِ كَرَانْ بَهْ اَنْدَازَهْ تُوْانْ جُهْدِهِمْ) الْحَامِدُونَ ، وَاعْتَصَمَ بِرَجَاءِ عَفْوِكَ الْمُعْضِرُونَ ، وَ كُوشِشِ خُودِ تُوْرا سْتَائِشِ كَرْدَنْدِ ، وَ مَقْضِرَانْ بَهْ رَشْتَهْ عَفْوِ وَ بَخْشِشِ تُوْ چَنْگْ زِدَنْدِ ، وَأَوْجَسَ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ الْحَائِفُونَ ، وَقَصَدَ بِالرُّعْبَةِ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ ، وَ تَرْسَنَاكَانْ اَزْ مَقَامِ رُبُوبِيَّتِ تُوْ لِرْزَانْدِ ، وَ اَنْ هَا كَهْ دَرْ جَسْتَجُوِيْ تُوْانْدِ بَا اَشْتِيَاقْ بَهْ دَرْ گَاهْتِ مِيْ شَنْبَنْدِ ؛ وَ اَنْتَسَبَ اِلَى فَضْلِكَ الْمُخْسِنُونَ ، وَ كُلُّ يَتَفَيَّأُ فِي ظِلَالِ تَأْمِيلِ وَ نِيكُوْكَارَانْ ، مَنْتَسَبَ بَهْ فَضْلِ وَ فَرْوَنْ بَخْشِيْ تُوْانْدِ ؛ هَمْگِيْ نِيْزْ دَرْ سَايَهْ آرزوِيْ عَفْوِكَ ، وَ يَتَضَاعَلُ بِالذُّلِّ لِخَوْفِكَ ، وَ يَعْتَرِفُ بِالْتَّقْصِيرِ فِي عَفْوَتِ نَشِستَهْ اَنْدِ ، وَ دَرْ هِرَاسِ اَزْ تُوْانْدِ ، وَ بَهْ كُوتَاهِيْ

در سپاس تو اعتراف دارند . شُكْرِكَ . فَلَمْ يَمْنَعِيكَ صِدْقُ مَنْ صَدَقَ عَنْ طَاعَتِكَ ، وَلَا- آن ها که از فرمان برداریت رو گردان اند ، یا به عُكُوفُ مَنْ عَكَفَ عَلَى مَعْصِيَتَيْكَ أَنْ أَشْبَعَتْ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ ، نافرمانیت مشغول اند ، تو را مانع نشد و باز نداشت از این که نعمت هایت را بر ایشان سرازیر کنی ، وَأَجْرَلْتَ لَهُمُ الْقِسْمَ ، وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ النَّعْمَ ، وَخَوَّفْتَهُمْ عَوَاقِبَ وَنَصِيبَ وَ قِسْمَتِ اِيشَانِ رَا فِرَاوَانِ گِردَانِي ؛ و بلاها و مصیبت ها را از آن ها بگردانی ، و از عاقبت و آینده که دچار ندامت النَّدَمِ ، وَضَاعَفْتَ لِمَنْ أَحْسَنَ ، وَأَوْجَبْتَ عَلَى الْمُحِبِّينَ شُكْرَ وَ پشیمانی می شوند بترسانی ، و برای کسی که نیکی کند چند برابر پاداش دهی . بر نیکوکاران لازم کردی که شکر و سپاس تو را در برابر تَوْفِيقِكَ لِلْإِحْسَانِ ، وَعَلَى الْمُسِيءِ شُكْرَ تَعْطُفِكَ بِالْإِثْتِنَانِ ، توفیق نیکوکاری به جای آورند ، و بر بدکاران نیز واجب کردی تا شکر و سپاس تو را به خاطر مهربانی و مَنّت نهادنت به جای آورند ؛ وَوَعَدْتَ مُحْسِنَهُمْ بِالزِّيَادَةِ فِي الْإِحْسَانِ مِنْكَ . فَسُبْحَانَكَ الْبَيْتَ بِهِ نِيكُو كَارَانِ نِيْز وَعِدَه دَادِي اِحْسَانِ وَ نِيكِي خُودِ رَا بَه اِيشَانِ - در برابر سپاس شان - افزون گردانی . ای خدای سبحان ؛ تو چه قدر منزّه و تُثِيْبُ عَلَى مَا يَدُوهُ مِنْكَ ، وَأَنْتِ سَابُ إِلَيْكَ ، وَالْقُوَّةُ عَلَيْهِ بِكَ ، بی عیبی؛ چون، پاداشی که می دهی در ازای چیزی است که آغازش از ناحیه تو است، و همه می دانند از جانب توست، و توان انجام آن را نیز وَالْإِحْسَانُ فِيهِ مِنْكَ ، وَالْتَوَكُّلُ فِي التَّوْفِيقِ لَهُ عَلَيْكَ ،

فَلَمَّا كَرِهْتَ خُودَكَ دَادَهُ اِي ، وَ اِيْن نِيْكَى اَز جَانِبِ تُوَسْت ، وَ تُوْفِيْقِ بَر اِنْجَامِ اَنْ نِيْزِ بَا تُوَكَّلِ بَر تُو حَاصِلِ مِي شُوْد . پَس تُو رَا الْحَمِيْدُ حَمِيْدٌ مِّنْ عَلِيْمٍ اَنَّ الْحَمِيْدَ لَكَ ، وَ اَنَّ يَدَاؤُهُ مِنْكَ ، وَ مَعَادَةُ سَتَائِيْشِ مِي كَنَم ؛ سَتَائِيْشِ كَسِي كِه مِي دَانَد سَتَائِيْشِ هَا وِيْزِه تُوَسْت ، وَ اَغَازِش اَز تُو بُوْدِه ، وَ بَا زِگِشْتِ اَنْ نِيْزِ اِلَيْكَ حَمِيْدًا لَا يَقْصُرُ عَنْ بُلُوْغِ الرِّضَا مِنْكَ ، حَمْدٌ مِّنْ قَاصِدِكَ بِه سُوِيْ خُوْدَتِ اسْت ؛ سَتَائِيْشِي كِه مَرَا بِه طُوْرِ حَتْمِ بِه رِضَايْتِ وَ خَشْنُوْدِيْتِ مِي رَسَانَد ؛ سَتَائِيْشِ كَسِي كِه بِحَمِيْدِيْهِ ، وَ اِسْتَحَقَّ الْمَزِيْدَ لَهُ مِنْكَ فِي نِعْمِيْهِ ، وَ لَكَ مُؤَيَّدَاتٌ مِّنْ بَا سَتَائِيْشِ خُوْدِ تُو رَا قَاصِدٌ كَرْدِه ، وَ بَدِيْنِ سَانِ اسْتِحْقَاقِ فَرْوَنِيْ نِعْمَتِ هَايْتِ رَا نِيْزِ پِيْدَا كَرْدِه اسْت . وَ تُو تَأْيِيْدِ كُنَنْدِگَانِيْ اَز عَوْنِكَ ، وَ رَحْمَتُهُ تَخْصُّ بِهَا مَنْ اَخْبِيْتُ مِنْ خَلْقِكَ . فَصَلِّ عَلٰى رَاةِ كَمِيْكَ رَسَانِيْ دَارِي ؛ وَ مَرَحْمَتِيْ كِه بِه هَر يَكِّ اَز اَفْرِيْدِگَانَتِ كِه دُوَسْتِشِ دَاشْتِه بَاشِي اِخْتِصَاصِ خُوَاهيْ دَاد . پَس بَر مُحَمَّدٍ وَ اِلِيْهِ ، وَ اَخْصِيْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ مُؤَيَّدَاتِ لُطْفِكَ ، بِاَوْجِيْهِا مَحْمِيْدٌ وَ اَلِ او دَرُوْدِ بَفَرَسْت ، وَ مَا رَا اَز اَنْ رَحْمَتِ هَا وَ الطَّافِ تَأْيِيْدِ كُنَنْدِه وَ مَوْفَقِيَّتِ بَارْتِ اِرْزَانِيْ دَارِ كِه لِلْاِقَالَاتِ ، وَ اَعْصِيْجِهَا مِنْ الْاِضَاعَاتِ ، وَ اَنْجَاها مِنْ الْهَلَكَاتِ ، بِيْشْتَرِ بَاعْثِ دَرِگِذِشْتِنِ اَزِ گِناهاَنْ ، وَ حَفْظِ اَزِ تِباهيْ هَا ، وَ نِجَاتِ اَزِ هِلاكَتِ هَا ، وَ اَرْشِدِها اِلى الْهِيْدَايَاتِ ، وَ اَوْفَاها مِنْ الْاَقَاتِ ، وَ اَوْفَرِها مِنْ رَاهنمائيْ بِه مَسِيْرِهايْ هِيْدَايْتِ ، وَ نِگِهْداريْ اَزِ اَفْتِ هَا ، وَ فَرَاواِنِيْ خُوْبِيْ هَا وَ الْحَسَنَاتِ ، وَ اَنْزِلْها بِالْبَرَكَاتِ ، وَ اَزِيْدِها فِي الْقِسْمِ

، وَأَشْيَعِيهَا نَبِيكِي هَا ، وَنَزُولِ بَرَكَتِهَا ، وَفِزُونِي قِسْمَتِهَا وَسَهْمِهَا ، وَرِيْزِش وَفِرَاوَانِي لِلنَّعْمِ ، وَأَشْتَرِهَا لِلْعُيُوبِ ، وَأَغْفِرْهَا لِلذُّنُوبِ ، إِنَّكَ قَرِيبٌ نِعْمَتِهَا ، وَبُوشِشِ عَيْبِهَا ، وَبَخْشِشِ گناهانِ گَرَدَدِ .
همانا تو نزدیک و مُجِيبٌ . فَضْلٌ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَصِيَّةٌ مَوْثِقَةٌ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، پاسخِ دهنده هستی . پس بر بهترین آفریده ات ، و برگزیده زبده مخلوقات ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ بِأَفْضَلِ الصَّلَوَاتِ ،
وَبَارِكْ عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ أَمِينِ وَحْيِ خُودِ ، بَرْتَرِيْنِ وَارْزِشْمَنْدْتَرِيْنِ دَرُودِهَا رَا بَفَرَسْتِ وَبِهْ اَوْ بِهْ بَرْتَرِيْنِ بَرَكْتِهَا التَّبَرِكَاتِ ، بِمَا بَلَغَ عَنْكَ مِنَ الرِّسَالَاتِ ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ ، وَدَعَا بِرَكْتِ بَدَهْ ؛ اَنْ گُونه كه او نيز
رسالت ها و پيغام هاي تو را رساند ، و دستورت را آشكار كرد ، و به سوي تو فرا خواند ، إِلَيْكَ ، وَأَفْصَحَ بِالذَّلَائِلِ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ الْمُبِينِ ، حَتَّى آتَاهُ التَّيْقِينُ ، وَبِهْ طُورِ رُوشَنِ وَفَصِيحِ وَگُويا به آنچه حَقٌّ وَ
آشكار است به دليل آوردن بر وجود تو پرداخت ؛ تا آن كه مرگ به سراغش آمد . وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْأَوَّلِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ، خدا در ابتدايان بر او درود فرستد ، و در آيندگان نيز بر او
درود فرستد ، وَعَلَى إِلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَاخْلَفُهُ فِيهِمْ بِأَحْسَنِ مَا خَلَفَتْ وَبِرِ آلِ وَاهْلِ بَيْتِ پاكش نيز درود فرستد ، وَبِهْ بَهْتَرِيْنِ چيزي كه جايگزين كردی بِهْ أَحَدًا مِنَ الْمُرْسَلِينَ بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
اَللَّهُمَّ لَكَ بِهِ اَنْ چيز يكي از رسولانت را ، در مورد

ایشان جایگزین کن ؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ تو إِرَادَاتٌ لَا تُعَارِضُ دُونَ بُلُوغِهَا الْعَايَاتُ ، قَدْ انْقَطَعَ مُعَارَضَتُهَا اراده هایی داری که به طور حتم به مقصد و هدف نهایی خواهند رسید و کسی را یارای درگیری با اراده تو نیست . بِعَجْزِ الْإِشْتِطَاعَاتِ عَنِ الرُّدِّ لَهَا دُونَ النَّهَايَاتِ ، فَأَيُّهُ إِرَادَةٌ إِنْ لَمْ يَكُنْ بِرُؤْيَا رُؤْيَى وَدَرُوبِي وَدَرُوبِي بِرُؤْيَا رُؤْيَى ، فَأَيُّهُ إِرَادَةٌ إِنْ لَمْ يَكُنْ بِرُؤْيَا رُؤْيَى وَدَرُوبِي وَدَرُوبِي بِرُؤْيَا رُؤْيَى . پس هر اراده ای که جَعَلَتْهَا إِرَادَةً لِعَمُوكَ ، وَسَيِّبًا لِنَيْلِ فَضْلِكَ ، وَاسْتِثْنَاءًا لِخَيْرِكَ ، برای بخشش کرده ای، و هر سببی که برای رسیدن به فضلت قرار داده ای، و هر چیزی را که باعث فرود آمدن خیرات و برکات است؛ فَضْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ، وَصَلَمَهَا اللَّهُمَّ بِدَوَامٍ ، بر محمد و اهل بیت محمد درود بفرست ، و آن ها را به جاودانگی متصل فرما ، وَأَبْدًا بِتَمَامٍ ، إِنَّكَ وَاسِعُ الْجَبَاءِ ، كَرِيمُ الْعَطَاءِ ، مُجِيبُ الدُّعَاءِ و به طور کامل آغاز گردان ؛ همانا تو دارای بخشش فراگیر ، عطای کریمانه ، پاسخ دهنده به ندا سَمِيعُ الدُّعَاءِ . (۵)

و شنونده خوبی برای دعا هستی .

۵ دعای سمات که نایب دوم جناب محمد بن عثمان قدس سره روایت شده است

دعای سمات که از نایب دوم ...

محمد بن علی می گوید : در مجلس جناب محمد بن عثمان بن سعید عَمْرِي رحمه الله حضور داشتیم ، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند فرمودند :

ابو عمرو محمد بن سعید به من خبر داد ، و او از محمد بن اسلم و او از محمد بن سنان و ایشان از مَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو جَعْفِي ، و آن بزرگوار از امام صادق علیه

السلام روایت کرد .

البته در این روایت چنین آمده است که مستحب است این دعا در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود .

شیخ طوسی رحمه الله نیز در هنگام بازگو کردن این دعا فرموده است : دعای سمات ، از جناب عمری (محمد بن عثمان) رحمه الله روایت شده است ، و مستحب است در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود .

اکنون متن دعا را طبق روایت کفعمی رحمه الله می آوریم :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظَمِ ، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ ، بِالرَّحْمَةِ الْكَلِيمَةِ ، بِرَحْمَتِكَ الْوَالِدِيَّةِ ، بِرَحْمَتِكَ الْوَالِدِيَّةِ ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ بَازٍ مِي شُود؛ هَمَان نَامِي كِه اِگَر بَر گِرْفَتَنگِي هَاي دَر هَاي زَمِين بَرَاي گِشَايش بَه آن اِسْم خَوَانَدَه شُوي ، اِثْر مِي كِنْد ۱ . بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ۴۰۲/۹۵ ، بَه نَقْلِ اَز مَهجِ الدَّعَوَاتِ : ۱۵۳ .

بِالرَّحْمَةِ الْوَالِدِيَّةِ ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَ ۱ ، وَگِشَايش اِيجَاد مِي شُود؛ وَ اِگَر بَرَاي آسَان شَدَن سَخْتِي هَا بَدَان خَوَانَدَه شُوي ، رَاحْتِي وَ آسَانِي دَسْت مِي دَهْد ۱ . اِيْن فِقْرَه اَز دَعَا دَر كِتَاب هَاي اَدْعِيَه چِنين اَمَدَه اَسْت : «وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَتْ» بَه صُورْت تَأْنِيْثِ وُلِي صَحِيْح «تَيْسَّرَ» مِي بَاشَد .

عَلَّامَه بَزْرگُوَار شَيْخِ عَلِي اَكْبَر نَهَاوَنْدِي رَحْمَه اَلله دَر كِتَاب «العَبْقَرِيُّ الحَسَان» مِي گُوِيْد : خَطِيْب پَر هِيْز كَار

حاج میرزا حسن نجل امین الواعظین اردبیلی برای من تعریف کرد و گفت: در سال هزار و سیصد و چهل و سه مشاهده مقدّسه عراق را زیارت کردم، تنها آرزوی من و مهم ترین حاجتم در این مشاهده مقدّسه، تشرف به خدمت حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه بود.

در کاظمین (علیهما السلام) مشرف بدم و طبق برنامه ای که داشتم روزهای جمعه غسل می کردم و وارد حرم مطهر می شدم و بعد از اداء نماز ظهر و عصر اعمال و مستحبات وارد روز جمعه را انجام می دادم و تا وقت نماز مغرب و عشاء در حرم می ماندم، سپس از حرم مطهر بیرون می آمدم.

روز جمعه ای به حرم مطهر مشرف شدم، بالا سر مطهر حضرت جواد علیه السلام نشسته و مشغول قرائت شدم تا آن که وقت دعای سمات - ساعت آخر روز - فرا رسید، ازدحام جمعیت به جهت درک ثواب آن ساعت زیاد شد، از زیادی جمعیت جا بر من تنگ شد و از طرفی زمان کمی تا غروب مانده بود، با عجله مشغول خواندن دعای سمات شدم.

ناگاه متوجه شدم که شخص درشت اندام زیارویی در کنار من نشسته، او عمامه سفیدی به سر بسته و محاسن سیاهی داشت، قامتی معتدل و لباس و محاسنی معمولی داشت و بر گونه راستش خالی بود؛ من دعا می خواندم و او گوش می کرد و عباراتی را که من غلط می خواندم تصحیح می نمود.

از آن جمله چون این عبارت را خواندم: «وإذا دعیت بها علی العسر للیسر تیسرت»، فرمود: چرا فعل را مؤنث می خوانی

در صورتی که فاعل مؤنث نیست ؟

گفتم : به جهت رعایت مجانست با افعال ما قبل و ما بعد آن ؛ زیرا که افعال در آن ها مؤنث آمده است .

فرمود: این مطلب غلط است ، البتّه منظور من از این کلام ایراد به تو نبود ، فقط خواستم بدانی ، چون تو از اهل علم هستی .

من از او به خاطر این مطلب تشکر نمودم ، هنگامی که از جا برخاست ، در دلم افتاد که بینم این آقا با این اوصاف کیست؟ و چگونه در اینجا نشست با این که از زیادی جمعیت کنار من جایی نبود ، دعا را ترک کرده و برخاستم ، به دنبال او رفتم تا او را بشناسم ؟ و با جدّیت تمام او را جستجو نموده ولی پیدا نکردم .

با حالت تأسّف نشستم و بقیه دعا را با اشک های جاری و ناله تمام کردم ، پس از آن هرگاه این قضیه به یادم می افتاد آه می کشیدم .

به وطنم بازگشتم و این قضیه را فراموش کردم . سه سال گذشت شبی در عالم خواب دیدم که مشرف به حرم مطهر کاظمین علیهما السلام شده ام ، حضرت جوادعلیه السلام نشسته است، و آن حضرت گندم گون است، من از آن حضرت پیرامون مسائل مشکله سؤال می کردم که برخی از آن ها را فراموش کرده ام .

از مسائلی که به یادم مانده این است که از حضرتش پرسیدم :

من همیشه در مشاهد مشرفه از خدای تعالی می خواستم و به شما و نیاکان شما - ائمه طاهرين عليهم السلام - متوسل می شدم رَوِّدَا دُعِيَّتْ بِهٖ عَلَيَّ الْأَقْوَابِ لِلنُّشُورِ اُنْتَشَرْتُ ، وَإِذَا دُعِيَّتْ بِهٖ و اگر برای

برانگیخته شدن مردگان، با آن خوانده شوی، مردگان برانگیخته می شوند؛ و اگر علی کَشَفِ الْبَاسَاءِ وَالصَّرَاءِ انْكَشَمَتْ ، وَبِجَلَالِ نُورِ وَجْهِكَ برای برطرف شدن سختی و بلا و رنج به آن اسم خوانده شوی، برطرف شود . و خدایا ؛ تو را به واسطه نور چهره الْكَرِيمِ الْاَكْرَمِ الْوُجُوهِ ، وَأَعَزُّ الْوُجُوهِ ، الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ ، بزرگوارانه ات که با کرامت ترین رخسارها، و عَزَّتْ مندترین آنهاست می خوانم؛ همان روی مبارکی که همه روها و همه آبروداران در برابرش وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْخَوَارِ وَفروتنند ، و گردن ها در مقابلش خم شده اند، و همه صداها در برابر او به لرزه افتاده اند ، و الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ دَلَّهَا مِنْ تَرَسِ تُو در هراسند. و به واسطه قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می کنم؛ نیرویی که با آن آسمان را از افتادن عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ، بر روی زمین نگه داشته ای - و این تنها با اذن تو خواهد شد - و آسمان ها و زمین را از نابودی نگه داشتی، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا وَبِوَاسِطَةِ مَشِيَّتِكَ وَخَوَاسِطِ تُو از تو درخواست می کنم؛ همان مشییتی که جهانیان در مقابلش پای بند هستند؛ و نیز تو را می خوانم به واسطه السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ ، کلمه ات که آسمان ها و زمین را به وسیله آن آفریدی؛ و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت انگیز را ساختی، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا ، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا ، وَخَلَقْتَ

و تاریکی را آفریدی و آن را شب قرار دادی، و شب را مایه آرامش قرار دادی؛ ط که به دیدار ولی منتظرش سلام الله علیه نائل شوم، ولی دعای من مستجاب نشد.

حضرت فرمود: نه، چنین نیست بلکه تاکنون دو مرتبه آن امام را دیده ای: یک مرتبه در راه سامراء، مرتبه دوم موقعی بود که در حرم کاظمین علیهما السلام در بالای سر نشسته بودی، و دعای سمات می خواندی، شخصی با اوصافی که در یادت هست، کنار تو نشسته بود، تو فقره ای از دعا را چنین خواندی: «وإذا دعیت به علی العسر لیسر تیسرت»، او ایراد گرفت و اشکال کرد، و فرمود: چرا فعل را مؤنث می خوانی در صورتی که فاعل مؤنث نیست؟ او امام زمان تو بود. این را فرمود و من از خواب بیدار شدم.

(العبری الحسن، المسک الأذفر: ۱۲۰/۱)

بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَاراً، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ وَبِأَن رُشْنَى رَا آفْرَیْدَه، وَآن رَا رُوزِ قَرَارِ دَادِی، وَ رُوزِ رَا هَنْگَامِ جَنْبِ وَ جُوشِ بَه هَمْرَاهِ بَیْنَابِی قَرَارِ دَادِی؛ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِیَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ وَبِأَن خُورْشَیْدِ رَا بَه وَجُودِ آوْرَدَه وَآن رَا رُوشْنَى بَخْشِ سَاخْتِ؛ وَبِأَن مَاهِ رَا آفْرَیْدِی وَآن رَا الْقَمَرَ نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكُوكَبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً، وَرُوشْنَى شَبِ قَرَارِ دَادِی؛ وَبِأَن سِتَارِگَانِ رَا خَلَقَ كَرْدِی وَآن هَا رَا اخْتِرَانِ تَابَانِ وَبِرْجِ هَایِ آسْمَانِ وَمَصَابِیْحِ وَزَیْنَهٗ وَرُجُوماً لِلشَّیْطَانِ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَجِرَاحَ هَا، وَ

زینت بخش ، و برای راندن شیطان ها قرار دادی. و برای آن مشرق ها و مغارب ، و جعلت لها مطالع و مجاری ، و جعلت لها فلکاً و مغرب ها، و محل های طلوع و محل های جریان قرار دادی ، و برای آن محور و مدار حرکت و محل گردش و مسایح ، و قدرتها فی السماء منازل فأخسنت تقدیرها ، و شناوری قرار دادی . و در آسمان برای آنها جایگاه مقرر فرمودی و اندازه اش را نیکو قرار دادی ، و صوّرتها فأخسنت تصویرها ، و أخصیتها بأسمائك إحصاء ، و صورت بخشیدی، و نیکو صورت نگاری کردی؛ و با نام هایت به شماره در آوردی، و دبرتها بحکمتک تدبیراً فأخسنت تدبیرها ، و سخرتها بسطان و با حکمت تدبیر نمودی پس به خوبی تدبیر فرمودی، و تحت سلطه اللیل و سلطان النهار و الساعات ، و عید السنین و الجساب ، شب و روز و ساعت ها و شماره سال ها و حساب آن ها را مسخر نمودی ؛ و جعلت رؤیتها لجميع الناس مرأی واحداً . و أسألك اللهم و دیدن آن ها را برای تمام مردم، یکسان کردی . بار الها ؛ از تو به واسطه بجزیدک الذي کلفت به عیدک و رسولک موسی بن عمران علیه شکوهت درخواست می کنم؛ همان که بدان وسیله با بنده و فرستاده ات حضرت موسی پسر عمران السلام فی المقدسین ، فوق احساس الکرویین ، فوق عمائم - سلام بر او باد - سخن گفتی در میان قدسیان، بالاتر از آن چه کزویانت قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای النور ، فوق ثابوت الشهاده فی عمود النار ، و فی طور سیناء ، نور و روشنی، بالاتر از صندوق گواهی در ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا، و فی جبل حوریت

فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ وَدٍ كَوْهٍ حَوْرِيثٍ ، فِي سِرِّمِينَ مَقَدَّسٍ ، وَ فِي بَقْعَةِ اِي مَبَارَكِ فِي جَانِبِ الطُّورِ الْاَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ ، وَ فِي اَرْضِ مِصْرَ يَتَشِعُّ اِيَاتِ جَانِبِ رَاسِ كَوْهٍ طُورٍ ، اِزْ دَرِخْتِ مَخْصُوصٍ ؛ وَ دَرِ سِرِّمِينَ مِصْرَ ، بَا نُهُ اِيَهٗ بَيْنَاتٍ ، وَ يَوْمَ فَرَقْتَا لِيْنِي اِسْرَائِيْلَ الْبَحْرَ ، وَ فِي الْمُنْبِجَسَاتِ وَ نَشَانِهٖ اَشْكَارِ . وَ (هَمْجِنِينَ) دَرِ رُوزِيْ كِهٖ دَرِيَا رَا بَرَا بِنِي اِسْرَائِيْلِ شِكَاْفَتِي ؛ وَ نِيْزِ دَرِ چِشْمِهٖ هَايِ جُوشَانِ الْاَنْبِيَايِ الْعَجَائِبِ فِي بَحْرِ سُوفٍ ، وَ عَقَدَتْ مَاءَ الْبَحْرِ كِهٖ بَا اَنْ شِكْفَتِي هَا رَا بِهٖ وَجُودِ اَوْرَدِي دَرِ دَرِيَايِ سُوْفٍ ، وَ اَبِ دَرِيَا رَا فِي قَلْبِ الْعَمْرِ كَالْحِجَارَةِ ، وَ جَاوَزْتَ بِنِي اِسْرَائِيْلَ الْبَحْرَ ، دَرِ زُرْفَايِ اَقْيَانُوسِ هَمْجُونِ سَنَكِ مَنْجَمِدِ كَرْدِي ؛ وَ بِنِي اِسْرَائِيْلِ رَا اِزْ دَرِيَا كَذْرَانَدِي ، وَ تَمَسَّتْ كَلِمَتُكَ الْحَشِيْنِي عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوْا ، وَ اَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ وَ نَعْمَتِ نِيكُوِيْتِ رَا بَرِ اَنْاَنْ تَمَامِ وَ كَامَلِ كَرْدِي ، بِهٖ دَلِيْلِ اَيْنِ كِهٖ شَكِيْبَايِي وَرَزِيْدَنْدِ . وَ شَرْقِ الْاَرْضِ وَ مَعَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيْهَا لِلْعَالَمِيْنَ ، وَ اَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ غَرَبِ جِهَانِ رَا كِهٖ مُوجِبِ بَرَكْتِ بَرَا بِنِي اِسْرَائِيْلِ قَرَارِ دَاْدِهٖ بُوْدِي بِهٖ اِيْشَانِ بِهٖ اِرْثِ رَسَانَدِي ، وَ فِرْعَوْنَ وَ جُوْدَهٗ وَ مَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ ، وَ بَا شَيْحِكَ الْعَظِيْمِ الْمَآعْظِمِ وَ سِبَاهِشِ رَا بَا مَرْكَبِ هَايِ سُوَاْرِي شَانِ دَرِ دَرِيَا غَرَقِ كَرْدِي . (خُدَايَا ؛ وَ بَا اَنْ اِسْمِ بَزْرَكِ ، بَزْرَكِ تَر ، بَزْرَكِ تَرِ الْاَعْظَمِ ، الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاَكْرَمُ ، وَ بِمَعِيْدِكَ الْاَذَى تَجَلِيَّتْ بِهٖ بَزْرَكِ تَرِ اِزْ هَرِ چِيْزِ ، كِهٖ عَزَّتْ مَنَدْتَرِ ، شَكُوِهٖ مَنَدْتَرِ ، گَرَامِي تَرِ اِزْ هَرِ چِيْزِ اِسْتِ ، اِزْ تُو دَرِخُوسْتِ مِي كَنَم ؛ وَ نِيْزِ بِهٖ وَاسِطَهٗ شَكُوِهٖ لِمُوسَى كَلِيْمِكَ عَلَيِّهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْئَانَ ، وَ لِاِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ وَ بَزْرُگُوَارِيْتِ كِهٖ بَا اَنْ بَرَا

موسی هم گفتارت - که سلام بر او باد - در طور (صحرای) سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوستِ عَلَیْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ فِی مَسْجِدِ الْخَنِيفِ ، وَلِإِسْحَاقَ صَفِيكَ وَيُزُهْ ات بود، - سلام بر او باد - از پیش تر، در مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده ات اسحاق عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی بَثْرِ شَيْعٍ ، وَلِيعْقُوبَ نَبِيَّكَ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی بَيْتِ - سلام بر او باد - در چاه شیع جلوه نمودی ؛ و برای پیامبرت حضرت یعقوب - سلام بر او باد - در خانه ایل ، وَأَوْفَيْتَ إِبْرَاهِيمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ بِمِثَاقِكَ ، وَلِإِسْحَاقَ عَلَیْهِ ایل متجلی گشتی؛ و وفا نمودی پیمانت را برای ابراهیم - سلام بر او باد - السَّلَامُ بِحَلْفِكَ ، وَلِيعْقُوبَ بَشَاهَدَتِكَ ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بَوَعْدِكَ ، و سوگندت را برای اسحاق - سلام بر او باد - و گواهی خود را برای یعقوب، و وعده ات را برای مؤمنان، وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ وَاجِبَتِ خود را برای دعا کنندگان با نام هایت . و نیز به واسطه شکوهت که برای موسی پسر عمران عَلَیْهِ السَّلَامُ عَلَى قَبِيهِ الرُّمَانَ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى عِمْرَانَ - سلام بر او باد - بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه هایت اَرْضَ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْعَلْبَةِ، بِآيَاتِ عَزِيْزِهِ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت مندی و برتری و چیرگی واقع شد؛ با آیاتی عزت مند، و قدرت و سلطه ای توان مند، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ ، وَبِسَائِنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ وَعَزَّتِي تَوَانًا، و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلمات که

بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بِرِاسْمَانِيَانِ وَزَمِينِيَانِ وَاهْلِ دُنْيَا وَآخِرَتِ تَفَضَّلَ فَرَمُودِي ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَبِاسْرِيْطَاعَتِكَ وَبِهِ وَاسْطَه رَحْمَتِيْ كِه بِرِ
تَمَامِ مَخْلُوقَاتِ مَنْتِ نِهَادِيْ ، وَبِهِ وَاسْطَه تَوَانِيْبِيْ اِتِ الَّتِي اَقَمْتِ بِهَا عَلَى الْعَالَمِيْنَ ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدَّخَرَ مِنْ فَرْعِهِ كِه بِاِ آنِ تَمَامِ جِهَانِيَانِ رَا بِرَا دَاشْتِه اِيْ ، وَبِهِ وَاسْطَه نُورِيْ كِه طُورُ سَيِّئَاءَ ، وَبِعِلْمِكَ
وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَايِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ صَحْرَايِ سِيْنَا اَزِ تَرَسَشِ فَرُو رِيْحَتِ ، وَبِهِ وَاسْطَه دَانَشِ وَجَلَالِ وَكِبْرِيَايِ وَعِزَّتِ مَنْدِيْ وَتَسَلَّطِ الَّتِي لَمْ تَشْتَقِلْهَا الْاَرْضُ ، وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَاوَاتُ ، وَانْتَزَجَتْ كِه
زَمِيْنَ تَوَانَشِ رَا نَدَاشْتِ ، وَاسْمَانِ هَا بِرَايِ اِيْ فَرُو تَنِيْ كَرْدِ ، وَلَهَا الْعُمُقُ الْاَكْبَرُ ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْاَنْهَارُ ، وَخَضَعَتْ لَهَا زُرْفَايِ بَزْرُگِ رَا نَدِهْ شَدِ ، وَدَرِيَا هَا وَرُودِهَا رَا كَدِ مَانَدَنْدِ ، وَالْجِبَالُ ، وَسَيِّكَنْتْ لَهَا
الْاَرْضُ يَمْنَاكِيْجَهَا ، وَاسْتَشَلِمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُوهِ هَا رَا مِ گَرْدِيْدَنْدِ ، وَزَمِيْنَ بَا كِرَانِهِ هَايَشِ اَرَامِ گَرَفْتِ ، وَتَمَامِ اَفْرِيْدِگَانِ تَسْلِيْمِ اِيْ شَدَنْدِ ، كُلُّهَا ، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِيْ جَزْيَانِهَا ، وَخَيَّدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِيْ وَ
جَرِيَانِ وَزَشِ بَادِهَا بِهَمِ رِيْحَتِ ، وَاَتَشِ هَا دَرِ جَايِگَاهِ هَايَشَانِ خَاْمُوشِ گَشْتَنْدِ ؛ اَوْطَانِهَا ، وَبِشِيْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْعَلْبَةُ دَهْرُ الدُّهُوْرِ ، وَنِيْزِ بِهِ وَاسْطَه سَلْطَه وَپَادِشَاهِيْتِ كِه غَلْبَهِ وَچِيْرگِيْتِ بِرِ تَمَامِ
رُوزگَارَانِ بَا اِيْ شَنَاخْتِه مِيْ شُودِ ، وَحُمِيْدَتْ بِهِ فِيْ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِيْنَ ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَهِ الصِّدْقِ وَبِهِ وَسِيْلَهِ اِيْ دَرِ اَسْمَانِ هَا وَزَمِيْنَ هَا سَتَايَشِ شَدِيْ ؛ وَنِيْزِ تُو رَا بِهِ وَاسْطَه كَلِمَهِ اِتِ هَمَانِ كَلِمَهِ رَا سْتِيْ الَّتِي
سَبَقَتْ لِاِيْنَا اِدَمِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ . وَأَسْأَلُكَ كَهَ بَرَى پدَرْمَان آدَم - كَه سَلَام بَرِ اَو بَاد - وَ نَسَلِش بِا رَحْمَتِ بِيَشِي گَرَفْت ، بِكَلِمَتِكَ الَّتِي عَلَّمْتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي تَجَلَّى بِهٍ وَ بِهِ اَسْطَه كَلِمَه اَت كَه بَر هِر چيز پيروز شد وَ سَلَطَه يَافْت ؛ وَ بِهِ اَسْطَه نُورِ رِخْسَارَت كَه بَا آن بَر كُوه تَجَلَّى فَرْمُودِي لِجَبَلِ فَجَعَلْتُهُ ذِكَاً وَخَرَّ مُوسَى صَبَعًا ، وَبِمَجْدِكَ الَّتِي طَهَّرْتَ وَ آن رَا اَز هَم پاشيدى وَ مُوسَى اَز اَيْن جريان بَر زَمِينِ اِفْتَادِ وَ بِيَهوش شد ؛ وَ نَبِزِ بِهِ اَسْطَه شَكُوهَت كَه عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتْ بِهٍ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ ، بَرِ صَحْرَايِ سَيْنَا ظَاہِرِ شَدِ وَ بَا آن بَر بِنْدَه وَ فَرَسْتَادَه اَت مُوسَى پَسِرِ عِمْرَانَ سَخْنِ گَفْتِي ؛ وَبَطَّلَعَيْتَكَ فِى سَاعِيَرِ ، وَظُهُورِكَ فِى جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ وَ بِهِ اَسْطَه پَرْتَوَافَكْنِيَتِ دَرِ سَاعِيَرِ ، وَ ظَهْوَورِ نُورَتِ دَرِ كُوهِ فَارَانَ بَا نَفْسِ هَايِ الْمُقَدَّسِيْنَ ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِيْنَ ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ مَقْدَسَانَ وَ سِپَاهِيَانَ صَفِ كَشِيْدَه فَرَشْتِگَانَ ، وَ فَرُوتَنِ فَرَشْتِگَانَ الْمُسْتَبِيْحِيْنَ ، وَبِيَرِ كَاتِبِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ تَسْبِيْحِ گُوى ؛ نَبِزِ بِهِ اَسْطَه بَرِ كَاتَتِ كَه بَرَى اِبْرَاهِيْمَ دُوسْتِ وَبِزَهِ اَتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِى اُمِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ ، وَبَارَكْتَ - كَه سَلَامِ بَرِ اَو بَاد - دَرِ اَمْتِ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ - دَرُودِ خِدا بَرِ اَو وَ آلِ اَو بَاد - بَرِ كَتِ دَادِي ؛ لِاشْحَاقِ صَبِيْحِكَ فِى اُمِّهِ عِيْسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَبَارَكْتَ وَ بَرَى گَزِيْدَه اَتِ بُوَد - دَرِ اَمْتِ عِيْسَى - كَه دَرُودِ بَرِ هِر دُو بَاد - بَرِ كَتِ دَادِي ؛ لِيعْقُوبَ اِشْرَائِيْلِكَ فِى اُمِّهِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَبَارَكْتَ وَ

تفسیر و معنای باطنش را کسی جز تو نمی داند، ابر محمّد و الِ مُحَمَّدٍ ، وَاَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ ، و آل محمّد درود فرست و [آن چنان که شایسته توست با من رفتار کن نه آن چنان که من سزاوارش هستم؛ ۱. البلد الأمين: ۱۳۴، جمال الأسبوع: ۳۲۱، المصباح: ۵۵۹، مصباح المتهجد: ۴۱۶، الصحیفه الصادقیه: ۹۳۰.

إِنَّا نَقِيمُ لِي مِنْ ظَالِمِي ، وَعَجَلُ فَرْجِ الِ مُحَمَّدٍ ، وَهَلَاكُ أَغْدَانِهِمْ [او از کسی که نسبت به من ستم کار است انتقام مرا بگیر، و در راحتی و فرج آل محمد و نابودی دشمنان آنان مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ] ، وَاعْرِضْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا از آدمیان و جنیان شتاب کن؛] و گناهان گذشته و آینده ام را بیامرز، تَأَخَّرْ ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ ، وَأَكْفِنِي مَوْتَهُ إِنْسَانٍ و از روزی و سهمیه حلالت برای من وسعت بده ، و از شرّ آدم سُوءٍ [وَجَارِ سُوءٍ وَقَرِينِ سُوءٍ [وَسُلْطَانِ سُوءٍ ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ بَدٍ ، [او همسایه و همنشین بد] و سلطان بد، مرا کفایت کن؛ راستی تو بر [هر شیء] قَدِيرٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (۷)

چیز] توان داری ، و ستایش مخصوص (تو) پروردگار جهانیان است .

آن گاه بگو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَّآءِ الْمُؤْمِنِينَ بَارِهَا ؛ به حقّ این دعای شریف ، نسبت به الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالزُّوَاهِ ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مرد و زن مؤمن فقیر و نیازمند تَفَضَّلْ كُنْ و آنان را بی نیاز و ثروت مند گردان؛ و زن

و مرد مؤمن مریض را بِالشَّفَاءِ وَالصَّحَّةِ ، وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّطْفِ شفا و سلامتی بخش، و هر زن و مرد زنده مؤمن را مورد لطف و الْكِرَامَةِ، وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، و بزرگواریت قرار ده، و مردگان شان را مورد آمرزش و رحمت خویش قرار ده، وَعَلَى مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّحْمَةِ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ و مسافران شان را سالم و بر بهره به سرزمین خودشان باز گردان ؛ غَانِمِينَ ، يَرْحَمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا إِبْنِ هَمَّةٍ رَا بِرَحْمَتِ خَوِيْشِ اِنْجَامِ دِهْ ، اِي مَهْرَبَانِ تَرِيْنِ مَهْرَبَانَانْ؛ و درود پیوسته خداوند بر آقا و سرور ما مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . (۸) حضرت محمد خاتم پیامبران، و بر عترت پاکش و بسیار بسیار سلام بر آنان باد . ۱ . المجموع الرائق : ۲ . ۲۵۸/۱ . بحار الأنوار : ۱۰۱/۹۰ .

در کتاب «جمال الصالحين» این دعا را پس از آن، ذکر کرده است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحُزْمَةِ هٰذَا الدُّعَاِ ، وَبِمَا فَاتَتْ مِنْهُ مِنْ بَارِهَا ؛ مِنْ بَهْ خَاطِرِ اِحْتِرَامِ اِيْنِ دَعَا و اِسْمِ هَايِ مَحْتَرَمِيْ كِهْ دَرِ اَنْ اَلْاَسْحَمَاءِ ، وَبِمَا يَنْشَجِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيْرِ وَالتَّدْبِيْرِ الَّذِيْ لَا يَحِيْطُ ذِكْرُ نَشْدِهْ اِسْتِ و بَهْ نَفْسِيْرِ و تَدْبِيْرِ كِهْ دَرِ بَرْدَارْدِ و جَزِ تُو كَسِيْ نَسْبِتِ بَهْ اَنْ اِحَاطَهْ و اَطْلَاعِ كَامِلِ بِيْ اِلَّا اَنْتَ ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تُعَجِّلَ نَدَارْدِ؛ اَزِ تُو مِيْ خَوَاهِمِ كِهْ بَرِ مُحَمَّدِ و اَلِ مُحَمَّدِ دَرُودِيْ پِيُوَسْتَهْ بَغْرِسْتِيْ ، و دَرِ فَرَجِهِمْ فِيْ عَافِيَةِ ، وَتُهْلِكَ اَعْدَاءَهُمْ فِيْ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَاَنْ فَرَجِ و كَشَايِشِ كَارِشَانِ

با عافیت، شتاب کنی؛ و دشمنان شان را در دنیا و آخرت به هلاکت و نابودی دچار کنی؛ و به تَرزُقْنَا بِهِمْ خَيْرٌ مَا نَزَّجُو، وَخَيْرٌ مَا لَانَزَّجُو، وَتَصْرِيفَ بِهِمْ عَنَّا واسطه ایشان آن خیر و خوبی هایی را که امید داریم، و آنچه را که امید نداریم روزی ما گردان، و از ما شَرٌّ مَا نَحْذَرُ، وَشَرٌّ مَا لَانَحْذَرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، شَرٌّ و بدی آنچه را که از آن ترسانیم و شَرٌّ و بدی آنچه را که از آن حذر و اجتناب نمی کنیم برگردان، و تو بر هر چیز توانایی، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. (۹)

و تو باکرامت ترین بزرگوارانی .

عالم بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: در بین تفسیرهایی که برای کلمات این دعا بود یافتیم که «کوه حوریت» یا «حوریتا» همان کوهی است که خداوند در ابتدا با حضرت موسی علیه السلام سخن گفت و او را مورد گفتگو قرار داد، و تابوت یوسف علیه السلام نیز به یکی از قسمت های پایین همین کوه انتقال یافت و در گوشه ای از طور سینا قرار داد .

«دریای سوف» را به زبان عبری؛ «یومسوف» می گویند و به معنای دریای عمیق است. و «ساعیر» - که به نام کوه «سراء» نیز شناخته می شود - کوهی است که حضرت عیسی علیه السلام در آن جا مناجات می کرد .

و «جبل فاران» ، همان کوهی است که حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم در آن جا به مناجات پروردگار می پرداخت؛ و در نزدیکی مکه قرار دارد. (۱۰)

محمد بن علی راشدی می گوید: من در هیچ مشکل یا اندوه

سخنی این دعا را نخواندم مگر آن که با سرعت به اجابت رسید؛ هر کس این دعا را برای هر هدفی که دارد و یا مقصودی که به دنبال آن است بخواند و یا پیشاپیش خروجش به طرف دشمنی که از او می ترسد، یا قدرتمندی که از او هراس دارد بخواند، به خواسته اش برسد و از کسی نهراسد. البته اگر نمی تواند بخواند، آن را بنویسد و همراه خود داشته باشد.

علامه شیخ محمد باقر بیرجندی رحمه الله در کتاب «فاکھه الذاکرین» می گوید: این دعا از نظر اجابت و برآمدن حاجت، بی نظیر است.

مرحوم سید محمد خامنه تبریزی در یکی از تألیفاتش می گوید: خواندن دعای سمات در ساعت پایانی روز جمعه برای برآورده شدن حاجت ها به خصوص برای دفع دشمن - مجرب است و این مطلب یقینی است، به خصوص اگر چهل روز جمعه ادامه یابد. (۱۱)

دعای روز عید فطر که از جناب محمد بن عثمان قدس سره روایت شده است

دعای روز عید فطر ...

این دعا را سرورمان جناب محمد بن عثمان قدس سره قرائت می فرموده، و در دفترش موجود بوده است؛ که دعاهای ماه مبارک رمضان را نیز در آن یادداشت کرده بودند.

این دعا پس از نماز صبح روز عید فطر خوانده می شود:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمَامِیْ، وَعَلِیٍّ مِنْ خَلْفِیْ وَعَنْ بَارِئِهَا؛ بِه تُوْرُوْیْ اَوْرَدَمْ بِه وَاَسْطَه (حضرت) مُحَمَّدٌ صَلِیْ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ کِهْ بِیْشِ رُوْیْ مِنْ اَسْتِ، و (حضرت) عَلِیْ عَلَیْهِ السَّلَامْ پِشْتِ سِرْ وَاِیْمِیْنِیْ، وَاَنْتُمْنِیْ عَنْ یَسَارِیْ، اَسْتَبْرَیْتُ بِهْمْ مِنْ عَذَابِکَ، وَاَتَقَرَّبْتُ سَمْتِ رَاسْتِ، وَاَمَامَانَمْ اِزْ سَمْتِ چَپْ، گِرْدَاگِرْدِ خُوْدِ اِیْنِ

بزرگواران را آورده ام تا خود را به وسیله ایشان از عذابت ببوشانم، و خود را إِلَيْكَ زُلْفَى لَا أُجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ ، فَهَمَّ أَنْيَمَتِي ، فَأَمِنَ مِنْهُمُ مِنْ تَوَنُّدِيكَ كَرْدَانَم، هیچ کسی را که از نظر رتبه و مقام از ایشان نزدیک تر به تو باشند سراغ ندارم . اینان، پیشوایان من اند؛ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ ، وَأَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ترسم از کيفرت و خشمت را به واسطه ایشان تبدیل به آرامش کن؛ و به رحمت مرا در زمره بندگان الصالحين . أَضَيَّبْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَالِحٍ وَشَايِسْتَهُ ات در آور . صبح کردم در حالی که ایمان و اخلاص نسبت به پروردگار دارم و بر دین و آیین حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم ، وَسُرِّيَّتِي ، وَعَلَى دِينِ عَلِيِّ وَسُرِّيَّتِي ، وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُرِّيَّتِهِمْ، و نیز دین و آیین حضرت علی علیه السلام، و بر دین و آیین و روش جانشینان ایشان پایدار و ثابتم؛ اَمَنْتُ بِبَيْتِهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ ، وَأَرَعْبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا رَغَبَ بِهِ امور پنهان و آشکارشان ایمان دارم، و به چیزهایی که حضرت فيه إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ وَالْأَوْصِيَاءُ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ و جانشینان شان نسبت به پروردگار مشتاق بودند، اشتیاق می ورزم، و از شر هر چه ایشان به خدا پناه بردند، اشْتَعَاذُوا مِنْهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ مِنْ نِزْهِ پناه می برم؛ هیچ توان و جنبشی جز به واسطه خداوند نیست؛ هیچ نیرو و بازدارنده ای وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ ، تَوَكَّلْتُ وَقَدَرْتِي

جز برای خدای بیگانه، چیره، عزت مند، جزیار و متکبر نیست. بر خدا توکل می کنم؛ عَلَيَّ اللَّهُ « فَهُوَ حَشِيْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِأَلْعِ أَمْرِهِ » (۱۲). اَللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ «خدا به تنهایی مرا بس است» همانا خداوند دستورش و خواستش را به طور کامل انجام می دهد. بار الها؛ من قصد و اراده تو کرده ام فَأَرِذْنِي ، وَأَطْلُبْ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي ، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي پس تو نیز مرا اراده کن ؛ آن چه نزد تو است جستجو می کنم ، رسیدن به آن را برایم آسان کن؛ حاجت هایم را برآور؛ ۱ .سوره طلاق ، آیه ۳ .

فَأَيْنَكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ « شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ » (۱۳) ، قرآن در آن فرود آمد، تا مردم را راهنمایی کند، و دلیل هایی آشکار برای هدایت و جدایی حق از باطل بیورد. فَعَظَمْتَ حُزْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ ، بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ ، پس احترام ماه رمضان را بالا بردی؛ چون، قرآن را در آن فرو فرستادی ، وَحَصَّصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَصْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ ، فَقُلْتَ « لَيْلَةُ الْقَدْرِ » با قرار دان شب قدر در ماه رمضان، آن را ویژگی و عظمت بخشیدی؛ پس گفتی: «شب قدر، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ × تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ از هزار شب بهتر است؛ فرشتگان، و روح با اجازه خداوند، مِنْ كُلِّ أَمْرٍ × سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (۱۴) . اَللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامٌ بِرَى كَارِي

در شب قدر فرود می آید؛ شب قدر، سلام و سلامت است تا طلوع فجر. بار الها؛ روزهای شهرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ ، وَلِیَالِیهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ ، وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ مَاهُ رَمَضانَ نِیز سپری شدند، و شب هایش نیز تمام شدند؛ یا اِلهی اِلی ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِه مِنی ، وَأَخْصِی لِیَعْدِدِهِ مِنْ عَدَدِی ، خدای من؛ خودت بهتر می دانی که من چه کردم، و عدد آن را بهتر می دانی؛ فَاسْأَلْكَ یا اِلهی بِما سَأَلْتُكَ بِه عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیَّ بِس، خدایا؛ از تو چیزهایی را درخواست می کنم که بندگان صالحت خواسته اند؛ که عَلَی مُحَمَّدٍ وَعَلَی اٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَی اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ . وَأَنْ تَقْبَلَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ بِرِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ درود پیوسته نثار کنی . و آنچه را مِنی کُلِّما تَقَرَّبْتُ بِه اِلَیْكَ ، وَتَنْفِضَ عَلَیَّ بِضْعَ عِیْفِ عَمَلِی ، وسیله تقرب خود به درگاہت نمودم از من بپذیری ، و با چند برابر نمودن پاداش اعمالم وَقَبُولِ تَقَرُّبِی وَقُرْبَاتِی ، وَاسْتِجَابَهِ دُعَائِی ، وَهَبْ لِی مِنْكَ عَتَقَی وَ پندیرش کارهایی را که به قصد قربت و رضای تو انجام دادم ، و اجابت دعایم بر من لطف و احسان کنی، و این بخشش را به من ۱ . سوره بقره ، آیه ۲ . ۱۸۵ . سوره قدر ، آیه ۵ - ۳ .

رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ ، وَمُنَّ عَلَیَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ یَوْمَ الْخَوْفِ بنمائی که از آتش رهاییم بخشی، و با برخورداری از بهشت و ایمنی از ترس های بزرگ قیامت بر من مَنّت گذاری، مِنْ كُلِّ فَرْجٍ ، وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعَدَدْتَهُ لِیَوْمِ الْقِیَامَةِ . اَعُوذُ بِحُزْمِهِ وَ از

در این ماه مبارک از من خشنود نشده ای، از حالا از من فَارِضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ ، وَاجْعَلْنِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ رَاضِي وَخَشِنُود شَوْ؛ در همین ساعت، در همین ساعت، در همین ساعت؛ و در این ساعت وَفِي هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُنُقَاتِكَ مِنَ النَّارِ ، وَطَلْقَاتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ ، و در همین مجلس مرا از آزادشدگان از آتش قرار ده، و از رهاشدگان از جهنم قرار ده ، وَشِعْدَاءَ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اَللّهُمَّ و از بندگانی که به واسطه آمرزش و رحمت سعادت‌مند شدند قرار ده ؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، اَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا خَيْرَ بِه اِحترام آبروی کریمانه ات از تو درخواست می کنم که این ماه را برایم نسبت به ماه رمضان های دیگر در دوران عمرم بهترین شَهْرَ رَمَضَانَ عِبْدَتِكَ فِيهِ ، وَصِيْمَتُهُ لَكَ ، وَتَقَرُّبُتُ بِه اِلَيْكَ مُنْذُ ماه رمضانی قرار ده که تو را در آن پرستیده ام، و روزه داری کرده ام، و به تو تقرب جسته ام ؛ اَشْكُرُكَ فِيهِ ، اَعْظَمُهُ اَجْرًا ، وَاتَمَّهُ نِعْمَةً ، وَاعْمَهُ عَافِيَةً ، دارای بزرگ ترین پاداش و کامل ترین نعمت، و فراگیرترین عافیت، وَاَوْسَعَهُ رِزْقًا ، وَافْضَلَهُ عِثْمًا مِنَ النَّارِ ، وَاَوْجِبُهُ رَحْمَةً ، و فراخ ترین نصیب، و برترین آنان از جهت رهاییم از آتش، و سزاوارترین آن برای رحمت تو ، و اَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً ، وَاكْمَلَهُ رِضْوَانًا ، وَاَقْرَبُهُ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. بزرگ ترین بخشش، و کامل ترین رضوان و خشنودی، و نزدیک کننده ترین ماه ها به چیزهایی که تو دوست داری و از آن خشنود می شوی . اَللّهُمَّ لَانْجِعْهُ اِحْرَ شَهْرَ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ ،

وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ ثُمَّ بَارِهَا؛ این ماه رمضان را آخرین ماه رمضان من - که در آن به روزه داری می پردازم - قرار مده؛ و آن قدر حضور ماه های رمضان الْعُودَ حَتَّى تَوْضِي وَيَعْدَ الرِّضَا، وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا بعدی را نصیبم کن تا رضایت تو حاصل شود، و پس از راضی شدنت باز هم مرا در ماه های رمضان حاضر فرما؛ تا آن که مرا از دنیا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي بدون عیب و آفت خارج کنی در حالتی که تو از من راضی باشی و من نیز مورد رضایت و خشنودیت باشم. بار الها؛ در آن چه قضا و تَقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوَمِ الَّذِي لَا يَزُدُّ وَلَا يَبْدُلُ أَنْ تَجْعَلَنِي وَمَنْ قَدَرْتَ به آن تعلق می پذیرد؛ و از امور قطعی و حتمی است که رد نمی شود و تغییر و تبدیلی نیز در آن راه نمی یابد؛ مرا از کسانی قرار ده تَثِيبٌ وَتَسْمِيٌّ وَتَقْضِي لَهُ ، وَتَزِيدُ وَتُجِبُّ لَهُ وَتَوْضِي، وَأَنْ كَه ثَوَابِ مِي گیرند ، و مرتبه شان بالا می رود و حاجت شان برآورده می شود ، و برایش افزون می کنی ، و دوستش می داری و از او خشنود هستی؛ نیز نَكْتَبْنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ ، وَفِي كُلِّ عَامٍ ، مرا از حاجیان خانه ات در حج امسال و سال های آینده قرار ده؛ الْمَبْرُورِ حَجَّيْهُمْ ، الْمَشْكُورِ سَيِّئِيْهِمْ ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ ، الْمُنْتَقَبِلِ آن دسته ای که حج شان عالی، و تلاش شان مورد سپاسگزاری، و گناهان شان بخشیده شده، مِنْهُمْ مَنَابِكُهُمْ، الْمُعَافِينَ عَلَى أَسْفَارِهِمْ، الْمُقْبِلِينَ عَلَى نُسُكِهِمْ، و عبادات حج شان پذیرفته شده؛ سفرهای شان با عافیت و سلامتی، و علاقه مند به انجام

، و خانواده ام را بی نیاز سازی ؛ مونس و حشت و تنهاییم باشی وَأَنْ تُكْتَبَ لِي ، وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ وَيُبَشِّرَ وَخَفُضِ ، و کمبودم را به فزونی و بسیاری برسانی، و نصیب و رزق مرا با عافیت و راحتی و دست یابی آسان و سبکی، به فراوانی به من برسانی . وَأَنْ تُكْفِيَنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، وَلَا تُكَلِّبْنِي إِلَى نِزَامِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي كِفَايَتِمْ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، و مرا به خودم وامگذاری نَفْسِي فَمَا عَجَزَ عَنْهَا ، وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي ، وَأَنْ تُعَافِيَنِي فِي كَدِّ مَقَابِلِ أَنْ عَاجِزٌ وَنَاتِقٌ شَوْمٌ ، و به مردم وامگذاری که مرا به کناری بیندازند و طرد کنند؛ و مرا در دینی و دنیوی و جسدی و روحی و دنیوی و اهل و اهل مودتی مورد دینم و بدنم و جسم و روحم و فرزندانم و خانواده و دوستان و اخوانی و جیرانی مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَبِرَادِرَانِ وَهَمْسَايَگَانِ مُؤْمِنِينَ وَمُسْلِمَاتٍ ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ ، وَأَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ - زنده باشند یا مرده - عافیت عطا فرمایی . نِزَامَتِي وَآيْمَانِي رَا دَرِ الْإِيْمَانِ مَا أَبْقَيْتَنِي ، فَإِنَّكَ وَوَالِدِي وَمَوْلَايَ ، وَتَقَاتِي وَرَجَائِي ، تَمَامِ زَنْدِگَانِي بِرِمْ مَنَتِ نَهِي؛ زیرا، تو ولی و سرپرست و صاحب اختیار من، مورد اعتماد و امید من، و معزیدن مُشَأَلْتِي ، وَمَوْضِعِ شَكْوَايَ ، وَمُنْتَهَى رَغْبَتِي . فَلَا تُخَيِّبْنِي مَحَلَّ دِرْخَوَاسْتِهَا وَشَكَايَتِي مِنْ ، وَآخِرِينَ دَرْجَةِ آرزوی من هستی . فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِي وَرَجَائِي ، فَقَدْ آيَ آفَا وَسُرُورِي ؛ آميدم را نااميد مکن، و خوش خيالی و اميدواريم را نادرست از آب درمياور؛

زیرا، تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أُمَامِي، که من به واسطه محمد و آل محمد به تو رو آوردم، و آنان را پیشاپیش خود و امام حاجتی و طلبی، وَتَصَدَّرْتُ عَنِّي وَمَسَأَلْتِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَحَاجَتِي وَخَوَاسِئَهُمْ وَزَارِي وَخَوَاسِئَهُمْ بِدَرَكِهِمْ تَوْأَدُّهُمْ؛ پس مرا و جیبها فی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي دُنْيَا وَآخِرَتِي، از آبرومندان و مقربان در گاهت قرار ده؛ زیرا، تو با شناخت ایشان بر من مَنَنْتَ نِهَادِي؛ بِمَعْرِفَتِهِمْ، فَاجْعَلْنِي لِي بِهِمْ السَّعَادَةَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. پس، سعادت و خوشبختی مرا در آخر کارم به واسطه آنان نصیبم گردان؛ راستی تو قدرت بر هر چیزی داری. این عبارات، در برخی از روایات، افزون است:

مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ، فَاجْعَلْنِي لِي بِالسَّعَادَةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ بِوَاسِطَةِ إِيشَانِ بِرِمْ مَنَنْتَ نِهَادِي؛ پس پایان کارم را خوشبختی، امنیت و آرامش، سلامتی، وَالْإِيمَانَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرِّضْوَانَ وَالسَّعَادَةَ وَالْحِفْظَ، يَا اللَّهُ أَنْتَ إِيْمَانِ كَامِلٍ، بِخَشْيَتِكَ وَرِضْوَانِ خُودَتِكَ، سَعَادَتِكَ وَنِجْمَانِي أَيْ جَانِبِ خُودَتِكَ قَرَارِ دِه. ای خدا؛ تو برآورنده لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَضَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا تَمَامَ خَوَاسِئِهِ مَا هَسْتِي؛ پس، بر محمد و آل او درود پیوسته نثار کن، و ما را عافیت بخش، و أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَكَفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا هِيْجَ يَكُ مِنْ مَخْلُوقَاتِكَ رَا كِه تَوَانِ تَحْمَلُشَ رَا نِدَاسْتَه بَاشِيْمَ بِرِمْ مَا مَسَلَطَ مَفْرَمَا؛ وَ تَمَامِ أُمُورِ دُنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. صَلَّى

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآخِرَتِ مَا رَا كِفَايَتِ كُنْ ؛ اِي صَاحِبِ شَكُوهِ وَبِزَرِ گَوَارِي ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَتَرْتَحِمُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تَرَحُّمٌ وَمَهْرَبَانِي وَيْزُهُ نَمَا ، وَبِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سَلَامِ بَفَرَسْتِ ؛ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْتَحِمْتَ وَسَلَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَيَّ مَانَنْدِ بِرْتَرِينِ صَلَوَاتِ وَبَرَكَاتِ وَرَحْمَتِ وَسَلَامِ وَدَرُودِي كِهْ بِرِ اِبْرَاهِيمِ وَآلِ اِبْرَاهِيمِ ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . (۱۵)

ابراهيم و آل ابراهيم فرستادی ؛ راستی ، تو ستوده شکوه مند هستی .

۷ زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما

ابوالحسین احمد بن حسین بن رجاء صیداوی ، این زیارت را از عثمان بن سعید قدس سره - که حسین بن روح قدس سره نیز در آن هنگام همراهش بود - نقل می کند و می گوید :

هنگامی که این دو بزرگوار به زیارت امام صادق علیه السلام آمده بودند ، در کنار باب السلام ایستادند و گفتند :

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ ، وَآبَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ سَلَامٌ وَرَحْمَاتُ اللَّهِ بَرِ تَوَايِ مَوْلَايَ وَفِرْزَنْدِ مَوْلَايَ مِنْ وَبَدْرِ صَاحِبِ اِخْتِيَارِ وَسُرُورَانِ مِنْ ؛ وَبَرَكَاتُهُ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا شَهِيدَ دَارِ اَلْفَنَاءِ ، وَرَعِيْمَ دَارِ اَلْبُقَاءِ ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ اَنْ كِهْ دَرِ اَيْنِ دُنْيَا گَوَاهِ مَا وَاعْمَالِ مَا هَسْتِي وَدَرِ اَخْرَتِ زَعِيْمِ وَرَئِيْسِ وَمَهْتَرِ مَا مِي بَاشِي ؛ اِنَّا خَالِصَتُكَ وَمُوَالِيكَ وَنَعْتَرِفُ بِاَوْلَاكَ وَاُخْرَاكَ . فَاشْفَعْ لَنَا اِلَى مَا ، مَخْلَصِ تُو وَدُوسْتِ دَارِ تُو هَسْتِيْمِ ، بِهْ اَعَاظِ وَپَايَانْتِ اعْتِرَافِ مِي كُنِيْمِ ، پَسْ ، نَزْدِ

هیچ چیزی در برابرش لایقش نیست، و بِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وِبِسْطَانِكَ اِيسْتَدَیْ نَمِی كُنْد، و به واسطه بزرگی و عظمت که همه چیز را پر کرده است؛ و به واسطه سلطنت و چیرگی و توانائی ات الّذی غلّا کُلَّ شَیْءٍ، وِبِوَجْهِكَ الْبَاقِی بَعْدَ فَتَاءِ کُلِّ شَیْءٍ، که بر هر چیز برتری یافته است، و به واسطه ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی می ماند، وِبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ کُلِّ شَیْءٍ، وِبِعِلْمِكَ الّذی أَحَاطَ وَبِهِ نَامِ هَیْتِ کِه اَسَاسِ وَ پَایِه هِر چِیزِ رَا پَر کَرْدِه اَسْت، و به دانشت که همه چیز را احاطه کرده است، بِکُلِّ شَیْءٍ، وِبِنُورِ وَجْهِكَ الّذی أَضَاءَ لَهُ کُلَّ شَیْءٍ، یا نُورِ یا وَ نَورِ رَخسَارتِ کِه هِر چِیزِ بِه سَببِ آنِ رُوشنِ شُد؛ (از تو درخواست می کنم؛) ای نور؛ ای ۱. دعای کمیل از حضرت خضر می باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به جناب کمیل تعلیم فرموده اند؛ به این جهت به «دعای کمیل» معروف شده است.

لازم به ذکر است که دعاهای حضرت خضر و حضرت الیاس علیهما السلام - که آن دو بزرگوار از همراهان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هستند - و سائر یاران آن حضرت مانند حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام زیاد است، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا اکتفا کردیم.

قُدُوسٌ، یا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَآخِرَ الْآخِرِينَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَنزَهَ از هِر عِیبِ وَ نَقصِ؛ ای پِیشِ از هِر اَبْتِدا؛ ای پَسِ از هِر پَایان؛ بارِها؛

بیامر ز بر من الذُّنُوبَ الَّتِي تَهَيَّبُكَ الْعَصَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ غَنَاهَانِي رَا كِه پَرْدِه هَاي حِيَا و عَصْمَت رَا مِي دَرْد. خدایا ؛ بیامر ز بر من گناهانی را که عذاب ها را فرود می آورد . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعْزِرُ النَّعَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خدایا ؛ بیامر ز بر من گناهانی را که نعمت ها را دگرگون می سازد؛ خدایا؛ بیامر ز بر من الذُّنُوبَ الَّتِي تَخْبِسُ الدُّعَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ غَنَاهَانِي رَا كِه دَعَا رَا مَحْيُوس مِي كِنْد؛ خدایا؛ بیامر ز بر من گناهانی را که الْبَلَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا . بلا را نازل می کند ؛ خدایا ؛ بیامر ز بر من تمام گناهانی را که انجام داده ام، و همه اشتباهاتی را که مرتکب شده ام . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِيكَ ، بارالها؛ من با یادت به سوی تو تقرّب می جویم ، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می کنم، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدَيِّنِي مِنْ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ ، و به خاطر جود و بخشش از تو می خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و شکرت را نصیبم نمایی، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ و يَادْت رَا بِه مِّنَ الْهَامِ كُنِي . بارالها ؛ من خاضعانه و ذلیلانه و از روی فروتنی ، از تو می خواهم خاشعٌ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا ، که با من مدارا کنی، و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیبت قرار دهی وَفِي

جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ وَ فِي هَمِّهِ حَالَاتٌ مَرَا فَرُوتِنِ سَازِي. بَارِالْهَآ؛ مَن اَز تُو دَرخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ هَمَانَدِ دَرخَوَاسْتِ كَسِي كِه فَاقَتَهُ ، وَأُنزِلْ بِكَ عِنْدَ الشَّدَايِدِ حَاجَتَهُ ، وَعَظْمُ فِيمَا عُنْدَكَ فِقْرٌ وَ بِي نَوَابِي اَوْ سَخْتِ شُدِه اَسْت، وَ دَر سَخْتِي هَا دَرخَوَاسْتِش رَا بِه دَرگَآهُ تُو آوَرْدِه اَسْت، وَ بِه آنچِه نَزْدِ تُو اَسْت رَغْبَتُهُ . اللَّهُمَّ عَظْمُ سُلْطَانِكَ ، وَعَلَا مَكَانِكَ ، وَخَفِي مَكْرِكَ ، بَسِيَارِ مَشْتَاقِ گِشْتِه اَسْت . خُدَايَا ؛ سَلْطَه وَ چِيرِگِي تُو بَزْرَگِ ، وَ جَايگَآهُتِ وَالَا ، وَ مَكْرِ تُو پَنهَانِ ، وَظَهَرَ أَفْرَكَ ، وَغَلَبَ فَهْرَكَ ، وَجَزَتْ قُدْرَتُكَ ، وَلا يَمْكِنُ الْفِرَارُ وَ دَسْتُورْتِ أَشْكَارِ ، وَ قَهْرِ وَ خَشْمَتِ چِيرِه ، وَ تَوَانْتِ وَ قَدْرَتِ دَر جَرِيَانِ اَسْت ، وَ بِه هِيچِ وَجِهِ نَمِي تُوَانِ مِّنْ حُكُومَتِكَ . اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِتُدُنُوبِي غَافِرًا ، وَلا لِقَبَائِحِي سَاوِرًا ، اَز حُكُومَتِ فِرَارِ كَرْدِ . بَارِالْهَآ؛ مَن بَرَايِ بَخْشِشِ گِناهُانِمِ كَسِي رَا سِرَاغِ نِدَارِمِ ، وَ بَرَايِ پُوشَانْدِنِ زَشْتِي هَايِمِ كَسِي رَا نِيافْتَمِ ؛ وَلا لِيَشِي ةٍ مِّنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا وَ بَرَايِ تَبْدِيلِ كَارِهَايِ زَشْتِ وَ نَاهِنجَارِمِ بِه خُوبِي وَ نِيكِي ، كَسِي رَا نِيافْتَمِ جِزِ تُو . مَعْبُودِي جِزِ تُو نِيَسْتِ ، أَنْتَ سُرِيحَانِكَ وَبِحَمْدِكَ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي ، مَنزَه وَ سَتُودِه اِي ، وَ تَنهَا بِه سَتَايِشِ تُو مِي پَرْدَازِمِ ؛ بَرخُودِ سَتَمِ كَرْدَمِ ؛ وَ بَا نَادَانِي وَ جَهْلِ خُودِ بَرِ تُو جَرَأْتِ يافْتَمِ ؛ وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي ، وَمَنَّكَ عَلَيَّ . اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمِّ وَ بِه خَاطِرِ يَادِ دِيرِينِه اَتِ وَ اِحْسانِ وَ لُطْفِي كِه بَرِ مَن دَارِي ، آرَامِشِ دَاشْتَمِ وَ خِيَالِمِ رَا حَتِ بُوَدِ . بَارِالْهَآ ؛ مَوْلَايَ مَن ؛ چِه

مِنْ قَبِيحِ سَيِّئَتِهِ ، وَكَمْ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ ، وَكَمْ مِنْ عِنَارِ زَشْتِي هَيَّ بَسْيَارِي كَهْ مِنْ پُوشَانْدِي وَ بِلَاهَايِ سَنَكِينِي كَهْ مِنْ بَازِ گَرْدَانْدِي ، وَ چَهْ لَغْزَشْ هَايِ بَسْيَارِي كَهْ مِنْ بِلَايِ هَايِ ، وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفْعَتُهُ ، وَ كَمْ مِنْ نِتَاءِ جَمِيلِ لَسْتِ أَهْلًا نِگَاهَمِ دَاشْتِي ، وَ چَهْ نَپَسَنْدِي هَايِي كَهْ مِنْ دُورِ سَاخْتِي ، وَ چَهْ نِنَا وَ مَدْحِ زَبِيهَا كَهْ لَا يَقْشِ نَبُودَمِ وَ لِيْ دَرِ بَيْنِ مَرْدَمِ لَهُ نَشْرَتُهُ . اَللّٰهُمَّ عَظْمَ بِلَايِي ، وَ اَفْرَطَ بِيْ سُوْءِ حَالِي ، وَ قَصِيْرَتَ پَخْشِ كَرْدِي . يَا بِلَايِي مِنْ بَزْرُگِ اسْتِ ، وَ بَدْحَالِيْمِ مِنْ حَدِّ گَزْدَشْتِهْ اسْتِ ، يَا اَعْمَالِي ، وَ قَعْدَتَ بِيْ اَغْلَالِي ، وَ حَبْسِنِيْ عَنِّ نَفْعِيْ بَعْدُ وَ اَعْمَالِمِ مَرَا مَقْصَرِ سَاخْتِهْ ، وَ غَلِّ وَ زَنْجِيْرَهَايِمِ مَرَا زَمِيْنِ گِيْرِ كَرْدِهْ اسْتِ ، وَ آرزُوهايِ دُورِ وَ دِرَازِمِ بَاعْثِ جَلُوگِيْرِيْ مِنْ سُوْدَمَنْدِيْمِ اَمَلِي ، وَ خَدَعْتِي الدُّنْيَا بِعُرُوْرِهَا ، وَ نَفْسِيْ بِجِنَايَتِيْهَا ، وَ مِطَالِيْ شَدِهْ اسْتِ ، وَ دُنْيَا مَرَا بِاَظْهَرِ فَرِيْنْدِهْ اَشْ فَرِيْفْتِهْ اسْتِ ، وَ نَفْسِمِ بِاَجْنَايَتِ هَايِشِ وَ اَمْرُوْزِ وَ فَرْدَا كَرْدَنْمِ مَرَا فَرِيْبِ دَاَدِهْ اسْتِ ، يَا سَيِّدِيْ ، فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجِبَ عَنْكَ دُعَائِيْ سُوْءِ اَيِّ اَقَايِ مِنْ ؛ بَهْ خَاطِرِ عَزْتَمَنْدِيْتِ مِنْ تُوْ مِيْ خُوَاھِمِ كَهْ كَرْدَاْرِ زَشْتَمِ وَ رِفْتَاْرِ نَادَرْسْتَمِ مَانَعِ تُوْ عَمَلِيْ وَ فِعَالِيْ ، وَ لَا تَفْضُخْنِيْ بِحَقِيْقِيْ مَا اَطْلَعْتَ عَلَيَّ مِنْ سِيْرِيْ ، مِنْ اَجَابَتِ دَعَايِمِ نَشُوْدِ ، وَ بَهْ كَاْرَهَايِ زَشْتِ پَنْهَانِيْ مِنْ كَهْ تُوْ بَرِ اَنْ اَگَاھِيْ دَاْرِيْ مَرَا رَسُوْا نَسَاْزِيْ ؛ وَ لَا تُعَاْجِلْنِيْ بِالْعُقُوْبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِيْ خَلَوَاتِيْ مِنْ سُوْءِ فِعْلِيْ وَ بَدِ رِفْتَاْرِيْ وَ بَدِ كَرْدَاْرِيْمِ دَرِ تَنْهَائِيْ هَا ، وَ اِسْأَلْتِيْ ، وَ دَوَامِ تَغْرِیْطِيْ وَ جِهَالْتِيْ ، وَ كَثْرَهْ شَهْوَاتِيْ

وَعَفَلْتِي . و کوتاهی و نارسایی پیوسته ام در عمل، و نادانی و شهوت های نفسانی زیاد، و غفلت و بی توجهیم باعث شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود . وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَؤُفًا ، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ بَارِهَا ؛ به خاطر اقتدارت بر من ، در همه حالات با من مهربانی کن، و در تمام امورم الأُمُورَ عَطُوفًا ، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي ، مَرَامًا مَرْدَ عَطُوفَةٍ وَخُوشِ رِفَائِي قَرَارِ دِه ؛ خدای من؛ و پروردگارم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او درخواست کنم که بیچارگی و وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي . إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرِيَّتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ كَرَفَاتِي مَرَا بَرَطْرَفَ كَنْدِ وَ دَرِ أُمُورِمِ نَگَاحِي مَهْرَبَانَانِه نَمَايِد؟! خدای من؛ و مولای من؛ حکم و دستوری به من دادی فِيهِ هَوَى نَفْسِي ، وَلَمْ أَخْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عِدْوِي ، فَعَزَّنِي بِمَا وَلى اَزِ هَوَايَ نَفْسِمِ پِروِي كَرْدَمِ ، وَ اَزِ فَرِيكَارِي دَشْمَنِمِ (شیطان) دَرِ اَمَانِ نَمَانْدَمِ؛ دَرِ نَتِيجِه ، بَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ خَوَاشِ هَايِشِ مَرَا فَرِيْفَتِ ، وَ قَضَا وَ قَدْرَ نَبِزِ بِهِ اَوْ كَمَكِ كَرْدَمِ ، وَ بَاعَثَ شَدَّ نَسْبَتِ بِهِ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ ، وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ . فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحَمْدُ) بَعْضِي اَزِ حُدُودِ تَجَاوَزُ كَنْمِ ، وَ بَا بَرِخِي اَزِ دَسْتُورَاتِ مَخَالَفَتِ نَمَايِمِ . پَسِ بَرَايِ تُوَسْتِ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ ، وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ ، دَرِ تَمَامِ اَيْنِ هَا حُجَّتِ بَرِ مَن ؛ وَ هَبِيحِ حُجَّتِي بِهِ نَفْعِ مَن نَبِسْتِ دَرِ اَنجِهِ بَرِ مَن اَزِ قَضَا وَ فَرْمَانِ تُو جَارِي گِشْتِه ؛ وَأَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ ، وَقَدْ

أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَحُكْمٍ وَآزْمَايَشْتِ مِرَا مَلْزَمٍ سَاخْتَه وَرَهَا نَمِي كَنْد . اَيْنَكَ خَدَايْ مَنْ ؛ پَسْ اَزْ اَيْنِ هَمَّه تَقْصِيرِ وَ كَوْتَاهِي ، وَ اِشْرَافِي عَلَي نَفْسِي ، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَعْفِرًا وَ اِسْرَافِ
بِرْ خَوِيْشِ ، نَزْدَتِ اَمْدَه اَمْ بَا حَالَتِ عَذْرِخَوَاهِي ، پَشِيْمَانِي ، دَلْ شَكْسْتَه ، خَوَاهَانِ گَدْشْتِ وَ اَمْرُشِ تُو ، مُنْبِيًّا مُقْرًا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا ، لَا اَجْدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَتْ مِيْنِي ، وَلَا مَفْرَعًا تُوْبَه وَ بَا زْگِشْتِ كَنْنَدَه ، اِعْتِرَافِ كَنْنَدَه ،
وَ اِقْرَارِ كَنْنَدَه . هِيْجِ رَاهِ فَرَارِيْ اَزْ اَنْجَه اَزْ مَنْ صَادِرِ گِشْتَه نَدَارْمِ ، وَ پَنَاهِگَاهِي اَتَوْجُهْ اِلَيْهِي فِيْ اَفْرِي غَيْرِ قَبُوْلِكَ عُذْرِي ، وَ اِذْخَالِكَ اِيْنَايْ فِيْ نِيْزِ بَرَايْ رُوِيْ اَوْرِيْ پِيْدا نَكْرَدَه اَمْ ؛ جِزْ اَيْنِ كِهْ تُوْ پُوْزِشْمِ رَا
بِيْذِيْرِي وَ مِرَا دَرِ سِيْعَه رَحْمَتِكَ . اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي ، وَ اِزْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي ، وَ فُكِّنِي رَحْمَتِ فِرَاگِيْرْتِ وَ اَرْدِ كُنِي . بَارِ اِلَها ؛ عَذْرَمِ وَ پُوْزِشْمِ رَا بِيْذِيْرِي ، وَ بِرْگِرْفَتَارِي سَخْتَمِ رَحْمِ كَنْ ، مِنْ شَدِّ وَ ثَاقِي ، يَا رَبِّ اِزْحَمْ
ضَعْفَ بَدْنِي ، وَ رِقَّةَ جِلْدِي ، وَ دِفْقَه وَ اَزْ بِنْدِ مَحْكَمِ وَ سَخْتَمِ رَهَايِمِ بَخْشِ ؛ اِيْ پَرُوْرْدِ گَارِ مَنْ ؛ بَهْ نَاتُوْانِيْ بَدْنَمِ رَحْمِ كَنْ ، وَ بَهْ پُوْسْتِ نَازِكِ ، وَ اسْتِخْوَانِ نَحِيْفِ مَنْ رَحْمِ كَنْ ؛ عَظْمِي ، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذِكْرِي
وَ تَرْبِيْتِي وَ بَرِي وَ تَغْذِيْتِي ، اِيْ كَسِيْ كِهْ اَفْرِيْنِشِ وَ يَادِ وَ پَرُوْرشِ وَ نِيْكِي وَ غِذَا دَادَنْ بَهْ مَنْ رَا خُوْدَتِ اَغَاْزِ فَرْمُوْدِي . هَبْنِيْ لِاَيْدِيْ اَكْرَمِكَ وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي . يَا اِلَهِیْ وَ سَيِّدِيْ وَ رَبِّيْ ، بَهْ خَاَطِرِ كَرَامَتِ اَغَاْزِيْنِ
وَ اَوَّلِيَهِ اَتِ ، وَ نِيْكِيْ هَايِ دِيْرِيْنَه اَتِ بَهْ مَنْ ؛ مِرَا بِيْخِشِ . اِيْ خَدَايْ مَنْ ؛ اَقَايْ مَنْ ؛ اَتْرَاكْ مُعْدَّبِيْ بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيْدِكَ ، وَ بَعْدَ مَا اَنْطَوِي

عَلَيْهِ قَلْبِي پروردگار من ؛ آیا بینم تو را که می خواهی پس از یگانه پرستی ام، مرا با آتش دوزخ عذاب کنی؟ و پس از این که قلبم آمیخته من معرفتیک، وَلَهَجَ بِهٖ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاَعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ اِسْمِكَ نسبت به تو شده است؟ و پس از این که زبانه به ذکر تو گویا شده است؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟ حُبُّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاصَّةً عَا لِرُبُّوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ، و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاصانه ام در پیشگاه ربوبیت تو؟ نه، هرگز اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُصَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ، اَوْ تُبْعِدَ مِنْ اَذْنَبِيَّتِهِ، اَوْ تُوَافِقَ مِنْ اَبْرَارِيَّتِهِ، بزرگوارتر از آن هستی که پرورده ات را ضایع و تباه گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده ای دور کنی، یا تَشْرُدَ مِنْ اَوْيْتِهِ، اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلَاةِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ كَسِي رَا كَه پناه داده ای آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمت قرار داده ای به دست بلاها بسیاری ؛ و ای شتغری یا سَيِّدِي وَاِلٰهِي وَمَوْلَايَ اَتَسَلُّطُ النَّارَ عَلٰى وُجُوهِ كَاشِ مِي دانستم، ای آقای من ؛ معبود من ؛ و مولای من ؛ آیا تو بر چهره هایی که در پیشگاه خَزَتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلٰى اَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، عظمت خاکساری کرده و به سجده افتاده است ؟ و بر زبان هایی که صادقانه به توحید و یگانگی ات گویا گشته، وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَعَلٰى قُلُوْبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلٰهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً، و علی و برای ستایش تو را شکرگزاری کرده است، و بر دل هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده اند؛ ضَمَائِرَ خَوْتِ

مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحٍ وَبِرِ دَرُونَ هَائِي كَهَ از بَسِ نَسَبِ بَه تُو آكَاهِي يَافْتَه اَنَد، فَرَوْتَن كُشْتَه اَنَد؛ وَ بَرِ اَعْضَا وَ جَوَارِحِي كَهَ از رُوي فَرَمَانبَرْدَارِي بَه سَعَتْ اِلي اَوْطَانِ تَبْعِيدِكَ طَائِعَةً ، وَ اَشَارَتِ بِاَشِيغْفَارِكَ مُرْدَعِنَةً ، سَوِي مَحَلِّ هَائِي عِبَادَتِ وَ بِنَدِگِي تُو تَلَاشِ كَرْدَه اَنَد ؛ وَ بَا اِعْتِرَافِ بَه گَنَاهَانِ خُودِ بَه سَمَتِ اَمْرُوشِ تُو قَدَمِ بَرْدَاشْتَه اَنَد ؛ اَتَشِ رَا مَسْلَطَ مَا هَكَذَا الظُّنُّ بِكَ ، وَ لَا اُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ يَا كَرِيمَ يَا رَبِّ ، مِي كَنِي؟ چَنِين گَمَانِي نَسَبِ بَه تُو رَاهِ نَدَارَدِ وَ دَر بَارَه فَضْلِ وَ بَزَرِ گَوَارِي تُو، اَيْنِ گُونَه بَرايِ مَا بَا زِگُو نَكْرَدَه اَنَد؛ اِي بَزَرِ گُورَا؛ اِي پَرُورِدِ گَارِ وَ اَنْتَ تَعَلَّمْ صَغْفِي عَن قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عَقُوبَاتِهَا ، وَ مَا مِنْ اَيْنِ هَا دَر حَالِي اَسْتِ كَه تُو مِي دَانِي، دَر مَقَابِلِ تَحْمَلِ بَلَاهَائِي كَمِ دَنِيَايِي وَ مَجَازَاتِ اَنِ هَا تَابِ وَ تُوَانِ نَدَارَمِ؛ يَبْجَرِي فِيهَا مِنْ الْمَكَارِهِ عَلَي اَهْلِهَا، عَلَي اَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ وَ دَر بَرَابَرِ نَاخُوشِي هَائِي دَنِيَا كَه بَرِ اَهْلِ دَنِيَا سْتِ نِيَزِ تُوَانِ تَحْمَلِ نَدَارَمِ؛ بَا اَيْنِ كَه اَيْنِ بَلَا وَ مَصِيبَتِي اَسْتِ كَه قَلِيلٌ مَكْنُهُ ، يَسِيرٌ بَقَائُهُ ، فَصِيْرٌ مُدَّتُهُ ، فَكَيْفَ اِخْتِمَالِي لِإِيْلَاءِ مَدَّتِ كَمِي مِي مَانَد، وَ پَايْدَارِي اَنِ اَنْدَكِ وَ زَمَانِشِ كُوتَاَه اَسْت. پَس، بَا اَيْنِ اَوْصَافِ، مِنْ چِگُونَه بَلَايِ الْاٰخِرَةِ ، وَ جَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا ، وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ ، اٰخِرَتِ، وَ نَاخُوشِي هَائِي طَاقَتِ فَرَسَايِشِ رَا تَحْمَلِ كَنَمِ؟ دَر حَالِي كَه اَنِ بَلَايِي اَسْتِ كَه مَدَّتِ اَنِ طَوْلَانِي، وَ يَدُومٌ مَقَامُهُ ، وَ لَا يُخَفَّفُ عَن اَهْلِهِ ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِّ وَ مَانَدِ گَارِيَشِ دَايِمِي اَسْت، وَ نَسَبِ بَه اَهْلِ اَنِ نِيَزِ تَخْفِيْفِ پَذِيْرِ نِيَسْتِ؛ چَرَا كَه اَيْنِ (بِلا)

از غَضَبِكَ وَإِنْتِقَامِكَ وَسَيِّئَاتِكَ ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ غَضَبٌ وَانْتِقَامٌ وَخَشَمٌ تُو سِرْجَسْمَه گرفته است . و این، چیزی است که آسمان ها و زمین را یارای مقاومت در برابر آن نیست؛ وَالْأَرْضُ ، یا سَيِّدِي ، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَيْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ ای آقای من؛ پس من چگونه این ها را تحمل کنم، با وجود این که بنده ای ضعیف، خوار، الْحَقِيزُ الْمَشِيكِيُّ الْمُسْتَكِينُ . یا اَللهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَائِي ، كوچك، نیازمند و بیچاره هستم!؟ ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛ و مولای من؛ أَيُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو ، وَلَيْمًا مِنْهَا أَصِحُّ وَأَبْكِي ، أَلَيْمَ الْعَذَابِ لِإِيَّكَ كَدَامَ يَكُ مِنْ أَمْرِ بِه تُو شَكَائِتِ كُنْم؟ و برای کدام یک از آنها ضَجَه و ناله و گریه سر دهم؟ (آیا) برای دردناکی و شِدَّتِهِ ، أَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ ، فَلَيْتُ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ وَ سَخْتِي عَذَابِ؟ یا برای طولانی شدن و مَدَّتِ زِيَادِ مَصِيبَتِ وَ بَلَاءِ؟ (خدایا!) اِگَرِ لِإِيَّكَ عَذَابِ ، مَرَا دَرِ كِنَارِ أَعْدَائِكَ ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَادِكَ ، وَفَوَّضْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ دُشْمَنَانِ قَرَارِ دَهِي ، وَ مِيَانِ مِنْ وَ كَرَفَتَارَانِ بِلَايَتِ رَا جَمْعِ كُنِي ، وَ بَيْنِ مِنْ وَ أَجْبَاءِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ ، فَهَبْنِي يَا اَللهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَائِي وَرَبِّي ، دُوسْتَانِ وَ اَوَلِيَايَتِ جَدَائِي بِيْفَكْنِي ؛ گيرم که ای خدای من و ای آقا و مولا و پروردگار من؛ صَبْرْتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ ، وَ هَبْنِي صَبْرْتُ بِرِ عَذَابَتِ صَبْرِ وَ شَكِيَايِي بُوْرزَم؛ و لی چگونه بر جدایی و فراق شکیبا باشم؟! گيرم که عَلَيَّ حَزَّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ بِرِ كَرَمِي وَ

سوزندگی آتش صبر کنم؛ ولی چگونه نسبت به محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه، اَشْرِكُنْ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ . فَيَعْرِزُكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ با وجود آمدی که به عفو و بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولای من؛ اَقْسِمُ صَادِقًا لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لَأَضَعَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا صَجِيجَ سَوِغَدٍ صَادِقَانَهُ مِي خورم، که اگر به من اجازه سخن گفتن بدهی، به طور حتم در بین دوزخیان فریاد اَلْمَاطِلِينَ ، وَلَأَصِيرُ حَنَّ إِلَيْكَ صِرَاحَ الْمُشْتَصِرِ حِينَ ، وَلَأَبْكِيَنَّ آرزومندان درخواهم داد و دردمندان صَجَه و ناله فریادرس جویان سرخواهم داد، و همانند عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ ، وَلَأَنَادِيَنَّكَ أَيَّنَ كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ، عزیز از دست دادگان گریه های فراق خواهم کرد، و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛ یا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ ، یا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ ، یا حَبِيبَ قُلُوبِ اِي نَهَائِتِ آرزوی عارفان و خداشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای محبوب دل های الصَّادِقِينَ ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ . أَفْتَرَاكَ سَيِّئِحَانِكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ رَاسِتْگويان؛ ای معبود جهانیان؛ آیا پس ببینم تو را - ای کسی که منزه؛ ای خدای من و من به حمد تو مشغولم - تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِّنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ ، وَذَاقَ طَعْمَ كِه صَدَايِ بِنْدَه مَسْلَمَانَتِ رَا مِي شَنُوِي كِه دَر جَهَنَّمِ بَه خَاطِرِ مَخَالِفَتِ وَ نَافَرْمَانِيَشِ زَنَدَانِي شَدَه اَسْت؛ وَ بَه خَاطِرِ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِي ، وَ حُبْسِ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُزْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ وَهُوَ مَعْصِيَتِ وَ گَنَاهَشِ مَزَه عَذَابِ جَهَنَّمِ رَا چَشِيْدَه اَسْت وَ بَيْنِ طَبَقَه هَايِ مَخْتَلَفِ جَهَنَّمِ بَه خَاطِرِ جَرْمِ وَ گَنَاهَشِ زَنَدَانِي شَدَه اَسْت؛ اَوْ يَصِيحُ إِلَيْكَ صَجِيجَ مُؤْمَلٍ

لِرَحْمَتِكَ ، وَيُنَادِيكَ بِلسانِ أَهْلِ بَا صِجِّهِ وَ نَالِهِ ، بِه أُمِيد وَ آرزوی رحمت فریاد برمی آورد، وَ بَا زبَان وَ طَرزِ كَفْتَارِ تَوْحِيدِكَ ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ . يَا مَوْلَايَ ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي يَغَانِهِ پَرِسْتَانَتِ تُو رَا نَدَا
می دهد وَ تَوَسَّلُ بِه رُبُوبِيَّتِ وَ پَرُورِدْگَارِي تُو پيدا می کند. ای مولاى من؛ چگونه اين الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ جَلِيمِكَ ، أَمْ كَيْفَ تَوَلَّمَهُ النَّارُ بِنْدِهِ ات در عذاب باقى بماند با وجود اين كه به حلم و
بردبارى ديرينه ات اميدوار است؟ يا چگونه آتش او را به درد آورد ؛ وَهُوَ يَأْمُرُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبِهَا وَأَنْتَ بَا اين كه او به فضل و مهربانيت، آرزومند است ؟ يا چگونه زبانه هاى
آتش، او را بسوزاند تَشْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَسْتَجِئُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ در حالى كه صدايش را مى شنوى و جاىگاهش را مى نگرى!؟ يا چگونه شعله ها و شراره هاى آتش او را در برگريرد در
حالى كه تَعْلَمُ ضَعْفَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ ، أَمْ نَاتَوَانِي او را مى دانى ؟ يا چگونه با وجود راستگوئى اش - كه تو نيز از آن آگاهى - بين طبقه هاى جَهَنَّمَ بالا و پايين رود ؟ يا
كَيْفَ تَرْجُوهُ زَبَانِيَّتِهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ چگونه مأموران آتش او را به سوى دوزخ مى رانند در حالى كه او ندا مى دهد و مى گويد: ای پروردگار من ؛ يا چگونه او به فضل تو
اميدوار فى عَتَقِهِ مِنْهَا فَتَتَرَكُهُ فِيهَا ، هَيْهَاتَ ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ ، وَلاَ باشد تا رهايش كنى، ولى تو او را در

آتش وامی گذاری؟! نه هرگز! این بعید است و چنین گمان و اندیشه ای در مورد تو نیست؟ و این الْمُعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ ، وَلَا تُشْبِهْ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این، شبیه رفتار بزرگوارانه و بَرَكٌ وَإِحْسَانِكَ ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتُ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ نِكَوِي وَ إِحْسَانِ تُو، نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر حکم و دستور تو جَاحِدِيكَ ، وَقَصْدِيَّتْ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَايِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا در مورد عذاب کردن منکرانت و جاودانه ماندن دشمنان خود در آتش؛ صادر نشده بود؛ به طور حتم) در روز قیامت،(تمام آتش را بَزْدًا وَسَيْلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقْدَسْتُ سَرْدٌ وَ سَلَامَةٌ مِي كَرْدِي، وَ هِيْجَ كَسِ دَر اَن اَسْتَقْرَارَ نَمِي يَافْت وَ جَا نَمِي كَرَفْت . لِيَكُنْ، تُو - كِه اَسْمَاؤُكَ اَقْسَمْتَ اَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ نَام هَاي شَرِيْفَت پَاك وَ مَقْدَسْ اَسْت - سَو كَنَد يَاد كَرْدِي كِه جَهَنَّمَ رَا پَر اَز تَمَام كَاْفِرَانِ جَنِّي وَ اَنَسِي كَنِي، اَجْمَعِيْنَ ، وَ اَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَايِدِيْنَ ، وَ اَنْتَ جَلُّ تَنَاوُكَ قُلَّتْ وَ مَعَانِدَانِ وَ دَشْمَنَانِ سَرَسَخْت رَا بَرَاي هَمِيْشِه دَر اَنَشِ نِگَاه دَارِي. وَ تُو - كِه مَدْح وَ ثَنَابِت شَكُوْهَمَنْد بَاد - مُبْتَدِيًا ، وَ تَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُنْكَرَمًا ، اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ دَر اَغَاْزِ فَرْمُوْدِي، وَ دَر اَدَامِه نِيْز بَزْر گُوَارَانِه بَا نَعْمَتِ بَخْشِيْدَنْتِ فَرَصْتِ دَادِي كِه : اَيَا كَسِي كِه اِيْمَانِ اَوْرَدِه بَا كَسِي كِه اَهْلِ فَاْسِقًا لَا يَشْتَوُوْنَ. اِلٰهِي وَ سَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، فَسَقِ وَ بَدِي بَاشْ؛ مَسَاوِيْنْد؟! مَسَاوِي نِيْسْتَنْد . خدای

من؛ و آقای من؛ از تو می خواهم به واسطه قدرتت که آن را تقدیر فرمودی، و بِالْقَضِيَةِ الَّتِي حَكَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَعَلَيْتَ مَنْ عَلَيْهِ أُجْرَتُهَا، و دستوری که حتمی و لازم نمودی، و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی؛ أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُزْمٍ أُجْرِمْتُهُ، برای من ببخشی در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر زده است، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَشْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، و هر گناهی مرتکب شده ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته ام، و هر نادانی که انجام داده ام، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَطَهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتِ بِإِثْبَاتِهَا أَنْ رَأَيْتُهَا كَتَمْتُهَا، یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر کار بدی را که به الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ نُوَيْسِنْدِ الْبُزْجِ الْبُزْجِيَّةِ، و نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آنها را داده ای؛ همان نویسندگان بزرگوار که موظف به حفظ و ثبت اعمال من کرده ای و آنان را به شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان شاهد و گواه رفتار من قرار داده ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب رفتارم بوده ای وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ، وَبِقَضَايِكَ سَتَرْتَهُ، و هر چه از آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده ای؛ الْبَيْتُ، کارهای مخفی را خودت به واسطه رحمتت پنهان نمودی و به فضل خودت وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ

أَوْ إِحْسَانٍ فَصَلُّهُ ، أَوْ بَرٍّ پُوشِيدِي . و از تو می خواهم فراوان کنی حَظَّ و نصیبم را از هر خیر و خوبی که فرو می فرستی، یا هر احسان و نیکی که لطف می کنی، یا هر خوبی نَشْرَبْتَهُ ، أَوْ رِزْقٍ يَسِيْطُنُهُ ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ، أَوْ حَظًّا تَشْتَرُهُ . یا بین بندگانت پخش نموده ای ، یا روزی و نصیبی که گسترده ساخته ای، یا هر گناهی که بخشیده ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان زَبِّ یا زَبِّ یا زَبِّ ، یا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي ، یا داشته ای. پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛ و مالک هستی من؛ ای مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي ، یا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَشْكَنَتِي ، یا خَيْرًا بِفَقْرِي کسی که اختیار و زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی و درماندگی ام را می دانی؛ ای کسی که از نیازمندی وفاقتی . یا زَبِّ یا زَبِّ یا زَبِّ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْرَتِكَ ، و بی نوایی من آگاهی؛ ای پروردگارا! ای پروردگارا! ای پروردگارا! از تو می خواهم به حَقِّ خودت و پاکت، وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَايَكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ و بزرگ ترین صفات و نام هایت؛ که تمام لحظه های شب و روزم را بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً ، وَبِحِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت خودت قرار دهی؛ و کارهایم را نزد خودت پذیرفته شده قرار دهی؛ حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا ، وَحَالِي فِي تَأْنٍ أَنْ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا ، وَحَالِي فِي تَأْنٍ أَنْ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا ، وَحَالِي فِي تَأْنٍ أَنْ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا . یا سَيِّدِي

يا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي ، يا مَنْ إِلَيْهِ در خدمت تو پابنده باشد . ای آفای من؛ ای کسی که تکیه گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی؛ ای کسی که بد حالی هایم را شَكْوَتْ اُخْوَالِي ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، قُوْ عَلِي خِدْمَتِكَ تنها به تو شکایت می کنم؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن، جوارحی ، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي ، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدی از تو خَشْيَتِكَ ، وَالِدْوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي در هراس باشم، و همیشه و به طور دایم به خدمت تو بپردازم؛ تا در نتیجه در مَبَادِيِنِ السَّابِقِينَ ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ ، وَأَشْتاقَ إِلَيَّ مِدْانِ هَایِ پِیشی گیرندگان به سوی تو روانه گردم ، و در زمره کسانی که نمودار گشته اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمره قُوبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ ، وَأَذْنُوْ مِنْكَ دُئُو الْمُخْلِصِينَ ، وَأَخافَكَ مِشْتاقانِ با شوق فراوان به مقام قرب تو راه پیدا کنم ، و همچون نزدیک بودن اهل اخلاص به تو نزدیک گردم، و مَخافَةَ الْمُوقِنِينَ ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ . اَللّهُمَّ وَمَنْ هَمَانِد تِرسی که اهل یقین از تو دارند بترسم ؛ و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم . بار الها ؛ هر کس اَرادَنی بِسِوءِ فَأَرِدُهُ ، وَمَنْ كادَنی فَكِدُهُ ، وَاجْعَلْنی مِنْ أَحْسَنِ قِصد بدی در مورد من دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هر کس برایم مکر و حيله ای فراهم کند،

تو نیز با او مکر کن؛ و مرا از بهترین عبیدیک نصیباً عندک، و اقربهم منزله منک، و اخصهم زلفه بنده های بهره مند در نزد خودت، و از کسانی که نزدیک ترین جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به لَدَیک، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ أَيْشَانِ اِخْتِصَاصِ دَادَةِ اِي، قَرَارِ دِه؛ زِيرَا، اِيْنَ هَا جِزْ بَا فَضْلٍ وَفَزُونِ بَخْشِي تُو بِه دَسْتِ نَمِي آيِد؛ وَبَا سَخَاوَتْمَنْدِيْتِ بَرِ مَن بِيخْشَاي، وَ عَلَيَّ بِمَجْرِيْدِكَ، وَ اِحْفَظْنِي بِرَحْمَتِيْكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِبِدْكَرِكَ لَهْجَا، بَا بَزْرْگُوَارِي وَ شَكُوْهْتِ بَرِ مَن عَطُوْفٍ وَ مَهْرِبَانِي كُن، وَ بَا رَحْمَتِ مَرَا حِفْظِ كُن؛ وَ زَبَانِم رَا بِه ذِكْرٍ وَ يَادِ خُودِ گُوِيَا، وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَمِيْمَا، وَ مَنُّ عَلَيَّ بِحُسْنِ اِجَابَتِيْكَ، وَ اَقْلُنِي عَثْرَتِي، وَ قَلْبِم رَا اَز دُوسْتِيْتِ بِي قَرَارِ سَاز، وَ بَا اِجَابَتِ نِيكُو بِه دَرْخُوَاسْتِ مَن بَرِ مَن مَنّتِ گِذَار، وَ اَز لَغْزِشِ مَن دَرْگِذَرِ وَ اَعْفُوْ زَلْتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَ اَمْرَتَهُمْ وَ لَغْزِشِ مَن رَا نَادِيْدِه بَغِيْر؛ زِيرَا، تُو بِه بِنْدْگَانْتِ دَسْتُوْرِ دَادِي تُو رَا بِيْرَسْتَنْد، وَ بَرِ آنَاْنِ اَمْرِ كَرْدِه اِي بَدْعَاْنِيْكَ، وَ ضَمِنْتْ لَهُمْ اِلْاِجَابَةَ. فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصِيْبَتْ وَجْهِي، تَا تُو رَا بَخْوَانَد، وَ دَرِ مَقَابِلِ نِيْزِ ضَمَانَتِ كَرْدِه اِي كِه اِجَابَتِشَاْنِ كُنِي. پَسِ پُرُوْرْدْگَارَا؛ بِه سُوِي تُو رُوِي آوْرْدِه اَم، وَ اِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعَزَّتِكَ اَشِيْتَجِبْ لِي دُعَاْتِي، وَ دَسْتِم رَا تَنَهَا بِه طَرْفِ تُو دِرَازِ كَرْدَم؛ پَس، تُو رَا بِه عَزَّتِ سُوْگَنْد؛ دَعَايِم رَا مَسْتَجَابِ فَرْمَا، وَ بَلِّغْنِي مُنَاي، وَ لَا تَقْطَعْ مَن فِضْلِيْكَ رَجَائِي، وَ اَكْفِنِي شَرَّ

الْحِجْنَ و مرا به آرزویم برسان، و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شر دشمنانم چه جَنِّي وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي . يا سَرِيعَ الرِّضَا ، إِنْغَرَّ لِمَنْ لَا يَتَّبِعُكَ إِلَّا وَجْهَ آدَمِي، مرا در امان دار و کفایتم کن. ای کسی که زود راضی می شوی؛ بیمارز کسی را که جز دعا کاری از دستش الدُّعَاءُ ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ ، یا مَنْ اِسْمُهُ دَوَاءٌ ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ ، نمی آید، زیرا، تو کاری را که بخواهی به طور کامل انجام می دهی. ای کسی که نامش، دواست؛ و یادش، شفاست؛ وَطَاعَتُهُ عِثَّةٌ ، إِزْحَمَ مَنْ رَأَسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ ، وَبِإِسْلَاحِهِ الْبُكَاءُ ، و فرمان برداریش، مایه بی نیازی است؛ رحم کن به کسی که سرمایه اش امید است، و تنها اسلحه اش گریه است . یا سَاعِيَ النَّعْمِ ، یا دَافِعِ النَّعْمِ ، یا نُورَ الْمُشْتَوِّحِينَ فِي الظُّلَمِ ، ای فرو ریزنده نعمت ها؛ ای برطرف کننده سختی ها و مجازات ها ؛ ای روشنی وحشت زدگان در تاریکی ها؛ یا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَفْعَلُ بِي مَا أَيْ عَالِمِي که تعلیم داده نشده ای ؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست ، و آن أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَنْبِيَاءِ الْمَيَامِينِ مِنْ إِلِهِ ، چنان که شایسته و بایسته توست با من رفتار کن. و درود پیوسته خداوند بر فرستاده اش و امامان پربرکت از آل او؛ وَسَلَّمْ تَشْلِيمًا كَثِيرًا . (۱۸)

و سلام بسیارش بر آنان باد .

.....(Anotates).....

(۱) آیه الله سید احمد مستنبط رحمه الله می گوید : ممکن است این چهار نفر از اصحاب بقیه ائمه علیهم السلام دارای فضیلت بیشتری بوده ،

بلکه بعید نیست معصوم باشند . و در حال حاضر نیز واسطه بین امام و شیعیان هستند ؛ همان گونه که در دوران غیبت صغری حدود هفتاد سال دارای این مقام بودند . (الزیاره والیباره : ۱۳۲/۱)

(۲) مفتاح الجنّات : ۴۶۲/۱ به نقل از مصباح الزائر : ۵۱۴ .

(۳) بحار الأنوار : ۲۹۲/۱۰۲ .

(۴)

(۵)

(۶)

(۷)

(۸)

(۹) مکیال المکارم : ۳۳/۲ .

(۱۰) جمال الأسبوع : ۳۲۵ .

(۱۱) التحفه الرضویّه : ۱۱۹ .

(۱۲)

(۱۳)

(۱۴)

(۱۵) إقبال الأعمال : ۵۸۰ .

(۱۶) بحار الأنوار : ۲۱۱/۱۰۰ .

(۱۷)

(۱۸) مصباح المتّهجد : ۸۴۴ ، مفاتیح الجنان : ۱۲۶ .

خاتمه کتاب یا ملحقّات

بعضی از عباداتی که مورد توجه

در پایان کتاب ، به بیان برخی از مطالبی می پردازیم که حضرتش صلوات الله علیه به گونه ای دستور به انجام آن ها فرموده اند ؛ آن ها عبارتند از بعضی از دعاها و زیارت ها ، و برخی از دستورات و مطالبی که با موضوع کتاب مناسبت دارد . در ابتدا ، جریان سید رشتی رضوان الله علیه را بیان می کنیم ؛ زیرا جریان دیدار او ، مطالبی را در بر دارد که مولای ما امام زمان ارواحنا فداه به انجام آن امر فرموده اند .

محدّث نوری رحمه الله می فرماید : سید رشتی گفت : در سال ۱۲۸۰ (قمری) به قصد انجام حجّ حرکت کردم ، و از طرف رشت به تبریز رفتم . در تبریز به خانه حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی رفته و به دلیل این که کاروانی برای عزیمت به حج نیافتیم ، سرگردان شده بودم ؛ تا آن که حاج جبار جلودار سده ای اصفهانی ، کاروانی برای رفتن به «طربوزن» تدارک دید .

من ، یک مرکب برای خودم از او کرایه کردم و به راه افتادم ، و وقتی به اولین

متزلگه بین راه رسیدم ، بنا بر تشویق حاج صفر علی تاجر ، سه نفر دیگر نیز به من پیوستند و با یکدیگر هم سفر شدیم ؛ آن سه نفر : ۱ - حاج ملا باقر تبریزی (که به نیابت از شخص دیگری عازم حج شده بود ، و نزد علما شناخته شده بود)؛ ۲ - حاج سید حسین تاجر تبریزی ؛ ۳ - مردی که خدمتکار بود ، و او را حاج علی می گفتند .

در بین راه به شهر «ارضروم» رسیدیم و از آن جا نیز عازم شهر «طربوزن» بودیم . در یکی از استراحتگاه های بین این دو شهر ، حاج جبار جلودار (رئیس کاروان) نزد من آمد ، و گفت : متزلگه بعدی که در پیش داریم ، ترسناک است ؛ بدین جهت ، لازم است عجله کنید و از قافله عقب نمانید .

زیرا ما در بین راه کمی از کاروان فاصله می گرفتیم ، حدود دو و نیم یا سه ساعت به صبح مانده بود ، که همگی با هم حرکت کردیم ، هنوز به طور تقریبی نیم فرسخ یا سه چهارم فرسخ از متزلگه قبلی دور نشده بودیم که ناگهان هوا دگرگون و تاریک شد ، و شروع به بارش برف کرد .

در این حال ، هر یک از دوستانم سرش را پوشانید و به سرعت ، حرکت کرد . من نیز چنین کردم ، لیکن نمی توانستم به سرعت آنان بروم ؛ آنان دور شدند و من تنها ماندم .

لذا ، از اسب پیاده شدم و در کنار جاده نشستم و به شدت دچار اضطراب و نگرانی شدم ؛ چون ، حدود ششصد تومان برای خرجی سفرم همراه داشتم . پس از

اندیشه در مورد وضعیتیم، بدین نتیجه رسیدم که همان جا بمانم تا صبح شود، و به همان منزلگاه قبلی برگردم و از آن جا چند نفر را برای نگرهبانی از خود استخدام کنم، تا دوباره به کاروان برسم.

در همین اندیشه بودم که ناگهان باغی زیبا را در پیش رویم دیدم، و مشاهده کردم باغبانی در آن جاست و بیلی در دست دارد و برف ها را از شاخ و برگ درختان می ریزد. باغبان نزد آمد و به قدری پیش آمد که فاصله کمی بین من و ایشان بود. فرمود: تو کیستی؟

گفتم: دوستانم رفتند و من تنها ماندم، و راه را نیز بلد نیستم؛ سرگردان شده ام.

وی با زبان فارسی گفت: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی؛ و مقصودش نماز شب بود.

من مشغول نماز شب شدم، تا از تهجد فارغ گردیدم پس از آن دوباره نزد آمد و فرمود: آیا هنوز نرفته ای؟

گفتم: به خدا، راه را بلد نیستم.

فرمود: جامعه بخوان. من زیارت جامعه را حفظ نکرده بودم، و هیچگاه نمی توانستم آن را حفظ و بدون نگاه کردن به کتاب بخوانم؛ با این که بارها به حرم مطهر امامان علیهم السلام شرفیاب شده بودم، با این حال، در همان جا ایستادم و از حفظ شروع به خواندن زیارت جامعه کردم و آن را به طور کامل خواندم.

بار دیگر آن شخص آمد و فرمود: هنوز نرفته ای؟ بی اراده، اشکم سرازیر شد و گریستم؛ گفتم: این همه وقت است که این جا هستم، و راه

را بلد نشده ام!

فرمود: عاشورا بخوان.

در مورد زیارت عاشورا نیز همان وضع را داشتم، یعنی مانند زیارت جامعه نمی توانستم آن را از حفظ بخوانم، ولی برخاستم و بی اختیار آن را تا آخر خواندم و لعن و سلام و دعای علقمه را نیز قرائت کردم. دیدم دوباره آمد و فرمود: هنوز هم که نرفته ای؟!؟

گفتم: نه، تا صبح هم این جا می مانم.

فرمود: حالا من، تو را به کاروان می رسانم. رفت، و بر الاغی سوار شد و بیل خود را بر دوش گذاشت و آمد و گفت: پشت سر من سوار الاغ شو.

من سوار شدم و افسار اسبم را نیز به دست گرفتم ولی اسبم حرکت نکرد.

فرمود: افسار اسب را به من بده. افسارش را به دست آن شخص سپردم و او بیل خود را بر شانه چپ گذاشت و افسار اسب مرا با دست راست گرفت و به راه افتاد. اسبم، به گونه ای شکفت انگیز، گوش به فرمان او بود و به دنبال او به راه افتاد.

آن گاه دستش را بر زانویم نهاد و فرمود:

شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا. شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

ایشان به گونه ای مسیر را می پیمود که گویی زمین در زیر پایش درمی نوردد؛ ناگهان برگشت و به من فرمود: دوستان، آن ها هستند. دیدم که دوستانم در کنار نهر آبی فرود آمده اند، و از آب آن برای نماز صبح وضو

می گیرند .

من ، از الاغ پیاده شدم که سوار اسبم شوم ولی نتوانستم . ایشان ، از الاغ پیاده شدند و بیل خود را در میان برف ها زدند و مرا سوار بر اسبم نمودند . سپس ، سراسب را رو به محلی که دوستانم بودند ، گردانیدند .

در این اثناء بود که در خاطرم گذشت : این شخص کیست که به راحتی ، فارسی سخن می گوید ؟ با این که می دانم ، مردم این منطقه ، فقط به زبان ترکی ترکیه آشنا هستند ! بیشترشان نیز مسیحی اند . از طرفی ، چگونه با این سرعت ، مرا به دوستانم رسانید ؟ همین که برگشتم و به پشت سرم نگاه کردم هیچ کس را نیافتم و اثری از او ندیدم ؛ لذا نزد دوستانم رفتم .

نماز شب : آگاه باش ؛ فایده و ارزش نماز شب ، خارج از حدی است که بتوان بیان کرد ؛ چون نکات دقیق و اسراری دارد که در قرآن و احادیث، به طور مختصر بدان ها اشاره شده است . بدین جهت ، در برخی از روایات هنگام یاد از نماز شب ، سه مرتبه نام آن تکرار شده است .

شیخ کلینی و شیخ صدوق، و شیخ برقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت و سفارشات فرمود و دستور داد که آن ها را حفظ کرده و به آن عمل نمایند؛ آن گاه از خدای تعالی خواست تا آن حضرت را برای عمل به این سفارشات، یاری دهد . از جمله سفارشات یاد شده این است که فرمود

:

تو را به نماز شب سفارش می‌کنم؛ بر تو باد به نماز شب؛ بر تو باد به نماز شب .

در کتاب «فقه الرضاعیه السلام» نیز روایتی نزدیک به همین معنا ، آمده است .

زیارت جامعه : گروهی از علما تصریح فرموده اند که این زیارت ؛ بهترین و کامل ترین زیارت ها است .

عَلَمَة مجلسی رحمه الله پس از توضیح کوتاهی در مورد عبارت های زیارت جامعه که در دیگر زیارت ها چنین شرح و توضیحی نداده است می فرماید :

اندکی در شرح این زیارت کلام را طولانی کردم - گرچه حَقِّش را ادا نکرده ام - چون نخواستم سخن به درازا کشد ؛ چون این زیارت ، دارای صحیح ترین سند و مشهورترین راویان ، (فراگیرترین زیارت در مورد ائمه علیهم السلام) ، فصیح ترین الفاظ، رساترین معانی و بلندمرتبه ترین زیارات است .

زیارت عاشورا : در فضیلت و جایگاه آن، همین بس که سنخیت با دیگر زیارات ندارد؛ چون - گرچه سخنان و دستورهای معصومان علیهم السلام، از عالم بالا گرفته شده است، و این زیارت) به حسب ظاهر) و نیز دیگر زیارات، از دستورات معصومان علیهم السلام است؛ ولی - زیارت عاشورا، یک حدیث قدسی است و این عبارات، از جمله لعن، سلام و دعاهای آن، به همین شکل از خدای سبحان به جبرئیل امین و از او به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسیده است .

تجربه نشان داده است که اگر چهل روز یا کمتر ، به طور دائم) هر روز) به خواندن این زیارت پرداخته شود ؛ هیچ داعایی همانند آن برای برآوردن حاجات ، رسیدن به مقصود و دفع دشمنان وجود ندارد .

بهترین فایده ای که می توان از طریق مواظبت بر خواندن این

زیارت به دست آورد، آن چیزی است که یکی از اشخاص مورد اعتماد، نیکو رفتار و پرهیزگار، یعنی جناب حاج ملا حسن یزدی رحمه الله که از بهترین ساکنان شهر نجف بود، و پیوسته به عبادت و زیارت می پرداخت؛ از حاج محمد علی یزدی که او نیز مورد وثوق و اطمینان، نیکو رفتار، و از افراد فاضل و برجسته شهر یزد بود، می گوید:

مردی در یزد بود که از افراد نیک و برجسته بود. وی، شب ها به قبرستانی خارج از شهر یزد (که به زیارتگاه معروف بود) می رفت در آن زیارتگاه، چند تن از افراد صالح دفن شده بودند. سید احمد، همسایه ای داشت که از کودکی باهم بزرگ شده بودند، و معلم شان نیز یکی بود و باهم درس خوانده بودند تا آن که جزو صنف مالیات گیران دولت درآمد. البته این شخص از دنیا رفت، و محلّ دفنش نیز نزدیک همان مکانی بود که حاج محمد علی به عبادت می پرداخت.

وی، پس از مرگ آن شخص، او را با وضعی بسیار خوب و در نعمت های بهشتی مشاهده کرد. او در عالم خواب به طرف دوست مرده اش رفته و گفت: من از ابتدا تا پایان، و از ظاهر و باطن تو با خیر هستم؛ به خوبی نیز می دانم کسی نبوده ای که از نظر باطنی خوب باشی و کارهای زشت را بتوان حمل بر تقیه و پنهان کاری شرعی کرد، یا بتوان گفت به ناچار و برای کمک به مظلومان و ... وارد کارهای دولتی شده ای. کارهای تو، تنها سزاوار عذاب و بدبختی بود؛ بگو بدانم از کجا به این مقام و منزلت پس

از مرگ دست یافته ای؟!

گفت: درست است؛ همین طور است که گفتمی . من در عذاب سختی بودم و از روزی که مردم تا دیروز به شدت عذاب می شدم؛ تا آن که دیروز، همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفت و در نزدیکی من حدود پنجاه متری بین قبر من تا جایگاه تو، دفن شد، دیشب که آن زن را در این جا به خاک سپردند، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام، سه مرتبه به دیدارش تشریف فرما شدند، و در مرتبه سوم دستور فرمودند تا عذاب را از تمام قبرستان بردارند. بدین جهت، من نیز راحت شدم و نعمت ها و شادی ها، مرا فرا گرفت.

وی، ناگهان از خواب پریده و چون استاد اشرف آهنگر و جای او را نمی شناخت، در بازار آهنگران به جستجو پرداخت و او را یافت؛ به آهنگر گفت: آیا شما همسر دارید؟

گفت: آری . او دیروز از دنیا رفته و در فلان مکان - همان مکان رانام برد - دفنش کردم ؟

گفت: آیا زنت به زیارت امام حسین علیه السلام شرف یاب شده بود؟ گفت : خیر .

پرسید: آیا برای آن حضرت عزاداری می کرد؟ گفت : نه .

گفت: آیا در خانه مجالس روضه تشکیل می داد؟ گفت : خیر .

آهنگر پرسید : مقصودت از این پرسش ها چیست؟ او نیز خوابش را تعریف کرد . و گفت: می خواهم بینم همسرت چه رابطه ای با امام حسین علیه السلام داشته است!؟

استاد اشرف آهنگر گفت : زخم ، پیوسته زیارت عاشورا می خواند .

پوشیده نماند، سید احمد) که این جریان در مورد او نقل شده است(از صالحان و پرهیزگاران بود، و در امور عبادی و زیارات، و ادای حقوق الهی و

حقوق مردم، و پاکیزگی و پاکی لباس و بدن از نجاسات و کثیفی ها؛ معروف بود.

نماز شب

نیز، همگی او را به ورع و تقوا و نیکوکاری می شناختند و نزد مردم یزد و دیگر شهرها مشهور بود. البته، هر بار که زیارت می کرد نیز الطاف ویژه ای به او می رسید که نقلش در این جا مناسب نیست.
(۱)

نماز شب

اکنون به چگونگی نماز شب می پردازیم؛ پس از آن زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا را نیز نقل می کنیم.

نماز شب: زمانش از نیمه شب آغاز می شود، و هر چه زمان انجام آن به صبح نزدیک تر باشد، فضیلتش افزون است. البته اگر هنگام صبح، نماز گزار چهار رکعت از نماز شب را به جا آورده باشد، باید بقیه نمازها را بدون سوره و با حمد تنها انجام دهد.

نماز شب، هشت رکعت است که دو رکعت دو رکعت انجام می شود؛ مستحب است در دو رکعت اول در هر رکعت بعد از حمد، سی مرتبه سوره «توحید» را بخواند؛ در این صورت با پایان نماز، هیچ گناهی بین او و خداوند باقی نمی ماند.

هم چنین می تواند در رکعت اول پس از حمد، سوره «توحید» بخواند و در رکعت دوم سوره «کافرون» را قرائت کند و در نمازهای دیگر شش رکعت باقی مانده (هر سوره ای را خواست، بخواند.

نیز، می تواند در هر رکعت از هشت رکعت نماز شب، پس از حمد، سوره «توحید» را بخواند یا این که سوره ای نخواند و به حمد تنها بسنده کند.

(مستحب است بعد از دو رکعت اول، دعایی را که برای تعجیل فرج در ص ۱۹۸ نقل کردیم بخواند. و

بعد از رکعت چهارم، دعایی را که در ص ۲۰۰ نقل کردیم بخواند .)

قنوت نماز شب نیز مانند قنوت در نمازهای واجب ، مستحب است که در رکعت های دوم هر نماز ، قنوت خوانده شود . در ذکر قنوت می تواند سه مرتبه «سبحان الله» بگوید ، یا این دعا را بخواند :

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاغْفِرْ عَلَانَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بار الها ؛ ما را ببخش ، و رحم کن ، و سلامتی بده ، و در دنیا و آخرت ما را ببخش ؛ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ .

به راستی که تو هر چیزی بخوای ، می توانی انجام دهی .

یا بگوید : رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ ، اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعَزُّ بِرُورِدِ گارا ؛ ببخش ، رحم کن ، از هر چه می دانی بگذر ؛ به راستی ، تو عزت مندترین ، اَلْاَجَلُ الْاَكْرَمُ .

باشکوه ترین ، و بزرگوارترین هستی .

روایت شده است : حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ، هنگامی که شب ، در محراب عبادت می ایستادند ، می گفتند : اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِيْ سَوِيًّا ... «بارالها ؛ راستی ، تو مرا با اندامی متناسب آفریده ای ...» ، و این ، دعای پنجاهم صحیفه کامله سجادیّه است .

پس از انجام هشت رکعت نماز شب ، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر را به جا آورید ؛ در این سه رکعت نماز ، پس از «حمد» در هر رکعت سوره «توحید» را بخوانید ؛ تا ثواب یک ختم کامل قرآن را به دست آورید ؛ چون ، هر بار قرائت سوره «توحید» ، ثواب خواندن یک سوّم از قرآن را دارد .

نیز می توانید در رکعت اوّل شفع پس از «حمد» ، سوره «ناس» ؛ و در رکعت دوّم

پس از «حمد» ، سوره «فلق» را قرائت کنید .

پس از نماز شفع ، یک رکعت نماز وتر با سوره «حمد» و سوره «توحید» بخوانید ، و یا آن که بعد از سوره «حمد» سه مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و معوذتین - یعنی «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» - را قرائت کنید . پس از سوره ، دست ها را به دعا برداشته و در قنوت ، هر چه خواستید بخواهید .

شیخ طوسی رحمه الله می گوید : دعاهای قنوت ، بی شمار است ؛ و هیچ قنوت مخصوصی وارد نشده است که واجب باشد همان خوانده شود .

مستحب است انسان در حال قنوت از ترس خدا و هراس از عذاب الهی بگریزد ، یا حالت گریه کنندگان را به خود بگیرد؛ و برای مؤمنان دعا کند ، و مستحب است نام چهل مؤمن (شیعه) را یاد کند ؛ زیرا، هر کس برای چهل تن از شیعیان (مؤمنان) دعا کند ، دعای خودش نیز به خواست خداوند مستجاب خواهد شد . نیز، هر چه خواست پس از آن دعا کند .

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضر الفقیه» روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در قنوت نماز وترش این دعا را می خواند :

اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ فِيمَنْ هَدَيْتَ ، وَعَافِنِيْ فِيمَنْ عَافَيْتَ ، وَتَوَلَّنِيْ خَدَايَا؛ در بین کسانی که هدایت می فرمایی مرا نیز هدایت کن، و در بین عافیت یافتگان مرا نیز سلامتی و عافیت ببخش، و هر که را سرپرستی فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ ، وَبَارِكْ لِيْ فِيمَا اَعْطَيْتَ ، وَقِنِيْ شَرَّ مَا قَضَيْتَ ، می کنی

مرا نیز در زمره شان در آور؛ و هر چه به من عطا فرمودی بابرکت گردان، و هر قضایی مقرر فرمودی مرا از سرّ و بدی آن حفظ کن؛ فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يَفْضِي عَلَيْكَ ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْتَغْفِرُكَ زیرا تو حکم می کنی ولی کسی بر تو حکم نمی کند؛ منزّهی، ای پروردگار خانه کعبه؛ از تو بخشش می خواهم وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ، وَأُؤْمِنُ بِكَ ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ و به سویت بازگشت می کنم، و به تو ایمان می آورم، و بر تو توکل می کنم، و هیچ نیرو و جنبشی إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ .

جز از تو ، نیست ؛ ای مهربان .

سزاوار است در قنوت ، هفتاد مرتبه بگوید : «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي (وَأَتُوبُ إِلَيْهِ) ؛ «طلب بخشش از خدا (پروردگارم) می کنم، و به سویش بازگشت می نمایم» .

شایسته است انسان، در این هنگام دست چپ را بالا برده، و با دست راست تعداد استغفارهای خود (هفتاد مرتبه) را بشمارد، (۲) و مستحب است سیصد مرتبه بگوید : «الْعَفْوُ» .

هر کس چهار رکعت از نماز شب را پیش از اذان صبح خوانده باشد ، می تواند بقیه را پس از نماز صبح به نیت ادا بخواند . هر کس نمی تواند نماز شب را پس از نیمه شب بخواند ، جایز است که آن را پیش از نیمه شب بخواند .

زیارت عاشورا

زیارت عاشورا

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، أَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ ، أَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ ؛ سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ سلام بر تو ای پسر رسول خدا؛ أَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ، أَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ ؛ سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، و پسر سرور اوصیا ؛ سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ بَرْتُو ، اِي پسر حضرت فاطمه، سرور زنان جهانيان؛ سلام بر تو، اِي خُونِ اللّهِ وَابْنِ نَارِهِ ، وَالْوَيْتَرَ الْمُؤْتُوْرَ ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ خُدا، و پسر خُونِ خُدا ، و خُونِي كِه بِه نَاحِقِ رِيخْتِه شُدِه و تَا كُنُونِ اِنْتِقَامِشِ كِرْفْتِه نَشْدِه ، سَلَامُ بَرِ تُو و بَرِ رَوَانِ هَايِ پَاكِي اَلْتِي حَلَّتْ بِفِتَايِكِ ، عَلَيكُمْ مِنْي جَمِيعاً سَلَامُ اللّهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ كِه دَرِ اَسْتَانِ تُو اَرْمِيْدَنْدَ ؛ مَنْ ، بَرِ تَمَامِي شَمَا ، سَلَامِ الهِي رَا - تَا زَنْدِه اَم و وَيْتِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ . يَا اَبَا عَبْدِاللّهِ ، لَقَدْ عَظُمَتِ الزَّرِيَةُ ، وَجَلَّتْ تَا شَب و رُوْزِ باقِي اِسْت - نِنَارِ مِي كِنَم . اِي اَبَا عَبْدِاللّهِ ؛ بِه رَاسْتِي كِه سُوْگِ تُو بَسِيَارِ بَزْرَگِ بُوْدَ ، وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ ، وَجَلَّتْ و مُصِيبَتِ تُو بَرِ مَا و بَرِ تَمَامِ مُسْلِمَانَانِ بَسِيَارِ كِرَانِ و سَنَگِيْنِ و بَزْرَگِ اِسْت ؛ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ ، و مُصِيبَتِ تُو دَرِ اَسْمَانِ هَا بَرِ تَمَامِ اَهْلِ اَسْمَانِ هَا بَزْرَگِ و كِرَانِ اَمَد . فَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ اَسْسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ ، پَسِ خُدا لَعْنَتِ كِنْدِ مَرْدَمِي رَا كِه پَايِه سَتَمِ و جُوْرِ بَرِ شَمَا اَهْلِ بَيْتِ رَا بِنَا نِهَادَنْدَ؛ وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ دَفَعْتُكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ ، وَأَزَالَتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ اَلْتِي و خُدا لَعْنَتِ كِنْدِ مَرْدَمِي رَا كِه شَمَا رَا اَزِ جَايْگَاهِ تَانِ دُوْرِ كِرْدَنْدَ؛ و اَزِ مَرْتَبِهِ هَا و دَرَجَاتِي كِه رُتَبِكُمْ اللّهُ فِيهَا ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ قَتَلْتُكُمْ ، وَلَعَنَ اللّهُ اَلْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ خُداوَنْدَ ، شَمَا رَا دَرِ اَن

مرتبه ها قرار داده بود، راندند؛ و خداوند لعنت کند کسانی را که شما را کشتند؛ و خدا لعنت کند کسانی را که پالشمکین من قتالکم، برئتُ إلى الله وإليكم منهم ومن أشباعهم زمينه جنگ را برای دشمنان با قادر ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند؛ من به سوی خدا و شما از آنان، و از پیروان آن ها، و أتباعهم وأولياهم . يا أبا عبد الله ، إني سلم لمن سالمكم ، و دنباله روان آن ها، و دوستان و موالیان آن ها بیزاری می جویم . ای اباعبدالله؛ من، نسبت به کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛ و حزب لمن حازبكم إلى يوم القيامة ، ولعن الله آل زياد و با کسانی که به جنگ شما برخیزند ، سر جنگ دارم تا روز قیامت . و خدا لعنت کند آل زياد ، و آل مروان ، ولعن الله بنی أمية قاطبة ، ولعن الله ابن مَرْجَانَه ، و آل مروان را، و خدا لعنت کند تمام افراد خاندان بنی امیه را ، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را ، ولعن الله عمر بن سَعْدٍ ، ولعن الله شِجْرًا ، ولعن الله أُمَّه أَسْرَجَتْ و خدا لعنت کند عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر را ، و خدا لعنت کند مردمی را که اسب ها را زین کردند و أَلْجَمَتْ وَتَفَقَّيَتْ لِقِتَالِكْ ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي وَ لَجَامَ زَدْنَد ، و نقاب زدند برای جنگیدن با تو . پدر و مادرم فدایت ؛ به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است ؛ بِكَ ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ

وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يُزُقَنِي بِسِوَاكَ مِنْ خَدَاوَنَد ، كَه مَقَام وَ مَنزَلَت تُو رَا اِرْجَمَنَد سَاخَت ، وَ مَرَا نَبِز بَه وَاسَطَه تُو گَرَامِي دَاشَت؛ دَرخَوَاسَت مِي كَنَم كَه رَا طَلَبَ تَارِكِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ خُونِ خَوَاهِي تُو بَه هَمْرَاه اِمَامِ پيروزمندی از اهل بیت محمد - كَه دَرودِ خِدا بِرَاوِ وَ إِلِهِ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَ آلِ اَوْ بَاد - نَصِيبِم سَازِد . خِدايَا ؛ مَرَا نَزِدِ خَوَدَت بَه وَاسَطَه اِمَامِ حَسَنِ - كَه سَلَامِ بِرَاوِ بَاد - دَر الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللَّهِ وَ اِلَى رَسُوْلِهِ دُنْيَا وَ آخِرَت ، اَبْرَوْمَنَد قَرَارِ بَدَه . اِي اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ؛ مَن بَه دَرگَاهِ خِدا وَ رَسُوْلش وَ اِلَى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اِلَى فَاطِمَةَ وَ اِلَى الْحَسَنِ وَ اِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ ، وَ اَمِيْرِ مُؤْمِنَان ؛ وَ فَاطِمَه زَهْرَا ، وَ اِمَامِ حَسَنِ وَ تُو ، خَوَدِ رَا نَزْدِيكَ مِي سَازَمِ بَا دَوَسْتِي وَ مِوَالَاتِ تُو ، وَ بِاَلْبِرِّ اَتَهِ وَ مَن فَاَتَلَكَّ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ ، وَ بِاَلْبِرِّ اَتَهِ وَ مَن اَسَسَ وَ نَبِزِ بَا بِيْزَارِي اَز هَر كَسِي كَه اَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ ، وَ اَبْرُؤُ اِلَى اللَّهِ وَ اِلَى رَسُوْلِهِ مَعَنَ پَايَه سَتَمِ وَ جَوْرِ بَه شَمَا رَا بِنَا نَهَاد . وَ بَه خِدا وَ رَسُوْلشِ بِيْزَارِي خَوَدِ رَا اِعْلَامِ مِي دَارَمِ اَز كَسِي كَه اَسَسَ اَسَاسَ ذَلِكِ ، وَ بَنِي عَلَيْهِ بُيَاثَهُ ، وَ جَرِي فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ پَايَه اَيْنِ كَارِهَا رَا بِنَا نَهَاد ، وَ بِنِيَانِ خَوِيْشِ رَا بِرِ اَنِّ بِنَا نَهَاد ،

و ستم و جور خود را عَلَیْكُمْ وَعَلَىٰ أَشْيَاعِكُمْ . بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَیْكُمْ مِنْهُمْ ، وَأَتَقَرَّبُ بِرِشْمَا وَ شِیْعِیَانِ شِمَا رَوَا دَاسْت . بِه خِدا وَ نِیْز بِه شِمَا بِیْزَارِی خُود رَا از آنان اعلام می کنم . وَ إِلَی اللَّهِ تُمَّ إِلَیْكُمْ بِمُؤَالَیْكُمْ وَ مَوَالَیِّكُمْ ، وَ بِالْبِرِّ آتِهِ مِنْ بِه سَوی خِدا وَ نِیْز بِه سَوی شِمَا تَقَرَّبُ می جَویم ، با دوستی شِمَا وَ دوستی دَوستان شِمَا ، وَ نِیْز با بِیْزَارِی جِستَن از اَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِیْنَ لَكُمْ الخُزْبِ ، وَ بِالْبِرِّ آتِهِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ دِشْمَنان شِمَا وَ كِسانی که آتِش جِنگ رَا عَلِیه شِمَا بِرِیا كَرْدَنَد ، وَ نِیْز با اعلام بِیْزَارِی از پِروان شان وَ أَتْبَاعِهِمْ ، اِنِّی سَبَلَمُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ ، وَ خُزْبُ لِمَنْ حَازَبَكُمْ ، وَ وَلِیُّ وَ دِنباله رَوان آن ها . مَنْ با كِسانی که با شِمَا سَازش دارَنَد سَازش دارم ، وَ سِر جِنگ دارم با هر که با شِمَا سِر جِنگ دارد ، وَ دَوست لِمَنْ وَ الاكُم ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی اَكْرَمَنی هِستَم نِسبِت بِه كِسی که با شِمَا دوستی كَند ، وَ دِشْمَن هِستَم نِسبِت بِه كِسی که با شِمَا دِشْمَنی كَند ؛ بِدین سان ، از خِداوند بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ اَوْلِیَائِكُمْ ، وَ رَزَقَتِی الْبِرِّ آتِهِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ ، اَنْ - که با شِناخت شِمَا وَ اَولِیای شِمَا بِرِ مِنْ اِرج نِهادِ ، وَ بِیْزار بَودن از دِشْمَنان تان رَا نِصِیْم سَاخته اسْت - دِرخواست می كَند تا یَجْعَلَنی مَعَكُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ ، وَ اَنْ یُثَبِّتَ لى عِنْدَكُمْ قَدَمٌ دِر دِنیَا وَ اٰخِرَت ، مِرا با شِمَا قَرار دِهد ؛ وَ قَدَمِ رَاسْتی وَ دوستی نِزَد شِمَا رَا صِدْقٍ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ ، وَ اسْأَلُهُ اَنْ یُبَلِّغَنی الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ دِر دِنیَا وَ اٰخِرَت بِرِایم

ثابت و استوار گرداند . و نیز درخواست می کنم مرا به جایگاه پسندیده ای که لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ شَمَا نَزِدَ خِدا دَارِيدَ بَرَسَانِدَ ؛ و خون خواهی را همراه امام هدایت گری از شما که آشکار ناطقِ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ ، وَأَشْيَأُ اللَّهُ بِحَقُّكُمْ ، وَبِالْشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ و گوینده به حق است ، نصیبم سازد . و از خدا درخواست می کنم به خاطر حق شما و به منزلتی که در عِنْدَهُ ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ پيشگاه او داريد ، به واسطه اين كه مصيبتی كه به جهت شما به من رسیده ، پرازش ترين ثوابی را كه به مصيبت زدگان می دهد ، عطايم مُصِيبَةً مَا أَغْظَمَهَا وَأَغْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ كُنْدَ؛ مصيبتی كه چه بسيار بزرگ بود، و سوگی كه در اسلام و در تمام السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ آسْمَانُهَا وَزَمِينُ، گران تمام شده است. بارالها؛ در اين جایگاهی كه هستم، مرا از کسانی قرار ده مِنْكَ صِلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَعْفُورَةٌ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِيَايَ مَخِيَا مُحَمَّدٍ كِه درودها و رحمت و آمرزش تو، به ایشان می رسد. بارالها؛ زندگی و مرگ مرا همانند زندگی وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ . اَللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا وَ مَرَكِ مَحْتَرِدِ وَ آلِ مَحْتَرِدِ قَرَارِ بَدَه . بارالها ؛ امروز، روزی نِيَوْمَ تَبَرَكْتُ بِه بَنُو أُمَّيَّةَ ، وَابْنُ اِكَلِهِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ بِنُ اللَّعِينِ است كه بنی اُمَيَّه و پسر زن (جگر خواره آن را مبارك شمردند؛ همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده علی

لِسَانَكَ وَيُكَلِّمُكَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ بِرِزَانِ تُو وَ بِرِزَانِ پِيَامِبِرْتِ كِه دَرُودِ خِدا بِرِ اُو وَ آلِ اُو باد ؛ دَرِ هَرِ جَا كِه وَ مَوْقِفٍ وَ قَفَّ فِيهِ نَبِيِّكَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . اللَّهُمَّ الْعَنْ وَقُوفَ كَرْدِ وَ جَايِ كَرَفْتِ پِيَامِبِرِ تُو - دَرُودِ خِدا بِرِ اُو وَ آلِ اُو باد - . بارِ الهَا ؛ اَبَا سُرَيْيَانٍ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ ، عَلَيْهِمُ مِنَكَ اللَّعْنَةُ اَزِيدَ اَبُوسُفْيَانَ ، مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ رَا لَعْنَتِ كُنْ ؛ اَزِ سُوِيِ تُو لَعْنَتِ تَا اَبَدِ وَ الْاَبْدِيْنَ ، وَ هَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهٖ اَلْ زِيَادِ وَ اَلْ مَزَوَانَ بِقَتْلِهِمْ هَمِيْشِهٖ بِرِ اَنِّ هَا باد . وَ اَمْرُوزِ رُوزِيِ اسْتِ كِه آلِ زِيَادِ وَ آلِ مِرْوَانَ خُوشِحَالَ شُدَنَدِ كِه تُو اَنَسْتِهٖ اَنَدِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ حَسِيْنَ - كِه دَرُودِ هَايِ خِدا بِرِ اُو باد - رَا بِهٖ قَتْلِ بَرَسَانَسِدِ . خِدايَا ؛ بِهٖ اَيْنِ خَاطِرِ ، لَعْنَتِ وَالْعَذَابِ الْاَلِيْمِ . اللَّهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ ، وَ فِي وَ عَذَابِ دَرْدَنَاكَتِ رَا بِرِ اَيْشَانَ چِنْدِ بَرَا بِرِ كُنْ . بارِ الهَا ؛ بِهٖ رَا سْتِيِ كِه مَنِ دَرِ اَيْنِ رُوزِ (عَاشُورَا) ، وَ دَرِ مَوْقِفِيِ هَذَا وَ اَيَّامِ حَيَاتِيِ بِالْبِرِّ اَتَهٗ مِنْهُمْ ، وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ ، اَيْنِ جَايِگَا هٗ ، وَ دَرِ تَمَامِ رُوزِ هَايِ زِنْدِگَانِيْمِ ، بِاِ بِيْزَارِيِ جَسْتَنِ اَزِ اَيْنِ دِشْمَنَانَ ، وَ لَعْنَتِ فَرَسْتَادَنِ بِرِ اَيْشَانَ ؛ وَ بِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ ، عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

وَ بِاِ دُوسْتِيِ وَ مُؤَالَاتِ پِيَامِبِرْتِ وَ آلِ پِيَامِبِرْتِ - كِه بِرِ اُو وَ بِرِ اَيْشَانَ دَرُودِ باد - ؛ بِهٖ تُو تَقَرَّبِ مِيِ جُويْمِ وَ بِهٖ دَرِگَاهْتِ زَرْدِيْكَ مِيِ شُومِ .

سِپِسِ صَدِ مَرْتَبِهٖ بَكُوِيْدِ : اللَّهُمَّ

الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ بَارِئِهَا؛ أَوْلِينَ كَسَى رَا كَه دَر حَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سَتَم رَوَا دَاشْت، مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ. اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعَصَابَةَ الَّتِي وَآخِرِينَ فَرْدِي كَه دَر اَيْنِ سَتَمِ از او پيروی كرد، لعنت كن؛ خدايا؛ جماعتی را كه به جاهلَدَتِ الْحُسَيْنِ، وَشَايِعَتِ وَبَايَعَتِ وَتَابَعَتِ عَلَيَّ قَتْلِهِ. اللَّهُمَّ نَبِرْدِ بَا حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ پَرِداخْت، وَگروهی كه دَر كَشْتَنِ آن حَضْرَتِ از آنانِ پيروی، بيعت و دنباله روی كردند، لعنت كن؛ خدايا؛ الْعُنُومُ جَمِيعاً.

همه آن ها را لعنت كن .

سپس صد مرتبه بگوئيد: السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا أَبَا عَزِيدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ سَلَامٌ بَرِ تَوَايِ اِبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ وَبَرِ جَانِهَا وَرَوَانِهَايِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيَّكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَيَّدَا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ كَه دَر آسْتَانَتِ آرَمِيدَنَد، سَلَامٌ هَمِيشْگِي خُداوندِ از من بَرِ تَوَايِ تا هنگامي كه من هَسْتَمِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ وَشَبِّ وَرُوزِ باقِيِ اسْت. خُدا اَيْنِ زِيَارَتِ رَا آخِرِينَ زِيَارَتَمِ از شما قَرَارِ نَدَهْد؛ سَلَامٌ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَعَلَيَّ بَنِ الْحُسَيْنِ وَرِ عُلَى بَنِ الْحُسَيْنِ وَبَرِ فَرَزَنْدَانِ حَسِينِ، وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

و بر ياران حسين .

آن گاه بگوئيد: اللَّهُمَّ حُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّغْنِ مِنِّي، وَآيَّدَا بِهِ بَارِئِهَا؛ أَوْلِينَ ظَالِمٍ وَسَتْمَكَارِ رَا بَه لَعْنَتِ مِنْ گَرَفْتَارِ كُن؛ وَاَيْنِ لَعْنَتِ رَا اِبْتِدَا بَرِ أَوْلَا تُمْ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ وَالرَّابِعِ. اللَّهُمَّ الْعَنِ يَزِيدَ خَامِساً، أَوْلَى، سَبَسِ دَوْمِي وَ سَوْمِي وَ

چهارمی بفرست . خدایا یزید را به عنوان پنجمین نفرشان لعنت کن، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِقْرَةَ وَعَبِيدَ اللَّهِ فَرَزَنْدَ زَيْدٍ، و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر، و آل ابی سقیانَ وَالْزَيْدِ وَالْأَمْرِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . و آل ابوسفیان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن . و در سجده بگوید: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ ، بار الها ؛ ستایش برای توست ، آن ستایشی که شکر گزاران بر مصیبت های شان نسبت به تو دارند ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ زَرِّيَّتِي . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ سَتَائِشِ بِرَأْسِ خَدَائِشِ بِرَأْسِ بَرَكَاتِكِ مِنْ . بار الها ؛ شفاعت امام حسین علیه السلام را یَوْمَ الْوُرُودِ، وَتَبِّئْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحَسَنِ وَأَصْحَابِ هِنَاكِ وَرُودِ بِصَحْنَةِ قِيَامَتِ نَصِييمِ كُنْ، و گام صادقانه را برای من با حسین علیه السلام و یارانش، در نزد خودت استوار کن؛ الْحُسَيْنِ ، الَّذِينَ بَدَّلُوا مُهَجَّهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۳) همان هایی که جان شان را به پای حسین - که درود بر او باد - ریختند . پس از زیارت دو رکعت نماز بخوانید، و بعد از آن دعای علقمه را قرائت کنید .

۱ . البلد الأمين : ۳۸۲ ، مفاتیح الجنان : ۹۰۲ .

عَلَمَهُ امِينِي رَضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ مِي فَرَمَايد : عَلَمَهُ مَوْلَى شَرِيْفِ شِيْرَوَانِي دَر كِتَابِ «الصَّدْفِ ج ۲ ص ۱۹۹» اَز مَشَايِخِ وَ اَسَاتِيْدِ بَزْرْكَوَارِشِ يَكِي پَسِ اَز دِيْكَرِي تَا اَز اِمَامِ هَادِي عَلَيْهِ السَّلَامِ رَوَايَتِ كَرْدِه اَسْتِ كِه اَن حَضْرَتِ فَرَمُوْد :

هَر كَسِ زِيَارَتِ عَاشُورَا رَا بَخُوَانِدِ وَ بَعْدِ اَز

آن يك مرتبه بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ... تا به آخر ، و بعد از آن بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً ، و بعد از آن بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ ، وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ تا به آخر ، سپس بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً ، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اول تا آخر به طور کامل خوانده است . (أدب الزائر : ۶۰)

در معنای این عبارت چند احتمال وجود دارد که به دو تا از آن ها اشاره می کنیم :

الف) پس از آن که يك مرتبه لعن را كاملاً گفت ، يك مرتبه بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً ، و پس از آن ، تمام سلام را بخواند و يك مرتبه بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى ... تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً .

ب) پس از آن که يك مرتبه لعن را كاملاً گفت ، نود و نه مرتبه بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً و پس از آن که يك مرتبه سلام را به طور كامل گفت ، نود و نه مرتبه بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى ... اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ . احتمال اول ظاهرتر است و مانند آن در روايات وارد شده است ؛ نظير جريان حضرت نوح عليه السلام ، وقتی که آن حضرت قصد کرد سوار کشتی شود خداوند به او وحی کرد هزار مرتبه بگو : «لا إله إلا الله» و چون آن حضرت فرصت نداشت ، گفت : «لا إله إلا الله»

كُلَّ شَيْءٍ ، وَيَا بَارِيَّ التُّفُوسِ بَعِيدِ الْمَوْتِ ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ پَرَاكِنْدِ گِیِ هَا ؛ و ای که پس از مرگ ، روان ها را دوباره به وجود می آوری؛ ای کسی که هر روزی فی شَأْنِ ، یا قَاضِيِ الْحَاجَاتِ ، یا مُنْفَسِّ الْكُرْبَاتِ ، یا مُعْطِيِ در شَأْنِی هستی؛ ای برآورنده حاجت ها و خواسته ها؛ ای برطرف کننده گرفتاری ها و بلاها؛ ای عطا کننده ۱ . در جریان مرحوم سید رشتی نقل شده که وقتی به او فرمودند: زیارت عاشورا بخوان ، زیارت عاشورا و دعای علقمه را از حفظ خواند در حالی که قبلاً هیچ یک از آن دو در حافظه اش نبود و این نکته ای است لطیف که خواندن دعای علقمه نیز مورد توجه است .

السُّؤْلَاتِ ، یا وَلِيَّ الرُّغَبَاتِ ، یا كَافِيَّ الْمُهِمَّاتِ ، یا مَنْ يُكْفِي خَوَاسِطَ هَا ؛ ای عهده دار خواهش ها ؛ ای بسنده در امور مهم؛ ای کسی که مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۱ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ ۱ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . از هر چیزی کفایت کننده هستی، ولی هیچ چیز در آسمان ها و زمین از او کفایت نمی کند؛ أَشَأْلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِحَقِّ از تو می خواهم به حَقِّ مُحَمَّدٍ - که آخرین پیامبران است - ، و علی که امیر مؤمنان است، و به حَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ فَاطِمَةَ - دختر پیامبرت - ، و به حَقِّ حَسَنِ وَحُسَيْنِ ، که من همانا ، إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا ، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ ، وَبِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ ، وَبِحَقِّهِمْ در این جایگاهی که هستم تنها به واسطه آنها به تو روی آورم، و به واسطه

ایشان توسل و شفاعت به درگاهت می جویم؛ به حق ایشان اَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعِزُّمُ عَلَيْكَ ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، از تو درخواست می کنم و سوگندت می دهم؛ و به جایگاهی که آنان نزد تو دارند، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ، و به ارزشی که نزد تو دارند، و به واسطه آن چیزی که آنان را بر جهانیان برتری بخشیدی ، وَبِاشْرَافِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ حَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ ، و به واسطه نامت که نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها به ایشان اختصاص دادی و به هیچ یک از جهانیان ندادی ؛ وَبِهِ أَبْتَنُّهُمْ ، وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتَّى فَاقَ فَضْلَهُمْ و به واسطه آن نام، ایشان را جدا کردی و فضل شان را نیز از فضل و ارزش دیگران جدا نمودی و در نهایت فضیلت آنان فَضْلَ الْعَالَمِينَ جمعاً . اَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارزشت تمام جهانیان برتری یافت؛) به واسطه همه این ها(از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد ، وَأَنْ تُكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي ، وَتُكْفِيَنِي الْمُهَمَّ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بِيُوسْتَه نثار کنی؛ و غم و اندوه و گرفتاری مرا برطرف کنی؛ و در امور مهم من اُمُورِي ، وَتَقْضِيَّ عَنِّي دَيْنِي ، وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ ، وَتُجِيرَنِي مَرَا كِفَايَتِ كُنِي ؛ و بدهکاریم را از طرف من برداری ، و از فقر و ناداری ، و از تنگدستی رهاییم بخشی ، مِنْ الْفَاقَةِ ، وَتُعِينَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ ، وَتُكْفِيَنِي هَمَّ و مرا از درخواست کردن از مخلوقات بی نیاز کنی ،

و کفایتیم کنی از هم منْ أَخَافُ هَمَّهُ ، وَعُشِيرَ مِنْ أَخَافُ عَشِيرَهُ ، وَحُزُونََهُ مِنْ أَخَافُ وَ غَمِّ هَر كَه از هَمِّ وَ غَمِّ او می ترسم ؛ وَ از سَخْتِي هَر كَه از سَخْتِي او می ترسم، وَ اَنَدُوهُ هَر كَه از اَنَدُوهُ او می ترسم، حُزُونَتَهُ ، وَشَرَّ مِنْ أَخَافُ شَرَّهُ ، وَمَكْرَ مِنْ أَخَافُ مَكْرَهُ ، وَتَغْيَ وَ از شَرِّ هَر كَه از شَرِّ او می ترسم، وَ از نِيرِنِگِ هَر كَه از نِيرِنِگِ او می ترسم، وَ از سَتَمِّ مِنْ أَخَافُ نَبَغِيهِ ، وَجَوْرَ مِنْ أَخَافُ جَوْرَهُ ، وَسُلْطَانَ مِنْ أَخَافُ هَر كَه از سَتَمِّ او می ترسم، وَ از جَوْرِ هَر كَه از جَوْرِ او می ترسم، وَ از سَلْطَنَتِ وَ چِيرِگِي هَر كَه از سَلْطَانَتِهِ ، وَكَيْدَ مِنْ أَخَافُ كَيْدَهُ ، وَمَقْدَرَةَ مِنْ أَخَافُ مَقْدَرَتَهُ چِيرِگِي او می ترسم، وَ از دَامِ گَسْتَرِي هَر كَه از كَيْدِ او می ترسم، وَ از قَدْرَتِ مَنَدِي هَر كَه از تَوَانْمَنَدِي او بَر خُودَمِ می ترسم ، عَلَيَّ ، وَتَرَدَّدَ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدِ ، وَمَكْرَ الْمَكْرِ . اَللّٰهُمَّ مِنْ اَرَادَنِي وَ تَوَطَّنَهُ وَ مَكْرَ وَ حِيلَةَ مَكَارِنَ وَ حِيلَةَ گِرَانَ رَا نِيْزَ از مَن دُورِ كُنْ . بَارِ الْهَآ ؛ هَر كَسِ اِرَادَهُ بَدِّ بَرَايِمِ دَارِدْ ، فَهَارِدُهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فَكَادُهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبِأَسْئَةِ تُو دَر مَوْرَدِ او اِرَادَهُ فَرْمَا ، وَ هَر كَه دَامِ وَ تَوَطَّنَهُ اِي بَرَايِمِ دَارِدْ ، هِمَانَ رَا بَه خُودَشِ بَرگَرْدَانِ، وَ حِيلَةَ وَ نِيرِنِگِ وَ بَدِي وَ اَمَانِيَّتِهِ ، وَ اَمْتِنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَ اَنِّي شِئْتُ . اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ وَ دَامِ هَايِشِ رَا از مَن بَرگَرْدَانِ؛ وَ هَر گُونَهِ مِي خُوَاهِي وَ هَر زَمَانِ مِي خُوَاهِي او رَا از مَن

باز دار. بار الها؛ او را مشغول کن عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجِيزُهُ، وَبِإِلَاقٍ لَا تَشْتُرُهُ، وَبِفَاقِهِ لَا تَسْرِدُهَا، وَبِسِرِّمَ بِفَقْرِي جَبْرَانِ نَاشِدِنِي، وَبِلَايِي أَشْكَارٍ وَبِنَهَانِ نَشِدِنِي، وَبِه تَنگدستی و نیازی که چاره ندارد، و بیماری لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٌّ لَا تُعْرِضُهُ، وَبِمَسِيحِكُنِي لَا تَجِيزُهُ. اَللّهُمَّ اضْرِبْ بِالذَّلِّ كَه عَافِيَةٍ وَبِهِودِي نَدَارِد، وَخَوَارِي كَه عَزَّتِي بِرَافِش نَافِشِد، وَبِدَبْحَتِي جَبْرَانِ نَافِذِر. خدایا؛ ذَلَّتْ وَخَوَارِي رَا هَمَوَارِه نَضَبَ عَيْنِيهِ، وَأَذْخِلْ عَلَيهِ الْفَقْرَ فِي مَنَزِلِهِ، وَالْعِلْمَ وَالسُّقْمَ فِي نَصَبِ الْعَيْنِ أَوْ فِي مَقَابِلِ چشمتش قرار بده، و فقر و نیازمندی را وارد منزلش کن، و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن؛ بَدَنِيهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْتَبِيهِ ذِكْرِي تَا از یاد من بیرون رود با مشغله هایی که رهایی از آن وجود نداشته باشد؛ و بادم را از یادش ببر، كَمَا أَنْتَبِيَّتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسِرِّمِعِهِ وَبَصِيرِهِ وَبِلِسَانِهِ وَبِيَدِهِ هَمَانِ كَوْنَهُ كَه يَادَتِ رَا از یادش برده ای؛ و چشم و گوش و زبان و دست و وَرَجْلِيهِ وَقَلْبِيهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَذْخِلْ عَلَيهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكْ بِأَوْ قَلْبٍ وَتَمَامِ اَعْضَائِهِ رَا مَانَعِ شُو تَا بِه مَن آسِيبِي نَرَسَانِد، وَتَمَامِ اَنْ اَعْضَائِهِ رَا نِزِ السُّقْمِ، وَلَا تَنْسِفُهُ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكْ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِه عَنِّي وَعَنْ بِيْمَارِ كُن وَشَفَائِهِ مَدَه، تَا بِبُوسْتَه مَشْغُولِ بِيْمَارِيَشِ بَافِشِد وَبِه فِكْرِ آزارِ ذِكْرِي، وَكَافِنِي يَا كَافِيَتِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا وَازِ مَن وَ يَادِ مَن غَافِلِ گَرَدَد. و مرا کفایت کن؛ آنچه را که غیر تو

ای خدا؛ ای خدا؛ به حقّ محمد و آل محمدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تُكْشِفَ عَنِّی مُحَمَّد ، بر محمد و آل محمد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می خواهم در غَمِّی وَهَمِّی وَكَرْبِی فی مقامی
هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ هَمِّنَ جَا كَه هَسْتَم بِرَطْفِ سَازِی غَمِّ وَ هَمِّ وَ گِرْفَتَارِی ام را همان گونه که از پیامبر عزیزت، گرفتاری، و غَمُّهُ وَ كَرْبُهُ ، وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ ، فَ اكْشِفْ عَنِّی كَمَا كَشَفْتَ اَنْدَوَه،
مصیبت، بلا و ترس از دشمنش را برطرف کردی و برایش بسنده بودی ، از من برطرف کن اندوهم را همان گونه که از ساحتِ عَنُّهُ ، وَ فَرَّجَ عَنِّی كَمَا فَرَّجْتَ عَنُّهُ ، وَ اكْفَيْتَنِی كَمَا كَفَيْتَهُ ، وَ اصْرِفْ مَقْدَسِ او
برطرف کردی، و برایم گشایشی عنایت فرما همان گونه که برای آن حضرت گشایش مرحمت کردی، و کفایت کن مرا عَنِّی هَوْلَ مَا اَخَافُ هَوْلَهُ ، وَ مَوْوَنَهُ مَا اَخَافُ مَوْوَنَتَهُ ، وَ هَمِّ مَا هَمَّانَ كَوْنَهُ كَه او را
کفایت نمودی، از من بگردان ترس آنچه را که از آن بیمناکم ، و زحمت آنچه را که از زحمت آن ترسناکم، و اندوه آنچه را که از زحمت آن ترسناکم، و اَنْدَوَه اَخَافُ هَمَّهُ بِلا مَوْوَنِهِ عَلَی نَفْسِی مِنْ ذَلِكْ ، وَ اصْرِفْنِی بِقَضَا اَنْجَه رَا كَه از اندوهش
هراسناکم بدون زحمتی که از آن ناحیه بر من وارد شود . و مرا حاجت روا بگردان؛ خَوَانِجِی ، وَ كَفَايَه مَا اَهْمَنِي هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ اجْرَتِي وَ دُنْيَايَ . و امور مهم دنیا و آخرت را کفایت کن و مرا بگردان . یا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، عَلَيكُمَا مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا ای امیر مؤمنان ؛ و ای ابا

عبدالله؛ سلام الهی را پیوسته، ما بقیة و بقیة اللیل والنهار، ولا جعله الله اخر العهد من تا من هستم و تا شب و روز هست نثار شما دو بزرگوار می نمایم؛ خدا این زیارت را آخرین دیدار و زیارتی که، ولا فرق الله بینه و بینکمما . اللهم اخینی حیوة محمد زیارتم از شما عزیزان قرار ندهد؛ و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد. بار الها؛ مرا زنده بدار آن گونه که حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم و ذریه، و ائمتی مما تم، و توفی علی ملبهم، و احسنی فی و فرزندانش را زندگی بخشیدی؛ و مانند مردن ایشان بمیران، و بر ملت و دین آنان قبض روح کن؛ و در زمرتیم، و لا تفرق بینی و بینهم طرفة عین اریدا فی الدنيا زمره شان محشور کن؛ و به قدر حتی یک چشم بر هم زدن بین من و ایشان در دنیا و الآخرة . یا امیر المؤمنین و یا ابا عبد الله، ائتیکما زائراً و آخرت جدایی میفکن . ای امیر مؤمنان و ای ابا عبدالله الحسین؛ من، به عنوان یک زائر شما، و متوسلاً إلى الله ربی و ربکمما، و متوجهاً إلیه بکمما، و مستشفعاً و توسل جوینده به خدا به واسطه شما دو نفر، و روی آورنده به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، و شفاعت طلب بکمما إلى الله تعالی فی حاجتی هذه، فاشفعالی، فإن لکم عندی به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، در مورد این خواسته ام؛ خدمت تان شرفیاب شده ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید؛ الله المقام المحمود، و الجاه الوجیه، و المنزل الرفیع و الوسیلة، زیرا شما دارای مقامی ستوده شده،

آبرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطه نزد خدا هستید؛ اِنِّیْ اُنْقَلِبُ عَنْکُمْ مُنْتَظِرًا لِتَنْجِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاجِهَا مِنْ اَنْ اَزْ خِدْمَتِ تَانَ مَرْخَصِ مِیْ شَوْمِ وِلیِ اَنْتَظَارِ مِیْ کِشْمِ کِهْ خَوَاسْتِهْ اَمْ رَا حْتَمِیْ، بَرَأَوْرْدِهْ وَ کَامِیَابِ، اَللّٰهُ بِشَفَاعَتِکُمْ لِیْ اِلٰی اَللّٰهِ فِیْ ذٰلِکَ، فَلَا اُخِیْبُ وَلَا یُکُوْنُ مُنْقَلَبِیْ بِاِشْفَاعَتِ شَمَا نَزْدِ خُدَا، دَرِیَافَتِ کَنْمِ . خُدَا کَنْد، مَن سَر خورده و ناکام نشوم، و بازگشتم مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ یُکُوْنُ مُنْقَلَبِیْ مُنْقَلَبًا رَاجِعًا رَاجِعًا مُفْلِحًا بِاِسْرَ خورْدِ گِیْ وَ زِیَانِ هَمْرَاهِ نَبَاشْد؛ بَلْکِهْ بازگشتی کام یابانه، امید بخش، رستگار مُنْجِحًا مُشْتَجِبًا بِقَضَاءِ جَمِیْعِ خَوَائِجِیْ، وَتَشَفُّعًا لِیْ اِلٰی اَللّٰهِ . و پیروزمندانه از برآورده شدن تمام حاجت هایم باشد؛ و - از شما دو نفر می خواهم - برایم نزد خدا شفاعت ویژه ای انجام دهید . اِنْقَلَبْتُ عَلٰی مَا شَاءَ اَللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، مُفَوَّضًا اَثْرٰی بِاِعْتِقَادِ وَ تَمَسِّکِ بِهْ اِیْنِ کِهْ تَنْهَا خَوَاسْتِ خُدَاوَنْد اَنْجَامِ مِیْ شَوْد، وَ نِیْزِ هِیْجِ نِیْرُوْ وَ جَنْبِشِیْ جِزْ اَزْ نَاحِیَهْ خُدَاوَنْد وَجُوْدِ نَدَارْد، رَهْسِیَارِ اِلٰی اَللّٰهِ ، مُلْجًا طَهْرٰی اِلٰی اَللّٰهِ ، مُتَوَكِّلًا عَلٰی اَللّٰهِ ، وَ اَقُوْلُ حَسْبِیْ مِیْ شَوْم؛ اَلْبِتَّهْ، اَمُوْرْمِ رَا بِهْ خُدَایِ وَ اَکْدَارِ مِیْ کَنْمِ، وَ تَکِیَهْ بَرِ لَطْفِ اوْ مِیْ دَهْمِ، وَ تَوَكَّلْ بَرِ اوْ مِیْ کَنْمِ وَ مِیْ گُویم: اَللّٰهُ وَ کَفٰی ، سَمِیْعُ اَللّٰهِ لَیْسَ دَعٰی ، لَیْسَ لِیْ وَرَآءَ اَللّٰهِ وَ وِرَآءَکُمْ یَا خُدَا بَرَايْمِ بَسْ وَ کَافِیْ اَسْت؛ خُدَا، دَعَایِ هَمْمِهْ دَعَاکَنْدِگَانِ رَا مِیْ شَنُوْد؛ بَرَایِ مَن جِزْ خُدَا وَ شَمَا - اِیْ سَادَتِیْ مُنْتَهٰی، مَا شَاءَ رَبِّیْ کَانَ، وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یُکُنْ، وَ لَا حَوْلَ بَزْرَگَانِ مَن - دَرِگَاهِیْ نِیْسْت؛ هَرْ چِهْ پَرُوْرْدِ گَارْمِ بَخَوَافِدِ هَمَانِ

می شود، و هر چه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی شود؛ و هیچ نیرو و قوه ای بالله، اَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ، وَلَا جَعَلَ اللَّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَجَنبِشِي جَزَازِ نَاحِيَةِ خَدَاوَنَد، نیست؛ با شما دو عزیزم خداحافظی می کنم؛ خدا نکند این آخرین ایلیکم. اِنْصَيْرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا دِيدَارْمَانَ بَاشِد. اِي امير مؤمنان، آقاي من، مولاي من؛ و نیز، تو ای ابا عبد الله یا سَيِّدِي، وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلُ مَا اَنْصَلَ اللَّيْلُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اِي آقاي من؛ در حالی از خدمت تان رهسپار وطن می شوم که سلام من بر شما همانند اتصال شب و النهار، واصل ذلك ايليكم، غَيْرُ مَخْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلَامِي اِنْ و رُوز، پيوسته و متصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به شما باز نماند و پنهان نشود (ان شاء الله، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. شاء الله). و نیز، به واسطه حق شما از خدا می خواهم که این را بخواهد و انجام دهد؛ زیرا خداوند ستوده شده و شکوهمند است. اِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ، شَاكِرًا رَاجِعًا لِلْبِجَابِيَةِ، آفَايَانِ و سِرُورَانِ مِنْ؛ در حالی از خدمتتان رهسپار و مرخص می شوم که توبه کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت خداوند غَيْرِ اَيْسٍ وَلَا قَانِطٍ، اَيْبًا عَائِدًا رَاجِعًا اِلَى زِيَارَتِكُمَا، غَيْرِ هَسْتَمٍ، و مَأْيُوسٍ و نَا اَمِيدِ نَيْسْتَمٍ؛ در حالی که خدمتتان خواهم آمد و دوباره زیارتتان خواهم کرد، و از شما رو نخواهم گرداند، رَاغِبٍ عَنْكُمَا، وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ اِنْ شَاءَ

اللَّهُ ، وَلَا- و نسبت به زیارت شما نیز بی میل نخواهم شد؛ بلکه، اگر خدا بخواهد دوباره بازگشت خواهم کرد؛ البتّه می دانم حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . یا سادتی زَغَبْتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا که هیچ نیرو و جنبشی، جز از ناحیه خداوند نیست. ای سروران من؛ به شما و زیارت تان مشتاق هستم و روی آورم، بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فِيكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلُ الدُّنْيَا ، فَلَا خَيْبَتِي بِأَنَّ كَمَا دُنْيَا پَرِسْتَانِ از شما و زیارت تان رو گردانده اند؛ خداوند نسبت به آنچه اللَّهُ مَا رَجَوْتُ ، وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا ، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ . (۵) امیدوارم مرا محروم نگرداند و آنچه را در زیارت شما آرزو دارم ناکام نسازد ؛ در واقع، خداوند نزدیک و پاسخ دهنده است . ستایش امام علیه السلام از زیارت جامعه

ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه کبیره

مجلسی اوّل قدس سره ، در مورد زیارت جامعه کبیره می گوید : این زیارت ، زیارتی کامل برای تمام امامان در حرم هر یک از ایشان است؛ هر گاه قصد زیارت داشته باشی ، به نیت امامی که به زیارتش رفتی و نیز امامان دیگری که در دور و نزدیک هستند ، می توانی همگی را زیارت کنی . و اگر در هر زیارت ، یکی از امامان علیهم السلام را قصد کنی و بقیّه را بالتبع قرار دهی بهتر است ؛ همان طور که من نیز این گونه نیت می کنم .

در رؤیایی صادق ، امام رضاعلیه السلام را زیارت کردم که این کار را تأیید و آن را نیکو شمرد . زمانی که به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدم و در اطراف آن روضه مقدّسه شروع به مبارزه با نفس کردم

، و به برکت آن امام عزیز، خداوند باب مکاشفه را بر من گشود؛ مکاشفاتی که عقل های ضعیف، تحمل شنیدنش را ندارند.

در آن عالم مکاشفه - و اگر می خواهی بگو بین خواب و بیداری - در حالی که در رواق عمران نشسته بودم دیدم که در سماء هستم، زیارتگاه آن دو امام علیهما السلام را دیدم که در نهایت ارتفاع و آراستگی است و بر مرقد پاک آن دو بزرگوار پوشش سبز رنگی دیدم که از لباس های بهشتیان بود و در دنیا نظیر آن را ندیده بودم.

در این حال، مولای مان و مولای همه مردمان امام زمان صلوات الله علیه را دیدم که پشت به ضریح و رو به درب حرم نشسته است. با دیدن آن حضرت، شروع به خواندن زیارت جامعه با صدای بلند مثل مداحان نمودم؛ پس از پایان زیارت، آن حضرت فرمودند: زیارت خوبی است.

عرض کردم: مولای من؛ جانم به قربانت؛ زیارت جدّ بزرگوارتان است، یعنی زیارتی است که از ناحیه جدّ بزرگوارتان امام هادی علیه السلام به ما رسیده است، و به قبر آن حضرت اشاره کردم.

فرمود: آری؛ وارد شو. پس از ورود، نزدیک درب ایستادم؛ فرمود: پیش بیا.

عرض کردم: مولای من؛ می ترسم بی ادبی شود، و کفر ورزیده باشم.

فرمود: اگر این کار با اجازه ما باشد، اشکالی ندارد. کمی پیش رفتم، و ترسان و لرزان بودم. فرمود: بیا جلو؛ بیا جلو. و آن قدر پیش رفتم که نزدیک حضرتش قرار گرفتم.

فرمود: بنشین. عرض

کردم: مولای من؛ می ترسم .

فرمود: نترس . همانند غلام و نوکری که در پیشگاه مولای بزرگواری می نشیند ، نشستم .

فرمود : راحت باش ، و چهار زانو بنشین؛ تو خسته هستی؛ پیاده و پابرهنه آمده ای .

خلاصه آن بزرگوار نسبت به غلام شان الطاف بزرگ نمودند، و گفتگوهای ارزشمندی کردند که توصیف آن و بازگو کردنش ممکن نیست؛ و بیشترش را نیز از یاد برده ام. سپس از خواب بیدار شدم و در آن روز شریف، اسباب زیارت فراهم شد، با آن که مدت طولانی بود که راه بسته بود، و موانع بزرگی در این راه ایجاد شده بود؛ به لطف خداوند راه باز شد و آن موانع برطرف گردید ، و من توانستم - همان گونه که حضرت فرموده بودند - با پای پیاده و برهنه، به زیارت مشرف شوم .

شبی در حرم شریف ماندم، و بارها این زیارت را خواندم ، در آن شب در بین راه نیز در حرم مطهر ، کرامت هایی عجیب ؛ بلکه - بهتر بگویم - معجزه هایی شگفت انگیز برایم آشکار شد که بیانش طول می کشد .

زیارت جامعه کبیره

خلاصه شك ندارم که این زیارت ، از امام هادی علیه السلام رسیده و امام زمان ارواحنا فداه نیز آن را تأیید فرموده اند و بهترین و کامل ترین زیارت هاست ، و پس از خوابی که دیدم ، بیشتر اوقات ، امامان علیهم السلام را با این زیارت یعنی زیارت جامعه زیارت می کنم . و در عتبات عالیات ، آن بزرگواران را زیارت نکردم مگر با این زیارت و به همین جهت شرح و توضیح اکثر زیارت ها را به تأخیر انداختم تا به شرح این زیارت شریف بپردازم . (۶)

زیارت جامعه

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضره الفقیه»، و «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، از موسی بن عبدالله نخعی روایت می کند که گفت: به امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ کلامی بلیغ و رسا به من بیاموز تا هنگام زیارت هر یک از شما عزیزان، بتوانم با آن، شما را زیارت کنم. حضرت فرمودند:

هنگامی که به درب حرم مطهر رسیدی بایست و بر یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم گواهی بده؛ یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهْمِ جِزِ خَدَا، مَعْبُودِي نِيَسْتِ؛ يِگَانَه اسْتِ؛ شَرِيكَ نَدَارْدِ؛ وَ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه حَضْرَتِ مَحْتَبِدِ صَيَلِي اللّٰهُ عَلَيِّهِ وَ اِلٰهٍ عِبَادُهُ وَرَسُوْلُهُ.

- که درود خدا پیوسته بر او و آل او باد - بنده و فرستاده الهی است.

و در حالی که غسل داری وقتی که وارد شدی و قبر شریف را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ سپس با آرامش و وقار در حالی که قدم هایت را نزدیک به هم برمی داری کمی راه برو. در این حال بیایست و سی مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو؛ سپس به قبر مطهر نزدیک شو و چهل بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» را تکرار کن. تا صد مرتبه تکبیر تمام شود. آن گاه بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ السَّلَامِ بِرِ شِمَاءِ اِي اَهْلِ بَيْتِ نَبُوْتِ؛ وَ مَحَلِّ قَرَارِ كَرَفْتِنِ رَسَالَتِ اِلٰهِي وَ رِفْتِ

و آمد الملائکة، ومهبط الوحي، ومعبد الرخمة، وخزان العلم، فرشتگان، و فرود آمدن وحی و سخن خداوند، و معدن و گنجینه رحمت خداوند، و خزینه داران دانش، و ممتهی الجلم، و اصول الکرم، و قاده المأم، و أولیاء النعم، و نهایت بردباری، و اساس و بنیان کرامت و بزرگواری، و پیشوایان ملت ها، و صاحب اختیاران همه نعمت ها، و عناصر الأبرار، و دعایم الأخیار، و ساسة العباد، و أركان و عنصرهای اصلی نیکوکاران، و پشتیبان های نیکوکاران، و مدبر امور بندگان و رکن های البلاد، و أبواب الایمان، و أمناء الرخمان، و سلاله النبیین، شهرها، و درگاه های ایمان، و امینان خدای رحمان، و فرزندان پیامبران، و صفوة المؤمنین، و عتره خیره رب العالمین، و رخمة الله و برگزیده پیامبران مرسل، و عترت بهترین برگزیده پروردگار هستی؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت و برکاته. السلام علی أئمة الهدی، و مصابیح الدجی، و أعلام و دایمی نثارتان باد. سلام بر امامان و پیشوایان هدایت، و چراغ های روشنی بخش در تاریکی ها، و پرچمداران تقی، و ذوی النهی، و اولی الجحی، و كهف الوری، و ورثه پرهیزکاری و تقوا، و صاحبان عقل و خرد، و دارندگان ذکاوت، و پناهگاه مردم، و وارثان الأنبیاء، و المثل الأعلى، و الدعوه الخشبی، و خدیج الله علی پیامبران الهی، و نمونه و الگوی والا و برتر، و دعوت نیکو، و حجت های پروردگار بر أهل الدنیا و الآخره و الی، و رخمة الله و برکاته. السلام مردم دنیا و آخرت و پشتیبان؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور

ثابت و دایمی نثاران باد . سلام علی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَهِ اللَّهِ ، وَمَعَادِنِ جَنَمِهِ اللَّهِ ، بر جایگاه های شناخت الهی؛ و منزلگاه های برکت خداوندی، و معدن های حکمت خدا، وَحَفَظِهِ سِرِّ اللَّهِ ، وَحَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ ، وَذُرِّيَّتِهِ وَنَهْجَانِ رَازِ خُداوند، و حاملان علوم و اسرار خداوند، و اوصیای پیامبر خداوند، و فرزندان رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . أَلَسَلَامُ فرستاده خداوند - که درود خدا بر او و آل او باد - و رحمت و برکات خداوندی نثارشان باد . سلام عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ ، وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ ، وَالْمُسْتَفْتِينَ بِرِ دَعْوَتِ كُنندگان به سوی خدا، و دلالت کنندگان بر آنچه مورد رضایت او است ؛ همان هایی که در اجرای دستور الهی پایدار و فی أَمْرِ اللَّهِ ، وَالتَّائِمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ پابرجایند، و محبت شان نسبت به خدا واقعی و کامل است، و اخلاص دارندگان در توحید و یکتائی خداوند هستند ، اللَّهُ ، وَالْمُطَهِّرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ ، الَّذِينَ وَ امر و نهی خداوند را آشکار می گردانند، و بنده های گرامی خداوند؛ همانان که لَا يَشِيقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند و خودشان به دستور او رفتار می کنند؛ و رحمت و برکات خداوند، نیز به طور دایم و ثابت نثارشان أَلَسَلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ ، باد . سلام بر پیشوایان دعوت کننده (به سوی حق) و رهبران هدایت گر و سروران سرپرست ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاهُ ، وَأَهْلَ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ

وَيَقِيَهُ اللَّهُ وَيَخَيَّرِيهِ ، و دفع کنندگان حمایت گر (دین) و اهل ذکر و فرمانداران و والیان (از جانب خدا) ، و باقی مانده و برگزیدگان الهی؛ وَجَزِيهِ وَعَيْبِهِ عِلْمِهِ ، وَحُجَّتِيهِ وَصِرَاطِيهِ ، وَتُورِهِ وَبُرْهَانِيهِ ، و حزب خدا، مخزن دانش او، حجت، راه، نور و برهان و دلیل روشن الهی؛ وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتَهُ . أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ وَرَحْمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِ اللَّهِ وَرَحْمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِ اللَّهِ وَرَحْمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِ اللَّهِ . گواهی می دهم جز خدا، کسی شایسته برای پرستش نیست؛ یکی است؛ شریک ندارد؛ لَهُ ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِيهِ ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولَا الْعِلْمِ مِنْ چنان که خودش نیز در مورد خودش گواهی داده است، و فرشتگان او و دانشمندان واقعی خَلْقِهِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ مِنْ آفریدگانش نیز بر این معنا گواه اند؛ جز او که عزت مندی حکیم است، خدایی نیست. گواهی می دهم محمد، بنده الْمُتَتَجِبُ ، وَرَسُولُهُ الْمُؤْتَمَنُ ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ ، انتخاب شده و فرستاده مورد رضایت الهی است؛ خدا، او را به هدایت و آیین حقیقی خود فرستاد، لِطَهْرَةِ عَلِيِّ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ . وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ تَأْتُوا بِرَأْسِ الْبُرْجَانِ ، وَتَأْتُوا بِرَأْسِ الْبُرْجَانِ ، وَتَأْتُوا بِرَأْسِ الْبُرْجَانِ ، گرچه مشرکان از این جریان ناخشنودند؛ نیز، گواهی می دهم که شما الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُّونَ ، الْمَغْضُومُونَ الْمَكْرُومُونَ ، الْمُقَرَّبُونَ بِشَوَابَانِ هِدَايَتِ الْغَرِّ ، هدایت شده، معصوم، ارجمند، از نظر رتبه و مقام نزدیک به خدا، الْمُتَّقُونَ ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ ، الْقَوَامُونَ بِرَهْزِ الْغَارِ ، رَاسْتِغُوْا ، برگزیده، مطیع اوامر الهی ، اجرا کننده واقعی دستور خدا و بیا دارنده بِأَمْرِهِ ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ

، أَلْفَايُزُونَ بِكَرَامَتِهِ ، إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ ، أَنْ ، وَعَمَلُ كُنُنْدَه بَه اِرَادَه اَلِهِي ، وَرَسْتِگَارَان بَه كِرَامَت اُو هَسْتِيد . خدَا شَمَا رَا اَز رُوي آگَاهِي وَاز تَصَاكُم لِعَيْنِي ، وَاخْتَارَكُم لِيَتَرَهُ ، وَاجْتَبَاكُمْ بِعُدْرَتِهِ ، وَأَعَزَّكُمْ بِرُكْرِيْدِ ، وَبِرَاي اَمُور پَنَهَانِي خُود پَسَنْدِيد ، وَبِرَاي رَازَهَاي نَهَانِي خُود اِخْتِيَار كَرْدَه ، شَمَا رَا بِا قَدْرَتَش اِنْتِخَاب كَرْد ، وَبِهْدَاةً ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِيهِ ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (، وَأَيَّدَكُمْ بِا هِدَايَتِ خُود شَمَا رَا عَزَّتْ مَنَد كَرْد ، وَدَلِيل رُوشَنَش رَا بَه شَمَا اِخْتِصَاص دَاَد ، وَبِرَاي رُوشَنِيَش بِرُكْرِيْدِ ، بِرُوحِيهِ ، وَرَضِيْتُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِيهِ ، وَحُجَّجًا عَلَي بَرِيْتِيهِ ، وَبَا رُوحِ خُود تَأْيِيد وَتَقْوِيَت كَرْد ، وَبَه عُنُوَان جَانَشِيْنَانَش دَر زَمِيْنَش پَسَنْدِيد ؛ وَأَنْصَارًا لِدِينِيهِ ، وَحَفَظَةً لِسِرِّيهِ ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِيهِ ، وَمُسْتَوْدَعًا نِيْز بَه عُنُوَان حِجَّتِ هَاي اُو بِر بِنْدِگَانَش ، بِارَان آيِيْنَش ، نِگَهْبَانَان رَازَش ، گَنْجِيْنَه دَارَان دَانَشَش ، مَحَلِّ وَدِيْعَه نَهَادِن لِحِكْمَتِيهِ ، وَتَرَاجِمَهُ لِرُوحِيهِ ، وَأَزْكَانًا لِتَوْحِيْدِيهِ ، وَشُهَدَاءَ عَلَي حِكْمَتَش ، بِيَان كُنُنْدَه وَحِيْش بِرَاي بِيَان مَقْصُودِ وَحِي ، پَايَه هَاي تَوْحِيْدَش ، گُوَاهَا ن بِر خَلْفِيهِ ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِيهِ ، وَأَدْلَاءَ عَلَي صِرَاطِيهِ . آفْرِيْدِ گَانَش ، نِشَانَه هَاي آشْكَار بِرَاي بِنْدِگَانَش ، مَحَلِّ نُوْرَا فِشَانِي دَر شَهْرَهَايَش ، وَرَاهِنَمَايَان بَه رَاهَش ؛ شَمَا رَا پَسَنْدِيد . عَصَمَكُم اَللَّهُ مِنَ الزَّلَّلِي ، وَآمَنَكُم مِنَ الْفِتْنِي ، وَطَهَّرَكُم مِّنْ خُدَا ، شَمَا رَا اَز لَغْرَش هَا حَفْظ كَرْد ، اَز فِتْنَه هَا اِيْمَن دَاشْت ، وَاز هَر گُونَه الدَّنْسِ ، وَأَذْهَبَ عَنْكُم الرِّجْسَ ، وَطَهَّرَكُم تَطْهِيرًا ، فَعَظَّمْتُمْ آلُودَگِي پَاكِ گَرْدَانِيْد ، وَهَر گُونَه پَلِيْدِي رَا اَز وَجُودِ شَمَا دُور گَرْدَانِيْد ، وَبَه خُوبِي پَاكِ وَبَاكِيْرَه

گردانید؛ لذا، شما جلالت، و اکبریت شانه، و مجدت کرمه، و ادمت ذکره، و وکدت جلالش را با عظمت، و شأنش را بزرگ داشتید و کرمش را ثنا گفتید، و یادش را همیشه ادامه دادید، و میثاقه، و احکمت عمق طاعتیه، و نصیحتم له فی السرّ و العلانیه، بیمانش را تأکید نمودید، و قرارداد فرمان برداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار به انجام نصیحت و خیرخواهی پرداختید، و دعوتتم اِلی سبیلہ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، و یدلتکم و با حکمت و پند نیکو به راه او دیگران را فرا خواندید، و از انفسیکم فی مراضایه . و صبرتکم علی ما اصابکم فی جنبه، جان و روان خویش در راه رضا و خشنودی او گذشتید . و بر مصایبی که در کنارش بر شما وارد شد شکیبا بودید، و اقمتم الصلاه، و اتیتتم الزکاه، و امرتکم بالمعروف، و نهیتکم عن و نماز را بر پا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف کرده و نهی از المنکر، و جاهدتکم فی الله حتی جهاده، حتی اعلتکم دعوتہ، منکر نمودید، و آن گونه که سزاوار بود در راه خدا جهاد کردید تا این که دعوت او را آشکار، و بیئتتم فرایضه، و اقمتم حدوده، و نشرتکم شرایع احکامیه، و فرایض او را بیان و حدودش را اقامه نمودید و دستورات احکامش را منتشر ساختید، و سننتم سننته، و صبرتکم فی ذلک منه اِلی الرضا، و سلمتکم له و روش او را سنت نهادید، و در این بین به سوی خشنودی او سیر کردید و به القضاء،

كِه فَقَدْ أُبْغِضَ اللَّهُ ، وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ ، اَنْتُمْ اِز شَمَا كِيْنِه دَاشْتِه بَاشِد بِه يَقيِن اِز خِدا كِيْنِه وِرزِيْدِه ، و هِر كِه بِه دَاْمِن شَمَا چِنِك زِدِه دِر وَاقِع بِه (الطَاف) خِدا چِنِك زِدِه اِسْت ، شَمَا الصِّرَاطُ
الْاَقْوَمُ ، وَشَهْدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ ، وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ ، هِمَان رَاه اِسْتَوَار وِ رَاسْت وِ گِوَاهَان دَنِيَاي گِذْرَا وِ فَنَابِذِيْر وِ شَفِيْعَان جِهَان هِمِيْشِگِي اَخْرَتِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْضُوْلَةُ ، وَالْاِيَةُ الْمَخْرُوْتُهُ ، وَالْاَمَانَةُ الْمَخْفُوْطَةُ ، و
رَحْمَت وِ مِهْر پِيوسْتِه وِ نِشَانِه ذَخِيْرِه شُدِه وِ اَمَانَتِ حَفِظ شُدِه وَالْبَابُ الْمُبْتَلِي بِه النَّاسُ . مَنْ اَتَيْكُمْ نَجِي ، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ وِ هِمَان دِر گَاهِي كِه مِرْدَم بَدَان اَز مِودِه مِي شِوْنِد ، هَسْتِيْد . هِر كِس نَزْد شَمَا اِيْد
رِهَابِي يَابِد ، و هِر كِس نِيَايِد هَلَك ، اِلَى اللّٰهِ تَدْعُوْنَ ، وَعَلَيْهِ تَدْلُوْنَ ، وَبِه تُؤْمِنُوْنَ ، وَكَلِه نَابُود مِي گِرْدِد ، شَمَا بِه سِوِي خِدا فِرَا مِي خِوَانِيْد وِ بَر او رَاهنَمَايِي مِي كِنِيْد وِ بِه او اِيْمَان دَارِيْد ، و تُسِيْلْمُوْنَ ، وَبِاَمْرِهِ
تَعْمَلُوْنَ ، و اِلَى سَبِيْلِه تُزِيْدُوْنَ ، وَبِقَوْلِيْ تَسْلِيْم او هَسْتِيْد وِ بِه دَسْتِوَر او عَمَل مِي نَمَايِيْد وِ بِه رَاه او ارشَاد مِي كِنِيْد وِ طَبِق فِرَمَايِش او تَحْكُمُوْنَ ، سِيْعِد مِّنْ وِالَاكُم ، وَهَلَك مِّنْ عَادَاكُم ، وَخَاب مِّنْ دَاوَرِي مِي
كِنِيْد . اَنْ كِه وِلَايَتِ شَمَا رَا پِذِيْرِفْت سَعَادَتَمِنْد گِرْدِيْد وِ اَنْ كِه بَا شَمَا دِشْمَنِي وِرزِيْدِ هِلَاك وِ نَابُود گِرْدِيْد ، و اَنْ كِه جِخْدَكُم ، وَضَلَّ مِّنْ فَاِرْقَكُم ، وَفَاَزَ مِّنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ ، وَآمِنَ مِّنْ مِّنْكَرِ شَمَا شُد نِوَمِيْد
گِشْت وِ اَنْ كِه اِز شَمَا جِدا شُد گِمْرَاه

گشت و آن که به شما چنگ زد رستگار شد ، و هر که به شما پناه آورد لَبِجاً إِلَيْكُمْ ، وَتَرَلِيمُ مَنْ صَدَقَكُمْ ، وَهُدًى مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ . مَنْ اِيْمَنَ شَد ، وَ هِر كِه شَمَا رَا تَصْدِيْق كِرْد سَالِم مَانِد وَ هِر كِه بِه شَمَا پِيوست وَ مِلَانِزِم كِرْدِيْد هِدَايْت يَافْت . هِر كَس اَتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوِيْهُ ، وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيْهُ ، وَ مَنْ اَز شَمَا پِيروي كِرْد بَهْشْت جَايگَاه اوست وَ هِر كَس بَا شَمَا مَخَالَفْت كِرْد دُوْخ مَنزَلگَاه اوست وَ هِر كَس جَحَدَكُمْ كَافِرٌ ، وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيكُمْ فِى اَسْرِمْلٍ مَنكَر شَمَا شَد كَافِر اوست وَ هِر كَس بَا شَمَا جَنگِيْد مَشْرِك اوست وَ هِر كَس حَكَم شَمَا رَا رَد كِرْد دَر پَايِيْن تَرِيْن دَرَكٍ مِّنَ الْجَحِيْمِ ، اَشْهَدُ اَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى ، وَ جَارٍ بَخْش دُوْخ جَاى دَارِد . كَوَاهِي مِي دَهْم كِه اِيْن مَقَامَات دَر كِذْشْتِه بَرَاى شَمَا بوْدِه وَ دَر اَيْنْدِه نِيْز دَر لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ ، وَ اَنَّ اَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِيْبَتَكُمْ وَ اِحْدَةَ ، طَابَتْ حَقَّ شَمَا جَارِي اوست ، وَ بَدُوْن تَرْدِيْد ارواح شَمَا وَ نُوْر شَمَا وَ سِرْشْت شَمَا يَكِي اوست ، پَاك اوست وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِّنْ بَعْضٍ . خَلَقَكُمْ اللّٰهُ اَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْزُشِيْه وَ بَرُخِي اَز بَرُخِي دِيْگَر بِه ارْث بَرْدِه . خَدَاوَنْد شَمَا رَا بِه عَنوَان نُوْرهَائِي اَفْرِيْد اَنگَاه شَمَا رَا كِرْدَا كِرْد عَرَش خُود قَرَار دَاد مُخْلِقيْنَ ، حَتَّى مَنَّا عَلَيْنَا بِكُمْ ، فَجَعَلَكُمْ فِى بُيُوْتٍ اَذِنَ اللّٰهُ اَنَّ تَا اِيْن كِه بِه سَبَبِ وَجُوْدِ شَمَا مَنَّت نِهَاد ، پَس شَمَا رَا دَر خَانِه هَائِي قَرَار دَاد كِه اَذِن دَاد تُرْفَع

وَيَذَكِّرُ فِيهَا أَسْمُهُ، وَجَعَلَ صِيَالَتَنَا (صِيَالَتَنَا) عَلَيْنَا، وَمَا بَلَدَ مَرْتَبَةَ غَشْتَهُ وَنَامَشَ فِيهَا بَرْدَهُ شَوْد، وَصَلَوَاتُ وَدُرُودُ مَا رَا بَرِ شَمَا وَآنِجَهَ حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، طَيِّبًا لِخَلْقِنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَرْكِيهَهُ
وِيْزَهَ مَا كَرْدَانِيْدَ اَزِ وِلَايَتِ شَمَا، بَاعَثَ پَاكِيْزَهَ بُوْدَنِ آفَرِيْنَشِ مَا وَ پَاكِ شَدَنِ جَانِ مَا وَ تَرْكِيهَ لَنَا، وَكَفَّارَةً لِذُنُوْبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِيْنَ بِفَضْلِيْكُمْ، وَمَعْرُوفِيْنَ مَا وَ كَفَّارَهَ گِناهاَنِ مَا، قَرَارِ دَادِ. پَسِ مَا دَرِ پِيْشِگَاهِ
اَوْ تَسْلِيْمِ بَرْتَرِيْ شَمَا بُوْدِيْمِ، وَ بَهِ بِتَّصَدِيْقِنَا اِيْباكُمْ. قَبْلَ عَالَمِ اللّٰهِ بِكُمْ اَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِيْنَ، وَأَعْلَى تَصَدِيْقِ شَمَا شَنَاخْتَهَ شَدِيْمِ. پَسِ خِداوَنَدِ شَمَا رَا بَهِ شَرِيْفِ تَرِيْنِ جَايِگَاهِ گِرَاْمِيْ شَدِگَانِ وَ بِالْأَتْرِيْنِ مَنَازِلِ
الْمُقَرَّبِيْنَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُؤَسَّلِيْنَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ مَنْزِلٌ هَا وَ مَرْتَبَةٌ هَايِ مَقْرَبَانِ وَ الْاَتْرِيْنِ دَرَجَهَ هَايِ پِيَامْبِرَانِ رَسَانِيْدِ، بَهِ گُوْنَهَ اِيْ كِهَ هِيْجِ مَلْحَقِ شُوْنَدَهَ اِيْ بَهِ اَنْ لَاحِقٌ، وَلَا يَنْفُوْهُ قَآئِقٌ، وَلَا يَنْسِيْبُهُ سَابِقٌ،
وَلَا يَطْمَعُ فِيْ اِدْرَاكِهِ نَمِيْ پِيُوْنَدَدِ وَ هِيْجِ بَرْتَرِيْ جَوِيْ بَهِ اَنْ فَاثِقِ نِيَايِدِ، وَ هِيْجِ پِيْشِيْ گِيْرِنَدَهَ اِيْ بَدَانِ پِيْشِيْ نَكِيْرِدِ وَ هِيْجِ طَمَعِ كِنْدَهَ اِيْ بَهِ دَرَكِ اَنْ طَاْمِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقْرَبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا
صِدِّيْقٌ طَمَعِ نُوْرَزِدِ، تَا اِيْنِ كِهَ هِيْجِ فَرِشْتَهَ مَقْرَبِ وَ نَهِ پِيَامْبِرِ مَرْسَلِ وَ نَهِ صَدِّيْقِ وَلَا شَهِيْدِ، وَلَا عَالِمِ وَلَا جَاهِلِ، وَلَا ذَنْبِيْ وَلَا فَاضِلِ، وَلَا وَ نَهِ شَهِيْدِ وَ نَهِ دَاْنَا وَ نَهِ نَاْدَاْنَا وَ نَهِ پَسْتِ وَ نَهِ شَرِيْفِ وَ نَهِ مُؤْمِنِ صَالِحِ
، وَلَا فَاجِرِ طَالِحِ، وَلَا جَبَّارِ عَنِيْدِ، وَلَا شَيْطَانِ مُؤْمِنِ شَايِسْتَهَ وَ نَهِ بَدِكاَرِ

ناشایسته و نه سرکش عناد پیشه و نه شیطان مرید، وَلَا خَلِقُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلالَهُ أَفَرِكُمْ، متمرد و نه آفریدگانی که در این میان گواهند، نیستند مگر آن که به آن ها شناسانده جلالت امر شما را وَعَظَمَ خَطَرَكُمْ، وَكَبَّرَ شَأْنَكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصَدَقَ وَعَظَمَتْ مَنزِلَتُكُمْ شَمَا رَا وَبِزَرِجِي شَأْنُكُمْ شَمَا رَا وَتَمَامِيَّتْ نُورِ شَمَا رَا وَدَرَسْتِي مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتِ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفِ مَحَلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَرَاسْتِي جَايْگَا شَمَا رَا وَبَايْرَجَا بُوْدن مَقَامِ شَمَا رَا وَشَرَاْفَتِ مَوْقِعِيَّتِ شَمَا رَا وَمَنزَلَتِ شَمَا رَا دَر بِيشْگَا شَمَا رَا وَكِرَامَتِكُمْ عَلَيِّهِ، وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ، وَفَرْبِ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ. بِأَبِي وَكَرَامَتِ شَمَا رَا بِيشِ او وَمَخْصُوصِ بُوْدن شَمَا رَا نَزْدِ او وَمَنزَلَتِ نَزْدِيكِ شَمَا رَا بِيه او. پدِرم، أَنْتُمْ وَأُمَّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهُ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مَادِرْم وَخَانُودَا ام وَدَارِيِي ام وَخَانُودَانِم فِدَايِ شَمَا بَا د، خُدا وَشَمَا رَا گِوا ه مِي گِيرِم كِه بِيه رَاسْتِي مَن مُؤْمِنٌ بِكُمْ، وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ يَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، بِيه شَمَا وَآنْجِه شَمَا اِيْمَانِ آوَرْدِي د، اِيْمَانِ دَارِم وَبِيه دِشْمَنِ شَمَا وَآنْجِه شَمَا بَدَانِ كَفَرِ وَرَزِيْدِي د كَفَرِ مِي وَرَزِم، مُشْتَبِيْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، وَبِضَلَالِهِ مَن خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ بِيه شَأْنِ شَمَا وَبِيه گِمراهِي مَخَالَفَانِ شَمَا بِصِيْرَتِ وَبِيْنِشِ دَارِم، دُوسْتِدارِ شَمَا وَالْأَوْلِيَاءِ نِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلْمٌ لِمَن سَالَمَكُمْ، وَدُوسْتَانِ شَمَا هِسْتِم، كِيْنِه دِشْمَانَتَانِ رَا بِيه دِلِ گِرْفْتِه وَبَا آنَانِ دِشْمِنِي

دارم ، با آن که با شما از در آشتی آید در صلح و آشتیم و خَوْبَ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، مُحَقَّقٌ لِمَا حَفَقْتُمْ ، مُبْطِلٌ لِمَا أُبْطِلْتُمْ ، و با آن که با شما در جنگ باشد در جنگم ، آنچه را شما اثبات کردید من ثابت می دانم ، و آنچه شما ابطال کردید باطل می دانم ، مُطِيعٌ لَكُمْ ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ ، مُؤَيِّدٌ بِفَضْلِكُمْ ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ ، پیرو شما هستم ، به حقّ شما عارفم و به فضل و برتری شما معترف هستم ، دانش شما را تحمل می کنم و پذیرا هستم ، مُخْتَجِبٌ بِذَمِّكُمْ ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ ، مُصَدِّقٌ وَ دَرِ پناه شما پنهان شده ام ، به شما معترف و به بازگشت شما مؤمن و بَرِّجِعْتِكُمْ . مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ ، اخذٌ بِقَوْلِكُمْ ، رجعت شما را تصدیق کننده ام . منتظر امر شما ، در انتظار دولت شما و گیرنده گفتار شما ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ ، زَائِرٌ لَكُمْ ، لَا يَذُ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ ، اجرا کننده فرمان شما هستم ، به شما پناهنده بوده ، زائر شما هستم ، به قبور شما پناه گرفته مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ ، وَمَتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَيْهِ ، وَمُقَدِّمُكُمْ تَوْسِطَ شَمَا بَه دَر گاه خدا شفاعت می طلبم ، و به وسیله شما به او تقرب می جویم ، و شما را پیشاپیش امام طَلِبْتِي وَخَوَاتِجِي ، وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَخْوَالِي وَأُمُورِي ، حَوَاجِمِمْ وَخَوَاسْتِه هَايِمِمْ دَر همه حالات و کارهایم قرار داده ام . مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ ، وَشَاهِدُكُمْ وَعَانِيَتِكُمْ ، وَأَوَّلِكُمْ مِنْ بَه نِهَانِ وَآشْكَارِ شَمَا ، شَاهِدِمْ وَغَايِبِ شَمَا

أَوَّلَ وَآخِرِكُمْ ، وَمُؤَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ ، وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ ، وَآخِرُ شِمَا إِيْمَانٍ دَارِمٌ ، وَهَمَّةٌ أُمُورِمٌ رَا بِهَ شِمَا وَآكَذَارِدِهَ أَمٌ ، وَبِهَ هَمْرَاهَ شِمَا دَرِ آنَ تَسْلِيمِ شِمَا هَسْتَمٌ ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ ، حَتَّى وَدَلْمٌ بَرَاىَ شِمَا تَسْلِيمِ وَبَذِيرَا ، وَرَأْيِمُ بِيرُو شِمَاسْتِ وَبَارِيْمُ بَرَاىَ شِمَا آمَادِهَ اسْتِ تَا يُحْيِي اللّهُ تَعَالَى دِيْنَهُ بِكُمْ ، وَيُرْدِكُمْ فِي أُنْيَامِهِ ، وَيُظْهِرَكُمْ أَنْكَاهَ كِهَ خِدَاوَنْدِ دِيْنِشَ رَا تَوْسَطِ شِمَا حَيَاتِ جَدِيدِي بِيخْشَدِ وَشِمَا رَا دَرِ دُورَانِ خُودِ بَازِ گَرْدَانْدِ ، وَشِمَا رَا لِعَدْلِيهِ ، وَيُتَمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِيهِ . فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ ، بَرَاىَ دَادِ گَرِيْشِ آشْكَارِ كَنْدِ وَدَرِ زَمِيْنِشِ قَدْرَتِ وَتَوَانْمَنْدِي دِهْدِ . پَسِ كَسِي كِهَ بَا شِمَا اسْتِ فَقَطْ بَا شِمَا اسْتِ ، نِهَ بَا غَيْرِ شِمَا ، اِمْنْتُ بِكُمْ ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهَ أَوْلَكُمْ ، وَبَرْتُّتُ إِلَيَّ بِهَ شِمَا إِيْمَانِ آوَرْدَمُ وَوَلَايَتِ وَسِرْبَرَسْتِي آخِرِيْنِ شِمَا رَا بَسَانِ نَخَسْتِيْنِ شِمَا قَبُولِ نَمُودَمُ ، وَبِيْزَارِي مِي جَوِيْمُ بِهَ سُوِي اللّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْيِدِ آيْكُمْ ، وَمِنْ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيْطَانِ خِدَاوَنْدِ مَتَعَالِ ازِ دَشْمَنْتَانِ وَازِ جَبْتِ وَطَاغُوتِ وَشَيْطَانِ هَا وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِيْنَ لَكُمْ ، الْجَاوِدِيْنَ لِحَقِّكُمْ ، وَالْمَارْفِيْنَ مِنْ وَحَزْبِ هَاىَ آنَا ؛ هَمَانِ هَايِي كِهَ بِهَ شِمَا سَتَمُ كَرْدِهَ ، حَقِّ شِمَا رَا مَنكَرُ شُدِهَ ، وَازِ وِلَايَتِكُمْ ، وَالْعَاصِيِيْنَ لِإِذْنِكُمْ ، الشَّاكِيْنَ فِيكُمْ ، الْمُتَحَرِّفِيْنَ وِلَايَتِ شِمَا خَارِجِ شُدَنْدِ ، وَارْثِ شِمَا رَا غَضَبِ نَمُودِهَ وَدَرْبَارِهَ شِمَا بِهَ تَرْدِيْدِ افْتَادِهَ وَازِ شِمَا مَنَحَرَفِ

شدند ، عَنْكُمْ ، وَمِنْ كُلِّ وِلَیْجِهِ دُونَكُمْ ، وَكُلِّ مُطَاعِ سِوَاكُمْ ، وَمِنْ الْأَنْبِیَّهِ وَازِهر تَكْبِیهِ گاه و دستاویزی كه غیر شما هستند و از هر اطاعت شونده از غیر شما و از پیشوایانی الذین یدْعُونَ إِلَى النَّارِ . فَكَيْتَبِي اللَّهُ أَيْدِئاً مَا حَيَّيْتُ عَلَى كِه به سوی آتش فرا می خوانند ، بیزارم . از این رو خداوند همواره مرا مادامی كه زنده هستم مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ ، وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ ، وَرَزَقَنِي بِرِوَلَايَتِ وَدوستی و دین شما استوار بدارد و مرا به فرمان بری از شما موفق گرداند ، وَشَفَاعَتِكُمْ ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مُوَالِيكُمْ ، أَلتَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ شفاعت شما را روزیم کند ، و مرا از بهترین دوستان شما قرار دهد ، همان هایی كه پیروی كردند از آنچه شما به سوی آن دعوت إِلَيْهِ ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ اثَارَكُمْ ، وَيَسْأَلُكُمْ سَبِيلَكُمْ ، وَيَهْتَدِي بِكُمْ ، وَرَأَى جَمَلَهُ كَسَانِي قَرَارِ دَعْدِ كِه بازگو كننده و در پی آثار شما هست و راه شما را می پیماید و به بهدیتِكُمْ ، وَيُحَسِّرُ فِي زُهْرَتِكُمْ ، وَيَكْرِزُ فِي رَجْعَتِكُمْ ، وَيُمْلِكُ هِدَايَتِ شَمَا هِدَايَتِ مِي گردد ، و در گروه شما محشور مِي گردد ، و دوران شما باز مِي گردد ، وَفِي دَوْلَتِكُمْ ، وَيُبَشِّرُ فِي عَافِيَتِكُمْ ، وَيُيَمِّكُنْ فِي أَيَّامِكُمْ ، وَتَقَرُّ دَرِ دَوْلَتِ شَمَا به حكومت مِي رسد ، و در زمان عافیت شما شریف گردند و در روزگار شما اقتدار یابند وَعَيْتُهُ غَدَاً بِرُؤْيَتِكُمْ . بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي ، فردای (رستاخیز) به دیدار شما چشمش روشن گردد . پدر و مادرم و جانم و خانواده ام و

دارایم فدای شما باد ، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنَّاكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ هَرَّ كَمَا خَدَا رَا ارَادَه كَرْد بَه شَمَا آغَاظ كَرْد وَ هَر كَه اُو رَا بَه بِيگَانِگِي شَنَاخْت از شَمَا پذيرفت وَ هَر كَه اُو رَا قَصْد كَرْد مَتَوَجَّه بِكُمْ . مَوَالِي لا اُخْصِي تَنَاكُمْ ، وَلَا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ ، شَمَا شَد . مَوَالِيَان مَن ؛ قَدْرَت شَمَارَش ثَنَاي شَمَا رَا نَدَارَم وَ بَا مَدْح شَمَا هَر كَرَّ بَه كُنَه وَ حَقِيقَت شَمَا رَاه پيدا نمي كنم ، وَمِنَ الوُضْفِ قَدْرُكُمْ ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ ، وَهُدَاهُ الْأَثَرَارِ ، وَ بَا تَوْصِيْفِ شَمَا هَر كَرَّ بَه قَدْر وَ مَتَزَلْت شَمَا نَمِي رَسْم ، وَ شَمَا نُورِ نِيكَان وَ هِدَايَتِ صَالِحَانِ وَ حُجَّجِ الْبَجَارِ ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ ، وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ وَ حِجَّتِ هَاي خُدَايِ جَبَّارِ هَسْتِيْد ، خُدَاوَنْد بَه وَسِيْلَه شَمَا (عَالَمِ هَسْتِي رَا) اَفْتَاخ وَ بَه تَوْسَطِ شَمَا پَايَان مِي دَهْد وَ بَه سَبَبِ شَمَا الْعَيْثُ ، وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ، بَارَان مِي فَرَسْتَد ، وَ بَه وَسِيْلَه شَمَا آسْمَانِ رَا نِگَاهِ دَاشْتَه تَا بَرِ زَمِيْن - جَزْ بَه فَرْمَانِش - نِيْفْتَد ، وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ ، وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ ، وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ ، وَ بَه وَسِيْلَه شَمَا غَضَه وَ اَنْدَوَه هَا كَشُوْدَه وَ زَايِلِ مِي كَرْدَد وَ بِيچارِگِي هَا بَرَطْرَفِ مِي شُوْد ، وَ اَنْجَه بَه پِيامْبَرَانِش فَرُو فَرَسْتَاَدَه وَ هَبَطْتُ بِه مَلَايَكُنْهُ ، وَ اِلَى جَدُّكُمْ - وَ اِكْرَ زِيَارَتِ اميرالمؤمنين عليه السلام باشد وَ فَرَشْتِگَانِ بَه اَنْ فَرُوْدِ اَمْدَه اَنْدَ نَزْدِ شَمَا سْتِ وَ بَه سَوِي جَدَّاتَانِ بَجَايِ وَ اِلَى جَدُّكُمْ بَگُو : وَ اِلَى

أَخِيكَ - بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ . اتَاكُمْ - و به برادرت - روح الأمين برانگیخته شده . اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ، طَاطًا كُلَّ شَرِيفٍ لِيَسْرِفَكُمْ ، خداوند به شما مقاماتی را داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است ، هر فرد شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده و بَخَعُ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِقَضَائِكُمْ ، وَذَلَّ كُلُّ وَهْرٍ سِرْكَشِيٍّ دَرِ بَرَابَرِ فَرْمَانِ شِمَا گِردَن نِهَادِه اِسْت ، و هر جبار و زورگویی در برابر فضل و برتری شما فروتن است ، و هر شیئی ۱ لَكُمْ ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ ، وَفَارَ الْفَأَيُّزُونَ بِبِلَايَتِكُمْ ، چیزی در برابر شما ذلیل و خوار است و زمین به نور وجود شما روشن گشته و رستگاران به ولایت شما رستگار و فایز گشته اند ، بِكُمْ يُشَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ غَضَبٌ بِتَوْسِطِ شِمَا بِه سَوِي رِضْوَانِ وَبِهْشْتِ الْهِي رِهَسپَارِ مِي گِردَنَد و کسی که منکر ولایت شماست خشم خدای الرَّحْمَانِ . بِبَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي ، ذِكْرُكُمْ فِي رَحْمَانٍ رَا فِرَاهِمِ نَمُودِه اِسْت . بِدِرْم ، مَادِرْم ، جَانِم ، خَانُودِه اِم و دَارَائِمِ فِدَائِ شِمَا بَاد ؛ يَادِ شِمَا دَرِ الدَّاكِرِينَ ، وَأَشِمَاؤُكُمْ فِي الْأَشِمَاءِ ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ ، يَادِ آوَرَانِ وَنَامِ هَايِ شِمَا دَرِ مِيَانِ نَامِ هَا وَجِسْدِهَايِ شِمَا دَرِ مِيَانِ اِجْسَادِ ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ ، وَآثَارُكُمْ فِي أَرْوَاحِ شِمَا دَرِ مِيَانِ اِرْوَاكِ وَجَانِ هَايِ شِمَا دَرِ مِيَانِ جَانِ هَا وَآثَارَتَانِ دَرِ مِيَانِ الْآثَارِ ، وَفُجُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ . فَمَا أَخَلَى أَسْمَانُكُمْ ، وَأَكْرَمَ آثَارُ وَ

بارگاه های شما در میان قیور . پس چه چیز نام های شما را شیرین و انفسکُم ، وَاَعْظَمَ شَانَكُمْ ، وَاَجَلَّ حَظْرَكُمْ ، وَاَوْفَى عَهْدَكُمْ ، جان شما را گرامی و شأن شما را با عظمت و مقام شما را بزرگ و شما را نسبت به عهد و پیمان با وفا و اصدق و عِدَّتْكُمْ . کَلَامُكُمْ نُورٌ ، وَاَمْرُكُمْ نُشْدٌ ، وَاَوْصِيَّتُكُمْ و در مورد وعده راستگو گردانیده است ؟ سخن شما نور و فرمان تان باعث رشد و کمال ، و سفارش شما التَّقْوَى ، وِفْعَلُكُمْ الْخَيْرُ ، وِعَادَتُكُمْ الْاِحْسَانُ ، وَاَوْصِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ ، پرهیزکاری و کردار شما خیر و خوبی و روش و عادت شما نیکویی ، و احسان و خوی و سرشت شما کرامت و بزرگواری ، و شَانُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرِّفْقُ ، وَاَقْوَلُكُمْ حُكْمٌ وَحِزْمٌ ، وَاَوْفَىكُمْ شَانٌ شَمَا حَقٌّ و راستی و مدارا کردن است ، و سخن شما حکم حتمی و لازم الاجرا است ، و رأی و ایده شما علم و حِلْمٌ وَحَزْمٌ ، اِنْ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ ، وَاَوْفَىكُمْ دَانِش و بردباری و استوار کردن امور است ، اگر یادی از خیر شود شما پایه نخست آن ، ریشه ، شاخه و مَعْدِنُهُ ، وَاَوْفَىكُمْ مُمْتَنَاهُ . بَابِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَاَنْفُسِي ، كَيْفَ و معدن و جایگاه و سرانجام آن هستید . پدرم ، مادرم و جانم فدای شما باد ؛ چگونه اَصِفُ حُشْنَ ثَنَائِكُمْ ، وَاَخْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ ، وَاَخْرَجْنَا اللّٰهَ ثَنَاءَ نِيكُوِي شَمَا رَا تَوْصِيْفَ كُنْم و نعمت زیبای تان را بشمارم ، و خداوند به توسط شما ما رَا مِّنَ الدَّلِّ ، وَاَخْرَجْنَا عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوْبِ ، وَاَنْقَذَنَا مِّنْ شَفَاخِرِفِ

تو الْوَهَابُ ، شَيْحَانِ رَبَّنَا إِنَّ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا . يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، إِنَّ بَسِيَارَ بَخْشَندهِ اِي ، پاك و منزّه است پروردگار ما به حقيقت وعده پروردگار ما محقق خواهد شد . اِي وَلِيَّ خِدا ؛ به راستي كه بِنَبِيِّ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَرَأَتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ ، فَيَحَقُّ مِيانِ مَنْ وَ خِدايِ متعالِ گناهاني است كه جز رضايِ و خشنودي شما آنها را از بين نمي برد ، پس به حَقِّ مَنْ اِثْمَنَكُمْ عَلَي سَيَرِهِ ، وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرٌ خَلْفِهِ ، وَفَرَنْ طَاعَتِكُمْ كَسِي كه شما را بر راز خود امين قرار داده و تدبير و امور و مراعات حال بندگانش را به شما سپرد و طاعت شما را قرين و پيوسته با طاعت خود بطاعته ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي ، وَكُنْتُمْ شُفَعَاتِي ، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ ، قرار داد ، كه نسبت به گناهان من طلب آمرزش و بخشش كنيد و شما شفيعان من باشيد ، پس من به حقيقت مطيع و فرمان بردار شما هستم ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ ، وَمَنْ هَر كه از شما فرمان برد در واقع از خدا فرمان برده و هر كه از (فرمان) شما عصيان كند در واقع از خدا عصيان نموده أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ . أَللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ اسْت و هر كس شما را دوست بدارد در واقع خدا را دوست داشته و هر كه شما را دشمن بدارد در واقع خدا را دشمن داشته . بار خداوندا ؛ من اِگر وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ ، الْأَيْمَةَ شَفِيعَانِي نَزْدِيكَ تَر به تو

جز محمّد و اهل بیت برگزیده اش - که پیشوایان الأبرار، لَجَعَلْتُهُمْ سَمْعَانِي، فَيَحْفَهُمُ الَّذِي أُوجِبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ، نيكوکارند - می یافتم آنان را شیعیان خود قرار می دادم، پس به حقّ آنها که آن را بر خود لازم شمرده ای اَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمَّلِهِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَيَحْفَهُمْ، وَفِي زُمْرِهِ از تو می خواهم که مرا در گروه اهل معرفت به آنان و حَقِّشان قرار دهی و در زمره المُرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى كَسَانِي که به شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار گرفته اند، وارد سازی؛ زیرا که تو مهربان ترین مهربانان هستی، و درود خدا بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَتَسَلَّمَ كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (۷) محمّد و خاندان پاکش و سلام زیاد بر آنان باد و خداوند ما را بسنده است و خوب حمایتگری است.

زیارت امین الله و فضیلت آن

زیارت «امین الله» و فضیلت آن

زیارت «امین الله» را به چند جهت آوردیم:

۱- در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمودند:

این کلام و این دعا (زیارت امین الله) را هر یک از شیعیان ما نزد قبر امیر مؤمنان یا یکی از امامان علیهم السلام بخواند، به طور حتم و بی شک، دعایش در صندوقچه ای از نور بالا می رود و تسلیم قائم آل محمّد ارواحنا فداه می شود ...

۲- این زیارت از زیاراتی است که حضرت مهدی صلوات الله علیه آن را خوانده است؛ چنان که در جریان شرفیابی حاج علی بغدادی خدمت آن حضرت آمده است.

۳- امام زمان ارواحنا فداه در جریان دیدار حاج علی

بغدادی، تصریح و تأکید فرمودند که: این زیارت از برترین زیارت هاست.

نکته مهمی که از آن جریان استفاده می شود این است که این زیارت، جزو زیارت های جامعه و عمومی امامان است و در تمام حرم های اهل بیت علیهم السلام می توان خواند؛ چنان که آن حضرت این زیارت را در حرم امام کاظم و امام جواد علیهما السلام در شهر کاظمین خواندند. البته، این نکته در روایت امام باقر علیه السلام نیز، به صراحت بیان شده است.

مرحوم محدث قمی می فرماید: این زیارت دارای اعتباری کامل است، و در تمام کتاب های ادعیه و زیارات آمده است.

علامه مجلسی رحمه الله این زیارت را بهترین زیارت ها از نظر متن و سند می شمارد؛ وی می افزاید: شایسته است در تمام حرم های مطهر و مقدس خوانده شود؛ چنان که با سندهای معتبر از جابر از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

امام سجّاد علیه السلام به زیارت قبر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام رفت و نزد قبر ایستاد و گریست و قرائت نمود:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِيْنَ اللّٰهُ فِيْ اَرْضِهِ ، وَحُجَّتُهُ عَلٰى عِبَادِهِ ، سَلَامٌ بِرِ تَوْ، اِي امانت دار خداوند در زمینش، و حجت او بر بندگانش؛ (اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ (۸) ، اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ) سَلَامٌ بِرِ تَوْ، اِي فرمانروای مؤمنان؛ (گواهی می دهم که شما به طور کامل در راه خدا جهاد کردی حَقَّ جِهَادِهِ ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ ، وَاتَّبَعْتَ سِرِّيْنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَحَقَّش را ادا فرمودی؛ به کتاب خدا عمل نمودی، و از سنت های پیامبر - درود خدا بر او

و آل او - پیروی کردی؛ و اِلِه، حَتَّى دَعَاكَ اللّٰهُ اِلَىٰ جَوَارِهِ، فَفَبَضَّكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَ اَلْزَمَ تَا اَن كِه خداوند تعالی، شما را به جوارش فرا خواند، و با اختیار و انتخابش شما را از این دنیا به سوی خود برد؛ و اَعْدَاءَكَ الْحُجَبَةَ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْخَبِيحِ الْبَالِغِ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِهِ. با وجودی که حجت های رسایی بر تمام آفریدگان داشتی، باز هم حجت را بر دشمنانت تمام کرد. اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِارِهَا؛ نَفْس و روح مرا به تقدیرت مطمئن گردان، و به قضا و فرمانت خشنود گردان. حِرْصَ مَرَا بِدِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ، مُجِبَةً لِّصَفْوَةِ اَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي اَرْضِكَ به یاد خودت و دعا کردن به درگاهت افزون کن، و مرا دوست دار واقعی برای اولیای برگزیده ات قرار بده. مَرَا دَر زَمِينِ وَسَيِّمَاتِكَ، صَابِرَةً عَلٰى تَزْوَلِ بِلَايِكَ، شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، و آسمانت محبوب گردان؛ بر فرو ریزی بلاهایت شکیبیا ساز؛ بر زیادتی نعمت هایت سپاسگزار، ۱. این فقره از زیارت؛ در حرم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خوانده شود.

ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ الْاَيَّامِ، مُشْتَاَفَةً اِلَىٰ فَوْحِهِ لِقَائِكَ، مَتَزَوِّدَةً التَّوْفَىٰ بِه يَادْ اَوْرَىٰ نِعْمَتِ هَاى فِرَاوَانْت مَشْغُول دَار؛ به سرور و شادمانی دیدارت مشتاق کن؛ توشه بردارنده تقوا و پرهیزکاری لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُشْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِّاخْلَاقِ اَعْدَائِكَ، بَرَاى رُوْز قِيَامْت؛ و اجراکننده سُنْت و طریقه اولیا و خاصان خود؛ جداشونده از اخلاق دشمنانت قرار ده؛ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ.

و از کار دنیا مشغول به حمد و ثنای خودت نما

سپس ، گونه مبارک خود را بر قبر آن حضرت قرار داده و گفت :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوْبَ الْمُحِبِّينَ اِلَيْكَ وَالِهَهُ ، وَشَيْبَلِ الرَّاعِبِينَ اِلَيْكَ بار الها ؛ راستی، قلب خاشعان و خداترسان ، واله و حیرانت است ، و راه های مشتاقان به سوی تو باز است ، شَارِعَهُ ، وَاَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ اِلَيْكَ وَاضِحَهُ ، وَاَفِيْدَةَ الْعَارِفِينَ و نمایان، و نشانه ها برای کسانی که قصد رسیدن به تو را دارند آشکار است، و دل های اهل معرفت از تو بسیار مَنِكَ فَارِعَهُ ، وَاَصْوَاتَ الدَّاعِينَ اِلَيْكَ صَاعِدَةً ، وَاَبْوَابَ الْاِجَابَةِ در هراس است، و صداهای دعا کنندگان به طرف تو بالا رونده است، و درهای اجابت و پاسخ گویی نیز لَهُمْ مُفْتَحَهُ ، وَاَدْعَاةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً ، وَاَتَوْبَةَ مَنْ اَنَابَ اِلَيْكَ برای شان باز شده است؛ و دعای هر کسی که با تو مناجات و به آرامی تو را بخواند مستجاب است، و توبه و بازگشت کسی که به مَقْبُولَهُ ، وَاَعْبَرَهُ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْخُومَهُ ، وَاَلِغَاةَ لِمَنْ سَوَى تو بازگردد پذیرفته شده است، و اشک گریه کننده از ترس تو مورد تَرْحَمِ قرار می گیرد؛ و دادرسی برای کسی که اِسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَهُ ، وَاَلِغَاةَ لِمَنْ اِسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَهُ ، دادخواهی کند موجود است ، و برای کسی که از تو کمک بخواهد، کمک بلاعوض می فرستی؛ وَاَعْدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةً ، وَاَزَالَ مَنِ اِسْتَعَانَكَ مُقَالَهَ ، وَاَعْمَالَ و وعده هایی که به بندگانت داده ای قطعی است؛ و هر کس از تو درخواست چشم پوشی از لغزش خود را بکند چشم پوشی می کنی؛ الْعَابِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً ، وَاَزْرَاقَكَ اِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ و اعمال عمل کنندگان ، نزد تو نگهداری و باقی

می ماند؛ و نصیب ها و روزی های تو، به سوی بندگانت نازله، و عَوَايِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَهٗ، و دُنُوبَ الْمُشْتَغْفِرِينَ فرستاده می شود؛ و عایدات بیش تر نیز برای شان ارسال و به دست شان می رسد؛ و گناه بخشش خواهان، مَغْفُورَهٗ، و خَوَائِجِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَهٗ، و جَوَائِزِ السَّالِئِينَ عِنْدَكَ بخشیده شده است؛ و خواسته های آفریدگانت، نزد تو برآورده شده است؛ و پاداش و جایزه های درخواست کنندگان نیز مَوْفُورَهٗ، و عَوَايِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَهٗ، و مَوَايِدَ الْمَشِيَّتِ طَعِيمِينَ مُعَيَّدَهٗ، نزد فراوان است؛ و بهره های فراوان بی دری می رسد؛ و سفره های تو برای گرسنگان گسترده است؛ و مَنَاهِلَ الطَّمَاءِ مُتْرَعَهٗ . اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، و اَقْبِلْ تَنَائِي، و چشمه ها نیز برای سیراب شدن تشنگان، لبریز و پر آب است . بار الها؛ پس، دعایم را مستجاب کن و پاسخ بده؛ و ثنا گوایم را بپذیر؛ و اَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ اَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَهٗ وَ مَنْ و اولیایم را گرد هم آور؛ به حق محمد، علی، فاطمه، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اِنَّكَ وِلِيُّ نِعْمَائِي، و مُمْتَنِي مَنَائِي، و غَايَهٗ حَسَنٍ وَ حَسِينٍ؛ و اِقْعِيَتِ اَنْ اَسْتَ كِه سرپرست نعمت های من تویی، و حِدَّ نَهَائِي اَرْزُو، و نَهَابَتِ رَجَائِي فِي مُتَّقَلِبِي وَ مَمْتَوَائِي .

امید من در دنیا و آخرت، تو هستی .

در کتاب «کامل الزیارات» ، این عبارات در پایان این زیارت آمده است :

اَنْتَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، اِغْفِرْ لِّاَوْلِيَائِنَا ، وَكُفِّ عَنَّا اَعْدَاءَنَا ، تُو، خدای من، آقای من و مولای من هستی؛ دوستان ما را بیمارز، و دشمنان ما را از ما باز دار، و اَشْغَلْهُمْ عَنِّ اَذَانَا ، و اَظْهِرْ كَلِمَهٗ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا ، و اَذْحِضْ و اَنَان را از

آزار ما مشغول ساز؛ و کلمه و سخن حق را آشکار و آن را بالاتر از هر چیز قرار ده، و کَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . کلمه باطل را ناپود کن، و آن را پایین ترین درجه قرار ده. راستی، تو بر هر کاری توانایی .

سپس امام باقر علیه السلام فرمود :

هیچ یک از شیعیان ما این کلام (زیارت امین الله) را نزد قبر امیر مؤمنان علیه السلام نمی خوانند و دعا نمی کنند، مگر آن که دعایش در نامه ای از نور بالا می رود، و مهر پیغمبر بر آن می خورد، و نگهداری می شود تا به قائم آل محمد علیهم السلام سپرده می شود . در این حال نیز، بشارت و احترامات ویژه و اکرام، برای زیارت کننده ارسال می گردد - اگر خدا بخواهد - . (۹)

زیارت وارث (۱۰)

زیارت وارث

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَدَمَ صَيِّمُوهُ اللَّهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ سَلَامٍ بَرِ تُو، اِي ارث برنده از حضرت آدم که برگزیده خدا بود، سلام بر تو، اِي ارث برنده از نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ، السَّلَامُ نُوْحٍ كِيَا مَبْرِ خِدا بُو، سَلَامٌ بَرِ تُو، اِي ارث برنده از ابراهيم که دوست و يژه خدا بود، سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى بَرِ تُو، اِي ارث برنده از موسى که هم کلام خدا بود، سلام بر تو، اِي ارث برنده از عيسى که رُوْحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ ، السَّلَامُ رُوْحِ خِدا بُو، سَلَامٌ بَرِ تُو، اِي ارث برنده از حضرت محمد که دوست واقعي و محبوب خدا

بود ، سلام عَلَیْكَ یا وارثَ امیرالمؤمنینِ وَلِیِّ اللّهِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ یابْنَ بر تو، ای ارث برنده از امیر مؤمنان که ولی خداست . سلام بر تو ، ای فرزند مُحَمَّدِ الْمُصِیْطَفِی ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یابْنَ عَلِیِّ الْمُؤْتَصِی ، السَّلَامُ مُحَمَّدِ مصطفی، سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی (پسندیده شده) ، سلام عَلَیْكَ یابْنَ فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یابْنَ خَدِیجَةَ الْكُبْرَى ، بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا ، سلام بر تو ، ای فرزند خدیجه که بزرگ زنان بود . السَّلَامُ عَلَیْكَ یا نازَ اللّهِ وَاِبْنَ ثَارِهِ وَالْوِثَرَ الْمُؤْتَوْرَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ سَلَامٌ بر تو، ای خون خدا و پسر خون خدا که انتقامش گرفته نشده است؛ گواهی می دهم که تو ۱ . مفاتیح الجنان : ۶۹۸، مصباح المتعجد : ۷۳۸، و در مصباح الزائر : ۴۷۴ ، و مزار آقا جمال خوانساری : ۹۸ با تفاوت اندک.

۲ . در جریان تشرف مرحوم حاج علی بغدادی در حرم مطهر کاظمین علیهما السلام ، حضرت امام عصر صلوات الله علیه بعد از زیارت امین الله ، زیارت وارث را قرائت نمودند .

قَدْ أَقَمْتُ الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزُّكُوةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ نِمَازَ رَا بِه خُوبِی بِرِبَا دَاشْتِی، وَ زَكَاتِ دَادِی، وَ اَمْرَ بِه مَعْرُوفِ وَ نَهْیَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَأَطَعْتَ اللّهُ وَرَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ، فَلَعَنَ اللّهُ اَزْ مَنْكَرِ كَرْدِی، وَ اَزْ خُدا وَ فَرَسْتَاذَه اش فَرْمَانِ بَرْداری كَرْدِی تا مَرگِ بِه سِرَاغْتِ اَمَد . پس، خُداوند، اُمُّهُ فَتَلَنْتَكَ ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ ظَلَمْتِكَ ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ سَيِّعَتْ بِذَلِكِ كَشَنَدگانِ تو وَ اُمْتِی كِه بِرِ تو سَتَمِ كَرْدند وَ گِرُوه هابی را

که با شنیدن خبر شهادت فَرَضِيَّتْ بِهِ . یا مَوْلایِ یا أَبَاعَبْدِاللَّهِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِی تَوْخِشْتُوذِ شَدَنْد ، لَعْنَتِ كَنْد . ای مَوْلایِ مِنْ ؛ ای ابا عبدالله الحسین ؛ گواهی می دهم که تو نوری در الْأَضْيَابِ السَّامِيَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِسِتِّ هَايِ ارْجَمَنْد ، وَرَحْمِ هَايِ پاكِ بُوْدی ؛ جَاهِلِيَّتِ ، بَا آن همه آلودگی و پلیدیش تو را آلوده نساخت ؛ بِأَنْجَابِيَّتِهَا ، وَلَمْ تَلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ نِيَابِهَا ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ وَازِ لِبَاسِ هَايِ ناپاكش بر تنت نپوشانید ، گواهی می دهم که تو یکی از دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرُّ الْتَقِيُّ پايه های اصلی دین اسلام هستی ، وَازِ نَكِيه گاه های مؤمنان می باشی . گواهی می دهم که تو امام و پیشوای نيكوكار ، پرهيزگار ، الرِّضِيُّ الرِّكِيُّ الْهَادِي الْمُهَيِّدِي ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ رِضَايَتِ مَنْد ، خالص و پاك ، هدايت گر و هدايت يافته هستی . گواهی می دهم پیشوایان و امامانی که از نسل تو هستند كَلِمَةُ التَّقْوَى ، وَأَعْلَامُ الْهُدَى ، وَالْعَزْوَةُ الْوُثْقَى ، وَالْحُجَّةُ عَلَى نِشَانِه تَقْوَا ، بِرِجْمِ هَايِ هدايت ، ريسمان محكم الهي وَحِجَّتِ خِدا بِرِ أَهْلِ الدُّنْيَا . وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُ وَرُسُلُهُ أَنِّي بِكُمْ تَمَامِ مَرْدَمِ دُنْيَا مِي بَاشَنْد . خِدا وَفَرِشْتِگَانِ وَبِيامبران وَرِسولانِش را به گواهی می گیرم که نسبت به شما اهل بيت مؤمنين ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ ، بِشَرَايعِ دِينِي ، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي ، وَقَلْبِي اِيْمَانِ وَبَاورِ دَارِمِ ، وَبِهَ بازگشت شما يقين دارم ؛ وَاين به خاطر راه های دین من و پايان های عمل من است ؛ قَلْبِ مِنْ ، لِقَلْبِكُمْ بِيْتَلْمُ ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ ، صِلَاوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ، وَعَلَى تَسْلِيمِ

قلب شما است؛ و امر من تابع امر شماست؛ درود پیوسته الهی بر شما و اُزواجکم، و علی اُجسادکم و علی اُجسامکم، و علی شاهدکم روح، تن، جسم، حاضر و علی غائِبکم، و علی ظاهرکم و علی باطنکم

و پنهان، آشکار و ناپیدای شما باد.

سپس خود را به قبر چسبانده، آن را بوسیده، می گوئی:

يٰٓأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ، يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اى فرزند رسول خدا؛ پدر و مادرم فدایت؛ اى ابا عبدالله (الحسين)؛ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَةُ، وَ جَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ بَدْرٍ وَ مَادِرْمِ فِدَايَتٍ؛ تعزيت و مصیبتی که به شما وارد شد بر ما و تمام السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَشْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَ تَهَيَّأَتْ زَمِينِيَانِ وَ آسْمَانِيَانِ بَسِيَارٍ بَزْرَكٍ وَ كِرَانِ اسْتِ؛ پس، خدا گروه هایی را که اسبایشان را زین کردند و لگام زدند و برای لِقْتَالِكَ . يا مَوْلَايَ يا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، فَصَدَّتْ حَزْمَكَ، وَ أَتَيْتُ إِلَى كِشْتِنِ تُو آمَادَه شَدْنَدِ، لَعْنَتِ كُنْدِ. اى مولای من؛ اى ابا عبدالله؛ به قصد زیارت حرم تو حرکت کردم، و به مَشْهَدِكَ، أَشْرَبَلُ اللَّهُ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ حُضُورِ تُو آمَدَمِ؛ از خدا درخواست می کنم، به خاطر جایگاه و منزلت ویژه اى که لَدَيْهِ أَنْ يُعِيلَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ نَزْدِش دَارِي، بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کند؛ و مرا فى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

در دنیا و آخرت، با شما بدارد.

سپس، برخیز و دو رکعت نماز نزد سر مطهر بخوان، و هر سوره اى خواستی در

نماز قرائت کن ؛ پس از پایان نماز ، بگو :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ صَائِلٌ وَّرَكَعْتُ وَّسَجَدْتُ لِمَكَ ، وَّعِيْدَكَ لَا شَرِيْكَ لِمَكَ ، بار الها ؛ من ، تنها برای تو نماز گزاردم و برای تو رکوع کرده و سر به سجده گذاشتم ؛ یگانه ای و شریکی نداری ؛ يَا اِنَّ الصَّلٰوةَ وَالرُّكُوْعَ وَالسُّجُوْدَ لَا يَكُوْنُ اِلَّا لِمَكَ ، لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ زِيْرًا ، نماز و رکوع و سجده، جز برای تو جایز نیست؛ زیرا، تو خدا هستی و لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَبْلِغْهُمْ جِزَ تَوْ مَعْبُوْدِيْ نِيْسْت . بار الها ؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست ، و عَنِّيْ اَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيّٰةِ ، وَاُرْزُقْ عَلِيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ . اَللّٰهُمَّ وَاَلاتَرِيْنَ سَلَامٍ وَّ اِحْتِرَامَاتٍ رَا اَزْ مَن بَه اِيْشَانِ بَرَسَانِ ، و بَه مَن نِيْز پَاسِخِ سَلَامٍ رَا بَرْگَرْدَانِ . خدایا ؛ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّيْ اِلَى مَوْلَايَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِيْن دُو رَكَعَتٍ نَمَاز ، هَدِيَه اِيْ اَسْت اَزْ جَانِبِ مَن بَه مَوْلَايِمِ حَسِيْنِ بِنِ عَلِيٍّ عَلَيَّهِمَا السَّلَامُ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ عَلِيٍّ ، وَتَقَبَّلْ مِنِّيْ ، كَهْ دَرُوْدِ بَرْ هَرِ دُوْ بَادِ . خدایا ؛ بر حضرت محمّدصلی الله علیه وآله وسلم و بر او (امام حسین علیه السلام) درود بفرست ، و نماز و هدیه ام را بپذیر ، وَاَجْزِنِيْ عَلٰى ذَلِيْكَ بِاَفْضَلِ اَمَلِيْ وَرَجَائِيْ فِيْكَ وَفِيْ وَّلِيْكَ ، و اَفْزُوْنَ تَرَا اَمِيْدٍ وَّ اَرْزُوْمِ دَرِ مَوْرِدِ خُوْدَتِ وَّ وَلِيْتِ ، بَه مَن پَادَاشِ بَدَه ؛ يَا وَّلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ .

ای سرپرست مؤمنان ؛

سپس برخیز و به طرف محلّ پاهای مبارک برو ، و نزد سر مبارک حضرت علی اکبر

علیه السلام بایست و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ نَبِیِّ اللّٰهِ ، سلام بر تو، ای فرزند رسول خدا ، سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ الْحُسَیْنِینَ سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان ، سلام بر تو، ای فرزند امام حسین الشَّهِید، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الشَّهِیدُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَظْلُومُ شَهِید ؛ سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای ستمدیده وَاِبْنَ الْمَظْلُومِ ، لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ فَتَلَّكَ ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ ظَلَمْتَكَ ، و فرزند ستمدیده؛ خدا ، گروه هایی را که تو را کشتند و بر تو ستم کردند ، مورد لعن و نفرین خود قرار دهد ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ سَمِعْتَ بِذَلِکَ فَرَضِیْتُ بِهِ .

و آن ها که خبر این ها را شنیدند و خوشحال شده و این کارها را پسندیدند، لعنت و از رحمتش به دور سازد .

سپس ، خود را به قبر مطهر بجسبان و قبر را بیوس و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِیَّ اللّٰهِ وَاِبْنَ وَلِیِّهِ ، لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِیْبَةَ ، سلام بر تو، ای ولی خدا و فرزند ولی خدا؛ به یقین مصیبت و گرفتاری که به واسطه شهادت تو وَجَلَّتِ الرَّزِیَّةُ بِكَ عَلَیْنَا وَعَلَى جَمِیعِ الْمُسْلِمِینَ ، فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ بر ما و تمام مسلمانان وارد شد، بسیار گران و بزرگ است؛ خدا گروه های کشنده تو را فَتَلَّكَ ، وَأَبْرُهُ إِلَى اللّٰهِ وَ اِلَیْكَ مِنْهُمْ .

لعنت و از رحمتش به دور سازد؛ من نیز به سوی خدا و شما، از آن افراد ناپاک بیزاری می جویم .

سپس از دری که طرف پاهای مبارک علی

اکبر علیه السلام است ، از حرم بیرون برو ، و رو به قبر شهدای کربلا بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْرَفِيَاءَ سَلَامٍ بَرِ شَمَاءِ ، اِي اَوْلِيَايِ خِدا وَ دُوسْتانِ او ، سَلَامٍ بَرِ شَمَاءِ ، اِي بَرِ گَزِيْدگانِ اللّهِ وَ اَوَدَّ آئَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ دِيْنِ اللّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ خِدا وَ دُوسْتانِ وِيْزِه اش ، سَلَامٍ بَرِ شَمَاءِ ، اِي يارانِ دِيْنِ خِدا ، سَلَامٍ بَرِ شَمَاءِ ، اِي اَنْصَارَ رَسُوْلِ اللّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَمِيْرالْمُؤْمِنِيْنَ ، اِي يارانِ رَسُوْلِ خِدا ، سَلَامٍ بَرِ شَمَاءِ ، اِي يارانِ اَمِيْرِ مُؤْمنان ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِيْنَ ، السَّلَامُ سَلَامٍ بَرِ شَمَاءِ ، اِي يارانِ حَضْرَتِ فَاطِمِه ، سُرُورِ زَنانِ جِهانِ هَسْتِي ، سَلَامٍ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، بَرِ شَمَاءِ ، اِي يارانِ اَمامِ حَسَنِ فُزَنْدِ عَلِي ، سُرِيرِستِ وَ وَلِيِّ خَيْرِخواهِ مُسَلْمانان ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبِي عَجْدِاللّهِ ، بِاَبِي اَنْتُمْ وَ اُمِّي ، طِبْتُكُمْ سَلَامٍ بَرِ شَمَاءِ ، اِي يارانِ اَبِي عَبْدِاللّهِ الْحَسِينِ ؛ پَدَرِ وَ مَادَرَم ، فِدايِ شَماءِ باد ؛ شَماءِ پاكَ وَ طابَتِ الْاَرْضِ الَّتِي فِيْها دُفِنْتُمْ ، وَ فُزْتُمْ فُوزاً عَظِيماً ، فَيَا لَيْتَنِي وَ زَمِيْنِي كَهْ دَرِ اَنْ دَفِنَ شَدِه اِيْدِ نِيْزِ پاكَ اسْت ؛ بَه كَامِيَايِي وَ رِستگاريِ بَزَرگِي دِستِ يافْتِيْد ؛ اِي كاشِ مَن كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ .

نيز همراه تان بودم و با شما رستگار مي شدم .

سپس به طرف سر مطهر امام عليه السلام برگرد و تا مي تواني براي خودت ، خانواده ات ، پدر و مادرت ، و برادرانت دعا کن ؛ زيرا ، در آن حرم هيچ دعا و درخواستي رد نمي شود . (۱۱)

مطالبی که در این کتاب خواندید

، نمازها ، دعاها و زیارت هایى است كه با توفیق خداوند و به برکت امام عصر عجل الله تعالى فرجه ، آن ها را گردآوری و تألیف نمودم .

وَأنا العبد الفانى مرتضى ، ابن الورع العابد ذى المجد والسداد ، السید محمد جواد ، المتوفى فى يوم عاشوراء سنة ١٤١٥ هـ بعد قرأته زیاره عاشوراء فى مجلس العزاء لسید الشهداء علیه آلاف التحية والثناء ، ابن العالم العابد الزاهد السید محمد باقر ، ابن العالم الربانى آیه الله العظمى السید على السیستانی أعلى الله مقامه .

منابع ومصادر كتاب

(١) نجم الثاقب : ٦٠١ .

(٢) الباقیات الصالحات (حاشیه مفاتیح الجنان) : ٢٦٠ .

(٣)

(٤)

(٥) مفاتیح الجنان : ٩٠٨ .

(٦) دار السلام : ٤٣/٢ .

(٧) مفاتیح الجنان : ١٠٧١ ، مزار آقا جمال خوانساری : ٦٠ .

(٨)

(٩)

(١٠)

(١١) مفاتیح الجنان : ٨٤٩ .

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghamiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادهای انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

